



فقیہ عالیقدر

تألیف مصطفیٰ الزودی

فقیہ
عالیقدر

تألیف مصطفیٰ الزودی

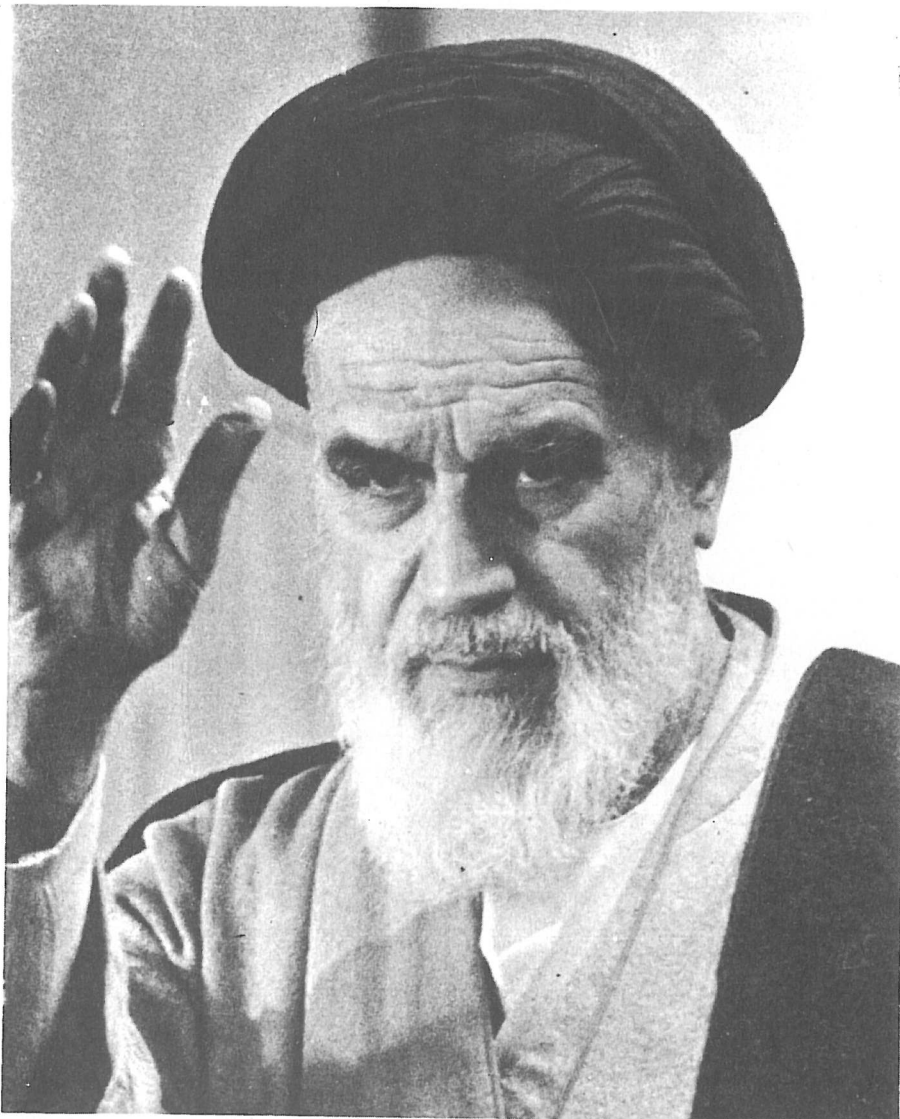
سروش

بها ۳۵۰ ریال

انتشارات صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران



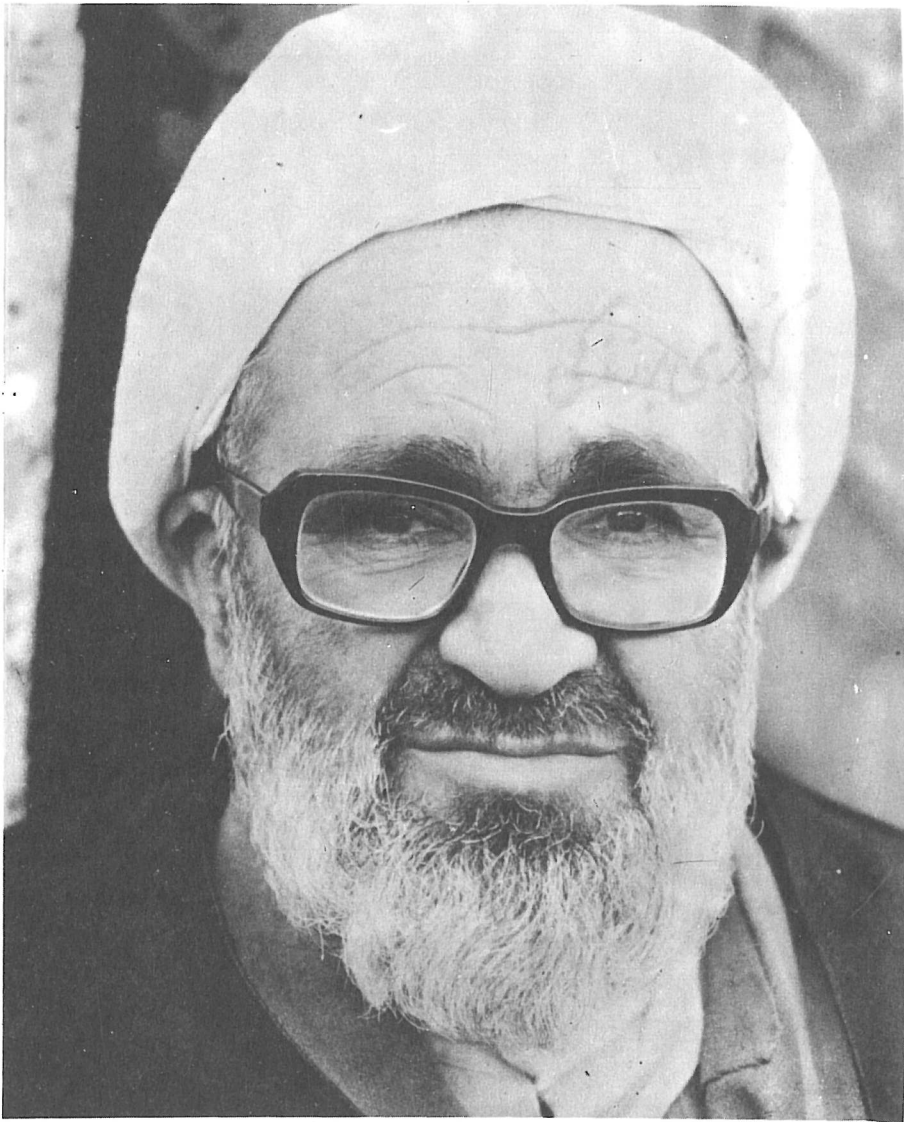
بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



ملت رشید ایران به رهبری زعیم بزرگ حضرت آیه الله العظمی امام خمینی
مدظله - این امانت بزرگ خدا در زمین، این حلقوم همیشه رزمنده و فریادگر اسلام -
رسالت تداوم پیروزی انقلاب را با تمام وجود خویش دنبال می کند و بر عموم مسلمین
واجب است راه پرافتخار این زعیم عالیقدر اسلام را تعقیب نماید.

آیت الله منتظری

(در پیام به سمینار هفته پزشکی ۵۸/۱۲/۲۰)



منتظری يك فرد بسیار ارزنده‌ای است. ملای متعهدی است، ایشان جسها دیده‌اند، زجرها کشیده‌اند و در این امور پخته شده‌اند.

امام خمینی

(۵۸/۶/۲۷)

«من شما را مجاهدی بزرگوار و فقیهی عالیقدر می‌دانم»

امام خمینی خطاب به آیت‌الله منتظری

(۵۸/۶/۲۱)

گذری بر زندگی

فقیه عالیقدر

آیت الله مطهری

تألیف مصطفی ایزدی

سروش

تهران - ۱۳۶۲

انتشارات صدا و سیما
خیابان استاد مطهری
نیش خیابان دکتر مفتاح
ساختمان جام جم



انتشارات صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

خیابان استاد مطهری، نیش خیابان دکتر مفتاح، ساختمان جام جم.

چاپ اول: خرداد ۱۳۶۱.

چاپ دوم: ۱۳۶۲

حروفچینی: لاینوترون انتشارات سروش

این کتاب در ده هزار نسخه در چاپخانه علامه طباطبایی چاپ و صحافی شد.

همه حقوق محفوظ است.

تقدیم به:

استاد، پیشوای فقیه مجاهد، رهبر انقلاب، امام خمینی.

تقدیم به:

پدر، مربی و راهنمای مجاهد بزرگوار، کشاورز پارسا، حاج علی منتظری.

تقدیم به:

پیروان و دوستان فقیه عالیقدر که در عاشورای ۱۳۹۸ هـ ق به جرم گفتن «منتظری آزاد باید گردد»، زیر سبانه‌ترین شکنجه‌های ماموران شهربانی نجف‌آباد دستوپا زدند اما لب به سخن نگشودند.

«... همه می‌دانند که حضرت آقای منتظری مدظله یکی از بزرگترین اساتید سطوح عالیه بوده و در چند سال اخیر درس خارج ایشان مجمع جمعی از فضلالی حوزه علمیه قم می‌باشد و بدون اغراق اکثریت طلاب حوزه علمیه قم و بسیاری از مبلغین عالیمقام که هم‌اکنون در سراسر کشور مشغول تبلیغ و ارشادند از محضر درس این بزرگوار استفاده برده و می‌برند...»

مدرستین و محصلین مبارز حوزه علمیه قم، ۱۳۴۵ شمسی.

فهرست مطالب

۱۱۲	خاطره جاوید	۱۰	فهرست تصاویر و اسناد
۱۱۳	مسجد، مجمع امت	۱۳	پیشگفتار چاپ جدید
۱۱۳	خطبه‌هایی از دوران اختناق	۱۵	پیشگفتار چاپ اول
۱۲۷	کوشش مذبحخانه		
۱۲۸	توطئه فریب مردم (از طرف ساواک)	۱۷	۰۱. قبل از پیروزی انقلاب
۱۳۶	توطئه تطمیع	۱۹	علل شناساندن
۱۳۹	تلاش تضعیف	۲۰	دستیابی به آرزو
۱۵۲	میهمان کویر	۲۱	زادگاه آیت‌الله منتظری
۱۷۱	تبعید به خلخال	۲۴	والدین آیت‌الله
۱۸۰	سقز، آخرین تبعیدگاه	۳۴	دوران کودکی و نوجوانی
۱۸۴	از تبعید به زندان	۳۵	مهاجرت به قم
۱۹۴	آزادی پرشکوه	۳۵	مختصری از زندگی شهید مطهری
۱۹۶	بازگشت به قلب انقلاب	۴۲	آشنایی با آیت‌الله‌العظمی بروجردی
۲۰۰	دیدار با امام خمینی در پاریس	۴۸	تشکیل خانواده
۲۰۰	تحصن در دانشگاه تهران	۴۹	مقام استادی در حوزه علمیه قم
		۴۹	در کنار امام خمینی
۲۰۳	۰۲. بعد از پیروزی انقلاب	۵۸	حضور در انقلاب
۲۰۴	تلخیص آن وجود منور (شعر)	۶۳	زندان و شکنجه
۲۰۶	پیروزی انقلاب اسلامی	۷۰	نامه‌های تاریخی از زندان
۲۰۷	سفر برای استراحت	۷۸	مسافرت به عراق
۲۱۰	دیدارهای وحدت‌آفرین	۸۴	اولین تبعید
۲۲۲	همبستگیهای سازنده	۹۱	زندان مجدد
۲۳۳	توجه به وحدت مذاهب اسلامی	۹۲	تبعید به زادگاه (نجف‌آباد)
۲۴۱	مجلس بررسی قانون اساسی	۱۰۰	طرح برپایی نماز جمعه

۳۵۴	کار و کارگر	۲۵۰	امامت نماز جمعه تهران
۳۵۶	رهبری امام خمینی	۲۵۸	وحدت حوزه علمیه و دانشگاه
۳۵۸	وحدت	۲۷۶	مراجعت به شهر قیام
۳۶۰	جنبشهای آزادیبخش	۲۸۷	منزل او در قم، میعادگاه مردم آزاده
۳۶۲	مقابله با امپریالیسم	۳۰۲	جنگ اسلام و کفر
۳۶۶	پانزده خرداد چهل و دو	۳۳۲	سمینار ائمه جمعه
۳۶۷	گروههای منحرف		
۳۶۹	رادیوتلوویزیون و مطبوعات	۳۴۷	۳. نظرها
۳۷۱	نیروهای نظامی و انتظامی	۳۴۸	اقتصاد اسلامی
۳۷۴	تذکر چند نکته درباره کتاب حاضر	۳۵۱	جهاد در اسلام
۳۷۷	ملحقات چاپ دوم	۳۵۲	کشاورزی
۳۸۵	فهرست اعلام		

فهرست اسناد و تصاویر

۲	تصویر رهبر کبیر انقلاب حضرت آیت الله امام خمینی
۳	تصویر فقیه عالیقدر حضرت آیت الله حسینعلی منتظری
۲۵	تصویر حجت الاسلام حاج شیخ عباس ایزدی
۲۷	تصویر حاج علی منتظری، پدر آیت الله منتظری
۳۶	تصویر آیت الله منتظری، حوزه علمیه قم
۳۸	تصویر استاد شهید مرتضی مطهری
۴۱	قسمتی از دستخط آیت الله منتظری در رابطه با آشنایی با آیت الله شهید مرتضی مطهری
۴۴	گزارش محرمانه سرتیپ ضرغام درباره آقای منتظری نماینده آیت الله بروجردی در نجف آباد (۱۳۳۴/۵/۲۹)
۴۵	گزارش محرمانه سرتیپ ضرغام (۱۳۳۴/۶/۲۱)
۴۶	تصویر آقای منتظری در سنین جوانی،
۵۰	قسمتی از دستخط آیت الله منتظری در زندان: دفاعیات، حمایت از امام خمینی
۵۱	دستخط فقیه عالیقدر در حمایت از مرجعیت امام خمینی
۵۲	تصویر امام خمینی، عصیانگر بزرگ علیه کفر
۵۷ و ۵۶	دو تصویر از آیت الله منتظری
۶۰	دستخط امام خمینی، گویای اعتماد وی به آقای منتظری
۶۲	نامه سرگشاده به هویدا نخست وزیر طاغوت (۱۳۴۳/۱۱/۲۹)
۶۴	تصویر دیگری از فقیه عالیقدر
۶۶	تصویر حجت الاسلام (شهید) محمد منتظری فرزند ارشد فقیه عالیقدر
۷۶	سند سری از ساواک قم مبنی بر دستگیری فقیه عالیقدر و فرزند برومندش شهید محمد منتظری (۱۳۴۵/۱/۳)
۷۷	سند سری، مجوز اولین شکنجه های فقیه عالیقدر و فرزندش (۱۳۴۵/۱/۵)

- ۸۰ دستخط خودفروخته‌ای که ساواک را از مسافرت فقیه عالیقدر به عراق آگاه می‌کند (۱۳۴۶/۱/۲)
- ۸۱ سند دستور دستگیری فقیه عالیقدر، از اداره کل سوم به ساواک خوزستان (۱۳۴۶/۱/۸)
- ۸۳ گزارش خیلی محرمانه به امضای ازغندی، باصری‌نیا، ثابتی (۱۳۴۶/۳/۲۱)
- ۸۵ سند اعتراف ساواک به عظمت انقلابی و محبوبیت آیت‌الله منتظری در قم (۱۳۵۱/۱/۱۵)
- ۸۷ اولین تبعید: دستورالعمل مرکز به ساواک خوزستان (۱۳۴۶/۱/۹)
- ۸۹ اعلامیه فقیه عالیقدر (۱۳۴۵/۱/۴)
- ۹۰ دستخط فقیه عالیقدر از تبعیدگاه (مسجدسلیمان) به روحانیون نجف‌آباد (۱۳۴۶/۱/۲۳)
- ۹۳ تصویر فقیه عالیقدر. مسجد صفای نجف‌آباد (۱۳۵۱)
- ۹۵ دستور ساواک برای کنترل آیت‌الله منتظری (۱۳۵۱/۸/۲۰)
- ۹۷ دستور مراقبت از آیت‌الله منتظری در خارج از کشور در مراسم حج (۱۳۴۹/۸/۲۶)
- ۹۸ گزارش مأموران ساواک از مکه (۱۳۴۹/۱۲/۷)
- ۹۹ گزارش فعالیتهای آیت‌الله منتظری در سفر حج (۱۳۴۹/۱۲/۲۳)
- ۱۰۸ قسمتی از گزارش مأموران ساواک پیرامون نماز جمعه آیت‌الله منتظری در نجف‌آباد (۱۳۵۱/۶/۱۴)
- ۱۰۹ نظریه ساواک مرکز و دستور سخت‌گیری (۱۳۵۱/۶/۲۲)
- ۱۳۳ نقش ساواک در تضعیف فقیه عالیقدر از طریق کتاب شهید جاوید (۱۳۴۹/۱۲/۲۷)
- ۱۳۷ ساواک اختلافات را دامن می‌زند (۱۳۵۱/۱/۲۹)
- ۱۳۸ سند دیگری از اقدامات ساواک علیه فقیه عالیقدر و کتاب شهید جاوید (۱۳۵۰/۹/۳۰)
- ۱۴۱ سند تضعیف آیت‌الله منتظری به وسیله ساواک (۱۳۴۹/۷/۲۱)
- ۱۴۲ سندی مبنی بر استفاده ساواک از بدنامی خود علیه فقیه مجاهد (۴۹/۱۰/۲۷)
- ۱۴۳ سند دیگر عملیات تضعیف (۴۹/۵/۱۱)
- ۱۴۶ گزارش سری نتایج حاصله از اجرای طرح تضعیف (۱۳۴۹/۸/۶)
- ۱۴۷ نتیجه طبیعی فعالیت علیه روحانیت مبارز (۱۳۴۹/۸/۱۲)
- ۱۴۸ يك سند سری دیگر از ساواک اصفهان (۱۳۵۰/۳/۲۳)
- ۱۵۱ نمونه‌ای از بهانه‌های ساواک برای تبعید آقای منتظری (۱۳۵۱/۱۱/۱)
- ۱۵۴ در تبعیدم آیت‌الله منتظری را راحت نمی‌گذاشتند. سند سری (۱۳۵۲/۶/۲۸)
- ۱۵۶ تصویر آیت‌الله منتظری در زندان قصر
- ۱۶۱ نامه سرگشاده از تبعیدگاه طبس (۱۳۵۲/۷/۱۱)
- ۱۶۲ دستور دستگیری آقای خامنه‌ای به جرم توزیع اعلامیه‌های آقای منتظری (۱۳۵۲/۱۰/۲۷)
- ۱۶۴ سند اقرار رژیم منفور پهلوی به نفوذ آیت‌الله منتظری در میان توده‌ها (۱۳۵۳/۲/۱۵)
- ۱۶۶ سند زبونی مزدوران شاه در مقابل عظمت آیت‌الله منتظری (۱۳۵۳/۴/۳)
- ۱۶۸ دستور خیلی محرمانه ساواک برای تبعید آیت‌الله منتظری از طبس (۱۳۵۳/۴/۸)
- ۱۷۲ قسمتی از دفاعیه آیت‌الله منتظری به خط خود ایشان (طبس ۱۳۵۲/۱۰/۱۰)
- ۱۷۳ قسمت دیگر دفاعیه (۱۳۵۲/۱۰/۱۰)
- ۱۷۷ گزارش اطلاعات شهربانی مبنی بر بی‌توجهی آیت‌الله منتظری نسبت به دستگاه منفور پهلوی (۱۳۵۳/۷/۱۸)
- ۱۷۸ تصمیم ساواک به انتقال آیت‌الله منتظری از خلخال به سقز (۱۳۵۳/۷/۲۰)
- ۱۸۱ دو تصویر از آیت‌الله منتظری در تبعیدگاه سقز (۱۳۵۴)
- ۱۸۳ ساواک می‌خواست در سقز هجوم مردم برای دیدار با آیت‌الله منتظری تکرار نشود (۱۳۵۳/۱۱/۲)
- ۱۸۵ تصویر آیت‌الله منتظری در زندان رژیم سفاک پهلوی (۱۳۵۴)
- ۱۸۸ سند یکی از فجیعترین جنایات رژیم پهلوی یعنی به زندان سپردن فقیه مجاهد (۱۳۵۵/۲/۷)
- ۱۸۹ دستخطی از زندان برای جلوگیری از افشای نام مردم مسلمان
- ۱۹۳ تصویر دیواری در شهر نجف‌آباد قبل از آزادی آیت‌الله منتظری
- ۱۹۷ دستخط امام از پاریس هنگام رهایی آیت‌الله منتظری از زندان

۲۰۱	نماز جماعت در نجف‌آباد (۱۳۵۷/۱/۱)
۲۱۲	دستخط آیت‌الله منتظری به نخست‌وزیر لیبی
۲۲۰	دیدار نمایندهٔ جبههٔ آزادیبخش مورو با آیت‌الله منتظری
۲۲۱	دیدارهای وحدت‌آفرین
۲۲۷	تصویری از دو یار مجاهد: آیت‌الله منتظری و شهید دکتر مفتاح
۲۲۹	تصویری از دو شهید: حاجی آقا مصطفی خمینی و حاج‌سیدمحمدعلی قاضی طباطبایی
۲۳۶	دستخط آیت‌الله منتظری جهت تأسیس دانشگاه اسلامی در کردستان
۲۴۲	تصویری از آیت‌الله منتظری در مجلس خبرگان
۲۴۹	در حال رای دادن به قانون اساسی جمهوری اسلامی
۲۵۲	تصویر مجاهد فقید آیت‌الله طالقانی
۲۵۴	شاخصترین چهرهٔ امامت جمعه در ایران انقلابی
۲۷۴	افتتاح دانشگاه تهران (۱۳۵۸/۷/۸)
۲۸۰	آیت‌الله منتظری به اتفاق آیت‌الله مشکینی
۲۸۶	آیت‌الله منتظری به اتفاق برادر رجایی نخست‌وزیر و آیت‌الله صدوقی
۲۸۶	دیدار با برادر رجایی در قم
۲۹۰	در بازدید از جبهه‌ها همراه برادر رجایی نخست‌وزیر
۲۹۰	هیئت رئیسهٔ سمینار سراسری ائمهٔ جمعه در قم
۳۰۸	کمک به جنگ‌زدگان از طریق آیت‌الله منتظری
۳۱۲	امام جمعهٔ قم، پیشاپیش جمعیت

بسمه تعالی

پیشگفتار

یکی از روزهای تابستان سال ۵۸ بود که در مجلس خبرگان به حضور آیت‌الله منتظری رسیدم. در این دیدار از ایشان کسب اجازه نمودم که پیامها، مصاحبه‌ها و خطبه‌های نماز جمعه‌شان را به صورت مجموعه‌ای منتشر سازم.

به دنبال اهتمام به انتشار بیانات و نوشته‌های آیت‌الله منتظری، به نظرم رسید که زندگینامه‌ای هم از معظم‌له در آغاز آن مجموعه بیاورم. این نظر را هم با آیت‌الله منتظری در میان گذاشتم و ایشان، مشروط بر اینکه قبل از چاپ یکی از نزدیکانشان ببینند، موافقت کردند.

پس از تحقیقی کوتاه و جمع‌بندی یادداشتهای گذشته‌ام، نوشته‌ای حاصل آمد که از حدیك مقدمه بر مجموعه پیامها، مصاحبه‌ها و خطبه‌های نماز جمعه گذشت و خود فصلی از آن مجموعه گردید. آنچه تدوین یافت، بعد از بازنگری یکی از نزدیکان آیت‌الله منتظری، تحت عنوان گنری بر زندگی و اندیشه‌های فقیه عالیقدر آیت‌الله منتظری منتشر گشت و در اختیار علاقمندان قرار گرفت.

زندگینامه مختصری که در آغاز آن مجموعه چاپ شد، کامل و شایسته شخصیت ارزشمند این فقیه عالیقدر نبود، لذا پس از جمع‌آوری يك سری اسناد و مدارك و نوشته‌های بیشتر، دست به تدوین کتابی مستقل، درباره زندگی این مجاهد بزرگوار زدم که اکنون در اختیار شما عزیزان قرار دارد.

هر آنچه در کتاب گنری بر زندگی و اندیشه‌های فقیه عالیقدر آیت‌الله منتظری آمده است، در این کتاب هم وجود دارد.

این نوشته از سه فصل مجزا تشکیل یافته است که فصل اول آن زندگی آیت‌الله منتظری را از آغاز تا پیروزی انقلاب اسلامی در بردارد. در این فصل غیر از ایام کودکی و تحصیل، عموماً بعد سیاسی و مبارزاتی زندگی ایشان مطرح شده است. فصل دوم کتاب از امور مربوط به اعمال و گفتار آیت‌الله منتظری بعد از پیروزی انقلاب اسلامی سخن به میان آمده است که خود

اشاره‌ای هر چند مختصر بر اوضاع ایران پس از ۲۲ بهمن ۵۷ تا آغاز سال ۶۰ می‌باشد. فصل سوم کتاب هم شامل نظر آیت‌الله منتظری، پیرامون پاره‌ای از مسائل سیاسی، اجتماعی و فکری مورد بحث در جامعه انقلابی امروز می‌باشد که خواننده پس از مطالعه بیوگرافی «امید امام و امت» دیدگاه‌های ایشان را هم در موضوعات مطرح شده، بداند.

هر چند که در حال حاضر، همگان بر اندیشه والای این یاور امام و تلقی وی از مسائل موجود، آگاهی دارند، اما عرضه این کتاب تنها برای امروز نیست، و قطعاً آنچه در این مجموعه گرد آمده است، گوشه‌ای از تاریخ زرین انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی مدظله خواهد بود.

به لطف خدای بزرگ، تا آنجا که در توانم بوده است، جهت بهتر کردن این نوشته کوشیده‌ام و با تحقیق از افراد ذیصلاح و نیز از شخص آیت‌الله منتظری، در تکمیل آن دقت کرده‌ام، اما شك نیست که هنوز نیازمند اظهار نظر و کمک دیگران هستم و امیدوارم ضمن اینکه نواقص آن را به دیده اغماض می‌نگرند، از الطاف خودشان در هر چه بهتر کردن این نوشته، دریغ نکنند.

در اینجا لازم می‌دانم از برادرانی که در تدوین این نوشته همراهیم کرده‌اند سپاسگزاری نمایم، پاداش آنها را از خدای بخشنده و قدرتمند تقاضا می‌نمایم.

من الله التوفیق

مصطفی ایزدی نجف‌آبادی،

تیرماه ۱۳۶۰، شعبان ۱۴۰۱

تذکر

با توجه به تحولات سریعی که در مملکت انقلابیمان رخ می‌دهد، نظر خوانندگان عزیز را به تاریخ هر موضوع یا هر واقعه جلب می‌کنیم، چرا که تدوین این کتاب در آغاز سال ۶۰ به پایان رسیده است.

بسمه تعالی پیشگفتار

(بر کتاب گفتری بر زندگی و اندیشه‌های فقیه عالیقدر آیت‌الله منتظری)

سپاس خدای را که سوای بینهایت نعمتش، پیشوایی امام خمینی را - که با شجاعت بی‌نظیر و ایمان فراوان، اسباب تحقق اراده‌ی خداوندی را گرد آورد - نصیبمان کرد. نعمتی که ماندنش جز در صدر اسلام، در طی چهارده قرن بر هیچ امت مسلمانی از زانی نشد. پیشوا و امامی که وسیله‌ی تحقق اراده‌ی خدا گشته است. اراده‌ای که در تحققش مستضعفین زمین به مقام مجریان اصول حاکمیت «الله» می‌رسند و مستکبرین جهان به ذلت کشیده می‌شوند.

سپاس خدای را که نیرویمان بخشید تا متحد شویم و شب ظلمت را بدریم و در روشنایی روز به گسترش پاکیزه و زیباییها و شهامت‌ها، توفیق یابیم.

سرعت چشمگیر تحولات يك سال آخر دیکتاتوری پهلوی و سال پایانی نظام شوم شاهنشاهی و پیروزی شگفت‌انگیزی که از این تحولات نصیب ملت ایران گشت، خیلی از کارهای مفید را که در هر انقلابی ضرورت دارد، به تأخیر و تعویق انداخت. از جمله این ضروریات، شناخت درست اشخاصی است که در مقام رهبری انقلاب، از هیچ کوششی دریغ نکرده‌اند و شبانه روز با همه‌ی هستیشان در راه به ثمر رساندن رنجهای طاقت فرسای ملت، جانبازی نمودند. این مهم از آنجا ضرورت می‌یابد که «بااخلاص‌ها» از مخلصین دروغین منفک گردند. چه، بسیار کسان هستند که سرعت جویبار زلال انقلاب، آنها را به پیش آورده است، اما می‌پندارند که خود در ایجاد این جویبار خونبار پیشقدم بوده‌اند! آشنا شدن با گذشته‌ی زندگی آنان که در جایگاه رهبری قرار دارند، برای همگان ابهامات چنین پندارها و ادعاها را روشن می‌سازد.

بدون هیچگونه تردیدی، در انقلاب اسلامی ایران، امام خمینی به اضافه‌ی چند نفری انگشت شمار، پیش برنده و موجد حرکت انقلابی مردم در پانزده سال اخیر بوده است و دیگران چه ادعا بکنند و چه نکنند، انقلاب آنها را به جلو برده‌است. ریزه‌کاریهای تاریخ‌پردازان، روشن خواهد ساخت که کدام اعلامیه و بیانیه و اعتراضنامه از چه مدعیانی، پس از چه جریانی انتشار یافته است؟! ... و این نیاز جامعه‌ی ماست که از گذشته‌ی دست‌اندرکاران امور، آگاهی داشته باشند، تا

موضع گیریشان نسبت به آنها بر مبنای شایعات و تحریفات نباشد. و البته بزرگان جامعه برای اینکه ملت بدانند که چه کسانی هستند باید خودشان را به مردم بشناسانند، چرا که اختناق سیاه و فشار دستگاه ظلم، جرأت آشنا شدن مردم با این شخصیت‌های ارزنده را گرفته بود.

از آنجا که آیت‌الله مجاهد، حاج شیخ حسینعلی منتظری، جزء کسانی است که امام خمینی را در پیشبرد حرکت انقلابی مردم و ایجاد جویبار انقلاب اسلامی ایران، تنها نگذاشته، و اکنون بعنوان دومین شخصیت انقلاب اسلامی ایران مطرح است، آنگونه که شایان شخصیت اوست، مسلمانان از گذشته‌اش آگاهی ندارند. او که از آغاز انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی، کوچکترین انحرافی از راه خدا و مردم و مسیر حرکت اسلامی امام خمینی نداشته و لحظه‌ای از کمک رسانی به اسلام و انقلاب غافل نبوده است، شایستگی قرار گرفتن در ردیف رهبران جامعه انقلابی ما را دارد. لذا آشنا شدن با زندگی‌اش از ضرورت خاصی برخوردار است. من با احساس این ضرورت و نیاز، تدوین این نوشته را بر خود فرض دانستم. هر چند که نتوانستم به درستی از عهده این وظیفه مهم برآیم، اما امیدوارم که با کمک دیگران، در فرصتهای بیشتر به تکمیل آن توفیق یابم. ان شاء الله.

نوشته حاضر حاوی فصلی از زندگی مجاهد خستگی‌ناپذیر، آیت‌الله منتظری است و فصلی دیگر، مجموعه‌ای از پیامها، مصاحبه‌ها و خطبه‌های وی پس از آزادی از زندان رژیم فاسد پهلوی است که بعنوان اندیشه‌های آیت‌الله منتظری آمده است.

فصل مربوط به بیوگرافی او، شامل دو بخش است که بخش نخست آن مربوط می‌شود به کودکی، دوران تحصیل، مبارزات و فعالیتهای پیگیر در راه انقلاب اسلامی ایران، تا هنگامی که در زندان بود. بخش دوم آن تدوین برنامه‌ها و اعمال وی در مدت يك سال است که از رهایی از زندان شروع شده (آبان ۱۳۵۷) تا سالگرد آزادی‌اش (آبان ۱۳۵۸).^۱ امید است این نوشته مورد پسند جامعه اسلامی، بویژه دوستداران شخصیت کم نظیر آیت‌الله منتظری قرار گیرد.

مصطفی ایزدی نجف‌آبادی

مشهد مقدس، بهمن ماه ۱۳۵۸، ربیع‌الاول ۱۴۰۰.

پرتو انسانیت، شکوه زندگانی، جلال و جمال شخصیت بعضی از انسانها در پهنه حیات مادی و گاه بگاہ تاریخ بشری، نسبت به عموم عناصر مجموعه انسان، چنان متمایز و نمایان است که دیگران در وجود و ضمیر پرتوافکن و شکوه آفرین آنان ویژگیهایی زندگیساز، احساس و نظاره می‌کنند. آنان که لیاقت و اراده و توان قرار گرفتن در شعاع نورانی و گرم جلال و عظمت، و خصایص حیات آفرین اینگونه شخصیتها و بندگان راستین خداوند را دارند، و تحت این شعاع، احساس زیبایی، قدرت و کمال می‌کنند، بخوبی جذابیت رفتار و تأثیر کردار و گفتار بیداران و بیدارگران زمان را درک می‌نمایند.

اسلام: مجموعه بهم پیوسته بینشها و نگرشها، اعتقادات و باورها، برنامه زندگی، توان تسلیم ناپذیری به غیر حق و مایه‌های حیات فردی و اجتماعی ما... و تشیع: مجموعه بهم رسیده تمامی اصالتها، راستی‌ها، زیباییها و نمونه‌های بارز اسلام، در چهارده قرن تاریخ سرخ خویش، در جهت شکل دهی، پرورش، ازدیاد و گسترش عناصر لایق برای حیات آفرینی و رشد وجدانهای خفته و حرکت دادن به روحیه‌های بازمانده و ایستاده، نقشی بغایت تحسین‌انگیز و بس روشن و پیدا داشته که در این زمان، جهان و جهانیان را انگشت به دندان نموده است.

وقتی موضوع اسلام مکتوب و معجزه پیام‌آور - قرآن - «انسان» باشد و هنگامی که اسلام مجسم و دستاوردهای عملی آن، نظیر محمد (ص) و علی (ع) و فاطمه (ع) باشد، چگونه يك مسلمان نتواند خویشتن را با استفاده از اسلام مکتوب و اسلام مجسم، در زمانهای مختلف، نمونه‌ای شایسته و لایق در میان امت بسازد؟

وقتی جهان، سکوی جهش و پرواز باشد، هر کس که در پرواز به اوجگیری می‌اندیشد و قصد پیوستن به ابدیت و رسیدن به بینهایتها دارد و از سقوط و بازماندن، هراسناک و دلمشغول است، به هنگام قرار بر سکوی پرواز، خویشتن را با ایمان و جهاد و توانایی، مهیای پرواز - پرواز تا بیکران - می‌نماید.

این انسان، چنانچه در انبوهی از آدمها و آدمکهای بی‌تصمیم و نامهیا، بر خود سخت بگیرد که هم‌رنگ دیگران نباشد و از هر کوششی در راه مهیا ساختن دیگران باز نایستد و با جسارت تمام و شجاعت کم‌نظیر بر دام‌گستران و بازدارندگان از پرواز بشورد و دیگران را بشوراند، و بخاطر چنین ناآرامیها، روزها و ماهها و سالها، دربند ستمگران و چنگال سدکنندگان، با رنجی جانکاه و دردی طاقت‌سوز، سپری سازد، مرتبه‌ای والا و جایگاهی اصلی نسبت به سایرین دارد.

علل شناساندن

بازشناسی و تصویر این چهره‌های کم‌نظیر برای مردمی که در زمان طاغوت آزادی‌شناسایی و آشنا شدن را هم نداشتند و هر چه دیدند و شنیدند، در قرنهای متوالی، ستم بود و فقر و فریب، کار مفیدی باید باشد.

البته کسانی هستند که به چنین اقدام مهم و ارزشمند دست زده‌اند، اما باید آنچنان به دفعات گفته و نوشته شود که:

۱- با ارائه نمونه‌های عینی از تربیت‌یافتگان اسلام در زمانهای گوناگون ثمره برنامه‌ریزیها و الگوی ادعاها و ادعای اینکه اسلام برای انسان‌سازی تلاش دارد، آشکار گردد.

۲- کودکان و جوانان با آشنایی به زندگی و اندیشه، مبارزات و چگونگی رشد این نمونه‌ها، زندگی و برنامه‌های خود را پایه‌ریزی نمایند و بدینوسیله خویشتن را متوجه اهداف و آرزوهای آنان کنند و به هدف و آرزوی خود جهت و شکل دهند.

۳- از يك عمر تلاش خستگی‌ناپذیر، رنجها، دردها و محرومیت‌های آنان که برای خرسندی خدا و نجات خلق خدا با فقر و رنج و تحقیر انباز بوده‌اند، در دفترها و رساله‌ها، به نیکی ارج‌گزاری گردد تا بعنوان فرزندان برومند اسلام در تاریخ و جامعه، به شایستگی نام برده شوند.

۴- در بررسی و تجزیه و تحلیل يك حرکت و انقلاب اجتماعی، عوامل و عناصر آن به خوبی شناخته گردند که مبدا علل و هدف حرکت و قیام در ابهام ناشی از ناشناسی عوامل و عناصر - بخصوص رهبران آن - لوث و تحریف گردد، چه، غرض‌ورزان و دروغپردازان گوناگونی هستند که از خلوص، فداکاری، طینت مردمی، شجاعت و مبارزات رهبران يك انقلاب، در نوشته‌های خویش، مردم را به شك و تردید می‌کشانند و زندگی و حتی طرز فکر و اندیشه آنان را مبهم و یا به میل خود تحریف می‌کنند.

بر این اساس و در پرتو چنین هدفی از ارائه بیوگرافی بزرگان، قلم را برای پرداختن به زندگی مردی از تبار نیکان و یکی از رجال نستوه در مجاهدت و فداکاری، حضرت آیت‌الله العظمی حاج شیخ حسینعلی منتظری، بدست گرفتیم، تا شاید به لطف خدا کاری بایسته و مفید انجام داده باشیم.

دستیابی به آرزو

هنگامی که محصل دبیرستان بودم، آرزو می‌کردم همیشه همراه این بزرگمرد، به بررسی زندگی‌اش توفیق یابم، چرا که از دوران نوجوانی‌ام در نماز جماعتش شرکت می‌کردم و رفتار و گفتار او مرا سخت به آینده و هدفش خوشبین می‌کرد. علی‌رغم رفتار و برخوردهایی که روحانیون در آن دوران داشتند، وی با خصلتی کاملاً انسانی و شور و شعور ویژه مبارزین و ناآرامی و چابکی خاص مجاهدان، و صداقت و بی‌آلایشی زندگی کشاورزی، چونان اختری تابان، در ظلمت شب می‌درخشید....

با آن شوقی که در شناساندن این فرزانه پاکباز داشتم، صغر سن، عدم امکانات، بعد مکان و چگونگی زندگی‌ام، توان رسیدن به آرزویم را می‌کاست، و بعد هم اختناق شدید و کینه فراوانی که دستگاه ظلم و ستم و رژیم دست‌نشانده آمریکا نسبت به این اسلام‌شناس، فیلسوف، فقیه و مجاهد تسلیم‌ناپذیر داشت و همیشه می‌کوشید که «خمینی دوم» به وجود نیاید، وی را از مشتاقان و علاقمندان به وجودش، دور نگه می‌داشت و در نتیجه من علاقمند را هم از دسترسی به آرزویم و کاری که بدان اهمیت می‌دادم باز می‌داشت.

همان روزهای سخت و تاریک، به یکی از دوستانم که به وی نزدیکتر بود، چنین پیشنهادی را ارائه کردم و اصرار بر اینکه لحظه لحظه‌های زندگی و مبارزات آیت‌الله منتظری می‌تواند برای آینده و آیندگان، با ارزش و سودمند باشد و به لحاظ اینکه فرزندان لایق اسلام قابل پیروی هستند، وی نمونه شایسته‌ای برای «معالم الطریق» قرار دادن راه‌جویان مسلمان و مبارز می‌باشد.

و اکنون، خدا را شکر که روشنایی و آزادی را احساس می‌کنم و به آسانی بدون هیچگونه بیم و تهدید و ارباب، شوق نگارش دارم. اکنون که درخت خبیث و زهرآلود نظام شاهنشاهی ریشه‌کن گشته و می‌رود که اثرات شوم آن اندک اندک از درون جامعه‌مان محو گردد، و چگونگی زندگی، رفتار، روابط، اعتقادات و برخوردهای ملت تحت ستم ایران، با نام حکومت و نوع اعتقادات و اندیشه‌های اصیل خویشتن، هماهنگ و همگون شود، خوشحالم که از این توفیق به خود بیالم و این کار کم را به نسل جوان، به ویژه آنانکه از زندگی بزرگان درسها می‌آموزند، تقدیم دارم.

هر انسانی که زندگی‌اش را از اول ورود به اجتماع بر پایه اصول اساسی حیات و ضوابط پاک بشری بنا نهاده باشد، و راه و روش زیست خود را در نجات و سازندگی دیگران و مبارزه با جهل و فقر و زور، انتخاب و منظم کرده باشد، دارای نقاطی روشن و گوشه‌هایی شگرف و حیرت‌انگیز می‌باشد که بررسی همه یا حداقل تشریح چنان مقاطعی از زندگی او، آشنایی نزدیک و همراهی زیاد با وی لازم دارد.

شناسایی و شناساندن ابرمردان روزگار و قهرمانان شرف و الگوهای شجاعت و شهامت، بخصوص در زمان حیات آنها، يك پیگیری منظم و پایمردی هدفدار لازم دارد که باید بوسیله

همت جانانه نزدیکان آنها صورت پذیرد.

نویسنده این سطور از آنجا که در فقدان چنان پیگیری و پامردی دل آزرده و مغبون است، به اختصار در مورد کسی که همگام و همراه خمینی بزرگ در جهت دادن به قیام عام ملت ایران و در ایجاد حادثه عظیم تاریخ اسلام و ایران - انقلاب کبیر اسلامی ما - کوشیده است، مطالبی را جسته و گریخته دریافته، که جهت تدوین بیوگرافی شخصی که برای رهبر بزرگ انقلاب اسلامی ایران در راه ارائه اسلام واقعی و اصیل همچون علی (ع) برای پیامبر (ص) می باشد، بکار گیرد. و انتظار دارد که همراهان و نزدیکان وی با یادداشت و جمع آوری ویژگیهای زندگی و اندیشه های او، برای اثر بخشی نمونه های اسلامی اقدام لازم و جدیت شایسته را بنمایند.

زادگاه آیت الله منتظری

زادگاه آیت الله منتظری، نجف آباد، یکی از شهرهای استان اصفهان، در ۳۰ کیلومتری غرب شهر اصفهان می باشد با جمعیتی حدود ۸۰ هزار نفر.^۱ مردم این شهر عموماً مذهبی و شغل اکثر آنها کشاورزی است. کشاورزی از نوع باغداری در باغهای کوچک و بزرگ (نه چندان بزرگ) که شهر را از چهار طرف احاطه کرده اند. به همان اندازه که مردان کشاورزی می کنند، زنان قالی می بافند، آنگونه که وضع اقتصادی حاکم بر شهر به وضع کشاورزی و تجارت قالی بستگی دارد.

در چند سال اخیر، با احداث کارخانه ذوب آهن و مراکز صنعتی و جنبی آن در نزدیکی نجف آباد، وضع کشاورزی این شهر، همچون اوضاع تمامی مملکت در بلای رژیم فاسد پهلوی سوخت و به آفت برنامه های استعماری ضد کشاورزی گرفتار آمد، چرا که کشاورزان جوان به کار در مراکز صنعتی و عمرانی روی آوردند. فراموش نکنیم که کم آبی و پایین رفتن سطح آبهای زیرزمینی در این منطقه، به واماندگی زراعت و فلاح و تبدیل کشاورز به کارگر، کمک قابل ملاحظه ای نمود. این ترک باغات و هجوم به کارخانه ها، به اضافه روی آوردن کارگران فراوان از مناطق دیگر به نجف آباد برای کار در مراکز صنعتی اصفهان - بویژه روستاییانی که خانه هاشان در حوضه سد زاینده رود قرار گرفت - شهر نجف آباد را بصورت یک شهر کارگری - کشاورزی درآورده است. تا چندین سال قبل، اختلاف طبقاتی چشمگیر در نجف آباد وجود نداشت، بدینصورت که ثروتمندان آنچنانی و همچنین نیازمندان زیاد، آنگونه که قابل ملاحظه باشند، پیدا نمی شد، اما از هنگامی که کار قالیبافی، قریب به اتفاق خانه های شهر و روستاهای اطراف را زیر چتر خود پوشاند و کسانی که به قول معروف دستشان بدهنشان می رسید، به سراغ بهره برداری از این منبع درآمد رفتند، استثمار و بهره کشی فرد از فرد رو به رشد نهاد و اندک اندک ثروتمندان و پولداران، همچون قارچ، در دشت آرام و با صفای نجف آباد قد کشیدند و آشکارا با نیرنگهای

خاص زرمندان، از انرژی و توان زنان و دختران - حتی خردسالان - در سطح تمام روستاهای اطراف و اکثریت ساکنان شهر استفاده کردند و بر مال و منال خویش بیفزودند. از طرفی معاملات ملك و زمین و استفاده سرشار نامشروعی که از این طریق بدست می‌آمد، بر تعداد ثروتمندان می‌افزود. مسلم است که هر کجا ثروتمندان فزون گردند، بیچارگان و نیازمندان، چندین برابر افزایش پیدا می‌کنند و اختلافات طبقاتی هم بیشتر می‌گردد.

مردم نجف‌آباد، علاوه بر کار کشاورزی در سالهای قبل، به کارهای تولیدی دستی از قبیل ساختن کارد و چنگال و قاشق و... می‌پرداختند، اما با مرور زمان به علت ماشینی شدن این وسائل و ایجاد صنعت وابسته و فقر و تنگدستی بیشتری که برای کارگران این حرفه بوجود آمد تقریباً اکثر آنها رو به نابودی گذاشت.

نسل جوان نجف‌آباد، نسبت به تحصیل و پیشرفت علاقمند و با استقامت هستند و در پی رهنمودهای آیت‌الله منتظری و روحانیون مبارز دیگر، از مدت‌ها قبل با کتاب آشنا هستند. بر اثر مجاهدتهای آیت‌الله منتظری، مردم نجف‌آباد در مقیاس وسیع، با یکپارچگی قابل تحسین، رهبری و مرجعیت امام خمینی را از پانزده سال قبل پذیرفته و بدین لحاظ شهر نجف‌آباد، یکی از شهرهای بیدار دوران انقلاب از سال ۴۲ به بعد می‌باشد و همین شهر به هنگام بازداشت آیت‌الله العظمی خمینی، بوسیله رژیم سفاک پهلوی، به عنوان اعتراض به مدت یک‌هفته یکپارچه تعطیل بود. اسناد باقیمانده از ساواک در مورد نجف‌آباد و حضور آیت‌الله منتظری در صحنه بیدار کردن مردم این شهر، نشان می‌دهد که رژیم سفاک پهلوی چه حساسیتی در این باره داشته است. از جمله این اسناد یکی به تاریخ ۱۳۶۱/۱۱/۱۵ می‌باشد که در آن نوشته:

«اطلاع واصله از نجف‌آباد حاکیست، حضور شیخ حسینعلی منتظری در نجف‌آباد مایه تحریک افکار است. چندی پیش قسمتی از حضیره‌القدس محل با حریق عمدی سوخت و بیم آن می‌رود حضور شیخ اینگونه تحریکات را بیشتر بکند. در سالهای اخیر تغییرات عمده‌ای در نجف‌آباد از لحاظ فکری بوجود آمده است. پنج سال قبل حتی يك زن بی‌چادر در خیابانها دیده نمی‌شد و در این مدت در اثر تأثیرات انقلاب وضع تغییر کرده و شب ۱۷ دی نمایش «تارتوف» که انتقاد از آخوندها است به معرض تماشا گذارده شد و دختران دانشسرا بازی کردند.^۱

حسینعلی منتظری بعنوان سهم امام غائب همراه لاقل یکصد هزار ریال از منابع مختلف اخاذی می‌نماید و صرف فعالیت‌های مضر می‌نماید.

مدرسه طلبه‌ها که بسیاری از فعالیت‌های مضر از آنجا سرچشمه می‌گیرد زیر نظر منتظری است و چندی قبل بنا بود اداره اوقاف اصفهان آنجا را تحت نظر بگیرد که تاکنون انجام نشده، بیم آن

۱- خوشبختانه با تمام تلاشها و نیرنگها، رژیم سابق آرزوی بی‌حجاب کردن زنان و دختران نجف‌آباد را به گور برد، و برای لحظه‌ای مردم ندیدند که يك زن یا يك دختر نجف‌آبادی در خیابانها بدون حجاب ظاهر شود.

می‌رود که حضور منتظری در نجف‌آباد موجب تحریک آخوندها و طلبه‌ها شود و قبل از همه لازم است مدرسه طلاب از صورت فعلی درآید و به مسئولین مربوطه تذکری در اینمورد داده شود.» (منبع ۳۲۱ و ۳۱۶).

همچنین در نامه‌ای به تاریخ ۱۳۴۷/۱۲/۱۹ با عنوان «فعالیت‌های مضره در نجف‌آباد» که منبع ۳۱۶ آن را فرستاده، آمده است:

«دفتر ویژه اطلاعات اعلام داشته بود مدرسه علمی نجف‌آباد پایگاه تبلیغات مضره می‌باشد و اعلامیه‌های تحریک‌آمیزی از طلاب مقیم مدرسه مذکور کشف شده و سرپرستی آن را شیخ حسینعلی منتظری که در حال حاضر زندانی است بعهده دارد و در غیاب وی شیخ عباس ایزدی که طرفدار خمینی است مدرسه موصوف را اداره می‌کند و شخصی به نام پورنمازی وجوهای شرعی را جمع‌آوری و به طلاب می‌پردازد. بر اثر تبلیغات روحانیون افراطی اهالی نجف‌آباد نسبت به دولت بدبین شده‌اند.»

ساواک اصفهان هم نامه‌ای به مدیریت کل اداره سوم در تاریخ ۵۱/۱۱/۲۶ می‌فرستد که در قسمتی از آن آمده است:

«همانطور که قبلاً به استحضار رسیده از چند حجره واقع در مدرسه الحجة نجف‌آباد که تحت نظر منتظری و شیخ عباس ایزدی اداره می‌شود، حدود ۱۵۰ جلد کتب و نشریات مضره کمونیستی به دست آمد که یک نمونه از جزوات مکشوفه به پیوست ایفاد می‌گردد. نامبردگان که فقط به جمع‌آوری وجوه شرعی و پر کردن جیب‌های خود در نجف‌آباد مشغولند و قسمتی از آن را بعنوان حقوق طلاب پرداخت می‌نمایند، بعوض اینکه به وضع طلاب تحت‌نظر خود رسیدگی و آنها را برای آینده مبلغ خوبی ساخته و به مبانی آداب اسلام و خدانشناسی آشنا سازند مرکزی را اداره می‌کنند که اغلب طلاب این مدرسه دارای افکار ضد مذهب و خیانت به میهن بوده و با تشویق و ترغیب دو نفر از طلاب همان مدرسه به اسامی غلامحسین نادى و مرتضی آیت که از طریق محمدعلی منتظری پسر شیخ حسینعلی تغذیه فکری می‌شوند و ایده‌های کمونیستی را در افکار طلاب جایگزین و محیطی را بوجود آورده‌اند که اصولاً با مرکز علوم دینی قابل قیاس نیست. با بی‌بردن به افکار و تمایلات طلاب و نشان دادن کتب و نشریات مضره به منتظری و ایزدی و اینکه آنان هیچگونه عکس‌العملی جز بی‌اطلاعی از خود نشان ندادند چنانچه به همین متوال مدرسه مذکور اداره گردد وجود نامبردگان در نجف‌آباد و در رأس مدرسه مذکور برای این ساواک قابل تحمل نیست و در آینده نیز اطفال معصوم بیگناه دیگری را آلوده و تحت لوای مذهب به دام کمونیزم سوق خواهند داد.

این ساواک در نظر دارد اکنون که منتظری و ایزدی از دادن تعهد کتبی خودداری کرده و با اداره کردن چند نفر طلبه آنان را به مکاتب کمونیستی آشنا ساخته‌اند نامبردگان را به دادگاهی نظامی تحویل و یا حداقل برای هر کدام سه‌سال تبعید در نقاط دوردست در نظر گرفته شود.

خواهشمند است دستور فرمایید نظریه آن اداره کل را تلگرافی اعلام فرمایند.

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت استان اصفهان - تقوی

پس از پیروزی انقلاب، مردم نجف‌آباد یکپارچگی خودشان را در پیروی از خط امام خمینی و در حمایت از روحانیت مبارز حفظ نمودند و با هشیاری کامل همه مراحل سختیها و مشقتهای ناشی از مبارزه با آمریکا را پشت سر گذاشتند. بویژه در جریان جنگ تحمیلی ایران و عراق با اهدای جان و مال خویش فعالانه کوشیدند. بطوریکه حضور فعال فرزندان نجف‌آباد در جبهه و پشت جبهه، زباززد جنگاوران گردیده بود. و تاکنون شهدای زیادی را جهت تحکیم مبانی انقلاب اسلامی تقدیم نموده است.

مردم نجف‌آباد برای اولین دوره مجلس شورای اسلامی با اکثریت قریب به اتفاق آرا، حجت‌الاسلام محمد منتظری فرزند ارشد آیت‌الله منتظری را به نمایندگی خود برگزیدند. چرا که وی را انقلابی‌ترین چهره نسل جوان این شهر می‌دانستند.

نماینده امام و امام‌جمعه شهر نجف‌آباد پس از پیروزی انقلاب اسلامی حجت‌الاسلام حاج‌شیخ عباس ایزدی می‌باشد که هم‌اکنون - آغاز سال ۶۰ - در این سمت باقی است و وجود ایشان برای مردم شهر نجف‌آباد بلحاظ سابقه روشن و شخصیت علمی‌اش، مفید و مورد احترام می‌باشد.

والدین آیت‌الله

پدر حضرت آیت‌الله‌العظمی منتظری، حاج‌علی منتظری فرزند حسینعلی معروف به «رضا میرزاحمد» می‌باشد. وی در نجف‌آباد به کار کشاورزی در سطح اندک، جهت ممر حیات مشغول است. این که صحبت از کار کشاورزی می‌شود، بدین منظور نیست که دارای اراضی و املاک است و کارگرانی را برای کسب مال و منال بدین کار گماشته باشد، بلکه خود در باغی نه چندان بزرگ، همچون کارگری زحمتکش با رنج فراوان بکار می‌پردازد و از این راه مخارج یومیه خویش را بدست می‌آورد. هر صبح، سوار بر مرکب قدیمی خویش می‌شود، افسار آن را می‌گیرد و احياناً چهار پنج رأس گوسفند هم، همراه خود، به باغ می‌برد. و با دستهایی پینه بسته و رخساری پر چروک که رنج ۸۵ سال کار طاقت‌فرسا بر آن ترسیم گشته، فعالانه به زحمت می‌پردازد.

زراعت، آخرین شغل وی است، چرا که در جوانی روزها را به کارگری، که خودشان گفته‌اند: خشت‌مالی، می‌گذرانده است.

حاج‌علی منتظری علاوه بر کار پربرکت و خداپسندانه زراعت، همچون پیشوایان راستین اسلام، در راه نشر اندیشه‌های اسلامی، از طریق وعظ و تدریس و تفسیر قرآن، کوشش فراوان دارد. وی بعنوان امام جماعت یکی از مساجد نجف‌آباد - مسجد صاحب‌الزمان (عج) - سالهای



حجة الاسلام حاج شيخ عباس ايزدى نماينده امام و امام جمعه نجف آباد

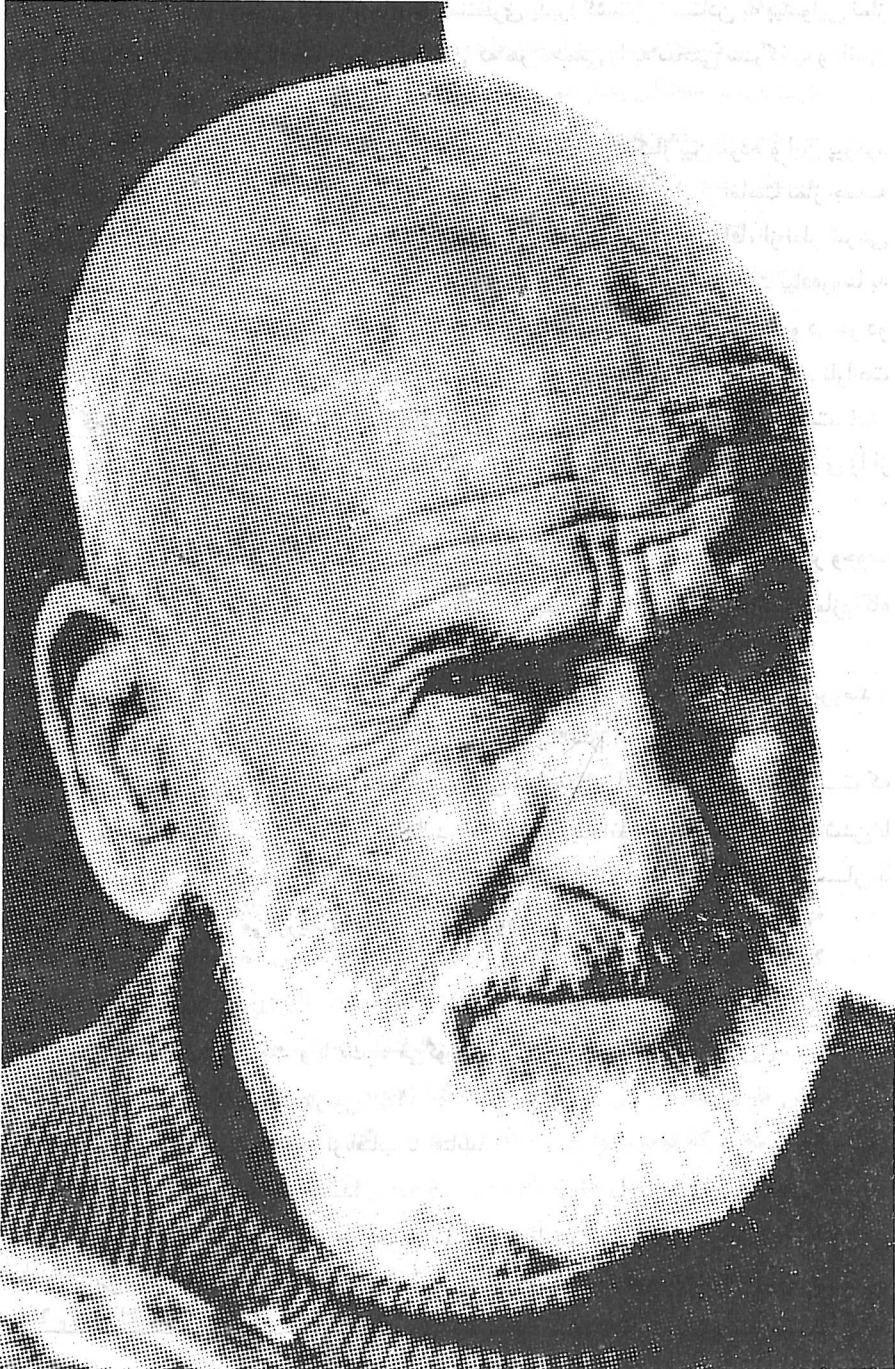
سال است که به ارشاد و راهنمایی مردم مشغول است، زیرا به فقه اسلامی بویژه فقه شیعه آگاهی سرشاری دارد و از این لحاظ در ردیف بزرگان نجف‌آباد قرار دارد، خصوصاً که در تأسیس حوزه علمی نجف‌آباد، نقش فعال داشته است. معلومات اسلامی حاج‌علی منتظری، مثل طلاب حوزه‌های علمیه، کلاً از طریق حضور در جلسات درس اساتید حاصل نشده است و به علت اینکه مجبور به کار کردن روزانه جهت امرامعاش بوده، عمده معلومات او از مطالعات انفرادی کسب گشته است و اکنون که ۸۵ سال از عمر وی می‌گذرد، مطالعه را ترك نکرده است و در ساعات فراغت به افزایش آگاهیهای علمی خویش می‌پردازد.

حاج‌علی منتظری از نظر تقوی و اخلاق شخصی، نمونه شایسته‌ای از انسان اسلامی است و بدین لحاظ مورد احترام و محل رجوع قضایی مردم نجف‌آباد می‌باشد. وجود چنین شخصیتی که هم کشاورز است و هم عالم، هم تن به کار می‌دهد و هم رسالت انسانی و اسلامی خویش را در تعلیم و آموزش به دیگران در حد توانش دنبال می‌کند، هم مرد مزرعه و زراعت است و هم امام جماعت در محراب عبادت، هم کارگری زحمتکش و هم پدر و مربی‌ای لایق و توانا، خلاصه هم عالم است و هم عامل، برای آنان که به بهانه کار روزانه و اشتغالات روزی‌آور، رسالت تبلیغی و ارشادی خود را کنار گذاشته‌اند و یا به عکس، به بهانه برنامه‌های تبلیغی و داشتن رسالت اسلامی و وعظ و مطالعه و... تن به کارهای عملی نمی‌دهند و از طریق درآمدهای حاصل از منبر و مسجد ارتزاق می‌کنند، الگو و حجت و نمونه است و با زندگی خویش درهای بهانه و توجیه را بروی هر کس بسته است.

زندگی پرنج و تلاش و مثبت حاج‌علی منتظری در طی نزدیک به هشتاد سال، و عرضه فرزند برومندی، چون آیت‌الله مجاهد منتظری به جامعه اسلامی، وی را در ردیف شخصیت‌های محبوب و قابل احترام مردم آن منطقه، بخصوص نجف‌آباد قرار داده است و بدین لحاظ همیشه در منزل وی به روی مردم جهت رسیدگی به کارهایشان باز است.

پس از اینکه آیت‌الله منتظری از نجف‌آباد به طیس تبعید شد، نمازهای جمعه در نجف‌آباد به امامت حجت‌الاسلام حاج‌شیخ‌عباس ایزدی، برقرار می‌گشت. اندکی نگذشت که ساواک از برگزاری نماز جمعه به امامت آقای ایزدی جلوگیری بعمل آورد، سپس حجت‌الاسلام حاج‌سیدمحمد باقر حسنی، امام جمعه شد تا اینکه او جگیری و سرعت پیشروی انقلاب اسلامی ایران افزایش یافت و رژیم سفاک پهلوی از ادامه تشکیل نماز جمعه و تجمع ملت در مسجد جامع، سخت نگران و وحشتزده گشت و برای متوقف کردن این عبادت بزرگ اسلامی و جلوگیری از گردهمایی بزرگ مردم نجف‌آباد و دیگر فعالیت‌های اجتماعی سیاسی روحانیون و جوانان این شهر، حجت‌الاسلام حسنی را هم از پیشوایی نماز بازداشت.

در چنین موقعیت حساس، و فصل نیاز مبرم مردم به جمع شدن در مساجد، امامت نماز جمعه



حاج علی منتظری، مرد تقوی و تلاش

تألیف: سید علی

نجف‌آباد را پیر پارسا و کشاورز شکیبا، حاج‌علی منتظری پذیرا گشت. ایستادن به پیشوایی نماز جمعه مردمی در التهاب انقلاب، در مقطعی از زمان که هر تجمعی را به سختی سرکوب و بانیان آن را تهدید و دستگیر می‌کردند، شجاعت پر عظمتی بود.

از آنجا که رژیم پهلوی با همه سفاکیش، از فاصله انداختن آشکار بین مردم و این پیرمرد باتقوی هراسناک بود، روشهای دیگری را جهت تنها گذاشتن و جلوگیری او از امامت نماز جمعه در پیش گرفت. از جمله، فرستادن مقدس مآبهای نزد وی به دلسوزی که: ای آقا، از نظر شرعی درست نیست مساجد دیگر خالی باشد و این مردم روی اسفالت خیابانها و موزائیک پیاده‌روها به نماز بایستند. علاوه بر اینکه نمازگزاران صدمه می‌خورند، سد معبر هم می‌شود و در هر دو صورت خدا خوشش نمی‌آید و برای شما مسئولیت دارد. اصلاً روح بنیانگزاران آن مساجد ناراحت می‌شود که به خاطر نماز شما، از نمازگزار خالی می‌شود و این امر شرعاً جایز نیست. البته حاج‌علی منتظری آگاه‌تر از آن است که این نیرنگهای شاه‌عباسی از رنگ و رو رفته، وی را از مسئولیت خطیر خویش باز دارد.

بجز اینها از طرف ساواک مخفیانه تهدیدهایی هم شد، اما و آنها را به هیچ گرفت و بر وجوب چنین کاری تأکید کرد و در بحرانی‌ترین مواقع، حدود ۱۰ جمعه متوالی مسئولیت اقامه نماز و آگاه کردن مردم را بعهده گرفت.

آشنا نمودن مسلمانان به معارف اسلام از یکطرف و حفظ سنگر بزرگ مبارزات فرزند برومند و شجاع وی از طرف دیگر، عظمت کار انقلابی این مرد پاک‌سرشت را روشن می‌سازد. در زندگی پربار و آموزنده این مرد با خدا لحظه‌های زیبا و درس‌آموز فراوانی نهفته است که پرداختن به آن کار و فرصت بیشتری را می‌طلبد، اما در اینجا بلحاظ علاقه‌ای که به آشنا شدن با افکار و شخصیت او در بین دوستدارانش وجود دارد قسمتهائی از دو مصاحبه را که ایشان با مطبوعات انجام داده‌اند می‌آوریم تا بهتر شناخته شود:

س: چند سال دارید؟

حاج‌آقا با کمی مکث و با يك آه می‌گوید: بالاتر از ۸۰ سال.

س: روزی چند ساعت کار می‌کنید؟

- کار ما که حساب نداره، از آفتاب تا آفتاب.

س: شما امام جماعت هستید؟

- بله، شبها هم بعد از نماز جماعت تا ساعت ۱۰ تا ۱۱ تفسیر قرآن دارم.

س: شنیده‌ایم شما جلسات تفسیر قرآن و اخلاق و بیان احکام دارید، در این مورد توضیح

۱- در این بین حجت‌الاسلام حاج‌شیخ غلامحسین ایزدی و حجت‌الاسلام شیخ حسینعلی دری هم به امامت نماز

بفرمایید:

- ما هر شب در مسجد بعد از نماز جلسه داریم. معانی قرآن را آیه به آیه توضیح می‌دهم تا مردم خوب بفهمند. هفته‌ای یکبار هم برای پاسداران فلاورجان صحبت می‌کنم. يك دفعه هم به پایگاه آمریکاییها در شاهین‌شهر و يك دفعه هم به دانشگاه سده (دانشگاه صنعتی خمینی شهر) بردندمان. همینطور جلسات دیگری هم هست.

س: گویا مردم نجف‌آباد و سایر روستاها و بخشهای اطراف برای حل کارهایشان به شما رجوع می‌کنند؟

- بله تمام دعوایها و گرفتاریهای مردم بر سر زمین و دکان و خانه و باغ به گردن من است.

س: چندبار توسط مأمورین شاه جلاد دستگیر شدید؟

- مرتب مرا اذیت می‌کردند و مزاحم می‌شدند.

س: برای چی؟

- می‌گفتند چرا حرف حق می‌زنی؟ یکبار هم برای لباس بوده، چرا لباست را عوض نکردی؟

کت و شلوار چرا نپوشیدی؟ داشتیم با الاغ و گاو و میش می‌رفتم، آمدند و گفتند:

بیا بریم ساواک! چرا باز عبا و عمامه را برنداشتی؟

س: آیا زمان شاه خائن هم شما امور شهر دستتان بود؟

- بله می‌آمدند پیش من برای حل دعوایها. ولی خیلی وقتها ساواک مانع می‌شد.

س: حاج آقا، زندگی آیت‌الله منتظری را برای ما شرح دهید، خیلی مایل هستیم فرآزهایی

حساس از زندگی فرزند ارجمندتان را از دوران طفولیت تا قبل از پیروزی انقلاب از زبان شما بشنویم.

- بچه که بود زراعت می‌کرد، زمان سختی بود، يك روز که می‌رفتم از آفتاب تا آفتاب کار

می‌کردم، يك ریال می‌دادند، يك ریال آن زمان يك چارک نون می‌دادند، اونوقت من دیگه باغ و

گوسفند را دست حسینعلی می‌دادم و خودم می‌رفتم سرکار، گاهی هم اصفهان می‌رفتم و خشت

می‌مالیدم، بعد هم که حسینعلی ۸ - ۹ سالش شد، رفت اصفهان و درس می‌خواند. توی مدرسه

جده، ولی هر وقت که می‌آمد نجف‌آباد، من می‌گرفتمش به کار، بعد هم که رفت قم تا سی‌سالگی

ازش کار می‌کشیدم. ولی بعد از ۳۰ سال دیگه زورم بهش نرسید (با خنده). بعداً هم بچه‌اش

همین محمد که کوچولو بود (بین ۱۰ - ۱۵ ساله) زندگی را می‌چرخاند و زراعت و خرمن و اینها را

می‌چرخاند. من هم دنبال خشت مالی، خرمن کوبی، بوته‌کشی و... لابلای این کارها درسی هم

می‌خواندم.

یه روز هم داشتیم با حاج شیخ حسینعلی تو باغ خرمن می‌کوفتیم، چندتایی آمده بودند باغها را

تجدید حدود کنند. پای درخت گردو يك کتاب بود، یکی از آنها کتاب را برداشت، نگاه کرد و گفت

این کتاب مال کیه؟ گفتم مال این بچه. گفت با این ریش دروغ هم می‌گویی؟ گفتم که چرا دروغ بگویم؟ گفت آخر این بچه این کتاب را نمی‌تونه بخونه، يك نفرشان چیزی ازش پرسید، فوری جواب داد. او گفت، عمو حیف است خودت بیایی توی این باغ. این بچه را هم با این فراسر است آوردی اینجا ازش خرمن بکوبی؟ گفتم آخر می‌باید کار کرد. بعداً مرحوم حاج‌شیخ احمد بردش قم (بچه ما تقریباً ۱۰ - ۱۲ سال داشت). ما با مکافات يك سری به او می‌زدیم. آنوقت کرایه گران بود، نفری ۸ ریال می‌گرفتند و می‌بردند قم، نمی‌شد فراهم کنی، آنهم با ماشین باری... مرحوم حاج شیخ احمد در قم گفت من هیچ کاری قم نداشتم. من مخصوصاً آدمم این بچه را آوردم اینجا آشنا بشه، پر و بال پیدا بکند و بیاد اینجا درس بخواند، و تکلیف من است که تا زنده‌ام اینکارها را بکنم... بعدش هم مدتی قم بود و بعد رفته بود بروجرد پیش آقای بروجردی. آنوقت آقای بروجردی هنوز نیامده بود به قم. مدتی بروجرد بود و از شاگردهای مقرب آقای بروجردی شده بود. آنوقتها دربارهٔ مساله‌ای از آقای بروجردی استفتا کردم و برای گرفتن جوابش رفتم قم. آنجا در حیاط خلوت آقای بروجردی را دیدم، حدود ۲۰۰ نفری از آقایون بودند، آقا (آیت‌الله بروجردی) آمد، استفتا را دادند دست آقا و گفتند این استفتا مال ابوی آقای منتظری است که اونجا نشسته است.

من دم درگاه اطاق نشسته بودم، یکبار دیدم آقای بروجردی بنا کرد جوش خوردن و گفت چرا اینجا نشسته‌ای؟ پهلوی خودش جا باز کرد، ما رفتیم نشستیم، آنوقت گفت که خیلی آقای منتظری خوبند، آقای منتظری خیلی خوبند، خیلی خوبند و چند بار می‌گفت شما نمی‌شناسی ایشان را، خدا نعمت بزرگی به شما عنایت کرده است و...

س: رابطهٔ آیت‌الله منتظری با امام خمینی از کی شروع شد؟

- ظاهراً بعد از آنکه آقای بروجردی آمد قم، شاید هم جلوتر، ولی با آقای مطهری چند سال به منزله يك نفر بودند، اینها دیگر خورد و خوراك و زندگی‌شان یکی بود. آقای مطهری - خدا بیامرزش - خیلی به دستورات اسلام اهمیت می‌داد. آنوقتها آشیخ حسینعلی را مجبورش کرده بود نماز شب بخواند. آشیخ حسینعلی که دیگر عذری نداشته بود گفته بود آبهای حوض کثیف است و من چشمهایم تراخمی است. آنوقت او رفته بود از رودخانه آب آورده بود و می‌گفت آب آوردم، پاشو وضو بگیر و نماز شب بخوان، خیلی آدم نیکی بود، خدا رحمتش کند، يك چند مدتی نجف‌آباد در خانه ما بود، او يك پارچه اخلاق بود. روزها همینجا منبر می‌رفت و منزلش خانه ما بود.

س: از چه زمانی دستگیریهای ایشان شروع شد؟

- از همان روزی که آقای خمینی را گرفتند، بازداشت حسینعلی هم شروع شد، ولی خوب مثل حاج شیخ حسینعلی را می‌گرفتند، خیلی زجر و شکنجه می‌کردند.

س: شنیده‌ایم محمد را جلوی پدرشان آیت‌الله منتظری شکنجه می‌کرده‌اند، همین طور است؟

- اوه، اینقدر شکنجه کردند این محمد را که دیگر خدایی است که زنده مانده است. خودش قم به رئیس سازمان گفته بود که عذابی نبوده است که ما نبینیم. غیر از آن عذابها، چهارصدتا چک از

شما خورده‌ام، تمام عذابها را واسه تودارم می‌کشم. من يك آخوندم، کسی کاری با من ندارد، پس هرچی باشد تمام عذابها را برای تو می‌کشم که يك سگ آمریکایی عزتش بیش از توست. آنوقت این حرف را زده بود و رئیس خنده‌اش گرفته بود. همینطور بود، يك سگ آمریکایی عزتش بیشتر از يك رئیس پادگان بود. يك فاحشه توی این مملکت عزتش بیش از يك مجتهد بود. يك عرق‌خور عزتش بیش از يك پیش‌نماز بود. ما توی این نجف‌آباد اینقدر ذلت کشیدیم. ما هر طرف که می‌رفتیم چپ‌چپ به ما نگاه می‌کردند، نه اینکه من از ابتدا مجلس در خانه‌مان بود و فعالیت می‌کردم، آن وقت می‌گفتند، آنها را جمع کرده‌ای سر و صدا بکنند، توی کوچه‌ها... می‌خواهم ببینم آشیخ عباس ایزدی (امام جمعه نجف‌آباد) سر و صدا کن بود، آقای مسافری سر و صدا کن بود؟ آخر طلبه‌ها اکثرشان از خانه ما بلند شدند. مثلاً آن مرحوم ریاضی، يك کمی پیش من درس می‌خواند. مرحوم ریاضی بجه من حساب می‌شد. مرحوم ریاضی آدم برجسته‌ای شد. خیلی به درد نجف‌آباد و حومه آن می‌خورد. بنیاد چند تا مدرسه و چند تا مسجد را در نجف‌آباد گذاشت.

س: از زندانهای آیت‌الله منتظری نظرتان هست، چند بار و کجا زندانی و یا تبعید شدند؟
 - ۱۵ سال مرتب در آزار و تعقیب و زندان و شکنجه به سر می‌برد. ابتدا بردنش به زندان قزل‌قلعه، بعد يك مدتی زندان قصر بود، بعد آزادش کردند، بعد به مسجد سلیمان تبعیدش کردند، يك مدتی هم در طبرس تبعید بود و از طبرس آوردنش خلخال. از خلخال به سقز بردنش از سقز دوباره گرفتندش بردند زندان اوین. بالاخره از زندان خبر آوردند که حکم اعدامش در آمده، گفتم: خوب هرچور تقدیر است. بعداً به ده سال زندان محکوم شد.

س: وقتی شنیدید آیت‌الله منتظری امام جمعه تهران شد چه حالتی به شما دست داد؟
 - من یه آدمیم که نه از خوبیهای دنیا شاد می‌شم، نه از بدیهای آن اوقاتم تلخ می‌شود. همون وقت هم که گفتند حکم اعدام شیخ حسینعلی در آمده، من اصلاً ککم نگزیدم.

س: گویا هانی‌الحسن اولین سفیر مردم فلسطین گفته بود که من مأموریت دارم وقتی آمدم اصفهان حتماً به دیدن پدر آیت‌الله منتظری بروم، در این باره چه می‌گویید؟
 - بله آمدند اینجا با استاندار و فرماندار، خیلی بودند آمدند اینجا، يك صدنفری بودند، نهار اینجا بودند.

س: در مورد جنگ تحمیلی که صدام یزید بر ما تحمیل کرده است چه نظری دارید؟
 - نظر من این است که این را (صدام) وسیله دستش کرده‌اند وگرنه جنگ با آمریکا است و روسیه و انگلیس. آنها از اول انقلاب در تهیه بودند. این را مسلم بدانید يك اشخاصی که اینها نه دین سرشان بشود، نه وجدان و نه انسانیت سرشان بشود توی دسته همه سلاطین هستند. اینها را دستکش کرده‌اند. اگر از مسلمانهای عراق هم می‌آورند زوری می‌آورند. یا از مسلمانهای مصر و اردن می‌آورند، جبراً می‌آورند، اینها یهودیانی هستند از آمریکا. آنهايي که هیچی سرشان نشود، اگر نه، اگر اینها بشر بودند، بشر می‌شود - حالا ولو اصلاً بوی دین هم به مشامش نرسیده باشد - آیا حاضر می‌شد بچه‌های بیگانه را زیر آوار کند. مسلماً یزید هم به این عمل حاضر نمی‌شد که

بی خبر يك عده بچه بیگناه را لای آوار بکند. خدا را به حق محمد و آل محمد قسمش می‌دهم خودش رحمان کند، از دست اینها نجاتمان بدهد. از دعای پیرزنها و بیچاره‌هاست که تا حالا آنها نتوانسته‌اند فایق بشوند بر این مملکت و گرنه اینها رنگش را همچو ریخته بودند که به آسانی مملکت را در حیطه تصرف در بیاورند.

س: می‌خواستم درباره جریانات روز و مخالفت‌هایی که توسط عده‌ای علیه روحانیت مبارز دامن زده می‌شود سؤال کنم. با توجه به اینکه همین روحانیون در زمان رژیم سابق بدترین و سخت‌ترین فشارها و شکنجه‌ها و زندانها و تبعیدها را تحمل کردند و در این انقلاب اسلامی پیشاپیش مردم حرکت کردند و آنرا به ثمر رساندند، آیا با توجه به این حقایق مخالفین آنها چه کسانی می‌توانند باشند و به نفع چه قدرتهایی کار می‌کنند؟

- عرض شود که اشخاصی که در دستگاه سابق گدا بودند و برای اینکه زیر بار فرمان آنها بودند میلیونر شدند و خونه و زندگی و ماشین و... فراهم کردند اینها سرچایشان نمی‌نشینند. خیلی‌شان فرار کردند و رفتند عراق و اساس این جنگ و فساد را بنا کردند. خیلی‌شان هم تقلا می‌کنند تا مردم را بریزند بهم، اون را با اون بد کنند. از دویهم زنی کردن و دروغ‌بافی کردن و تهمت زدن هم ابایی ندارند. هر کس از این انقلاب صدمه خورده سرچایش نمی‌نشیند. باید با اینها از روی درایت و فهم عمل کرد. باید اینها را خوب شناخت. درد پیغمبر (ص) و امیرالمؤمنین هم از همین‌ها بود، شما گمان می‌کنید پیغمبر ابوسفیانها را نمی‌شناخت. ابوسفیان دیگر معلوم است، که سرکرده جنگ بدر و احد و احزاب و... بود چقدر مسلمانها را به کشتن داد. چقدر فساد کرد. با اینهمه حال، پیغمبر با وی از روی درایت عمل کرد. اگر می‌خواست نکند، نمی‌توانست اساس اسلام را حفظ کند و اسلام را پیش ببرد. اینها همه‌اش در زمان پیغمبر و امامان بودند. مگر امیرالمؤمنین توانست منافقین را جدا کند. امیرالمؤمنین از دست اینها بارها «های‌های» گریه می‌کرد. هیچ‌جا ما نداریم که امیرالمؤمنین از دست کفار گریه کند، ولی بسیار می‌شد از دست منافقین بنا می‌کرد گریه کردن....

بعضیها هم نمی‌فهمند. اول انقلاب که مردم شورش می‌کردند و کشته می‌دادند یکی آمده بود حساب خمس‌هایش را بکند. می‌گفت من صد تا ختم انعام نذر کردم که این شاه پیروز شود و هشتادتای آن را تا حالا انجام داده‌ام. بیست‌تای دیگرش گردنم است! خیلی از اینها هستند که توی رژیم سابق بودند اگر با اینها مدارا کنیم از همینها می‌شود کار بکشیم، هیچ عملش هم با برجا نیست. آخر بشر که مثل هم نیست سلیقه‌ها یکجور نیست، خوب عده‌ای جاهلند، توی همین پاکسازیه‌ها عده‌ای بی‌گناه پاکسازی می‌شوند. نگویید تو يك وقت چه می‌دانم، يك ساواکی آمده است تو خونه‌ات و حرفی زده‌ای، خوب مردم با هم معاشر بودند. فلانی مالش را چه کرده‌اند برای اینکه یکوقتی با يك ساواکی حرف زده است، نمی‌شود این ایرادات را بگیری، ولی آنها که از انقلاب سیلی خورده‌اند، اینها خطرناکند. عده‌ای که عقیده‌ای دارند و آن عقیده غلط است و لجاجت دارند یا دزدی کرده‌اند و حالا واهمه دارند. اینها خیلی خطر دارند، جدا کردنشان هم مشکل است.

همیشه دنیا پر بوده است از منافق. دنیا را منافق خراب کرده است. همین حواریین حضرت عیسی (ع) آیا اینها خوب بودند همه‌شان؟ دنبال عیسی راه افتاده بودند. قید زندگی‌شان را هم زده بودند. همینها خیلی‌شان توی قرآن، خدا مذمتشان می‌کند، دنبال عیسی بودند و مکر و حيله می‌کردند. همین شمر مگر یکی از سرکرده‌های لشکر امیرالمؤمنین نبود در جنگ صفین؟ شما گمان می‌کنید نمی‌شناختش؟ «اشعث بن قیس کندی» که دیگر از اول نانجیب و نفاقش معلوم بود، یکی از سرکرده‌های لشکر امیرالمؤمنین بود در جنگ صفین. زیادبن ابیه مگر مدتی از طرف امیرالمؤمنین استانداری نداشت. امام جماعت هم بود و بعد همین زیاد چه به سر شیعیان امیرالمؤمنین آورد به جهتی که کاملاً آنها را می‌شناخت. خدا می‌داند که این زیاد چه بر سر شیعیان آورد، خوب این مردمند که می‌بایست این منافقین را از بین ببرد. باید معرفی‌شان کنند. ساواکیها و بی‌دینهای مسلمان‌نما را رسوایشان بکنند. امیرالمؤمنین به تنهایی که نمی‌توانست اینها را کنار بزند. حالا هم همینطور. مگر به بعضیها می‌شود گفت بالای چشمت ابرو، اما باید مراقب پیاد که هرکس يك عقیده‌ای دارد من عقیده‌ام این است که اگر خدای نکرده يك وضعی پیش بیاد که نصف این مردم این مملکت کشته بشند، آن نصف مردم آزاد بمانند از بندگی و از قعر نجاست بیرون بیایند بهتر است. ۲۵۰۰ سال بود اهل این مملکت را معامله حیوانات باهاشون می‌کردند، بنده‌های خدا را دیگر قیمت برایشون قائل نبودند. ما يك روز با الاغ و گوسفند به باغ می‌رفتیم، خیلی هم کار داشتیم. يك مرتبه يك مامور رضاخان چاقویش را در آورد و پاچه شلوار ما را برید و ما را گرفت و برد. آنجا نگاه‌مان داشتند که چرا کت و شلوار نپوشیدیم؟ چرا متجدد نشده‌ایم. این چه زندگی است. برای لباس يك مدتی ما را ببرند زندان و آن اذیتها را به ما بکنند و تازه اونجا می‌گفتند بین این چند نفر (که بهایی بودند و لباس فرنگی داشتند) توی این اداره چه عزتی دارند....

س: شما اکنون به غیر از کار مسجد و تشکیل جلسات، کشاورزی هم می‌کنید؟

- کشاورزی دیگر نمی‌توانم. تا پارسال دنبال کشاورزی بودم. دیگر از پارسال تا حالا از پا افتاده‌ام تا در خانه زوری می‌روم، می‌آیند با ماشین می‌برندم.

حاج علی منتظری در پایان این مصاحبه به مردم سفارش نموده است که باید جدیت کنید، جلوی بلوای فساد را بگیرید. جلوی حق‌خوری را بگیرید، مردم باید اتحاد کنند و دست به دست یکدیگر بدهند و جلو فساد را بگیرند. و همچنین به پاسداران گفته است که من التماس و تقاضا می‌کنم که دوست یکدیگر باشند. اتفاق و اتحاد داشته باشند. امروز روزیست که اگر کسی مسلمان باشد بایست با هم متفق و متحد باشند و خیلی ایرادها را بریزند دور.^۱

۱- این، مخلوطی از دو مصاحبه با روزنامه جمهوری اسلامی ۱۳۵۸/۸/۲۹ شماره ۱۴۲ و مجله پاسدار انقلاب شماره ۹ بهمن ۱۳۵۹ می‌باشد که متن کامل مصاحبه در نشریه‌های مذکور چاپ شده است.

خدایش سلامت دارد که این عمرهای پر برکت خود از نشانه‌های بارز غنی بودن نهادهای تربیتی و انسانساز اسلام است.

مادر آیت‌الله منتظری، خانم شاه‌بیگم سبحانی فرزند غلامحسین، از زنان متقی و پرهیزکار نجف‌آباد بوده است که در تربیت و رشد این مجاهد بزرگ رنجهای زیاد و بردباری قابل تحسین تحمل نموده است. بویژه در دوران کودکی او را همراه خود به مجالس آموزش قرآن و سخنرانی می‌برده است که از این طریق روحیه مذهبی فرزند با هوش و زرنگ خود را آماده‌تر و فزونی‌تر سازد. این مادر شایسته و بزرگ از نظر پرهیزکاری و فداکاری و تحمل و صبر، سرمشقی برای دیگران و مورد احترام آشنایان، همسایگان و دیگر زنان مسلمان شهر بوده است.

خانم سبحانی در سال ۱۳۴۹ هجری شمسی، پس از مدت کمی که فرزند رشیدش از زندان رژیم آزاد گشت، بدرود حیات گفت و به ابدیت پیوست. رحمه‌الله علیها.

دوران کودکی و نوجوانی آیت‌الله

کشاورز زاده شجاع، فقیه و مجاهد آیت‌الله حسینعلی منتظری به سال یکهزار و سیصد و یک (۱۳۰۱) هجری شمسی در خانه‌ای کلین از مادری با تقوی به دنیا آمد. پیرامون دوران کودکی آیت‌الله منتظری، و هوش سرشار او و علاقه‌اش به مقدسات مذهبی، فراوان گفت‌وگو شده است.

وی از سن ۷-۶ سالگی آموختن مقدمات عربی و سایر مسائل اسلامی را نزد پدرش آغاز کرد و در همان هنگام به فراگیری درس فارسی در یگانه مدرسه ملی نجف‌آباد به مدیریت مرحوم حجت‌الاسلام ملاحسینعلی مسجدی معروف به «مدیر» پرداخت. البته در آن مدرسه چند ماهی بیشتر نماند و نزد پدر و چند نفر دیگر تا سن ۱۱ سالگی، خواندن صرف و نحو عربی را ادامه داد. در آن موقع، پیرو پیشنهاد و تشویق و ترغیب آقای حاج شیخ احمد حججی، همراه دو نفر از علمای نجف‌آباد به نامهای حاج شیخ ابراهیم ریاضی و حاج شیخ غلامحسین منصور به قم رفت و در قم تحت سرپرستی آن دو، بعضی کتب مقدماتی را خواند و بعد که آنها قم را ترک نمودند و در نجف‌آباد ساکن شدند، منتظری قدرت باقی ماندن در قم را نیافت و به نجف‌آباد باز گشت.

در سن ۱۵ سالگی به حوزه علمیه اصفهان که یکی از مراکز بزرگ علمی - اسلامی در ایران است وارد شد و در اصفهان مدرسه جده بزرگ را برای اقامت و فراگیری علوم اسلامی انتخاب نمود. نزدیک به چهار سال در اصفهان پیش استادانی چون حجت‌الاسلام حاج سید محمد هاشمی قهدریجانی^۱ و مرحوم آیت‌الله حاج شیخ محمد عالم نجف‌آبادی تحصیل دانش را ادامه

۱- حجت‌الاسلام حاج سیدمحمد هاشمی قهدریجانی، پسر حجت‌الاسلام سیدهادی هاشمی - داماد آیت‌الله منتظری - و حجت‌الاسلام سیدمهدی هاشمی - چهره مشهور روحانیت اصفهان - بود که در تاریخ ۱۳۵۹/۱۰/۲۰ بدرود حیات گفت. حضرت آیت‌الله منتظری به مناسبت درگذشت وی تلگرافی بدین شرح به فرزندان او مخابره نمود:



داد. منتظری با استعداد فوق‌العاده و حافظه قوی‌ای که داشت بزودی در ردیف بهترین و با هوشترین شاگردان حوزه علمیه اصفهان قرار گرفت و از این نظر زبانزد طلاب جوان گردید. در تأیید استعداد و پشتکارش گفته‌اند بسیاری از کتب فقهی و فلسفی را بدون دیدن استاد خوانده و خود استاد آن دروس شده است. علاوه بر این، هنگام حضور در جلسات درس و بحث با طرح سوالاتی پیچیده و همچنین وارد کردن اشکالاتی اساسی بر استادان خود، عمق بیشتری به آموخته‌های خویش می‌بخشید.

مهاجرت به قم

آیت‌الله منتظری در اصفهان تا شروع مکاسب و رسائل شیخ انصاری، تحصیل نمود و جهت رشد فکری و بارور نمودن اندیشه توانای خویش، رخت سفر به مرکز علمی و دانشگاه بزرگ شیعه، حوزه علمیه قم، بست که بتواند از پیشگاه اساتیدی بزرگ استفاده نماید. در بدو ورودش به قم، با اندیشمند فرزانه و شهید راه فضیلت، استاد مرتضی مطهری آشنا گردید و این دو در کنار یکدیگر، برای خودسازی و اصلاح جامعه، جهاد بزرگ را آغاز نمودند و فعالیت‌های علمی خود را روز بروز گسترش دادند.

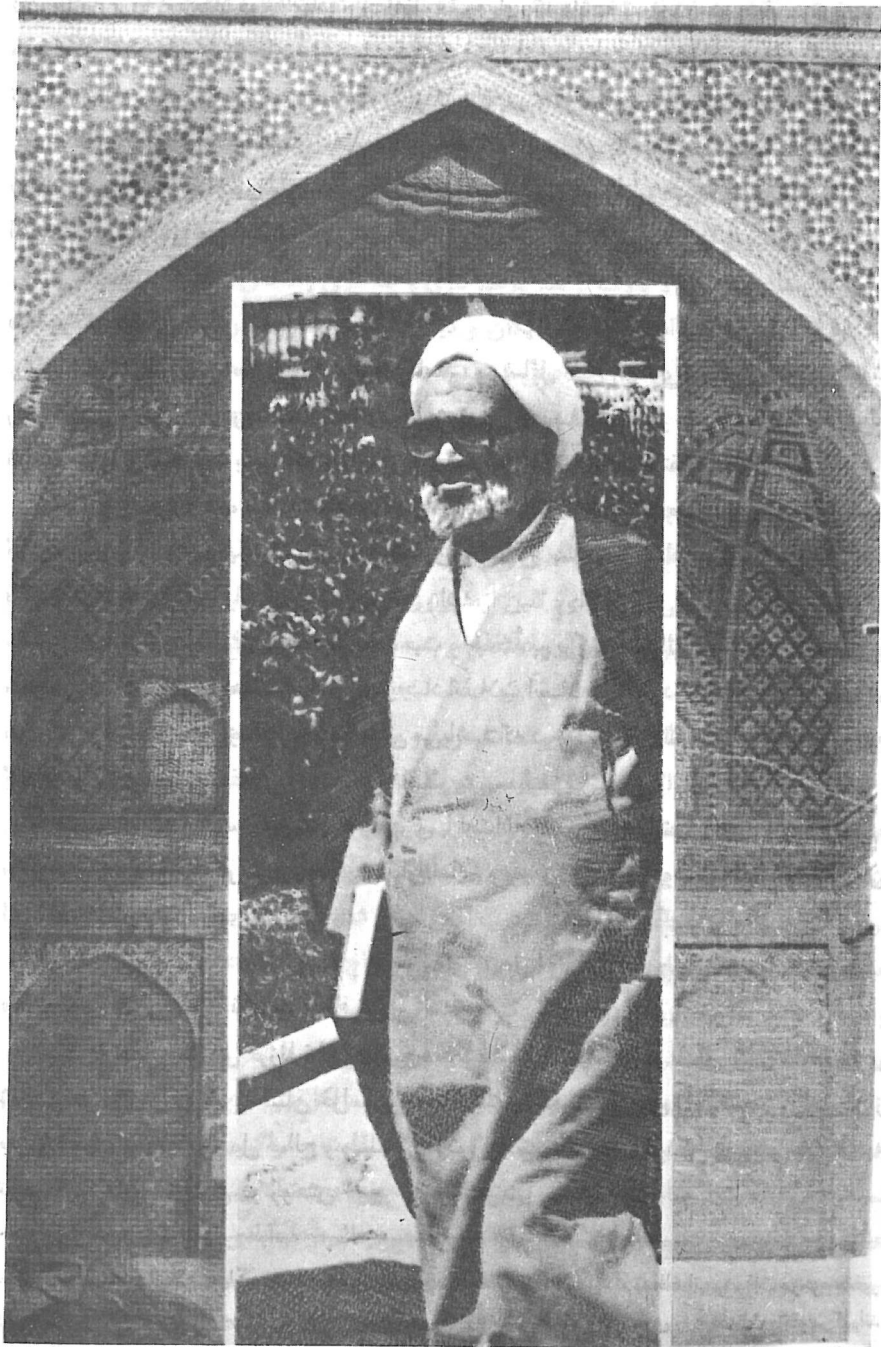
این آشنایی ارزشمند ۱۲-۱۱ سال مصاحبت و مباحثه پر برکت و سالهای متمادی دوستی و همراهی در گسترش فرهنگ اسلامی و ایجاد انقلاب اسلامی را به دنبال داشت. ثمرهٔ پربار هجرت به قم، فقاقت، آزادگی و مجاهدتی می‌باشد که در وجود آیت‌الله منتظری یکجا جمع گردیده است.

به سبب آشنایی و همسنگری شهید مطهری با آیت‌الله منتظری، در اینجا مفید و لازم می‌بینیم، مختصری پیرامون زندگی شهید مطهری بیان نمایم و سپس چگونگی دوستی این دو را از زبان آیت‌الله منتظری نقل کنم.

مختصری از زندگی شهید مطهری

شهید مرتضی مطهری فرزند مرحوم شیخ محمد حسین مطهری در سال ۱۲۹۹ هجری شمسی در فریمان از توابع استان خراسان متولد گشت. شهید مطهری راه راست را اول بار از طریق ایمان و تقوی و عمل صالح و راستی پدرش یافت و از همان کودکی شور و علاقه به تحصیلات علوم اسلامی در روخش موج می‌زده است.

بسمه تعالی - حجج اسلام آقایان سیدهادی، سیدمهدی و سیدمحمدتقی هاشمی دامت افاضاتهم، وفات مرحوم مقفور والدتان حجت‌الاسلام والمسلمین آقای سیدمحمد هاشمی قه‌دربجانی طاب‌ثراه که عمری را با فضیلت و تقوی گذراند موجب تأسف است. این مصیبت را به شما و همهٔ بازماندگان محترم تسلیت گفته رحمت و غفران آن مرحوم و سلامت و موفقیت شما را در راه خدمت به اسلام عزیز از خدای بزرگ مسئلت می‌نمایم. حسینعلی منتظری.



مرد علم و مبارزه از حوزه علمیه قم

مطهری تحصیلات ابتدایی‌اش را در مکتب‌خانه‌ای در فریمان کسب کرد و در سن ۱۲ سالگی پس از آموختن مقدمات عربی و سوره‌های کوچک قرآن، در سال ۱۳۱۱ به مشهد رفت و مقدمات علوم اسلامی از منطق و فلسفه و حقوق اسلامی و ادبیات عربی را در آن شهر فرا گرفت. علاقه شدید وی به عرفان و فلسفه و علوم الهی باعث گردید که او بیشتر در مجلس بزرگان فلسفه و عارفان زمان حضور یابد.

مرتضی مطهری در سال ۱۳۱۶ هجری شمسی به قم مسافرت نمود و از اساتید حوزه علمیه قم چون آیت‌الله سیدمحمد محقق معروف به داماد و آیت‌الله سیدمحمد حجت و آیت‌الله صدر رضوان‌الله علیهم، در فقه و اصول استفاده‌های فراوان برد. در قم به اتفاق فقیه و عالم مجاهد بزرگ حضرت آیت‌الله منتظری که سخت مورد علاقه او بود، در یکی از حجره‌های مدرسه فیضیه قم سکونت داشت و گفته‌اند که از دوران طلبگی و همصحبتی با آیت‌الله منتظری خاطرات شیرین و جالبی نقل می‌کرده است.^۱

در سال ۱۳۱۹ هجری شمسی به درس عالم حکیم و فقیه و مجاهد عالیقدر حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی راه یافت و در مدت ۱۲ سال از ایشان در زمینه فلسفه و عرفان بهره و حظ علمی وافر برد.

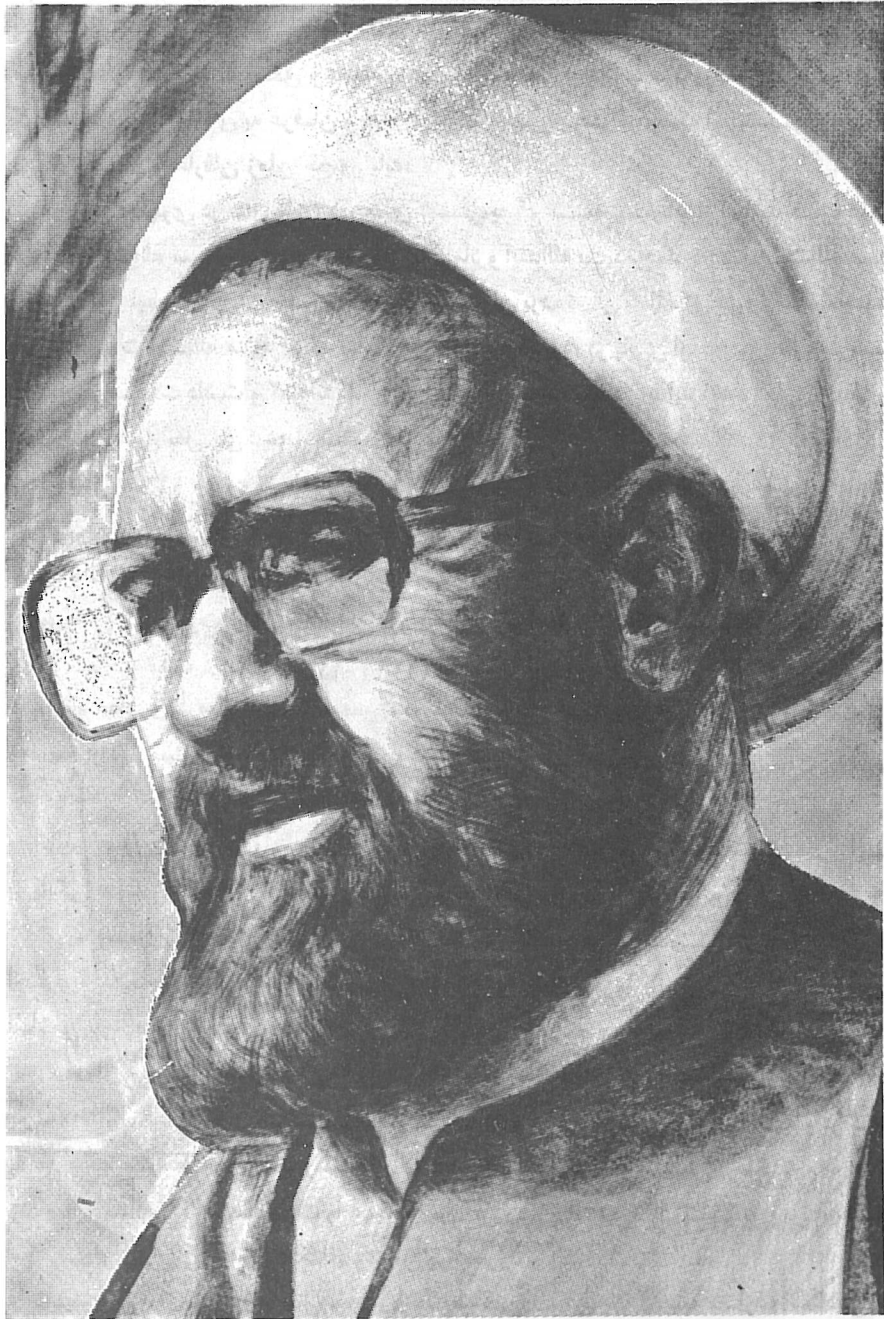
هنگامی که حضرت آیت‌الله العظمی بروجردی به قم آمدند، آیت‌الله مطهری در درس معظم‌له حاضر شد و به مدت ۸ سال (۱۳۳۱-۱۳۳۳) از محضر این روحانی و عالم بزرگوار بهره‌مند شد. استاد مطهری در سال ۱۳۲۹ شمسی، در محضر درس استاد علامه طباطبائی شرکت کرد و فلسفه بوعلی سینا را از معظم‌له آموخت و در یک حوزه درس خصوصی که ایشان برای بررسی فلسفه مادی تشکیل داده بودند نیز حضور یافت.

کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم که در بیست سال اخیر نقش تعیین‌کننده‌ای در ارائه بی‌بایگی فلسفه مادی برای ایرانیان داشته است، در آن مجمع پربرکت پایه‌گذاری شد.

شهید مطهری به علما و دانشمندان بزرگ اسلامی بخصوص دانشمندان شیعه مانند شیخ انصاری، علامه مجلسی، شیخ طوسی، مرحوم حاج ملاهادی سبزواری، بوعلی سینا و از عرفای اسلامی به حافظ و مولوی رومی علاقه زیادی داشت. استاد مطهری در سال ۱۳۳۱ شمسی از قم به تهران عزیمت کرد، و در مدرسه مروی به تدریس فلسفه الهی پرداخت. در سال ۱۳۳۴ از طرف دانشگاه تهران برای تدریس در دانشکده الهیات و معارف اسلامی دعوت شد و در گروه فلسفه و حکمت اسلامی و سایر رشته‌های علوم اسلامی، بتحقیق و تدریس پرداخت و به مدت ۲۲ سال استادی دانشکده الهیات را عهده‌دار بود. علاوه بر استادی دانشگاه و تدریس طلاب، سخنرانیهای فراوانی در نقاط مختلف کشور ایراد می‌کرد.

شهید مطهری پس از ۵۹ سال عمر پربرکت، و باقی‌گذاردن یک گنجینه معارف اسلامی به

۱- در اسناد باقی مانده از ساواک، حتی مزدوران شاه هم مطهری را «همسنگر» آیت‌الله منتظری گفته‌اند.



استاد شهید مطهری:

«منتظری» اکنون از مدرسين و مجتهدين بزرگ حوزه علميه قم مي باشد.

صورت تألیفات متعدد روز یازدهم اردیبهشت ۵۸ به دست پلید مخالفان فکری خود شهید گشت و اسلام و انقلاب و امام و مردم را به سوگ نشاند. امام خمینی به کرات از شهید مطهری و خدمات علمی - اسلامی وی یاد کرده و او را ثمره عمر و پاره تن خود خوانده است.

یادش گرامی و راهش پیوسته پرشتاق باد.
و اما آنچه را که حضرت آیت‌الله منتظری پیرامون آشنایی با شهید مطهری نوشته برای ثبت در تاریخ نقل می‌کنم:

بسم الله الرحمن الرحيم

در سال یکهزار و سیصد و بیست ششمی هجری در سن نوزده سالگی برای ادامه تحصیل به تشویق بعضی از دوستان از اصفهان عازم قم شدم، و در مدرسه مرحوم حاج ملاصادق ساکن شدم. و پس از چندی در مدرسه فیضیه در درس سطح کفایه اول باب اواخر که بوسیله مرحوم آیت‌الله آقای حاج سید محمد محقق یزدی معروف به داماد تدریس می‌شد شرکت کردم، مجموع شرکت کنندگان از ده نفر کمتر بودند.

پس از چند روزی يك نفر از شرکت کنندگان که می‌نمود چند سالی از من بزرگتر است پیشنهاد کرد مطالب درس را با یکدیگر بحث کنیم. در اول من با سردی از این پیشنهاد استقبال کردم ولی بتدریج ارتباط و علاقه ما به یکدیگر بیشتر می‌شد، و در بحث به مطالب درسی قناعت نمی‌کردیم، بلکه مسائل مختلف اسلامی و حتی مسائل فلسفی و عرفانی را در حدود استعدادمان مورد مذاکره قرار می‌دادیم. این جوان باهوش و خوش استعداد و پرکار و با همت و متقی و مقید به آداب و سنن اسلامی مرحوم آیت‌الله آقای حاج شیخ مرتضی مطهری فریمانی خراسانی بود، اعلی‌الله مقامه و رفع فی الخلد درجته.

باری ایشان در مدرسه فیضیه سکونت داشتند و من هم به اصرار ایشان به مدرسه فیضیه منتقل شدم و بتدریج در زندگی و دخل و خرج و درس و بحث و گردش و تفریح و حضور در مجالس و محافل دینی و اخلاقی با یکدیگر ملازم بودیم و هر چند از نظر مادی هردو با عسرت و سختی می‌گذراندیم، ولی با درس و مذاکره و شرکت در بعضی محافل و انجمنهای آموزنده مخصوصاً درس اخلاق حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی که عصرهای پنجشنبه و جمعه در مدرسه فیضیه تدریس می‌شد دلخوش بودیم و از درسهای خارج مرحوم آیت‌الله داماد و آیت‌الله حجت تبریزی استفاده می‌کردیم. ضمناً هردو نفر دورادور نسبت به مرحوم آیت‌الله العظمی آقای حاج آقا حسین بروجردی طاب‌ثراه که در آن زمان در بروجرد بسر می‌بردند ارادتی خاص پیدا کردیم، چنانچه مرحوم آیت‌الله مطهری در تابستان ۱۳۶۲ قمری و من در تابستان ۱۳۶۳ به بروجرد رفتیم و با درس و مذاق و اخلاق آن مرحوم آشنا شدیم و پس از اینکه آن مرحوم در محرم ۱۳۶۴ قمری به دعوت بزرگان و اساتید قم از جمله حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی به قم آمدند ما دونفر از ملتزمین درس اصول وقفه آن مرحوم شدیم و ضمناً منظومه حکمت و سپس مبحث نفس اسفار را

نزد آیت‌الله خمینی می‌خواندیم. پس از چندی چون درسهای مرحوم آیت‌الله بروجرودی عمومی و شلوغ بود و ما احتیاج داشتیم به یک درس خصوصی که بتوانیم در آن بحث آزاد داشته باشیم، لذا مباحث عقلیه اصول را نیز نزد آیت‌الله خمینی شروع کردیم و از اینجا درس عالیه آیت‌الله خمینی در حوزه علمیه قم پایه‌گذاری شد. و ضمناً ما غیر از مباحثات فقهی و اصولی، جلد اول اسفار را نیز با یکدیگر بحث می‌کردیم و هر کدام نیز جداگانه حوزه تدریس داشتیم و درسهای پنجشنبه و جمعه نیز در جلسه بحث فلسفی آیت‌الله علامه طباطبایی شرکت می‌کردیم و همین بحثها پایه کتاب اصول فلسفه شد. این جریان حدود ده سال برقرار بود تا اینکه مرحوم آیت‌الله مطهری در اثر گرفتاریهای زندگی دیگر قدرت اقامت در قم را نداشت لذا به تهران مهاجرت کردند، ولی بحمدالله وجود ایشان در تهران منبع فیض بود و در محیط دانشگاه و بیرون از دانشگاه به تدریس و تالیف و نشر معارف اسلامی پرداخت. شکرالله مساعیه الجميله.

مرحوم آقای مطهری در علوم اسلامی از قبیل تفسیر و فقه و اصول فقه و اصول دین و فلسفه شرق مجتهد و اهل نظر بود و مخصوصاً اعماق مسائل فلسفه صدرالمتألهین شیرازی را دقیقاً لمس کرده بود و گفتار و تألیفات آن مرحوم دقیق و پخته و آموزنده بود برای نسل جوان دانش-پژوه بسیار سودمند و ارزنده است. آن مرحوم در شناساندن مکتب اسلام اصیل و در مبارزاتی که به رهبری امام خمینی شروع شد نقش مؤثری داشت و در پانزده خرداد که آیت‌الله خمینی و عده‌ای از علمای اعلام و روشنفکران بازداشت شدند آن مرحوم نیز جزء بازداشت شدگان بود و همیشه از یاران باوفای انقلاب و رهبر انقلاب بود. و از ویژگیهای آن مرحوم اینکه محیط پرتلاطم تهران ایشان را آلوده نکرد و صفا و خلوص و سادگی و جهات اخلاقی و معنوی ایشان کماکان باقی مانده و چه فضیلت بزرگی است برای انسان که محیط در او اثر سوء نگذارد، بلکه او بتواند در محیط اثر مثبت خوب داشته باشد - و نیز از ویژگیهای آن مرحوم تقید و علاقه مفراطی ایشان بود به ذکر و دعا و تهجد و شب بیداری - بیاد دارم که در همان اوائل آشنایی ما با یکدیگر ایشان به نماز شب مقید بود و مرا نیز بدان تحریص می‌کرد و من به بهانه اینکه آب حوض مدرسه شور و کثیف و برای چشمانم مضر است از آن شانه خالی می‌کردم. تا اینکه شبی در خواب دیدم که در خوابم و مردی مرا بیدار کرد و گفت من عثمان بن حنیف نماینده حضرت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام می‌باشم. آن حضرت به تو دستور داده‌اند بیاخیز و نماز شب را بپای دار و این نامه را نیز آن حضرت برای تو فرستاده‌اند. در آن نامه با حجم کوچکی که داشت با خط سبز روشن نوشته شده بود «هذا براءة لك من النار» من در عالم خواب با توجه به فاصله زمانی حضرت علی علیه‌السلام متحیرانه نشسته بودم که ناگاه در همان حال تحیر مرحوم آیت‌الله مطهری مرا از خواب بیدار کرد در حالیکه آفتابه‌ای در دست داشت و گفت این آب را از رودخانه تهیه کرده‌ام برخیز و نماز شب بخوان و بهانه مجوی. آن مرحوم فیض بزرگ شهادت را دریافت. گوارا باد او را حشره الله تعالی مع الشهداء و الصالحین و رزق الله اولاده و اهل بینه الصبر و الاجر بجاه محمد و آله.

به تاریخ ۱۶ ربیع الاول ۱۴۰۰، قم، حسینعلی منتظری

تاریخ
 تا اینکه شبی در خواب دیدم که در خوابم و دردی خرابه را در کمرم دیدم فریاد می‌کنم که ای خدایا این درد را از من بکن
 امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌نماید آن غمزه را بکنم و داده اند میان کمر و بازو را بکنم و این کار را نیز
 آن حضرت بر آن تو فرموده اند - در آن نامه با جمعی که بخوبی می‌دانستند تا خطا می‌کردند نوشته شده بود

که بفرموده بر آن کفر انکار می‌کردند و عالم کفر است با آنکه اینها همه را در جبهه شایع علیه السلام ~~و~~ بکنم از شسته بودم
 که تا نگاه در همان حال کفر فرمودم آنکه در کفری که از خود است بیدار کرد در حالی که احباب آن در دست داشتند
 و گفت این کتب را از روی تو تهیه کردند ام سر همی و ما را بکنم که آن در میان کجی -

آن فرمود فیض بزرگش در دست او و باقی کتب کوا را از او احضره الله تعالی علیه السلام و او را
 و رزق الله اولاده و اهل بیکه الصبر و الاجر کما تجزوا له تاریخ ۱۶ ربيع الاول ۱۸۵۱ ق م - حسینی سقزانی

صه آن مردم در نماز سندان کلمت اعلام و در میان رزاق که بر هر کس که اعلام غنی شروع شد نفس کوفتی داشت
 در پانزده خرداد که آیه الرخیس وقت از علماء اعلام در سندان باز داشتند آن مردم نیز فریاد باز داشتند
 سندان بود و هدیه از یاران ما و خاکی انقلاب در هر انقلاب بود

جز این، آیت‌الله منتظری پیرامون شخصیت همسنگر خویش استاد مطهری بکرات سخن گفته است، از جمله در خطبه نماز جمعه یازدهم اردیبهشت ماه سال ۶۰ چنین گفت:

«به مناسبت دومین سالگرد شهادت استاد شهید مطهری باید بگویم او همیشه مشغول خدمت به اسلام و مسلمین بود و به کسی کاری نداشت و يك عده حسادت می‌کردند که چرا او خوب درس می‌خواند و آنقدر باسواد است، و امروز دومین سالگرد شهادت این مرد بزرگ است؛ این مردی که با قلم و زبان به اسلام و ایران خدمت زیادی کرد، اهل تقوی و فضیلت و عبادت بود و ایشان در هر جا می‌رفت محیط دراو اثر نداشت، بلکه او در محیط اثر می‌گذاشت و کتابهای ایشان همه خواندنی است و من به همه سفارش می‌کنم از کتابهای ایشان در مورد فلسفه و اصول، فقه و نهج‌البلاغه استفاده کنند زیرا ایشان در علم فقه و فلسفه صاحب نظر بودند....»

می‌خواهم یکی از صفات مرحوم شهید مطهری را به همه برادران و همسنگران و ائمه جمعه سفارش کنم. یکی از خصلتهای ایشان این بود که جاذبه‌ای به جوانان داشت و به خواستهای جوانان توجه داشت و من از همه ائمه جماعات و طلاب تقاضا می‌کنم این روحیه را در خود حفظ کنند که یکی از خصایص مرحوم شهید مطهری همین بود.

از آنچه در بالا آمد آشکارا مشاهده می‌شود این دو برادر هم‌رزم و دویار هم‌درس تاچه اندازه به هم نزدیک و با هم مأنوس بوده‌اند. امید است آینده اسلام از این دو هم‌رزم و هم‌درسهای حماسه‌آفرین و خدمتگزار به اسلام فراوان داشته باشد، البته این دو را استادی چون امام خمینی بایسته است.

آشنایی با آیت‌الله العظمی بروجردی

آیت‌الله منتظری در قم از شاگردان پرکار و تحسین‌برانگیز مرحوم آیت‌الله العظمی حاج سیدحسین طباطبایی بروجردی بود و پیش معظم‌له فقه شیعه را به خوبی آموخت. آشنایی منتظری با آیت‌الله بروجردی در تابستان ۶۳ قمری آغاز شد. آن زمان آیت‌الله بروجردی تابستانها را در بروجرد می‌گذراندند و منتظری تابستان سال ۶۳ را نزد معظم‌له در بروجرد گذراند. سبب آشنایی آیت‌الله منتظری با آیت‌الله العظمی بروجردی را از زبان حاج علی منتظری پدر آیت‌الله منتظری می‌شنویم:

«حسینعلی با آقای حجت دعواش شد. آقای حجت يك حرف زده بود، گویا اشکال داشت. حسینعلی به آقای حجت اعتراض می‌کند که این حرف در سطح يك عالم نیست، آقای حجت می‌گوید: دارم قرآن معنی می‌کنم، حسینعلی می‌گوید: می‌دانم قرآن معنی می‌کنی، ولی کج - انحرافی - معنی می‌کنی. در پی این اختلاف رفت بروجرد، پیش آقای بروجردی يك مدت هم بروجرد بود.»

البته این رفع اشکال کردن از آقای بروجردی بهانه‌ای بود که آیت‌الله منتظری را بطرف کسی که دورادور به او علاقمند بود - یعنی آیت‌الله العظمی بروجردی - بکشاند. حضرت آیت‌الله

بروجردی به خاطر درك سريع و سرعت فراگیری شاگرد خود، به او سخت علاقمند بود، چرا که منتظری از درخشنده‌ترین چهره‌های درس آیت‌الله بروجردی در قم بود و وی عالیقدرترین مقرر و منعکس کننده افکار و اندیشه‌های ایشان در اصول و فقه شیعه بود.

پس از فوت مرحوم حاج شیخ ابراهیم ریاضی در نجف‌آباد مرحوم آیت‌الله بروجردی، منتظری را برای راهنمایی مردم نجف‌آباد برگزید که وی هم ایام تابستان هر سال با تشکیل نماز جماعت و کلاس درس و مبارزه علیه کفر و بیگانه پرستی، این وظیفه مهم را بخوبی و شایستگی انجام می‌داد.

در آن ایام با وجودیکه آیت‌الله منتظری نسبتاً جوان بود و روحانیت، همچون زمان انقلاب اسلامی ایران با رژیم سفاک پهلوی درگیر نشده بود، اما ایادی تازه به دوران رسیده آمریکا از وجود آیت‌الله منتظری در نجف‌آباد بیمناک و نگران بودند.

اسناد بدست آمده نشان می‌دهد که تاجه اندازه مراقب برنامه‌ها و حرکات این طلبه جوان بودند که مبادا دست به افشاگری بزند. علاوه بر این، بکاربردن کلمات زنده در مورد آقای منتظری نشان‌دهنده این است که وی از آن طلبه‌ها و روحانیونی نبوده است که آرام به وعظ و تبلیغ بپردازد، و از گفتن حقایق ابا نماید. به اسناد موجود در این زمینه توجه فرماید:

شماره ۲/۶۶۸۶-۳۴/۵/۲۹

وزارت جنگ

ریاست ستاد ارتش

درباره: وضع بهاییها در نجف‌آباد

پیرو شماره ۳۶۱۶-۳۴/۳/۲۴-۲ رکن ۲

برابر گزارش شهربانی اصفهان شیخ حسینعلی منتظری خود را نماینده آیت‌الله بروجردی در نجف‌آباد معرفی و روز ۳۴/۵/۲۰ از وعاظ و معتمدین و اصناف و سایر طبقات دعوت و اظهار داشته که به موجب فتوای آیت‌الله بروجردی معامله مسلمین با بهاییها تحریم گردیده و مسلمین نباید با بهاییها رابطه خریدوفروش داشته باشند. با اینکه قبلاً آموزش کافی به شهربانی اصفهان داده شده بود مجدداً تأکید گردید که از هرگونه تحریکات و اقدامات نامبرده جداً جلوگیری شود. فعلاً آرامش در نجف‌آباد برقرار بوده و مأمورین انتظامی مراقب اوضاع می‌باشند. م. غ.

فرمانده لشکر ۹ زرهی اصفهان - سرتیپ ضرغام



اداره... لشکراندهی اصفهان

دائرة... دکن

شماره... ۲۸۹۸۲

وزارت جنت

محرمانه

۲۲/۵/۲۹

ریاست ستاد ارتش

در باره اوضاع بهائیه در نجف آباد

پهر شماره ۳۹۱۹
۲۲/۳/۲۹

بهاجر گزارش شهریارنی اصفهان شین حسینعلی منتظری خود را نماینده
آیت اله بروجردی در نجف آباد معرفی و روز ۳۴/۵/۲۰ ازوغاظ و معتمدین
واصناف و سایر طبقات دعوت و اظهار داشته که بموجب فتوای آیت اله
بروجردی معامله مسلمین با بهائیهها تحریم گردیده و مسلمین نباید
با بهائیهها رابطه و خرید و فروش داشته باشند با اینکه قبلاً آموزش کافی
به شهریارنی اصفهان داده شده بود مجدداً تاکید گردید که از هرگونه
تحریکات و اقدامات نامبرده جدا جلوگیری شود فعلاً ارا من در نجف آباد
برقرار میسرود و ما مویدین انتظامی مراقب اوضاع میباشد - م - غ

کلیه
تصمیمات
↑

فرمانده لشکراندهی اصفهان - سر تیپ رضغام

Handwritten signature

۷۱۱۸

دائرة... ۲۸/۳/۲۹

در روز... ۲۹

۱۱۷۲۲

۱۳۰۶

در وقت... از برین...
برای...
در وقت... از برین...
برای...
در وقت... از برین...
برای...

۳۹۱۹
۱۳۰۶
۱۳۰۶

از
اداره لشکراندهی اصفهان
دائرة رکن ٢
شماره ٢٨١٢٢ -
(٢٢٤٢)



وزارت جنگ

محرماتنه

ریاست ستاد ارتش

درباره : شیخ حسینعلی منتظری

بارگشت بشماره ١١٧٢٢ - ٣٤/٧٧ رکن ٢ شعبه / ١٠

برابر گزارش شهرتانی اصفهان شیخ حسینعلی منتظری که سن او در حدود ٢٠ سال میباشد هیچگونه
محکومیتی در شهرتانی نجف ایتامندار و ثانیاً مجریه قرآنکج علی وشغل پدر زارع تحصیلات مقدماتی
را در نجف آباد انجام داده آنگاه مدت ٦ سال در اصفهان مشغول تحصیل علوم دینی بوده و بعداً -
بقیم عزیمت ١٣ سال در حوزه علمیه قم به تحصیل اشتغال داشته سال گذشته که آقای شیخ ابراهیم
ریاضی نماینده حضرت آیتاله بروجردی پدر و زندگی گذشته عده ١٠ راهالی نجف آباد بقیم عنیمت
وا حضرت آیتاله تقاضای تمین نماینده دبیری ایزد طرف معظم له بجای شیخ ابراهیم مذکور
ممنما پند همسایه آیتاله آقای منتظری را اچولی ناصحیه تمین وده نجف آباد اعزام میدارند
نا مجریه اصولاً همروانی استجاه طلب وکم تجربه شریف اچهر نجف آباد علاوه برداشتن سمت نمایندگی
آیتاله تدریس به محصلین علوم دینی نجف آباد که در حدود ٦٠ نفر محصل دارد ضمناً در مسجد آقای -
شیخ ابراهیم ویا زانظر وشب پیش نماز نیز میباشد و با احترام نمایندگی حضرت آیتاله وعظا
وا هالی ازا و اطاعت و فرمانبرداری ممنما پند ضمناً به عرض میرساند بسواثل مختلفه تا این تاریخ
از هرگونه تحریکات وی جلوگیری بعمل آمده است - م . غ

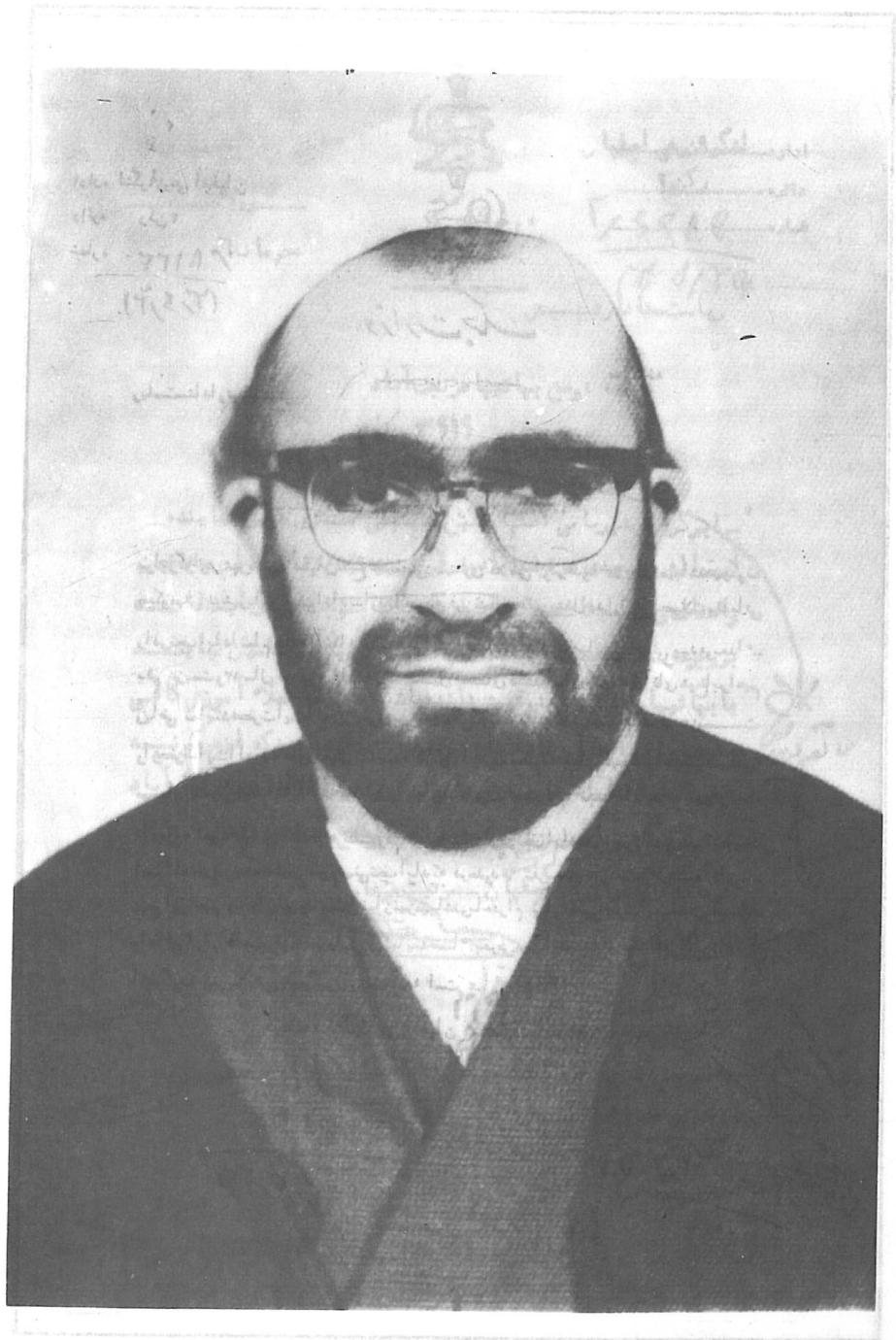
فرمانده لشکراندهی اصفهان سر تنیب ضرغام

فرمانده لشکراندهی اصفهان
٧٧٢٢

دری
٢٠
٣٠
٣١
٣٢
٣٣
٣٤
٣٥
٣٦
٣٧
٣٨
٣٩
٤٠

١٣١٢٤

٢٢٤٢



... ..

وزارت جنگ شماره ۳۴/۶/۲۱-۲/۸۱۲۲

ریاست ستاد ارتش
 درباره: شیخ حسینعلی منتظری
 بازگشت به شماره ۱۱۷۲۲ - ۳۴/۶/۷ رکن ۲ شعبه ۱۰.
 برابر گزارش شهربانی اصفهان شیخ حسینعلی منتظری که سن او در حدود ۳۰ سال می‌باشد هیچگونه محکومیتی در شهربانی نجف‌آباد ندارد. نامبرده فرزند حاج علی و شغل پدر زارع، تحصیلات مقدماتی را در نجف‌آباد انجام داده. آنگاه مدت ۶ سال در اصفهان مشغول تحصیل علوم دینی بوده و بعداً به قم عزیمت و ۱۳ سال در حوزه علمیه قم به تحصیل اشتغال داشته. سال گذشته که آقای شیخ ابراهیم ریاضی نماینده حضرت آیت‌الله بروجردی بدرود زندگی گفته‌ده از اهالی نجف‌آباد به قم عزیمت و از حضرت آیت‌الله تقاضای تعیین نماینده دیگری از طرف معظم له بجای شیخ ابراهیم مذکور می‌نماید. سپس آیت‌الله، آقای منتظری را بجای نامبرده تعیین و به نجف‌آباد اعزام می‌دارند. نامبرده اصولاً جوانی است جاه طلب و کم تجربه، شغل او در نجف‌آباد علاوه برداشتن سمت نمایندگی آیت‌الله تدریس به محصلین علوم دینی نجف‌آباد که در حدود ۶۰ نفر محصل دارد، ضمناً در مسجد آقای شیخ ابراهیم و بازار، ظهر و شب پیش نماز نیز می‌باشد و به احترام نمایندگی حضرت آیت‌الله وعاظ و اهالی از او اطاعت و فرمانبرداری می‌نمایند ضمناً بعرض می‌رساند بوسائل مختلفه تا این تاریخ از هرگونه تحریکات وی جلوگیری بعمل آمده است. ۰۴ غ.
 فرمانده لشکر ۹ زرهی اصفهان - سرتیپ ضرغام

آری، این اسناد نشان می‌دهد که همان اوقات که آیت‌الله منتظری از نظر سن جوان، اما در علم پخته شده بود، فکر نوکران استبداد و استعمار را به خود مشغول می‌داشت، بطوریکه مجبور به تحقیق درباره وی می‌شوند و با اعتراف به محبوبیت فعالیت‌های ضد رژیم او، ناراحتی خود را از حضور او در نجف‌آباد پنهان نمی‌کنند.

گویند حضرت آیت‌الله بروجردی به شاگردان و طلبه‌های جوانش، پیرامون استفاده از دانش و آگاهی‌های فقهی آیت‌الله منتظری سفارش‌های زیاد می‌کرده و به آنان توصیه می‌نموده است که او را از دست ندهند، چرا که آینده علمی و اجتماعی آیت‌الله منتظری را روشن و امیدوارکننده برای اسلام و مسلمین می‌دیده‌اند.

روزی آیت‌الله بروجردی، در جلسه‌ای که از شاگردان جوان معظم له تشکیل شده بود سفارش می‌کند: فقهای جوانان را از دست ندهید. سؤال می‌کنند چه کسانی را؟ می‌گوید: منتظریها. بعد مکئی می‌کند که دیگری را هم معرفی کند، به نظرش نمی‌رسد، نام کوچک آیت‌الله منتظری را تکرار می‌کند: شیخ حسینعلی‌ها! و این نشانه بارزی از مقام علمی شیرمرد سی و چندساله‌ای است که سالها چون ستاره‌ای تابان در ظلمت حاکم بر کشور ایران، می‌درخشید.

عجیب نیست که منتظری پس از ۱۸ سال تحصیل به درجهٔ اجتهاد نایل می‌آید. به هنگام حضور در محضر درس مرحوم آیت‌الله بروجردی به لحاظ ویژگیهای اخلاقی و عظمت علمی مورد توجه خاص معظم‌له بوده است. منتظری با تکیه بر حوصله، پشت کار و استعداد خویش و آگاهیهای اسلامی لازم، توانست تحقیقات و «دروس فقهی» و «اصول» حضرت آیت‌الله بروجردی را تدوین کند.

کتابهای نهاییه‌الاصول و البدر الزاهر فی صلوة الجمعة والمسافر مجموعه‌هایی تدوین یافته از دروس فقهی و اصولی و تحقیقات فقهی آن مرحوم است که به همت آیت‌الله منتظری انجام گرفته و به چاپ رسیده است. او در زمان آیت‌الله بروجردی از ممتحنین درجهٔ اول حوزهٔ علمیهٔ قم بوده است. بعضی صاحب‌نظران معتقدند پس از فیلسوف بزرگ علامه طباطبایی در حوزهٔ علمیهٔ قم، آیت‌الله منتظری بارزترین و محقق‌ترین استاد فلسفه بشمار می‌آید؛ همانگونه که در تدریس فقه و اصول نیز جزء اساتید بزرگ حوزهٔ علمیهٔ قم می‌باشد.

تشکیل خانواده

آیت‌الله منتظری نزدیک به بیست‌مین بهار عمر خویش و هنگامی که به تحصیل سطوح عالی اشتغال داشت به راهنمایی یکی از روحانیون، با خانم خدیجهٔ ربانی فرزند آقای قاسمعلی ربانی (یکی از پیشه‌وران سادهٔ نجف‌آباد) پیمان ازدواج بست.

خانم ربانی علاوه بر تقوی و پاکی، دارای صبر انقلابی زیادی است که بر رنجهای فراوان و شکنجهٔ شوهر و فرزند خویش - محمد منتظری - تحمل نموده است. در تبعیدها و شهریه شهرشدن‌ها همیشه در کنار شوهر به استقامت و بردباری گذران عمر نمود و از هیچ‌گونه سختی و تهدیدی نهراسید و اکنون با همان روحیهٔ شاد، در کنار شوهر و فرزندان زندگی می‌کند. ثمرهٔ این پیوند مقدس، چهار دختر و سه پسر است که بترتیب: محمد، عصمت، اشرف، احمد، طاهره، سعید و سعیده نام دارند.

رشد و تربیت فرزند صالح در دوران سیاه سیاسی و فساد اجتماعی، خود، کار بزرگ و ارجمندی می‌باشد و این ارج و عظمت هم نصیب خانم ربانی، این خدمتگزار جامعه گشته است. به این امید که زنان جامعهٔ اسلامی با دیدن این نمونه‌ها، شیوه‌های همسررداری و فرزند پروری را بیاموزند.

فرزندان آیت‌الله منتظری اکنون - تا آنجا که من می‌دانم - در راه حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی می‌کوشند و امید می‌رود که نام نیک پدر را در نهایت عظمتش ارج نهند و خواسته‌های وی را که همان ایجاد جامعه‌ای الهی است، جامعهٔ عمل بیوشانند.

مقام استادی در حوزه علمی قم

آیت‌الله منتظری پس از اندک زمانی که از محضر آیت‌الله بروجردی و از پیشگاه انسان‌ساز و شجاعت آفرین نایب الامام خمینی کسب فیض می‌کرد، در سطح حوزه علمی قم بعنوان يك استاد و الامقام و جزء برجسته‌ترین اساتید در سطح عالی، مورد اقبال طلاب و دانشجویان این دانشگاه قرار گرفت. وی غیر از استفاده علمی از محضر آیت‌الله بروجردی، یکی از شاگردان طراز اول و از نزدیکان حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی بوده و می‌باشد. انسان باید دارای مقامی پرشکوه و لیاقتی والا باشد تا به افتخار کسب فیض از دروس و آگاهی‌های امام خمینی نائل آید. این استاد و شاگرد آنچنان به هم نزدیک و علاقمندند که کمتر نمونه‌اش را می‌توان یافت.

در کنار امام خمینی

آیت‌الله منتظری همیشه در هر فرصتی در کنار استاد بزرگوار خویش امام خمینی به انجام وظیفه مشغول بود، و در فرصت‌های مختلف از این معلم مهربان و دلسوز و از این راهگشای خدایار و از این قهرمان سترگ و کوه استوار، و از این نمونه شرافت انسانی و شجاعت معنوی و مشعل فروزان، به نیکی و عظمت یاد کرده است. و در هر زمانی، و هر مکانی او را شجاعانه و صادقانه در مقام رهبری امت و جایگاه مرجعیت عامه به ملت تحت ستم ایران و شیعیان جهان معرفی نموده است. بارها و بارها آیت‌الله منتظری این فریاد را برآورد که مرجعیت به امام خمینی می‌برازد و بس. حتی در زندان و شکنجه‌گاه‌های رژیم از طرفداری و حمایت امام خمینی دریغ نمی‌ورزیده و شجاعانه عظمت او را به رخ دشمنان اسلام می‌کشیده است. به قسمتی از دفاعیات آیت‌الله منتظری در این باره که در زندان رژیم نوشته است توجه کنید:

... واقع مطلب این است که آیت‌الله خمینی مورد توجه قاطبه طلاب حوزه علمی قم بوده و

هستند و حوزه درسی ایشان در زمان حیات مرحوم آیت‌الله بروجردی و بعد از ایشان مورد توجه فضلاء و محصلین بود و قهرماً تبعید ایشان از قم موجب ناراحتی علاقمندان و شاگردان شده بود و

همه مایل به مراجعت ایشان به قم بودند و...

در نماز جمعه‌های سال‌های ۵۲-۵۰ هجری قمری، مردم را به پیروی و شناخت و دنباله‌روی «آن زعیم بزرگ» و «آن عالم مجاهد» فرا می‌خواند.

نمونه‌های این کار شجاعانه و خداپسند را که در دل ظلمت و در میان اذیت و آزار بی‌رحمانه پلیس سفاک آریامهری انجام داده در اینجا می‌آوریم.

اعلامیه زیر در سطح وسیع پس از رحلت حضرت آیت‌الله العظمی آقای حکیم قدس سره در تاریخ خردادماه ۱۳۴۹ منتشر گردید:

بسمه تعالی

باتوجه به مراتب علمی و عملی حضرت آیت‌الله العظمی آقای خمینی مدظله العالی و روشن بینی و مجاهدات معظم له صلاحیت ایشان برای مرجعیت و زعامت شیعه بنظر اینجانب محرز و

و سابقاً آنچه عرض انصاف کرده ام چند نام سرگشته بوده غلط بگویند که
 وقت شستن برایتان انتقادات و تذکرات لازم بر عمل اظهار ناراحتی
 از ادامه بعد حضرت است آنرا همین چند صد نفر نامهم را انصاف کرده اند
 اولاً نام انتقادی بدولت نوزدهم جویم نیست مخصوصاً او همانی برای انجام
 وظیفه امر معروف و نهی از منکر که تهنیت آنان گذاشته شد تا چه چند تذکرات
 لازم را بدهند و انهایی چند صد نفر نامهم می سرگشته را انصاف کرده اند
 و آخر واقای ربانی فقط محرم است و واقع طلب است که آیت الله عینی
 مورد توجه قاطبه طلاب بهرزه علیه السلام بوده و هستند و جز در این در زمان
 حیوة فرعون است که برودنی و بعد از این مورد توجه فضلای و تحصیل بود
 و قهراً تبعید این از قم موجب ناراحتی علاقه مندان و ساگردان شده بود
 و همه مابین بمراجعت این تبعیر بودند و برای این منظور نامهم می سرگشته
 بر می گشت و وقت نوزدهم شد و در سابق نامهم را نیز بر می می بودند
 و همین امر برای نشر آن مطالبه می کردند بر همین که ممکن بودند هر سه توانا

ترویج و تعیین ایشان به صلاح اسلام و مسلمین می‌باشد.

حسینعلی منتظری - ۱۳۹۰/۲۴/۲

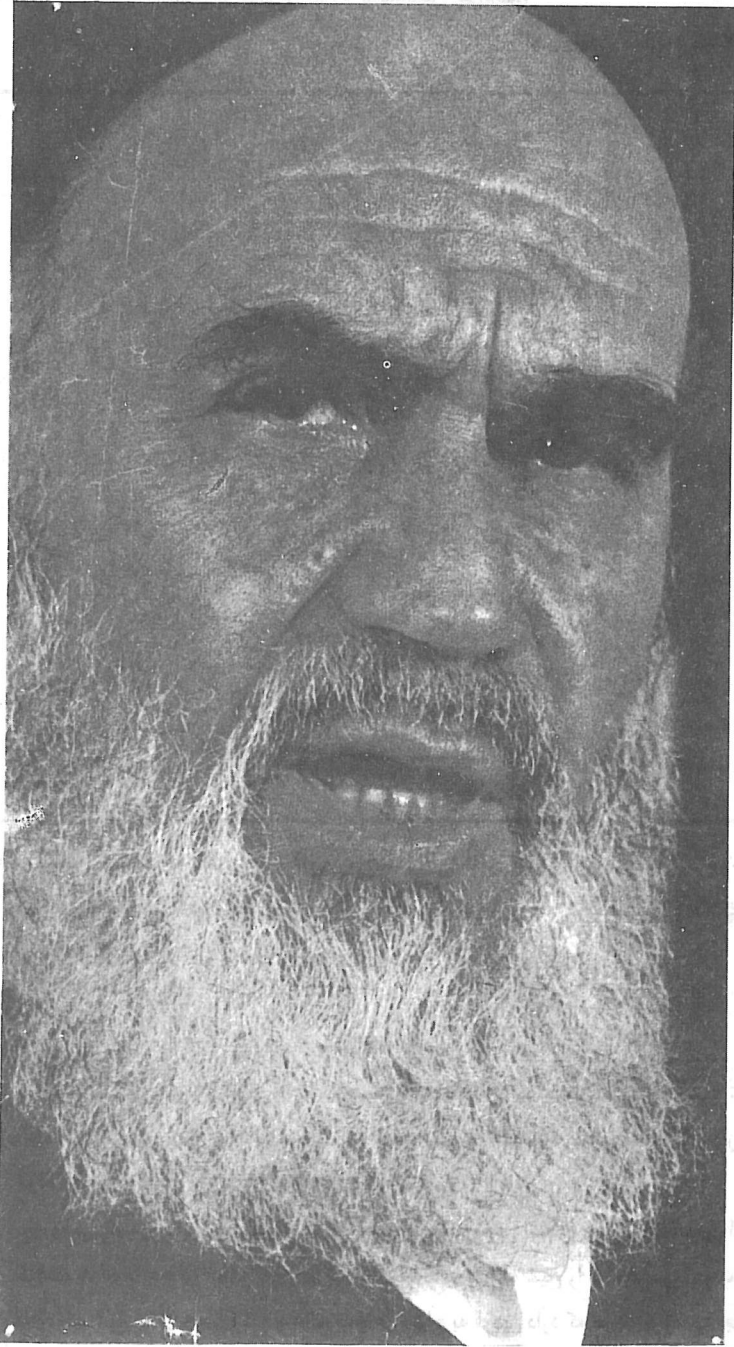
اسمه
 آتش بر آتش علی و محمدی حضرت آیه الله العظمی
 آقا جعفر بن محمد بن ابی طالب
 سلم و صلوات آن را بر همه سیدان
 نه سلطان جهان محمد زید علی و علی
 این صلوات بر همه مسلمانان باشد
 حسینعلی منتظری
 ۱۳۹۰/۲۴/۲

علاوه بر این آیت‌الله منتظری به اتفاق آیت‌الله ربانی شیرازی بیانیه مفصلی در مرجعیت عامه آیت‌الله العظمی خمینی صادر نمودند که به پاس اهمیت تاریخی و ارزش انسانی و ملاک شجاعت این دو بزرگوار آن را در این نوشته نقل می‌کنم:

بسم الله الرحمن الرحيم

مردم مسلمان ایران! در این لحظات حساس که جامعه ما بر سردوره‌ای انتخاب و تثبیت وضع آینده قرار گرفته، لازم می‌دانیم بر حسب وظیفه دینی و تکلیف خطیری که بهمه داریم، وظیفه مردم را بطور قاطع و روشن تعیین و ابلاغ نمائیم:

موقعی که بزرگ مرجع تقلید شیعه، مرحوم شیخ مرتضی انصاری به جوار قدس الهی رحلت کردند، مرحوم حجة الاسلام میرزای شیرازی بزرگان تلامذه شیخ را در مجلسی دعوت نموده تذکر دادند که شیخ ما از جهان رفته و عالم اسلام احتیاج به فردی دارد که در ده جزء يك جزء علم و نه جزء عقل و درایت باشد، تا بتواند احتیاجات جامعه را تشخیص دهد و با درایت کامل قیام به امر امت نماید. شاگردان شیخ که از علماء طراز اول و واجد صلاحیت مرجعیت بودند، بالاتفاق ابراز



امام خمینی، رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران و عصیانگر بزرگ اسلام علیه کفر

داشتند که چنین شخصیتی با این اوصاف منحصر بشخص شماس و دیگری را چنین صلاحیتی بیست و با اتفاق کلمه مرحوم میرزای شیرازی را به زعامت مسلمین انتخاب نمودند و خدمات ارزنده آن مرحوم مهرون چنین فداکاری بود.

امروز وضع جامعه بسی حساستر و اوضاع عالم اسلامی آشفته‌تر است و لزوم انتخاب فردی مدبر، روشن بین و واقف به مصالح اسلام و مسلمین شدیدتر و محسوس‌تر است، امروز جامعه ما در مرحله‌ای واقع است که درست‌برسر دوراهی عزت و ذلت، رشد و انحطاط و بالاخره بقاء و زوال است و سرنوشت امت اسلام مهرون صفات و خصلتهای رهبری است که انتخاب گردد. امروز ما نباید خاموش و بی تفاوت بنشینیم تا دیگران به ما راه نشان دهند. ما نباید منتظر بمانیم تا دیگران فرد یا افرادی را که از رشد اجتماعی، شجاعت و جهان بینی اسلام بی بهره یا کم بهره اند بر ما تحمیل کنند، خود ما باید سرنوشت خود را تعیین نماییم و فردی را که لایقتر و اصلح به حال اسلام و مسلمین باشد، فردی که با اوضاع جهان و حوادث واقعه آشنایی کامل داشته باشد، فردی که بتواند اسلام واقعی را بر مردم معرفی کند، فردی که در همه شئون اسلامی صاحب نظر باشد انتخاب نماییم.

حوزه علمی قم با شناسایی کامل و بصیرت کافی که به وضع حوزه‌های علمیه و روحیه افراد داشته با رعایت کامل مقررات دینی و دقت شدید در تشخیص صفات لازم برای زعیم اسلامی، بکرات نظریه خود را پیرامون شخصیت بارز و بی نظیر مرجع عالم اسلام حضرت آیت الله العظمی آقای خمینی متع الله المسلمین بطول بقائه بیان نموده مراتب اتکاء و اعتماد خود را نسبت به ایشان ابراز داشته است. اینک مجدداً بالصراحه و وظیفه عموم را روشن نموده ابلاغ می‌دارد: با توجه به وضع روز و موقعیت خطیر مسلمانان حضرت معظم له لایقترین شخصیت برای رهبری و زعامت و شایسته تقلید و مراجعه عموم است و مصداق اجلای حدیث مروی «امامن کان من الفقهاء، صائناً لنفسه، حافظاً لدینہ، مخالفاً لهواه، مطیعاً لامر مولاه، فللعوام ان یقلدوه» ایشان هستند. از این رو لازم است آن عده از مردمی که تا بحال از ایشان تقلید نموده، با کثرت مردم ایران بیبوندند و از ایشان بدون هیچگونه تردید تقلید نمایند تا انشاء الله با ایجاد یکپارچگی و وحدت کلمه در تعظیم اسلام و اعتلای مسلمین و دفع مفاسد بکوشند.

از خداوند تعالی توفیقات ملت اسلامی را در پیشبرد اسلام عزیز خواهانیم.^۱

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

حسینعلی منتظری - ربانی شیرازی

این دنو نوشته پس از فوت آیت الله حکیم صادر شد. آیت الله حکیم در سال ۱۳۹۰ هجری قمری وفات یافته‌اند. صدور این اعلامیه‌ها زمانی بود که شاه سعی داشت مرجعیت آیت الله خمینی را

بهرترتیبی نفی کند. بهمین جهت هر کس که از مرجعیت آیت‌الله خمینی سخنی به زبان ویا قلمی بر کاغذ می‌راند، مورد غضب و شکنجه قرار می‌گرفت از جمله شهید سعیدی خراسانی، یکی از روحانیون مبارز تهران در مراسم ختمی که به مناسبت فوت آیت‌الله حکیم برگزار شد طی سخنرانی خود به رژیم اعتراض کرد و از مرجعیت آیت‌الله خمینی پشتیبانی نمود که توسط ماموران سازمان امنیت دستگیر و تحت شکنجه‌های قرون وسطایی شاه، شهید شد. البته شهید سیدمحمدرضا سعیدی جز پشتیبانی از مرجعیت امام خمینی، در اعلامیه‌ای افشاگرانه، با گستاخی تمام سرمایه‌گذاری آمریکا در ایران را محکوم نمود، که صدور این اعلامیه نیز در شهادت وی تأثیر مستقیم داشت.

آری، دعوت نامه‌های آیت‌الله منتظری برای پیروی از امام خمینی، در زمانی منتشر گردید که دستگاه طاغوتی پهلوی جهت مخدوش کردن و کم اهمیت دادن به شخصیت والای امام خمینی و بیرون راندن معظم‌له از میدان مبارزه و فعالیت و انصراف مردم از متابعت ایشان، فعالیت گسترده‌ای را آغاز کرده بود.

زمانی که شاه، کسان دیگری را در مطبوعات و وسایل تبلیغاتی‌اش برای مرجعیت معرفی می‌کرد، و با تبلیغات زیاد می‌خواست کسانی را که مانند درخانه و حجره مدرسه رابهرکار دیگری ترجیح می‌دادند، مرجع مردم کند - در اوج اختناق ایران - انتشار این اعلامیه‌ها کار سترگ و با ارزشی بود. بعد از پیروزی انقلاب هم آیت‌الله منتظری در اکثر خطبه‌های نماز جمعه، مصاحبه‌ها، پیامها و سخنرانیهایش از این مرد استثنای اسلام و ایران در این زمان، به عظمت و با تجلیل فراوان یاد کرده است که نمونه‌ای از آن را در اینجا نقل می‌کنم:

«ملت رشید ایران به رهبری زعیم بزرگ حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی مدظله - این امانت بزرگ خدا در زمین، این حلقوم همیشه رزمنده و فریادگراسلام - رسالت تداوم پیروزی انقلاب را باتمام وجود خویش دنبال می‌کند و برعموم مسلمین واجب است راه پرافتخار این زعیم عالیقدر اسلام را تعقیب نماید.»

از پیام آیت‌الله منتظری به مجلس شورای اسلامی

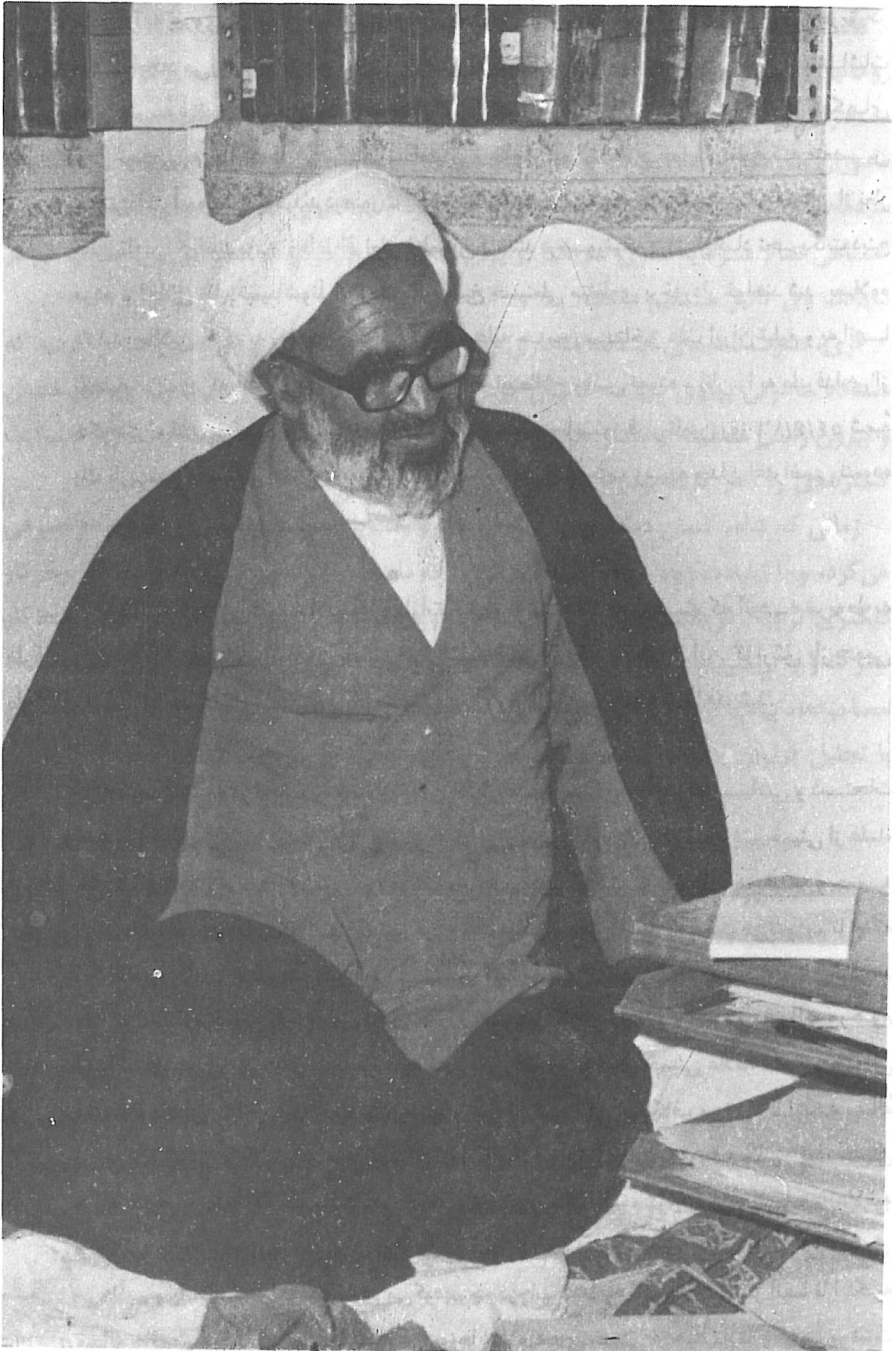
در پایان این گفتار، قسمتی از خلاصه دفاعیات آیت‌الله منتظری را در آخرین دوره محکومیت ایشان نقل می‌کنم تا بدینوسیله اولاً علاقه‌وی به امام خمینی بهتر بیان شود و ثانیاً شجاعت او در مقابل دشمنان اسلام روشتر گردد. آنچه در زیر می‌آید گزارش بازجویی است که پس از مشخصات متهم، سابقه محکومیت و موضوع اتهام، زیرعنوان «گردش کار» می‌نویسد:

«گزارشهای واصله حاکی از آن بود که چند نفر از نمایندگان خمینی از جمله نامبرده بالا (آیت‌الله منتظری) از وجوه شرعی جمع آوری شده مبالغی را بعنوان «شهریه خمینی» به طلاب ناراحت

می‌پردازند و از این طریق ضمن اینکه در بین طلاب جهت خمینی ایجاد محبوبیت می‌نمایند طلاب مزبور را به پیروی از اعمال ضدامنیتی روحانی مذکور وامی‌دارند و آمادگی‌هایی که از این طریق در طلاب ایجاد می‌نمایند موجب فعالیتهای ضد امنیتی انفرادی و یا دستجمعی آنان (اغتشاشات اخیر مدرسه فیضیه قم) می‌شود از سوی دیگر اطلاعات واصله حاکی بود که نامبرده بالا کمکهای قابل توجهی به خانواده‌های زندانیان ضدامنیتی و عناصر تبعیدشده می‌نماید، بطوریکه متعصبین مذهبی اکثرأ مطمئن گردیدند در صورت انجام فعالیت ضد امنیتی و بازداشت خانواده آنان از نظر مالی تأمین خواهند بود و وعاظ افراطی اطمینان داشتند در صورتیکه در اثر ایجاد تحریکات دینی مردم و اخلال نظم تبعید شوند از کمک مالی شیخ حسینعلی منتظری برخوردار خواهند شد. بعلاوه یادشده طلابی را که به وی مراجعه می‌کردند بر علیه حزب رستاخیز ملت ایران تبلیغ و به آنها توصیه می‌نمود که افکار مردم و سایر طلاب را به اصطلاح روشن نموده و آنان را به طرفداری از حکومت اسلامی وادارند و بهمین جهت یاد شده دستگیر و با صدور قرار تأمین روز ۵۴/۴/۱۶ شعبه یک بازپرسی دادستانی ارتش بازداشت و قرار صادره به رؤیت متهم رسیده و بدان اعتراضی ننموده است.»

پس از مطالب گردش کار، خلاصه اظهارات متهم نوشته شده است که آنچه مربوط به طرفداری ایشان از آیت‌الله العظمی خمینی می‌باشد نقل می‌کنم و چون این گزارش بازجویی طولانی است در قسمتهای مختلف به مناسبتهای لازم از آن استفاده خواهد شد.

«متهم یادشده در تحقیقات معموله ضمن اظهار عدم وابستگی به احزاب سیاسی و دستجات مذهبی اظهار می‌دارد: در سال ۶۱ قمری که برای تحصیل علوم دینی به قم رفتم خمینی از علماء معروف قم بود و در فضل و تقوی بین طلاب معروف بودند، ایشان عصرهای پنجشنبه و جمعه در مدرسه فیضیه درس اخلاق می‌گفتند. من و عده دیگر در درس ایشان شرکت می‌نمودیم تا اینکه آیت‌الله بروجردی به قم تشریف آوردند. بنابراین کلیه مدرسین در درس ایشان حاضر می‌گردیدند ولی من باز نزد خمینی به تحصیل درس اصول خصوصی ادامه می‌دادم تا اینکه بعد از وفات مرحوم آیت‌الله بروجردی من دیگر به درس هیچ کس نمی‌رفتم اما به آقای خمینی علاقه علمی و تقوایی داشتم و عده‌ای از او می‌خواستند وارد حریم و جمعیت شود لکن استکف می‌نمود تا اینکه مسأله انجمنهای ایالتی و ولایتی در میان آمد که کلمات اسلام و ذکور بودن در آن قید نشده بود، خمینی و بعد مراجع و علماء اعلامیه دادند. کم کم به علماء شهرستانها هم سرایت کرد، آنها هم اعلامیه می‌دادند. من هم در زمره مدرسین حوزه علمیه قم که حدود ۵۰ نفر بودند جلساتی تشکیل می‌دادیم و با آقایان مراجع همکاری می‌کردیم چه در چاپ اعلامیه‌ها و چه در نشر آنها تا اینکه مسأله خاتمه پذیرفت. بدیهی است در آن روزها اعلامیه‌های خمینی از همه تندتر و قهراً موقعیت بیشتری پیدا کرد. پس از مدتی مسأله رفراندوم و لوایح ششگانه به میان آمد. یک عده مخالفت





می کردند ولی خمینی با استدلال به آنان تفهیم کرد که نمی شود در این باره مخالفت نمود ولی اگر می خواهید اعتراض کنید با اصل رفراندوم مخالفت کنید. چون در قانون اساسی ایران رفراندوم پیش بینی نشده است و واقعاً ما می ترسیدیم اگر رفراندوم در مملکت باب شود فردا هم چه بسا صاحب نفوذی نسبت به اصول مربوط به مذهب و قانون اساسی رفراندوم راه می اندازد و آنها را لغو می کند. پس از چندی خمینی بازداشت شد و پس از اقدامات روحانیون خمینی آزاد گردید، تا اینکه شبی در منزل خمینی با تفاق چند نفر دیگر بودیم دیدیم ایشان وضع خیلی ناراحت دارند. جویا شدیم گفت از قرار معلوم دولت می خواهد دویست میلیون دلار از آمریکا قرض کند و دولت آمریکا شرط کرده است به اینکه به مستشاران نظامی آمریکا در ایران مصونیت داده شود و در مجلسین با فشار تصویب شده و این موضوع خطرناکی است زیرا با استقلال سیاسی و قضایی ایران لطمه می زند و دو روز بعد در این باره اعلامیه ای داد و سخنرانی تندی هم ایراد کرد و من جزء مستمعین سخنرانی او بودم که پس از چندی او را از ایران تبعید نمودند؛ البته در جلساتی که در قم تشکیل می گردید سخنرانی کردیم و از خمینی تجلیل نمودیم، پس از مدتی من یک سفر به عراق کردم (سفر غیرمجاز) البته از خمینی هم دیدن کردم و چندین مرتبه به منزل ایشان رفتم و پس از مراجعت درآبادان بازداشت شدم و پس از رسیدگی به یک سال و نیم زندان محکوم گردیدیم. اضافه می کند دیگر خمینی را ندیدم البته تا حدود دو سال قبل گاهی و جوه شرعی ای برای ایشان به نجف می فرستادم، چون پولهایی را بعنوان ایشان به من میدادند. وی می افزاید پس از چندی آیت الله حکیم فوت کرد و عده ای از مدرسین قم سؤال نموده بودند که چه کسی را برای مرجعیت

صالح می‌داند انتخاب نماید. اینجانب و عده‌ای خمینی را بعنوان مرجع تعیین کردیم و واقعاً نظرم هم این بود. که ایشان اعلم و اصلح می‌باشند در نتیجه هم من و هم بعضی از روحانیون دیگر را بازداشت کردند، عده‌ای تبعید شدند من جمله من که به نجف‌آباد رفتم و در نجف‌آباد چون اهالی مقلد خمینی هستند بنابراین مسائل ایشان را برای مردم می‌گفتم و در نتیجه از نجف‌آباد رفتم قم و از آنجا به طبرس تبعید شدم و در حدود ۱۳ ماه و نیم دیگر باقی مانده است. مشارالیه عنوان می‌کند از نظر ایدئولوژی علمی، اسلام يك وقت در سطح جهانی یا اقلأً جهان اسلام بحث می‌شود. يك وقت راجع به ایران و در شرایط فعلی ایران بحث می‌شود، اما از نظر اول آنچه هر مسلمان باید معتقد باشد این است که قوانین جاریه دنیا باید برطبق قوانین اسلامی برپا شود و با آنها تطبیق نماید و مجری قوانین هم در وهله اول شخص پیغمبر اکرم و بعداً جانشینان او باید باشند و نتیجه می‌گیرد علما باید مجری امور باشند، ولی از دست آنها سلب شده و این قدرت سبب تفرقه و اختلاف شده و اصولاً قانون باید خدا باشد یا منطبق بر آن و زیر نظر کارشناس قانون باید قوانین اجرا شود که پیغمبر است و امام و بعداً مجتهدین عادل و با بصیرت و این مطلب در کتب فقهیه بنام ولایت فقیه عنوان شده است. مسأله ولایت فقیه همان مسئله حکومت اسلامی است. عبارت اخیر مملکت اسلامی یعنی قانون خدا و مجری هم کارشناس قانون خدا باشد و برای همین مسأله است که در قانون اساسی قید شده و ۵ نفر از علماء طراز اول باید در مجلس باشند. لفظ حکومت اسلامی يك لفظ تازه است. چون خمینی در کتاب حکومت اسلامی مسئله را به زبان فارسی نوشته و بعلاوه به دولت و مقامات حملاتی نموده مسئله شکل دیگری به خود گرفته است. به نظر من از اشتباهات دولت، نادیده گرفتن واقعیات و حقایق است. در صورتیکه در دنیای امروز که وسائل ارتباط زیاد است و ملت روز بروز بایکدیگر برخورد دارند نمی‌شود حقیقتها را وارونه جلوه داد. سابقاً هم گفتیم شما چه بخواهید نخواهید خمینی بعنوان يك مرجع شناخته شده است، بیش از نیمی از شیعیان پاکستان و افغانستان و هند از ایشان تقلید می‌کنند. در ایران هم به همچنین، ولی از ترس جرأت اظهار ندارند، مسأله دیگری است؛ بنابراین شما نسبت به رساله ایشان سختگیری ننمایید و نتیجه می‌گیرد باید حکومت اسلامی با قوانین آن اجرا شود و....»

بازجوی متخصص: کوچه صفهانی ۵۴/۵/۲۶

آنچه که نقل شد علاوه بر اینکه از صداقت خاص مجاهدان اسلام برخوردار است و مثل خیلی انقلابی‌نماها به دروغ مصلحتی متوسل نشده و برایش هدف توجیه‌کننده وسیله نبوده، مروری خیلی مختصر بروقاع آغاز انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی نیز هست.

حضور در انقلاب

از زمانی که آیت‌الله العظمی امام خمینی، پرچم سرخ تشیع را حسین گونه بدست گرفت و جهت سرنگونی اریکه ظلم آفرین و ستم‌زای شاهنشاهی شجاعانه قدبرافراشت، آیت‌الله منتظری

همواره همراه و در پشت سر ایشان حرکت می‌کرد و در جریان قیام ۱۵ خرداد ۴۲ همه جا فریاد خویش را به طرفداری از این تجسم اسلام راستین و دست آورد پاك تشیع، و این فرزند برومند امام حسین (ع) بلند کرد و با استفاده از اندوخته‌های فراوان اسلامی و استعداد کم نظیر خویش در راه افشاگری و راهنمایی ملت تحت ستم از هیچ کوششی دریغ نکرد. بدین لحاظ، امام خمینی، در زمان تبعید، آیت‌الله منتظری را بعنوان نماینده تام‌الاختیار خویش در ایران منصوب کردند:

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلوة والسلام على محمد وآله الطاهرين ولعنة الله على اعدائهم اجمعين و بعد جناب مستطاب عماد العلماء الاعلام و حجة الاسلام آقای حاج شیخ حسینعلی منتظری دامت افاضته و کیل اینجانب می‌باشد در اخذ و جوه شرعیه از قبیل سهم مبارك امام علیه - السلام و سهم سادات عظام و مجهول المالك و غیرها.

کسانی که می‌خواهند وجوه شرعیه خود را به اینجانب برسانند بوسیله ایشان بفرستند. اخذ ایشان و قبض رسید ایشان به منزله اخذ و قبض رسید اینجانب است. و نیز وکیل هستند در دستگردان نمودن وجوه شرعیه و امهال بقدری که صلاح دانستند و اخذ.

واوصیه ایدة الله تعالی بما اوصی به السلف الصالح من ملازمة التقوى والتجنب عن الهوى والتمسك بعروة الاحتياط فى الدين والدنيا وارجومن جنابه الدعاء والنصيحة والسلام عليه و على عباده الصالحين ورحمة الله وبركاته.

به تاریخ لیلۀ ۱۱ شهر ذی القعدة الحرام ۱۳۹۰ (برابر ۱۹ دیماه ۱۳۴۹ شمسی)

روح الله الموسوی الخمينی

علاقه امام خمینی به این شاگرد با وفا و یار راهش، به اندازه‌ای است که گاه و بیگاه با تعبیرهایی شایسته از او نام می‌برد. رهبری که به ندرت از اشخاص نام می‌برد، درباره آیت‌الله منتظری فرموده: «او ثمره عمر من است.»^۱ همچنین امام خمینی در گفتاری که با اعضای مجتمع آموزشی طبیبه پیراسته لنگرود داشتند، خطاب به آنها فرمود: «آیت‌الله منتظری يك فرد بسیار ارزنده‌ای است. ملای متعهدی است. ایشان هم حبسها دیده‌اند، زجرها کشیده‌اند و در این امور پخته شده است.»^۲ و نیز به هنگام گزینش وی به امامت جمعه تهران آیت‌الله منتظری را «فقیه عالیقدر و مجاهد بزرگوار» خطاب می‌کند.

۱- این جمله را برادر حبیب‌الله عسگراولادی نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی شخصاً از امام خمینی شنیده و برای اینجانب نقل کردند.

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على محمد وآله الطيبين الطاهرين أجمعين
 وبعد فإن بيتنا على الصلاة والسلام وحمد الله تعالى
 دست با خفا و کبر ایجاب میباشند در افندد وجه شریف در خند
 هم تا برگه ای علیه السلام و امام در عظم و مجهول با کله در
 کس که میخواستند وجه شریف خود را با ایجاب پرسانه نویسد
 ایشان بفرستند اقدایشان و قبر رسیده ایشان بفرستند
 و قبر رسیده ایجاب است و نیز دیگر بفرستند در دست
 نمودن وجه شریف و افعال بعد از صلح و بسته شدن
 دار حیه این اهل با اوصی به ایفای مصالح من الله التوفیق
 و التمجیح علی الدوام استبداد کرده است و این است
 دار حیه من جناب اهل و نصیحه و سلام علیه و آله
 ع و در ایفای حق و در حق و در حق و در حق
 ۱۳۹۰ ختمی
 در حق و در حق

دستخط آیت الله العظمی امام خمینی برای آیت الله منتظری که نمونه‌ای از اعتماد معظم له به وی می‌باشد.

اینها، نمونه بارز و افتخارآفرین است که برای شناخت واقعی شخصیت این کشاورز زاده دانشمند به ما کمک شایان و ارزشمندی می‌کند. آیت‌الله منتظری در آغاز اوجگیری مبارزات امت مسلمان ایران به رهبری امام خمینی، در نیمه دوم سال ۱۳۴۱ شمسی، با کوشش و جدیت تمام، همراه امام خمینی، وارد مبارزه گشت و با نهایت ایمان و علاقه به رهبر انقلاب و امید به پیروزی، مردم را جهت تداوم بخشیدن به مبارزاتشان، رهنمود بود.

آنگاه که امام خمینی در زندان بسر می‌بردند و پشتیبانی و حمایت علمای اعلام و روحانیون عالیقدر ایران از آیت‌الله‌العظمی خمینی با صدور اعلامیه و ارسال تلگراف و نامه ادامه داشت، عده‌ای از علمای شهرهای مختلف ایران به نمایندگی از همشهریان خود به تهران مهاجرت نمودند که در تهران اعتراض ملت ایران را نسبت به دستگیری پیشوای عظیم‌الشانان شدت بخشیدند. آیت‌الله منتظری از مهاجرین برجسته‌ای بود که به نمایندگی مردم نجف‌آباد به تهران مهاجرت نمود.

تلگرافی که ساواک اصفهان به تهران در این زمینه مخابره کرده چنین است:

تاریخ ۴۲/۴/۲۴ - شماره ۴۶۹۳.

شیخ حسینعلی منتظری فرزند حاجعلی از روحانیون نجف‌آباد اصفهان روز ۴۲/۴/۲۲ به منظور پیوستن به جمع علماء به تهران عزیمت نموده است. این شخص در نجف‌آباد نفوذی دارد.

۴۲۱ - ۴۲/۴/۲۴ صدقی

همچنین در پی فعالیتهای افشاگرانه و کوششهای مبارزاتی آیت‌الله منتظری بود که در خرداد ۴۲ پس از دستگیری امام خمینی و عده‌ای از علمای دیگر، اصفهان و نجف‌آباد را به اعتراض بزرگی علیه دستگاه ستمگر حاکم بر ایران وا داشت. بدین صورت که مردم این مناطق به دنبال واقعه ۱۵ خرداد، به یک اعتصاب و تعطیل همگانی دست زدند و بمدت یک هفته استان اصفهان و بخصوص شهرستان نجف‌آباد یکپارچه تعطیل بود. در نجف‌آباد مردم فعالیت‌های روزمره خود را تعطیل و در مسجد بازار این شهر جمع شده بودند و اعتراض خود را به گوش جهانیان می‌رساندند. در پایان هفته تعطیلی بود که آیت‌الله منتظری با سخنرانی ارزنده‌ای آنان را آگاهتر و بیدارتر از پیش نمود، خواست که به کارهای خودشان برگردند، اما از مبارزه دست بر ندارند تا پیروزی حاصل شود.

پیرامون قیام اسلامی ۱۵ خرداد ۴۲ از زبان آیت‌الله منتظری بشنویم:

«روز پانزدهم خرداد من در نجف‌آباد اصفهان بودم. دولت و رژیم طاغوتی لویح ششگانه‌ای را به خلاف اسلام مطرح کرده بود. به همین دلیل روحانیت مبارز مخالفت با اقدامات ضد اسلامی دولت و رژیم طاغوتی را آغاز کرده بود و در این میان آیت‌الله‌العظمی امام خمینی اعلامیه‌های تندی بر علیه رژیم می‌دادند و همین موجب برانگیخته شدن خشم رژیم شده بود. بطوریکه برخلاف آنکه حتی در قانون نیز مصونیت مراجع تقلید از هر نوع تعرض پیش‌بینی شده بود برخلاف

نامه سرگشاده جمعی از حجج اسلام و فضلاء حوزه علمیه قم به آقای هویدا

رو نوشت دیوان عالی کشور

بسم الله الرحمن الرحيم

۲۹/۱۱/۴۲

جناب آقای نخست وزیر متأسفانه در سالهای اخیر اقداماتی برخلاف قوانین اسلام و قانون اساسی در این کشور مذهبی انجام یافته که موجبات ناراحتی عموم طبقات را فراهم آورده و فاصله عمیقی بین ملت و هیئت حاکمه ایجاد کرده است، ملت و هیئت حاکمه که باید متفقاً در پیشرفت و عظمت دین و تمالی کشور بکوشند و با اعتماد و حسن اطمینان بیکدیگر در زمینه واحدی فعالیت کنند - با کمال تأسف هر دولتی که روی کار آمده بجای آنکه باین اختلاف خاتمه دهد آن را شدیدتر و احساسات ملت را علیه هیئت حاکمه برافروخته تر نموده است مانمی دانیم متصدیان امور چه فکری می کنند و در نظر دارند این مملکت را بکجا بکشانند، آیا در این مملکت (با مصلاح دینی و مشروطه) مردم حق هیچگونه اظهار نظر در سر نوشت خود باید نداشته باشند؟ خفقان؛ محدودیت؛ سانسور، تنفیذی عتاید با یکطرف؛ شکست اقتصادیات و تضامیند کمزگر زندگی از طرف دیگر ملت را از پای در آورده و اگر کسی از وضع موجود اظهار ناراضی کند سبهاچال زندان و سپس حکم دادستانی ارتش زندگنی تیره و اوار تیره تر نماید آخر در کدام گوشه جهان تا این حد فشار، اختناق، حبس زجر شکنجه و ترور افکار بر مردم حکومتی می کند؟ در کدام کشور مراجع و زعمای دینی؛ سخن گویان مذهبی، و روشنفکران، اساتید دانشگاه، تجار و اصناف، بالاخره طبقات متنکر و فعال کشور حق اظهار نظر در شؤون اجتماعی خود ندارند؟ در جهان امروز کجا معمول است عده مطلق النان حاکم مطلق بر جان و مال و ناموس مردم باشند و کسی حق فریاد و تنظلم نداشته باشد؟ در کدام گوشه دنیا سابقه دارد که يك مرجع دینی و زعيم فداکار ملی پاداشتن مصوئیت و صلاحیت قانونی که از کشور خود دفاع می کند و می گوید نباید بیکانگن با اتکاء بمصوئیت مطلق بر مال و جان و ناموس مردم تسلط داشته باشند او را با تمام ناجوانانردانه «قیام علیه مصالح کشور و تمامیت ارضی» تهمیندر مملکت دیگری زندانی و ممنوع الملاقات نمایند؟ آیا این قسم حکومت در بین ملل نیز وحشی آن هم در دوران حکومت فردی از نیست ترین انواع حکومت ها شمرده نمی شده است؟

آقای هویدا شماری بزندانها بزیند و برسد این اصناف مختلف زندانی؛ علماء؛ وعاظ؛ اساتید دانشگاه، دانشجویان، تجار و اصناف بچه جرمی مدتها در زندان بسر می برند آیا جز دفاع از حریم قرآن و عظمت کشور و تنظلم از خفقان و دیکتاتورجری داشته اند؟ آیا اگر کسی گمت نیا بد اسلام و قرآن مورد تهاجم واقع شود، کشور در جنگه بیکانگان افتد؛ ثروتهای سرشار مملکت به بنیفا رود، اختناق و فشار بر مردم حکومت کند، دولت هادرتأمین خواسته های مردم باید کوشش نمایند، و بالاخره اگر کسی خواست با استفاده از حق قانونی خود در شؤون کشورش اظهار نظر نماید باید در سه چال زندان زندگنی کند و با محرومیت های همه جانبه دست بگر بیان باشد؛ ما برای حفظ مصالح عالیله اسلام و کشور همزیر جدا می خواهیم بمنظور پایان دادن بوضع خطرناک موجود و رفع اختناق و رفاه حال عامه مردم فکری کنید و بخواسته های مردم ترتیب اثر دهید طبقات مختلف کشور بالخصوص علماء اعلام و بالاخره حوزه علمیه قم که مرکز هدایت و پرورشی کشور است منتظرند که هر چه زودتر بوضع موجود خاتمه داده شود و مخصوصاً در اسرع اوقات رهبر شیمان مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی آقای خمینی مد ظله علی رؤس المسلمین را بقم عودت داده و سایر علماء و دانشمندان، اساتید محترم دانشگاه و دانشجویان و اصناف؛ تجار و متمدینین را از زندان آزاد نموده و پیش از این نسبت با احساسات پاک و گرم مردم بی اعتنائی نشود

موسی زنجانی - ابوالفضل الجنتی الخوناری - علی قدیری اصفهانی - سید علی خامنه - محمد محمدی - حسینعلی منتظری
علی قوسی - اکبر هاشمی - ابراهیم امینی - احمد آذری قمی - محمد علی گرامی - محمدعلامی - یحیی انصاری شیرازی - ابوالقاسم
خزلهلی - مهدی فیض - عبداظیم محصلی - علی مشکینی - الاحقر عبداالرحیم الربانی الشیرازی - سید یوسف حسین تبریزی - سید
هادی ضرر و شاهی - سید ابوالفضل مومحمدی - حسین حنائی - الاحقر سید مهدی حسینی لاجوردی - صادق خلخالی - ابوالقاسم مسافری
عباس محفوظی - هاشم تقدیری - علی احمدی - محمد حسین مسجد جامعی - علی اکبر مسعودی - محمد محمدی لنگرانی - اسماعیل صدر
احمد جنتی - احمد امامی - میر آقا موسوی زنجانی - یدالله پور هاشمی - محمد یزدی - نعمت الله صالحی نجف آبادی - مصطفی اعتمادی
سید موسی شیرازی زنجانی - مهدی حسینی الروحانی - محمد حسین حسینی اللمکوردی - محمد حجتی - محمد باقر حسینی - محمد باقر
احمدی پائی - عبداالله جوادی - محمد رضا توسلی - محمد تقی صدیقین - الشیخ محمد الهمدانی - محمد تقی مصباح یزدی - حسین نوری
حسین شب زنده دار - علی دوانی - علی اکبر موسوی

زیر نظر منتظر است

تصور و انتظار روحانیت و مردم حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی توسط رژیم طاغوتی بازداشت شدند که این بازداشت موج اعتراض را در مملکت به اوج رساند. مردم که علاقمند به رهبران مذهبی خود بودند به خیابانها ریختند و حرکت پانزدهم خردادماه بوجود آمد که مبارزه با آن رژیم طاغوتی با عوامل و دژخیمان مجهز به تانک و توپ و مسلسل موجب شهادت بسیاری شد و دژخیمان به مبارزه با مردم بی‌دفاع برخاسته و بیرجمانه آنها را در تهران و قم و سایر شهرها و بلاد به خاک و خون کشانیدند. حتی در کوچه‌های قم مردم را به مسلسل بستند. در آن روز پیش‌بینیهای لازم نشده بود و اتفاق و وحدت کلمه‌ای که امروز انقلاب اسلامی ما را به پیروزی رسانید وجود نداشت و این حرکت به شکست انجامید.

گروه کثیری از روحانیون مبارز از جمله آیت‌الله محلاتی و در حدود ۵۰ نفر از علماء و روحانیون طراز اول بازداشت گردیدند. من در نجف‌آباد بودم، مردم دست به اعتصاب زدند، حتی کشاورزی پیش من آمده بود و می‌گفت: من بروم زمین خود را آبیاری کنم یا نه؟ چون صحیح نیست که رهبر ما آیت‌الله‌العظمی امام خمینی در زندان باشد و من کار کنم!

در سال ۴۲ بعثت افشاگریها و نفوذ کلامی که با آن مردم را بحرکت وا می‌داشت و همچنین در پی مهاجرت وی به تهران توسط عوامل رژیم منفور پهلوی مدتی در زندان بسر برد اما در زندان هم از برنامه‌های اسلامی-انسانی خویش هیچگاه غافل نبود. پس از قیام شکوهمند ۱۵ خرداد ۴۲، و آزاد گشتن حضرت آیت‌الله‌العظمی امام خمینی، و سپس مسأله منحوس کاپیتولاسیون و تبعید امام بزرگوارمان از ایران به ترکیه، شیوه مبارزات روحانیت مبارز و آگاه، شکل جدیدی به خود گرفت و آن افشاگری و بیدار کردن مردم در سطح وسیع، و حضور فعال در جریانات سیاسی ایران و جهان بود.

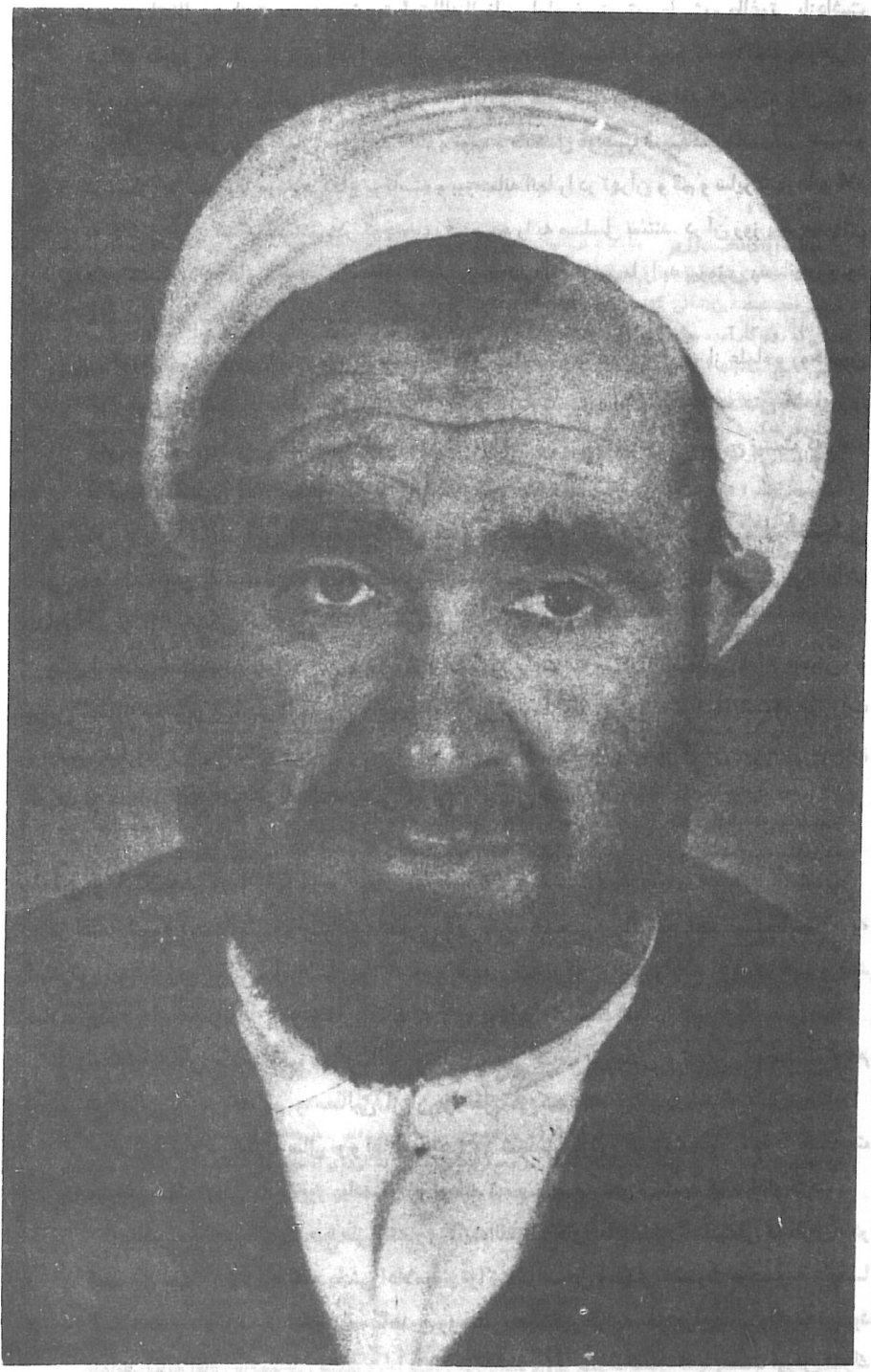
زندان و شکنجه

در ادامه شیوه جدید مبارزه، آیت‌الله منتظری قهرمانانه همچون يك مجاهد صدر اسلام به گسترش ایدئولوژی انقلاب اسلامی پرداخت. و طبیعی است که در این رابطه رژیم دژخیم و ضد اسلام پهلوی از اذیت و آزار و زندان و تبعید وی پروایی نداشت.

در رابطه با زندان و دستگیری آیت‌الله منتظری، من کتاب بررسی و تحلیل نهضت امام خمینی در ایران را می‌گشایم و مطالبی از آن را نقل می‌کنم:

«رژیم شاه در آستانه سال نو و آغاز بهار ۱۳۴۵ شمسی یورش گسترده خود را به دژ مقاومت مبارزات ملت ایران به منظور پیاده کردن توطئه شوم «تصفیه حوزه علمیه قم» آغاز کرد.

روحانی مجاهد، آقای محمدعلی منتظری (آیت‌الله‌زاده آقای حاج‌شیخ حسینعلی منتظری)، در شب عید نوروز ۱۳۴۵ هنگام پخش اعلامیه و تراکت در صحن مطهر حضرت معصومه علیها السلام همراه با چند نفر دیگر از مجاهدین روحانی دستگیر گردید. مزدوران ساواک مدتی بود همانند سایه آقای محمدعلی منتظری را دنبال می‌کردند و زیر نظر داشتند، تا با بدست آوردن مدرک



و سوژه‌ای از او، زمینه‌دستگیری حضرت آیت‌الله آقای منتظری را فراهم سازند. به دنبال بازداشت او در صحن مطهر، بی‌درنگ به سراغ آقای منتظری رفتند، معظم‌له را نیز بدون هیچگونه ملرک و سند جرمی بازداشت نمودند. دستگیری آیت‌الله منتظری موج خشم و نگرانی در حوزه علمیه قم برانگیخت. اساتید و فضایی حوزه که دریافته بودند پشت پرده چه توطئه‌ای در شرف وقوع است به طور یکپارچه و دسته‌جمعی به مقابله با آن برخاستند، و طی نشست‌های تصمیم گرفتند که بصورت دسته‌جمعی به منازل سردمداران حوزه و علمای طراز اول قم بروند و اقدام فوری و جدی آنان را جهت آزادی و استخلاص آقای منتظری خواستار شوند.

در عصر روز اول فروردین که صدها نفر از اساتید، فضلا و محصلین علوم اسلامی در منزل آقای نجفی گرد آمده بودند تا با ایشان برای یافتن راهی جهت آزادی آقای منتظری گفتگو و تبادل نظر نمایند، خبر رسید که مجاهد نستوه حضرت حجة الاسلام والمسلمین آقای ربانی شیرازی، در همان موقع که راهی منزل آقای نجفی بوده‌اند از طرف ماموران ساواک دستگیر شده‌اند. یکی از اساتید حوزه علمیه قم طی سخنانی از مقام علمی و شخصیت روحانی آقای منتظری تجلیل نمود. خبر دستگیری آقای ربانی شیرازی را به اطلاع عموم روحانیانی که در منزل آقای نجفی گرد آمده بودند رساند و با قرائت آیه شریفه «رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه فمنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر» توطئه رژیم شاه را جهت دستگیری و بازداشت گسترده دیگر اساتید و فضایی حوزه علمیه قم گوشزد کرد.

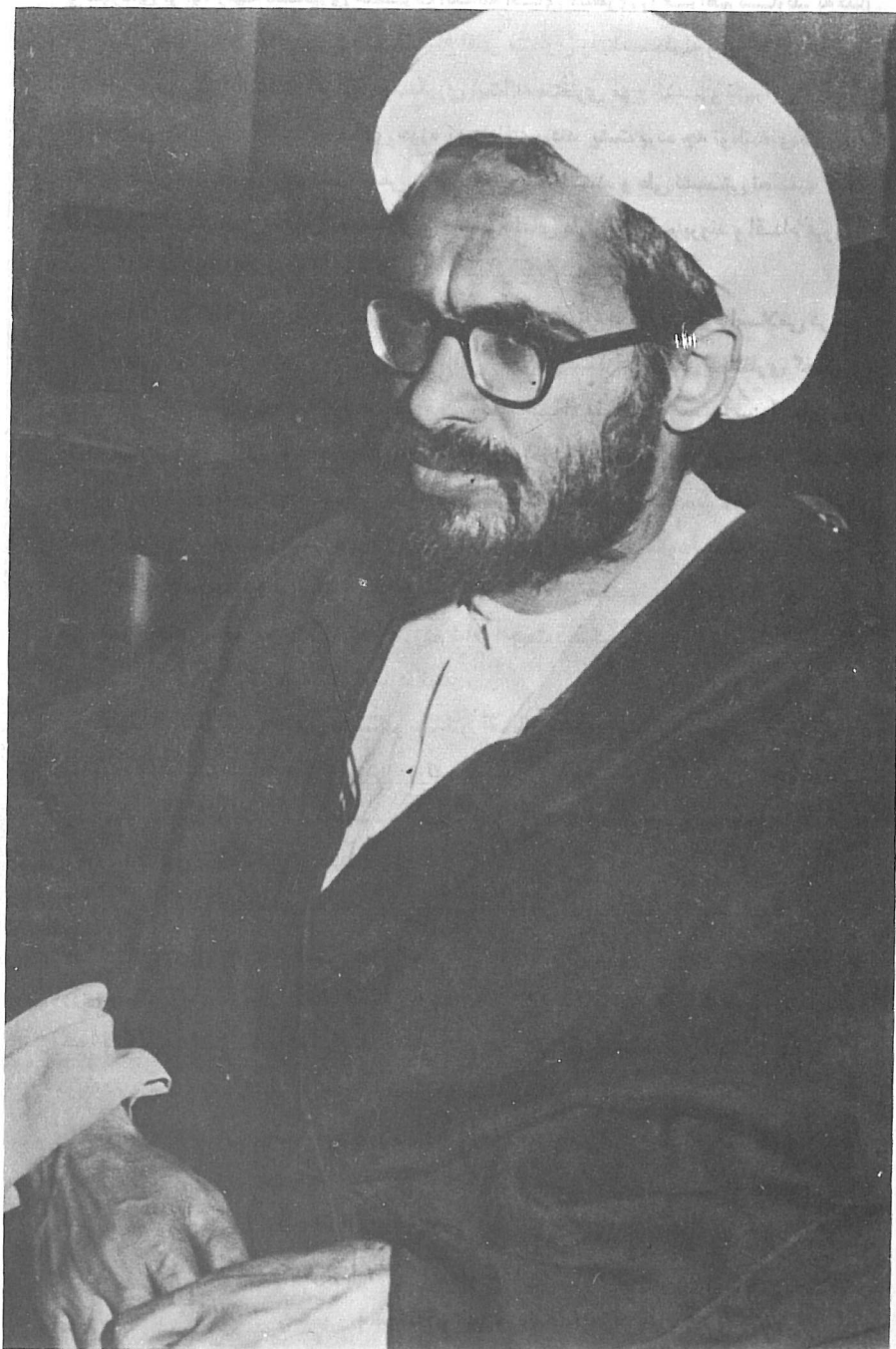
جاسوسان رژیم شاه به دنبال دستگیر ساختن آقایان منتظری و ربانی شیرازی به منزل آنان یورش بردند و به منظور به دست آوردن ملرک و سندی تمام خانه را زیر و رو کردند و هرچه نوشتجات و کتابهای دینی دیدند با خود بردند و به دنبال آن دستگیرشدگان را روانه تهران ساختند و به زندان قزل‌قلعه گسیل داشتند.

مجاهدین حوزه علمیه قم علاوه بر رفتن به منازل علمای طراز اول قم و سردمداران حوزه به صورت دسته‌جمعی که چند روزی ادامه داشت طی نامه سرگشاده به علمای قم و نجف اقدامی فوری و جدی برای آزادی دستگیرشدگان به ویژه حضرت آیت‌الله منتظری را درخواست نمودند و رسماً به رژیم هشدار دادند که اینگونه اعمال پلیسی و قانون‌شکنیها مقدمات انفجار عمیقی را در حوزه قم و دیگر نقاط کشور فراهم خواهد ساخت و نامه مزبور را که با امضای صدها نفر از اساتید و محصلین مجاهد حوزه علمیه قم همراه بود چاپ و پخش نمودند که متن آن را در اینجا نقل می‌کنیم.

متن نامه سرگشاده حجج اسلام و فضلاء و محصلین حوزه علمیه قم به مراجع عظام عراق و ایران دامت برکاتهم.

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر شریف حضرت آیت‌الله العظمی آقای... دامت برکاته العالی
با کمال احترام بعرض می‌رساند که اخیراً هیئت حاکمه ایران، حضرت حجة الاسلام آقای



حجة الاسلام محمد منتظری، فرزند ارشد آیت الله منتظری نماینده مردم نجف آباد در مجلس شورای اسلامی

منتظری نجف‌آبادی مدرس عالیقدر حوزه علمیه قم و حضرات حجج اسلام آقایان ربانی شیرازی، جنتی و مروارید را به دنبال دستگیری عده‌ای از طلاب حوزه علمیه قم بازداشت و روانه زندان ساخته و نیز حضرت حجة الاسلام والمسلمین آقای اشراقی (داماد و نماینده مرجع عالیقدر مسلمانان جهان حضرت آیت‌الله العظمی آقای خمینی) را از قم تبعید کرده است. همه می‌دانند که حضرت آقای منتظری مدظله یکی از بزرگترین اساتید سطوح عالی بوده و در چند سال اخیر درس خارج ایشان مجمع جمعی از فضلاء حوزه علمیه قم می‌باشد و بدون اغراق اکثریت طلاب حوزه علمیه قم و بسیاری از مبلغین عالمی‌مقام که هم‌اکنون در سراسر کشور مشغول تبلیغ و ارشادند از محضر درس این بزرگوار استفاده برده و می‌برند. علاوه، ایشان مرجع رسمی امور شرعیه بیش از هفتاد هزار نفر جمعیت شهرستان نجف‌آباد می‌باشند.

برای حوزه علمیه قم و روحانیت خیلی گران است که مأمورین هیئت حاکمه‌ای که به دروغ خود را طرفدار دین و قرآن معرفی می‌کنند، با یک دنیا گستاخی و جسارت و بدون تشریفات قانونی به منزل چنین شخصیت بزرگ و منازل سایر آقایان دستگیرشدگان بریزند و همه اثاثیه و کتب و اوراق را زیر و رو کنند و چون چیزی که مجوز بازداشت و مناسب پرونده‌سازی باشد، نیابند، رساله عملیه حضرت آیت‌الله العظمی خمینی را بعنوان سند جرم! از کتابخانه ایشان غارت کنند و نیز حضرت حجة الاسلام والمسلمین آقای اشراقی را بدون اعلام جرم و محاکمه تبعید به همدان نمایند. ما مدرسین و محصلین حوزه علمیه قم از پیشگاه مبارک تقاضا داریم که دستور فرمایید: اولاً، مراتب تفر و تأثر عموم روحانیت ایران به جهت دستگیری اساتید بزرگ حوزه علمیه قم به مقامات مسئول ابلاغ گردد. ثانیاً پس از استيضاح مقامات مربوطه راجع به این عمل غیرقانونی و بیشرمانه دفع مزاحمت از اساتید عظیم‌الشان حوزه علمیه قم و سایر بازداشت‌شدگان بیگناه خواسته شود. ثالثاً به مقامات مسئول کشور تذکر داده می‌شود، آنها که به چنین اقدامات گستاخانه‌ای دست می‌زنند دانسته یا ندانسته مقدمات یک انفجار عمیق را در حوزه علمیه قم و سایر نقاط کشور فراهم می‌نمایند. والسلام علیکم و علی جمیع اخواننا المسلمین.

محمد شاه‌آبادی عفی‌الله عنه - مهدی‌الحسینی الروحانی - حسین نوری - محمد محمدی گیلانی - ابوالقاسم خزعلی - صالحی نجف‌آبادی - عبدالله نظری خادم‌الشریعه - علی احمدی - میراقا موسوی زنجانی - جوادی آملی - عبدالعظیم محصلی - محمد موحدی لنکرانی - حسن حسن‌زاده آملی - یحیی انصاری شیرازی - محمدتقی مصباح یزدی - علی حیدری نهاوندی - عباس محفوظی - حسین المظاهری - سید یوسف مدنی - محمدعلی گرامی - علی اکبر مسعودی - ضیاء‌الدین الحسینی الاشکوری - محمد مؤمن - الاحقر شیخ‌علی عظیمی - فتح‌الله شهاب - العبد اسماعیل صالحی - الاحقر محمدعلی فیض - جواد غروی - عباس قمی - العبد محسن الخراسانی - الاحقر حسین مفیدی دلجانی - داود تهرانی - محمد خندق‌آبادی - سیدعبدالرسول حجازی - علی اکبر ناطق تهرانی - سیدمحمدصادق زیارتی - زین‌العابدین بنی‌فاطمی - سیدابراهیم شبیری - محمدصالح طاهری - محمدحسن قاضی - محمدباقر شریعتی - حجة‌الله کیانی - سیدحسن

شجاعی کیاسری - سیدمحمد غضنفری - علی اصغر احمدی - مهدی جباری تهرانی - عباس
ملکی - عبدالمجید معادیخواه - محمد مصطفوی - غلامحسین حقانی - سیدعلی اصغر احدی -
سیدمجتبی امینی - سیدمحمد دعائی - غلامرضا رحیمی - نعمت‌الله صالحی - محمدکاظم شرفی
- محمدحسین شریفی - محمدصالح تهرانی - محمد عبائی خراسانی - سیدحسین طاهری -
ابوالفضل شقایب - سیدعلی محقق - محمدرضا آشتیانی - محمدصادق آل طاهری - محمد
ملک‌زاده - مهدی مؤیدی - سیدجعفر شریف - سید لطفی - سیدمحمدناصر حسینی - محمدجعفر
رودوسی - سیدعلی اکبر محتشمی - علی اصغر طاهری - سیدمحمدتقی محصل - علی کاظمی -
حجة‌الله قاسمی - محمد طباطبائی - مصطفی صالحی - حسین طباطبائی - علی اصغر رحیمی -
سیدحسین علوی - محمدرضا رحیمی - غلامرضا کیانی - محمدرضا احمدی - محمدتقی منتظری -
عبدالکریم سعادت‌ی خوانساری - غلامرضا زندی تهرانی - اسماعیل جعفرزاده - علی اصغر
محزون‌زاده - سیدمرتضی موسوی - سیدحسین طالبی گیلانی - مصطفی انصاری آبادی -
سیدعباس سالاری - سیدصدرالدین طاهری شیرازی - محمد نورالهی - سیدهاشم بطحائی
گلپایگانی - علی اصغر زندی - حسین تهرانی - حجة‌الله ساکی خرم‌آبادی - سیدحسن قرشی -
محمد موسوی خوئینی - محمدتقی جوادی - قربان تقوایی - سیداحمد آیتی - علی باقری - اکبر
امیری - علی کریمی - مهدی مهدوی - مصطفی ابراهیمی - جواد اشکوری - عباس شیرازی -
محمد اعتمادی - سیداکبر رحیمی - محمد غالبی یزدی - سیدحسن سجادی - سیدحسین منوچهر
طاهری - عبدالله صادقی اشکوری - سیدمحمد حسینی - رضا مطلبی - محمدعلی مقدس - عباس
یوسفیان ایروانی - احمد خرم‌آبادی - احمد توکلی - محمدتقی اکبری - غیاث‌الدین محمدی -
سیف‌الله نورانی - محمد ناصریان - حسین هاشمیان - سیدحسین ناصر زنجانی - محمدکاظم
رفسنجانی - سیدحسین نائینی - مهدی کروی - سیدمحمد حسینی - سیدحسین میرلوحی -
قربانعلی ذوالقدر زنجانی - علی محمدی - یوسف نوروزی - محمدرضا نادری - محمد اسماعیلی -
سیداصغر کاظم‌زاده - فتح‌الله خلیلی - احمد احمدی - سفرالله صالحی - حسن روحانی - محمد
سیفی یزدی - ابوالفتح الهی تهرانی - محمد صدرالدین طباطبائی مهریزی - سیدمنیرالدین بحرینی
- علی تقی قاسمی - محمدباقر شفیع - علی اصغر باقرزاده - محمدصادق حسینی - اسماعیل
بحرینی - عباس حسن‌زاده - مرتضی موسوی - حیدر رستمی - سیداحمد موسوی یزدی - حسن
اسماعیلی - غلامرضا ملایوسفی - علی نورانی - محمدحسین قدسی - عبدالعلی عربی تویسرکانی
- قربانعلی دری - رحمت‌الله گلی اشکوری - سیداعظم موسوی - محمدحسین اقتخاری - علی تقی
فرائی زنجانی - محمدباقر جوادی - فتح‌علی صاحب‌الزمانی - سیدجعفر عبادی - محمدمهدی
صالحی - و عده‌ای امضاء دیگر.

رژیم حاکم برای بدست آوردن يك سرى اتهامات جهت پرونده‌سازی و گرفتن يك سلسله
اعترافات عاری از حقیقت و به دست آوردن اطلاع از فعالیت‌های پشت پرده مجاهدین علیه رژیم،

حضرت آیت‌الله منتظری، رهبر بزرگوار ده‌ها هزار مسلمان شهرستان نجف‌آباد را همراه آقازاده ایشان آقای محمدعلی منتظری در شکنجه‌گاه قزل‌قلعه تحت شکنجه‌های وحشیانه و غیر انسانی قرار داد و بدینوسیله داغ ننگ دیگری بر جبین ننگ‌بار دودمان خائن پهلوی گذاشت.

دژخیمان خون‌آشام شاه ابتدا به منظور واداشتن محمدعلی منتظری به اعتراف علیه اساتید و فضایی مجاهد قم او را با وحشیانه‌ترین و سخت‌ترین انواع شکنجه‌ها حدود ۱۵ روز تا سرحد مرگ شکنجه کردند. نشانندن روی اجاق برقی، شلاق زدن تا سرحد بیهوشی، نواختن کشیده‌های بی‌دریی به صورت و گوش، که مدت‌ها از گوش او چرک می‌آمد و بالاخره منجر به سنگینی ساممه و کم شدن دید چشم او گردید، بی‌خوابی دادن، ساعت‌های متمادی سر یک پا نگهداشتن و زیر مشتش و لگد کوبیدن و... از شکنجه‌هایی بود که به آیت‌الله‌زاده آقای منتظری دادند و حتی گاهی با کمال بی‌شرمی و گستاخی او را در برابر چشم پدرش زیر شلاق و مشتش و لگد افکندند و تهدیدهای بی‌شرمانه کردند و از آنجا که با این اعمال وحشیانه و غیر انسانی نتوانستند او را به اعتراف وادارند و سخنی از زبانش بیرون بکشند، گستاخانه به سراغ خود آیت‌الله منتظری رفتند و با یک دنیا بی‌شرمی آن پیرمرد جلیل‌القدر و عالم بزرگوار را زیر شکنجه‌های غیر انسانی قرار دادند، لیکن از راه هتک و اهانت شاهانه نسبت به ایشان نیز نتوانستند چیزی به دست بیاورند و طرفی بر بندند و با یک دنیا ننگ و رسوایی، در این نقشه نیز شکست خوردند.^۱

مقاومت و پایداری سرسختانه و قهرمانانه آیت‌الله منتظری و فرزند برومند ایشان در برابر شکنجه‌های روحی و جسمی دشمن، شگفتی و تحسین همگان را برانگیخت و الهام‌بخش پایداری و استقامت برای همه مجاهدین راه حق و حقیقت شد.

دانشمند مجاهد آقای مهندس بازرگان و دیگر زندانیان سیاسی، حتی رئیس زندان قزل‌قلعه (ساقی) در برابر مقاومت شگفت‌انگیز آقای محمد منتظری در زیر شکنجه‌های توانفرسای دشمن سر تعظیم فرود آوردند و به او «قهرمان روحانیت» لقب دادند و به این پایداریها و بردباریها آفرین گفتند.

خبر شکنجه آیت‌الله منتظری همانند توپ صدا کرد و خشم و عصیان مردم مسلمان ایران را سخت برانگیخت و افکار و احساسات را علیه رژیم ضد اسلامی و غیر انسانی شاه به شدت تحریک کرد تا آنجا که دشمن را نگران و وحشت‌زده ساخت و ناچار کرد که بدست و پایبفتد و در

۱- نکته شایان ذکر آنکه در میان مدارکی که از منزل آیت‌الله آقای منتظری بدست جاسوسان شاه افتاده بود نوشته‌ای بود درباره جنایات ۲۰ ساله رضاخان که به خط خود آقای منتظری نگاشته شده بود. بازجوی ساواک در مقام بازپرسی از آقای منتظری نوشته مزبور را به او نشان داده پرسش به عمل آورده بود که آیا این مطلب به خط شما نوشته شده است؟

آقای منتظری پیش از آنکه نفی یا اثباتی بکند نوشته را از چنگ بازجو درمی‌آورد و در برابر چشمان حیرت‌زده مأمور ساواک پاره می‌کند! و بازجوی بدبخت که از این عمل قهرمانانه آقای منتظری بکلی دیوانه شده بود جز ضرب و شتم و اهانت نسبت به او چه کار می‌توانست بکند؟

مقام پوزش روبه‌صفتانه از آقای منتظری برآید. و به بعضی از علماء و مقامات روحانی تهران، اصفهان و نجف‌آباد که نسبت به سرنوشت آقای منتظری سخت نگران بودند اجازه ملاقات با ایشان را بدهد! ولی در پشت پرده برای او و دیگر مجاهدین بازداشت شده حوزه قم به پرونده‌سازی و توطئه‌چینی سرگرم بود تا آنان را به دادگاه فرمایشی کشانده به زندانهای دراز مدت محکوم نماید و با زندانی ساختن آنان خود را برای همیشه از جوش و خروش طوفان‌زای حوزه علمیه قم رهانیده با آسودگی خاطر جهت درهم شکستن نهضت امام خمینی در دیگر نقاط کشور به چاره‌جوئی و توطئه چینی بپردازد.^۱»

نامه‌ای تاریخی از زندان

پس از چندین ماه زندان و شکنجه، رژیم فاسد پهلوی، می‌خواست از آقایان منتظری و ربانی شیرازی التزام بگیرد که آزاد شوند ولی به قم نروند و از آنجا که این مجاهدین بزرگ در زیر این التزام، توطئه خطرناکی را در جهت تضعیف حوزه علمیه قم مشاهده می‌کردند، از دادن چنین التزامی و حتی قبول چنین پیشنهادی خودداری نمودند و به این توطئه دست زدند.

آقایان منتظری و ربانی نه تنها با رد قاطعانه پیشنهاد شاه مبنی بر خودداری آنان از رفتن به قم نقشه او را که می‌خواست مجاهدین روحانی را با پای خودشان از حوزه علمیه قم بیرون نماید و به تبعید داوطلبانه وا دارد خنثی ساختند بلکه با صدور نامه سرگشاده‌ای از درون بازداشتگاه قزل‌قلعه، هشیاری خود را در برابر تاکتیکهای نیرنگ‌آمیز شاه نشان دادند و انعطاف‌ناپذیری خود و رد هرگونه تسلیم، عقب‌نشینی، سازش و کنار آمدن با دشمن را بار دیگر به بهترین نحو به ثبوت و منصف ظهور رسانیدند.

متن آن نامه تاریخی و افشاگرانه چنین است:

بسم‌الله الرحمن الرحيم

۱۳۴۵/۶/۱۶

بازداشتگاه قزل قلعه

تیمسار دادستان ارتش

رونوشت: اداره دادرسی ارتش

رونوشت: دیوان عالی کشور

رونوشت: نیویورک، کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد.

رونوشت: حضور مقدس مراجع عظام و حضرات آیات الله و حجج اسلام:

نجف: آقای حکیم، آقای خمینی، آقای شاهرودی، آقای خوئی، آقای طاهری

کربلا: آقای سید محمد شیرازی

قم: آقای گلپایگانی، آقای شریعتمداری، آقای نجفی.

تهران: آقای خونساری، آقای آشتیانی، آقای آملی، آقای سعیدی.

مشهد: آقای میلانی، آقای قمی

شیراز: آقای محلاتی، آقای دستغیب

اهواز: آقای بهبهانی، آقای علم‌الهدی

آبادان: آقای قائمی

همدان: آقای معصومی، آقای بنی‌صدر

اصفهان: آقای ارباب، آقای خادمی

سوادکوه: آقای کوهستانی

یزد: آقای صدوقی

تبریز: آقای قاضی

کرمانشاه: آقای جلیلی‌متع‌الله المسلمین بطول بقائهم.

حدود ۶ ماه است که در بازداشتگاه قزل قلعه با تضييقات شديد که تناسب با يك زندانی سیاسی ندارد و به هيچ وجه با شئون روحانيت تطبیق نمی‌کند، بازداشت می‌باشيم. با اینکه تقریباً بیش از سه ماه است که اجازه ملاقات با خانواده را داده‌اند و این امر حاکی از رفع بیم تبانی است، معذک برخلاف قانون به منظور ادامه تضييقات و ادامه ناراحتی ما را در زندان انفرادی نگه داشته‌اند. روز اول و دوم فروردین ماه سال جاری، شهر قم شاهد جریانی شگفت‌آور و تأسف‌بار بود، جریانی که از روی خلاقاریها و قانون شکنیهای مأمورین آن در تمام مراحل بازجویی پرده بر می‌دارد. چنانچه در مورد اینجانب حسینعلی منتظری و فرزندم محمد علی منتظری که از محصلین حوزه علمیه قم است نه تنها بدون مجوز رسمی و به بهانه پوچ بازداشت صورت گرفت بلکه ضمن بازرسی خانه که در غیاب من انجام شد، برخلاف قانون، تعدادی کتب علمی و دینی را ضبط و از وجوه شرعیه‌ای که اخیراً رسیده بود و مورد مصرف برای طلاب و سادات روی پاکت مشخص شده بود صورت‌برداری و سپس آنرا نیز ضبط کردند و تا بحال در نزد آنها باقی است. در مورد بازجویی نیز از هیچگونه اهانت نسبت به مراجع بزرگ و روحانیت شیعه و ضرب و شکنجه و فحشهایی که موجب حد شرعی است نسبت به اینجانب و فرزندم خودداری نشد چنانچه هنوز آثار صدمات جسمانی ناشی از شکنجه‌های متوالی در فرزندم باقی است.

و در مورد اینجانب ربانی شیرازی بازداشت بدون احضار رسمی و مجوز قانونی صورت گرفت و علیرغم تذکرات قبلی اینجانب، در مورد بیماری خانواده و مخاطره جانی برای ایشان و بجهام حدود ده نفر از مأمورین سازمان امنیت و شهرانی و آگاهی به خانه من حمله‌ور شدند و به شیوه‌ای عمل کردند که موجب اتلاف بجه من و بیماری ممتد خانواده در اثر هراس گردید. مأمورین که معلوم نبود به چه منظور منزل را محاصره و مورد بازرسی قرار داده‌اند، پس از کنجکاوی دقیق و نیافتن

مدارک جرمی، برخلاف قانون، مقداری کتب دینی و حقوقی جمع و ضبط نمودند. پس از انتقال به قزل قلعه در مراحل بازجوییهای ممتد و طولانی که بعضی جلسات آن تا حدود ساعت ۱۱ شب به طول انجامید، بازجوها از حدود نزاكت خارج و سعی می نمودند که با ارباب و تهدید مطالبی را به نفع دستگاه از اینجانب اقرار بگیرند ولی با کارگر نیفتادن این روش غیرقانونی سعی نمودند با سوالات مکرر و بی جا پرونده ضحیمی درست نمایند.

توضیح آنکه فکر اصلاح برنامه های تدریس حوزه علمیه قم و امور تبلیغاتی و نشر کتب مفیده دینی از ۲۰ سال پیش در بین عده ای از فضلا و اساتید حوزه علمیه قم وجود داشت و بارها بدین منظور جلساتی تشکیل داده و از مرحوم آیت الله العظمی بروجردی تقاضای اقدام و مساعدت می کردند.

در تعقیب این هدف حدود ۳ سال پیش عده ای از اساتید و فضلا حوزه علمیه جلساتی به منظور مشورت برای انجام اصلاحات فوق تشکیل دادند که متأسفانه مانند جلسات قبلی بدون اخذ نتیجه تعطیل گردید. اینک سازمان امنیت برای کوبیدن عده ای که روش ضد دینی و قانونی دولتها و تبعید حضرت آیت الله العظمی آقای خمینی را انتقاد می نمودند، پس از گذشت ۳ سال این جلسات را دستاویز کرده و آنرا سیاسی تلقی نموده شروع به پرونده سازی کرده است.

در عرض مدت زندانی بودن اینجانبان و سایر رفقا، سازمان که خود را مواجه با اعتراض و ناراضیاتی جامعه محترم روحانیت بویژه مراجع عظام متع الله المسلمین بطول بقاءهم و سایر اصناف مردم می دید با وعده های دروغی و اینکه آقایان بزودی آزاد می شوند، در اسکات آنان کوشید ولی با توجه به روش سازمان در عدم ابقای وعده ها ناراضیاتی شدیدتر و موج احساسات هر آن بیشتر گسترش پیدا می نمود، تا ناچار سازمان امنیت دو نفر از فضلا را که شریک پرونده بودند آزاد کرد و در تعقیب اقدامات حضرات علماء اعلام و مراجع عظام چندی قبل از طرف سازمان جلسه ای در اداره و جلسه دیگری در دفتر قزل قلعه، با حضور عده ای از محترمین علماء عظام تشکیل یافت و از طرف سازمان پیشنهاد شد که ما تعهد کنیم ۶ ماه در شهرستان قم یعنی محلی که وطن فعلی و محل کار ماست نباشیم.

سازمان می خواست که ما داوطلبان حاضر به تبعید از قم شویم چونکه می دید تبعید جبری نگرانیها و احساسات را شدیدتر می نماید، ولی این امر چون مغایر با موازین دینی و قانون اساسی و آزادی مسکن و اعلامیه حقوق بشر و مستلزم اعترافات ضمنی به جرم واقع نشده بود از طرف اینجانبان رد شد.

آیا سازمان به جای آنکه از اعمال خلاف قانون خود، بازداشت بدون سبب، اهانتها، شکنجه ها، اتلاف نفس بچه معصوم، مریضی و ناراحتی خانواده ها و تزییقات شدید در مدت پنج ماه، پوزش بطلبد و رئیس سازمان قم را به جرم جنایتهای وارده محاکمه کند، صحیح بود خلاف قانون تازه مرتکب شود؟ و با «درخواست» تعهد فوق صورت قانونی به کارهای خود بدهد؟

آیا درخواست این موضوع فکری را که مدت ها است گسترش پیدا کرده است که دولت درصدد

است حوزه علمیة قم را تضعیف نماید، تقویت نمی‌کند؟

اگر ما امروز این چنین تمهدی را قبول می‌نمودیم، چه چیز مانع دولت بود که فردا عده دیگری از اساتید حوزه را به عنوان واهی بازداشت کند و پس از مدتی با اخذ تعهد عدم سکونت در قم آزاد نماید؟ و بالتیجه حوزه علمیة قم را تضعیف و عملاً منحل سازد؟

با استناد به مطالب فوق و خلافکاریهای دیگری که در موقع خود ذکر می‌شود پس از اظهار تأسف از رویه سازمان امنیت و دولت صریحاً اعلام می‌داریم که دولت هرگونه آزادی قلم و بیان را از بین برده نمی‌خواهد در قلمرو حکومتش کسی از حق و آزادی سخن گوید. دولت می‌خواهد جامعه روحانیت را که امر به معروف و نهی از منکر و ارشاد مردم و دفاع از اسلام و حقوق مسلمین و حفظ مصالح جامعه اسلامی را وظیفه خطیر الهی خود می‌داند از انجام دادن این وظیفه ممنوع سازد، در حالیکه این ممنوعیت و فشار با روح اسلام و قانون اساسی کشور مخالفت دارد. دولت در این راه کار را بجائی رسانیده که اگر مبلغ یا گوینده اسلامی کوچکترین اشاره نسبت به مفساد اخلاقی و مشکلات اقتصادی و اجتماعی مردم می‌نماید مورد تعقیب و بازداشت مأمورین قرار می‌گیرد، و در مقابل با روش مرموزی بتدریج روح دینی را در مردم تضعیف نموده و اخلاق اسلامی را از جامعه سلب می‌نماید. ممنوعیت هرگونه انتقاد صحیح، آزاد گذاشتن هرگونه فعالیت‌های ضددینی و ضد اخلاقی، وضع کثیف مطبوعات، سینماها، کاباره‌ها و سایر اماکن فساد، توسعه بالای خانمانسوز و دین برانداز فقر و بیکاری، تصویب قوانین و اعمالی که نتیجه آن تضييع حقوق سیاسی و اقتصادی ملت مسلمان ایران است، دلیلی زنده بر این مدعاست، بلکه بالاتر از این می‌توان ادعا کرد که اساس دین و مذهب در این کشور در معرض خطر است چونکه دین و مذهب زمانی رسمیت دارد که تشکیلات جامعه بر اساس آن دور زند و با آنکه دولت عملاً نظام اجتماعی ایران را بر مبنای قوانین نجات‌بخش اسلام قرار نداده، رسماً نیز سعی می‌شود که اسمی از اسلام در لوایح مصوبه نباشد. چنانچه در مورد قانون جدید استخدام، شرطیت «مطلق دین» و در آگهی استخدام ارتش شرط تدین به دین اسلام حذف شده است. آیا عملیات چند سال اخیر از حبس، زجر، شکنجه و تبعید نسبت به جامعه روحانیت و سایر مردم آزاده مسلمان و جریان مدرسه فیضیه، صحن مطهر قم، نشانه‌ای از اهداف ضدملی و ضداسلامی دولتها نیست؟ آیا حبس و تبعید یکی از مراجع تقلید شیعه و ممنوعیت فروش رساله ایشان را به چه چیز می‌توان تعبیر کرد؟ آیا آزادی غیر محدود بعضی از اقلیتهای جاسوس و عوامل صهیونیسم و شرکت دادن آنها در مورد حکومت و مسلط نمودن آنها بر سرنوشت اقتصادی و اجتماعی ملت ایران توهم خطر را نسبت به حریم اسلام تشدید نمی‌نماید؟!

ما از این گوشه زندان، از این وضع ناهنجار اظهار تأسف نموده و مخاطراتی را که برای اسلام عزیز و روحانیت و اخلاق عمومی کشور پیش آمد نموده به مراجع دینی و حقوقی تذکر داده آنان را از عواقب سوء آن برحذر می‌داریم.

ما هرگونه ناراحتی را به منظور حفاظت از اسلام و روحانیت و مملکت ایران تحمل نموده



مطمئنیم اگر محکمه صالحی با حضور نمایندگان مراجع عظام و جامعه روحانیت و طبقات مختلفه مردم تشکیل شود پرده از روی بسیاری دیگر از اقدامات ضد دینی و قانونی دولت برداشته خواهد شد.

و ما النصر الأمن عند الله العزيز الحكيم
 حسینعلی منتظری، الاحقر عبدالرحیم ربانی شیرازی^۱

در زمینه حمله به منزل و دستگیری آیت الله منتظری اسنادی بدست آمده که عیناً در اینجا نقل می شود:

تاریخ ۴۵/۱/۳

-۱

شماره ۱۷/ق م

نخست وزیر

سری

سازمان اطلاعات و امنیت کشور

موضوع: شیخ حسینعلی منتظری نجفآبادی

نامبرده فوق که یکی از محرکین اصلی و طرفداران سرسخت خمینی می باشد بعثت تشکیل جلسه دستگیر و در بازرسی که از منزل وی بعمل آمد تعداد زیادی اعلامیه های مضره بر علیه دولت و مقامات و کتابهای مضره و کمونیستی و تعدادی روزنامه پیام دانشجو و ایران آزاد و مردم که وابسته به حزب منحلّه توده و جبهه ملی می باشد و متن تلگرافی تحت عنوان (جناب آقای دکتر محمد مصدق پدر ملت ایران) و متن سخنرانی های خمینی و هم چنین نامه هایی که جهت مشارالیه ارسال شده و اسامی اشخاصی که پول جهت خمینی می دهند و نیز مبلغ ۱۵۸۷۳۰ ریال وجه و چک که جهت سهم امام و سهم سادات که عیناً تحویل صاحب منزل گردید و صورت ریز آن به پیوست می باشد بدست آمد که طبق مقررات قانونی با حضور صاحب منزل و پسرش محمدعلی منتظری که وی هم در حین پخش اعلامیه در موقع سال تحویل دستگیر شده بود و اعزام گردید و با حضور نماینده دادستان و نماینده ساواک صورت مجلس گردید که يك نسخه از صورت مجلس و اوراق و مدارك مضره مکشوفه به پیوست تقدیم و نیز شخص دستگیر شده اعزام گردید.

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت قم - بدیعی

۲-ل
در جواب امر ایله خرو و
اعداد میزه که تم شماره
است باشماره ذکر شود



وزارت کشور
شهریانی کل کشور

از _____
اداره _____
دائره _____
شماره ۹۷-۲-۵۲
تاریخ ۲۵/۱/۵۲

سـ ر ی

از شهریانی کل کشور

به : تیمسار ریاست سازمان اطلاعات و امنیت کشور

در باره / متهمین پخش اعلامیه در قم

شهریانی قم در اثر مراقات چند نفر از خسر کنندگان اعلامیه های منتشره در روز ۱/۱/۵۲ در ضمن مطهرتم را

دستگیرس از بازجویی اولیه و بازرسی منازل آنها با پرونده متشکله تحویل سازمان امنیت آن شهرستان نمود.

است بطوری که از گزارشات رسیده درک میشود عوامل درجه دوم این عملیات مثل شیخ حسینعلی ومحمدعلی منتظری

نیز جزو دستگیرشدگان تحویل شده اند. چون بازجویی دقیق از دستگیرشدگان میتواند راهنمای بهیاری دقیقتی برای

رسیدن به منشاء تحریکات باشد مقرر فرمایند در این مورد اقدام ونتیجه را بشهریانی کل کشور نیز اعلام دارند.

رئیس شهریانی کل کشور - سرانشکر بیسر

اداره کل سیم
رشته از سیم
۲۷۱۵۳۷۱
۸۱/۵۲

۵۲/۱/۵۲

شماره ۹۷ - ۲ - ۵۳

تاریخ ۴۵/۱/۵

سری

وزارت کشور
شهربانی کل کشور

از شهربانی کل کشور به تیمسار ریاست سازمان اطلاعات و امنیت کشور

درباره متهمین پخش اعلامیه در قم

شهربانی قم، در اثر مراقبت، چند نفر از پخش کنندگان اعلامیه‌های منتشره در روز ۴۵/۱/۱ در صحن مطهر قم را دستگیر و پس از بازجویی اولیه و بازرسی منازل آنها با پرونده متشکله تحویل سازمان امنیت آن شهرستان نموده است بطوریکه از گزارشات رسیده درک می‌شود عوامل درجه دوم این عملیات مثل شیخ‌حسینعلی و محمدعلی منتظری نیز جزء دستگیرشدگان تحویل شده‌اند. چون بازجویی دقیق از دستگیرشدگان می‌تواند راهنمای بسیار ذی‌قیمتی برای رسیدن به منشأ تحریکات باشد، مقرر فرمایند در این مورد اقدام و نتیجه را به شهربانی کل کشور نیز اعلام دارند.

رئیس شهربانی کل کشور - سرلشکر مبصر

از جمله اتهاماتی که رژیم به آیت‌الله منتظری نسبت می‌داد، تشکیل سازمان یا گروهی مخالف رژیم خونخوار پهلوی بوده که به همراه عده‌ای از علمای دیگر انجام می‌گرفته است، چرا که مدرکی به دست ساواک افتاده بود که حکایت از يك سازماندهی تشکیلاتی می‌کرد. مسلم است که در چنین حالتی، سفاکان رژیم، وی را به آسانی آزاد نمی‌سازند و با شکنجه‌ها و زندانهای طولانی تصمیم به نابودی روحیه مبارزاتی وی می‌گیرند اما افشاگریها و ابلاغ بی‌رحمی‌هایی که در زندان شده، چه توسط خودش از درون زندان و چه بوسیله دلسوزان دیگر خارج از زندان، باعث می‌گردد تا وی پس از ۷ ماه از زندان جهانی رژیم پهلوی آزاد شود. (دستگیری: ۴۵/۱/۱ - آزادی: ۱۳۴۵/۷/۲۴).

مسافرت به عراق

آیت‌الله منتظری پس از آزادی از زندان با وجود اینکه رژیم به او گفته بود که حق خروج از

۱- پیرامون رنجهای آیت‌الله منتظری در زندان علاوه بر آنچه در اعلامیه‌های حوزه قم و اعتراضات وی آمده، دیگران هم افشاگری کرده‌اند. از جمله حجت‌الاسلام احمد خمینی (آیت‌الله‌زاده خمینی) نقل می‌کند: مرد مجاهد و پیر امت و فقیه و مرجع ما، آیت‌الله منتظری، خود ایشان به من می‌گفت: در زندان اوین لباسم را که می‌شستم آنقدر دستم می‌گرفتم تا خشک شود. یعنی يك لباس دیگری نداشتم بپوشم، آن را بیندازم جای دیگر، آن را جلویم می‌گرفتم تا روی دستم خشک شود. رژیم سفاک از شکنجه این پیرمرد لحظه‌ای روی گردان نبود. از مصاحبه ۲۴ مهر ۱۳۵۸.

محدوده قضایی تهران نداری، بدون توجه به این دستور، بطور مخفیانه به عراق مسافرت نمود. از آنجا که برای آیت‌الله منتظری سکوت و سکون و یا انجام دادن دستورات يك حکومت فاسد ضد اسلام معنی و مفهومی ندارد، از هر راهی برای شرکت فعال در انقلاب اسلامی کوشش می‌نماید.

آری در اواخر سال ۱۳۴۵، یعنی نزدیک به چهار ماه پس از رهایی از زندان مخفیانه عازم عراق گردید و برای بررسی اوضاع ایران و برنامه‌های انقلاب اسلامی در پیشگاه رهبر انقلاب، امام خمینی، به نجف اشرف رفت. از آنجا که آیت‌الله منتظری در ایران بعنوان نماینده تام‌الاختیار امام خمینی، رهبر انقلاب اسلامی ایران به اوضاع عمومی مملکت آشنا بود و خصوصاً حوزه علمیه قم را به سمت گسترش و تداوم مبارزه ره می‌نمود، ارتباط حضوری‌اش با رهبر انقلاب دارای ارزش تاریخی و اهمیت سیاسی-اجتماعی بسیار بوده است، و همچنین دستورگیری از امام امت و اتخاذ تصمیمات واحد و همگون با معظم‌له شایسته بازنگری و ارج‌گزاری می‌باشد.

پس از بیان و بررسی اوضاع و اتفاقات ایران و اخذ تصمیمات تاریخی و پربار از رهنمودها و دستورالعمل‌های انقلابی، جهت شکل‌دهی به قیام و انقلاب ملت ایران نجف را ترك گفته به کشورمان بازگشت.

در یکی از دفاعیات آیت‌الله منتظری که قبلاً نقل شد، ایشان گفته که در نجف به حضور آیت‌الله‌العظمی امام خمینی رسیده است و در دفاعیه‌ای دیگر چگونگی مسافرت غیر مجازش را از خرمشهر به بصره و از آنجا به نجف اشرف مشروحاً بیان کرده است.

آیت‌الله منتظری در عراق بسر می‌برد که ساواک جهنمی شاه بوسیله خود فروخته‌ای به نام محمدحسین شریف روحانی از این مسافرت با اطلاع می‌شود، لذا به ساواک خوزستان دستور می‌دهد که مواظب باشند در موقع مراجعت از عراق او را بازداشت نمایند. متن دستور اداره کل سوم به ساواک خوزستان چنین است:

درباره حسینعلی منتظری فرزند حاجعلی

نامبرده بالا که از روحانیون افراطی مقیم شهرستان قم و طرفدار خمینی و دارای سابقه بازداشت می‌باشد در اواخر اسفندماه سال ۴۵ بطور غیرمجاز به عراق عزیمت نموده است. علیهذا ضمن ایفاد يك قطعه عکس مشارالیه چون احتمال دارد یاد شده از طریق مرز ورودی حوزه استحفاظی آن ساواک به ایران وارد گردد خواهشمند است دستور فرمائید ضمن مراقبتهای لازم بمحض ورود وی را دستگیر و ضمن بازرسی بدنی و لوازم او نتیجه را سریعاً اعلام دارند.

مدیرکل اداره سوم - مقدم

گیرندگان: ریاست ساواک‌های کرمانشاه - کردستان - آذربایجان غربی (رضائیه) جهت اطلاع و به

منظور فوق

۴۶۱۱۲

ریاست محترم سازمان اطلاعات و امنیت ایران
 تویر آبرو شرف من ساری بر نام شیخ حسین منتظر راجع به الکرام رسالت قبل از
 برای فعالیت در ایام و تحریکات مطهره در قم دستگیر شد و تقریباً سه ماه قبل از آنکه در
 در خیف (کربلا) زندان از فعالیت مکرر در چند روز قبل بطور قاجاق به مقبضت عالی است
 سازمان مخفی است ساری گذشته پیش از آنکه او گرفتار شود نامه ارجاع به تحریکات مطهره
 رفتاری معروف در آن مقام بر مبنای ریاست پیشین رسیده بلکه اینک باز از ناحیه او
 خطرات بود با تغییر پسندید این دلیل ما چند نفر از همکاران نادر است و همین نحو
 قاجاق به این مسافرت مبارک است و قیام خواهد با افراد خط ناک در کربلا
 ایران هم در خارج هستند نید و این غمخوار و تمام دیگر هم مورد استخوانه رفتن در آن

موضوع جلوگیری از خروج آن پذیر خواهد بود

شیخ الکرام - خیابان اخلاقی - محمد حسین شریف روحانی پلار ۱۵

در نامه	شماره
۴۶۱۱۲	۱۰۸

تاریخ دادگاه

۱۰۲
 ۴۶۹

۱۰۸
 ۴۶۱۱۲

با اعتبار
 ۱۱/۱۷



نخست وزیر
سازمان اطلاعات و امنیت کشور
س.ا.و.ا.ک

خبرنامه محرمانه

از اداره کل سوم
شماره
تاریخ
پیوست
به ریاست ساواک خوزستان
(آبادان)

در باره : حسنعلی منتظری فرزند حاجعلی

نامبرده بالا که از روحانیین افراطی مقیم شهرستان قم و طرفدار خمینی و دارای سابقه بازداشت میباشد در او خراسفند ماه سال ۶۰ بطرف فرید مجاز بمساجد عزیمت نموده است. ظهیرذا ضمن ایفاد یک قطعه عکس متارالیه چون احتمال دارد یاد شده از طریق صریح ورودی حوزه استحفاظی آن ساواک بایران وارد گردد خواهشمند است دستور فرمائید ضمن مراقبت های لازم بجهت ورود ویراد مستگیر ضمن بازرسی بدنی و لوازم او نتیجه را سرما اطلاع دارند. هـ

مدیرکل اداره سوم. مقدم
ر.ر.ر. ۶۵

گیرندگان ریاست ساواک ای ترانسپاز - کردستان - آذربایجان غربی (رسانیه) جهت اطلاع و بندبوردن
ریاست ساواک فرمانداری کل ایلام جهت اطلاع و بندبوردن
ریاست ساواک قم جهت اطلاع.

۱۳۰۱۰
۶۵
۶۵
۶۵

ریاست ساواک فرمانداری کل ایلام جهت اطلاع و به منظور فوق

ریاست ساواک قم جهت اطلاع.

آیت‌الله منتظری هنگام برگشت از عراق به ایران، در همان مرز ایران و عراق در پاسگاه خسروآباد دستگیر و روانه زندان می‌گردد.
بازجوییها و فشارهای وارده بر ایشان در زندان، نتیجه‌ای برای ساواک ندارد، و آنها نمی‌توانند برای او پرونده‌سازی نمایند. در گزارشی که از ساواک بدست آمده ضعف دستگاه حاکم در برخورد با عظمت آیت‌الله منتظری مشهود است.

گزارش: تاریخ ۴۶/۳/۲۱

درباره شیخ حسینعلی منتظری

محترماً به استحضار عالی می‌رساند، اطلاع واصله حاکی بود نامبرده بالا که در نوروز سال ۴۵ به اتهام اقدام بر ضد امنیت داخلی مملکت بازداشت گردیده و در ۴۵/۷/۲۴ با تبدیل قرار و سپردن تعهد مبنی بر عدم خروج از حوزه قضائی تهران آزاد شده بطور غیرمجاز به عراق عزیمت نموده است لذا به ساواک خوزستان در مورد دستگیری مشارالیه دستورات لازم صادر گردید و در مورخ ۴۶/۱/۷ هنگام مراجعت با دو نفر دیگر وسیله پاسگاه ژاندارمری خسروآباد دستگیر و به مرکز اعزام گردیده است.

در تحقیقاتی که از یاد شده بعمل آمد روشن گردید شخص مزبور صرفاً به منظور زیارت از طریق غیرمجاز از مرز خارج گردیده و به عراق رفته است.

با توجه به مراتب و عرض اینکه اتهام او فقط عبور غیرمجاز از مرز می‌باشد و از طرفی در حدود سه‌ماه است که در زندان به سر می‌برد و چنانچه پرونده اتهامی وی هم به مراجع قضائی احاله شود محکومیتی به مراتب کمتر از مدتی که در زندان بسر برده پیدا خواهد نمود لذا در صورت تصویب، حال که ماههای سوگواری محرم و صفر خاتمه یافته با اخذ تعهد آزاد گردد. ه .

مسئول بررسی - از غندی

رئیس بخش ۳۱۶ - باصری نیا

رئیس اداره یکم عملیات - ثابتی

آری، آیت‌الله منتظری پس از دیدار با رهبر انقلاب و امام مسلمین و استاد خویش به وطن بازگشت، اما رژیم را این ارتباط خوش نیامد و وی را دستگیر نموده به زندان قزل‌قلعه تهران منتقل نمود. آیت‌الله منتظری نزدیک به پنج‌ماه در زندان قزل‌قلعه مورد اذیت و آزار سفاکان پهلوی قرار گرفت و چون دلیلی بر محکومیت وی نیافتند او را در تاریخ ۴۶/۴/۲۵ از زندان آزاد کردند. ولی آزادی او آزادی نبود، چه، رژیم در خارج از زندان نیز او را آزاد نمی‌گذاشت و وجود او



سخت‌وزیری
سازمان اطلاعات و امنیت کشور
س. ۱۰.۱.۱۰.ک

از بخش ۳۱۶
شماره ۱
تاریخ ۴۶/۳/۲۱
پیوست
بد
گزارش

درباره: شیخ حسینعلی منتظری

محترماً با استحضار عالی میسرمانند اطلاع و اعلمه حاکی بود نامبرده بالا که در نوروز سال ۵۰
با اتهام اقدام بر ضد امنیت داخلی مملکت بازداشت گردیده و در ۲۴/۷/۵۰ با تبدیل
قرار و سپردن تعهد مبنی بر عدم خروج از حوزه قضائی تهران آزاد شده بطور غیر مجاز همسراقی
عزیمت نموده است لذا ایسپاواک خوینستان در مورد دستگیری مسارالیه دستورالایم صادر
گردید و در مورخ ۶/۱/۷۰ عننگام مراجعت با او و تفرد بگروسیله با سگاه ژاندارمری
خسروآباد دستگیری و بهر کذا اعزام گردیده است.

در تحقیقاتیکه از یاد شده بعمل آمد روشن گردید شخص مزبور صرفاً بمنزور ریاست از نظریاتی
غیر مجاز از مرز خارج گردیده و بمسراق رفته است.

با توجه بمراتب فوق و عرض اینکه اتهام او فقط عبور غیر مجاز از مرز میباشد و از طرفی در حدود
سه ماه است که در زندان بسر میبرد و چنانچه پرونده اتهامی وی هم بمراجعه قضائی احالیه
شود محکومیتی بمراتب کتراه مذکور که در زندان بسربرد بهیچا خواهد نمود لذا در صورت
تصویب حال که انبهای شوکوری محرم و صفر خاتمه یافته با احد تعهد آزاد گردید.

مسئول بررسی - ازغندی
رئیس بخش ۳۱۶ - با عری ۲۱/۳
رئیس اداره یکم عملیات - تابشی
۳۱۶ ر ۳۱
۴۶

را مخل نظم اجتماع می‌دانست، لذا تصمیم به اخراج او از حوزه علمیه قم گرفت.

اولین تبعید

شاه جنایت‌پیشه، تصمیم گرفت به خاطر فعالیت‌های ضدانسانی، تاج افتخار را بر سر بگذارد. این تصمیم مسلماً فشار زیادی بر توده‌های رنج‌دیده ایران وارد می‌کرد، چرا که باید از دسترنج ملت فقیر، برای اینکار جشن برپا کند. در اینحال رهبران بیدار ملت، در مقابل این فجایع، به اسم جشن تاجگذاری سکوت نخواهند کرد. عدم سکوت آنها در این موقع حساس، از نظر رژیم اخلال در نظم جامعه بود. به ویژه جنب‌وجوش افشاگران آیت‌الله منتظری. علاوه بر این دستگاه ستم پهلوی از وجود آیت‌الله منتظری در میان طلاب پرشور قم وحشت داشت. اخلال در نظم، بهانه‌ای بود که عمال استعمار ترس و وحشت خود را پنهان سازند، لذا سه‌ماه از آزادی آیت‌الله منتظری از زندان نگذشته بود که او را به مسجد سلیمان تبعید کردند. اینکه می‌گویم رژیم از وجود آیت‌الله منتظری در قم هراسناک و ناراحت بود مسأله‌ای است که رژیم خود مکرر به آن اقرار کرده است.

در این‌جا یکی از اسناد ساواک را که به خوبی نشان‌دهنده ترس رژیم سفاک پهلوی از وجود آیت‌الله منتظری در قم می‌باشد، نقل می‌کنم:

نخست‌وزیری

ساواک

موضوع: شیخ حسینعلی منتظری

همانطور که کراراً بعرض رسیده وجود نامبرده بالا در این شهرستان خود موجب فساد و موجد کانون فعالیت‌های روحانیون افراطی طرفدار خمینی است. وی اصولاً فردی معتقد به خمینی بوده و روی این مسئله تعصب خاصی دارد و به این شکل نیز در حوزه مشهور می‌باشد. و چنانچه شخصاً نیز بظاهر مبادرت به فعالیت له‌خمینی ننماید باطناً وسیله‌ی ایادی خود که تعداد آنان نیز در حوزه قابل توجه است اقداماتی انجام خواهد داد که لااقل منجر به توزیع اعلامیه خواهد شد که اینک در تظاهرات اخیر به نفع خمینی کاملاً فعالیت‌های وی و تحریکات عوامل او مشهود بوده است گذشته از این وجود وی در منطقه خود نقطه اتکا و باعث دلگرمی روحانیون افراطی است و با توجه به موقعیت خاصی که از نظر پایگاه روحانیت در قم موجود است اقامت وی از نظر این ساواک در این شهرستان به مصلحت نمی‌باشد خاصه اینکه با تحقیقات غیر محسوسی که وسیله‌ی منبع ۲۱۲ از مستخدم منزلش بعمل آمده وی اظهار داشته که فعلاً منتظری برای رفع هر گونه شبهه‌ای کسی را به منزل نمی‌پذیرد تا به اصطلاح اوضاع آرام شده و مجدداً درس را شروع کند. با توجه به موارد معروضه در صورت تصویب و موافقت به نامبرده ابلاغ شود که بکلی قم را ترک و مانند اسلامی تربتی در شهرستان دیگری اقامت نماید.

رئیس ساواک قم - مهران

دستگاه حاکم به وسیله ایادی خود، آیت‌الله منتظری را به دلیل اینکه تشخیص داده شده در حوزه علمیه نباشد، از قم به مسجد سلیمان به مدت ۳ ماه تبعید کرد و این عمل مزورانه و مذبحخانه جزء اولین کارهای دور نگهداری مردم از رهبرانشان بود که رژیم انجام می‌داد. به عبارت دیگر منتظری جزء اولین تبعیدشدگان حوزه علمیه قم، پس از تبعید امام خمینی از ایران بود. دستورالعمل این تبعید بصورت تلگراف چنین است:

به: ساواک خوزستان - رمز شود. از: مرکز

شماره خلف - پیرو ۶۷/۲۰۸۲ هـ - ۴۶/۱/۹

حسینعلی منتظری در تاریخ ۴۶/۴/۲۵ از زندان آزاد و به قم عزیمت و چون اقامت مشارالیه در قم به مصلحت نبود لذا طبق رأی کمیسیون حفظ امنیت اجتماعی به سه‌ماه اقامت اجباری در مسجد سلیمان محکوم و در تاریخ ۴۶/۷/۲۳ به شهرستان مزبور اعزام گردیده، دستور فرمائید اعمال و رفتار و تماسهای مشارالیه را تحت نظر قرار داده، و در صورت مشاهده عمل مشکوکی از وی مراتب را به موقع اعلام نمائید - مقدم.

آیت‌الله منتظری در مسجد سلیمان در خانه یکی از علمای آن شهر اقامت داشت. مدتی نگذشته بود که میزبان وی به ابدیت پیوست. آنگاه آیت‌الله منتظری درون اتاق یکی از مساجد شهر سکونت اختیار نمود. در آن مسجد، اندک‌اندک نفراتی اطراف او را گرفتند. و وی توانست در آن مسجد به تبلیغ اسلام و بیان اصول اساسی مکتب انقلاب بپردازد و از این طریق نور و فریاد اسلام انقلابی و راستین را در پهن دشت خوزستان، بویژه مسجد سلیمان گسترش دهد تا تاریکیها محو گردد و خفتگان را بیدار سازد.

در مسجد سلیمان، سخت‌زیر نظر سازمان امنیت و عاملان انتظامی آن شهر روز می‌گذراند و کسان زیادی که از شهرهای اطراف به دیدن او می‌آمدند مورد تعقیب و تهدید ساواک قرار می‌گرفتند.

تبعید آیت‌الله منتظری به مسجد سلیمان، بسیاری از کارهای علمی و عام‌المنفعه وی را راکد گذاشت - از جمله کمک‌رسانی به مردم محروم و ستم‌دیده از طریق جمع‌آوری اعانات و خرید مایحتاج آنان. در زمستان ۱۳۴۵ سرمای سختی نجف‌آباد و حومه آن را دچار فقر و ماتم ساخت، در این هنگام از دستگاه ستمگر حاکم انتظاری نمی‌رود که ببرد مردم ستم‌دیده و بیچاره برسد، لذا آیت‌الله منتظری کوشش فراوان نمود تا بتواند حداقل کمکی به این مردم رنج‌دیده بنماید. به این اطلاعاتی که در آن زمان از طرف آیت‌الله منتظری انتشار یافته توجه فرمایید:

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

قال‌الباقر‌علیه‌السلام، البر و الصدقه ینبیان‌الفقر و یزیدان‌فی‌العمر و یدفعان‌سبعین

میتة‌السوء. (کتاب کافی)

تذکره انعام صادره

۱- ۶- ساواک خورستان
 ۲- ۲- سرکیز
 ۳- تاریخ
 ۴- شماره

تاریخ: ۲۰۸۲ / ۲ / ۱ - ۱۳۶۱ / ۱ / ۱
 شماره: ۱۱۱

حسینعلی منتظری در تاریخ ۴۶/۶/۲۵ زردان ارادینه تبریک و چون انعام مشارالیه در فم بمصلحت نبود لذا طبق رای کمیسیون حدیث امین اجتماع پسند و انعام اجباری در مسجد ایمان محکوم شد و تاریخ ۱۶/۶/۲۳ به خورستان اعزام گردیده دستور فرمائید افعال و رفتارته ایشان مشارالیه بر نعت نظر فرمایید و در صورت مشاهده عمل مشکوکی از وی مراتب را بعد از انعام بنماید.

حضرت باقر (ع) فرمود: نیکی و صدقه فقر را بر طرف و عمر را زیاد و از هفتاد مرگ بد و ناگهانی جلوگیری می‌کند.

برادران مسلمان!

با پیش‌آمد سرمای طاقت‌فرسای زمستان فعلی، جان بسیاری از فقراء و ضعفاء در معرض خطر است. اگر سرمای کنونی دست و پا و صورت شما و عزیزانتان را می‌سوزاند و در ناراحتی قرار گرفته‌اید، خوب است به فکر مردم از کار افتاده و یا کسانی که قبلاً با مساعدت هوا بوسیله کارهای متفرقه امرارمعاش می‌کردند ولی سرمای فعلی مانع کار آنها است بیفتید و فکر کنید با سرما و فقر و مرض اطفال چه می‌کنند!

خوبست به اندازه‌ای که به فکر عزیزان خود هستید يك دهم آنها را به فکر اولاد و عزیزان اینگونه مردم بی‌پناه باشید.

مسئولیت تلف بچه‌های فقراء و ضعفاء به عهده متمکین ما مسلمانانست. لازم است هر يك از برادران دینی که تمکن مالی دارند به شکرانه نعمت سلامتی بدن فقرائی را که در طایفه و یا همسایگی خود دارند در نظر بگیرند و بوسیله پول، آرد، ذغال، دارو و غیر ذلك به آنان کمک کنند. در این راه گذشته از صدقات مستحبه و زکوة اخوان مؤمنین شهرستان نجف‌آباد و حومه مجازند آنچه بابت رد مظالم عباد، بدهکارند و همچنین تا يك پنجم بدهی فعلی خود را از سهم مبارک امام علیه‌السلام به این مصرف برسانند.

خداوند به همه شما اجر جزیل عنایت فرماید سلام و رحمت خداوند بر شما باد.

۱۳ شوال ۱۳۸۶ برابر با چهارم بهمن ۱۳۴۵. نجف‌آباد - حسینعلی منتظری

آیت‌الله منتظری در تبعید که بود، ترك این کمک‌رسانیه‌ها او را سخت ناراحت کرده بود. رژیم سفاک پهلوی او را از ادامه کمک‌رسانی به مردم ضعیف و نیازمند محروم ساخته بود. این از ددمنشی و روشهای ضدخلقی دستگاه حاکم بر ایران بود که از هر کاری که در آن رفع ضعف از ضعفاء می‌نمود و یا در خدمت جامعه بود، جلوگیری می‌کرد.

تبعید آیت‌الله منتظری به مسجد سلیمان و محروم کردن وی از خدمت به بیچارگان و رنج‌دیده‌ها، نوعی از همان شیوه‌های ضداسلامی و خلاف انسانی آنها بود. در پی این تبعید، آیت‌الله منتظری در نامه‌ای که به روحانیون نجف‌آباد نوشت ادامه رسیدگی به وضع فقرا و رنج‌دیدگان را به عهده آنان گذاشت. متن آن نامه ارزشمند چنین است:

۱۳۴۶/۱۰/۲۳

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

محضر مقدس علماء اعلام و حجج اسلام نجف‌آباد دامت افاضاتهم.

پس از اهداء سلام بعرض عالی می‌رساند، با اینکه من در مقابل حوادث و پیش‌آمدهای ناگوار

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

قال الباقر علیه السلام، البر والصلة ینفیان الفقر

و یزیدان فی الامر و یدفعان به عین مئینة السوء

کتاب الکافی

حضرت باقر علیه السلام فرمود: نیکی و صدقه فقر را بر طرف و عمر را زیاد و از هفتاد مرگ بد و ناگهانی جلوگیری میکند.

برادران مسلمان

با پیش آمد سرمای طاقت فرسای زمستان فعلی، جان بسیاری از فقراء و ضعفاء در معرض خطر است. اگر سرمای کنونی دست و پا و صورت شما و عزیزانتان را می سوزاند و در نااحتی قرار گرفته اید، خوب است بفکر مردم از کار افتاده و یا کسانی که قبلاً با مساعدت هوا بوسیله کارهای متفرقه امزاد معاش میکردند ولی سرمای فعلی مانع کار آنها است. بقتید و فکر کنید با سرما و فقر و مرض اطفال چه میکنند!!

خوبست باندازه که بفکر عزیزان خود هستید یک دهم آنها بفکر اولاد و عزیزان اینگونه مردم بی پناه باشید،

مسئولیت تلف بجه های فقراء و ضعفاء بمهده متمکنین ما مسلمانانست

لازم است هر یک از برادران دینی که تمکن مالی دارند بشکرانه نعمت سلامتی بدن فقرائی را که در طایفه و یا همسایگی خود دارند در نظر بگیرند و بوسیله پول، آرد ذغال، دلو و غیر ذلک بآنان کمک کنند. در این راه گذشته از صدقات مستحبه و زکوة اخوان مؤمنین شهرستان نجف آباد و حومه مجازند آنچه بابت رد مظالم عباد، بدهکارند و همچنین تا یک پنجم بدهی فعلی خود را از سهم مبارک امام علیه السلام باین مصرف برسانند.

خداوند بجه شما اجر جزیل عنایت فرماید. سلام و رحمت خداوند بر شما باد

۱۲ شوال ۱۳۸۶ برابر با چهارم بهمن ۱۳۴۵ نجف آباد - حسینعلی منتظری

بسم الله الرحمن الرحيم ۱۳۴۶/۱۰/۱۸

مخبر تقدیر علماء اسلام و صحیح اسلام کفایت آید و کفایت افضا نام
 سر از اید اسلام بعضی کما فی سابقه با اینکه مزید تقابیر حوادیر
 و پیش آمدی ناگوار صدور و تسلیم تقدیرات برده و بیستم و بیست و یکم
 تصور اوضاح الفی با فقو ادواتان کفایت آنکه در ماه رمضان ما
 س عدتای منید حد امرا اندران و ناراحت کرده است
 مر از این منطقه دور که بناحق با کما بعد شده ام از همه افاضان
 استعدا دارم که سلام مرا بملکی استان کفایت اگر اصلاح و ما لها
 سفارش کند که مخصوصاً در این ماه عزیز از حد و س عدت
 است ایگان و فقو ارد و صغفا در بیع نداشته باشد صفا از همه افاضان
 ملتس و عا بیتم و السلام علیکم و علی جمیع اعرابنا الکریمین و رحمة الله و بركاته

۱۳ رضانیا ۱۳۴۶ هجری قمری منتظری

صابر و تسلیم مقدرات بوده و هستم ولی مع ذلك تصور اوضاع اسفبار فقراء شهرستان نجف آباد که در ماه رمضان به آنها مساعدتهائی می شد جداً مرا نگران و ناراحت کرده. من از این منطقه دور که بناحق به آنجا تبعید شده ام، از همه آقایان استدعا دارم که سلام مرا به متمکین شهرستان نجف آباد ابلاغ و به آنها سفارش کنید که مخصوصاً در این ماه عزیز از کمک و مساعدت به همسایگان و فقراء و ضعفاء دریغ نداشته باشند، ضمناً از همه آقایان ملتمس دعا هستم.

والسلام علیکم و علی جمیع اخواننا المؤمنین و رحمة الله و برکاته
۱۲ رمضان ۱۳۸۷ - حسینعلی منتظری

آیت الله منتظری پس از سه ماه، سختیهای زندگی در مسجد سلیمان را پشت سر گذاشت و به قم آمد، که با وجود ممانعت ساواک از دیدار وی، عده زیادی از طلاب و علمای حوزه قم، به اضافه آیات عظام با او دیدار کردند.

زندان مجدد

فعالیت‌های مبارزاتی و برنامه‌های اسلامی آیت الله منتظری دوباره او را به چنگ سفاکان رژیم انداخت. هنوز از رفع تبعید وی چند ماهی نگذشته بود که مجدداً به جرم اخلاص‌گری به زندان قزل قلعه زیر شکنجه‌ها و اهانتهای رفت. این بار، وی پس از تحمل شدیدترین نامردمیها، در يك دادگاه فرمایشی به سه سال زندان و سپس به يك سال و نیم محکوم گردید که پس از گذراندن نزدیک به دو سال زندان رهایی یافت. در سند محکومیت وی چنین آمده است:

سری

«حسینعلی فرزند علی شهرت منتظری از مدرسین ناراحت و اخلاص‌گر مقیم قم و از طرفداران جدی خمینی است. نامبرده طی چند سال اخیر به اتهام تهیه و توزیع اعلامیه‌های مضره، تحریک طلاب به اخلاص نظم، تشکیل جلسات سری به منظور اخذ تصمیمات شدیدتی علیه اقدامات اصلاحی دولت و اقدام برضد امنیت کشور دو بار دستگیر و یکبار به مدت سه ماه اقامت اجباری در مسجد سلیمان محکوم شده است.

ضمناً در تاریخ ۴۷/۵/۲۲ به موجب رأی صادره از طرف اداره دادرسی نیروهای مسلح شاهنشاهی به يك سال و نیم حبس تأدیبی محکوم که بعلت عدم تصویب فرجام‌خواهی حکم صادره قطعیت یافته است.

توضیح اینکه: نامبرده فوق از جمله افراد ناراحت و آشوبگر می باشد که سوابق موجود مؤید این امر است و با آنکه در مورد خودداری از ادامه رویه نامعقول وی کراراً تذکرات لازم داده شده و در

این زمینه تمهیدات مکرر گرفته شده معیناً ارفاقهایی که جهت شخص مزبور معمول گشته موجب گردیده که نسبت به افکار قبلی خود راسختر گشته و بعوض آنکه از کردار گذشته نادم و پشیمان شود و دست از اعمال ناصواب خود بردارد از هر فرصت استفاده نموده و جسورانه‌تر به فعالیت‌های خلاف قانون ادامه داده سماجت شخص مورد بحث در این زمینه معرف افکار انحرافی و عملیات ضد مصالح مملکتی وی می‌باشد.»

تبعید به زادگاه

آیت‌الله منتظری پس از گذراندن این دوره محکومیت در اردیبهشت ماه سال ۴۹ از زندان آزاد گردید و به قم وارد شد. اما رژیم منفور از اقامت آیت‌الله منتظری در قم و در میان طلاب حوزه علمیه هراسناک و نگران بود، لذا ساواک قم به او اعلام کرد به نجف‌آباد برود، ولی آیت‌الله از این کار سر باز زد و جواب داد من از قم بیرون نمی‌روم، چنانچه نمی‌توانید مرا در قم تحمل کنید، خودتان در تبعید اقدام کنید. از طرفی من که در قم کاری انجام نمی‌دهم، اگر کاری هم انجام دهم از کسی واهمه ندارم.

بالاخره ساواک به بهانه اینکه وجودش در قم مایه دلگرمی طلاب جوان می‌باشد، هر چند کاری هم انجام ندهد، وی را به اقامت در نجف‌آباد مجبور نمود. هنگامی که آیت‌الله منتظری از زندان آزاد گشت و او را از ماندن در قم ممنوع کردند و به نجف‌آباد آمد، با استقبال عظیم و دشمن آزار و شور آفرین مردم نجف‌آباد روبرو گردید، آنگونه که پنداری این مردم آزاده هستیشان را باز یافته‌اند. چه، این فرزند شجاع اسلام را ملت مسلمان، بویژه مردم نجف‌آباد، چونان چشم خویش دوست دارند و وی را با آغوش باز و رویی گشاده می‌پذیرند.

مردم زادگاه او در استقبالش گوسفند قربانی نمودند و با شادی تمام به رهبر مذهبی‌شان خوش آمد گفتند. مردم، گروه‌گروه در محل سکونت وی به دیدارش می‌شتافتند، و هر روز مجلس دیدار وی با شکوه و رونق خاصی برپا می‌گشت. به همین گونه مردم شهرهای اطراف برای ملاقات با آیت‌الله منتظری و عرض تبریک‌رهایی‌اش به نجف‌آباد می‌آمدند. علمای شهرهای مختلف نیز می‌آمدند.

بخاطر دارم که روزی از همان روزها مرحوم آیت‌الله حاج سید علی بهبهانی که از اهواز به اصفهان آمده بودند، به همراه علمای اصفهان وعده زیادی از مردم، به دیدار شجاع‌رها گشته از چنگ ظلم آمدند که مورد استقبال عامه مردم قرار گرفتند. شکوه و جلال آن موقع نجف‌آباد که در شادی پذیرفتن فرزند خویش آیت‌الله منتظری غرق بود، برای مردم آن دیار، به یاد ماندنی است. برای آیت‌الله منتظری که وجودی سرشار از مبارزه و شجاعت و شعور اسلامی است، دور بودن از مرکز مبارزات اسلامی و از میان یاران با وفای خویش، مدرسین و طلاب حوزه علمیه قم، و ماندن در نجف‌آباد به صورت ساکت و راکد، سخت ناپسندیده و ناخوشایند بود و اصولاً وجود او با تسلیم شدن به فریبها و نیرنگها و تهدیدهای دشمن قرآن و اسلام و خلق، آشتی‌ناپذیر



آیتالله منتظری در حال سخنرانی برای عده‌ای از معلمین قرآن - مسجد صفای نجف‌آباد - سال ۱۳۵۱ ش.

Handwritten text in Persian script, likely a transcription of the speech or a related document. The text is dense and covers most of the lower half of the page.

است؛ و دشمن برای اینکه وی را از گردونه مبارزات و ثقل مجاهدات روحانیت مبارز خارج نماید، و به امید اینکه این اسلام‌شناس بزرگ و فیلسوف صاحب نفوذ را منزوی سازد، به زندگی در نجف‌آباد وادارش ساخت و چه غبن بزرگی برای رژیم در این اجبار و تهدید نهفته بود. تبعید به نجف‌آباد! شاید رژیم از دور نگهداشتن آیت‌الله منتظری از حوزه علمیه قم، احساس آامش می‌نمود، اما نمی‌دانست وجود او در شهری که از کوچک و بزرگ، زن و مرد، روستایی و شهری، همه و همه او را به عظمت می‌شناسند و به پاکی می‌ستایند و همه سالمدان چون فرزند رشید خود به او می‌بالند و همه جوانان او را به گونه پدر و سرور ارج می‌نهند و شهر، یکپارچه او را رهبر خود می‌دانند، می‌تواند برای پیشبرد انقلاب اسلامی ایران، ثمربخش باشد. همین شور و شوق و علاقه، ساواک مرکز را می‌دارد که به ساواک اصفهان بنویسد که به کمک شهربانی از او مراقبت نماید. آنچه از اسناد موجود بر می‌آید، ساواک اصفهان از مرکز خواسته که منتظری را از نجف‌آباد به قم منتقل نماید، اما ساواک مرکز جواب می‌دهد:

«با توجه به سوابق یاد شده (منظور شیخ حسینعلی منتظری فرزند علی) و طرز تفکر فعلی و تحریکاتی که می‌نماید، اقامت یاد شده در قم با موقعیتی که این شهرستان دارد به مصلحت نیست. خواهشمند است دستور فرمائید از طریق منابع و امکانات موجود و با کمک شهربانی منطقه نسبت به مراقبت دقیق از اعمال و رفتار او اقدام و نتیجه را به این اداره کل اعلام نمائید.»

مدیر کل اداره سوم - مقدم

هر چند که آیت‌الله منتظری به اجبار و تحت نظارت مستقیم و مراقبت شدید مأموران ساواک و شهربانی در نجف‌آباد زندگی می‌کرد، اما به دلیل علاقه شدید مردم و اعتماد و اطمینانی که از صداقت، پاکی و عظمت روح و شراره‌های دشمن سوز مبارزات وی و آشنایی با معلومات فراوان اسلامی و اندیشه پر بار و خبرویت دینی او داشتند هیچگاه از او فاصله نمی‌گرفتند، و همین امر باعث می‌شد که رژیم او را محرک بدانند و ساواک اصفهان هم مرتب از مقامات بالا بخواهد که آیت‌الله منتظری را از نجف‌آباد به شهر دیگری بفرستند.

آری، او بعنوان يك حاکم شرع، امام جماعت محبوب و ملجأ تظلمها، مورد احترام طبقات مختلف شهر و روستاهای اطراف قرار داشت. بارها و بارها منزل او را محکمه‌ای دیدم برای رسیدگی به دعاوی مردم و التیام دردهای محلی شهروندان و روستاییان آن منطقه.

از اقامت آیت‌الله منتظری در همان موقع در قم جلوگیری نمودند و به نجف‌آباد، به اصطلاح تبعیدش نمودند، ولی چنانکه گفته شد، دست از افشاگری و فعالیت در جهت انقلاب اسلامی ایران بر نمی‌داشت. حتی در سفری که برای زیارت خانه خدا به مکه مشرف شد، وظیفه خویش را انجام می‌داد.

بد نیست بدانید که موقع تبعیدش در نجف‌آباد عازم سفر حج شد و ساواک مزدور و مزور از مسافرت وی به عربستان به سختی دچار ناراحتی شد و مجبور شد او را تا پایان سفر حج تحت

بدرست ساواک استان مازان
از اداره کل مستم ۳۱۲
۱۰ رده



شماره
تاریخ
پیوست

د. باده شیخ حسن تقی فرزند علی

تولد ۱۰۰۳۳۹ - ۱۰۰۷۰۲۷

باوجه سابق مدرسه و طرز تفکر لغوی و ترکیبی که در آنجا آموخت با درس در قم با لغوی
که در این شهرستان دارد صحبت است. خواهشمند است دستور فرمائید از طریق منابع
و اصناف موجود در این شهرستان به ترتیب به ترتیب این موضوع را در حال در نظر

ادامدم و کتبه را بلی اداره کل اعلام فرمائید

۱۳۰۴۰۹
۱۳۰۷۰۲۷
مهری اداره کل - مستم
درج
۱۳۰۷۰۲۷
۱۳۰۴۰۹
۱۳۰۷۰۲۷

مراقبت شدید قرار دهد.

هنوز مسافرت آغاز نشده بود که ساواک با دستورالعملهای خیلی محرمانه، وظائف مأموران مزدور خود را مشخص می‌کند:

از: مرکز - به: خرما

درباره: مسافرت روحانیون به خرما

قرار است عده‌ای از روحانیون افراتی و متعصبین مذهبی از جمله شیخ حسینعلی منتظری فرزند علی ضمن شرکت در مراسم حج ارتباطاتی با سایر روحانیونی که از زمینهای دیگر از جمله شمعدان در این مراسم شرکت می‌کنند برقرار نماید. خواهشمند است دستور فرمائید از هم اکنون پیش‌بینی و حتی الامکان تلاش لازم نسبت به مراقبت از اعمال و رفتار و تماسهای آنان معمول و نتیجه را اعلام نمایند.

فرشین ۴۹/۸/۲۶

طبیعی است پس از دریافت این دستورالعمل محکم، مأموران جیره‌خوار به انجام دادن وظیفه می‌پردازند. از آنجا که آیت‌الله منتظری برنامه‌های خود را در خارج از کشور نیز ادامه می‌دهد و مسائل لازم انقلاب اسلامی را پیگیری می‌نماید، گزارشگرهای دست‌نشانده گزارشهای خود را به تهران ارسال داشته، می‌خواهند حق نوکری خود را بیشتر ادا کنند.

۱- گزارش خبر - شماره ۲۵۴۴۰ تاریخ ۴۹/۱۲/۷

موضوع: حاج شیخ حسینعلی منتظری

هنگام برگزاری مناسک حج در شهرهای مکه و مدینه چند نفر از زائرین عراقی مرتباً با حاج شیخ حسینعلی منتظری تماسهایی برقرار کرده و گذشته از آن دو نفر جوان دیگر بکرات با وی تماس و مذاکرات خصوصی انجام می‌دادند.

ضمناً در مدینه چهار نفر شیخ مکلا نیز با وی تماس و هنگامی که این چهار نفر در نظر داشتند با منتظری ملاقات نمایند مشارالیه سعی می‌کرد اطراف و جوانب خود را کاملاً خلوت کرده و سپس تماس را برقرار نماید.

نظریه شنبه: تماس چهار نفر اخیر خیلی محرمانه انجام می‌گرفت و بنظر می‌رسید که این اشخاص مکاتباتی را با هم رد و بدل می‌کردند.

نظریه یکشنبه: نامبرده از سفر حج مراجعت و در حال حاضر تا این تاریخ در قم بسر می‌برد.

دانشگر

۲- گزارش خبر - شماره ۲۰/۱۴۲۲۶ ه ۳ تاریخ ۴۹/۱۲/۲۴

موضوع: پخش اعلامیه خمینی در مراسم حج سال جاری

در تاریخ ۴۹/۱۱/۲۰ در مکه حدود ساعت ۳۰۰. تعدادی اعلامیه خمینی را نزدیک چادرهای

از : مرکز خلیجی محرمانه شماره

به : خرما تاریخ

در باره : صافرت روحانیون بحرما پیوست

قرار است عدمای از روحانیون افراطی و متعصبین مذهبی از جمله شیخ حسینعلی منتظری
 فرزند طلی ضمن شرکت در مراسم حج ارتباطاتی با سایر روحانیونی که از زمینهای دیگر از
 جمله شمدان در این مراسم شرکت میکنند بر قرار نمایند خواهشمند است دستور فرمائید
 از هم اکنون پیش بینی و حتی الامکان تلاش لازم نسبت به مراقبت از اعمال و رفتار و تماسهای
 آنان معمول و نتیجه را اعلام نمایند . فرشین

زین
 ۲۵ / ۱ / ۶۹

میرزا
 ۲۴ / ۱ / ۶۹

کلی
 ۲۵ / ۱ / ۶۹

۳۱۴ / ۳۸۷۵

۲۹ / ۱ / ۶۹

میرزا
 ۲۵ / ۱ / ۶۹

۳۶-۱۸۶/ن

گزارش خبر

- ۷ - منبع برگزاری و عملیات حج - خبر مراسم حج
- ۸ - منشا مشهورات
- ۹ - تاریخ وقوع ایام برگزاری حج
- ۱۰ - تاریخ رسیدن خبر به منبع
- ۱۱ - تاریخ رسیدن خبر برهین عملیات محل ۱۳/۸
- ۱۲ - ملاحظات حفاظتی

- صفحه یکم از یک صفحه
- نسخه شماره ۳۱۶ از چهار نسخه
- ۱ - ۳۱۶
- ۲ - ۱۱۰
- ۳ - شماره گزارش ۳۰۴۰۰
- ۴ - تاریخ گزارش ۴۹/۱۲/۷
- ۵ - پیوست
- ۶ - گیرندگان خبر

عطف
بیرد

موضوع: حاج شیخ حسینعلی منتظری

هنگام برگزاری مناسک حج در شهرهای مکه ومد پنبه چند نفر از زائرین عراقی مرتباً با حاج شیخ حسینعلی منتظری تماسهایی برقرار کرده وگدشته از آن دنفسر جوان دیگر بکرات باوی تماس و مذاکرات خصوصی انجام میدادند .

ضمناً در مد پنبه چهارنفر شیخ مگلا نیز باوی تماس وهنگامیکه این چهارنفر در نظر داشتند با منتظری ملاقات نمایند مشارالیه سعی میکرد اطراف وجوانب خود را کاملاً خلوت کرده وسپس تماس را برقرار نماید .

۲۹۶
تأیید شده

نظریه شنیه : تماس چهارنفر اخیر خیلی محرمانه انجام میگرفت وکلکک وبنظر میرسد که این اشخاص مکانهایی را باهم رد و بدل میکردند .

نظریه یکشنبه : نامبرده ازسفر حج مراجعت ودر حال حاضر تااین تاریخ در قم بسر میبرد

۵۹۱۶۲۰۱۲
۳۱۶
دست برین وگد م اعظم زور است بز در این سره
طبقه بندی حفاظتی
۱۳/۸

۶۶-۱۳۰

گزارش خبر

- ۱- صفحه یکم از صفحه
- ۲- شماره از نسخه
- ۳- ۲۱۶
- ۴- ۲۵۲۰
- ۵- تاریخ گزارش ۹۹/۱۱/۲۰
- ۶- پیوست و درج
- ۷- گیرندگان خبر
- ۸- منبع ۷۲۰۴
- ۹- منشأ مکه
- ۱۰- تاریخ رسیدن خبر به منبع ۹۹/۱۱/۲۰
- ۱۱- تاریخ رسیدن خبر بر مبر عملیات محل
- ۱۲- ملاحظات حفاظتی ۹۹/۱۲/۲۳

روش در بخش اعلامیه مخمینی در بر ایسیحج سال جاری

عطف
بورد

در تاریخ ۹۹/۱۱/۲۰ در مکه حدود ۳۰۰ تعدادی اعلامیه مخمینی را نزد یک چادرهای حجاج ریخته بودند و در روز یکشنبه ۲۰ شهریور ۱۳۸۰ سال داشت اعلامیه من بورد که بزبان عربی بود پخش میکرد و مکه از طی اصغر مروارید در باره اعلامیه مستفاد شد وی جواب داد طلبهای از نجف بنام ناصری آمد ما اینجا که او گرفته اند امکان دارد اعلامیه ها را از این شخص آورد باشد ولی من ندارم در مدینه با شیخ حسینعلی منتظری در این مورد صحبت شد منتظری اظهار نمود بمحل ما بیاید کسی هست که اعلامیه بشما بد هد .

توضیح : دو برگ اعلامیه مخمینی بزبان فارسی و عربی به پیوست ایفاد میگردد .
 نظر به مشتمله : شیخ حسینعلی منتظری یا خود تن عامل پخش اعلامیه مذکور بود به ارتوزیع کنندگان آن اطلاعات را دارد .

نظر به کتبه : اقدام مستقیم در مورد مفاد گزارش خبر فوق باعث شناسایی منبع خواهد شد .

نظر به چهارشنبه : نظر بر اینست که ...

۴۷۱

در ساعت ...
 به پیش ...

در پیوسته ...
 ۵۰۱۱۲

۲۱۶
 با انگشت شست

۷۷۱۹۱

طبقه بندی حفاظتی

۴۶-۱۳۰

حجاج ریخته بودند و در روز مذکور پسر بچه غربی که حدود ۱۲ سال داشت اعلامیه مزبور را که به زبان عربی بود پخش می‌کرد. در مکه از علی‌اصغر مروارید دربارهٔ اعلامیه سؤال شد وی جواب داد طلبه‌ای از نجف بنام ناصری آمده اینجا که او را گرفتند امکان دارد اعلامیه‌ها را این شخص آورده باشد ولی من ندارم.

در مدینه با شیخ حسینعلی منتظری در این مورد صحبت شد منتظری اظهار نمود بمحل ما بیاید کسی هست که اعلامیه بشما بدهد.

توضیح: دو برگ اعلامیهٔ خمینی بزبان فارسی و عربی بییوست ایفاد می‌گردد. نظریهٔ شنبه: شیخ حسینعلی منتظری یا خودش عامل پخش اعلامیهٔ مذکور بوده یا از توزیع‌کنندگان آن اطلاعاتی دارد.

نظریهٔ یکشنبه: اقدام مستقیم در مورد مفاد گزارش خبر فوق باعث شناسائی منبع خواهد شد. نظریهٔ چهارشنبه: نظریهٔ یکشنبه مورد تأیید است.

آیت‌الله منتظری پس از زیارت مکه معظمه و انجام دادن مراسم حج به قم و سپس به نجف‌آباد وارد شد و مورد استقبال عموم مردم قرار گرفت. بدیهی است این سفر هم از جنبهٔ عبادی و انجام دادن مراسم حج و هم از نظر سیاسی و تبادل اطلاعات انقلابی مورد توجه خلیها قرار می‌گیرد.

طرح برپایی نماز جمعه

آیت‌الله منتظری در متن برنامه‌های اصلاحی مردمی که به او صادقانه علاقمند هستند، خود و دیگران را برای امری بزرگ و ارزشمند آماده می‌نمود: امر سازنده و کوبندهٔ برپایی نماز جمعهٔ اصیل اسلامی.

در همان موقع که آمریکای جنایتکار، بوسیلهٔ ایادی سفاک و خون‌آشام خویش در ایران بنای برقراری يك نمایش مضحك و مردم فریب و فقرآفرین و اسلام برانداز^۱ به نام جشنهای ۲۵۰۰ سالهٔ شاهنشاهی را پایه‌ریزی می‌کرد، و در تدارک چپاول و غارت اموال و درآمدهای ملت بی‌بضاعت و ستمدیدهٔ ایران بود، طرح افشاگرانهٔ اقامهٔ نماز جمعه در نجف‌آباد جهت آگاه کردن مردم و ارائهٔ دستورالعملهای انقلابی - اسلامی به مردم در مقابل خیانت خائنان و برای عکس‌العمل ملت مسلمان در برابر برنامه‌های شیطانی و خیمه‌شب‌بازی منحوس امپریالیسم

۱- میشل سلومون در هالرتس روزنامهٔ اسرائیلی می‌نویسد:

کارشناسان اسرائیلی بودند که برای نخستین بار فکر برگزاری جشن را به مناسبت گذشت ۲۵۰۰ سال از تأسیس شاهنشاهی کورش مطرح کردند. هدف این جشنها بویژه اسلام‌زدایی ایران بود.

آمریکا، توسط فقیه مجاهد و مسلمان مبارز آیت‌الله منتظری اعلام گردید. این دستور صریح قرآن است که وقتی شما را به اقامه نماز جمعه فرا خوانند، کارهایتان را رها سازید و به منادی پاسخ مثبت دهید. بلحاظ ارزش و اهمیتی که نماز جمعه داراست، بد نیست پیرامون این عبادت عظیم مختصری سخن گفته شود. در این باره نوشته‌ای را که در یکی از مطبوعات چاپ شده و بنظر می‌رسد مفید باشد نقل می‌کنیم.

«از امتیازات اسلام، برنامه‌هایی است که در ایام سال به مناسبت‌هایی انجام می‌گیرد و ضمن آن توده‌های وسیع مسلمین گرد هم جمع شده و عبادت‌های دسته جمعی انجام می‌دهند از قبیل حج، نماز جمعه، نماز عید فطر و قربان، عاشورا، اربعین، میلاد و مبعث پیامبر، غدیر خم و... از آنجا که این مراسم از روی ایمان و بر اساس انگیزه دینی انجام می‌گیرد بی‌کمترین هزینه‌ای شکوهمندترین اجتماعات اسلامی و بشری تشکیل می‌شود و همه مردم از همه طبقات و قشرها، در مراسم مذهبی خاص شرکت می‌کنند و با حالتی متواضعانه و عاشقانه گرد هم جمع می‌شوند. برگزاری نماز جمعه در اسلام یکی از این برنامه‌های سودمند و مؤثر و حساس و سرنوشت‌ساز است. با توجه به اینکه در هر مکانی که نماز جمعه برگزار می‌شود، تا شعاع دو فرسخی از همه جوانب بر مردم لازم است که در آن شرکت کنند، مگر آنکه عنر داشته باشند و در هر جا که نماز جمعه هست تا شعاع يك فرسخ حرام است که نماز جمعه دیگری برپا شود و اگر انجام گیرد باطل است، روشن است که چنین نماز جمعه‌ای با این شعاع وسیع که مردم اطراف باید جمع شوند در یکجا چه شکوه و عظمتی خواهد داشت.

صوفوف متحد و یکپارچه نمازگزاران و انبوه بیشمار آنان، مایه تقویت دلها، و انسجام امت و وحدت نیروها و بسیج مردم در جهت واحد می‌گردد و ابهت آن، دشمن‌شکن است. بی‌جهت نیست که مردم در بر پایی نماز جمعه شعار می‌دهند: «روز نماز جمعه، روز عزای دشمن.» مسلمانان در این حضور و غیاب هفتگی شرکت می‌کنند و از حال یکدیگر با خبر می‌شوند و به مسائلی که در جامعه خودشان و در ممالک اسلامی می‌گذرد آگاه شده تصمیمات لازم را می‌گیرند. نماز جمعه يك برنامه هفتگی خودسازی و تربیت و تهذیب نفس و تزکیه اخلاق است. يك اجتماع پرشکوهی است که مسلمانان با یکدیگر و با رهبر و با «راه» و مکتب و خدا تجدید عهد می‌کنند و «چه باید کرد»ها را می‌آموزند و در این «حضور خدائی» تا يك هفته تقویت و شارژ شده و برای برنامه‌های خود الهام می‌گیرند.

خطیب زبان‌گویای مردم است، نیازها و خواسته‌ها را مطرح می‌کند و نماز جمعه اگر آنگونه باشد که باید، يك نظارت عمومی و يك امر بمعروف و نهی از منکر عمومی در سطح جامعه است. مسجد جامع بخاطر اینکه پایگاه نماز جمعه است بسیار با ارزش می‌باشد. اولاً در حدود وسط هر شهر و منطقه بنا شده تا مرکزیتی داشته باشد و تمام اهالی دسترسی و امکان حضور در آنجا را داشته باشند. دیگر اینکه در کنار مسجد جامع‌ها معمولاً محل تطهیر و وضوخانه و... وجود داشته

بنحوی که جوابگوی انبوه شرکت کنندگان باشد. از نظر وسعت و ساختمان و شبستانها و صحنها هم، اولاً وسیع و بزرگ ساخته شده و ثانیاً بگونه‌ای که همه جاییش به هم متصل است به نحوی که امکان اقامه يك نماز جماعت مفصل در آن بی‌اشکال باشد و همه شرکت کنندگان در حال نماز به هم اتصال داشته باشند و خطیب هم به همه مسلط و مشرف باشد.

خود طرز ساختمان و محل مسجد و کیفیتها و تجهیزات عظیم مساجد جامع نشان می‌دهد که برای جمعیت زیادی ساخته شده و الّا برای اهالی يك محل، مسجدی به این عظمت بنا نمی‌کنند. تعداد زیادی از این مساجد عظیم شهرستانها، یادگار دوره قبل از صفویه است که حکومت‌های سنی مذهب تسلط داشته‌اند و اهل سنت نماز جمعه را به هر شکلی واجب می‌دانند. بنابراین در قرنهای گذشته هم نماز جمعه در کشور ما بوده است. و در کشورهای دیگر اسلامی، جای خود دارد که بوده و هم اکنون هم هست.

با نفوذ و تسلط صفویه در ایران و تشکیل حکومت شیعه مذهب در این کشور، کم‌کم «فقه شیعه» و فقه‌های شیعه قوت گرفتند. در فقه شیعه، بعضی از فقهاء نماز جمعه را واجب تخییری می‌دانستند، یعنی مخیریم که در جمعه‌ها نماز ظهر بخوانیم یا نماز جمعه، و برخی دیگر اقامه نماز جمعه را از منصب‌های مختص به امام معصوم یا نایب خاص او با تعیین امام جمعه از سوی امام می‌دانستند.

این بود که در دوره صفویه، نماز جمعه از آن صورت رایج و الزامی افتاد و رفته رفته متروک شد. البته شاید علتش این بود که در دوره حکومت‌های غصب و جور، حاکمان بر تمام منصبها سلطه داشتند و مقام فتوی و امامت جمعه و وعظ و خطابه و منبرها و محرابها و حج و... بالاخره تمام سنگرها در دست خلفا بود و به نفع حکومتها از اینها استفاده می‌شد و محتوای نماز جمعه، در جهت خواسته‌های حکومتها و منافع آنان، کانالیزه می‌شد، چه بسا خطیب، ملزم بود که دعاگوی سلطان باشد. این بود که شیعه چندان رغبتی به اقامه نماز جمعه در دوره غیبت و عصر حاکمیت غیر اسلام و نبودن حکومت اسلامی نشان نمی‌داد، و این نوعی مبارزه و عدم همکاری با قدرتهای غاصب حاکم بود.

نه تنها در حکومت‌های سنی، بلکه در حکومت‌های شیعه مذهب پس از صفویه هم که حکومتشان غیر اسلامی بود، معمولاً امام جمعه‌ها، بخصوص در پایتختها، ابزار دست حکومت و توجیه‌گر قدرت حاکم بودند و در جهت منافع آنان صحبت می‌کردند و بهمین جهت، در دوره‌های قبل امام جمعه‌ها، چون منصوب و تأیید شده از سوی رژیمها بودند در پیش مردم وجهه و آبرویی نداشتند.

لازم بیادآوری است که در دوره طاغوت، در همین ایران خودمان شاهد نماز جمعه‌هایی بودیم که یا بخاطر نداشتن آن روح سازنده و بعد آگاهی‌بخش و حرکت آفرینی، مورد تعرض رژیم قرار نمی‌گرفت، و یا بخاطر مؤثر بودنش، منجر به تعطیلی و دستگیری خطیب و امام می‌شد. نمونه این دومی «آیت‌الله منتظری» است که نماز جمعه‌هایش در نجف‌آباد خاطرهای زیبا و شکوهمند داشت. نماز جمعه‌هایی هم در اصفهان، قم و دیگر جاها بود که سرنوشت‌های مشابهی داشتند.

در طول تاریخ، شیعه چون مورد ستم و انزوای سیاسی و محکومیت و طرد قرار گرفته بودند نتوانستند نماز پرشکوه جمعه را در راه اهداف عالی خود، احیاء کنند و فرهنگ انقلابی خویش را از این طریق در سطح جوامع بگسترند. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در ۲۲ بهمن ۵۷، که حکومت اسلامی تشکیل شد و قدرت به دست پیروان محمد و بندگان «الله» و مستضعفین افتاد، نماز جمعه ابتدا در تهران به امامت عالم فقید، مرحوم آیت‌الله طالقانی و از آن پس به امامت آیت‌الله منتظری و سپس حجة الاسلام خامنه‌ای تشکیل شد. به تدریج این مسئله مهم و این عبادت اجتماعی - سیاسی در شهرهای بزرگ ایران از قبیل تبریز، اصفهان، شیراز، قم، اهواز و بسیاری از شهرستانها و بخشهای کشورمان جامه عمل پوشید و اکنون یکی از مهمترین و مؤثرترین پایگاههای مذهبی و تبلیغ دین و وحدت مردم و تزکیه و تهذیب امت بشمار می‌رود و در بسیج ملت به سوی هدفهای اسلامی و خنثی کردن توطئه‌های دشمنان داخلی و خارجی نقش حساسی را ایفا می‌کند.

نماز وحدت بخش جمعه همیشه در میهن خونین و اسلامی‌مان برقرار و استوار باد.
و اما نکات قابل توجه در نماز جمعه:

- ۱- حداقل جماعتی که می‌توان با آن نماز جمعه را برپا داشت پنج نفر است.
- ۲- نماز جمعه حتماً باید با جماعت برگزار شود. نماز جمعه کمتر از پنج نفر یا بصورت فردی صحیح نیست.
- ۳- نماز جمعه باید دو خطبه داشته باشد و بی خطبه صحیح نیست.
- ۴- هر خطبه باید مشتمل باشد بر: حمد و ثنای خداوند، درود بر پیامبر و آلش، سفارش به تقوی و يك سوره از قرآن.
- ۵- دو خطبه بجای دو رکعت حساب می‌شود و به همین جهت نماز جمعه دو رکعت است و هنگام خطبه باید سکوت کرد و به آن گوش داد.
- ۶- خطیب باید هنگام خطبه ایستاده باشد و به نیزه یا عصا یا شمشیر و اسلحه تکیه کند.
- ۷- هنگام خطبه، خطیب باید با صدای رسا و بلند، پیام خود را به حاضرین برساند و اگر جمعیت زیادند با بلندگو صدا باید به همه برسد.
- ۸- سزاوار است که خطیب و امام جمعه، در ضمن خطبه‌ها از مصالح دینی و دنیوی مسلمین سخن گفته و آنان را از مسائل و اخبار کشورهای اسلامی و نیازمندیهای مسلمین در داخل و خارج و در امور مربوط به معاش و معاد آگاه نماید. همچنین لازم است که در خطبه‌ها از امور سیاسی و اقتصادی که در موجودیت و استقلال آنان مؤثر و دخیل است صحبت کرده نحوه برخورد با ملت‌های دیگر و رابطه با آنان را بیان کند و مسلمین را از دخالت استعماری و استثمارگری کشورهای استعمارگر و ظالم در امور سیاسی و اقتصادی مسلمانان برحذر بدارد.
- ۹- خطیب باید سخنور و توانا و بلیغ باشد و طبق مقتضیات زمان و شرایط جامعه با زبانی روان و گویا مسلمانان را از آنچه که در منطقه خود می‌گذرد آگاه سازد.

۱۰- خطیب باید شجاع و قاطع و صریح باشد، در اظهار حق و کوبیدن باطل. و آنچه را که به تأثیرگذاری کلامش اضافه می‌کند رعایت کند.

۱۱- سخنانش با رفتار و عملش مطابق باشد.

۱۲- در هر جا نماز جمعه اقامه شود تا دو فرسخ از همه جوانب بر مردم واجب است که در آن شرکت کنند مگر آنکه عنری داشته باشند.

۱۳- در هر نقطه که نماز جمعه اقامه شد تا شعاع يك فرسخ، اقامه نماز جمعه دیگری در کنار آن حرام است.

۱۴- در اهمیت نماز جمعه و خطبه‌هایش همین بس که وقتی صدای مؤذن به «الله اکبر» بلند شد هر کس در هر کجا که هست و هر کاری را که در دستش هست باید بگذارد و به سوی نماز بشتابد و آن دو خطابه را بشنود.

۱۵- در صورت امکان لازم است که پلیسها و مأمورین زندان، زندانی‌ها را با خود آورده و در نماز عمومی هفتگی شرکت دهند. البته با محافظت از عدم فرارشان^۱.

در اهمیت نماز جمعه از معصومین و بزرگان سخن زیاد نقل شده که برای عظمت کاری که حضرت آیت‌الله منتظری انجام داده است و همچنین برای تکمیل این نوشته به طور اختصار مقداری از آن را نقل می‌کنم:

پیغمبر اسلام فرموده: هر کس با وجود امام عادل از روی استخفاف و انکار در حال حیات و یا بعد از وفات نماز جمعه را ترك کند خداوند پراکندگیهای او را مجتمع نفرماید و در کار او برکت ندهد. ای مردم بدانید و آگاه باشید که نمازی برای او نیست و زکوة و حجی برای او نخواهد بود و هیچ‌گونه اعمال نیک او مقبول نیست تا آنکه از ترك نماز جمعه توبه نماید.

يك عرب بیابانی خدمت پیامبر اکرم (ص) آمد و گفت: ای پیغمبر من چندین مرتبه خودم را برای مکه رفتن آماده کردم ولی مقدر نشد بروم، حضرت فرمود: بشتابید به نماز جمعه، برای اینکه نماز جمعه حج فقراست.

ابا عبدالله علیه‌السلام فرمود: خدا روز جمعه را بر سایر روزها فضیلت داده، بهشتها برای کسی که روز جمعه در نماز جمعه حاضر شود، زینت می‌شود، شما بطرف بهشتی که خدا برای شما آماده کرده است، سبقت خواهید گرفت به اندازه‌ای که برای نماز جمعه سبقت می‌گیرید. در روز جمعه درهای آسمانها باز است.

از حضرت رضا علیه‌السلام نقل می‌کنند که فرموده‌اند: علت اینکه خطبه در روز جمعه قرار داده شده این است که روز جمعه از نظر اسلام روز اجتماع عمومی است و همه باید در اجتماع روز جمعه جمع شوند.

خداوند با تشریح این دستور خواسته است که این وسیله‌ای باشد برای رئیس و پیشوای جمعیت که آنها را موعظه کند، به طاعت ترغیب کند و از معصیت و گناه آنها را بترساند. دیگر اینکه مردم را آگاه کند به مصلحت‌های دینی و مصلحت‌های دنیایی‌شان، مصالح واقعی مردم را به آنها بگوید. دیگر اینکه آنچه در آفاق دوردست از قضایای خوب و بد به حال مسلمین واقع می‌شود به آنها بگوید و بااطلاع آنها برساند و آنها را در جریان بگذارد.^۱ امام خمینی نیز در این باره فرموده است: نماز جمعه باید هرچه با شکوهرت و پرمحتوی‌تر اقامه شود. ملت ما گمان نکند که نماز جمعه يك نماز عادی است.

آیت‌الله منتظری هم درباره اهمیت نماز جمعه فراوان سخن گفته است که در اینجا به يك نمونه آن اکتفا می‌کنیم:

«عامل پیروزی شما ملت سه چیز بود: ۱- اتحاد و وحدت کلمه. ۲- ایمان و استعانت به اسلام و خدا. ۳- داشتن رهبر قاطع.

توجه داشته باشید که نماز جمعه سمبل و نمونه این سه عامل است. در نماز جمعه همه اقشار ملت می‌آیند. و همه شعارشان شعار واحد اسلام و خداست. پیروی می‌کنند از امام واحد. او را در جلو صف وا می‌دارند. این نماز جمعه نمونه این سه معناست. به نماز جمعه اهمیت بدهیم، این اجتماع شماس‌ت که چشم دنیا به آن دوخته شده است. شیطان در هیچ چیزی وسوسه نمی‌کند، به آن اندازه که برای جماعت و اجتماعات وسوسه می‌کند، برای اینکه شیطان فلسفه نماز جماعت را بهتر از ما می‌داند، و می‌داند که این نماز جماعت رمز و راز پیروزی ماست. نماز جمعه از دستورات خیلی مهم اسلام است. در دنیای متمدن امروز می‌بینیم که اجتماع، میتینگ، تشکیل تظاهرات وسیله پیشرفت ملت‌هاست. اسلام ۱۴۰۰ سال پیش دستور داده است که مسلمانها در عبادت، نماز به جماعت بخوانند، نماز جمعه اقامه بکنند.

زراره که یکی از اصحاب باوفا و یکی از اصحاب فقیه امام محمدباقر و امام جعفر صادق است می‌گوید: امام صادق بقلری ما را به تشکیل نماز جمعه تشویق کرد که ما خیال کردیم حضرت می‌خواهد قیام کند و خودش اقامه جمعه بکند. عرض کردیم بیاییم خدمتتان که با سلام و صلوات بروید نماز جمعه اقامه کنید. حضرت فرمود: نه، خودتان اقامه جمعه کنید.»

اکنون که به اهمیت و ارزش و نقش نماز جمعه در عظمت اسلام و مسلمین پی بردیم برگردیم به آن روزها که آیت‌الله منتظری در نجف‌آباد، زادگاه خویش، اقامه جمعه می‌فرمود. گفتیم که در موقع برگزاری جشنهای ۲۵۰۰ ساله آیت‌الله منتظری تصمیم گرفت با تشکیل نماز جمعه به شکل اصیل و اسلامی‌اش برنامه افشاگری و هدایت افکار را ادامه دهد. چرا که بدین منظور می‌توان جمعیت بزرگی را گرد آورد.

اجتماع بزرگ شهر، برای ادای فریضهٔ دینی و شنیدن آنچه که در مملکتشان و در دنیا می‌گذرد، در شکل اجتماعی - اسلامی - سیاسی نماز جمعه تجلی می‌کند. و این برگ برندهٔ بجایی بود که آیت‌الله منتظری از درون اسلام بیرون کشید و در مقابل خفقان اجتماعی و استبداد سیاسی خاندان پهلوی و جهان‌خوارگان پلید به زمین کوبید. بهمین جهت ساواک دژخیم، گزارشهای زیادی دربارهٔ نماز جمعه‌های آیت‌الله منتظری تهیه می‌کرد و برای تصمیم‌گیری دربارهٔ سرنوشت وی پرونده‌سازی می‌نمود.

لازم است تعدادی از این گزارشها در اینجا برای ثبت در تاریخ نقل شود:

نخست‌وزیری

سازمان اطلاعات و امنیت کشور تاریخ: ۵۱/۶/۱۴

از: ۳۱۲ - گزارش

دربارهٔ سخنرانی شیخ حسینعلی منتظری محترماً به استحضار می‌رساند.

گزارش واصله از ساواک استان اصفهان حاکیست روز ۵۱/۵/۲۷ نامبردهٔ بالا در مسجد جامع نجف‌آباد پس از ادای نماز جمعه در حضور نمازگزاران خطبه‌ای تحت عنوان حکومت و ولایت ایراد و اظهار داشته: بندگان خدا، زر و زیور دنیا، مقامها و ریاستهای دنیا شما را مغرور نکند. هر کس هر مقامی داشته باشد بالاخره روزی خواهد مرد. مسألهٔ حکومت و ولایت یکی از مسائل مهم اسلام است. مردم موظفند برای اجتماع خودشان فکر حکومت صالح بکنند. بر علماست اجتماع کنند، شور کنند و کسی را که لایق باشد برای اجرای دستورات اسلام تعیین کنند. حکومت جزء برنامهٔ اسلام و از ضروریات است. در بعضی اذهان چنین شبهه‌ای بوجود آمده است تا ما می‌گوئیم حکومت جزء اسلام است شما از بس که سروکارتان با این حاکمهای فعلی دنیا بوده است فوراً از کلمهٔ حکومت در ذهنتان تاج و تخت، اسکورت و کاخ متصور می‌گردد، در صورتیکه حکومت اسلام غیر از اینهاست، بسیار ساده است. مسلمین تا هنگامی که متکی به خود نباشند و دنباله‌رو آمریکا، روس و انگلیس باشند توسری خورند. کشورهای اسلامی معادن و نفت زیاد دارند ولی نمی‌توانند استفاده کنند. نامبردهٔ بالا سپس اضافه نموده است در نامه‌هایی که علی به فرماندهان می‌نوشت اظهار می‌داشت عدالت را رعایت کنید. اگر ظلم کردی، مردم از دست ظلم تو ناراحت شدند، جلای وطن می‌کنند. اگر ظلم و تعدی را از حد گذراندی و خواستی خود فریب باشی ملت را دست به اسلحه می‌کنی. این چیز است که در نظام طبیعت: فشار، فشار می‌آورد. زور گوئی به مردم، مردم را دعوت به شمشیر می‌کند. مردم دست به اسلحه می‌شوند. من دوستانه می‌گویم جلو ضرر را از هر کجا که بگیری منفعت است. باید نصیحتهای آن مرجع بزرگ و آن مرد عالیقدر که از روی خیرخواهی ملت و مملکت چیز می‌گفت و نوشته داشت رعایت شود تا اینکه ملت خوشبین بشوند، ملت عصیان نداشته باشند.

ساواک مزبور اضافه نموده است:

مشارالیه بهنگام ایراد خطاب به بطور ایستاده مطالب خود را عنوان نموده و از منبر استفاده نکرده است و با توجه به اینکه چندین مرتبه به او تذکر داده شده است چنانچه لازم است مشارالیه دستگیر گردد.

لازم بیادآوری است که نامبرده بالا یکی از مدرسین علوم دینی شهرستان قم بوده و از جانبداران سرسخت خمینی است و فعالیت‌هایی در این زمینه داشته است و فرزند او نیز به جهت فعالیت به نفع خمینی فعلاً متواری است و شخص مزبور بعلت فعالیت‌ها و تحریکاتی که در منطقه قم می‌نمود به وی ابلاغ گردید که حق اقامت در این شهرستان را ندارد و در نجف‌آباد اصفهان اقامت گزیده است.

نظریه:

روحانیونی نظیر نامبرده بالا که دست به اینگونه اعمال عوامفریبانه می‌زنند اصولاً تجربه ثابت کرده تا حدود زیادی عکس‌العمل دستگاه را در قبال اظهاراتی که می‌نمایند برآورد و خود را برای مواجه شدن با آن آماده می‌سازند. در شرایط حاضر مصلحت بنظر نمی‌رسد که مشارالیه دستگیر و بازداشت گردد. مستدعی است در صورت تصویب یکی از کارمندان عالی‌رتبه ساواک اصفهان با وی در منزلش ملاقات و ضمن مطرح کردن موضوع علت بازگو کردن اینگونه مطالب عوامفریبانه را از جانب او استفسار و تذکرات شدید در قبال رویه‌ای که در پیش گرفته به وی داده و به یاد شده تفهیم نماید در صورتیکه در رفتارش تجدیدنظر بعمل نیاورد مسئول عواقب ناشی از اعمال فوق خود او خواهد بود. پس از تعیین عکس‌العمل شخص مزبور تصمیمات لازم در مورد وی گرفته خواهد شد.

ضمناً با توجه به اینکه شخص موصوف ممنوع‌المنبر بوده و مراتب قبلاً به شهربانی کل کشور اعلام گردیده است مجدداً برای کنترل بیشتر وی مراتب به شهربانی کل کشور منعکس گردد.

نخست‌وزیری

سازمان اطلاعات و امنیت کشور

تاریخ: ۵۰/۹/۲

از: ۳۱۲ - گزارش

درباره شیخ حسینعلی منتظری مقیم نجف‌آباد محترماً معروض می‌دارد.

ساواک اصفهان اعلام داشته چون قبلاً اطلاع رسیده بود که یاد شده بالا با شرکت دوشیزگان در رژه چهارم و نهم آبان مخالفت کرده و در سخنرانی پس از نماز خود اظهار داشته که دختران خود را از شرکت در مراسم رژه منع کنید، لذا بهمین جهت رئیس امنیت داخلی و رهبر عملیات مربوطه به نجف‌آباد عزیمت و در منزل مشارالیه با وی ملاقات و در این مورد با یاد شده مذاکره نموده‌اند. منتظری در این ملاقات اظهار داشته نجف‌آباد یک شهر مذهبی است و دور از جنجال‌های سایر شهرستانها، چنانچه ترتیبی داده شود که این شهرستان حالت مذهبی خود را حفظ نماید در



سخت‌نویزی
سازمان اطلاعات امنیت کشور
س.ا.ا.ک

شماره

تاریخ

پیوست

۱۳۷۶/۷/۱۱

از ۳۱۲

گزارش

دردارده سخترانی شیخ حسینعلی منتظری

محترماً باستحضار میرساند .

گزارش واصله از ساواک استان اصفهان حاکیست روز ۲۷/۵/۱۳۵۷ نامبرده بالا
در مسجد جامع نجف آباد پس از اقامه نماز جمعه در حضور نمازگزاران خطبه‌ای
تحت عنوان حکومت ولایت ایراد و اظهار داشته بندگان خدا ۱۰ روز پیور دنیا
مقامها و ریاست‌های دنیا شما را مغرور نکند . هرکس هر مقامی داشته باشد
بالاخره روزی خواهد مرد . مسئله حکومت ولایت یکی از مسائل مهم اسلام
است . مردم موظفند برای اجتماع خودشان فکر حکومت صالح بکنند .
برعلامت اجتماع کنند ، شور کنند و کسی را که لایق باشد برای اجرای دستورات
اسلام تعیین کنند . حکومت جزه برنامه اسلام و از ضروریات است . در بعضی
از هان چنین شبهه‌ای بوجود آمده است . تماماً میگوئیم حکومت جزه اسلام
است شما از بس که سروکارتان با این حاکم‌های فعلی دنیا بوده است فوراً
از کلمه حکومت در زدنانتان تاج و تخت و اسکورت و کاخ متصور میگردید
در صورتیکه حکومت اسلام غیر از اینهاست ، بسیار ساده است . مسلمین تا
هنگامیکه متکی بخود نباشند و دنباله‌رو آمریکا ، روس و انگلیس باشند توسری
خورند . کشورهای اسلامی معادن و نفت زیاد دارند ولی نمیتوانند استفاده
کنند . نامبرده بالا سپس اظهار نموده است در نامه‌های تکمیلی بفرماندهان

۴۶-۱۱۶

قسمتی از گزارش مأموران ساواک پیرامون نماز جمعه آیت‌الله منتظری در نجف‌آباد

به ریاست دادگستری و مصلحت
از اداره کل ثبت ۳۱۲



سخت فیزیکی
سازمان اطلاعات ایست کشور
س. د. د. ۱۰۱

شماره
تاریخ
پیوست

دردگاه
سخت فیزیکی منتظری

عطف به ۱۸۶۹۳، ۱۰۱ - ۱۰۱

در حصر منقذی نظیر نامبرده با آنکه در دست با حال عوارضی میانه نیز مشاهده نمودن آنجا که نامت کرده تا حدود در بیماری
عکس اصل دستفاه را در قبال اظهاراتی که نمایند بر آورده و خود را برای در اجه شدن با آن آماده میانه
لذا خواهشمند است دستور فرمائید میسر از کار نمودن معالجه آن را که با یاد شده در نظر من است
و منی علاج کردن موضوع است با برگردان اشکون مطاب را از جانب او تصفیه و تکرار شده در
قبال در اینک در پیش گرفته بوی داده بسیار شده لغو نمیشود در هر صورتی که در نظر من یکدیگر نظر اهل نیاید در منزل
عواقب ناشی از در حال فوق خود را خواهد بود. یکم باین اداره کل ششگس گردد.

۴۸۶/۲۱۲
۵۱۱۱۱۱
۲۱
۴۷۸۹۸

رشته
۳۱۲
تاریخ
۲۱
۴۷۸۹۸

روحیه اهالی تأثیراتی خواهد گذارد.

از طرفی رئیس شهربانی به من مراجعه کرده و از این سخنان من ایراد کرده است پاسخاً به او گفتم چنانچه به دختر تو بگویند که بیا لنگ خود را جلو مردم به هوا کن آیا حاضر هستی رئیس شهربانی گفته است المأمور معذور و من در جوابش گفتم این جمله غلط است که عده‌ای آنرا بر زبان جاری می‌سازند و از طرف دیگر شنیده‌ام که رئیس فرهنگ گفته است هر دختری که در رژه شرکت نکند از میزان نمرات او کاسته خواهد شد. يك دختر چه گناهی را مرتکب شده که بواسطه موقعیت خانواده‌اش نتواند در مراسم رژه شرکت کند و نمره کمی هم بیاورد. این دستور و این تصمیم نابخاست که در خاتمه ملاقات شدیداً به نامبرده تذکر داده شده که در امورات غیر مذهبی دخالت ننموده و مردم را تحریک ننماید و در صورت اقدام مجدد تحت تعقیب قرار خواهد گرفت.
مراتب استحضاراً معروض می‌گردد. ح

رئیس بخش ۳۱۲ - از غندی

معاون اداره یکم عملیات و بررسی - مبینی

رئیس اداره یکم عملیات و بررسی - جوان

نخست‌وزیری

سازمان اطلاعات و امنیت کشور

از: ۳۱۲

درباره شیخ حسینعلی منتظری محترماً به استحضار می‌رساند:

نامبرده بالا یکی از مدرسین علوم دینی شهرستان قم بوده که از جانبداران سرسخت خمینی است و فعالیت‌هایی در این زمینه داشته است و فرزند او نیز به جهت فعالیت به نفع خمینی فعلاً متواری است و شخص مزبور بعلت فعالیت‌ها و تحریکاتی که در منطقه قم می‌نمود به وی ابلاغ گردید که حق اقامت در این شهرستان را ندارد و در نجف‌آباد اصفهان اقامت گزیده است. ضمناً با توجه به اینکه مشارالیه جزء وعاظ ممنوع‌المنبر می‌باشد روز ۵/۵/۲۷ به هنگام ایراد خطابه در مسجد جامع نجف‌آباد بطور ایستاده شروع به سخنرانی‌های خلافی نموده بود که مراتب بعرض رسید و پیشنهاد گردید یکی از کارمندان عالی‌رتبه ساواک اصفهان با یاد شده در منزلش ملاقات و ضمن مطرح کردن موضوع، علت بازگو کردن مطالب خلاف را از جانب او استفسار و تذکرات شدید در قبال رویه‌ای که در پیش گرفته به وی داده شود که با پیشنهاد مزبور موافقت و مراتب به ساواک مزبور اعلام گردید.

اینک ساواک موصوف اعلام نموده است در تاریخ ۵/۷/۲۲ معاون ساواک اصفهان در معیت رهبر عملیات مربوطه به منزل یاد شده مراجعه و ضمن ملاقات، به مشارالیه تذکر شدید داده شده و به وی توصیه گردیده که ادامه رویه فعلی و بیان مطالب خلاف مصالح کشور موجب ناراحتی‌های بعدی برای خود و نتیجتاً خانواده‌اش خواهد شد. یاد شده متعاقباً اظهار داشته متوجه موضوع شده

و ضمن اینکه در عقیده خود نسبت به طرفداری از خمینی ثابت قدم است لذا تصمیم گرفته در روش خود تجدیدنظر نماید و مطالبی خلاف مصالح کشور در آینده ابراز ننماید.

شخص مذکور اظهار داشته نظر به اینکه فرزندانش در شهرستان قم ادامه تحصیل می‌نمایند و خانواده‌اش در آن شهرستان می‌باشد به وی اجازه داده شود که در قم سکونت نماید. به وی ابلاغ گردید که تقاضای خود را کتباً بنویسد و تعهد نماید که در آینده اقداماتی علیه مصالح کشور ننماید ولی یاد شده از نوشتن تقاضای کتبی خودداری نموده است. ساواک اصفهان در خاتمه در مورد اقامت وی در قم نظریه خواستار شده است.

نظریه: با توجه به مراتب بالا و اینکه یاد شده یکی از طرفداران سرسخت خمینی است، چنانچه با سکونت وی در شهرستان قم موافقت گردد یاد شده به‌همراه سایر طرفداران خمینی در منطقه ایجاد ناراحتی خواهد نمود، مستدعی است در صورت تصویب با تقاضای یاد شده در مورد اقامتش در قم مخالفت و مراتب به ساواک اصفهان اعلام گردد.

تاریخ آخرین نظریه بر این گزارش که عبارت است از: «موافقت نشود. با کمک شهربانی مراقبت کامل انجام گردد»، ۱۳۵۱/۸/۱۵ می‌باشد.

تا آنجا که من به خاطر می‌آورم، هر وقت که آیت‌الله منتظری در نجف‌آباد بوده است، امامت یکی از مساجد نجف‌آباد، بویژه امامت مسجد جامع این شهر را بر عهده داشته است. در آن موقع حساس هم که جامعه اسلامی نیازمند یک برنامه مفصل دینی - اجتماعی، برای مقابله با توطئه‌های دشمن بود، و همه مردم از رنج فشار ستم و اجحاف، به تنگ آمده بودند، آیت‌الله منتظری نماز مغرب و عشا را در مسجد جامع اقامه می‌کرد. ماه رمضان نزدیک بود، فرصت خوبی که طرح سازنده و ارزشمند نماز جمعه می‌توانست موفق باشد.

در خلال نمازهای مغرب و عشاء ماههای رجب و شعبان، آیت‌الله منتظری مردم را به مسائل فقهی، اهمیت و نیاز نماز جمعه آگاه می‌کرد. شبهای متوالی برای حاضرین در نماز جماعت از اینکه نماز جمعه ویژه زمان امام معصوم نیست و باید در دوره هر امامی چه معصوم و چه غیر معصوم، برگزار شود، و نماز جمعه می‌تواند مسلمانان را از اوضاع زمین و زمان آگاه سازد، و... صحبت می‌کرد و مسئله می‌گفت، و بدین طریق مسلمانان را جهت شرکت در یک میتینگ هفتگی اسلامی - سیاسی، آماده می‌ساخت.

وقتی که همه مسائل پیرامون شبهات این موضوع و مسائل فقهی آن برای مردم روشن گردید، در اولین جمعه رمضان سال ۱۳۹۱ هـ ق جمعیت انبوه شیفتگان اسلام راستین در پشت سر امام جمعه، حضرت آیت‌الله حاج‌شیخ حسینعلی منتظری به ستایش خدا - آنگونه که خدا می‌خواست - می‌ایستادند.

خاطره جاوید

شکوه و عظمت اولین نماز جمعه برای مردم نجف آباد فراموش ناشدنی است. در دل سیاه ظلمت و در زیر تهدید و ارباب رژیم تا دندان مسلح و سفاک پهلوی، این گونه به شجاعت و آزادگی سلام دادن و به سرنیزه و تهمت و ظلم دهن کجی کردن، کاری است که به منتظریها و شاگردان باوفای امام خمینی زینده است. هر هفته مردم با ذوق و شوق بیش از پیش، از ساعتها قبل از ظهر، رو به سوی مسجد جامع می‌نهادند. سالن وسیع مسجد، سالن کوچک و صحن آن مملو از جمعیت می‌شد و نزدیک ظهر مردم گروه گروه زیراندازهای خود را در پیاده‌رو و خیابان کنار مسجد پهن می‌کردند و به سایرین می‌پیوستند.

تا ظهر چندبرابر جمعیت داخل سالنها و صحن مسجد، در خارج از مسجد به صف ایستادگی و رشادت می‌پیوستند و «اشیخ حسینعلی»، این زبان گویا و فرو ناسته مردم، به سادگی خود مردم و با لطافت خاص کشاورزان و با شجاعت فرزندان واقعی اسلام، سبکبال بر اولین پله منبر مسجد، از همه نیازها و دردهایشان سخن می‌گفت و افشاگری می‌کرد و ره به سوی تعالی جامعه و مردم می‌سپرد.

مردم نجف آباد از همان سالها با ولایت فقیه، با حکومت اسلامی، با گستردگی و شعاع وسیع امر به معروف و نهی از منکر، با فساد دستگاه جبار پهلوی، با ضررهای مادی و معنوی برگزاری جشنهای ننگین ۲۵۰۰ ساله، با شیوه‌های مبارزه علیه طاغوت، با سرنوشت و سرگذشت مسلمانان جهان و جنبشهای رهاییبخش، بویژه ملت فلسطین و چگونگی عملکرد آمریکا و صهیونیسم در دولتها و حکومتها و بازارهای ممالک اسلامی، بخصوص در ایران آشنا شدند. آن هنگام که وابستگان و فریب‌خوردگان دستگاه ستم ده‌بیست و احياناً صد نفری در میدان مرکز شهر جمع گشته و به افتخار جنایات شاهانه و بر استخوانهای پوسیده ستمکاران و سیه‌روزان و بر آسوده خوابیدن کورش قهقهه می‌زدند و هورا می‌کشیدند و در نمایشهای ضد مردمی که از کیسه ملت ترتیب داده بودند کف می‌زدند و آتش به هوا می‌پراکندند، هزاران نفر از مردم پاک، صادق و علاقمند به اسلام در کنارشان بر آسفالت خیابان می‌نشستند و از رهنمودهای پیشوای خود بهره می‌جستند.

آن اندک خوددروختگان ناآگاه نشسته بر سر سرنیزه می‌شنیدند که ما آزادییم و امنیت داریم و ثروتمندیم و شاهنشاهان ما بهترین افراد روی زمین بودند! و این انبوه آزاده و آگاه، فارغ از هر گونه ترس و دلهره، زیر سایه خدا می‌شنیدند: ما آزادی نداریم، امنیت جانی و مالی و فکری نداریم، ثروتمان را سرنیزه‌داران به‌یغما می‌برند و بردگان استعمار به اربابان خود می‌دهند و همه فقیر و گرسنه هستیم. آن دلکشان مسلح همه را به کیش خود می‌پنداشتند و این آزادگان مؤمن با عمل انقلابی خود کار آنها را به مسخره می‌گرفتند.

آن بیچارگان مردم را به اطاعت بت و شاه می‌خواندند، و این پیشوای عبادت، مردم را به اطاعت خدا می‌خواند و از اطاعت بتها باز می‌داشت تا جایی که علناً شرکت در برنامه‌های شاهانه

و حتی سیاهی لشکر شدن برای جشنها و دیگر موارد تبلیغاتی رژیم را حرام اعلام می‌کرد.

مسجد، مجمع امت

در این میان آنچه که اهمیت ویژه داشت تبدیل مسجد به پایگاه مردمی و اسلامی‌اش بود. اکنون که انقلاب اسلامی پیروز شده و مساجد تا اندازه‌ای از مکان خاص نماز و گریه و دعا بدر آمده و کارهای اجتماعی و سیاسی هم در آنجا انجام می‌گیرد، به اهمیت آنچه سالها قبل توسط آیت‌الله منتظری صورت گرفته پی می‌بریم.

آن روزها، در شهر، عمده کارهای شهری که به ادارات دولتی مربوط نمی‌شد جمعه در مسجد جامع مطرح می‌گشت و به کمک مردم حل و فصل می‌گردید.

در همان سالها تعدادی از روستاهای اطراف نجف‌آباد طعمه سیل گردید و سیل خسارات مالی فراوانی بجای گذاشت. برای کمک‌رسانی به مردم سیل‌زده روستاها تنها نهاد مؤثر، مسجد جامع نجف‌آباد بود و گروهی که به دستور و راهنمایی آیت‌الله منتظری گرد آمده بودند.

آیت‌الله منتظری به اتفاق دیگران در این راه فعالیت بسیار نمودند؛ طوری که استانداری اصفهان از فعالیت اندکش در برابر انبوه کمکهای مسجد جامع روسیاه و شرمندگشت و ساواک هم از اینکه مبدا آیت‌الله منتظری از این راه به تبلیغات وسیع پردازد کوشش فراوان کرد تا مگر کمکهای مردم نجف‌آباد را به اسم استانداری اصفهان تمام کند. حتی بعضی از عناصر مؤثر در این گروه کمک‌رسان را به بازخواست کشید و مورد تهدید قرار داد.

باری خبر مهم در مسجد بود و جوش و خروش ملت هم در مسجد. این حرکت به مدت تقریبی دو سال دوام یافت و این کوششهای سازنده و کوبنده جریان داشت تا اینکه رژیم به تنگ آمده و سفاک پهلوی مجبور به اخراج پیشوای شجاع از شهر نجف‌آباد گشت.

خطبه‌هایی از دوران اختناق

برای اینکه به اهمیت نماز جمعه‌های گذشته و ارزش کار بزرگ آیت‌الله منتظری در دوران اختناق پی ببریم، در این نوشته تلخیصی از خطبه‌های وی را می‌آورم. متأسفانه بیشتر از پنج خطبه از خطبه‌های نماز جمعه سالهای سیاه دوران پهلوی را نیافته‌ام. امیدوارم بتوانم مجموعه‌ای از آنها را به دست آورده یکجا منتشر سازم. از آنجا که این خطبه‌ها از نوار پیاده شده مسلماً با نوشته انشایی فرق دارد، اما خواننده عزیز را توجه می‌دهم که علاقه‌داشتم با همان بیان اصلی منتشر گردد، ولی برای حذف تکرارها مجبور به دستکاری شدم.

به خاطر داشته باشیم در زمانی که به جز از امام خمینی و نزدیکان وی از همه‌جا صدای حکومت شاهنشاهی بر می‌خاست، صحبت از حکومت اسلامی و ولایت فقیه دارای عظمت و ارزش خاصی است. تاریخ دقیق این خطبه‌ها معلوم نیست ولی در سال ۱۳۵۱ یا اوایل سال ۱۳۵۲ بیان شده است. ضمناً جملات عربی آن حذف گردیده.

سلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

از خدا بترسید. زر و زیور دنیا، مقامهای دنیا، ریاست دنیا، پولهای دنیا شما را مغرور نکند، گولتان نزند، توجه نکنید به دنیا. دنیا و اهل دنیا بالاخره نابود خواهند شد. همه ما دیده‌ایم امثال و اقوام ما که بوده‌اند، تو همین دنیا، و الان از دار دنیا رفته‌اند؛ مالشان، ثروتشان و مقامشان مانده و از دنیا رفته‌اند، ما هم مثل همانها.

احتمال بدهید که شاید گفته خدا و پیامبران و ائمه اطهار و اولیای خدا راست باشد، حساب و کتابی باشد. واجبات خدا را انجام دهید. محرمات خدا را ترك کنید.

در هفته‌های قبل صحبت ما در امر به معروف و نهی از منکر که یکی از واجبات دین مقدس اسلام است بود. حضرت امیرالمؤمنین در آن وصیت‌نامه‌شان که آخرین وصیت حضرت است می‌فرماید:

امر به معروف و نهی از منکر را ترك نکنید. اگر آن را رها کنید نتیجه‌اش این است که «بد»های شما، والی شما می‌شوند.

معنی امر به معروف و نهی از منکر وابستگی افراد اجتماع است به یکدیگر. تمام طبقات اجتماع نسبت به یکدیگر وظیفه دارند. آنوقت قهراً اگر فسادی در يك طبقه پیدا شود، چه طبقه بالا و چه طبقه پایین، همه خودشان را مسئول می‌دانند. وقتی که همه مردم به هم وابسته و پیوسته باشند و با فساد و معصیت مبارزه کنند و با منکر مبارزه کنند، «بد»ها نمی‌توانند مسلط بشوند و اینها که بر ما مسلط می‌شوند برای این است که زمینه را خالی می‌بینند. از سکوت مردم، از بی‌حالی مردم سوءاستفاده می‌کنند. این فرمایش امیرالمؤمنین است که نتیجه طبیعی ترك امر به معروف و نهی از منکر این است که بدها والی شما می‌شوند. نظیر همین فرمایش از پیغمبر اکرم (ص) هم نقل شده است.

امروز به همین مناسبت من چند جمله‌ای راجع به ولایت با شما صحبت می‌کنم. کلمه ولایت که در روایات و اخبار ما دیده می‌شود به معنی حکومت، به معنی زمامداری، به معنی اداره کردن و نظم اجتماع است. در اجتماع کسانی هستند - البته خیلی کم - که اینها مخالفند با اینکه اصلاً حکومتی در دنیا باشد. اینها را به اصطلاح امروز می‌گویند آنارشویست، و مسلکشان را آنارشویسم. به کسانی که مخالف با حکومت‌اند هرج و مرج طلب می‌گویند؛ هر که هرچه می‌خواهد بکند. خوب اینها در اقلیتند. والا مرد عاقل این اندازه را تشخیص می‌دهد که اجتماع به اندازه‌ای که به حکومت احتیاج دارد به هیچ چیز دیگر احتیاج ندارد. هرج و مرج غلط است. اجتماع قانون احتیاج دارد و قانون مجری احتیاج دارد. مجری قانون عبارت است از حکومت. در اسلام از حکومت به «ولایت» تعبیر شده است. ولایت در اسلام یعنی حکومت. و این از ضروریات اسلام است. حکومت جزء مسائل اسلامی است. هم شیعه و هم سنی حکومت را از ضروریات اسلام می‌دانند. خواهش می‌کنم صحبت من را امروز آقایان به منظور يك درس طلبگی تلقی کنند.

آیت‌الله بروجردی در نوشته‌ای که ما از ایشان نوشتیم و چاپ شده فرمودند: حکومت از ضروریات اسلام است. حکومت جزء اسلام است. سنیها می‌گویند حکومت به شورا و انتخاب خود مردم است و شیعه که ما باشیم می‌گوییم حکومت به نص پیغمبر اکرم است، که پیغمبر هم از طرف خدا آن کسی را که حاکم بعد از خودش است تعیین کرده است. مطابق حدیثی که متواتر بین فریقین است.

حدیث غدیر خم آنجا پیغمبر اکرم فرموده: آیا من ولایت و حکومت به شما ندارم؟ این نکته‌ای است که آقایان اهل علم توجه داشته باشند. پیغمبر اکرم نفرمود مقام نبوت. پیغمبر اکرم همینطور که پیغمبر بود ولایت هم داشت، حکومت هم داشت، امامت هم داشت، این همه الفاظ به يك معنی می‌باشد. امامت، حکومت، ولایت به يك معنی است. خداوند در قرآن نسبت به حضرت ابراهیم، با آنکه حضرت ابراهیم پیغمبر بود گفته: اما آزمایش خداوند از ابراهیم به عمل آورد بعد از آنکه ابراهیم از آزمایش درآمد آنوقت خدا فرمود من تو را امام قرار می‌دهم. ابراهیم پیغمبر بود. امام هم بود، مقام امامت از نبوت مهمتر است. منتهی پیغمبر اکرم هردو مقام را داشت. مثلاً فرض می‌کنیم يك کسی از طرف يك مقام برای شما يك خبر بیاورد بگوید از شخص بزرگی پیغامی برای شما آورده‌ام، این معنی پیغمبری و نبوت است. يك وقت کسی از طرف يك شخصی بزرگ منصوب می‌شود به زمامداری شما؛ تعیین می‌شود که ریاست و حکومت بر شما داشته باشد و لازم‌الاطاعه باشد، ولی امر شما باشد، باید مطیع او باشید. اینکه یکی را اختیارات بدهند و در يك منطقه‌ای، در يك شهر، در يك استانی این شخص زمامدار مردم آنجاها باشد و لازم‌الاطاعت باشد، این خیلی مهمتر است از اینکه پیغامی یا خبری برای شما آورده باشد. نمی‌خواهم بگویم مقام نبوت کوچک است، مقام نبوت خیلی بزرگ است، اما مقام امامت بزرگتر است. پیغمبر اکرم هردو را داشت و بعد پیغمبر اکرم این مقام را که داشت فرمود: آیا من اولی نیستم از شما؟ ما معتقدیم پیغمبر اکرم حضرت امیرالمؤمنین را منصوب کرده‌اند به امامت و ولایت و حکومت. اینها به يك معنی‌اند و از ضروریات اسلام است و جزء اسلام است. اسلامی که دین زنده‌ای است دینی که آمده تمام بشر را تا روز قیامت اداره کند و از آن طرف دستوراتی در دین مقدس اسلام است که اینها بدون اینکه يك زمامدار، يك مجری داشته باشد عملی نیست. اسلام حدود دارد، حساب و کتاب دارد، امور اجرائی دارد، حبس و قصاص دارد، از این طرف، مالیات دارد، اسلام جهاد دارد، و تصریح می‌کند که جهاد بدون اذن امام نمی‌شود. امام یعنی حاکم، جهاد و مالیات گرفتن و سیاسات و حدود جزء اسلام است. اینها مسائل اسلام است. اینها مربوط به ولایت و حکومت است.

نکته‌ای که من می‌خواهم امروز خدمت آقایان عرض کنم این است که ما روایاتی داریم که در اصول کافی و سایر کتب شیعه ذکر شده و می‌توان گفت متواتر است این روایات، ولو تواتر اجمالی، که در وسائل‌الشیعه هم هست در جلد اول وسائل ذکر شده، در اصول کافی هم ذکر شده، مضمون روایات این است که بنای اسلام روی پنج چیز است. اسلام پنج ستون دارد، پنج تا

پایه دارد. آنوقت این پنج پایه را که می‌شمارد جزء اسلام است نماز و زکوة و حج و روزه و ولایت می‌باشد.

من حالا يك حديث را می‌خوانم و آن نتیجه‌ای را که می‌خواهم بگیریم خدمتان عرض می‌کنم. حديث صحيحی است. سند آن بسیار خوب است. از اصول کافی من نوشته‌ام؛ از نظر علم رجال حديث ارزش بسیار دارد. حدیثی است از امام محمدباقر (ع):

اسلام بنایش بر پنج چیز است. یکی نماز، یکی زکوة، یکی روزه، یکی حج و یکی هم ولایت. حالا ولایت یعنی چه؟ بعضی آقایان يك احتمالی به ذهنشان می‌آید و آن این است که ولایت یعنی دوست داشتن اهل بیت. یعنی اهل بیت را دوست داشته باشیم. نه، آقایان این معنایش نیست. ولایت در اینجا معنی‌اش حکومت است. اسلام بنایش بر این پنج چیز است. خوب، حال به چه دلیل؟

از امام باقر پرسیدند این پنج تا که فرمودید کدام فضیلتش بیشتر است؟ امام فرمود: ولایت از آن چهارتای دیگر یعنی نماز و روزه، زکوة و حج فضیلتش زیادتر است. برای اینکه ولایت کلید آنها است. شخص والی راهنما و مجری آنهاست. کلمه والی يك چیزی است که همه با آن مانوس هستیم. در قدیم به شهرها و استانها می‌گفتند ولایت و به آن کسی که حاکم بود می‌گفتند: این والی است.

در اصطلاح روایات ما لغت ولایت به معنای حکومت است. مثلاً شما آن عهدنامه حضرت امیرالمؤمنین را به مالك اشتر ببینید. این عهدنامه‌ای است که علی (ع) برای مالك اشتر نوشت، آنوقتی که به مالك ولایت مصر را داد، این عهدنامه خطاب به مالك والی مصر است، پس ولایت همان حکومت است.

يك حديث ديگرى می‌خوانم. وسائل را ببینید. درباب اول روایت سى و پنجم كتاب المحكم و المتشابه، سيدمرتضى از تفسير نعمانى از اميرالمؤمنين نقل می‌کند. فرموده آنچه را خدا در کتابش واجب کرده بر مردم این ستونهای اسلام است و ستونهای اسلام پنج‌تاست.

براین پنج واجب، اسلام بنا نهاده شده است. آنوقت این پنج واجب را می‌شمارد که آخرین آنها ولایت است و این آخری است که حفظ می‌کند جمیع واجبات و مستحبات را.

خوب دقت کنید آقایان، آن روزها به ما می‌گفتند اصول دین اسلام: توحید، عدل و نبوت و امامت و معاد و... مگر اینها اصول اسلام نیست؟ چطور این روایتی که دارد پنج ستون برای اسلام ذکر می‌کند آنها را ذکر نکرده. اسم توحید را نیاورده، اسم معاد را نیاورده، اسم نبوت را نیاورده و به جای آن نماز و روزه و حج و اینها را که امور عملی است (یعنی واجبات، کارهای انجام دادنی) فرموده. معلوم می‌شود که این روایات در مقام بیان عقاید نیست. البته آدم مسلمان عقیده دارد به خدا، عقیده دارد به نبوت و پیغمبر، عقیده دارد به قیامت. اما آنهايي را ذکر کرده‌اند که باید به‌دنبالش رفت. نماز را باید خواند، روزه را باید گرفت، حج را باید انجام داد، زکوة را باید پرداخت. چرا اسم خمس را نیاورده. من بارها عرض کرده‌ام که خمس همان زکوة است منتهی محترمانه،

از روایات هم این استفاده می‌شود، زکوة یعنی مالیات اسلام. چرا جهاد و امر به معروف و نهی از منکر ذکر نشده؟ چون آنها دنبال ولایت است، وظیفه حاکم است. حکومت اسلامی وقتی که درست شد، حاکم و زمامدار مردم را وامی‌دارد به جهاد. وسایل امر به معروف و نهی از منکر را فراهم می‌کند.

پس آنچه را که مردم وظیفه دارند انجام بدهند نماز، روزه، زکوة و حج است و مهمتر اینکه سرنوشت خودشان را در حکومت تعیین کنند. یعنی مسلمانها در زمان پیغمبر که حاکم مسلمین بود بایستی از زیر بار رهبری پیغمبر اکرم (ص) بیرون نروند. دور رهبرشان باشند و رهبر را تقویت کنند و اطاعت کنند و بعد از پیغمبر، آن را که پیغمبر معین کرده، امیرالمؤمنین علی علیه السلام، بعدش هم امام حسن، بعدش هم امام حسین. خوب امیرالمؤمنین در زمان حکومت خودش محمد بن ابی‌بکر را والی مصر قرار می‌داد. این می‌شود حاکم مردم مصر. همینطور که وظیفه دارند نماز بخوانند و روزه بگیرند و حج بجا آورند، موظفند دنبال رهبر خودشان باشند. ولایت و حکومت خودشان را تقویت کنند. ببینند چه کسی زمامدارشان است، رهبرشان کیست، تقویتش کنند؛ زیر بارش بروند و البته رهبر حق. اسلام برای رهبر شرایط ذکر کرده. تا يك حدی را پیغمبر اکرم تصریح نموده. دوازده امام را تصریح کرده، ما در اینجا با عامه، با سنیها، اختلاف نظر داریم. ما می‌گوییم پیغمبر اکرم دوازده نفر را انتخاب کرده. آنها با تعیین مخالفند اما در زمانی که آن دوازده نفر هستند. حضرت امیرالمؤمنین برای جاهای دیگر حاکم تعیین نمی‌کرد؟ والی معین نمی‌کرد؟ چرا معین می‌کرد. برای اینکه هرج و مرج که نیست. يك ده بدون کدخدا اداره نمی‌شود. اسلام مسلمانان را بدون رهبر رها می‌کند؟ این غلط است. در زمان غیبت امام (ع) هم وظیفه معین شده است. امام حسین فرموده است مجاری امور به دست علماء است. علمائی که عالم باشند به خدا و شئون خدا. با خدا ارتباط داشته باشند و امین باشند به حلال و حرام خدا. پس در زمان غیبت والی معین شده برای مردم که شرائطش ذکر شده است.

مردم همینطور که نسبت به نماز، نسبت به روزه، نسبت به حج، نسبت به زکوة وظیفه دارند نسبت به حاکم حق وظیفه دارند. خیلی مهم است مسأله؛ مسأله خیلی مهمی است. یعنی شما اگر دلتان را خوش کنید که من اصول دینم را خوب بلد هستم، نماز هم می‌خوانم، روزه هم می‌گیرم، حج را هم بجای می‌آورم؛ هر کسی می‌خواهد مقدرات مردم را به دست بگیرد، هر کسی هر کاری می‌خواهد بکند، به من چه؟ این اشتباه است. به من بگویند کار داور را به داور بسپارید، کار قیصر را به قیصر بسپارید! خیر اینجور نیست. اسلام می‌گوید همانطور که برای نماز و روزه و حج وظیفه داری برای حاکم حق هم وظیفه داری. وظیفه داریم از حکومت حق دفاع کنیم و کاری نکنیم که حکومت حق داشته باشیم. مجری حق داشته باشیم. یعنی اگر برنامه‌های اسلام زمین می‌خورد، حدود اسلام جاری نمی‌شود، قوانین اسلام جاری نمی‌شود، شراب علنی است، مثلاً فرض کنید زنا علنی است، جلو ظلم و تعدی گرفته نمی‌شود، جلو فساد گرفته نمی‌شود، برای این است که مردم نسبت به حکومت حق بی‌تفاوتند. مردم باید کوشش بکنند و از نماز هم مهمتر است. امام فرموده

افضل است. عرض کردم این حدیث متواتر است. بنای اسلام بر پنج واجب نهاده شده و از بین این پنج واجب آن که مجری احکام است افضل است: آن که بتواند احکام اسلام را اجرا بکند، حدود اسلام را اجرا بکند، قوانین اسلام را اجرا بکند، عدالت داشته باشد، دفاع از حقوق ضعفا بکند، جلو ظلم و فساد و تعدی را بگیرد. این در زمان پیغمبر و بعد از پیغمبر و در زمان حضور و در زمان غیبت امام وظیفه بوده است.

چنانچه حدود اسلام جاری نمی‌شود، چنانچه قوانین اسلام تغییر می‌کند، اگر قوانین اسلام زمین می‌خورد، اگر اختلاف طبقاتی عمیق حکمفرماست و کسانی به ظلم و تعدی مال مردم را می‌خورند و عده‌ای گرسنگی می‌کشند، اینها برای این است که مردم وظیفه‌شان را نسبت به حکومت حق انجام ندهاند. تمام مردم مقصرند و بخصوص بارها عرض کرده‌ام و بازهم تکرار می‌کنم، بخصوص علماء و رهبران باید در این معنا جلو بیفتند و مردم دیگر باید از آنها پیروی بکنند و امیرالمؤمنین فرمود: خدا پیمان گرفته است بر علماء که نسبت به اینکه ظالمی تعدی می‌کند و ضعفا گرسنگی می‌کشند بی‌تفاوت نباشند. و باز حدیثی از سیدالشهداء در تاریخ طبری هست و در تاریخهای دیگر هم هست. مورخین نقل کرده‌اند امام حسین فرمود: هر کسی ببیند کسی را که ظلم می‌کند و حلال خدا را حرام و حرام خدا را حلال می‌کند وظیفه دارد جلو او را بگیرد. به او اعتراض کند. این حرف امام حسین آموختنی است که می‌بینند یزیدین معاویه به اسم اسلام تظاهر به اسلام می‌کند؛ می‌گوید من خلیفه اسلام هستم، من امیرالمؤمنین و جنانشین پیغمبر هستم، اما احکام اسلام زمین می‌خورد، ظلم می‌کند بر مردم، بیت‌المال مسلمین را بین خویشاوندان خود تقسیم می‌کند. از آن طرف حلال خدا را حرام می‌کرد و حرام خدا را حلال می‌کرد، شراب می‌خورد، قمارباز بود، سگ‌باز بود. مگر یزیدین معاویه که لعنش می‌کنی می‌گفت مسلمان نیستم؟ مگر می‌گفت من کافر! مگر کی گفت من یهودیم؟

این را می‌خواستیم عرض کنم: این روایتی که مرتب برایتان خوانده‌اند و این کلمه ولایت توی دهانها افتاده، هی ولایت، ولایت، ولایت... اما ولایت اهل بیت یعنی حکومت اهل بیت. حکومت اهل بیت به معنی مقام نیست، به عنوان وظیفه است و فرقی همین است. اگر کسی کدخدا بشود به او تبریک می‌گوئیم. چنانچه کسی پستی پیدا کند تبریک به او می‌گوئیم، برای اینکه آن را مقام می‌دانیم. حکومت به عنوان مقام نیست. شأن برای آنها نیست. نگوئید که پیغمبر و ائمه شأنشان اجل از مقام حکومت است. بلی پیغمبر و ائمه مقاماتی دارند. آن مقامات معنوی که دارند چه کسی می‌تواند مثل پیغمبر باشد؟ چه کسی می‌تواند به آن مقام معنوی علی برسد؟ آنها به جای خود، اما مسأله حکومت و ولایت و زمامداری مردم به عنوان وظیفه است و این حدیث که ذکر شد و عرض کردم متواتر است ولایت را جزء وظیفه‌ها معرفی می‌کند، همانطور که نماز وظیفه عمومی است، روزه وظیفه عمومی است، زکوة وظیفه عمومی است. اینکه زمامدار مردم چطور آدمی است، کی زمامدار است، مردم رهبر لازم دارند، رهبر عادل لازم دارند، رهبری که مجری احکام خدا باشد که دوازده نفر آنها را تصریح کرده‌اند و مابقی را هم کلی فرموده‌اند. بالاخره آن کسی که زمامدار

مسلمانها است تا اندازه‌ای پیغمبر معین کرده، دوازده نفرشان را، و در زمان ائمه خود ائمه برای مصر، برای ایران، برای جاهای دیگر، اشخاص دیگر را تعیین می‌کردند. آنها که دیگر معصوم نبودند. مالک اشتر که دیگر معصوم نبود. محمد بن ابی‌بکر که دیگر معصوم نبود. هیچکدام از اینها معصوم نبودند. فقط خود دوازده امام معصوم بودند. اما آنکه را اصلاح بود معلوم کردند. همانطور که در زمان خودشان معلوم می‌کردند، برای زمان غیبت هم معین کردند.

ماهم گناهکاریم. الان مصداق حدیث ابی‌جعفر (ع) هستیم که فرمود مردم چهار تایش را گرفتند و آنکه مهمتر است رها کرده‌اند.

مردم، کسی نمی‌تواند بگوید نماز زمان را می‌خوانیم، مکه را هم می‌رویم، زکوة هم که می‌دهیم، روزه هم که می‌گیریم، هرکی به هرکی ظلم کرد، هرکی به مردم تعدی کرد، قوانین اسلام تغییر کرد، حدود خدا جاری نمی‌شود، اینها دیگر به ما مربوط نیست. نه، به ما مربوط است، یعنی باید شخص اصلاح، شخص اعلم، شخص اتقی، شخصی که بتواند اداره کند، مردم او را حمایت کنند. مردم هم که حمایت کردند او می‌تواند حدود خدا را اجرا کند و کارها را اداره بکند. و گرنه، آنهائی را که لعن می‌کنیم و می‌گوئیم چرا امام حسین را یاری نکردند، برای همین بود که به وظیفه عمل نکردند. شما فکر می‌کنید که با حسین مبارزه کردند؟ همه شمشیر زدند؟ نه خیلی سیاهی لشکر بودند و تقویت باطل می‌کردند و سکوت می‌کردند و حمایت حق نمی‌کردند.

اینها مسأله است. مسأله که فقط نماز و غسل و پاکی نیست. جهاد مسأله اسلام نیست؟ اجرای حدود الهی مسأله اسلام نیست؟ مالیات اسلام مسأله نیست؟ سرنوشت اسلام مسأله نیست؟ عده‌ای می‌نشینند می‌گویند امام زمان می‌آید درست می‌کند. من بارها گفته‌ام و باز تکرار می‌کنم: اگر آقایان منتظرند امام زمان بیاید کارها را درست بکند، سهم امام را هم باید گذاشت و به خود امام داد. چرا ما نایب امام زمان هستیم در گرفتن سهم امام اما در دفاع از اسلام منتظر او هستیم و نایب امام زمان نیستیم؟ ما هر اندازه که می‌توانیم باید دفاع از حق بکنیم، حامی حق باشیم، کسی که از حق دفاع می‌کند باید پشتیبانش باشیم به هر اندازه که می‌توانیم. ما اگر در زمان امام حسین بودیم، دو پا که داشتیم دو پا قرض می‌کردیم و فرار می‌کردیم! نایستی انسان اینقدر ضعیف باشد، اینقدر مرعوب باشد. خلاصه در روایتی که خواندم توحید ذکر نشده، نبوت ذکر نشده، معاد ذکر نشده، زیرا آنها مسأله اعتقادی هستند و اصول اعتقادی می‌باشند اما در مسائل عملی آنچه که از همه مهمتر و بارزتر است مسأله تعیین سرنوشت و حکومت می‌باشد.

بسم الله الرحمن الرحيم

سفارش می‌کنم شما را، بندگان خدا، که تقوی را پیشه خود کنید، حریم خدا را حفظ کنید، از عقاب خدا بترسید، به دنیا اعتماد نکنید، زر و زیور دنیا شما را گول نزند. دنیا و اهل دنیا همه فانی هستند. مردن را کسی نمی‌تواند منکر بشود. همه خواهیم مرد و تمام اعمال ما ثبت و ضبط است. روز قیامت بایستی جواب بدهیم.

در هفته گذشته عرض شد که یکی از واجبات دین مقدس اسلام امر به معروف و یکی هم نهی از منکر است. دین مقدس اسلام، برخلاف مسیحیت، دین اجتماعی است؛ که انسان با اجتماع سروکار دارد و نسبت به اجتماع وظیفه دارد، اجتماع هم نسبت به انسان وظیفه دارد. اینکه شما بگوئید من کار خودم را انجام می‌دهم. نمازم را می‌خوانم، روزه هم می‌گیرم، مثلاً وجوهات مالیه را می‌دهم، سرم را پائین می‌اندازم و می‌روم و کاری به کار کسی ندارم، اینطور نیست. یا من آخوند بگویم: می‌روم توی محراب نماز جماعت را می‌خوانم، یکی دوتا مسأله هم می‌گویم، سر خودم را پائین می‌اندازم و می‌روم خانه تا فردا و یا تا وقت نماز بعد، حالا در اجتماع چه می‌گذرد، مسلمانها چه گرفتاریهایی دارند، چه فسادهایی در اجتماع موجود است، چه کسانی به اجتماع حکومت می‌کنند، مقدرات اجتماع دست چه کسی است، ما دیگر به آنها کاری نداریم، این غلط است و دین اسلام آن را قبول ندارد. دین مقدس اسلام، دین اجتماعی است. در حدیث آمده است که پیغمبر اکرم می‌فرماید «لا رهبانیه فی الاسلام» در اسلام رهبانیت نیست. رهبانیت یعنی بروی گوشه‌نشین بشوی، توی بیابان یا توی خانه، سرت را پائین بیندازی و کاری به کار اجتماع نداشته باشی، رهبانیت فقط این نیست که بروی توی بیابان زندگی کنی. اگر توی خانهات باشی و کاری به کار اجتماع نداشته باشی این هم رهبانیت است.

دین مقدس اسلام دین رهبانیت نیست. دین اجتماعی است. آن مسیحیت است که کار به کار اجتماع نداشت و بعکس حالا شد. با اینکه اناجیل مسیحیت همه‌اش دم می‌زند که راهب باش و کار به کار کسی نداشته باش. تو گوشت هم سیلی زدند گوش دیگری را هم جلو بیاور، قصاص هم نمی‌خواهد، اینها مال مسیحیهاست. حالا مسیحیها شدند اجتماعی، اما دین اسلام که همه‌اش از اجتماع، از اینکه همه افراد نسبت به همه افراد وظیفه دارند، سخن می‌گوید، آنوقت، ما وظیفه اجتماعی را اهمیت نمی‌دهیم. آیه شریفه قرآن می‌فرماید «والمؤمنون والمؤمنات بعضهم اولیاء بعض...» مؤمنات هم صریحاً ذکر شده. تمام مردهای مؤمن و تمام زنان مؤمن، بعضیهاشان ولی بعضی هستند. ولایت دارند بگویند. «یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر.» من حق دارم نسبت به شما امر به معروف بکنم یعنی شما را وادارم به کارهای خیر و باز دارم شما را از کارهای منکر نسبت به هر کس، نه فقط نسبت به ضعیف. اولاً ما معروف و منکر را منحصر کردیم به کارهای جزئی، به هر کسی که ضعیف است. اگر يك آفتابه دزد باشد، همه برای او قدعلم می‌کنند. خوب، دزدی کرده باید قدعلم کرد و جلو دزدی را گرفت، اما اگر يك کسی در اثر قدرتش، در اثر مقامش، در اثر موقعیتش دزدیهای کلانی می‌کند، اگر يك استاندار دزدی کرد، اگر يك وزیر دزدی کرد، اگر يك وزیری يك کشور را فروخت نباید ساکت بود و همه باید در برابر این دزدی قدعلم بکنند، قیام بکنند و در درجه اول علما و دانشمندان. من از خودم نمی‌گویم اینها فرمایشات خدا و ائمه است. حضرت امیرالمؤمنین در نهج البلاغه می‌فرماید: خدا پیمان گرفته است از علما و دانشمندان که اگر يك کسانی ظلم می‌کنند، تعدی می‌کنند و يك کسانی گرسنگی می‌خورند، صدمه می‌خورند، نیاستی این وضع را ثابت بگذارند، بلکه در مقابل يك چنین وضعی، وظیفه دارند که از

حقوق ضعفا دفاع کنند. علما يك همچو وظیفه‌ای دارند و مردم دیگر هم موظفند نسبت به آنها كمك کنند. پس علی‌ای حال دین مقدس اسلام يك دین اجتماعی است و همه را نسبت به اجتماع موظف قرار داده. آخوند و غیر آخوند فرق نمی‌کند. من آخوند هم اگر اشتباهی کردم، اعوجاجی داشتم، برخلاف دین کاری انجام دادم، شما باید به من بگوئید، موظفید. من نمی‌توانم بگویم چرا به من می‌گوئید، این حرف چرندی است که جاهل را با عاقل بحثی نیست. این حرف چرند است. فقط با يك حساب درست است - یعنی اگر يك مسأله‌ای علمی و دقیق را من می‌دانم، فرض کن من به فنون علمی آشنا هستم، شما آشنا نباشید. نه اینکه با شما نباید مباحثه کرد. این را باید بگوئید. آقایان این مقدماتی دارد که باید مقدمات را وارد باشی و بعد باهم بتوانیم بحث کنیم. معنی جاهل را با عاقل بحثی نیست این است. يك کسی مثلاً در جبر و مثلثات و ریاضیات وارد است، من وارد نیستم، چون جبر و مثلثات مقدماتی دارد. اینجا جایش هست بگوئیم جاهل را با عالم بحثی نیست. عالم نه آن عمامه به سر. آنجا در جبر و مثلثات آنکه بلد است عالم است. و ما جاهل هستیم. من چون مقدماتش را بلد نیستم نمی‌توانم با آن بحث کنم. اما اگر چنانچه من دروغ گفتم، غیبت کردم، ربا خوردم، ولو عمامه هم دارم، ولو آیت‌الله باشم، معصوم که نیستم، اگر من گناهی کردم و شما می‌دانید که من دارم ربا می‌خورم، اینجا جاهل و عالم نیست. اینجا شما عالم هستید. هم من می‌دانم ربا حرام است، هم شما می‌دانید ربا حرام است. این دیگر مصداق جاهل و عالم نیست. این مصداق عاقل به عالم است. یعنی من می‌دانم ربا حرام است، شما می‌دانید ربا حرام است؛ خوب من عمامه دارم باشد؛ شما عمامه ندارید، باشد؛ بایستی به من بگوئید آقایان اینجا تو اشتباه کردی؛ چرا ربا خوردی؟ چرا دروغ گفتی؟ چرا مثلاً غیبت کردی؟ چرا وظیفه‌ات را انجام ندادی؟ این يك مسأله‌ای است که اساس اسلام بر این معنا است. اینکه من مثلاً چون عمامه دارم قداست دارم، اینجور نیست. این غلط است. البته من نمی‌خواهم بگویم نسبت به روحانیت يك وقتی خدای نکرده شما بی‌احترامی کنید. اجتماع احتیاج دارد به روحانی، احتیاج دارد به عالم، کسانی هستند زحمت می‌کشند، خون دل می‌خورند، درس می‌خوانند برای اینکه بیابند مسائل حلال و حرام را یاد بگیرند، با عقائد اسلام، با اخلاقیات اسلام آشنا بشوند به مردم بگویند. البته این زحماتشان محترم است، برای این زحماتشان قداست دارند، اما همیشه که معصوم نیستند، من معصوم نیستم، معصومین چهارده نفر یا مثلاً فرض بگیرید حضرت زینب هم باشد. عمامه عصمت نمی‌آورد، بنابراین من عمامه به سر اگر چنانچه يك جائی خلاف شرع رفتار کردم، علم من به جای خودش، احترام عالم به جای خودش، يك مسأله‌ای بلد هستم نسبت به این اندازه که بلد هستم شما بایستی سؤال بکنید، بپرسید. در عین حال اگر اشتباهی هم دارم باید به من بگوئید دوستم تو اینجا اشتباه کردی. این يك معنائی است که در دین اسلام هست. عرض کردم حالا مردم نباید بی‌اعتنائی بکنند نسبت به اسلام و روحانیت. روحانیت سهم بزرگی دارد برای پیشبرد اجتماع. برای اینکه علوم دینی، احکام اسلام، عقائد اسلام، معارف اسلام، این همه را می‌رود یاد بگیرد، اما اینهمه کار، عصمت نمی‌آورد، معصوم نمی‌شود و عمامه که غیر از آن علم و

روحانیت است. اگر من عمامه داشته باشم و سواد نداشته باشم، حالا چرا عمامه روی سرم گذاشتم، بد کردم؛ چرا امام را وسیله قرار داده‌ام، بد کردم؛ تقصیر من و شما است که به عمامه‌اش رحم می‌کنیم. آن گدائی که با عمامه می‌آید و می‌ایستد گناه می‌کند. تو به او پول می‌دهی جنایت است، گناه است. تو به او بگو این عمامه را بردار، تو که سواد نداری، بیا يك آدمی عادی بشو به تو كمك می‌کنیم والا گناه است، حرام است، جنایت است به او كمك کردن و بی‌خود رحم می‌کنی اینجا جای رحم نیست. این که می‌آید با عمامه گدائی می‌کند تا اندازه‌ای من و شما تقصیر داریم. ولی منظور من این بود اگر يك کسی علم بلد شد، این سبب نمی‌شود اگر گناه کرد، اشتباه کرد، اشتباهش را به او نگوئی. بدان عمامه قداست نمی‌آورد. درعین حال روحانیت شیعه، روحانیت اسلام، نسبت به آنچه که می‌داند محترم است. علم احترام دارد. با کمال احترام پیشش بنشینید، آنچه که بلد نیستید بی‌رسید. بعد هم بگوئید شما اینجا هم اشتباه کردید. من که يك مسلمانم باید به شما بگویم. برای اینکه خدا فرموده: «المؤمنون والمؤمنات بعضهم اولیاء بعض». یامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر» هر مرد مؤمن و زن مؤمن نسبت به دیگری سمت ولایت دارد. امری معروف و نهی از منکر باید بکنید. این از علماء. مقامات هم همین‌طور. همه زور را به ضعفا نیاورید. اگر چنانچه يك بیچاره‌ای، بدبختی، دزدی کرد همه به او حمله نکنید. اما اگر يك بزرگی دزدی کرد، يك مقامی از پستش، از مقامش سوءاستفاده کرد، دزدی کرد، کرنش هم پیشش بکنید، احترام هم بکنید، چون این مقامی دارد. نه‌خیر. همه باید با او مبارزه کنید. آن مقام هرچه هم می‌خواهد بزرگ باشد، حقوق او از اجتماع تأمین می‌شود. حالا می‌خواهد آقا بالاسر باشد. از دسترنج تو و آن و او استفاده می‌کند. نوکر شماست. هرچه مقام بالا باشد، چه وزیرش، چه بالاترش، همه نانخور اجتماع هستند. موظفند به نفع اجتماع کار بکنند و اگر پایش را چپ گذاشت تمام باید با او مبارزه کنیم. عمده‌اش این است که ما همیشه خودمان ظالم‌پروریم. اگر ظالم را تنها بگذاریم هیچ کاری نمی‌تواند بکند. پس چه عالمش باشد چه مقام بالاش باشد، اگر چنانچه اشتباه کرد، خیانت کرد، جنایت کرد، دزدی کرد، برخلاف اسلام رفتار کرد، به قوانین اسلام بی‌احترامی کرد، تمام مردم و در رأسش علماء و بزرگان موظفند تودهنی به آنها بزنند. این وظیفه‌شان است برای حفظ اسلام.

بسم الله الرحمن الرحيم

سفارش می‌کنم شما را بندگان خدا که تقوا را پیشه خود کنید. از خدا بترسید. از عقاب خدا، از عذاب خدا بترسید. دنیا درگذر است. خواهی نخواهی همه ما می‌میریم. احتمالش را بدهیم که ما همه بمیریم. و مردن منحصر نباشد به اینهایی که دیدید گذاشته‌اند توی تابوت و برده‌اند توی قبرستان. شاید ما هم بمیریم. شاید اجل ما هم سر برسد و احتمال آن را بدهید که قول ۱۲۴ هزار پیغمبر و ائمه و اولیاء و صلحاراست باشد. احتمالش را بدهید که گفته قرآن راست باشد. فمن يعمل مثقال ذرة خیراً یره و من يعمل مثقال ذرة شراً یره. يك حرف هم اگر بزنی حرف تو

ضبط می‌شود. برنامه عمل است آنجا باید جواب بدهی. احتمالش را بده.

در گذشته صحبت ما در امر به معروف و نهی از منکر بوده. گفتیم که یکی از واجبات اساسی دین مقدس اسلام امر به معروف و نهی از منکر است. امر به معروف و نهی از منکر فقط وظیفهٔ عمامه بسرها نیست. همهٔ مسلمانها وظیفه دارند. منتهی علماء و دانشمندان وظیفه‌شان سنگینتر است. تمام طبقات اجتماع نسبت به همهٔ طبقات وظیفه دارند. هر مرد مؤمن و هر زن مؤمن نسبت به یکدیگر ولایت دارد، حق حکومت دارد و بایستی مراقب یکدیگر باشند. کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیت. وقتی که حدیث شریف داشت در آخر زمان مردم امر به معروف و نهی از منکر را رها می‌کنند مگر اینکه بگویند وقتی که از ضرر ایمن باشند. و دنبال عذر و بهانه می‌گردند که امر به معروف و نهی از منکر را رها کنند. دنبال بهانه می‌گردند که این واجب عظیم را ترکش نکنند. علم خوب است، اما علما که معصوم نیستند. معصومین ۱۴ نفر بودند و علمای دیگر بالاخره معصوم نیستند، اشتباه دارند، خطا دارند و وقتی از کسی می‌پرسم چرا تو سراغ ربا می‌روی، چرا فلان معصیت را کردی، جواب می‌دهد: ای آقا! فلان آقا همچی کرد! اینکه بهانه نشد. خوب، کار بد کرد. آقا علمش محترم به اندازه‌ای که علم دارد محترم، به اندازهٔ کارهای نیکش محترم. اما این کارش را بد کرد، که بهانه نباشد که آقا این کار را کرد من هم می‌کنم. اما در آخر زمان دنبال لغزشهای علماء می‌گردند و بهانه می‌گیرند و لغزشها را پیروی می‌کنند. این درست نیست. مرد مسلمان وقتی که گفت من مسلمانم باید به تمام وظائف اسلامی عمل کند و اسلام دین اجتماعی است. علاوه بر اینکه فردی موظف است خودش را اصلاح کند، نسبت به اجتماع هم وظیفه دارد. نسبت به همهٔ طبقات اجتماع. استثناء ندارد. عرض کردیم امر به معروف که می‌خواهی بکنی فقط به ضعفا فشار نیاور. همهٔ طبقات اجتماع. علماء اگر اشتباه دارند مردم وظیفه دارند تذکر بدهند. مقامات و بزرگان، بالا و پائین، همه، جلو انحرافات و جلو ظلم‌هاشان، جلو تعدی‌هایشان باید گرفته بشود. همهٔ اجتماع وظیفه دارند و در درجهٔ اول علماء و بزرگان، اگر لغزشهایی از کسانی دیدند یا چیزهایی، قوانینی بر خلاف اسلام اجراء می‌شود، تصویب می‌شود، در آنجا علماء موظفند جلوگیری بکنند. اگر جلوگیری نکنند مورد لعن خدا و پیغمبر واقع می‌شوند. حدیث از پیغمبر (ص) است: اگر بدعتها در امت من ظاهر شد بر علما است که علمشان را اظهار بکنند، و باز فرمایش امیرالمؤمنین بود که چنانچه در اجتماع ظلم و تعدی می‌شود و یک عده‌ای از مردم اجتماع گرسنگی می‌خورند، صدمه می‌خورند، حقوقشان پایمال می‌شود و یک عدهٔ دیگر مال همین ضعفا را به یغما می‌برند، علما در همچو وقتی نمی‌توانند بی‌تفاوت باشند. بایستی که قیام کنند، بگویند، به هر جوری هست مبارزه بکنند.

شما هم بایستی مبارزه کنید. متأسفانه اجتماع ما ظالم‌پرور است. شما به جای اینکه تو دهنی به ظالم بزیند به او احترام می‌کنید. به جای اینکه با او مبارزه بکنید احترام بهش می‌کنید. او در ظلمش مصرّ می‌شود. امروز دنیا دارد روی همین اجتماعات، روی همین تجلیله‌ها، روی همین احترامات می‌گردد. وقتی که با ظالم مبارزه کردی یا اقلاً تنه‌ایش گذاشتی او مجبور می‌شود بیاید

خودش را هم‌رأی اجتماع بکند. پس ما ظالم‌پروریم. پس ما خودمان گناه‌کاریم. حالا من برای تتمهٔ امر به معروف و نهی از منکر تفسیر سورهٔ والعصر به نظر می‌آید چون در دسترس همهٔ شما هست و نوعاً هم در حفظ دارید این سوره را دستور عمل زندگیتان قرار بدهید. من خیلی مختصر و مفید تفسیر سورهٔ والعصر را می‌گویم که به ذهنتان بیاید، ببینید خداوند برای ما چه وظیفه‌ای معین کرده است.

والعصر، ان الانسان لفي خسر، الا الذين آمنوا و عملوا الصالحات و تواصلوا بالحق و تواصلوا بالصبر.

خداوند تبارک و تعالی برای محکم کردن مطلب قسم می‌خورد. می‌فرماید قسم به عصر. حال عصر معنایش چیست، مفسرین در تفسیر عصر مطالبی گفته و روایاتی هم داریم. عصر تفسیر شده به عصر نبوت و پیغمبر اکرم (ص)، از باب اینکه يك عصر ممتازی بود که پیغمبر اکرم آمد برای هدایت بشر. خوب، این عصر احترام دارد. روایتی دارد به نام عصر حضرت حجت (عج). آن هم يك احتمال. احتمال هم می‌دهد مراد به عصر یعنی زمانه، روزگار. همین که خودمان همهٔ گناهان را گردنش می‌گذاریم. هر کاری می‌کنیم می‌گوئیم ای آقا زمانه اینجور است. روزگارش اینطور شده. به بابا می‌گوئی چرا دخترت را لخت می‌فرستی مدرسه؟ چرا جلوی زن و دخترت را نمی‌گیری؟ می‌گوید ای آقا! حالا عصر آپولو است، حالا دیگر زمانه پیشرفت کرده! خیال کرده با لخت کردن دخترها آپولو ساخته شد یا با مشروب‌خواری و خیانت، با دزدی، با آنکه سرمان همیشه گرم باشد به تلویزیون، به دانس و رقص، سینما و کاخ‌جوانان، به اینجور چیزها. یقیناً اروپا و آمریکا از بس کاخ جوانان ساختند، آن جوانان رفتند، پسر و دختر آنها با هم مربوط و مأنوس شدند، آنوقت هواپیمای جت یا آپولو ساختند! این اشتباه است. آپولو را با علم ساختند، با دانش ساختند. با بی‌بند و باری ملت پیشرفت نمی‌کند. اروپائیان و آمریکائیا، آنها که اهل علم و صنعت و دانش هستند خیلی با این بی‌بند و باری سرو کار ندارند. این که می‌دانید سر ما را گرم می‌کنند با این جور چیزها، می‌خواهند ما آدم نشویم، ما بیدار نشویم. ما یکوقت هوس پیشرفت نکنیم. ما مسلمانان همیشه دستمان یا به آمریکا دراز باشد یا به شوروی و تا مسلمانها و ممالک اسلامی دست گدائی‌شان به سوی آمریکا و شوروی دراز است باید تو سری‌خور باشی. اگر مسلمانها خودشان متحد شدند، وظیفه‌شان را تشخیص دادند، برای پیشرفت خودشان کار بکنند، با علم و صنعت سر و کار داشته باشند، با مطالعه سر و کار داشته باشند، جوانانشان سراغ علم بروند، دنبال دانش بروند، نه اینکه دنبال کاخ جوانان و سینما و غیره بروند. این چند روز اگر آقایان روزنامه خوانده باشند نوشته بود يك بچهٔ ۱۴ ساله کنکور قبول شد. خوب بود می‌خواندید که این بچه از ۴ سالگی پدرش به او درس داده و این بچه با او مصاحبه کردند گفته است ما تلویزیون نداریم، رادیو هم نداریم، سینما تا حالا هم نرفتم، به میدانهای ورزشی و فوتبال نرفتم، درس می‌خواندم. این بچهٔ ۱۴ ساله. پس معلوم میشود پیشرفت و ترقی و تکامل به سینما و تلویزیون نیست. اینها برای سربرد کردن است. واقعاً ما می‌خواهیم در علم و صنعت پیشرفت کنیم. کی اسلام با علم و صنعت

مخالف است؟ اسلام با بی‌بند و باری مخالف است. اسلام در وقتی طلوع کرد که در عربستان مردم فقیر بیچاره و گرفتار بودند. در یکی از جنگها يك دانه خرما سهمشان می‌شد، ظاهراً در جنگ تبوك بود، با وجود این دست دراز نکردند به دو دولت مقتدر ایران و روم آن روز که کمک نظامی از آنها بخواهند برای پیشرفت. همان مسلمانهای فقیر، با ایمان ایستادگی کردند و همان دو دولت مقتدر آن روز ایران و روم را ذلیل و مسخر کردند. برای اینکه ایمان داشتند، متکی به نفس بودند، به خودشان اتکاء داشتند. دول اسلامی امروز، ایران و مصر و عربستان، همه دول اسلامی غنی هستیم. از جهت ثروت طوری هستیم که ممالک خارج به ما احتیاج دارند. اگر ممالک اسلامی جلو نفتشان را بگیرند، اروپا بیچاره می‌شود.

حالا آمریکا باز خودش يك نفتگاهی دارد، استخراج می‌کند، اما اروپا با همه هارت و هورت و صنعتش به همین دول اسلامی احتیاج دارد. اگر نفت را اینها ببندند آنها ذلیل می‌شوند، بی‌چاره می‌شوند، آنوقت مانفت‌داریم، معادن دیگر داریم، همه‌چیز داریم، اما آنچه که اسلام خواسته است نداریم. ایمان نداریم، غیرت نداریم، خودمان را در اختیار آنها گذاشته‌ایم. آنها به جای اینکه در صنعت و اینجور چیزها به ما کمک می‌کنند برای ما کاخ جوانان می‌سازند، هی هنرپیشه برای ما می‌فرستند، هی پولهایی به ما قرض می‌دهند. قرضها هم معلوم نمی‌شود خرج چه چیزی می‌شود. خرج استادیوم و خرج چیزهای ورزشی. من نمی‌گویم ورزش چیز بدی است، اما ورزش در صورتی خوب است که همه چیزها درست باشد. ما هیچ چیز نداریم، هی بیاییم استادیوم و کاخ جوانان درست بکنیم. بالاخره مسلمانها تا مادامی که دست گدائی‌شان به آمریکا و شوروی و چین و همه اینها دراز است توسری خورند. آنها بدبختی ما را می‌خواهند. آنها خوشبختی ما را نمی‌خواهند.

خدا را قسم می‌دهم به حق محمد و آل محمد (ص) آن دول خارج که بدبختی مسلمانها را می‌خواهند و ایادی‌ای که تقویت می‌کنند آنها را و آنان را بر ممالک اسلامی مسلط می‌کنند، خوار و ذلیل بکن. خدایا به ما مسلمانها به آنهایی که شاغل مقامات اسلامی هستند قوت بده که بفهمند وظیفه‌شان این است که تقویت کنند مسلمانها را. ممالک اسلامی را به خارجیها نفروشند. خودشان را پیش آنها ذلیل نکنند. آنها بازی می‌دهند ما را، آنها خیر ما را نمی‌خواهند.

والعصر ان الانسان لفي خسرو. قسم به زمانه، زمانه که گناه نکرده. خدا به زمانه قسم می‌خورد. نگو زمانه‌اش بد است. در زمان پیغمبر اکرم خیلی زمانش بدتر بود. آن روز آن دولت مقتدر ایران که شهوترانی در آن فراوان بود، آن خسرو پرویز ۱۲ هزار زن در حرمسرایش داشت، مال مردم را به یغما می‌بردند، همه چیزها مال خودشان بود. زور و قلدری، و توی سر مردم هم می‌زدند، اما يك پیغمبر اکرم پیدا شد و مردم قدر پیغمبر اکرم را دانستند. مردم مسلمان با دست خالی، نه نفت داشتند، نه معادن داشتند، اما ایمان داشتند. يك دانه خرما می‌خورند، جنگ می‌کردند. در راه اسلام با این يك خرما مبارزه می‌کردند. ویتنامی‌ها را در نظر بگیرید، مسلمان هم نیستند. دین هم ندارند، کمونیست هستند، اما ایمان دارند، استقلال خودشان را می‌خواهند. آن

دولت مقتدر آمریکا را به زانو در می‌آورند برای اینکه غیرت دارند، به آن هدف خودشان ایمان دارند. آنوقت ما مسلمانها هی تاریخ می‌خوانیم که مسلمانهای صدر اسلام فداکاری کردند. ای قربانتان برویم اصحاب ابی‌عبدالله که چقدر فداکاری کردید! من و تو يك قدمش را حاضر نیستیم برویم. من و تو به هزار نفر ظالم و جانی تملق می‌گوئیم. برای يك نفع احتمالی، برای يك نفع احتمالی خودمان را دلیل می‌کنیم، خودمان را كوچك می‌کنیم، در صورتی که می‌دانیم ظالم است، می‌دانیم جانی است، می‌دانیم خیرما را نمی‌خواهد، اما مع ذلك خودمان را كوچك می‌کنیم. لیتنا کتا معکم اینقدر زیارت عاشورا خواندن فایده‌اش چیست؟ اینقدر گریه کردن برای ابی‌عبدالله در صورتی که از روی معرفت نباشد چه فایده دارد. گریه برای ابی‌عبدالله و یاران ابی‌عبدالله برای این است که آن غیرت اسلامی، آن حمیت اسلامی، آن شجاعت اسلامی در ما مسلمانها پیدا بشود. روحیه شجاعت و غیرت پیدا کنیم. ورورور زیارت عاشورا می‌خوانیم بعد هم همان کاری که می‌کردیم می‌کنیم. فایده ندارد. دل خوش نکنید. نه اینکه می‌گویم فایده ندارد. البته روضه خوب است. گریه خوب است. گریه برای این است که واقعاً مشخص می‌شود از اینکه يك امام حسین پسر پیغمبر حق گو و يك عده اصحاب و یارانش با اینکه کم بودند در مقابل آن دولت دیکتاتور و ظالم یزید که کافر هم نبود، به اسم اسلام، به اسم قرآن، به اسم خلافت اسلام، ریشه اسلام و اساس اسلام را می‌کند، ایستادگی کردند. یزید که اینقدر لعنتش می‌کنید چه بود؟ مگر نماز نمی‌خواند؟ چرا نماز می‌خواند. پیشنهاد هم بود. آنجا قبل از نماز یزید حضرت زین‌العابدین اجازه گرفت رفت منبر. آقای یزید پیشنهاد بود. توی محراب هم بود، قرآن هم می‌خواند. خلیفه رسول‌الله هم بود. برحسب ظاهر تظاهر به اسلام هم بود. اما مشروب‌خوار بود، قمارباز بود، سگ‌باز بود. بیت‌المال مسلمین را می‌داد به همان دوروبری‌هایش، آنوقت فقرا و ضعفا و بیچاره‌ها محروم بودند. شیعیان علی بن ابیطالب برای اینکه به علی اظهار اخلاص می‌کردند یا زندانی بودند یا تبعیدی بودند یا کشته می‌شدند. مگر یزید گناهِش بیش از این بود. خوب آن هم مسلمان بود، خوب ما که روضه می‌گیریم، گریه می‌کنیم، گریه معنایش این است که واقعاً خدا یا من متأثرم از اینکه یزیدی که شراب‌خوار است، قمارباز است، بیت‌المال مسلمین را آنجوری دارد به یغما می‌برد، این بر مسلمانها حکومت می‌کند و امام حسین و اصحابش که در مقابل چنین حکومتی قیام کرده است، برای اینکه خلافت و حکومت اسلام را به مسیر صحیح اصلی‌اش برگرداند، شهیدش می‌کنند. گریه برای این بکنید که ماها هم یاد بگیریم، درس باشد برای ما، درس فداکاری باشد، درس شجاعت باشد.

پس خدا به زمان پیغمبر قسم می‌خورد، به خاطر این است که مسلمانها بدون داشتن وسائل کافی، یعنی يك ملت ضعیف که هیچ چیز نداشتند، اما ایمان داشتند به پیغمبر، روح‌فداکاری و شجاعت داشتند، از خودگذشتگی داشتند، علیه دیکتاتوری ایران و حکومت ظالمتر روم قیام کردند و پیروز شدند، و حکومت جابر و ستم‌گر را از بین بردند. قسم به عصر و زمانه مهم است. به زمانه فحش ندهید. نگوئید زمانه بد است. تو و من بد هستیم من آخوند فقط حرف می‌زنم، اهل عمل

نیستم، در صورتی که من آخوند خیلی وظیفه دارم. من باید از اسلام دفاع بکنم. در مقابل بدعتها سکوت اگر بکنم گناهکارم. اگر سکوت بکنم و مردم سکوت مرا حجت بگیرند اگر وظیفه من بود چرا این آقا نمی گوید، همان سکوت من گناه است. جنایت است. يك وقت نباید سکوت کرد. سکوت از خیلی کارها گناهی بیشتر است. پس من بدم، شما بدید، اگر کسی وظیفه اش را عمل کرد، از او حمایت نمی کنید بلکه تخطئه می کنید، متلك هم به او می گوئید. می گوئید ای آقا! سرت درد می کند. برو تو کار خودت را بکن. این هم کار من است. اسلام برای همه افراد وظیفه قرار داده که نسبت به حق و دین حامی باشیم. پس قسم به زمانه اهمیت دارد. دنباله اش باشد برای آینده. انشاءالله.

کوشش مذبحخانه

همان وقتها که آیت الله منتظری در نجف آباد به اقامه نماز جمعه همت گمارده بود دشمن اسلام در راه خارج کردن وی از صحنه مبارزه و از میان مردم فعالیت های زیادی می نمود. از جمله کوشش های مذبحخانه مزدوران امپریالیسم تهیه مقدمه برپایی يك نماز جمعه دیگر در نجف آباد بود. از این راه که روز جمعه ای از همان جمعه ها، اداره اوقاف با همکاری ساواک ددمنش اصفهان، یکی از مساجد بزرگ شهر - مسجد بازار نجف آباد - را به جایگاه مبارزه با آیت الله منتظری تبدیل کرد. آنها فکر می کردند مردم اینقدر ساده و کج فهم هستند که بین نماز جمعه آیت الله منتظری و دیگر نماز جمعه ها در آن زمان تفاوتی قائل نباشند اما کج فهمی و نادانی خودشان باعث شد که سیدی از وابستگان و جیره خواران اوقاف را به امامت جمعه برگزیدند و با ارسال کارتهای دعوت برای فرهنگیان، کارمندان ادارات و کسان دیگر، آنها را به اقامه نماز جمعه در بازار فراخواندند.

از آنجا که در يك شهر بیش از يك نماز جمعه نمی تواند برقرار گردد، آیت الله منتظری با اعتقاد کامل به شکست مزدوران در این حيله جدید، برای اطمینان خاطر مردم قبلاً اعلام کرده بود چنانچه اوقاف اقدام به برگزاری نماز جمعه نمود ما نماز را در بیابانهای اطراف شهر خواهیم خواند.

اما کوشش ساواک و اوقاف به دلیل ضد اسلامی و ضد مردمی بودنش با شکست روبرو گردید و آنها با چشمان دریده دیدند که مردم فوج فوج از جلو بازار می گذرند و در مسجد جامع و خیابان حاشیه آن برای اقامه نماز جمعه به امامت آیت الله منتظری جمع می گردند. اقتضای حادثه بقدری بود که حتی با پخش اذان نماز از گلدسته مسجد بازار، شخص پیشنماز هم به مسجد نیامد. یعنی با وجودی که اذان مسجد بازار گفته شد، يك نفر هم برای نماز تقلبی به مسجد نرفت.

«غیر از خدا هر آنچه که خواهی شکست توست» و دستگاه دماغ سوخته، نقش خود بر آب دید و به دنبال توطئه های دیگر رفت.

توطئه فریب مردم

وقتی که رژیم سفاک پهلوی در منزوی کردن و بازداشتن آیت‌الله منتظری از مبارزه ناامید گشت، راه را برای بدنام کردن و ضد دین جلوه دادن او گشود و با تبلیغات فراوان، با تفرقه انداختن بین روحانیت، بویژه ایجاد خصومت و کینه بین آخوندهای مرتجع و روحانیت مبارز به منزوی کردن این روحانی مبارز برخاست. برای این کار از هر وسیله‌ای در برنامه‌های شوم و نامیمون خود استفاده می‌کرد؛ همچون سوءاستفاده از مسائلی که می‌توانست برای پیشبرد اهداف اسلام مؤثر واقع گردد، اما متأسفانه به دست مغرضین و ناآگاهان اثرپذیری آن وسایل به کاستی کشانده شد.

از جمله: همان سالها که آیت‌الله منتظری در نجف‌آباد به آگاه کردن مردم از طریق نماز جمعه مشغول بود و شاه و اربابانش به بسیج رجاله‌ها و اوباشان - برای برپا کردن ننگواره ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی شوم، و در کنار استخوانهای پوسیده هم قماشان خویش - سرگرم بود، کتابی پیرامون قیام شکوهمند امام حسین (ع) در تعقیب اندیشه‌های روحانیت مبارز مبنی بر تشکیل حکومت اسلامی، به قلم و تحقیق یکی از روحانیون مبارز و آگاه نجف‌آباد، تحت عنوان شهید جاوید منتشر گردید.

این کتاب، آن گونه که صاحب‌نظران گفته‌اند، از پختگی يك تحقیق ناب و ارزشمند برخوردار و نویسنده‌اش - حجة‌الاسلام حاج‌شایخ نعمت‌الله صالحی نجف‌آبادی - به دانش تاریخ و حکمت تحقیق آراسته است. نویسنده شهید جاوید برای خلق این اثر به روال بسیاری از تاریخ‌نویسان، گفته‌های پیشینیان را بدون ارزیابی کنار هم قرار نداده که کتابی چاپ کرده باشد. برای این کار رنج هفت‌سال مطالعه و بررسی و مقایسه روی متون اولیه تاریخ اسلام را به جان خویش خرید و احادیث را به محك حقایق سنجیده و گفته‌ها و نوشته‌های مجعول و نادرست را برای ارائه به نسل جوان روا نداشته و از خلیه‌ها در این باره انتقاد نموده و آنچه که از لحاظ صحت سند و نظر به ائمه هدی نزدیکتر و صحیحتر بوده مورد استفاده در تدوین شهید جاوید قرار داده است. قبل از اینکه به جریان سوءاستفاده از شهید جاوید برای تضعیف آیت‌الله منتظری بپردازم لازم می‌دانم آنچه را که نویسنده این کتاب درباره هدف نوشتن آن گفته است نقل کنم تا معلوم گردد چگونه دستگاه ستم پهلوی و ایادی آگاه و ناآگاه او از يك وسیله حق برای کوبیدن حق استفاده می‌کرده‌اند.

صالحی نجف‌آبادی پیرامون هدف از نوشتن کتاب شهید جاوید می‌گوید:

«اینجانب در طول مطالعات خود در موضوع قیام مقدس امام حسین (ع) دریافتم که گروهی از نویسندگان شیعه می‌گویند: امام حسین (ع) به قصد اینکه خود و یارانش را به کشتن بدهد و خانواده‌اش را به اسیری دشمن بکشانند حرکت کرد تا بدین وسیله حکومت را رسوا و اسلام را یاری کند و نیز گروهی از نویسندگان اهل سنت می‌گویند: امام در حرکت خود اشتباه کرد و بعضی از آنان از این هم فراتر رفته و می‌گویند: حرکت امام بر خلاف مصالح اسلامی بوده و لازم بود

سرکوب شود.

از نظر اینجانب این هردو نظر برخلاف حقیقت بود و علاوه بر این نتیجه هر دو نظر این بود که نهضت امام حسین (ع) قابل پیروی و بهره‌برداری نباشد زیرا اگر امام به قصد کشته شدن حرکت کرده باشد هرگز دیگران نباید چنین کاری را بکنند و نیز اگر آنحضرت اشتباه کرده یا حرکتش برخلاف مصالح اسلام بوده پیروی از او جایز نخواهد بود و در این صورت جامعه اسلامی نمی‌تواند از قیام مصلحانه امام بهره‌برداری و پیروی کند و این خسارت بزرگی است برای جهان اسلام. نگارنده پس از مطالعات پی‌گیر و خسته‌کننده دریافته بودم که نه امام حسین (ع) به قصد کشته شدن و به اسیری دادن خانواده‌اش حرکت کرده و نه در این حرکت اشتباه کرده و نه حرکت آنحضرت برخلاف مصالح اسلام بوده است بلکه نهضت امام یکی از انسانی‌ترین نهضت‌هایی است که در راه آزادی انسانها از قید ستم و دیکتاتوری و حرکت در جهت خوشبخت کردن مردم انجام گرفته و می‌تواند تا قیامت راهنمای همه جوامع بشری باشد و همه ملت‌های تحت ستم می‌توانند از آن پیروی و بهره‌برداری کنند چنانکه خود امام نیز فرمود: «لکم فیّ اسوة، عمل من در این قیام سرمشق شماست» و چون از طرفی این مطلب که قیام امام قابل پیروی است برای من مثل آفتاب روشن بود و از طرفی اینکه قیام فرزند پیغمبر از قابلیت پیروی ساقط شود قابل تحمل نبوده از اینرو تصمیم گرفتم محصول مطالعات خود را بصورت کتابی منتشر کنم و این نسبت را و به تعبیر صحیح‌تر این تهمت را که امام حسین (ع) به قصد اینکه خود را به کشتن بدهد حرکت کرد و نیز این تهمت را که آنحضرت در قیام خود اشتباه کرد یا قیامش برخلاف مصالح اسلام بود از ساحت مقدس امام دور کنم تا چهره واقعی قیام عظیم و انسانی فرزند پیغمبر (ص) شناخته شود و همه جوامع گرفتار ظلم و دیکتاتوری بتوانند از آن پیروی کنند. این بود هدف من از نوشتن کتاب شهید جاوید»^۱.

نویسنده شهید جاوید برای کار «غبار رویی از گفته‌ها و نوشته‌های شاگردان امام جعفر صادق (ع)» و بیان حقایق يك حرکت انسانی - الهی، لازم دیده که کتاب را قبل از چاپ در اختیار عده‌ای از دانشمندان اسلام از جمله حضرت آیت‌الله منتظری و حضرت آیت‌الله مشکینی اردبیلی قرار دهد تا مطالعه کنند. نامبردگان هم با دو تقریظ کتاب شهید جاوید را مورد تأیید قرار داده‌اند، به امید اینکه اگر بین نویسندگان دیگر دست‌اندرکاران بررسی تاریخ اختلافی پیش آید اولاً اختلاف نظر باشد، نه خصومت؛ ثانیاً در محدوده حوزه علمیه و علمای اسلامی باشد نه در میان مردم کوچه و بازار و عوام.

اما دشمن حيله‌گر و غدار، در ایام برگزاری ننگ‌واره ۲۵۰۰ ساله، بیش از هر وقت دیگر به اختلاف و کشمکش روحانیت و عناصر حوزه‌های علمیه می‌اندیشید. تا اینکه شهید جاوید یعنی

۱- نقل از جزوه «پیرامون نظر دکتر شریعتی دانشمند مجاهد درباره کتاب شهید جاوید» صفحه ۷۶.

این اثر تحقیقی و با ارزش، وسیله خوبی برای پیشبرد اهداف نامقدس او گردید. دشمن نیازمند برنامه‌ای بود که روحانیت را به خود مشغول دارد تا به عظمت فقر ملت که ناشی از فشار دولت است نیندیشد، تا مالیاتهای کمرشکنی که در این بحبوحه بر مردم تحمیل شده است به گوش آنها نرسد، تا جنایات شاه دیوانه در مقابل آنان مجسم نشود، تا آنها را به نابودی بکشاند و برای این کار - به قول یکی از سران ساواک - به جای اینکه سنگی به میان جعبه تخم‌مرغ بیندازد تا همه بشکنند، خود تخم‌مرغها را به هم می‌زند تا یکدیگر را بشکنند. برای این منظور شهید جاوید را برگزید زیرا که:

اولاً هدف اصلی کتاب بیان قیام امام حسین و حرکتش بسوی دشمن برای نابودی او و تشکیل حکومت اسلامی به رهبری پاکان جامعه می‌باشد، که این شیوه بررسی و نتیجه‌گیری برای حکومت طاغوتی پهلوی خوشایند نبود.

ثانیاً نویسنده‌اش از طرفداران امام خمینی و از مبلغین مرجعیت عامه معظمه می‌باشد که باید از طرف دستگاه کوبیده شود.

ثالثاً دو تقریظ از مدرسین بنام حوزه علمیه و از مجاهدان شهیر و از رهروان پیشتاز راه امام خمینی و از اسلام‌شناسان بزرگ جامعه شیعه، کتاب را معتبرتر می‌کند و رژیم سالهای سال بود که می‌کوشید این دو عنصر پاک را بدنام و منزوی سازد.

توطئه آغاز گشت، اختلاف نظر بین صاحب‌نظران به خصومت تبدیل یافت و روحانیون حوزه علمیه به دو گروه طرفدار شهید جاوید و مخالف شهید جاوید تبدیل شدند و اندک‌اندک در حساسترین موقع زمانی که مدافعان اسلام می‌بایست دشمن را می‌بایند و مردم دیگر می‌بایست در سنگر مبارزه با شاه جنایتکار و خیمه‌شب‌بازی او باشند، بر سر مسأله علم امام حسین (ع) که مخالفان ادعا داشتند که شهید جاوید آن را منکر شده، به بحثها و جدلهای بی‌فایده و بی‌ارزش و تفرقه‌انداز می‌پرداختند.

در این میان روحانیونی بودند که بر کنار از صحت و سقم مطالب کتاب در فکر مبارزه با دستگاه و در واقع نگران تفرقه بین روحانیون بودند. و حتی در زدودن تفرقه و ایجاد اتحاد فعالیت‌هایی هم می‌نمودند. از جمله در اردیبهشت سال ۱۳۵۰ اعلامیه شماره یک نهضت رهایی‌بخش روحانیون قم در حوزه پخش گردید که در آن نوشته بود: «روحانیون در طول تاریخ ثابت کرده‌اند که همکار ملت ستم‌دیده و دشمن دستگاه امپریالیسم هستند، در جاییکه دانشجویان دانشگاه طهران با خون خود، زندان و شکنجه را متحمل شده‌اند شما روحانیون مدتی

۱- طرفداران نظریه نویسنده شهید جاوید علاوه بر پذیرش منطق عمومی متن کتاب بر این مسأله تأکید دارند که امام خمینی ضمن سخنرانی تاریخی خود در نجف اشرف که برای محکوم کردن جشنهای تحمیلی دو هزار و پانصد ساله شاهنشاهی ایران ایراد شد فرمودند: «امام حسین (ع) مسلم را فرستاده است که مردم را دعوت به بیعت کند و حکومت اسلامی تشکیل بدهد و حکومت فاسد را از بین ببرد.» (جزوه مذکور صفحه ۵).

است به خاطر کتابی اختلافاتی به راه انداخته‌اید، هر چند کتاب اشکالاتی دارد ولی باید باعث اشکال را برطرف کرد. شما با این اختلاف به دستگاه می‌فهمانید روحانیون یار و یاور آنها هستند. دانشجویان مدتی است به پاخاسته و علیه دستگاه حاکمه جبار قیام کرده ولی شما را به جان هم انداخته و آنها استفاده خودشان را می‌کنند».

آری، وقتی آیت‌الله منتظری از کتاب شهید جاوید به نیکی یاد کرده، رد کردن و به مسخره گرفتن مطالب آن و تهمت و افترا بستن به نویسنده‌اش، مستقیماً متوجه آیت‌الله منتظری هم می‌شد و با این کار او هم مورد تهاجم تهمت و بی‌انصافی قرار می‌گرفت.

خوب به یاد دارم عوامل ساواک اعلامیه‌هایی در سطح شهر نجف‌آباد بطور ناشناس منتشر می‌کردند که آیت‌الله منتظری را حامی و معرف بی‌دینان و زندیقان و وهابیان معرفی کرده بود. اعلامیه‌های دست‌نویس - که بعدها معلوم شد زیر نظر مستقیم همان سید اداره اوقافی که روزی بنا بود پیشنهاد نماز جمعه کذائی مسجد بازار شود، تهیه شده بود - برای مغازه‌داران و دیگر طبقات می‌فرستادند که مضمون آن هشدار به مردم بود که پشت سر کسی که از صالحی نجف‌آبادی حمایت کرده و کتابهای دکتر شریعتی را به کتابخانه مدرسه علمیه نجف‌آباد هدیه کرده نمی‌شود نماز خواند و...

و البته مردم نجف‌آباد آگاهتر از آن بودند که فریب عناصر شناخته شده را به آسانی بخورند، چرا که يك سید معمم عیاش و فاسد و وابسته معلوم الحال که به هنگام ورود هویدای معدوم از او استقبال می‌کرد - و در دادگاه انقلاب به جرم مفسد فی الارض بودن اعدام شد - او را مخالفت با شهید جاوید و آیت‌الله منتظری را در شهر منتشر می‌کرد.

توطئه بدنام کردن آیت‌الله منتظری از طریق کوبیدن شهید جاوید ادامه یافت تا در جریان قتل مرموز آیت‌الله سیدابوالحسن شمس‌آبادی اصفهانی به اوج خود رسید و آن را به تبلیغات وسیعی که علیه جوانان مبارز آن منطقه آغاز شده بود متصل ساختند؛ برنامه‌ای که به‌عنوان «هدفها» مشهور گشت و مدتی وسیله خوبی گردید برای رژیم در جهت اختلاف افکنی بین مسلمانان و نابودی روشنفکران مسلمان.

در این نمایشنامه مضحکی که رژیم سفاک پهلوی ترتیب داده بود و همه‌اش برای تضعیف جبهه امام خمینی بود، مخالفان حرکت‌های اصیل اجتماعی و آنهایی که نمی‌توانستند مبارزه علیه رژیم سفاک پهلوی را ببینند شرکت داشتند. به عبارت دیگر مخالفت و موافقت حول محور شهید جاوید، مخالفت و موافقت فکری و علمی و تاریخی کمتر بود و عموماً این اختلافها به اختلاف بینشهای سیاسی تبدیل شده بود.

به هر صورت علیرغم همه ادعاهای دینداری و طرفداری از ولایت و حمایت از اسلام و تشیع

۱- این شخص در همان زمان طی يك درگیری با چند تن از جوانان نجف‌آباد مضروب و پس از يك سال بستری

شدن در بیمارستان مرد. رجوع شود به ملحقات.

که در این مسأله وجود داشت، پس از پیروزی انقلاب مدارکی از ساواک به دست آمده که نشان می‌دهد در جریان شهید جاوید ساواک چگونه نقش بازی می‌کرده است. با وجودی که تعداد اسناد در این باره زیاد است، در اینجا چند نمونه از آن را بدون توضیح برای خوانندگان عزیز و علاقمندان به تاریخ انقلاب اسلامی نقل می‌کنم.

۱-

نخست‌وزیری

سازمان اطلاعات و امنیت کشور

به: ریاست ساواک استان اصفهان. از: اداره کل سوم

دربارۀ شیخ حسینعلی منتظری - عطف به ۵/۲۵۷۲۹ - ۴۹/۱۲/۲۰

اخیراً شخصی به نام شیخ نعمت‌الله نجف‌آبادی کتابی تحت عنوان شهید جاوید چاپ و منتشر ساخته که در آن مطالبی بر خلاف عقاید شیعه و در رد علم غیب ائمه درج نموده و شیخ حسینعلی منتظری مقدمه‌ای بر آن کتاب نوشته و این امر موجب ناراحتی طلاب و روحانیون قم را فراهم آورده است به نحوی که اعلامیه‌هایی علیه آنان چاپ و توزیع کرده‌اند. خواهشمند است دستور فرمائید با استفاده از جریان فوق و اشاعۀ آن نسبت به بهره‌برداری از این موضوع علیه منتظری اقدام و نتیجه را اعلام نمایند.

مدیر کل اداره سوم - مقدم

۱۲/۲۶ - امضا

۲-

نخست‌وزیری

سازمان اطلاعات و امنیت کشور

از: ۳۱۲ - گزارش - تاریخ ۵۰/۷/۱۲

دربارۀ استفتائیه‌های طلاب و روحانیون از مراجع تقلید درمورد کتاب شهید جاوید

محترماً به استحضار می‌رسد:

همانطور که قبلاً بعرض رسیده انتشار کتاب شهید جاوید توسط صالحی‌نجف‌آبادی در بین علما و روحانیون در شهرستانهای مذهبی سر و صدائی ایجاد و اکثر روحانیون از انتشار کتاب مزبور که در آن اطلاع امامان از عالم غیب نفی گردیده ناراحت و آن را مخالف با شئون مذهب دانسته‌اند. اینک ساواک اصفهان گزارش نموده است که عده‌ای از طلاب و روحانیون نامه‌های استفتائیه‌ای به... و... و... نوشته و از مشارالیهم خواسته‌اند که نظریات خود را در مورد طبع و انتشار مطالب کتاب شهید جاوید در ذیل استفتائیه‌ای بیان نمایند که علماء فوق‌الذکر نویسنده کتاب و تقریظ‌نویس آن (حسینعلی منتظری) را منحرف خوانده و خواسته‌اند که از مطالعه این گونه نوشته‌ها خودداری نمایند.

ریاست ساواک استان اصفهان

شماره

تاریخ

پوست

سازمان اطلاعات امنیت کشور
ک. د. د. ک.

از اداره کاسوم

در باره شیخ حسنعلی منتظری

عصاف به ۲۵۷۲۹/۵ - ۴۹/۱۲/۲۰

اخیرا شخصی بنام شیخ نعمت اله نجف آبادی کتابی تحت عنوان شهید جاوید چاپ و منتشر ساخته که در آن مطالبی برخلاف عقاید شیعه و در رد علم غیب ائمه درج نموده و شیخ حسنعلی منتظری متدله ای بر آن کتاب نوشته و این امر موجب ناراحتی طمسلاطی روحانیون قم را فراهم آورده است. بنحوی که اعلامیه عافی علیه آنان چاپ و توزیع کرده اند. خواهشمند است دستور فرمائید با استفاده از جریان فوق و اشاعه آن نسبت به بهره برداری از این موضوع علیه منتظری اقدام و نتیجه را اعلام نمایند.

مدیرکل اداره سوم - مقدم

۱۴/۱۲/۲۰

گیرنده:

ریاست ساواک قم بهروز ۱۴۳/۵۱۳۶/۳ - ۴۹/۱۲/۴ جهت اطلاع و اقدام لازم

و اعلام نتیجه به ریاست ساواک تهران

در باره شیخ حسنعلی منتظری
در باره شیخ حسنعلی منتظری
در باره شیخ حسنعلی منتظری

۲-۵۴-۲
۴۹/۱۲/۲۰

سازمان اطلاعات امنیت کشور
ک. د. د. ک.

۴۶-۱۱۶
۵۷۱۹۸



ساواک مزبور افزوده استفتائیه‌های فوق‌الذکر به صورت فتوکپی در اصفهان و نجف‌آباد به صورت پراکنده پخش گردید و به علت هزینه‌ای که جهت تهیه کننده داشته کمتر در دسترس همگان قرار گرفته است و افزوده چنانچه اقدامی به عمل آید که کلیه روحانیون و متعصبین مذهبی از نظریات نویسنده کتاب و علماء آگاه گردند و این نوشتجات به صورت دفترچه‌ای چاپ گردد بهره‌برداری قابل توجهی برای تضعیف طرفین خواهد گردید.

نظریه: با توجه به مراتب بالا چنانچه اقدام به چاپ استفتائیه‌های مذکور به صورت دفترچه‌ای گردد موقعیت حسینعلی منتظری و گلپایگانی و دیگر طرفداران خمینی بیش از پیش در اصفهان، نجف‌آباد، قم و سایر شهرستانهای مذهبی تضعیف خواهد شد. مستدعی است در صورت تصویب از طریق اداره کل پنجم نسبت به چاپ استفتائیه‌ها که مقدمه‌ای به شرح پیوست به آن ضمیمه گردیده اقدام و جهت توزیع به ساواکها ارسال گردد.

اقدام کننده: وثوقی - امضا - ۵۰/۷/۱۲

بخش ۳۱۲ - حسینی - امضا - ۵۰/۷/۱۳

معاون اداره یکم عملیات و بررسی - مبینی - امضا - ۷/۱۵

رئیس اداره یکم عملیات و بررسی - جوان - امضا - ۵۰/۷/۱۹

گزارش خبر - تاریخ ۵۱/۱/۲۹

-۳

موضوع: انعکاس پخش جزوات شهید جاوید در شهرستان قم.

پس از پخش جزوات استفتائیه‌های علماء در مورد کتاب شهید جاوید در اصفهان و حومه پاره‌ای از طلاب که از قم به اصفهان آمده بودند و جزوات فوق را دریافت داشته بودند آنها را با خود به قم برده و در اختیار سایر طلاب گذارده‌اند که نتیجتاً اکثریت طلاب طرفدار کتاب شهید جاوید و پیروان خمینی و منتظری در قبل از ماه محرم گذشته به منزل آیت‌الله گلپایگانی حمله‌ور شده و قصد کشتن او را کرده‌اند، بطوری که يك روز آیت‌الله گلپایگانی در منزل خود و در حضور اجتماع طلاب فریاد برآورده است که مرا راحت بگذارید و اگر قصد کشتن مرا دارید من در اختیار شما هستم.

نظریه شنبه: ۱- پخش جزوات فوق‌الذکر دو دستگی عجیبی بین طلاب قم به وجود آورده بطوری که افکار آنان از همه جا قطع و فقط متوجه این نشریه گردیده است. ۲- سرو صدائی که درباره این موضوع در قم بوجود آمده در هنگام ماه محرم و صفر که طلاب برای وعظ و تبلیغ به سایر شهرستانها من جمله خوزستان رفته‌اند در آن مناطق نیز این مطلب عنوان شده است.

نظریهٔ یکشنیه: توسط یکی از همکاران مقداری دیگر از استفتائیه‌ها در قریهٔ قهدریجان پخش که اثر مطلوبی داشته است.

دانشگر

-۴-

به: ریاست ساواک کلیهٔ مراکز. از: ادارهٔ کل سوم (۳۱۲) - ۳۱۲/۸۰۹۴ - ۵۰/۹/۳۰ - دربارهٔ: استفتائیه‌های روحانیون از مراجع تقلید در مورد کتاب شهید جاوید.

بدین وسیله ۲۰۰۰۰ جلد جزوهٔ فوق‌الذکر به پیوست ارسال خواهشمند است دستور فرمائید با استفاده از منابع مورد اعتماد و سایر امکانات موجود بطور غیر مستقیم و به نحوی که دخالت ساواک در توزیع آن به هیچ وجه اشاعه نیابد نسبت به پخش جزوهٔ مذکور در بین افراد و گروه‌های متعصب مذهبی و روحانیون افراطی منطقه اقدام و نتایج حاصله را ضمن اعلام چگونگی عکس‌العمل خوانندگان جزوهٔ مزبور به این ادارهٔ کل منعکس نمایند.

مدیر کل ادارهٔ سوم - مقدم

توطئهٔ تطمیع

قبل از اینکه رژیم فاسد حاکم بکوشد آیت‌الله منتظری را از طریق اعمال فشارهای طاقت‌فرسا و از راه فریب ملت با تهمتهای ناروا و بدنام کردن چهره‌اش او را منزوی و وادار به ترك دخالت در سیاست کند - که البته آرزوی آن را همراه خیلی پندارهای دیگر به گور برد - يك سری فعالیت‌های گسترده‌ای را جهت چنین خواسته‌هایی شروع کرده بود. بر همگان آشکار است که رژیم سفاک پهلوی برای نابودی اسلام و بد جلوه دادن آن به جهان کوشش‌های فراوانی به عمل آورده است و چنانچه تصمیم به کاری به نام گسترش اسلام و حفظ کيان اسلام می‌گرفت در پرتو خصلت ضد اسلامی خود به تعقیب همان هدف که تضعیف اسلام و مسلمین بود می‌پرداخت.

در همان سالهای شروع انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی، دولت به اشاره و دستور شاه تصمیم به احداث يك دانشگاه و مجتمع بزرگ اسلامی می‌گیرد تا از این طریق هم به فریب ملت ایران و امت اسلام بپردازد و هم حوزه‌های علمیهٔ دروس قدیم را که در آن جوانان با نهایت تنگدستی به تحصیل علم و کسب روشهای مبارزه روز می‌گذرانند، به تحدید و نابودی بکشاند و هم اسلامی که حامی و توجیه‌کنندهٔ کارهای او باشد تبلیغ نماید.

در این هنگام سفرهٔ ترغیب و تطمیع را به پیش بزرگمرد حوزهٔ علمیهٔ قم می‌گسترانند و برای شکار این شجاع خستگی‌ناپذیر دام ریاست می‌نهد، اما شیر بیشهٔ پاکبها و رادمردیها با هوشیاری تمام آن را به هیچ می‌نگرد و قهرمانانه صلاهی مبارزه با رژیم سر می‌دهد. ابلهانی چند پیشنهاد ریاست آیت‌الله منتظری را برای مجتمع اسلامی (ضد اسلامی) که در

ارسلت

به ریاست ساواک

شماره

تاریخ

پیوست

از اداره کل سوم (۳۱۲)

درباره: استفتائیه های روحانیون از مراجع تقلید در مورد کتاب

شهید جاوید

بدینوسیله **حدا** جلد جزوه فوق الذکر پیوست ارسال خواهشمند است
در صورت فرمائید با استفاده از منابع مورد اعتماد و سایر امکانات موجود بطور
فیرمستقیم و بنحویکه در خالت ساواک در توزیع آن بهیچوجه اشاعه نیابد
نسبت به پخش جزوه مذکور در بین افراد و گروههای متعصب مذہبی و
روحانیون افراطی منطقه اقدام و نتایج حاصله را از من اعلام چگونه
عکس العمل خوانندگان جزوه مزبور باین اداره کل منعکس نمایند.

مدیرکل اداره سوم - مقدم

۳۱۲/۱۰۹۴

۳-۹-۵۰



۳۸۳۵۶

۲۷۸۹۸

طرح دولت بود به بت بزرگ «آریامهر» می‌دهند و پس از تأیید گرفتن از او برای تهیه مقدمات آن روانه قم می‌گردند. برای اجرای آن به یکی از علمای مشهور که مورد احترام آیت‌الله منتظری است متوسل می‌شوند و از او می‌خواهند که این امر را به آیت‌الله منتظری بقبولاند. آن عالم مشهور سرآمد در منقول و معقول هم، با همه تقوی و دانش، در تنگنای صداقت و سادگی و شاید وعده و وعیدهایی قرار گرفته قبول وساطت می‌کند و پیام دولت را به آیت‌الله منتظری می‌رساند. آیت‌الله منتظری با همه احترامی که برای پیام‌آور قائل است با تعجب تمام از اینهمه سادگی و خوش‌باوری به کنایه با تعبیری نه زیبا، اما پر معنا و پر از درس، او را از ادامه اصرار در کاری که قبول نموده باز می‌دارد:

«مگر بچه شده‌ای؟!»

این جواب دندان شکن، آب سردی بر دست رژیم ریخت، تا دیگر از این راهها برای بازسازی بزرگان از مبارزه استفاده نکند. پس از مدتی که امام خمینی برای کسب اطلاع از وضع، از آیت‌الله منتظری سؤال می‌کنند تازه چه خبر، وی خبر فوق را برای امام بیان می‌دارد و امام هم حسن نظر و هوشیاری و اعتقاد شاگرد وفادار خویش را به عظمت تحسین می‌کند. عاملان رژیم با شنیدن پاسخ منفی از مجاهد نستوه آیت‌الله منتظری بنای فشار و اعمال زور را برای شکستن او به کار گرفتند و آنچه که در مدت هفده سال بر سر این مرد مبارز آوردند عکس‌العمل همان «نه» ای بود که از او دریافت داشته بودند.

تلاش تضعیف

گاهی اوقات انسان فکر می‌کند چطور می‌شود عده‌ای از انسانها که برای يك هدف نامقدس تلاش می‌کنند به درجه‌ای از رذالت و خباثت برسند که نه تنها نام انسان بلکه نام حیوان هم برای آنان زیاد است.

عناصر پلید ساواک جهنمی رژیم پهلوی چگونه به آن درجه از پستی تنزل کرده بودند که با آنکه می‌دانستند «ساواکی بودن» چقدر برای مردم تنفرانگیز است، باز بدان تن داده در آن خدمت می‌نمودند.

این فکر به نظر انسان می‌رسد که شاید آنها نمی‌دانستند، ولی اسناد بدست آمده شرح می‌دهد که خود عوامل و سردمداران ساواک می‌دانستند این مجموعه عناصر پلید برای مردم تا چه حد غیر قابل تحمل است، تا آنجایی که اگر می‌خواستند کسی را بدنام کنند فوراً شایع می‌کردند که فلانی با ساواک همکاری دارد.

از جمله، این نیرنگ خائثانه را در مورد حضرت آیت‌الله منتظری به کار بردند. چقدر نیرو به کار بردند و چقدر فعالیت کردند تا از طریق عوامل خود در جامعه بگسترانند که منتظری با ساواک رابطه دارد و از این طریق موقعیت او را تضعیف نمایند. زهی خیال باطل.

من تعداد زیادی مدرک در اختیار دارم که نشان می‌دهد زمانی که حضرت آیت‌الله منتظری به

نجف‌آباد تبعید بودند، ساواک طرق مختلفی را برای «ساواکی» جلوه دادن آیت‌الله منتظری انتخاب کرده بود. اما خود اذعان دارد که این حیلۀ هم‌کار ساز نشد و این روش هم جهت منزوی کردن و به نابودی کشاندن این مبارز خستگی‌ناپذیر و این شیر مقاوم و خروشان مانند روش‌های دیگر پوسیده و بی‌اثر است.

متأسفانه بعضی از اسناد موجود یکطرفه است. مثلاً معلوم نیست که ساواک اصفهان در مورد ایشان چه مطالبی را برای ساواک مرکز نوشته‌اند که آنها جواب داده‌اند فلان کار یا فلان روش را انجام دهید. با این وجود آنچه که موجود است مطلب مورد نظر را بیان می‌کند.
به این اسناد توجه فرمائید:

نخست‌وزیری

سازمان اطلاعات و امنیت کشور

به: ریاست ساواک قم - از: اداره کل سوم (۳۱۶)

درباره شیخ حسینعلی منتظری عطف به ۴۹/۷/۱۶-۲۱/۳۲۰۳

خواهشمند است دستور فرمائید به منظور تضعیف نامبرده بالا به نحو غیر محسوس بین روحانیون شایع نمایند مشارالیه با ساواک رابطه و همکاری دارد و به همین جهت پس از دستگیری بلافاصله آزاد و به نجف‌آباد عزیمت کرده است. نتیجه اقدامات را اعلام دارند.

مدیر کل اداره سوم - مقدم

امضا - ۴۹/۷/۱۹

نخست‌وزیری

سازمان اطلاعات و امنیت کشور

از ۳۱۶ - گزارش

درباره شیخ حسینعلی منتظری به عرض می‌رساند.

نامبرده بالا که از روحانیون افراطی و دارای سابقه محکومیت می‌باشد پس از فوت آیت‌الله حکیم در زمینه انتخاب آیت‌الله خمینی به عنوان مرجع تقلید فعالیت‌هایی نموده که از طریق ساواک قم دستگیر و پس از سپردن تعهد مبنی بر اقامت دائم در شهرستان نجف‌آباد و عدم فعالیت خلاف مصالح کشور به آن شهرستان عزیمت نموده است. به ساواک اصفهان اعلام گردید ضمن مراقبت دقیق از وی ترتیبی داده شود هر پانزده روز یک بار رئیس بخش امنیت داخلی در منزل منتظری با او ملاقات و چنانچه مطالبی دارد عنوان کند و به منظور تضعیف نامبرده به نحو کاملاً غیر محسوس شایع نمایند که با ساواک همکاری دارد. اینک ساواک اصفهان اعلام می‌دارد روز ۴۹/۴/۲۸ رئیس بخش امنیت داخلی آن ساواک به نجف‌آباد عزیمت و در حضور سه نفر از طلاب محلی به مدت دو ساعت در زمینه‌های مختلف از جمله بهائیت مذاکره نموده و مذاکرات به نحوی صورت گرفته که در بین حاضرین وانمود شد مشارالیه مورد حمایت دستگاه بوده و ارتباط نیز با ساواک دارد. نامبرده

به ریاست ساواک قم
جیلی خفگی ماهه
 شماره
 تاریخ
 پیوست
 سازمان اطلاعات امنیت کشور
 ساواک
 از ادراک کل سوم (۳۰۶۰۰)

درباره شیخ حسینعلی منتظری

عطف به ۴۹/۷/۱۶ - ۲۱/۳۲۰۳

خواهشمند است دستور فرمائید بمنظور تضعیف نامبرد مهلا بنحو
 غیر محسوس بین روحانیون شایع نمایند مشارالیه با ساواک رابطه
 و همکاری دارد و به همین جهت پس از دستگیری بلافاصله آزاد و به
 نجف آباد عزیمت کرده است. نتیجه اقدامات را اعلام دارند.

مدیرکل ادراک سوم - مقدم

[Handwritten signature]
 ۱۹/۷/۶۰

مسئول بررسی اوانی

[Handwritten signature]
 رئیس بخش ۳۱۲ - از غنچه سر

رئیس اداره یکم عملیات و بررسی - جوان

۴۲۵۸/۳۵۳

خفگی ماهه ۴۹
 در روزنه خفگی منتظری
 به پیوسته

۴۷۸۹۸

۴۶-۱۱۵

به ریاست ساواک قسم
 شماره
 تاریخ
 پیوست
 سازمان اطلاعات امنیت کشور
 ساواک

درباره هسته‌های متظری

مطف به ۴۹/۱۰/۱۵-۲۱/۳۶۷۲

خواهشمند است دستور فرمائید ترتیبی داده شود هرچه
 بیشتر به نامبرده بالا نزدیک شده و بین طرفداران وی
 چنین وانمود سازند مشارالیه با ساواک همکاری نمایند
 و نتیجه را اعلام دارند.

مدیرکل اداره سوم - مقدم
 ۱۰۲۵

۱۰۲۵
 ۲۴
 ۲۴

۱۴۹۱
 ۱۰۲۵

۲۴
 ۲۴

۴۷۱۹۱

۴۶-۱۱۵



سخت‌فروزی

سازمان اطلاعات وزارت کشور
س.ا.ا.ا.ک

شماره
تاریخ ۴۹/۵/۱۱
پیوست

از ۳۱۶

گزارش

درباره شیخ حسینعلی منتظری

بمعرض مهیساند .

نامبرده بالا که از روحانیون افراطی و دارای سابقه محکومیت میباشد پس از فوت آیت‌الله حکیم در زمینه انتخاب آیت‌الله حمینی بعنوان مرجع تقلید فعالیت‌هایی نموده که از طریق ساواک تم دستگیر و پس از سردن تعهد مبنی بر اقامت دائم در شهرستان نجف‌آباد و عدم فعالیت خلاف مصالح کشور آن شهرستان عزیمت نموده است .

بساواک اصفهان اعلام گردید ضمن مراقبت دقیق از وی ترتیبی داده شود هرمانزده روز یکبار رئیس بخش امنیت داخلی در منزل منتظری با او ملاقات و چنانچه مطالبی دارد عنوان کند و بمنظور تضعیف نامبرده بنحو کاملاً غیر محسوس شایع نمایند که با ساواک همکاری دارد . اینک ساواک اصفهان اعلام میدارد روز ۲۸/۴/۴۹ رئیس بخش - امنیت داخلی آن ساواک به نجف‌آباد عزیمت و در حضور سه نفر از طلاب محلی بمدت دو ساعت در زمینه های مختلف از جمله بهائیت مذاکره نموده و مذاکرات بنحوی صورت گرفته که در بین خاصین وانمود شد مشارالیه مورد حمایت دستگاه بوده و ارتباط نیز با ساواک دارد . نامبرده در این ملاقات اظهار داشته یکی از ناراحتیهای او که با تیمسار مقدم هم مذاکره نموده اینست که در ایران به بعضی از بهائیان مشاغل حساس سپرده شده و این امر باعث بدبینی مردم میگردد . مراتب استحضاراً مفروض میگردد .

باز آیت‌الله منتظری در تهران به تفریح می‌رود که هم نامبرده
شهرضا به تهران می‌آید و در آنجا هم در مورد وی صحبت می‌کند
در این خصوص در دسترس است اینها هم در دسترس است
۴۹-۱۱۶

در این ملاقات اظهار داشته یکی از ناراحتیهایی او که با تیمسار مقدم هم مذاکره نموده اینست که در ایران به بعضی از بهائیان مشاغل حساس سپرده شده و این امر باعث بدبینی مردم می‌گردد. مراتب استحضاراً معروض می‌گردد.

گزارش وقایع روزانه

۴۹/۷/۱۹-۳۱۶

محترماً معروض می‌دارد. برابر اعلام ساواک اصفهان:

اخیراً در نجف‌آباد شایع شده شیخ حسینعلی منتظری با ساواک همکاری دارد و در بین متعصبین مذهبی گفتگوهایی در این زمینه صورت گرفته از جمله شخصی به نام شیخ عباس تیرانی اظهار نموده بند و بستهایی بین منتظری با سازمان وجود دارد زیرا چندی قبل مشاهده کرده يك کارتن از صندوق اتومبیلی خارج و به منزل منتظری برده‌اند و اکنون می‌فهمد که همین رساله‌های خمینی بوده که توسط منتظری بین طلاب توزیع شده است.

نخست‌وزیری

سازمان اطلاعات و امنیت کشور

از بخش ۳۱۶- گزارش - تاریخ ۴۹/۸/۶

درباره حسینعلی منتظری اهل نجف‌آباد و از مدرسین حوزه علمیه قم

محترماً به استحضار می‌رساند:

منظور: بعرض رسانیدن نتایج حاصله از اجرای طرح تضعیف نامبرده فوق.

سابقه: نامبرده فوق از روحانیون افراطی و طرفدار خمینی که دارای سابقه محکومیت می‌باشد پس از فوت آیت‌الله حکیم فعالیت‌هایی را در قم به منظور تعیین خمینی به عنوان اعلم مجتهد شروع و به همین لحاظ بازداشت و به تهران اعزام و سرانجام پس از اینکه متعهد گردید که دست از فعالیت‌های گذشته خود بردارد و نجف‌آباد را جهت سکونتش انتخاب نموده از وی رفع بازداشت و به نجف‌آباد عزیمت نموده است.

اقدامات انجام شده: به منظور تضعیف موقعیت نامبرده فوق در بین روحانیون و وانمود کردن اینکه مشارالیه ارتباطاتی با ساواک دارد از ساواک اصفهان خواسته شد که مسئول امنیت داخلی آن ساواک هر پانزده روز يك بار درانظار مردم با وی ملاقات‌هایی انجام و مقداری از تألیفات خمینی نیز به ساواک مزبور ارسال که به منتظری تحویل تا توزیع نماید و اضافه گردید درموقعی تحویل منتظری داده شود که چند نفر از روحانیون شاهد جریان باشند که به همین نحو عمل گردیده است. با عرض اینکه متعاقب اقداماتی که به شرح فوق صورت گرفته گزارش‌هایی مبنی بر اشاعه موضوع ارتباط و همکاری منتظری با ساواک در بین روحانیون واصل و نتایج موردنظر از اجرای طرح مشهود گردیده است. مراتب استحضاراً معروض گردید. ح

به عرض تیمسار ریاست ساواک رسید - تاریخ ۴۹/۸/۱۲

نخست‌وزیری

سازمان اطلاعات و امنیت کشور

به: مدیریت کل اداره سوم (۳۱۶) - از: ساواک قم شماره ۲۱/۳۳۱۱ تاریخ ۴۹/۸/۱۲

درباره شیخ حسینعلی منتظری عطف به: ۳۱۶/۳۲۵۵ - ۴۹/۷/۲۱

در اجرای اوامر صادره اقسام ولی اشاعه ارتباط منتظری با ساواک مورد قبول هیچک از روحانیون منطقه قرار نگرفته و وی را از اینگونه اتهامات مبرا می‌شناسند و آزادی وی را اغلب معلول موقعیت ارزنده او در جامعه روحانیت می‌دانند. /ق

رئیس ساواک قم - مهرا - امضا

طبیعی است که روحانیت بیدار و آگاه اسلام، نسبت به شخص آیت‌الله منتظری آن اعتماد و اطمینان را داشته و دارد و هیچگاه فریب دشمن غدار را نخورده و نخواهد خورد. این مسأله‌ای است که دشمنان این زمان انقلاب اسلامی از چپ و راست باید مورد توجه قرار دهند.

نخست‌وزیری

سازمان اطلاعات و امنیت کشور

به: تیمسار مدیریت اداره کل سوم ۳۱۲ - از: ساواک استان اصفهان

شماره ۱۰/۷۳۰۹ ه - تاریخ ۵۰/۳/۲۳

درباره حاج شیخ حسینعلی منتظری عطف به: ۳۱۲/۱۶۰۵ - ۵۰/۳/۱۳

در اجرای امر از هنگام دریافت نامه شماره ۳۱۶/۲۳۹۴ - ۴۹/۵/۱۹ برنامه‌های مشروح زیر در زمینه تضعیف موقعیت نامبرده توسط این ساواک به عمل آمده است:

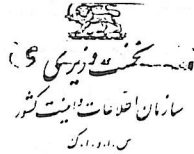
۱- هر وقت که مشارالیه در نجف‌آباد سکونت اختیار کرده سعی شده است هر بازنده روز يك بار رهبر عملیات مربوطه در منزلش با وی ملاقات و این ملاقاتها طوری ترتیب داده شده است که عده‌ای از کسبه و طلاب در منزلش حضور داشته‌اند، بطوری که بارها از رفقایش شنیده شده که در حضور منتظری گفته‌اند مأمورین سازمان خیلی شما را دوست دارند.

۲- تقسیم رساله‌های ارسالی از مرکز توسط وی و اطرافیان این فکر را در مردم نجف‌آباد به وجود آورده است که اگر کسی غیر از منتظری این عمل را انجام می‌داد سازمان او را دستگیر می‌کرد حتماً منتظری با سازمان همکاری دارد.

۳- کلیه منابع و همکاران توجیه شده‌اند که منتظری را يك نفر سازمانی به مردم معرفی نمایند.

۴- در هنگام برخورد با روحانیونی که جهت مصاحبه به ساواک احضار شده و یا در خارج از ساواک با آنان صحبت شده است سعی گردیده به این قبیل اشخاص گفته شود که منتظری با مقامات انتظامی همکاری دارد بطوری که عده‌ای این موضوع را باور کرده و اظهار داشته‌اند برای ما مثل روز روشن است.

۵- در مورد تقریظ‌نویسی توسط مشارالیه بر کتاب شهید جاوید ضربه دیگری به موقعیت مذهبی



بخش ۳۱۶

گزارش

شماره

تاریخ ۴۹/۸/۶

پوست

در باره حسینعلی منتظری اهل نجف آباد و زنده رسیدن حوزه علمیه قم

محترماً با استحضار مبرسانند .

منظور - بعرض رسانیدن نتایج حاصله از اجرای طرح تضعیف نامبرده فوق .

سابقه - نامبرده فوق از روحانیون فراخ و طرفدار خمینی که دارای سابقه محکومیت میباشد پس از فوت آیت اله حکیم فعالیتهای راد رقم بمنظور تعیین خمینی بعنوان اعلیٰ مجتهد شروع و بهمین لحاظ بازداشت و تهرانی اعزام و سرانجام پس از اینکه متعهد گردید که دست از فعالیتهای گذشته خود بردارد و نجف آباد را جهت سکونتش انتخاب نمود و از وی رفع بازداشت و به نجف آباد عزیمت نمود است .

اقدامات انجام شده - بمنظور تضعیف موقعیت نامبرده فوق در بین روحانیون و وانمود کردن اینکه مشارالیه ارتباطاتی با ساواک دارد از ساواک اصفهان خواسته شد که مسئول امنیت داخلی آنساواک هرپانزده روز یکبار در انتظار مردم با وی ملاقاتهایی انجام و مقصد آری از تالیفات خمینی نیز بساواک، منوچهری یا توزیع نماید و اضافه گردید در مواقعی تحویل منتظری داده شود که چند نفر از روحانیون شاهد جریان باشند که بهمین نحو عمل گردیده است . باعرض اینکه متعاقب اقداماتی که بشرح فوق صورت گرفته گزارشهایی مبنی بر شاعه موضوع ارتباط و همکاری منتظری با ساواک در بین روحانیون و اصل و نتایج مورد نظر را از اجرای طرح مشهود گردیده است . مراتب استحضاراً معروض گردید . ح

برمنضم به در دست ساواک رسید - تاریخ ۱۲/۸/۴۹

..... ()

۱۱۶-۴۶

به مدیر هیئت مدیره کلیه امور و مستوفی ۳۱۶
 از ساواک قلم
 سازمان اطلاعات امنیت کشور
 پیوست
 تاریخ ۲۱/۸/۶۹
 شماره ۲۱/۳۳۱۱

در باره شیخ حسین علی منتظری

عطف به ۳۱۶/۳۲۵۵ - ۴۹/۷/۲۱

در اجرای اوامر صادره اقدام ولی اشاعه ارتباط منتظری با ساواک مورد قبول هیچیک از روحانیون منطقه قرار نگرفته و ویرا از اینگونه اتهامات ویرا میسنا سند و آزادی ویرا اغلب معلول موقعیت ارزنده او در جامعه روحانیت میدانند بق

رئیس ساواک قلم
 مهرا

تقدیر
 صادره

۲۹۶/۱۰/۹
 به بخش ساواک

کلیه امور
 ۱/۱۷

خیلی محرمانه

۳۱۶
 بایگ کتبی شون

شماره ۷۳۹

تاریخ ۵۰/۲/۲۳

شماره
تاریخ
پیوست

سازمان اطلاعات امنیت کشور
س. د. و. ک.

شماره پرونده ۱۳۱۱۶

ساوا - استان اصفهان

درجانه حاج تنبج حسینعلی منتظری

عقدنامه ۵۰/۲/۱۳ - ۳۱۲/۱۶۰۵

در اجرای امر از هنگام دریافت نامه شماره ۳۱۲/۲۳۹۴ - ۴۹/۵/۱۹ برنامه های مشروحه زیر

در زمینه تضعیف موقعیت نامبرد توسط این ساواوات بعمل آمد است :

- ۱ - هر وقت که شماره لیه در نجف آباد سکونت اختیار کرد ه سعی شد است هر یازده روز یکبار رهبر عملیات مربوطه در منزل با وی ملاقات و این ملاقاتها طوری ترتیب داد شد است که عد های از کسبه و نواب در منزل حضور داشته اند بطوریکه بارها از نمایین شنید ه شد ه که در حضور منتظری گفته اند " ما مورین سازمان خیلی شماراد رست دارند "
- ۲ - تقسیم رساله های ارسالی از مرکز توسط وی و اطرافیان این ظنرا در مردم نجف آباد بوجود آورد است نه اثر کسی غیر از منتظری این عمل را انجام میداد سازمان او را ستیج میکرد حتما " منتظری با سازمان همکاری دارد .

۳ - کلیه بنای و همکاران توجیه شد باند که منتظری را یکسازمانی بمردم معرفی نمایند .

۴ - در هنگام برخورد با روحانیینی که جهت مصاحبه با ساواوات احضار شد ه و یاد رسان از ساواوات با آنهان صحبت شد است سعی کردید ه باین قبیل اشخاص گفته شود که منتظری یا با ما خانهاش همکاری دارد -

ب. ورید ه عد بان این موضوع را باور نرد ه و اینبار استخاره اند بران تا مثل روز روشن است

ه - در مورد تخریب نویسی توسط شماره لیه بر کتاب شخصی جارید خرید یتری به به تخریب مذنبی نامبررد ه وارد آمد ه بطوریکه خریدش استخاره از این عمل شود تا دم ویشیان بود ه مورد غنچه روحانیین قم و اصفهان

تاریخ: ۵۰/۲/۲۳
محل: اصفهان
موضوع: ...

تراز و تقاضاست
۵۰/۲/۳۱
۳۱/۲/۵۰
۲۶-۱۱۶

نامبرده وارد آمده بطوری که خودش اظهار داشته از این عمل خود نادم و پشیمان بوده و مورد غضب روحانیون قم و اصفهان قرار گرفته است.

از ساواک جلا و فریبکار بعید نیست که دروغهای شاخدراری در بند آخر این گزارش بگنجانند که اربابان خودش را بیش از پیش خوشحال کند. بهر صورت با توجه به تاریخ این اسناد، نزدیک يك سال چقدر نیرو صرف این کردند که بتوانند ذره‌ای در فکر مردم فرو کنند که منتظری ساواکی است، اما همانگونه که خود اقرار کرده‌اند تلاش مذبحخانه آنان به آسانی خنثی گشته با يك دنیا شرمندگی دست از این کار کشیدند و زمینه اخراج او را از زادگاهش فراهم کردند.

آیت‌الله منتظری نمونه مقاومت اسلامی و الگوی اسلام مقاوم، از تهسیدها و ترغیبه‌ها و نیرنگهای مزدوران جنایتکار امپریالیسم و صهیونیسم بیم و ترزلی به خود راه نداد و در سخت‌ترین شرایط و سیاهترین روزهای اختناق و ستم و فریب به تبلیغات برای اسلام و علیه رژیم و به افشگری مؤثر از طریق به‌یادداشتن نماز جمعه دست زد و با اینکه عناصری از تبار «به مصلحت کارکن‌ها» و ناآگاهان به مسائل اسلامی در مقابل آیت‌الله منتظری به دلیل اینکه نماز جمعه باید در زمان امام معصوم اقامه گردد ایستادند و علیه او جار و جنجال راه انداختند، اما کوشش آیت‌الله منتظری برای بیدار کردن مردم و آگاه کردن ملت به این امر که امام تنها به مفهوم علی و فرزندانیش نیست بلکه هر پیشوای راستین و مردمی را امام گویند افزایش یافت و آن گروه به اصطلاح مقدس چندان تأثیری برجای نگذاشتند تا اینکه سکوت را بر مقاومت بیجا ترجیح داده تسلیم خواست خلق گردیدند.

در گرماگرم تابستان ۱۳۵۲ شمسی، همین گروه طرفدار و دلسوز ولایت ائمه (ع) که روحانیت مبارز را مخالف چنین ولایتی می‌دانستند - البته در اثر القایات ساواک - ناامید و سرافکنده شدند و گویا که شکایت به قم برده بودند و در «بیت»‌های ویژه فریاد «وااسلاما» شان بلند شده بود.

رژیم هم که آماده و مهیا برای سرکوبی انقلابیون بود، از موقعیت استفاده کرد و نارضایتی ناشی از شکایت به «بیت» پر رفت و آمد قم را بهانه قرار داد و به اضافه بهانه‌تراشیهایی دیگر، از جمله کمونیست بودن، شرکت در قتل يك پاسبان، کمک به زندانیان سیاسی، در آخر مرداد ماه ۱۳۵۲ شبانه به نجف‌آباد نیرو فرستاد و نیمه‌های شب آیت‌الله مجاهد منتظری را به اتفای حاجت‌الاسلام صالحی نجف‌آبادی - نویسنده شهید جاوید - در منزل دستگیر کرده به قم بردند و از آنجا آیت‌الله منتظری را به طیس که یکی از گرمترین شهرهای خراسان است تبعید نمودند و آقای صالحی را به ابهر زنجان فرستادند.

لازم به نظر می‌رسد که در پایان این قسمت نمونه‌هایی از اسناد موجود، که زمینه‌ساز تبعید آیت‌الله منتظری از نجف‌آباد به طیس بود، آورده شود.

نخست‌وزیری

سازمان اطلاعات و امنیت کشور

به: مدیریت کل اداره سوم - از: ساواک قم - شماره ۲۱/۴۸۳۰-تاریخ ۵۲/۳/۱۰

درباره شیخ حسینعلی منتظری - عطف به شماره ۳۱۲/۱۰۹۲۸ - ۵۱/۱۰/۱۰

به استحضار می‌رساند مسأله کمک کردن شیخ حسینعلی منتظری به خانواده طلاب دستگیر شده و اینکه نامبرده ملجأ و پناهی برای این‌گونه افراد می‌باشد شکی نیست چنانچه در چندی قبل که وی به قم مسافرت نموده بود و برابر امریه ستاد بایستی به‌وی ابلاغ گردد که منطقه را ترک نماید، به منظور ابلاغ موضوع با نامبرده تماس و ضمن گفتگوهای معمولی پیرامون اقدامات خلاف مشارالیه این مسأله نیز مطرح گردید. وی در پاسخ اظهار داشت افرادی که دست به این‌گونه اقدامات می‌زنند شخصاً از نظر دستگاه مقصرونند لکن خانواده آنان که گناهی مرتکب نشده‌اند تا دچار عقوبتی گردند و وقتی به من مراجعه می‌کنند من ناگزیرم در حد قدرت و توانایی به آنان که از نظر معیشت در مضیقه‌اند کمک‌های لازم را بکنم.

در مورد نحوه کمک به این عوامل نیز قبلاً به استحضار رسیده است که منتظری دختری دارد که همسر سیدهادی هاشمی معروف به موسوی است و در مواقعی که طلبه‌ای معیلى دستگیر می‌گردد مشارالیه در اجرای دستورات پدر مخفیانه به منزل متهم مراجعه و حامل وجوهات ارسالی می‌باشد که هیچ نوع امکانی جهت کنترل اعمال و رفتار وی در این ساواک وجود ندارد. با این کیفیت چنانچه نظر خاصی در این زمینه هست مراتب را در ثانی ابلاغ تا در اجرای آن اقدامات لازم معمول گردد.

رئیس ساواک قم - مه‌ران - امضا

نخست‌وزیری

سازمان اطلاعات و امنیت کشور

تاریخ ۵۲/۳/۱۰

از: ۳۱۲ - گزارش

درباره مدرسه الحجتیه نجف‌آباد اصفهان محترماً به استحضار می‌رساند:

ساواک اصفهان اعلام نموده بود که از چند حجره واقع در مدرسه مذکور که تحت نظر شیخ حسینعلی منتظری و شیخ عباس ایزدی اداره می‌گردد بازرسی و حدود ۱۵۰ جلد کتب و نشریات کمونیستی به‌دست آمد. ساواک مزبور افزوده بود که نامبردگان محیطی را به‌وجود آورده‌اند که اصولاً با مرکز علوم دینی قابل قیاس نمی‌باشد و چنانچه به‌همین منوال مدرسه مذکور اداره گردد وجود مشارالیه‌م در نجف‌آباد و در رأس مدرسه مزبور برای ساواک اصفهان قابل تحمل نیست و در آینده نیز اطفال بمعصوم و بی‌گناه دیگری را آلوده و تحت لوای مذهب به دام کمونیسم سوق خواهند داد و نظر بر این است که نامبردگان به دادگاه نظامی تحویل و یا حداقل سه سال تبعید به نقاط دور دست گردند. به ساواک اصفهان اعلام گردید اتخاذ تصمیم در مورد آنان مستلزم داشتن



سخت‌وزیری
بازمان اطلاعات اینت‌کتر
س. اداره ابک

شماره ۲۱۴۴۸۵۰
تاریخ ۱۳۸۱/۱۱/۱۵
پوست

به مدیریت کل اداره سوم ۳۱۲

از ساواک ق.....

درداره... شیخ حسینعلی منتظری

عطف به شماره ۵۱/۱۰/۱۰ - ۳۱۲/۱۰۹۲۸

باستحضار رمی‌رساند مسئله کم کردن شیخ حسینعلی منتظری به خانواده طلاب دستگیر شده و اینکه نامبرده ملجا و پناهی برای اینگونه افراد می‌باشد شکی نیست چنانچه در چندی قبل که وی بقم مسافرت نموده بود و برابر امریه ستاد بایستی بوی ابلاغ گردد که منطقه راترت نماید بمنظور ابلاغ موضوع با نامبرده تماس و ضمن گفتگوهای معمولی پیرامون اقدامات خلاف مشار الیه این مسئله نیز مطرح گردید. وی در پاسخ اظهار داشت افرادی که دست به اینگونه اقدامات می‌زنند محضاً "از نظر دستگاه مقصود لکن خانواده آنان که گناهی مرتکب نشده اند تاد چار عقوبتی گردند و وقتی بمن مراجعه می‌کنند من ناگزیرم در حد قدرت و توانائی به آنان که از نظر همیشه در مضیقه اند کم‌های لازم را بکنم.

در مورد نحوه کم باین عوامل نیز قبلاً باستحضار رسیده است که منتظری دختری دارد که همسر سید هادی هاشمی معروف به موسوی است و در مواقعی که طلبه مدیولی دستگیر میگردد مشار الیه در اجرای دستورن پدر مخفیانه بمنزل منبم مراجعه و امل وجوهات ارسالی می‌باشد که هیچ نوع امکانی جهت کنترل اعمال و رفتار وی در این سا وجود ندارد. با این ترتیب، نامه نظر خاصی در این زمینه هست مراتب را در تاریخ ۱۳۸۱/۱۱/۱۵ در ای آف او نامه

اطلاعات دقیقتری در مورد نحوه فعالیت و دخالت مشارالیهم در تحریک و تشویق طلاب علوم دینی به مطالعه نشریات و کتب کمونیستی است و چنانچه مدارکی در این زمینه موجود است که موضوع تشویق طلاب را از جانب نامبردگان به مطالعه و فعالیت کمونیستی ثابت نماید ارسال گردد و ضمناً مشخص گردد که مدرسه مورد بحث جزء موقوفات می باشد؟ و آیا امکان به عهده گرفتن مسئولیت مدرسه موصوف وسیله سازمان اوقاف میسر می باشد یا خیر؟

اینک ساواک اصفهان اعلام نموده است که مدرسه مزبور جزو موقوفات بوده و اخیراً با تماسی که با رئیس اوقاف بعمل آمده مدرسه را به عنوان تعمیر تخلیه و از پذیرفتن مجدد طلاب فعلاً جلوگیری شده است و ضمناً سرپرستی تدریس در مدرسه مزبور بطور مستقیم به عهده شیخ عباس ایزدی بوده و به وسیله شیخ حسینعلی منتظری به طاسلاب شهریه پرداخت می شود ولی من غیر مستقیم منتظری طوری عمل نموده که طلاب آن را مربوط به خمینی می دانند و در شرایط حاضر مفتوح بودن این مدرسه به مصلحت نبوده و بهتر است آنطور که سازمان اوقاف صلاح می داند از ساختمان مذکور استفاده نماید.

نظریه: نظر به اینکه نامبردگان بالا از روحانیون افراطی و دارای افکار منحرف و مضرهای می باشند و اکثر طلابی که در درس آنان حاضر می شوند در سنین پایین می باشند و امکان فراگیری این افراد و تاثیر پذیری آنان نسبت به محیط زیاد است مستدعی است در صورت تصویب به سازمان اوقاف اعلام گردد که چون مدرسه مزبور جزء موقوفات می باشد تحت سرپرستی و نظارت کامل قرار گیرد.

در پی این بهانه ها، آیت الله منتظری را از نجف آباد بیرون بردند. نجف آباد تاریک شد و در تاریکی، زدانی با چراغ آمدند. که اندیشه های پاک نسل جوان این شهر را برابند. اما الحمدلله موفق نگشتند.

میهمان کویر

قلب کویر، کویری خفته، اما تشنه، کویر تاریک نیازمند نور، پذیرای میهمانی تازه می گردد. تابستان داغ جنوب خراسان جایگاه فرزانه ای پر تلاش شد و پهنه کویر تشنه به انسانی چون کوه استوار و پرصلابت آراسته گشت.

گفتیم که در آخر مردادماه ۱۳۵۲ شمسی، رژیم جنایت پیشه، آیت الله منتظری را از زادگاهش که در آن موقع تبعیدگاه وی نیز بود تحت نظارت و مراقبت پلیس و مأموران ساواک بیرون آورد و به شهر طیس که یکی از شهرهای کویر در جنوب خراسان است تبعید دوباره کرد.

انتخاب طیس به عنوان تبعیدگاه آیت الله منتظری به جهت وضع بد آب و هوا و فاصله زیادش از شهرهای بزرگ ایران و همچنین بعد فاصله اش از شهر قم و فقدان راههای ارتباطی خوب بود، اما هیچکدام از این ویژگیهای شهر طیس برای آیت الله منتظری، عامل بازدارنده از فعالیت

نمود. بدی آب و هوای تبعیدگاه ناچیزتر از آن بود که در برنامه‌های وی تأثیر بگذارد و او را به‌زانو درآورد. بدی راهها و بعد فاصله هم ذره‌ای در تنهایی و دور نگه‌داشتنش از شاگردان و دیگر مردم آشنا تأثیر نداشت.

هرروز مشتاقان از شهرهای مختلف ایران راهی طبس می‌شدند و دسته دسته به دیدارش می‌شتافتند. اگر راهها خراب بود و یا آب و خوراک پیدا نمی‌شد از مبدأ حرکت تهیه می‌کردند. حتی دیده شده بود که مشتاقان وی آب را هم از شهرهای خود برای رفع نیاز همراه می‌بردند. این دیدارها درحالی انجام می‌گرفت که آیت‌الله منتظری طبق دستور ساواک مرکز سخت تحت مراقبت بود. دستور مراقبت از وی طبق نوشته زیر به‌وسیله ثابتی ملعون - مقام دوم ساواک - صادر شده است:

سوی - رمزشود شماره ۳۱۲/۶۲۶۸ - تاریخ ۵۲/۶/۲۸

به: ساواک مشهد - از: مرکز - بازگشت به: ۵۲/۶/۲۶-۱ هـ/۹۹۶۴

فرد مورد نظر یکی از روحانیون افراطی و طرفدار خمینی می‌باشد که طبق رأی کمیسیون امنیت اجتماعی قم به سه سال اقامت اجباری در طبس محکوم و اعزام گردیده، با توجه به اینکه یادشده فرد ناراحتی بوده و امکان دارد مخفیانه منطقه را ترک نماید لذا با همکاری مقامات انتظامی محل دقیقاً از وی مراقبت به‌عمل آید، ضمناً دستورالعمل کلی متعاقباً اعلام می‌گردد.

ثابتی - امضا

مجاهد نستوه، آیت‌الله منتظری، يك سال در طبس به‌حالت تبعید بسربرد و چنان تکان و امید و آگاهی به مردم آن منطقه داد که کمتر کسی را چنین مؤثر در آن نواحی دیده‌اند. طبق گفته مقامات انتظامی شهر طبس، علاوه بر مردان صادق و باوفای آن دیار، نزدیک به پنجاه هزار میهمان بر آیت‌الله منتظری وارد شده‌اند و یکی از دلایل اخراج او از طبس همین رقم بزرگ دیدارکننده و دوستدار وی بوده است.

آیت‌الله منتظری در شهر طبس و در جو حاکم بر آن منطقه، سنت‌شکن بود. مردم آنجا، بعد از ورود او، معمماً را می‌دیدند که خود از مغازه‌ها برای منزل خرید می‌کند. روحانی‌ای را با تعجب نظاره می‌کردند که بدون هیچ پادویی از دستفروشان کنار خیابان و از فروشندگان دوره‌گرد خرید می‌کرد، شخصی را می‌دیدند که درباغ گلشن برای تفریح قدم می‌زد، درحالیکه باغ گلشن از تیپ او و گروه او هرگز به خود ندیده بود! مردم هم ندیده بودند که روحانی‌ای با این لباس و این وقار به باغ بیاید و قدم بزند، یا از گاریچی خربزه‌فروش، میوه بخرد. زیرا در آن دیار، برای معممین و روحانیون شهر، در آن زمان، خرید و تفریح چندان کار درخوری نبود و این میهمان تازه‌وارد آنچنان با دیگر مردم يك رنگ و هماهنگ است که سنتها و روشهای ناصحیح را ندیده می‌گیرد و درمیان مردم می‌رود و با آنها صادقانه و متواضعانه به معامله می‌پردازد.

این رفتار ساده و مردمی آیت‌الله منتظری، به اضافه اخلاق پاک اسلامی و کردار پسندیده‌ای

به : ساواک مشهد

از : مرکز

شماره :

تاریخ :



خیابان فروری

رمزشود

بازگشت به : ۱۵/۹۹۶۴ - ۵۲/۶/۲۶

فرد مورد نظر یکی از روحانیین افراطی و طرفدار خمینی میباشد که طبق رأی کمیسیون امنیت اجتماعی قم پسه سال اقامت اجباری در طبرس محکوم و اعزام گردیده ، بهاتوجه باینکه یاد شده فرد ناراحتی بوده و امکان دارد مخفیانه منطقه را ترك نماید لذا - با همکاری مقامات انتظامی محل دقیقاً از وی مراقبت بعمل آید ، ضمناً دستور العمل کلی متمماً اعلام میگردد - ثابتی

دکتر

رئیس اداره - علیخانی
رئیس گروه ۳۱۲ - خدایاری
رئیس اداره - محمدی

۵۱۴ ۵۴۸
۵۲/۶/۲۶



که در ارتباط با مردم داشت، زمینه را جهت جذب توده و راهنمایی آنها به اسلام و مبارزه علیه ظلم و استبداد و استعمار هموار ساخت.

او زمینه را یافته بود، اما میدان عمل را، نه. تا اینکه با زرنگی خاصی که دارد میدان عمل را هم یافت. در طیس مسجدی بزرگ وجود داشت که در آن نماز صبح به جماعت اقامه نمی‌گردید. از طرفی فشار پلیس و ساواک و مراقبتی که از او می‌شد و تبلیغی که علیه وی شده بود، عرصه را برای ادامه مسئولیتی که به دوش داشت تنگ می‌کرد. بالاخره تصمیم به مبارزه و روشنگری در طیس می‌گیرد و میدان را مانند همیشه در قلب محراب می‌یابد، و مسجد و مدرسه، این پایگاه همیشگی مبارزه علیه ستم و سنگر نشانه‌گیری به ظلم ظالم و کفر کافر و جایگاه تقرب به الله، سکوی پرتاب گلوله‌های آتشین و دشمن‌سوز و ظلم برانداز کلام خدا از زبان آیت‌الله منتظری می‌گردد.

با اقامه نماز صبح به جماعت در مسجد جامع طیس، توده تشنه حقیقت اندک‌اندک گرد این میهمان دلسوز جمع می‌گردند. اوایل کار فقط همان اطرافیان مسجد در نماز جماعت شرکت می‌کنند، اما امام جماعت فرصتها را، هرچند کم، ازدست نمی‌دهد و در کنار نماز قرآن را هم می‌گشاید و تفسیر می‌کند - تفسیر درست و واقعی.

به‌مرور، عده نمازگزاران و شنوندگان تفسیر افزایش می‌یابد و در شهر دهان به دهان می‌گردد که «آن روحانی تازه‌وارد صبحها در مسجد جامع نماز می‌خواند و سخنرانی می‌کند، همان روحانی که مثل خودمان زندگی می‌کند و فخر و افاده ندارد، همان که بی‌تکلف در بازار و خیابانها و باغ گلشن رفت و آمد می‌کند و خوش اخلاق و خوش برخورد و متواضع است و...» تفسیر قرآنش طوری است که مردم لذت می‌برند، انگار که حرف خودشان را می‌زند. مردم درد دل خودشان را از زبان میهمان کویر می‌شنوند. نماز او شلوغ می‌شود و شنوندگان تفسیر قرآن و سخنرانیهای وی روبه‌فزونی می‌نهد.

مردم، صبحها در مساجد دیگر نمازشان را می‌خوانند و برای شنیدن سخنان مردی که با ستم و ستمگر دشمن است و با توده‌های ستم‌دیده و زحمتکش درآشنا است و دوستی دیرینه دارد، به‌سوی او می‌شتابند و مدتی نمی‌گذرد که سالن مسجد پر از جمعیت می‌گردد. آیت‌الله منتظری میدان را بدرستی یافته است و می‌خواهد نهایت بهره‌برداری را جهت آشنا ساختن مردم با اسلام و شناساندن دشمنان خدا و خلق به مردم بنماید. از اینرو مقدمات تشکیل نماز جمعه را فراهم می‌سازد.

با وجودی که مأموران مزدور شاه از فعالیتهای او آگاه می‌شوند و طبق روش ضد مردمی‌شان مأمور جلوگیری از این برنامه گسترش‌یابنده هستند، اما از خشم ملت و علاقه‌ای که مردم به این مرد بزرگ دارند، هراسناک و وحشت‌زده از هرگونه اقدامی باز می‌مانند.

در مقابل چشمان به‌خون‌نشسته مزدوران رژیم، نماز جمعه با شرکت جمعیت کثیری از مردم شهر کوچک طیس و اطراف آن برپا می‌گردد. خطبه‌ها، بیان درد و رنج مردم و اوضاع سیاسی -



آیت‌الله منتظری در زندان قصر

اجتماعی کشورهای اسلامی و بخصوص ایران است. روشنگری در پرتو سخنان پرشور و افشاگرانه آیت‌الله منتظری افزایش می‌یابد و اذهان بسته را می‌گشاید و وجدانهای خفته را بیدار می‌کند و جانهای فرسوده را روان می‌سازد و اندیشه‌های تاریک و دستکاری شده به وسیله ایادی دشمن را نور می‌پاشد و باعث حرکت و تکان می‌گردد. و مگر جوهر اسلام غیر از این است؟ دشمن فریب خورده است. غفلت از روحیه ناشی از تعالیم اسلام و غفلت از شوکت و جلال و پایمردی فرزندان اسلام، دشمن را درمقابل کاری انجام یافته قرار می‌دهد. مردم آگاه شده‌اند که میهمانشان کیست. هرچند که به هنگام ورود آیت‌الله منتظری به طبرستان از طرف روحانیون بیدار و آگاه و مبارز مشهد به مردم منطقه معرفی شده بود، اما وقتی او را در میدان یافتند تازه فهمیدند چه قهرمانی به شهرشان آمده است.

تلاش خستگی‌ناپذیر این مجاهد بزرگ ادامه داشت، تا اینکه جنگ چهارم اعراب و اسرائیل (رمضان ۱۳۹۳ ه. ق. مطابق مهرماه ۱۳۵۲ ه. ش.) با آن پیروزی نسبی و آن فتح غرور شکن - شکنده غرور اسرائیل - پیش آمد.

آیت‌الله منتظری پیامهای تبریکی به زبان انگلیسی^۱ از تلگرافخانه طبرستان به رهبران کشورهای اسلامی درگیر در جنگ به پاس پیروزی نسبی‌شان فرستاد.

از آنجا که کارمندان تلگرافخانه از محتوای تلگرافها اطلاع پیدا نکردند و مأموری هم در این کار دخالت نکرد پیام به سران کشورهای عربی مخابره گردید و به دست آنها رسید و وقتی کار از کار گذشت خبر آن به گوش ساواک رسید.

دشمن زخم خورده از برپایی نماز جمعه، با آن خطبه‌های انقلابی، درمقابل عمل انجام شده و خردکننده دیگری قرار گرفت. مگر نه این است که پیام تبریک برای پیروزی اعراب پیام شکست برای صهیونیسم جهانخوار است؟ و مگر نه این است که شکست صهیونیسم غارتگر برای مزدوران و نوکران ایرانی در دناک و کوبنده است؟

تبعید شدن آیت‌الله منتظری به شهرهای دوردست باعث نگردید که او از اوضاع مسلمانان در جهان و ایران غافل بماند. علاوه بر آنچه گذشت نمونه دیگری ذکر می‌کنم:

در سالهای ۵۲-۵۱ که اوج درگیریهای لفظی و قلمی و اختلاف افکنیها بر سر مسأله ولایت بود و دشمن هم با همه قدرت به این درگیریها دامن می‌زد، آیت‌الله منتظری از طبرستان خطاب به سران حوزه‌های علمیه و روحانیون ایران نامه‌ای نوشت و در آن خطر این دودستگی و تشتت را برشمرد.

قشریون مذهبی و واعظان بی‌سواد، روحانیون مبارز و روشنفکران متعهد اسلامی بویژه معلم شهید و شخصیت بزرگ اسلام دکتر علی شریعتی را متهم به عدم اعتقاد به ولایت ائمه

۱- آیت‌الله منتظری با زبان انگلیسی آشنایی دارد.

می نمودند و رژیم هم در تأیید ایشلن عمل می کرد. لذا نامه هشداردهنده آیت الله منتظری بر رژیم گران آمد و نسبت به این عمل ساکت نماند.^۱ متن آن نامه تاریخی چنین است:

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و عليه التكلان

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على خير خلقه محمد و آله الطاهرين واللعن على اعدائهم اجمعين الى يوم الدين. قال الله تعالى في كتابه الكريم: يا ايها الذين آمنوا ادخلوا في السلم كافة و لا تتبعوا خطوات الشيطان انه لكم عدو مبين (بقره ۲۰۸).
و اعتصموا بحبل الله جميعاً و لا تفرقوا - و لا تكونوا كالذين تفرقوا و اختلفوا من بعد ما جائهم البينات و اولئك لهم عذاب عظيم (آل عمران ۱۰۳-۱۰۵).
و اطيعوا الله و رسوله و لا تنازعوا فتفشلوا و تذهب ريحكم و اصبروا ان الله مع الصابرين (انفال ۴۶).

و بعد برحسب ضرورت فقه شیعه امامیه و اخبار مأثوره از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین سلام الله علیهم اجمعین، علماء عدول و شایسته که هم عالم به احکام و هم حادثه شناس و آشنا به زمان خود باشند در عصر غیبت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف جانشینان پیغمبر اکرم و مرجع حوادث و مجری احکام الهیه می باشند و موظفند که با تفاهم و شوری از اسلام و مسلمین دفاع کنند و مصالح کلیه آنان را زیر نظر بگیرند و با همبستگی کامل علیه مخالفین اسلام (که بلاد مسلمین و همه شئون آنان را ملعبه و بازیچه خود قرار داده اند) مبارزه نمایند، و بر همه طبقات از مسلمین نیز لازم است که آنان را در انجام این وظیفه سنگین حمایت کنند - ولی متأسفانه عدم توجه به یک سنخ مسائل اجتماعی از طرفی و تحریکات دشمنان و استعمارگران از طرف دیگر این نیروی عظیم را تقریباً از خاصیت و اثر انداخته است. من برحسب وظیفه از این شهرستان دور افتاده از آیات عظام و علماء اعلام استدعا می کنم و به فضلاء گرام و طلاب محترم تذکر می دهم که به خود آیند و متوجه شوند که دشمنان و استعمارگران با چه دسائس و لطائف الحیلی ما را به خود مشغول کرده اند. این نیروی عظیم که در صورت اتفاق کلمه مورد حمایت اکثریت قاطع ملت است به جای اینکه در مقابل دشمنان جبهه گیری نماید در اثر تحریکات غیر مستقیم به مصرف تضعیف و بی خاصیت کردن خود می رسد. هر روز شایعه سازان خارجی و داخلی مسأله تازه ای را مطرح و مطالب دروغی را بر سر زبانها می اندازند و اتهاماتی را نسبت به افرادی وارد می نمایند و سپس در داخل حوزه ها کار به منازعه و مشاجره و لعن و طرد و گاهی به زدو خورد منجر می شود. چنانچه اخیراً در قم و تهران و مشهد و اصفهان و برخی نقاط دیگر اتهام سنیگری و وهابییگری نسبت به عده ای از علماء و فضلاء بی گناه بر سر زبانها افتاده و کار به جائی رسیده که حتی دایه های مهربانتر از مادر هم گاهی به اسم دفاع از ولایت و تشیع

۱- با کمال تأسف رژیم ساکت نماند و بزرگان قوم نیز جملگی نامه را تا زدند و گذاشتند زیر تشکچه شان! انگار نه

حرفهائی می‌زنند و کارهائی انجام می‌دهند. آیا آقایان توجه ندارند که مذهب وهابیت مذهب کثیفی است که مبدع آن محمدبن عبدالوهاب درنجد بوده و عقائد چرندی دارد که حتی اکثریت قاطع اهل سنت هم از آن عقائد بیزارند و فقط حکومت حجاز که پایگاه آن در نجد است از آن حمایت می‌کند؟ آیا چگونه ممکن است مذهبی که حتی اکثریت قاطع اهل سنت از آن بیزارند مورد علاقه دانشمندان و فضلاء شیعه واقع شود؟

البته ممکن است از بعضی افراد دربرخی مسائل اشتباهاتی واقع شود (چنانچه از اغلب علماء در جمیع اعصار چنین اشتباهاتی رخ داده) ولی آیا ما باید به این بهانه عده زیادی را متهم کنیم و تمام نیروی خود را صرف خرد کردن آنها بنمائیم و قهرماً جنگ داخلی شروع شود و دربین طبقات مردم نیز تحیر و اختلاف و حس بدبینی ایجاد کنیم؟ خوب است آقایان محترم احتمال بدهند که دربین حاشیه‌نشینان و مراجعین آنان حتی اخص خواص و اقرب اقارب افراد ساده و جاهل نیز وجود دارند و همچنین افراد مغرض و مرموزی که یا از جاهائی تحریک می‌شوند و یا نسبت به اشخاص عقده دارند و می‌خواهند بدین وسیله عقده‌های خود را جبران کنند... جای تأسف است که بعضی از آقایان محترم در داخل منزل نشسته و خبر ندارند که به اتکاء پول یا نوشته آنان چه افرادی در چه مناطقهائی چه جنایاتی به اسم دفاع از دین و ولایت انجام می‌دهند. اللهم فان كانوا اهلاللهديّة فاهدّمهم والا فاخذلهم كما يخذلون الدين باسم الدين.

در نهج البلاغه (خطبه ۱۴۱) چنین وارد شده: «ایها الناس من عرف من اخيه وثيقة دین و سداد طریق فلا یسمعن فیه اقاولیل الرجال اما انه قد یرمی الرامی و تخطی السهام و یحیک الکلام و باطل ذلک یبور واللّه سمیع و شهید. اما انه لیس بین الحق و الباطل الا اربع اصابع. فسئل علیه السلام عن معنی قوله هذا فجمع اصابعه و وضعها بین اذنه و عینه ثم قال: الباطل ان تقول سمعت و الحق ان تقول رأیت».

آری چه بسا دربرداشت و فهم کلمات ائمه اطهار(ع) و مسائل اسلامی در بعضی موارد اختلاف نظرهای وجود داشته باشد و سنخ درک افراد متفاوت باشد ولی این موضوع نباید موجب لعن و طرد و نزاع گردد - از خود آیه شریفه «ولا تنازعوا فتفشلوا» استفاده می‌شود که منشأ نزاع (یعنی اختلاف نظر) قهرماً وجود دارد، و الا سالیه به انتفاء موضوع می‌شود - فرق است بین اختلاف نظر و بین نزاع و مشاجره و راه صحیح درصورت اختلاف نظر بحث علمی است نه نزاع و لعن و شتم و دسته‌بندیها و زدوخوردهای بچه‌گانه. در کتاب ایمان و کفر اصول کافی بابی منعقد شده به نام «باب درجات الایمان». از اخبار این باب و باب بعد استفاده می‌شود که اختلاف برداشت و درک اشخاص درمسائل نباید موجب تبری و بیزاری شود. ضمناً یادآور می‌شود که اگر کسی گفت «ما شیعه امامیه با اینکه با اهل سنت راجع به امامت و خلافت اختلاف نظر داریم ولی در شرائط فعلی که مسلمین گرفتار کفار و یهود می‌باشند لازم است همه مسلمین از شیعه و سنی باهم در مبارزه علیه کفار متحد شوند» ما حق نداریم گوینده این جمله را به سنیگری متهم کنیم و معنی این جمله هم این نیست که ما شیعه باید از عقائد خود نسبت به ائمه اطهار (ع) و امامت آنان و وظائف

تشیع دست برداریم بلکه منظور همستگی عملی در مبارزه با کفار است. اصولاً اهل سنت که سهل است چه بسا کفار و اهل کتاب نیز اگر فرضاً با مسلمین سرچنگ نداشته باشند و بلاد اسلامی را تصرف نکرده باشند و به مصالح مسلمین نیز لطمه وارد نکنند بر طبق دستور قرآن شریف مسلمین مجازند نسبت به آنان به نیکی رفتار نمایند.

«لاینبهیکم الله عن الذین لم یقاتلواکم فی الدین ولم یخرجواکم من ديارکم ان تبروهم و تقسطوا الیهم ان الله یحب المقسطین» (ممتحنه ۸) «الهم اشهد انی لم ابادر الی کتابه هذه الصحیفه المختصره الالعمل بالوظیفه الشرعیه ولاداء بعض الحقوق ممن وجب حقه علی من العلماء العظام والاصدقاء الکرام حفظنی الله و ایامهم من الشرور و الآثام و الی الجمیع الهدی التحیه والسلام».

۱۳۵۲/۷/۱۱ - پنجم رمضان المبارک ۱۳۹۳ شهرستان طبس

حسینعلی منتظری نجفآبادی

خشم رژیم سفاک پهلوی که جز به تکه تکه کردن جامعه اسلامی و ایجاد تفرقه بین صفوف مسلمانان نمی‌اندیشید، از پخش این اعلامیه به حدی رسید که حتی نسبت به دستگیری و آزار متهمین به پخش آن هم غافل نماند. سندی که این ادعا را ثابت می‌کند مبنی بر این است که از جمله نسبت به حجت‌الاسلام آقای سیدعلی خامنه‌ای چنین رویه‌ای را اعمال کرده‌اند.

نخست‌وزیری

سازمان اطلاعات و امنیت کشور

به: ریاست ساواک استان خراسان - مشهد - از: اداره کل سوم/۳۱۲ - شماره: ۶۳۲/۱۰۳۱۲/۱ -

تاریخ: ۵۲/۱۰/۲۷

در باره: سیدعلی خامنه‌ای فرزند جواد - بازگشت به شماره ۹۱/۱۰۹۹۵ ه - ۵۲/۱۰/۱۳
برابر اطلاع واصله اخیراً اعلامیه‌های مضره‌ای به امضای حسینعلی منتظری (روحانی تبعیدی به طبس) از طریق شهرستان مشهد توسط پست به برخی از نقاط کشور ارسال گردیده که به موقع از توزیع آنها جلوگیری به عمل آمده است، علیهذا با ایفاد یک برگ فتوکپی اعلامیه مورد بحث نظر به اینکه مفاد آن با مفاد پیوست نامه ۵۹/۱۰۴۲۱ - ۵۲/۸/۱۵ آن ساواک یکی بوده بنابراین چنین استنباط می‌گردد که نامبرده بالا در توزیع آنها دخالت داشته و به احتمال قوی این عمل از ناحیه وی صورت گرفته، خواهشمند است دستور فرمائید از طریق منابع و همکاران افتخاری کماکان اعمال و رفتار مشارالیه و منتظری را تحت مراقبت قرار داده و با جمع‌آوری مدارک محکم‌پسند علیه یادشده و ارسال آنها تربیتی اتخاذ نمایند تا در یک فرصت مناسب که از طریق این اداره کل اعلام خواهد شد نسبت به دستگیری و تعقیب وی اقدام گردد

مدیر کل اداره سوم، ثابتی

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على خير خلقه محمد وآله الطاهرين واللعن على اعدائهم اجمعين الى يوم الدين
قال الله تعالى في كتابه الكريم :

يا ايها الذين آمنوا ادخلوا في السلم كافة ولا تتبعوا خطوات الشيطان انه لكم عدو مبين (بقره ۲۰۸)
واعصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا - ولا تكونوا كالذين تفرقوا واختلفوا من بعد ما جعلهم البيئات و اولئك لهم
عذاب عظيم (آل عمران ۱۰۳ - ۱۰۵)

• واطيعوا لله ورسوله ولا تنازعوا فتفشلوا وذهب حكم واصبروا ان الله مع الصابرين (انفال ۶۴)

و بعد بر حسب ضرورت فقهيه اماميه و اخبار ما توره از پيغمبر اكرم صلى الله عليه وآله وسلم و المصمومين سلام الله عليهم اجمعين - علماء مدعو و دلوايشه
كه هم عالم احكام وهم حادته شناس و آنا بز زمان خود باشند در مصغيبت حضرت ولي عصر عجل الله تعالى فرجه الشريف جا نشينان پيغمبر اكرم و مرجع حوادث
و مجرى احكام الهيه ميباشند و مؤلفند كه با تقاضا و شعورى از اسلام و مسلمين دفاع كنند و مصالح كليها آنان را زير نظر بگيرند و با همبستگى كامل عليه مخالفين
اسلام (كه با مسلمين و همبستگى آنان را ملب و با آنچه خود فرار داده اند) مبارزه نمايند، و بر همه طبقات از مسلمين نيز لازم است كه آنان را در انعام اين
وظيفه مستگن حبايت كنند - ولى متأسفانه عدم توجه ب يك سنخ مسائل اجتماعى از طرفي و تحريك دشمنان و استعمار گران از طرف ديگر اين بيروى
عليهم را تقريبا از حبايت و اثر اباد خندايت من بر حسب وظيفه از اين شهرستان دور افتاده از ايات نظام و علماء اعلام استماع ميكند و بفضلا كرام و طلاب
مجترب نذكر مى دم كه بفرمود ايند متوجه شوند كه دشمنان را استعمار گران با چه دسائى و لطائف الحيلى مارا بخود مشغول كرده اند - اين بيروى نظيم كه
در صورت اتفاق كلمه مورد حبايت اكثريت قاطع ملت است بجاي اينكه در مقابل دشمنان جبهه گيرى نمايند دائر تحريكات غير مستقيم ب صرف تضييق و
خاصيت گردن خود هر ميد - هر روز شاه مساران خارجى و داخل مسئله تازه اى را مطرح و مطالبه دروفى را بر سر زبانها مى اندازند و الهاماتى را ليست باقى اداى
و ادره مى نمايند و سپس در داخل حوزه ها كار بنمازند و مشاخره و لمن و طرد و گاهى بز دو خود منجر ب دو چنانچه اخيرا آردم - تهران - مشهد - اسفهان و
برخى نقاط ديگر اتمام سنگرى و وهايگرى نسبت بده ان علماء و فضلاءى كنه سر زبانها افتاده و كار بجائى رسيد كه حتى دايه ها هم با ترزا زامد هم
گاهى با مس دفاع از اوليات و تقبى حرفهاى مى زنند و كارهاى انجام ميدهند ، آيا آقايان توجه ندارند كه منسوب حبايت مذهب كيشى است كه مبدع آن
محدثن مهدي الوهاب در نجد بوده و عقائد چرى نى دارد كه حتى اكثريت قاطع اهل سنت هم از آن عقايد بيزارند و فقط حكومت حجاز كه پا بگامه آن در نجد
است از آن حبايت مى كند ، آيا چنگونه نممكن است مذهبى كه حتى اكثريت اهل سنت از آن بيزارند مورد علاقه دانشمندان و فضلاء فقيه و واقع شود ؟
البته ممكن است از بعضى افراد در برخى مسائل اشتباهاتى واقع شود (چنانچه از اغلب علماء در جميع اصار چنين اشتباهاتى رخ داد) ولى آيا ما بايد باين بانه
مبدى باده ايمان كنيم و تمام بيروى خود را صرف كردن آن بيايضا نمى و قهرا چنگه داخلى شروع شود در بين طبقات مردم نيز تحير و اختلاف و حش بد بينى
ايجاد كنيم ؟ خوب است آقايان محترم احتمال بدهند كه در بين حاشيه نشينان و مراجعين آنان حتى اخص خواص و اقرب اقارب افراد ساده و جاهل نيز جوده
دارند و بعضى چنين افراد مدرس و رموزى كه با زاجاهاى بحر كميشو ندو با نسبت با شخاص فقهه دارند ميشو انده بد بين و سيله فقهه هاى خود و اجبر ان كنند ...
جايى ناسلامه است كه بدنى از آقايان محترم بز در داخل منزل نشسته و خبر ندارد كه با تكلم بول با نوشته آنان چه افرا درى در چه منظمه هاى چه جناياتى با مس دفاع
از دين و ولايت انجام ميدهند .

اللهم فان كانوا اهلا للهداية فاهدهم والا فخذلهم كما يخذلون الدين باسم الدين

در نهج البلاغه (خطبه ۱۴۱) : چنين وارد شده « ايها الناس من عرف من اخيه وثيقة دين وسداد طريق فلا يضمن فيه اقاويل الرجال
اما الله قدر يرمى الراسى و تقضى الهام و يحكى الكلام و ياطل ذالك يمور و الله سميع شهيد اما انه ليس بين الحق
و الباطل الا اربع اصابع فمثل عليه السلام عن معنى قوله هذا فجمع ام ابعه و وضعها بين اذنه و عينيه ثم قال : الباطل ان
تقول سمعت والحق ان تقول رايه »

آرى چه پادى بر داشت و فقهى كلمات ائمه اطهار (ع) و مسائل اسلامى در بعضى موارد اختلاف نظر هاى وجود داشته باشد و سنخ درك اذ ادم تفاوت باشد ولى اين
موضوع نبايد موجب لمن و طره و نزاع گردد - از خود اظهرونه « ولا تنازعوا و افتعلوا » استفاده مى شود كه منشا نزاع (ولى اختلاف نظر) نهر ا وجود
دارد و الا سالها بماند و موضوع ميشود .. فرقايت بين اختلاف نظر و بين نزاع و مشاخره و راه صحيح در صورت اختلاف نظر بحث علمى است نه نزاع و اهن و دشمن
و دسته بنديها و زد و خورد هاى بچه گانه - در كتاب ايمان و كنى اصول كافى بايى منعقد شده بنام (اب درجات الايمان) از اخبار اين باب و باب بعد استفاده
ميشود كه اختلاف برداشت و درك اشخاص در مسائل نبايد موجب تبرى و بيزارى شود سنا ياد آور ميشود كه اگر كسى گفت « ماشيه اماميه باينكه با اهل سنت
راجع بسئله امامت و خلافت اختلاف نظر داريم ولى در شرائط فبلى كه مسلمين گرفتار كفتار ربه و در ميباشند لازم است همه مسلمين از شيعه و سنى با هم در مبارزه
عليه كفار متعصب شوند ، ما حق نداريم گويند اين جمله را سنيگرى مقيم كنيم و معنى اين جمله هم اين نيت كه ماشيه باياد از عقايد خود نيت با فقه اطهار (ع)
و امامت آنان و طاعتهم بجمع دست برداريم بلكه منظور هميشه كلى در مبارزه با كفار است - اصولا اهل سنت كه سهل است چه سا كفار و اهل كتابى نيز اگر فرضا
با مسلمين سر چنگه نداشتند با بناد بولاد اسلامى را نصرف فكر نكردند باشند و با صلح مسلمين نيز لطمه وارد نكنند بر طبق دستور قرآن شريف مسلمين مجاز نديست
آنان به نيكي رفتار نمايند

« لا يهيكلم الله بين الذين لم يقاتلوكم فى الدين ولم يخرجوكم من دياركم ان تبروهم و تقسطوا اليهم ان الله
يحب المقسطين » (متحنه ۸) « اللهم اشهد انى لم ابدالى كتابه هذة الصحيفه المختصرة الالعمل بالوظيفة الشرعيه
و لاداء بعض الحقوق ممن وجب حقه على من العليه العظام و الاصدقاء الكرام حفظنى الله و اياهم من الشر و الاكلام
و الى الجميع الهدى النجيه و السلام »

پنج رمضان المباركه ۱۳۹۳ شهرستان طبس - حسنى منتظرى ليد ابادى

نامه سرگشاده آيت الله منتظرى از تبعدگاه طبس به علماء بلاد و مردم مسلمان ايران در مورد اتحاد عليه امير باليسم و
صهيونيسم

شماره ۵۹۴ س. ۱۰ / خ. ۱۰

تاریخ ۵۴ / ۷ / ۱۳۵۴

پست



به ریاست ساواک استان خراسان

مشهد

سخت‌نویزی
سازمان اطلاعات امنیت کشور
س. ا. د. ا. ک.

از اداره کل سوم / ۳۱۳

در باره... شهید علی خامنه‌ای فرزند جواد

بازگشت بشماره ۵۹ / ۱۰۹۹۵ - ۵۲ / ۱۰ / ۱۳

برابر اطلاع واصله اخیراً اعلامیه های مضره ای با مضای حسینعلی منتظری
(روحانی تبعیدی به طبرستان) از طریق شهرستان مشهد توسط پست به برخی
از نقاط کشور ارسال گردیده که بوقوع از توزیع آنها جلوگیری بعمل آمده
است علیهذا با ایفاء بکبرگ فتوکی اعلامیه مورد بحث نظر بانکه مفاد آن
با مقدار پست نامه ۵۹۱۰۴۲۱ / ۱۵۰۸۱۵۲ آتساواک یکی بوده بنا بر این چنین
استنباط میگردد که نامبرده بالا در توزیع آنها در حالت داشته و با احتمال
قوی این عمل از ناحیه وی صورت گرفته ، خواهشمند است دستور فرمائید
از طریق منابع و همکاران افتخاری کماکان اعمال و رفتار مشارالیه و منتظری را
تحت مراقبت قرار داده و با جمع آوری مدارک محکمه پسند علیه یاد شده
و ارسال آنها ترتیبی اتخاذ نمایند تا در یک فرصت مناسب که از طریق اسب
اداره کل اعلام خواهد شد نسبت به دستگیری و تعقیب وی اقدام گردد .

مدیرکل اداره سوم . ثابتی

رژیمت برابر اصل رکنه اصلی زرنگه ۳۶۶۸۶
رکنه ۴۷۸۹۸

سوم

۴۶-۱۱۵

همچنین ضربه‌ای که از این نامه آیت‌الله منتظری برپیکر رژیم نوکرسفت پهلوی وارد شد باعث دستگیری و گسیل وی به زندان مشهد گردید.

همزمان با دستگیری آیت‌الله منتظری و اخراج او از طبس، مردم شهر که صمیمانه به این مربی شجاع علاقه داشتند و از برکت وجود او جان تازه یافته بودند دسته جمعی و با خشونت تمام شهربانی شهر را مورد هجوم قرار دادند و خواستار بازگشت او شدند. اگر مأموران مزدور شاه جواب مساعد به مردم خشمگین و عصبانی نمی‌دادند بیم آن می‌رفت که با بیل و کلنگ شهربانی را منهدم و ضربات بزرگی به ساختمان وحیثیت شهربانی وارد سازند. لذا پس از سه روز نگهداری آیت‌الله منتظری در زندان شهربانی مشهد او را به طبس و به میان مشتاقان بیشمارش بازگرداندند.

باوجود تهدیدهای مکرر ساواک و شهربانی، همچنین گسیل وی به زندان، هیچ گونه تغییری و بیمی در زندگی‌اش پیدا نگشت و همچنان به افشاگری و آگاه کردن مردم ادامه داد.

بالاخره رژیم مجبور به جلوگیری از اقامه نماز جمعه وی گردید، و با اعمال زور، زبانی را که در راه خدمت به خدا و خلق، به عظمت، حرکت می‌کرد از چرخش بازداشت و دهان حقگوی میهمان کویر را همچون دهانها و زبانهای دیگر بیست، مأموران از رفتن او به مدرسه و مسجد و محراب ممانعت به عمل آوردند، اما در منزل او را نتوانستند ببندند. لذا فریاد این مجاهد بزرگ از درون خانه به گوش همگان می‌رسید. او مجالس افشاگری و سازنده‌اش را در منزل به پا می‌داشت. تا اینکه مأموران انتظامی طبس از اینهمه شجاعت و استقامت به تنگ آمدند و تقاضای نجات از دست این مصلح فریادگر و این خارچشم طاغوت را نمودند.

برای اینکه به گرفتاری رژیم بر اثر تبعید آیت‌الله منتظری بیشتر پی ببریم چند مدرک بدست آمده از ساواک رژیم را مورد مطالعه قرار می‌دهیم:

نخست‌وزیری

سازمان اطلاعات و امنیت کشور

به: مدیریت کل اداره سوم/۳۱۲ - از ساواک قم - شماره ۲۴/۴۱ - تاریخ ۱۵/۲/۵۳

درباره شیخ حسینعلی منتظری فرزند حاج علی

اخیراً فرمانداری شهرستان طبس طی نامه شماره ۸/م-۱/۳۱/۵۳ که گیرنده آن بفرمانداری قم نیز ارسال گردیده از استانداری خراسان تقاضای تغییر محل اقامت اجباری نامبرده بالا را نموده و سکونت وی را در آن شهرستان به علت تأثیر در روحیه مردم ساده‌دل به مصلحت ندانسته است. فرمانداری شهرستان قم نیز رونوشت نامه فوق‌الذکر را جهت اظهار نظر در مورد تغییر محل اقامت اجباری شخص منظور به این ساواک ارسال داشته که فتوکپی آن به پیوست تقدیم می‌گردد.

مقرر فرمائید پس از بررسیهای لازم نظریه عالی را در مورد تغییر محل تبعید مشارالیه اعلام تا پاسخ فرمانداری قم داده شود. ق

رئیس ساواک قم - معینی - امضا



به مدیریت دولتی ساواک شماره ۲۱/۴۳۴
 شماره ۲۱/۴۳۴ تاریخ ۱۳۰۴/۴/۵
 سیم ۳۱۲ تخت فیزیکی سازمان اطلاعات امنیت کشور
 از ساواک قسماً پیوست

درباره شیخ حسینعلی منتظری فرزند حاج علی
 اخیراً فرمانداری شهرستان طبس طی نامه شماره
 ۲/۸ - ۵۳/۲/۱ که گیرنده آن بفرمانداری قم نیز ارسال
 گردیده از استانداری خراسان تقاضای تغییر محل
 اقامت اجباری نامبرده بالا را نموده و سکونت و برادر آن
 شهرستان به لت تا شهر در روحیه مردم ساده دل به مصلحت
 ندانسته است. فرمانداری شهرستان قم نیز رونوشت
 نامه فوق الذکر را جهت اظمار نظر در مورد تغییر محل
 اقامت اجباری شخص منظور باین ساواک ارسال داشته
 که فتوکپی آن پیوست تقدیم میگردد.

مقرر فرمائید پس از بررسیهای لازم نظریه عالی را در مورد
 تغییر محل تبعید مشارالیه اعلام تا پاسخ فرمانداری قم
 داده شود بق.

رئیس ساواک قسماً معینی

۱۳۰۴/۲/۱۴
 ۱۳۰۴/۲/۱۴
 رونوشت ۱۳۰۴/۲/۱۴
 محرمانه ۱۳۰۴/۲/۱۴

این سند به خوبی نشان می‌دهد که رژیم هرچه می‌خواست نیروی افشاگری آیت‌الله منتظری را بکاهد نتیجه عکس می‌گرفت و هر نیرنگی را به کار می‌گرفت که وی را دور از مردم نگه دارد، سرش به سنگ می‌خورد.

وزارت کشور

شهربانی کشور

از: شهربانی کشور (اداره اطلاعات) - به: تیمسار ریاست سازمان اطلاعات و امنیت کشور -

شماره ۶۳۳ - ۲۸ - ۶۵۷ - تاریخ ۵۳/۴/۳ - خیلی محرمانه

درباره شیخ حسینعلی منتظری نجف‌آبادی فرزند علی

از تاریخ ۵۲/۶/۱ که نامبرده بالا به موجب رأی کمیسیون حفظ امنیت اجتماعی قم به سه سال اقامت اجباری در شهرستان طبس محکوم و به محل اعزام شده است تاکنون ۴۳۰ نفر از سایر شهرستانها بویژه قم، اصفهان، یزد و نجف‌آباد به طبس وارد و با مشارالیه ملاقات نموده‌اند و اهالی طبس نیز که بسیار متدین و علاقمند به لباس روحانیت می‌باشند با روحانیون ملاقات کننده به احترام رفتار نموده و هرگونه تسهیلات لازم را در مدت اقامت نامبردگان برای آنها فراهم می‌آورند کمااینکه هنگامی که در تاریخ ۵۲/۱۲/۱۳ شیخ منتظری جهت ادای پاره‌ای توضیحات به ساواک خراسان اعزام می‌شود پس از بازگشت به طبس، علی‌رغم محرمانه بودن آن، همسایگان نامبرده که مردمی خوشنام و وطن‌پرست می‌باشند به قربانی کردن چند گوسفند مبادرت می‌ورزند.

نظریه پائین بودن سطح درآمد و زندگی مردم طبس و با تقسیم وجوهات و سهم امامی که ملاقات کنندگان برای شیخ حسینعلی منتظری می‌آورند، مشارالیه برای خود طرفدارانی در میان طبقات مختلف مردم فراهم و به همین سبب عده‌ای از روحانیون منطقه که سابقاً در مراسم میهنی شرکت می‌نموده‌اند در این مراسم دیده نمی‌شوند علیهذا خواهشمند است دستور فرمائید محل دیگری برای گذراندن بقیه مدت محکومیت یادشده در نظر گرفته و نتیجه را به شهربانی کشور اعلام دارند٪ ح

رئیس شهربانی کشور، سپهبد صمدیانپور - امضا

مطلب فوق به اندازه کافی صریح و بی‌پرده ناراحتی مزدوران شاه جنایت پیشه را از وجود آیت‌الله منتظری و تأثیرگذاری ایشان را روی مردم نشان می‌دهد. ببینیم جواب ساواک به این مزدوران که در واقع جواب رژیم سفاک پهلوی به شجاعت آیت‌الله منتظری بود، چه می‌باشد:

به: ساواک قم - از: مرکز - رمز شود - خیلی محرمانه

بازگشت به شماره ۵۲۱/۲۱۲۳ ه - ۵۳/۳/۵

بنابه ملاحظات امنیتی اقامت شیخ حسینعلی منتظری در شهرستان طبس به مصلحت نمی‌باشد.

ضمن تشکیل مجدد کمیسیون امنیت اجتماعی محل اقامت او به شهرستان سقز - استان

از : هیئت وزیران (سرکات) کشور
 به : تیسار ویاست سازمان اطلاعات و امنیت وزارت کشور
 در پادشاهی حسینعلی منتظری نجف آبادی فرزند شهبانی کشور
 (تلفن) _____ علی

شماره ۳۴۴-۱۸-۵۷۷
 تاریخ ۳ فروردین
 بیوست _____

خیل محرمانه

از تاریخ ۲۶/۱/۵۲ که نامبرده بالا بموجب رای کمیسیون حفظ امنیت اجتماعی قم به سال
 اقامت اجباری در شهرستان طبس محکوم و محل اعزام شد ماست تاکنون ۴۰ نفر از سایر
 شهرستانها بویژه قم ، اصفهان ، یزد و نجف آباد به طبس وارد و با مشارالیه ملاقات نمودند
 و اهالی طبس نیز که بسیار متدین و علاقمند به لباس روحانیت میباشند با روحانیون ملاقات کننده
 با احترام رفتار نموده و هرگونه تسهیلات لازم را در مدت اقامت نامبردگان برای آنها فراهم میاورند
 کما اینکه هنگامیکه در تاریخ ۱۳/۱۲/۵۲ شیخ منتظری جهت ادای پاره ای توضیحات بسا واک
 خراسان اعزام میشود پس از بازگشت به طبس ک طی رغم محرمانه بودن آن به حسابگان نامبرده که
 مردمی خوشنام و وطن پرست میباشند بقرهائی کردن چند گوسفند صادرت میورزند .
 نظر به پائین بودن سطح درآمد و زندگی مردم طبس و با تقسیم وجوهات و سهم امامی که ملاقات
 کنندگان برای شیخ حسینعلی منتظری میاورند مشارالیه برای خود طرفدارانی در میان طبقات -
 مختلف مردم فراهم و همین سبب عدم ای از روحانیون منطقه که سابقاً در مراسم میهنی شرکت
 مینموده اند در این مراسم دیده نمیشوند طبعاً خواهشمند است دستور فرمائید محل دیگری برای
 گذراندن بقیه مدت محکومیت یاد شده در نظر گرفته و نتیجه را به شهربانی کشور اعلام دارند .

رئیس شهربانی کشور . سپهبد صمد یانهور
 رشتن : _____
 مدیر کل بیم / _____
 سنی از تهران سکه جمهوری اسلامی
 با لایحه مرید سکه اسلامی
خیل محرمانه

اول بار ساواک تصمیم می‌گیرد آیت‌الله منتظری را از طبرس به سقز تبعید نماید، اما در بین آنها چه می‌گذرد - معلوم نیست - که وی را از طبرس به خلخال می‌فرستند. از متن این تلگرام به دست می‌آید که کمیسیون امنیت اجتماعی چیزی جز تشکیلات اجرای اوامر و صحنه گذاشتن بر تصمیمات سران ساواک چیز دیگری نبوده و قبل از اینکه این کمیسیون تشکیل شود ساواک دستورات تصمیم‌گیری آن را صادر می‌کند. آری، آیت‌الله منتظری قریب يك سال در شهر طبرس با سختی، اما پربار و ثمربخش زیست و تسلیم زور نگشت.

نکته قابل ذکر و با اهمیت اینکه چند ماه از اقامت آیت‌الله منتظری در طبرس نگذشته بود که وی با ارسال دفاعنامه‌ای سرگشاده به یکی از دادگاه‌های تهران دست به افشاگری آموزنده‌ای زد. این نامه موقع ارسال در سطح وسیعی منتشر گردید و پرده از چهره کثیف مزدوران دادگاه‌های فرمایشی برداشت.

مسلم است که این عمل قهرمانانه صرفاً به خاطر برملا کردن شیوه‌های به انزواکشاندن شخصیت‌های ارزنده اسلامی به دست عوامل سرسپرده امپریالیسم بوده است. لذا می‌تواند سند تاریخی گویایی از جنایات شاه باشد. در اینجا متن آن لایحه دفاعیه آورده می‌شود:

لایحه دفاعیه اینجانب حسینعلی منتظری نسبت به رأی کمیسیون امنیت اجتماعی قم

دائر بر اقامت به مدت سه سال در شهرستان طبرس .

بسم الله الرحمن الرحيم

دادگاه محترم شعبه ۱۵ دادگاه‌های استان مرکز (تهران) (راجع به پرونده شماره ۷۴۴/۵۲) در تعقیب اعتراضات سابقه مورخه ۵۳/۵/۳۰ و ۵۳/۶/۱۸ نسبت به رأی کمیسیون امنیت اجتماعی شهرستان قم مبنی بر اقامت اجباری این جانب حسینعلی منتظری نجف‌آبادی دارنده شناسنامه شماره ۷۵۸۳ صادره نجف‌آباد اصفهان به مدت سه سال در شهرستان طبرس پس از اعتذار از عدم حضور به علت بعد مسافت و بدی راه و کمبود وسائط نقلیه و گرفتاریهای خانوادگی وضعف مزاج و سرمای زمستان و ابهام نتیجه حضور و نداشتن محل مناسبی برای ورود که بعداً مورد عقاب مقامات نشود (چنانچه سابقاً شده‌است) و علل اخیری بطول ذکرها. پس از گله از عدم توجه قضات محترم به جمله (فوراً خارج از نوبت) در ماده ۴ قانون و تأخیر رسیدگی تا این تاریخ. پس از تذکر به اینکه اولاً خدا را شاهد و ناظر بدانید و دین و وجدان خودتان را حکم قرار دهید (واتقوا يوماً لاتجزی نفس عن نفس شیئاً و لا یقبل منها شفاعة و لا یؤخذ منها عدل و لاهم ینصرون - سوره بقره ۴۸) و ثانیاً حیثیت مقام قضائی و استقلال آن را در نظر داشته باشید و سعی کنید قوه مجریه طمع در تسخیر قوه قضائیه نکند و آبروی قوه قضائیه محفوظ بماند. پس از این تذکرات به

عرض می‌رساند:

۱- با اینکه این جانب یکی از مدرسین دروس عالیّه حوزه علمیه قم بودم و حدود چهارصد نفر به درس من حاضر می‌شدند و متجاوز از سی سال است که در قم ساکن می‌باشم، مع ذلك حدود يك سال و نیم بود که تحت فشار ساواک و شهربانی قم (بدون ارائه دلیل و با تهدید به اینکه اگر از قم نروی تو را تبعید می‌کنیم) عملاً از اقامت در قم محروم شدم فقط چون خانواده و منزل من در قم بودند از روی ناچاری گاهی يك شب دوشی برای رسیدگی به اوضاع آنها به قم می‌آمدم و از منزل هم بیرون نمی‌رفتم تا اینکه در اواخر خردادماه جاری یعنی برج ۳ از تهران به قصد نجف‌آباد حرکت و خانواده به نجف‌آباد منتقل و در آنجا به ترویج و اقامه جماعت اشتغال داشتم و ابدأ از آنجا مسافرت نکردم. هرروز حدود ۶۰ نفر به درس من حاضر می‌شدند و هر شب حدود هزار نفر در مسجد جامع نجف‌آباد به جماعت من حاضر می‌شدند و هر جمعه حدود سه هزار نفر به نماز جمعه من حضور می‌یافتند. بعلاوه مأمورین شهربانی نجف‌آباد من و منزل مرا در نجف‌آباد دائماً زیر نظر داشتند. پس بودن من در نجف‌آباد امری است واضح و آشکار- بعلاوه گذشته از مقامات شهربانی و امنیتی نجف‌آباد، خود مقامات شهربانی و امنیتی شهرستان قم هم از بودن من در قم مطلعند مگر اینکه بخواهند سهو کنند. و تحقیق در این امر برای دادگاه کاری است آسان و چنانچه بازتردید می‌باشد به خود من محول شود تا به نجف‌آباد بروم و شواهد آن را جمع‌آوری و ارائه دهم - بنابراین آیا تعجب‌آور نیست که کمیسیون امنیت اجتماعی قم در روز ۵۲/۵/۲۲ نسبت به من که در نجف‌آباد بوده‌ام قبلاً و بدون اطلاع اینجانب رأی صادر کند و سپس به شهربانی اصفهان دستور بدهند به معیت شهربانی نجف‌آباد بازداشت و مستقیماً به قم بیاورند و در شهربانی قم ورقه‌ای بدهند بی‌امضا و بدون ذکر دلیل دائر بر اینکه تو از طرف کمیسیون امنیت اجتماعی قم محکوم به سه سال اقامت اجباری در طبس می‌باشی. یا للعجب من مدتها در قم نباشم ولی کمیسیون امنیت اجتماعی قم مرا مشمول بند (الف) یا بند (ب) ماده ۲ قانون امنیت اجتماعی بدانند مگر اینکه وجود مثالی یا به اصطلاح بعضیها وجود هورقلیائی من به نحو اعجاز در قم منشأ آثاری بوده است و من نمی‌دانسته‌ام!

۲- پرونده در قم تنظیم شده، هر چند مفصلاً به نظر من رسیده است ولی آنچه به نحو استراق بصر از پرونده در قم به چشم من خورد حاکی بود از اینکه جانشین ریاست سازمان اطلاعات و امنیت قم در کمیسیون تشکیل شده در فرمانداری قم جریان گذشته شدن پاسبانی را در قم در روز ۵۲/۴/۲۷ به دست سه نفر از اهل نهاوند مطرح کرده و بعداً می‌گوید: «عده‌ای از طلاب که اسامی آنان ذیلاً درج می‌شود در این گونه ماجراها دست داشته‌اند به نحوی که ادامه حضورشان در شهرستان قم موجب سلب آسایش اهالی و ایجاد مزاحمت برای ۱۱ هزار نفر طلابی است که برای تحصیل علم و کسب معارف اسلامی به قم آمده‌اند.»

بقول ایشان در روز ۵۲/۴/۲۷ يك پاسبان در بازار قم به دست چند نفر نهاوندی کشته شده. چه ربطی به من دارد که نه من نهاوند رفته‌ام نه پاسبان را می‌شناسم و نه نهاوندیها را و نه در آن تاریخ

در قم بوده‌ام - گنه کرد در هند آهنگری - بشوشت بریدند سرمسگری. جای شکرش باقی است که خود آقای جانشین ریاست سازمان قم گفته است «این گونه ماجراها» و نگفته است «در این ماجرا». ثانیاً خیلی تعجب است که ایشان دایهٔ مهربانتر از مادر شده‌اند. من که یکی از مدرسین دروس عالیّهٔ حوزهٔ علمیهٔ قم هستم و بیش از نیمی از فضلاء قم، چه رسد به طلاب، سالهای متوالی به درس من حاضر می‌شدند، به فکر تحصیل طلاب و کسب معارف اسلامی ایشان نیستم ولی آقای جانشین ریاست سازمان قم دلسوز طلاب علوم دینیّه شده‌اند و حتی آمار حوزهٔ علمیهٔ قم را هم بطور دقیق ۱۱ هزار نفر قلمداد کرده‌اند! لازم است آقایان قضات تحقیق کنند. آقایانی را که ایشان به نام «عده‌ای از طلاب» مورد اتهام قرار داده‌اند اغلب آنان از مدرسین معروف حوزهٔ علمیهٔ قم می‌باشند و عمدهٔ دروس حوزهٔ علمیهٔ قم را آقایان اداره می‌کردند.

ثالثاً لازم است دادگاه محترم از افراد کمیسیون امنیت اجتماعی قم از قبیل فرماندار و رئیس شهربانی و غیرها و یا از آقای استاندار مرکز بپرسند که اصلاً آنان تاحال مرا رؤیت کرده‌اند یا می‌شناسند و به خصوصیات و روحیات من و سایر آقایان آشنائی دارند که چنین رأیی را امضاء کرده‌اند و یا ورقی تنظیم شد فوراً آقایان آن را وحی منزل دانسته هر کدام يك خط به نام امضاء زیر آن کشیدند، بدون اینکه فکر بکنند چه آثار شومی بر این امضائات نامیمون مرتب می‌شود. جالب توجه اینکه همین آقایانی که «محض جلب رضایت بالاترها» برای اشخاص پرونده سازی می‌کنند و بی‌جهت مزاحم اشخاص می‌شوند از خدا و قیامت و حساب و کتاب هم دم می‌زنند!

۳- مطابق اصل ۲۸ متمم قانون اساسی قوای ثلاثهٔ مملکت همیشه از یکدیگر ممتاز و منفصل خواهد بود. بنابراین دادگاه قانون امنیت اجتماعی برخلاف اصول مشروطیت است و اعتبار ندارد. زیرا در آن به کمیسویی حق رأی و حکم داده شده که اکثریت قاطع آن را قوای مجریه تشکیل می‌دهد. واقعاً جای تعجب است که کمیسیون خودش بدون احضار طرف حکم صادر کند و سپس طرف را جلب و بدون ارائهٔ دلیل، پرونده تنظیم شده، خودش حکم خودش را اجرا نماید، و حتی با اینکه در متن قانون ذکر شده است که محکومین به اقامت اجباری بدون مستحفظ به منطقهٔ تعیین شده بروند، «مادهٔ ۱۶ قانون مجازات عمومی که در مادهٔ ۳ قانون امنیت اجتماعی به آن احاله شده» اینجانب را با چند ژاندارم با کمال شدت عمل به محل اقامت اجباری تعیین شده بردند.

۴- مطابق اصل ۷۸ متمم قانون اساسی احکام صادره باید مدلل و موجه باشد. لابد مقصود مدلل بودن در عالم مثال و یا در اصطلاح فلاسفه عالم عقول و نفوس کلیه نیست بلکه مقصود این است که حکم با دلیل به طرف ابلاغ شود تا اینکه طرف به جرم خود واقف شود. پس چرا در حین توقیف این جانب از نجف‌آباد و پس از آوردن به شهربانی قم و فرستادن به طیس با آن شدت معموله نه پرونده به من نشان دادند و نه علت توقیف و بازداشت و توابع آن را، البته روزگاری از ناحیهٔ من در صحبتها، انتقاداتی موجه از کارهای دولت در بین بوده است که به حق یا ناحق (البته ناحق بوده است) مرا بازداشت و زندانی کردند و سپس هم محاکمه و محکوم نمودند ولی مطالب سابق که مجازات آن هم تمام شده چه ربطی به حال دارد که اولاً من در قم نبوده‌ام و ثانیاً صحبت

تازه از ناحیه من دربین نبوده است.

۵- اضعف الی جمیع ذلك اینکه چون اصل دوم متمم قانون اساسی که برحسب تصریح متن آن «تأظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف تغییرپذیر نخواهد بود»، در قوانین جاریه رعایت نشده پس هیچکدام از آنها ارزش قانونی ندارند و بر خلاف اصول مشروطیت ایران می‌باشند. فی‌الهی رضاءاً بقضائك و تسليماً لامرك و اليك المشتكى - والسلام علی من اتبع الهدی و رحمة الله و بركاته.

دهم دیماه ۱۳۵۲ - شهرستان طبس - حسینعلی منتظری

آدرس: شهرستان طبس - مدرسه دومنار

تبعید به خلخال

همان گونه که اشارت رفت، عکس‌العمل تسلیم‌ناپذیری و ترس رژیم از ثمربخشی بیش از پیش آیت‌الله منتظری، چنان شد که در اواسط تابستان ۱۳۵۳ به تبعید مجدد وی همت گمارد (۲۱ مرداد ۱۳۵۳).

تابستان گرم را در یکی از گرمترین شهرهای ایران سپری کرد و سرمای زمستان را مجبور شد در یکی از سردترین نقاط ایران بگذراند.

شهرستان خلخال مجموعه‌ای از چند بخش و روستای جنوب شرقی آذربایجان شرقی است. مرکز خلخال شهر «هروآباد» است که هم از اردبیل راه دارد و هم از میانه و هم از اسالم گیلان اما چه راههایی!

هروآباد در کوهستانهای بین گیلان و آذربایجان برای زندگی مردم بومی هم سخت است، چه رسد برای غیر بومی. در زمستان راه جنگلی گیلانش و راه ارتباطی به میانه‌اش کاملاً به وسیله برف مسدود می‌گردد و رفت و آمد فقط از راه اردبیل آنهم به سختی و هر چند روز يك بار انجام می‌گیرد. اینچنین شهری در زمستان سال ۵۳ ماوای مجاهد و فقیه و فیلسوف آیت‌الله منتظری بود. کسی که هر لحظه از عمرش را باید با فرزندان و شاگردان مبارزش باشد و هر لحظه مشتاقان علوم اسلامی پای درسش بنشینند و لحظه‌های پربار زندگیش را در راه اعتلای اسلام عزیز به کار برد، اکنون بدون داشتن یاورانی مؤثر در خانه‌ای کوچک، در گوشه ایران ویران، عمر می‌گذراند. دیدن و شنیدن چنین فاجعه‌ای برای دلسوزان به اسلام و اندیشمندان بشریت نهایت درد و تأسف است. اما او خود امیدوار و مصمم، تکیه بر اعتقاد به خدا، دست در دست توده و همونوعان رنج‌دیده و ستم‌کشیده‌اش، هر کوهی را در می‌نوردد و هر سختی را از صلابت خویش سست‌تر می‌بیند.

آیت‌الله منتظری در خلخال تحت نظارت و مراقبت شدید نیروهای امنیتی قرار داشت، طوری که مقابل منزل مسکونی وی اتاقی در طبقه بالا به زور از طرف شهربانی اجاره کرده در اختیار يك زن مأمور قرار داده بودند که امور جاری و رفت و آمدهای محل سکونت آیت‌الله را کنترل کند و

گزارش دهد.

روحیه فعال و رفتار اسلامی میهمان تازه خلخال، در شهر کوچک هروآباد نیز در خدمت بیدار کردن و روشن نمودن افکار مردم درآمد.

از آنجا که زبان مردم آن سامان با زبان آیت‌الله منتظری اختلاف داشت، آنطور که بایسته بود، نفوذ او در آغاز سرعت چندانی نیافت، اما هرگز به دلیل عدم فهم زبان تکلم توده آذربایجان حاضر به سکوت و سکون نشد و بالاخره مسجدی را یافت که فاقد امام جماعت بود. این مسجد نوساز که به وسیله هیئت امناء اداره می‌شد مکان خوب و مناسبی جهت بسط و گسترش اندیشه‌های انقلابی و زندگی‌ساز اسلام گردید.

او نماز در مسجد مذکور را به تنهایی و یکنفره شروع کرد. به جای اینکه نمازش را در منزل به جای آورد، در مسجد اقامه می‌کرد، تا اینکه نفراتی برای اقامه نماز جماعت در آن مسجد پیدا شدند. کانون تبلیغ و افشاگری گرم شد و امام جماعت، همچون سایر تبعیدگاههای خویش، در بین نماز «قرآن تفسیر می‌کرد».

نمازگزاران زیاد گشتند و جو مسجد برای احیای اسلام آماده شد. مسلم است تفسیر آیت‌الله منتظری خیلی از کسان را بیمناک و زیاده‌ای را شادمان می‌سازد؛ چرا که حرف قرآن از زبان منتظرها خواب‌آلود و غمگرفته و بهشت‌ساز بدون مقدمه نیست. حرف رزم است و دنیا‌ساز و طاغوت سوز.

مأموران رژیم، وامانده از این بی‌باکی غیر منتظره تبعیدی، سخت به وحشت و تلاش افتادند. متوجه شدند که حرفهایی تازه از مسجد بیرون می‌آید؛ حرفهایی که از يك عمامه به سر بعید می‌دانستند؛ و از طرفی عکس‌العمل مستقیم در برابر عمل آیت‌الله منتظری در شهری کوچک که تاکنون چنین برنامه‌ای را - حداقل در زمان آریامهر ملعون - ندیده است، ممکن بود مردم منطقه را نسبت به ماهیت رژیم هوشیارتر کند.

عاملان رژیم از هیئت امنای مسجد خواسته بودند که این تبعیدی دیگر در مسجد شما نماز نخواند. وقتی که هیئت امنای مسجد، حرف پلیس را به عنوان حرف خودشان با آیت‌الله منتظری در میان گذاشتند و از او خواستند که دیگر در این مسجد نماز نخواند، در مقابل سؤال تعجب‌آمیز وی قرار گرفتند که: چه کسی گفته من در این مسجد نماز نخوانم؟ و آنها به اجبار حرف از رئیس شهربانی پیش آوردند که آیت‌الله جواب دندان‌شکنی به آنها می‌دهد و آنان را به مسئولیت و وظیفه خودشان آشنا می‌سازد: «مسجد را برای خدا ساخته‌اید یا برای رئیس شهربانی؟ اگر برای رئیس شهربانی ساخته‌اید که من می‌روم، اما اگر برای خدا ساخته‌اید، پس فردای قیامت که خدایتان سؤال کرد چرا در مسجدی که ساختید نماز به پا نمی‌داشتید، از حق و حقیقت نمی‌گفتید، و به دستور يك آدم فاسد، کسی را که برای اقامه نماز و تفسیر قرآن به آن وارد شد، بیرون راندید، چه جواب خواهید داد؟»

هیئت امنای مسجد که بنایی را برای خوشنودی خدا ساخته بودند، از منطق کوبنده امام

جماعت جدید مسجد سخت شرمنده و سر به زیر گشتند و بدون هیچگونه جوابی عرض حال به پیش رئیس شهربانی بردند و گفتند که ما را یارای اخراج او نیست و زبانمان در مقابل او آنچنان سست و الکن است که کار شما از دست ما خارج است. مأموران امنیتی و انتظامی شهر از مقابله با شخص آیت‌الله منتظری در دفعات مکرر شکست خوردند و مایوس گشتند. آیت‌الله منتظری حتی از رفتن پیش رئیس شهربانی برای جواب دادن خودداری می‌کرد و می‌گفت هر که با من کار دارد اینجا بیاید.^۱ پس، از طریق آزار و اذیت و تهدید نمازگزاران وارد کارزار شدند. مأمورانی را برای شناسایی و بازجویی مردم کوچه و بازار که در نماز جماعت آیت‌الله منتظری شرکت می‌کردند گماشتند. هر چند که روزهای اول اطراف آیت‌الله خالی شد اما دیری نپائید که مأمورین حاضر در مسجد تحت تأثیر سخنان پر مغز و حقیقت پرداز امام جماعت قرار گرفتند و مأموریت خویش را به دست فراموشی سپردند و دیگر از شناسایی و بازجویی طفره رفتند. سستی در مأموریت و علاقه مأموران برچیدن نماز جماعت آیت‌الله منتظری به حرفها و شخصیت او، باعث دوباره شلوغ شدن مسجد گردید. رژیم هر چه کوشید نتوانست این مشعل حرارت‌بخش و روشنگر را از فعالیت بازدارد و مردم را نسبت به او بی‌علاقه سازد. از طرفی بیم داشت که این منطقه کوهستانی را چون کویر طبس بیش از پیش به حرکت وادارد. این بیم جانکاه، رژیم را واداشت که مجدداً دست به تبعید او بزند. رژیم با فکر کوتاهش می‌خواست منتظری را شهر به شهر و منطقه به منطقه بگرداند تا توان مقاومت و مبارزه وی را به ناتوانی بدل سازد.

اسناد باقیمانده از ساواک که البته تعداد اندکی از آن به دست نویسنده رسیده است نشان می‌دهد که چگونه عمال رژیم در مقابل شجاعت آیت‌الله منتظری ضعیف و ذلیل بودند. لازم است مدارکی را که نشان می‌دهد وجود آیت‌الله منتظری را در خلخال هم نمی‌توانستند تحمل کنند در اینجا برای خوانندگان و علاقمندان ارائه دهیم:

شهربانی کل کشور

از: شهربانی کشور (اداره اطلاعات) شماره ۶۳۳-۲۸-۶۵۷

به: تیمسار ریاست سازمان اطلاعات و امنیت کشور تاریخ ۵۳/۷/۱۸

موضوع: شیخ حسینعلی منتظری فرزند حاج‌علی پیرو شماره: ۶۳۳-۲۸-۶۵۷-۵۳/۶/۳۱

برابر اطلاع واصله شیخ هیبت‌الله یکتائی، شیخ احمد سبحانی و شیخ علی‌اصغر مروارید مرتباً به منزل نامبرده بالا که در شهرستان خلخال تبعید می‌باشد رفت و آمد داشته و با وجود تذکراتی که به آنان داده می‌شود به حمایت از شیخ حسینعلی منتظری ادامه و حتی وی را تشویق به قبول پیشنمازی مسجد شاه خلخال و برگزاری نماز ظهر روز جمعه ۵۳/۶/۲۲ نموده‌اند.

۱- تکبر کردن پیش متکبر، عین تواضع است. از آیت‌الله منتظری این گونه رفتارهای اسلامی را زیاد دیده‌ام.

در مورد عدم برگزاری نماز جماعت وسیلهٔ شیخ مذکور به هیئت امانهٔ مسجد دستورات لازم داده می‌شود ولی شیخ حسینعلی منتظری ضمن بی‌توجهی به تذکرات هیئت امانهٔ مسجد اظهار می‌دارد «شما هر کاری بکنید من پیشنهاد نخواهم بود.»

مجدداً ظهر روز ۵۳/۶/۲۶ وسیلهٔ هیئت امانهٔ مسجد از ورود مشارالیه به مسجد جلوگیری می‌شود ولی ساعت ۱۸/۳۰ همان روز شیخ تبعیدی مروارید و شیخ احمد سبحانی وی را از منزل با خود به مسجد شاه برده و پشت سر وی نماز گزارده و سایرین را نیز ترغیب به اقتدا به او می‌نمایند.

با توجه به موارد فوق خواهشمند است دستور فرمائید نسبت به تغییر محل اقامت اجباری شیخ حسینعلی منتظری اقدام مقتضی معمول و نتیجه را به شهربانی کشور اعلام دارند. %
از طرف رئیس شهربانی کشور - سپهبد صمدیانپور - امضا

وزارت کشور - استانداری استان مرکز - فرمانداری قم

صورت جلسه

به تاریخ شنبه بیستم مهرماه ۵۳ در ساعت ۱۰ صبح کمیسیون حفظ امنیت اجتماعی شهرستان قم حسب دعوت‌نامهٔ شمارهٔ ۵۳/۷/۱۸-م/۵۲۵ فرمانداری شهرستان قم در اطاق کار جناب آقای فرماندار تشکیل گردید.

آقای فرماندار اظهار داشتند دعوت کمیسیون به منظور طرح نامهٔ شمارهٔ ۵۳/۷/۱۸-۲۱/۴۶۰۳- کمیسیون حفظ امنیت محترمانهٔ سازمان اطلاعات و امنیت قم می‌باشد که به موجب آن اعلام شده است که ادامهٔ حضور شیخ حسینعلی منتظری که به موجب صورت مجلس مورخهٔ ۱۳۵۲/۵/۲۲- کمیسیون حفظ امنیت اجتماعی قم به سه سال اقامت اجباری در شهر طبس محکوم گردیده و سپس رأی شعبهٔ ۱۵ دادگاه استان محل اقامت نامبرده به شهر خلخال تغییر کرده است در شهر خلخال مفایر امنیت شهر مذکور بوده و به ملاحظات امنیتی تقاضا شده است که کمیسیون محل اقامت نامبرده را به شهرسقز تغییر دهد. آقای معینی رئیس سازمان اطلاعات و امنیت قم اظهار داشتند به موجب دستور رسیده از مقامات امنیتی مرکز اقامت مشارالیه در خلخال مخالف مصالح اجتماعی بوده و برای حفظ امنیت منطقه مذکور لازم است که سریعاً نسبت به تغییر محل اقامت نامبرده به شهرسقز که از جهت مذهبی محل مناسبی می‌باشد اتخاذ تصمیم شود.

کمیسیون با توجه به اظهارات ریاست ساواک قم موافقت خود را با تغییر محل اقامت مشارالیه از شهر خلخال به شهرسقز به منظور گذراندن بقیهٔ مدت اعلام می‌دارد. ضمناً رئیس سازمان اطلاعات و امنیت قم اضافه کردند که ساواک در نامهٔ مذکور نسبت به محکوم دیگری نیز تقاضای تغییر محل اقامت نموده است که از جهت تغییر محل اقامت جدید محتاج به مطالعهٔ بیشتری است و مراتب مجدداً برای طرح در کمیسیون اعلام خواهد شد.

فرماندار قم سالاری، رئیس سازمان اطلاعات و امنیت قم و نمایندهٔ نخست‌وزیری معینی.



(تلن)

شماره ۰۰۲-۰۰۲

شماره ۳۵۷-۲۸-۵۳۳
تاریخ ۲۸-۷-۶۳
پیوست

از : شهرداری کشور (اداره اطلاعات)
به : تیستار، ریاست سازمان اطلاعات و امنیت کشور
موضوع : شیخ حسینعلی منتظری فرزند حاج علی

پیرشماره : ۵۳/۱/۳۱-۶۵۷-۲۸-۶۲۲

برابر اطلاع واصله شیخ هیئت اله یکتائی ، شیخ احمد سبحانی و شیخ طی اصغر مروارید مرتبا بمنزل نامبرده بالا که در شهرستان خلخال تمهید میاشد رفت و آمد داشته و با وجود تذکراتی که به آنان داده میشود به حمایت از شیخ حسینعلی منتظری ادامه و حتی ویران شویق به قبول پیشنهادی مسجد شاه خلخال برگزار نماز ظهر روز جمعه ۵۳/۶/۲۲ نموده اند . در مورد هم برگزار نماز جماعت وسیله شیخ مذکور به هیئت امناء مسجد دستورات لازم داده میشود ولی شیخ حسینعلی منتظری ضمن بی توجهی به تذکرات هیئت امناء مسجد اظهار میدارد " شما هرکاری بکنید من پیشنهاد خواهم بود "

مجد د ۱۰ ظهر روز ۵۳/۶/۲۶ وسیله هیئت امناء مسجد از ورود مشارالیه به مسجد جلوگیری میشود ولی ساعت ۱۸۳ همانروز شیخ تمهیدی مروارید و شیخ احمد سبحانی ویرا از منزل باخود به مسجد شاه برده و پشت سر وی نماز گزارده و سایرین را نیز ترغیب به اقتدا باو می نمایند . باتوجه به موارد فوق خواهشمند است دستور فرمائید نسبت به تعیین محل اقامت اجباری شیخ

حسینعلی منتظری اقدام مقتضی معمول و نتیجه را به شهرداری کشور اطلاع داریند . بچ

رئیس شهرداری کشور
از طرف

درماند ۱۰/۷/۶۳
۱۳۶۶
۱۳۶۶

شماره
تاریخ
پیوست


وزارت کشور
استانداردی استان مرکز
فرمانداری قم
صورتجلسه

بتاریخ شنبه بیستم مهرماه ۵۲ د رساعت ۰ اصبح کمیسیون حفظ امنیت اجتماعات شهرستان قم حسب دعوت نامه شماره ۵۲۵/۱۸۰۷/۲۰۲ فرمانداری شهرستان قم در اطاق کارجناب آقای فرماندار تشکیل گردید .
آقای فرماندار اظهار داشتند دعوت کمیسیون بمنظور طرح نامه شماره ۴۶۱۰۳ / ۱۸۰۷ / ۲۰۲ محترماً سازمان اطلاعات و امنیت قم میباشد که بموجب آن اعلام شده است مسئله ادامه حضور شیخ حسینعلی منتظری که بموجب صورتجلسه مورخه ۲۲ / ۵ / ۵۲ - ۱۹ کمیسیون حفظ امنیت اجتماعات قم به سه سال اقامت اجباری در شهرستان قم محکوم گردید و سپس رأی شماره ۱۵ دادگاه استان محل اقامت نامبرد به پیشرو خلخال تغییر کرد فاست در شهرستان خلخال مقام امنیت شهریزد کور بوده و ملاحظاتی که متقاضی آنجا شده است که کمیسیون محل اقامت نامبرد را به شهرستان قم تغییر دهد آقای معینی رئیس سازمان اطلاعات و امنیت قم اظهار داشتند بموجب دستور رسیده از مقامات امنیتی مرکز اقامت مشا را اله در خلخال مخالف صالح اجتماعات بوده و برای حفظ امنیت مطلقه مذکور لازم است که سرعاً نسبت به تغییر محل اقامت نامبرد و به شهرستان قم که از جهت مذ هبب محل مناسب میباشد اتخاذ تصمیم شود .

کمیسیون با توجه با گزارشات ریاست ساواک قم موافقت خود را با تغییر محل اقامت مشا را اله از شهرستان خلخال به شهرستان منظور گذراندن بخواهد مدت اعلام میدارد . ضمناً رئیس سازمان اطلاعات امنیت قم اضافه کردند که ساواک در نامه مذکور نسبت به محکوم دیگری نیز تقاضای تغییر محل اقامت نموده است که از جهت تعیین محل اقامت جدید محتاج به مطالعه بیشتری

است و مراتب مجدداً برای طرح در کمیسیون اعلام خواهد شد .
فرماندار قم - سالاری رئیس سازمان اطلاعات و امنیت قم - معینی
رئیس اداره دادگستری - فاطمی شریعت پناه

فرمانده منطقه ۱ - زانداروی قم سرهنگ
فرمانده ساواک - سرهنگ شهرستانی
فرمانده ساواک - ملکشان

۹-۱۱-۱

رئیس اداره دادگستری فاطمی شریعت پناهی. دادستان قم ملکشاهی. رئیس شهربانی قم سرهنگ شهرستانی. فرمانده منطقه ژاندارمری قم سرهنگ فردوس مکان.

فکر قاصر نوکران امپریالیسم این را نمی کشید که گرمای کویر و سرمای کوهستان و عدم هماهنگی زبان و اختلاف مذهب حربه پوسیده‌ای است که نمی‌تواند آیت‌الله منتظری را خانه‌نشین سازد. مجاهد خستگی‌ناپذیر و قاطع، هنگامی که در خلخال با وضع اسف‌انگیز روز می‌گذراند، طی نامه‌ای سرگشاده به وزیر دادگستری وقت و علمای ایران با شجاعت و صراحت تمام فجایع و مظالم و قانون شکنی دستگاه جبار را برای نسلهای آینده روشن ساخت. متن نامه مذکور چنین است:

۵۳/۵/۲۵

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على خير خلقه محمد وآله الطاهرين واللعن على اعدائهم اجمعين الى يوم الدين. لاتحسين الله غافلاً عما يعمل الظالمون انما يؤخرهم ليوم تشخص فيه الابصار (ابراهيم ۴۲)

جناب آقای صادق احمدی وزیر دادگستری. رونوشت جناب آقای دادستان کل. رونوشت دادگاه شماره ۱۵ مرکز. رونوشت فرماندار خلخال. به عرض می‌رساند.

این جانب حسینعلی منتظری نجف‌آبادی یکی از مدرسین دروس عالیة حوزه علمیه قم (که بر حسب رأی کمیسیون - به اصطلاح - امنیت اجتماعی قم در روز ۵۳/۵/۲۲ محکوم گردیده به اقامت اجباری به مدت ۳ سال در طیس و پرونده آن به دادگاه شماره ۱۵ مرکز ارجاع شده) در روز ۵۳/۵/۲۱ در حالی که خانواده من به اصفهان رفته بودند و فقط يك بچه کوچکم نزد من بود (و اکنون در طیس تنها مانده است) بدون اخطار قبلی به عنوان اینکه از مشهد تو را خواسته‌اند مرا با دو ژاندارم مسلح از طیس به مشهد اعزام و از مشهد به تهران و از تهران به خلخال آوردند.

در طیس درس مختصر و جماعتی که داشتم تعطیل کردند. منزل من هم که در کنترل و حصر آقایان بود و من در منزل خودم در وسط کویر زندانی و به مطالعات علمی اشتغال داشتم. دیگر این عمل وحشیانه چه بود؟ که مرا بدون اخطار قبلی از طرف دادگاه راجع به محکومیت یا تغییر محل و بدون تقاضائی از اینجانب پس از تحمل گرمای سخت طیس از خانه و زندگی مختصر و بچه کوچکم جدا و در شهر سرد و برفی خلخال آواره و سرگردان کردند. شما آقایان که هر سال جشن مشروطیت برپا می‌کنید و نطقهای آتشین شما به وسیله رادیو و روزنامه‌ها پخش می‌شود و دم از عدالت و قانون و دموکراسی می‌زنید چرا اقلان قانونهائی را که خودتان تصویب کرده‌اید عمل نمی‌کنید؟ اولاً محکوم به اقامت اجباری نباید با مأمور اعزام شود. ثانیاً در محل نباید زیر نظر باشد تا چه رسد به زندانی شدن در خانه. ثالثاً باید پس از اعتراض دادگاه فوراً خارج از نوبت رسیدگی کند. رابعاً تغییر محل نیز باید به رأی دادگاه و پس از اخطار باشد. آقای وزیر دادگستری، در زمان

تصدی شما آبروی دادگستری رفت. سابقاً دادگستری تا اندازه‌ای استقلال داشت و مورد امید مردم بود. حالا به صرف گزارش يك مأمور ساواک قم بیست و پنج نفر از علماء و مدرسین حوزه علمیه قم را بازداشت و به نقاط مختلف و دور دست می‌فرستند و پس از اعتراض آقایان و احاله پرونده به دادگاه شماره ۱۵ پس از يك سال تأخیر و دور سرگرداندن بالاخره نسبت به بعضی از آقایان هنوز ساکت مانده و نسبت به بعضی هم بدون اینکه اقلأ صورت دادگاه را حفظ کنند و بدون اینکه از ساواک قم علت و دلیلی مطالبه کنند حکم صادر می‌کنند!! اگر از خدا و دادگاه عدل خدا در قیامت نمی‌ترسید، اقلأ خوب بود حیثیت دادگستری و دادگاه را حفظ می‌کردید. برای يك لقمه نان این همه محافظه‌کاری و بی‌وجدانی چرا؟ بالاخره هوای سرد و برفی خلخال با مزاج من که به امراض مختلفه گرفتار هستم بهیچ نحو سازگار نیست مگر اینکه نقشه ایذاء و نابودی من در بین باشد و باک هم ندارم که نابود شوم و اینهمه کجرویها را مشاهده نکنم.

ولی بدانید که خون من به عهده شما خواهد بود. و سیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون
۲۷ رجب ۹۴. حسینعلی منتظری

سقز، آخرین تبعیدگاه

در پی تصمیم کمیسیون امنیت اجتماعی قم که مدرک آن آمد، در تاریخ ۵۳/۹/۲۰ آیت‌الله منتظری را از میان برادران ترك‌زبان خلخال به میان برادران اهل سنت دردل کردستان - شهر سقز - تبعید کردند.

آیت‌الله منتظری در شهر سقز، که زمستانش به سختی سرد و از امکانات شهری در مضعیه است، آخرین دوران تبعیدی خویش را گذراند.

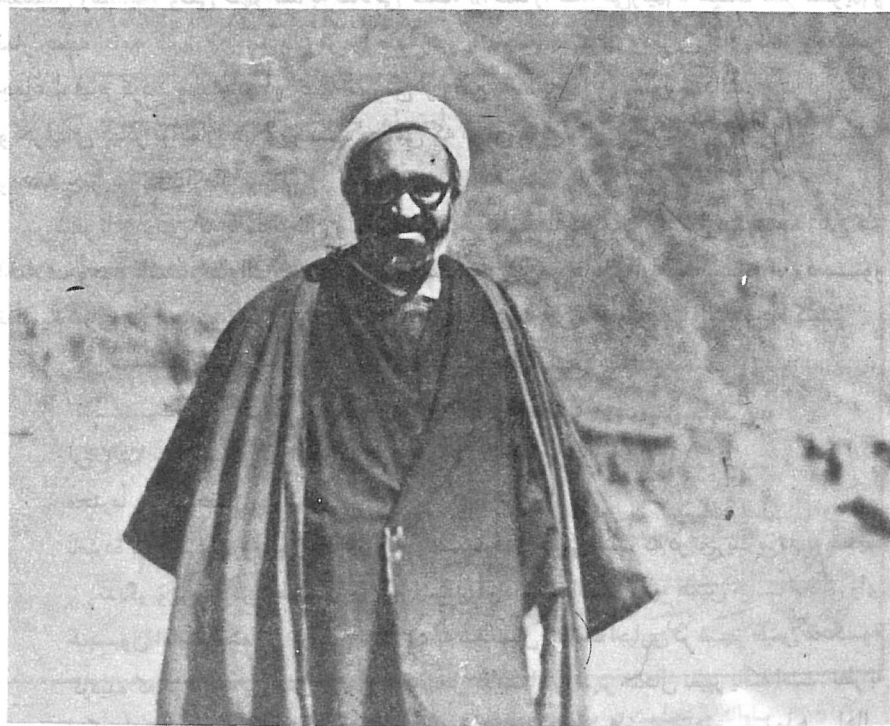
کوهستانی بودن سقز و عدم رسیدگی به امور رفاهی و نیازهای شهری مثل اکثر جاهای ایران - بویژه وضع بد آب آشامیدنی - زندگی را برای کسی که قسمت زیادی از عمرش را در هوای گرم قم گذرانده است، تا اندازه‌ای سخت نموده بود.

از بدی آب و هوا که بگذریم اختلاف مذهب و زبان هم بر مشکلات می‌افزود و گویا قبلاً برای تنها ماندن آیت‌الله در شهر سقز برنامه‌هایی تهیه دیده بودند. چرا که با تمامی صمیمیت و گرمی که این مجاهد از خود نشان می‌داد و علاقه به وحدتی که داشت، هیچیک از برادران اهل تسنن در آغاز به دیدار او نیامدند.

به هنگام مراجعت پیشوای مذهبی شهر سقز از مکه معظمه، آیت‌الله منتظری به دیدن او رفت تا همبستگی ارزشمند مسلمانان را به اثبات برساند. مردم او را نمی‌شناختند، ولی او به آسانی و با محبت تمام با برادران اهل تسنن برخورد می‌کرد. آیت‌الله برای ادامه فعالیت اسلامی و مبارزاتی خود از همان شیوه همیشگی‌اش بهره برد: راهی مسجد گردید و با نماز و قرآن به مردم فهماند که چه باید کرد.



در تبعیدگاه سقز ۱۳۵۴ ش.



...

در شهر سقز، شیعیان در اقلیت محسوسی هستند و عمده شیعیان را کارمندان ادارات بویژه دخانیات و ارتشیان تشکیل می‌دهند.

این شیعیان - که نوعاً فارس زبان هستند - مسجدی در سقز دارند به نام مسجد حسینییه. پایگاه هفت ماه افشاگری و نشر علوم اسلامی به وسیله آیت‌الله منتظری همین مسجد حسینییه بود. نماز جماعت را خود در مسجد اقامه می‌کرد و طبق معمول در بین دو نماز یا پس از خاتمه نماز به تفسیر قرآن و بیان احکام اسلام می‌پرداخت.

شبی که به اتفاق برادرانی چند از دانشگاه تبریز به دیدار او رفتیم و در شهر سراغ او را گرفتیم ما را به مسجد حسینییه هدایت کردند. او مشغول تفسیر قرآن برای عده اندکی از شیعیان بود. برادرانم با کمال تعجب از من سؤال می‌کردند که در این اختناق شدید، خصوصاً در تبعید، چگونه ممکن است آیات سوره توبه، آنهم «فقاتلوا ائمة الکفر» تفسیر گردد. در جواب گفتم: آیت‌الله منتظری را چه دیده‌اید؟ او با صراحت تمام و شجاعت کم‌نظیر از نابود کردن سران کفر و از جنگ با سردمداران ظلم سخن می‌گفت، و چه زیبا با زبان ساده مثال می‌زد. در شهر سقز بود که من به آسانی او را مصرّ و مصمم به برپایی نماز جمعه دیدم. هر چند که او را بارها و بارها به امامت جمعه دیده بودم، اما نمی‌دانستم که این فرزند اسلام به نماز جمعه و اجتماعات اسلامی-سیاسی تا این اندازه اهمیت می‌دهد. جمعه‌ای بود که يك جمع پنج نفری در سقز به خدمتش رسیدیم. وقتی ظهر شد به سادگی گفت: «احمد را صدا می‌زنیم تا هفت نفر شویم و نماز جمعه اقامه کنیم.» احمد پسرش را صدا زد و يك جمع هفت نفری برای ادای نماز جمعه به جماعت قیام کردند و امام در دو خطبه نمازش از وضع دانشگاهها و مسئولیت دانشجو در آن زمان و حرفهای دیگر بر ایمان سخن گفت - مطالبی که در آن موقع برایمان مفید بود و بیش از همیشه و همه چیز بدانها نیازمند بودیم.

در سقز با وجودی که با شاگردان و دوستداران خود فاصله داشت و از نظر مذهب و زبان هم اختلاف وجود داشت، ساواک جنایتکار از وحشت دیدار مردم با او آرام نداشت. لذا دستور تصمیم‌گیری در این زمینه را از مرکز خواستار شدند. به این گزارش ساواک توجه کنید:

نخست‌وزیری

سازمان اطلاعات و امنیت کشور

از: ۳۱۲ - گزارش - درباره: شیخ حسینعلی منتظری - تاریخ: ۵۳/۱۱/۲

محترماً به استحضار می‌رساند

نامبرده بالا یکی از روحانیون افراطی و ناراحت طرفدار خمینی است که در تحریک مردم به ضدیت با یکدیگر و برهم زدن نظم و آرامش شهرستان قم دست داشته که به همین جهت مطابق رأی کمیسیون امنیت اجتماعی مورخ ۵۲/۵/۲۲ به سه سال اقامت اجباری در شهر طبس محکوم گردیده که در نتیجه پژوهش‌خواهی وی، محل اقامت او به شهر خلخال تغییر یافته است. نظر به اینکه یاد شده فردی ناراحت و اخلاک‌گر است و با توجه به خصوصیات و تعصب مذهبی اهالی



شماره به

تاریخ ۱۳۳۱/۱۱/۲۵

سخت‌وزیری
سازمان اطلاعات امنیت کشور

پوست

از ۳۰۹۴

گزارش

درباره شیخ حسینعلی منتظری

محترماً با استحضار میرساند .

نامبرد هالا یکی از روحانیون افراطی و ناراحت طرفدار خمینی است که
در تحریک مردم بحدیث با یکدیگر و برهم زدن نظم و آرا من شهرستان قم
داشت که بهمین جهت مطابق رای کمیسیون امنیت اجتماعی مورخ
۲۲ / ۵ / ۵۲ به سازمان اقامت اجباری در شهر طبرس محکوم گردیده که در
نتیجه پژوهشخواهی وی محاقمات او و شهر خلخان تغییر یافته است .

نظر باینکه با شد هفردی با راحت و اخذ لگراست و با توجه به خصوصیات
و تعصب مذهبی امالی شهرستان خلخان موقعیت برای فعالیتات
اخلالگرانها و فراهم بود ، مشارالیه از این فرصت برای تحریک مردم و تبلیغات
مضره استفاده مینمودند لذا محسب تعیید او از شهر خلخان به شهر سقز تغییر
وروز ۲۰ / ۹ / ۵۳ در جمعیت ما مورین انتظامی بیان محسب عزیمت نمود هاست .

اینک سا و ایاستان کردستان اعظم داشته که بمنظور جلوگیری از مضرات
و خطرات احتمالی آتی ناشی از ارتباط مکرر افراد متفرقه که از شهرستانهای
مختلف جهت دیدار سوز به سقز میآیند بسا و اسفرا اعظم کرد که تنها
بستگان درجه یک نسبی و سببی فرد موصوف مجازیه ملاقات با او باشند .
سا و اکورد در این زمینه خواستار تشریه شده است . مستدعی است در
صورت تصویب با نظریه سا و اکورد کور مبنی بر اینکه فقط بستگان درجه یک
نسبی و سببی فرد مورد بحث مجاز ملاقات با او باشند موافقت گردد . موکول

منظر عالیست
۱۵۰-۱۱۹۲-۵۴
۳۱۴
۵۲-۱۱/۵

شهرستان خلخال موقیعت برای فعالیت اخلاک‌گرا نه او فراهم بود، مشارالیه از این فرصت برای تحریک مردم و تبلیغات مضره استفاده می‌نمود لذا محل تبعید او از شهر خلخال به شهر سقز تغییر و روز ۵۳/۹/۲۰ در معیت مأمورین انتظامی به آن محل عزیمت نموده است. اینک ساواک استان کردستان اعلام داشته که به منظور جلوگیری از مضرات و خطرات احتمالی آتی ناشی از ارتباط مکرر افراد متفرقه که از شهرستانهای مختلف جهت دیدار سوژه به سقز می‌آیند به ساواک سقز اعلام گردد که تنها بستگان درجه یک نسبی و سببی فرد موصوف مجاز به ملاقات با او باشند. ساواک مذکور در این زمینه خواستار نظریه شده است. مستدعی است در صورت تصویب با نظریه ساواک مذکور مبنی بر اینکه فقط بستگان درجه یک نسبی و سببی فرد مورد بحث مجاز به ملاقات با او باشند موافقت گردد. موکول به نظر عالیست.

از تبعید به زندان

آیت‌الله منتظری نزدیک به هفت ماه روزهای سخت را در شهر سقز گذراند، تا آنکه در تیرماه ۱۳۵۴ شمسی از سقز دستگیر و روانه زندان گردید.

در جریان وقایع خرداد ماه ۵۴ مدرسه فیضیه و حمله دژخیمان رژیم به طاباب جوان، دستگیری دانشمندان اسلامی آغاز گشت. آیت‌الله منتظری از اولین نفراتی بود که به چنگال خون‌آشام رژیم محمدرضا شاهی گرفتار آمد. در یک فاصله کوتاه عده زیادی از روحانیون مبارز، از جمله آیت‌الله طالقانی و آیت‌الله منتظری را دستگیر کردند و به بازداشتگاه کمیته مشترک تهران بردند و سپس روانه زندان اوین کردند. در اوین به مدت شش ماه در سلول انفرادی گذراند. در این بازداشتگاه‌های جهنمی با شدیدترین شکنجه‌های جسمی و روانی رو به رو گردید. در زیر همین شکنجه‌ها بود که جلاد بی‌رحم، از غندی، به ایشان گفته بود: علت اینکه تو را از حوزه دور نگه می‌داریم و از این طرف به آن طرف می‌فرستیم این است که یک خمینی دیگر به وجود نیاید.

پس از شش ماه بلاتکلیفی در کمیته و زندان اوین، بالاخره در یک دادگاه نظامی مسخره و فرمایشی به اتهام کمک به جنبش اسلامی و خانواده زندانیان سیاسی و اقدام برای تشکیل حکومت اسلامی، به ده سال زندان محکوم گردید. اما در زندان نیز، همراه بزرگانی از جامعه روحانیت، به فعالیت‌های اسلامی و سیاسی ادامه داد.

آیت‌الله منتظری از روحیه‌ای عالی برخوردار بود؛ بطوری که با همان شوخ‌طبعی و بذله‌گویی همیشگی، جوانان را روحیه می‌داد و گفته‌اند که از خیلی جوانها شادمانتر و بشاش‌تر بود.

در روزهای عید و ایام مذهبی، جوانان اسلامی زندان در اتاق ایشان که در طبقه دوم بند یک زندان اوین با آیت‌الله مجاهد طالقانی در آن زندگی می‌کردند گرد می‌آمدند و اشعار و مقالات



آیت‌الله منتظری در زندان رژیم سفاک پهلوی

خودشان را می‌خواندند و در پایان هم آیت‌الله منتظری برایشان سخن می‌گفت. با اینکه در زندان از بیماریهای مختلف رنج می‌برد دو کلاس درس دایر کرده بود که یکی خصوصی بود و در آن منطق درس می‌داد و دیگری عمومی بود و در آن اخلاق تدریس می‌کرد. پای درس اخلاق ایشان، با وجود ممانعت‌های فراوان ساواک، اشخاص زیادی جمع می‌شدند. زندانیان سیاسی دوران آخر رژیم منفور پهلوی از تقوای مکتبی-سیاسی آیت‌الله منتظری سخنهای فراوان دارند. در ازای حرف حقی که می‌زد هیچ‌گونه پرده‌پوشی نمی‌کرد، اما در مورد آنچه که مربوط به دیگران بود نهایت کوشش را در رازداری می‌نمود. هنگامی که تعدادی از به اصطلاح «حقوق بشر» یهای اروپا از کشور بلژیک برای بازدید زندانهای ایران به کشورمان آمده بودند و ساواک آنها را به زندان اوین برده بود، تعداد انگشت‌شماری از زندانیان را به دیدار هیئت مذکور بردند؛ از جمله آیت‌الله منتظری را. وقتی هیئت بازدیدکننده در مورد وجود شکنجه سؤال کرد عموماً یا سکوت می‌کردند یا شکنجه را تکذیب می‌نمودند، اما در پاسخ چنین سؤالی آیت‌الله منتظری با صراحت تمام به زبان انگلیسی - جایی که مترجم هم بود - گفت: «از گذشته‌ها سؤال نکنید که خیلی نگران کننده است» و این حرف برای رژیم منفور پهلوی خیلی گران آمد؛ اما در مقابل زرنگی آیت‌الله منتظری، این مجاهد بزرگ، غافلگیر شد. اثرات روحی ناشی از فشار دستگاه برای او کسالت ایجاد نموده بود، مع‌الوصف نماز جمعه را در زندان ترتیب داد و خود به امامت این امر بزرگ و ارزشمند برگزیده شد.

رژیم سفاک پهلوی برای اینکه مردم را ناامید سازد و روحیه مبارزاتی شاگردان، آشنایان و دوستداران آیت‌الله منتظری را به یأس مبدل سازد هرچند گاه شایعه‌ای را ناجوانمردانه دامن می‌زد.

بارها شنیده شد که آیت‌الله منتظری در زندان شهید گشته و آنقدر این دروغ بزرگ و شایعه ناراحت کننده گسترش می‌یافت که دانشجویان دانشگاه را به اعتراض وامی‌داشت. یک بار هم این شایعه را به وی رساندند که: حکم اعدام فرزندت درآمده است.

در زندان کلاً اظهار داشتند که آزادت می‌کنیم به شرط اینکه فقط به درس و بحث بپرداز، اما او این ننگ را نپذیرفت و صادقانه با بدنی ضعیف و کسالت روحی استقامت و ایستادگی کرد؛ تا بالاخره در زندانها به وسیله خلق قهرمان گشوده گشت و رهبران امت اسلام، یکی پس از دیگری، به میان توده راه یافتند.

آنچه از بعضی نوشته‌های دوران زندان آیت‌الله منتظری به دست آمده، نشان می‌دهد که ایشان در پاسخگویی به بازجوها و همچنین نامبردن اطرافیان خود، آگاهانه و با روشهای انقلابی مسائل امنیتی لازم را رعایت می‌کرده است.

بدنیست نمونه‌ای را در اینجا نقل کنیم. آنچه می‌آوریم نامه‌ای است که آیت‌الله منتظری از زندان به یکی از بازاریان نجف‌آباد نوشته و از وی که متصدی جمع‌آوری وجوهات شرعی ایشان بوده خواسته است که از افشای نام افراد جلوگیری به عمل آید:

بسمه تعالی

جناب مستطاب عمادالاعلام آقای آقامجتبی آیت دام عزه

پس از اهداء سلام به عرض می‌رساند چون از جناب عالی راجع به وجوه دهندگان سوالاتی شده و نام دفاتر به میان آمده دوستان به اتفاق آراء صلاح دیدند که موقتاً دفاتری را که نام اشخاص پول دهنده به حساب من در آنها ثبت است در جای امنی غیر از مغازه و منزل خودتان نگاهداری شود. و حساب هر هفته را روی کاغذی باطله با تاریخ و خصوصیات ثبت کنید و سپس به مکان مخصوص رفته در آن دفاتر ثبت کنید چون اگر خدای ناکرده اسامی اشخاص به دست آقایان بیفتد بسا برای آنها زحمت ایجاد کنند به منظور فشار بر من و اگر علی فرض به شما برای دفاتر مراجعه شد یا بگویند دفاتر را پس از رجوع از سازمان به منتظری تحویل دادم و یا دفاتری با اسامی ناشناس و وجوه مبهمه تنظیم کنید که علی فرض المطالبه آنها را ببرند. چون ممکن است آنها برای ایجاد فشار بر من چنین کاری را بکنند و مطلب مطلب مهمی است احتمال آن هم لازم‌المراعاة است. شما قطعاً این کار را بکنید و برای مدتی مغازه شما کنترل شود. نه دفاتر نامبرده در آن باشد نه اشیاء و کتب دیگری. احتیاط خوب است و در بعض موارد به حد لزوم می‌رسد ما باید سعی کنیم نام مردم و اشخاص به دست آقایان نیفتد. سلام مرا به همه دوستان و اصداق ابلاغ فرمائید و السلام علیکم.

حسینعلی منتظری - امضا

از مؤثرترین فعالیتهای قبل از اوجگیری انقلاب برای آزادی زندانیان سیاسی بویژه آیات الله منتظری و طالقانی، برنامه افشاگری روحانیت مبارز، همراه دانشجویان مسلمان خارج از کشور در پاریس بود. از تاریخ نهم تا شانزدهم مهرماه ۱۳۵۶ شمسی يك هفته اعتصاب غذای روحانیون و دانشجویان - در کلیسای سن مری پاریس و تأثیرگذاری آن بردانشگاهها و جامعه روحانیت تهران و بعضی شهرهای دیگر ایران که همراه با تجمع مردم در صحن حضرت عبدالعظیم شهر ری و سخنرانیهای افشاگرانه در پاریس و تهران بود - آشکارا ضربه محکمی بود که رژیم جنایتکار پهلوی از زندانی کردن آیت الله منتظری و آیت الله طالقانی و دیگر شخصیتهای مذهبی خورد.

در آن يك هفته اعتصاب غذا، زندگی آیت الله منتظری را به طور اختصار در پاریس منتشر کردند که به پاس اهمیت تاریخی، آن نوشته کوتاه را در اینجا می‌آوریم:

ستاره‌ای که بر تارک مبارزات جامعه روحانیت خلق مسلمان ما هرچه پرتوانتر می‌درخشد آیت الله مجاهد شیخ حسینعلی منتظری می‌باشد. شخصیت مبارز، متخصص در علوم دینی از جمله فقه و فلسفه ایشان در سراسر جامعه تشیع، بخصوص حوزه علمیه قم، بر کسی پوشیده نیست. به هنگام اوجگیری مبارزات روحانیت مترقی به رهبری قائد بزرگ امام خمینی، آیت الله



به ریاست سازمان اطلاعات
 و امنیت اصفهان ۱۰ هجری و ۱۳۰۰ شمسی
 از مدار هک سوم ۳۱۲ سازمان اطلاعات نیست کثر
 بیوست

در باره حسینعلی منتظری، فرزندان مجلسی.....

پیر شماره ۹۴۸۸/۳۱۲-۱۸/۱۲/۵۴

برابر اعلام اداره ادرسی نیروهای مسلح شاهنشاهی
 نامبرده بالا به ده سال حبس جنائی درجه ۲ محکوم
 و قطعیت آن نیز اعلام گردیده است

مدیرکل اداره رسوم، ثابتی

۱۱۵
 ۱۳۰۰/۱۲/۱۸

رهبر عطیات، مجتبیوی

رئیس بخش ۳۱۲، دبیری

رئیس اداره یکم عطیات، عطارپور

۱۱۵
 ۱۳۰۰/۱۲/۱۸

۵۵-۲۵۸
 ۱۳۰۰/۱۲/۱۸

بسمه تعالی

جناب مستطاب مولانا محمد امجد علی صاحب مدظل العالی
 سر از اهدای سهم بعضی برسانند چون از جناب راجع دیگره
 دهندگان سرالایه نام و نام دختر بنام امجد محمد حسن باقی آورده
 صلاح دیدند که موقوفه دختر در نام اشخاصی بود و همگی بیخبرند
 بدست درجی را می خردند و در سران خودشان نگاهدارند
 و صاحب موقوفه را در کما غدی باطله و یا باغ و خصوصیت نسبت کند
 و پس بجان مخصوص رفته در آن دختر نسبت کند چون اگر خردن نکرده
 اسمی اشخاص بدست آفان بقیه ب بر آید از جهت ای که کند منظور
 نشد بر فردی از غیر و غیر بشماره و یا بگوید دختر را
 رجوع از زمان منتظری کردیم و در موقوفه را اسمی نامش
 و وجه بهتم تنظیم کند که علی فرض مطالبه آنها را ببرند
 چون ممکن است آنها بر این حرف در بر زمین کار را بکنند
 و طلب طلب می است احتمال این امر لازم الحاحه است
 ملاحظه این کار را بکنند و بهر حال نامش را بکنند و در وقت
 ناسیبه در آن باشد نه این که در وقت دیگر اجتناب از خوب است و در بعضی
 موارد بگذرد و می رسد تا بنام خود مردم و گاهی هم بر سر آن باشد
 سهم را بهم گرفتند و در صدقات اجمع فرمایند و سهم علیهم السلام

منتظری از نخستین همگامانی بود که تا امروز به وفاداری و مجاهدت خویش در راه گسترش و پیشبرد مبارزات آزادیبخش اسلام با تحمل شکنجه و زندان و تبعید ادامه داد و سر تعظیم در مقابل هیچ نیرویی غیر خدا فرود نیاورد. پس از دستگیری رهبر بزرگ آیت‌الله امام خمینی در جریان پانزدهم خرداد ۴۲ بر اثر افشاگریهای مجاهد آیت‌الله منتظری در نجف‌آباد، به مدت هفت روز اعتصاب سراسری تمام شهر را به حرکت در آورده بود.

هجرت آیت‌الله منتظری از نجف‌آباد به تهران در آن ایام به عنوان اعتراض به خودکامیهای رژیم در روشنگری مردم و عقب راندن رژیم در توطئه‌های شیطانیش تأثیری چشمگیر داشته است که بالاخره منجر به دستگیری ایشان گردید.

دستگیریهای بعدی که نتیجه عملکرد تلاشهای خستگی ناپذیر این مجاهد راستین در راه به ثمر رساندن اهداف اسلامی ایشان بوده، شکنجه‌های وحشیانه و زندانهای دراز مدت به همراه داشته است. آنچه بیش از همه در زندگانی سیاسی پر افتخار این مجاهد مقاوم و خستگی ناپذیر حالت خاصی به خود گرفته، تبعیدهای فراوان و به موازات آن روشنگریها و افشاگریهای ممتدی است که ایشان در تبعیدگاه انجام می‌دادند.

در شهرها و بخشهای دور افتاده و بریده از هرگونه وسایل و روابط اولیه به زندگی با مردمی که رنج و فشار زندگی و خشکسالی با پوست و استخوانشان عجین گشته است و سلطه‌گران طاغوتی با استثمار و استعمار و استبدادشان به مکیدن قطره‌های خونی که پاهای لرزان و دل‌های تشنه‌شان را بسختی بحرکت در می‌آورد مشغولند.

در چنین شهرها و دیاری با چنین مردمانی این تبعیدی بزرگ با الهام از آئین‌رهای بخش اسلام به فریادهای العطش این قلبهای محروم پاسخ می‌گوید.

همدردی با دردمندان و سادگی در زندگی و بر خورد صمیمانه ایشان خصوصیت اخلاقی و اسلامی است که به سرعت نفوذ ایشان را در میان توده مردم افزود تا هرچه بیشتر آنها را با جنایات رژیم آشنا و به ارزشهای متعالی اسلامی رهنمون سازد. مسجد سلیمان در خوزستان، طیس در خراسان، خلخال در آذربایجان و سقز در کردستان، چند محلی هستند که آیت‌الله منتظری به آنجا تبعید شده و علی‌رغم خواست رژیم همواره با استقبال پرشور مردم مواجه گشته‌اند.

روشنگریهای خستگی ناپذیر ایشان مردم طیس را برای اولین بار در نماز جمعه چند هزار نفری به گردهم می‌آورد.

وقتی رژیم از وحشت موج افشاگریها ایشان را بازداشت و به زندان روان ساخت، ایمان راستین و روشن‌بینی اسلامی مردم طیس آنچنان بود که با تظاهرات و مبارزات وسیع و گسترده خود رژیم را وادار به بازگرداندن ایشان به طیس کرد.

رژیم طاغوتی ایران با مشاهده مبارزات اسلامی و شناخت بیشتر غارتگریهایش در مناطقی که آیت‌الله منتظری را تبعید می‌کرد سرانجام ایشان را به زندان کمیته و بعداً اوین آورده پس از شکنجه‌های وحشیانه از دادگاههای فرمایشی‌اش به ده سال زندان محکوم کرده است.

رفتارهای بیش‌زمانه‌ای که در زندان نسبت به ایشان روا می‌دارند جز ننگ و نابودی چیزی به همراه نخواهد داشت.

بعد از چندین ماه که حتی خانواده ایشان اجازه ملاقات نمی‌یافتند، ایشان را مانند برخی دیگر از زندانیان در قفس جای دادند و به محل ملاقات آوردند.

مردم محروم و مستضعفین ایران با استفاده از تعالیم قرآن و رهنمودهای رهبران اصیل مبارزانشان تا پیروزی بر باطل از پای نخواهند نشست.^۱

در ایران اولین تظاهرات خیابانی برای آزادی آیت‌الله منتظری روز عید غدیر ۱۳۹۷ قمری (هشتم آرمه ۱۳۵۶ شمسی) در نجف‌آباد صورت گرفت.

عصر عید غدیر، پلیس شهر از برگزاری يك مراسم مذهبی جلوگیری نمود و مردم خشمگین حاضر در مسجد با فریاد «منتظری آزاد باید گردد» و «درود بر خمینی» و «خمینی، خمینی، خدا نگهدار تو - مرده باد، مرده باد، دشمن خونخوار تو» به خیابان ریختند و ندای وجدان خویش را به گوش همگان رساندند. مگر نه این بود که نور چشمشان از آنها جدا بود و بدون او راه رفتن و حرکت کردن برایشان مشکل می‌نمود؟

این خواسته منطقی برای نوکران امپریالیسم در شهر نجف‌آباد خوشایند نبود و بزودی با باتوم و سرنیزه به تظاهرکنندگان حمله‌ور شدند که به زخمی شدن عده‌ای از طرفین و گرفتار آمدن حدود پانزده نفر از جوانان نجف‌آباد انجامید.

روز عاشورای حسینی، در همان سال، عزاداری سنتی مردم به شعار سیاسی مذهبی تبدیل شد و دوباره فریاد «منتظری آزاد باید گردد» فضای میدان شهر را پر کرد و متعاقب آن حمله مزدوران شاه شروع گشت، که البته پلیس در این برخورد زیان زیادی دید.

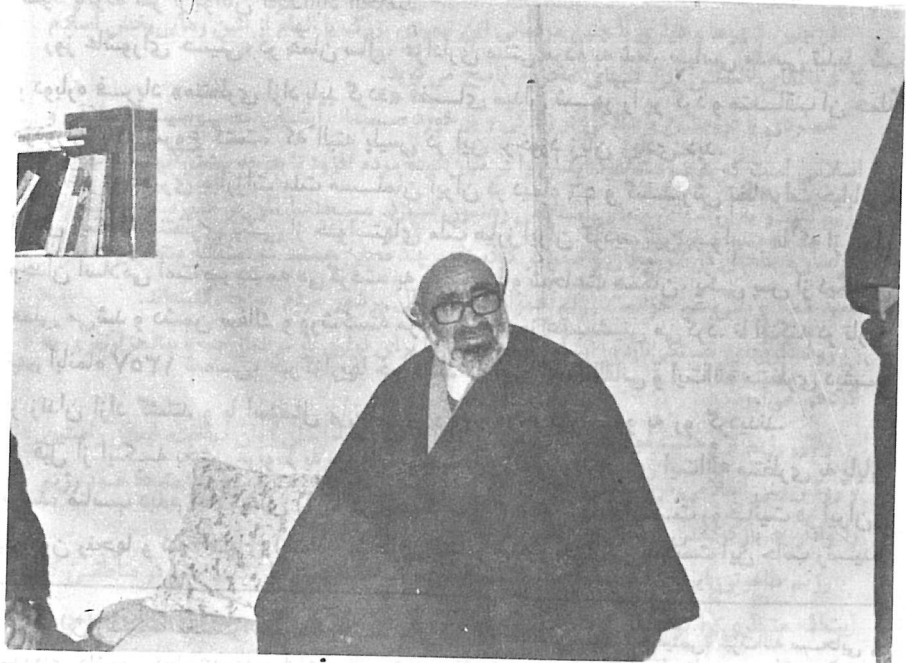
با آغاز اوجگیری مبارزات ملت مسلمان ایران در دیماه ۵۶ و گسترش تظاهرات خیابانی، آزادی آیت‌الله منتظری یکی از خواسته‌های ملت مبارز ایران گردید. این خواسته‌ها که از عمق وجدان اسلامی امت سرچشمه می‌گرفت، به یاری خدا و شجاعت همگان، یکی پس از دیگری عملی می‌شد و دشمن سفاک و ورشکسته مردم روز به روز عقب‌نشینی می‌کرد. تا اینکه در تاریخ نهم آبانماه ۱۳۵۷ شمسی، خبر گزاریها خبر دادند که آیت‌الله طالقانی و آیت‌الله منتظری دیشب از زندان آزاد گشتند و با استقبال بی‌نظیر و پرشور مردم تهران رو به رو گردیدند.

قبل از اینکه بخش مربوط به مبارزات، تبعیدها و زندان رفته‌های آیت‌الله منتظری به پایان برسد، مناسب دیدم اعلامیه‌ای را که در اواسط سال ۵۲ توسط «نهضت روحانیت در ایران» پیرامون رنجها و شجاعت‌های آیت‌الله منتظری منتشر شده و به تازگی به دست این جانب رسیده

۱- این زندگینامه مختصر، همراه با زندگینامه‌های آیت‌الله طالقانی، لطف‌الله میثمی، عزت‌الله سبحانی و سیدمهدی هاشمی یکجا منتشر شده است.



دیواری در شهر نجف آباد قبل از آزادی آیت الله منتظری



است برای ثبت در تاریخ انقلاب اسلامی ایران نقل کنم.

تاریخ ۵۲/۵/۲۹

نهضت روحانیت در ایران

بهموجب خبر واصله استاد عالیقدر عظیم‌الشان حوزه علمیه قم حضرت آیت‌الله حاج شیخ حسینعلی منتظری نجف‌آبادی شدیداً تحت پیگرد قرار گرفته‌اند و گویا بازداشت هم شده‌اند و در سخت‌ترین شرایط تحت شکنجه و آزار قرار دارند.

در برخورد با این رویداد نیز نباید از رژیم ضداسلامی ایران جزاین انتظاری داشت. حضرت آیت‌الله، پایبند به اصول اعتقادی، تاکنون مراحل جانکاه متعددی را طی نموده و از سالها پیش با زندان آشنا هستند. اگر امروز رفیق هم‌رزم و یار مبارزاتیشان ربانی قهرمان را به‌اتفاق دو فرزند گرمایش شکنجه می‌کنند، سالها قبل منتظری سترگ و پاک‌سرشت را به‌اتفاق فرزند برومند، افتخار نسل جوان و مترقی، بازداشت کرده‌اند و ساعتها جگر گوشه‌اش را در حضورش شکنجه می‌دادند تا با فریاد دردآلود فرزند پدر را تسلیم کنند اما فرزند گُرد و نمونه علیرغم قساوت مأمورین و شدت ضربات وارده فریادی نمی‌کشید تا پدر را تأثیری حاصل نشود.

ساعتها فرزند منتظری را در اطاق مجاور سلول پدر به شلاق کشیدند اما با هشیاری فوق‌العاده انقلابی اجازه نداد کوچکترین ناله به گوش پدر برسد. در لحظه‌ای که قساوت ددمشانه شکنجه‌چیان به اوج خود رسید و فرزند را نشانند پدر سالخورده اما استوار ساعتها بیهوش گشت و تا مدتی این تأثر بر روی اعصاب و جسم نحیفش باقی‌مانده ولی ابداً تسلیم اراده بازجویان نگشت. حتی درخواست آزادی فرزند را هم نکرد. افتخار براین پایمردی و ایمان. خانواده منتظری همچون دهها خانواده دیگر سنبیل پایداری هستند. آری برادر، آیت‌الله منتظری که امروز تحت پیگرد، بازداشت و شکنجه می‌شود با زندان و شکنجه از سالها قبل آشناست. رژیم اگر چنین نکند دوام و قوام نخواهد یافت. او پایه‌های قدرت حکومتش بر همین آهها و ناله‌ها و شکنجه‌ها استوار است.

دستگاه دیکتاتوری و هیئت حاکمه دست‌نشانده در ایران رسالتشان اینچنین است. هیچ انتظاری جز این نباید از آنان داشت.

آنها بطوری که در بازجوییها صراحتاً به رهبری و منتظری گفته‌اند و بارها پیغام داده‌اند اجازه نخواهند داد منتظری خمینی ثانی بشود. آنان از خمینی بزرگ - که مشعل را آنچنان افروخته که خاموش نمی‌شود و تا سرنگونی رژیم دیکتاتوری و ستم در ایران همچنان نور و حرارت خواهد داد آنچنان سرخورده و خشمگینند که ترویج‌کننده او را به نابودی می‌کشند تا چه رسد به اینکه منتظری لایق، به حق خمینی آینده گردد.

از رژیم و قدرت امپریالیسم و صهیونیسم در ایران جز این انتظاری نباید داشت. آنچه غیرمنتظره است برخورد و موضع برخی از مسئولانی است که احياناً ابائی ندارند هم موضع با دربار

و استعمار مایه‌های امید روحانیت را در توطئه‌های از سکوت در پرتو لجن پراکنیه‌های بی‌شرمانه ساقط و به فراموشی سپارند. اگر مسئول و پاسدار اصالت‌های معنوی و علمی در حوزه‌ها با سکوت بر بازداشت و تبعید ربانیها صحنه گذاشت و تلویحاً تأیید کرد اینجا دردآور و غیرمنتظره است. اینجا باید فریاد کرد و بر این همه جنایت خاموش و زنده‌بگور کردن پشتوانه‌های شرف و عظمت روحانیت نفرین فرستاد.

اگر جداً بر این همه جنایات رژیم صحنه نمی‌گذارند و نگران حیات و سرنوشت آیت‌الله منتظری آزاده و استاد گرامی حوزه آیت‌الله ربانی پرافتخار هستند چرا فریاد نمی‌کنند. چرا بر اینهمه جنایت رژیم دست‌نشانده و اوقاف پرور ضد اسلامی نمی‌خورشند.

آتش خشم انقلابی مردم مسلمان ایران و پیشگامان انقلابیش به حیات تمامی انگلها، مهره‌ها، یادی پلید و عناصر رذل امنیتی و اوقافی، درهرلیاسی که باشند، خاتمه خواهد داد.

آزادی پرشکوه

«من رهین منت ملت فداکار ایران هستم. من و همه زندانیان سیاسی که بدون هیچ دلیلی در زندان بودیم مبارزه بی‌امان ملت بزرگمان را تعقیب می‌کردیم. نگرانی من درحال حاضر برای بقیه زندانیانی است که هنوز در زندانها به سر می‌برند و بسیاری از آنان به‌سبب شکنجه‌های طاقت‌فرسا در شرایط بد جسمانی و روحی به سر می‌برند. این زندانیان که به‌قول دستگاه جرم سیاسی مرتکب شده‌اند باید آزاد شوند. من دیشب با چشم گریان از آنها خداحافظی کردم.»

این جملات سرشار از حق‌شناسی و احساس مسئولیت و افشاگرانه را آیت‌الله منتظری هنگام آزادی از زندان برای خبرنگاران جراید بیان کرده‌اند.

هشتم آبان ۱۳۵۷ برای مردم ایران و در تاریخ انقلاب اسلامی روز پرشکوه و امیدافزایی بود. روزی که دو شیر از قفس درآمدند، روزی که دو رهبر، دو یار، دو همبند، با شجاعت خویش، سلی برصورت دشمن کوبیدند، او را خوار و ذلیل و سرافکننده تنها گذاشتند و درمیان استقبال جمعیت انبوه مشتاقان، اراده خدا و شهامت خلق را صحنه نهادند.

آری روز هشتم آبان ۵۷ آیت‌الله مجاهد طالقانی و آیت‌الله مجاهد منتظری از زندان آزاد شدند و درمیان استقبال بی‌نظیر مردم به میان امت و به قلب انقلاب وارد شدند.

قبل از بیان کیفیت بازگشت به قلب انقلاب بد نیست از زبان آیت‌الله منتظری مروری بر گذشته ایشان داشته باشیم. این بیان، مصاحبه کوتاهی است که آیت‌الله منتظری پس از رهایی از زندان با یکی از خبرنگاران مطبوعات انجام داده است.

خبرنگار می‌نویسد:

«حضرت آیت‌الله منتظری پس از سه سال و نیم زندان، هنگام ورود به شهر قم با استقبال پرشور طبقات مختلف این شهر روبرو شدند.

حضرت آیت‌الله منتظری که قسمت عمده حبس خود را هم‌سلول آیت‌الله طالقانی بوده و با ایشان بسیار نزدیک هستند به ده سال زندان محکوم شده بودند.

ایشان پریروز در منزل مسکونی خود واقع در محله عشقلی قم به سوالاتمان پاسخ گفتند. خانه مسکونی حضرت آیت‌الله منتظری بسیار قدیمی است. ساختمانی کهنه و حیاطی نسبتاً بزرگ دارد. در تمام خانه کوچکترین اثری از تجمل نیست. اتاقها مثل مساجد با زیلو فرش شده و تنها در اطراف آنها تشک‌هایی برای راحتی مراجعان قرار داده شده است. در یکی از همین اتاقها عده زیادی که برای تبریک‌گویی آمده‌اند مشغول صرف غذا هستند، در یکی دیگر از اتاقها، با حضرت آیت‌الله منتظری به گفت‌وگو می‌نشینیم. حضرت آیت‌الله منتظری باروی خوش ما را می‌پذیرد. بذله‌گویی می‌کنند و به سوالات چنان بشاش پاسخ می‌گویند که فراموش می‌کنی سه سال و نیم در زندان بوده‌اند.

س: علت زندانی شدن حضرت آیت‌الله چه بوده است؟

ج: ماجرا باز می‌گردد به اعتراض مراجع تقلید و علمای اعلام در سنه ۱۳۴۰ راجع به انجمنهای ایالتی و ولایتی و مصونیت مستشاران خارجی. این اعتراض با تبعید حضرت آیت‌الله‌العظمی خمینی رهبر شیعیان جهان اوج مشخصی گرفت و در پی آن من و پسر من را به اتهام شرکت در این نهضت به زندان افکندند. اولین بازداشت من در سال ۴۵ صورت گرفت. بعد از آن در سالهای ۵۰ و ۵۱ به علت اینکه پرفسور جمشید اعلم در مجلس سنا به ساحت مقدس حضرت آیت‌الله‌العظمی خمینی اهانت کرده بود تظاهراتی در قم برپا شد. هنگام برپایی این تظاهرات من بیمار و در منزل بستری بودم. با این حال از ساواک تلفن زدند و گفتند که باید قم را ترک کنم. آنها تهدید کردند که اگر از قم نروم مرا تبعید خواهند کرد. حدود یک سال و نیم به آوارگی گذراندم و حدود ۳۰۰ شاگردم در تمام این مدت از درس و بحث محروم شدند.

اصولاً دولت در سالهای گذشته حساسیت بیش از حدی نسبت به حضرت آیت‌الله‌العظمی خمینی داشت و به بهانه‌های مختلف می‌کوشید علما و روحانیون طرفدار ایشان را متفرق کند. به‌عنوان نمونه یک بار در بازار قم سه جوان نیاوندی پاسبانی را کشتند و خلع سلاح کردند. مقامات امنیتی در پی این واقعه عده‌ای از فضلا و مدرسین و طرفداران حضرت آیت‌الله‌العظمی خمینی را تبعید کردند، درحالی که مرگ آن پاسبان هیچ ارتباطی با علما نداشت.

هنگام ترور این پاسبان من در نجف‌آباد بودم. با اینهمه از تعرض مأموران دولت درامان نماندم و همه تلاش آنها این بود که رابطه‌ای تخیلی بین قتل پاسبان و ما برقرار کنند.

س: علت آخرین حبس حضرت آیت‌الله چه بود؟

ج: در سال ۱۳۵۴ علماء و طلاب علوم دینی در مدرسه فیضیه قم تظاهراتی برپا کردند و مأموران عده زیادی از علماء و طلاب را به زندان انداختند.

در این موقع هم من در سقز به حال تبعید بسر می‌بردم و ماجرا را از طریق روزنامه‌ها فهمیدم. مأموران دست نوشته‌ای پیدا کرده بودند که در آن نوشته شده بود آیت‌الله منتظری به خانواده

علمای تبعیدی و زندانی کمک مالی می‌دهد. بر مبنای همین یادداشت مرا از تبعیدگاه به زندان منتقل کردند و مدتها شکنجهام دادند. آنها حتی دربندو ورود به محل بازجویی بدون آنکه حتی يك سؤال از من کرده باشند تا می‌توانستند مرا کتک زدند و توهین کردند و شکنجه دادند. بازجویی و شکنجه حدود پانزده روز طول کشید. پس از آن متجاوز از شش ماه در يك سلول انفرادی زندانی بودم. در تمام این مدت من نه کتاب و روزنامه در دسترسم بود و نه يك ملاقاتی داشتم. در دادگاه نظامی مرا به اتهام مخالفت با رژیم مشروطه به ده سال زندان که حداکثر مجازات این اتهام است محکوم کردند. اما دلایل چهارگانه دادگاه برای محکوم شناختن من جالب توجه است. دلایل چهارگانه چنین بود:

۱- متهم به حسب اقرار خود در پرونده نوشته است که فروش مشروبات الکلی و کشف حجاب برخلاف ضرورت اسلام است!

۲- دو یا سه مرتبه به رادیو بغداد گوش داده است!

۳- به خانواده علمای زندانی کمک مالی کرده است!

۴- طرفدار حکومت اسلامی است.

حضرت آیت‌الله منتظری در پایان این مصاحبه آرزو کردند که هرچه زودتر همه زندانیان سیاسی که دلایل محکومیتشان به همین نسبت مسخره است آزاد شوند و به میان خانواده‌های خود بازگردند.^۱

سه ماه نگذشت که آرزوی این مجاهد بزرگ برآورده شد و همه زندانیان سیاسی به خواست خدا و همت مردم آزاد گشتند.

بازگشت به قلب انقلاب

آیت‌الله منتظری بلافاصله پس از آزادی روانه شهر قم، قلب انقلاب اسلامی و مرکز رشد نیروها و اندیشه‌های اسلامی ایران گشت. همزمان با سکونت در قم پیام امام خمینی به مناسبت آزادی از بند ستمگران در تاریخ دوازدهم آبانماه به دست وی رسید که در آن امام ضمن برشمردن جنایات پهلوی برادامه مبارزه همراه گروههای اجتماعی دیگر تأکید فراوان کرده‌اند. متن آن پیام ارزشمند و تاریخی چنین است:

۱ ذی‌الحجة الحرام ۹۸

بسم‌الله الرحمن الرحيم

حضرت حجة‌الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ حسینعلی منتظری دامت برکاته. هیچ از

دستگاه جنایتکار تعجب نیست که مثل جناب عالی شخصیت بزرگوار خدمتگزار به اسلام و ملت را سالها از آزادی، ابتدائی ترین حقوق بشر، محروم و با شکنجه‌های قرون وسطائی با او و سایر علماء مذهب و رجال آزادیخواه رفتار کند. خیانتکاران به کشور و ملت از سایه مثل شما رجال عدالتخواه می‌ترسند. باید رجال دین و سیاست دربند باشند تا برای اجانب و بستگان آنان هرچه بیشتر راه چپاول بیت‌المال و ذخائر کشور باز باشد.

درمنطق کارتر و سایر نفتخواران مفت‌خوار، فضای آزاد یعنی به زندان کشیدن جناحهای آزادیخواه و استقلال طلب از علماء روشنفکر مذهبی تا رجال سیاسی و دانشجویان و رجال محترم بازار و سانسور مطبوعات و دستگاههای تبلیغاتی و دراین منطق ترقی و تمدن کشور یعنی وابستگی شریانهای آن از فرهنگ و اقتصاد و ارتش تا دستگاههای قانون گذاری و قضائی و اجرائی. این برنامه در کشور مابیش از پنجاه سال دوران سیاه پهلوی پیاده و مورد عمل بوده و هست. اکنون که ملت غیور ایران با نهضت عظیم اسلامی به پا خاسته و با مشت گره کرده درمقابل دستگاههای ستمگری و چپاول چون سدی آهنین ایستاده و پایه‌های بنیادهای آن یکی پس از دیگری فروریخته یا درحال فروریختن است بر جناحهای پیشرو از مراجع عظام و علماء اعلام مذهب و خطباء محترم و مدرسین و دانشمندان تا رجال سیاسی و روشنفکران دانشگاهها و بازارها و کارمندان محروم و کارگران مظلوم روشنفکر لازم است این فرصت الهی را از دست نداده بی‌امان جمیع اقشار ملت را به پیش هدایت کنند و از خواست ملت که برچیده شدن نظام سلطنتی و قطع دست اجانب از دخالت در مقدرات کشور و از غارت‌گریها و قیام جمهوری اسلامی (ضامن آزادی و استقلال) به جای رژیم سلطنتی (منشأ تمام بدبختیها و عقب‌ماندگیها) سرموئی تخلف و عقب‌نشینی نکنند که آن هدر دادن خون جوانان عزیز اسلام و به تباهی کشیدن همه جانبه کشور و کمک به هدم احکام بلکه اساس اسلام است که از اعظم کبائر و بالاترین خیانت است. ما با بودن رژیم حاضر دموکراسی را هم به فرض محال اگر تأمین گردد نمی‌پذیریم. ملت نمی‌تواند از خون جوانان عزیز خود و خیانت‌های چندین ساله صرف‌نظر کند. اسلام تکلیف این جانی را معین فرموده. والسلام علیکم و رحمة الله.

روح الله الموسوی الخمینی

هنگامی که آیت‌الله منتظری وارد قم شد و در آن سکونت اختیار کرد، قم شوری دیگر یافت - با اینکه قم خود شورانگیز انقلاب بود. استقبالی که از آیت‌الله منتظری به عمل آمد عظیم بود. مردم قم و مردمی که از سراسر ایران به دیدار این آزاده مجاهد می‌آمدند آنچنان عاشقانه سرود فتح و شادی می‌خواندند که یادآوریش غرور انگیز است. خبری که در ذیل می‌آید این ادعا را اثبات می‌کند:

شهر قم دیروز شاهد عظیم‌ترین راه‌پیمایی تاریخ خود بود که با شرکت بیش از ۲۰۰ هزار تن از مردم قم و تهران برگزار شد. مردم قم، از ساعت ۸ صبح به تدریج در میدان مدخل شهر که از

سوی آنان به میدان امام خمینی نامگذاری شده است گردآمدند و منتظر ورود گروه‌هایی شدند که قرار بود برای دیدار حضرت آیت‌الله منتظری وارد قم شوند. به محض ورود گروه‌های تهرانی، اهالی قم با گل و اسپند از آنان استقبال کردند و در این موقع تابلو جدید میدان مدخل قم که عبارت «میدان امام خمینی» بر آن حک شده بود در میان شور جمعیت در میدان نصب شد. سپس جمعیت که به حدود ۳۰۰ هزارتن بالغ می‌شد بسوی خانه حضرت آیت‌الله منتظری به حرکت درآمد. در خیابان چهارمردان (محل سکونت آیت‌الله منتظری) ابتدا دکتر عباس شیبانی استاد دانشگاه تهران طی سخنانی از حضرت آیت‌الله منتظری تجلیل کرد. سپس آقای موسوی، یکی از روحانیون، متن پیام حضرت آیت‌الله منتظری را قرائت کرد و در پایان حضرت آیت‌الله منتظری در یک سخنرانی درباره حکومت اسلامی توضیحاتی دادند.^۱

روزها سپری می‌شد و مشتاقان او، شادی‌کنان به سویس می‌شتافتند و به او تبریک می‌گفتند، و از او درس می‌آموختند. با وجود کسالت ناشی از عواقب زندان، سخنرانی و ارشاد مردم را ترک نمی‌کرد و در این مدت رهبری مردم انقلابی قم را به دست گرفت و به پاس اینکه راهش در هدایت مردم همان راه بی‌چون و چرای امام خمینی رهبر بزرگ و قاطع انقلاب اسلامی ایران است، به عنوان شخصیت بزرگ حوزه علمیه قم در قلب مردم جای گرفت.

آیت‌الله منتظری در مقام محبوبترین و بانفوذترین چهره انقلاب اسلامی در قم، با خبرنگاران متعددی مصاحبه کرد و از این طریق اهداف، برنامه‌ها و آینده انقلاب اسلامی مردم ایران را به گوش جهانیان می‌رساند.

افزون بر چهل روز از آزادی آیت‌الله منتظری نگذشته بود که زادگاه وی - نجف‌آباد - مورد تهاجم سخت و افتضاح‌آفرین نیروهای غارتگر و جنایتکار رژیم خون‌آشام پهلوی قرار گرفت - تهاجمی که به غارت فراوان اموال مردم، تخریب شهر و شهادت بیش از پنجاه نفر زن و مرد، پیر و جوان، و به زخمی گشتن نزدیک به دویست نفر از مردم انجامید.

فردای عاشورای سال ۹۹، عمال مزدور رژیم جنایت پیشه شاه مخلوع طبق یک طرح از پیش تهیه شده یورش غارتگرانه و کشتارکننده را به نجف‌آباد آغاز کردند و دو روز همه هستی مردم را اعم از جان و مال برخویشتن مباح دانستند و آنچنان بلائی بر سر این شهر که پرورده فعالیت‌های شبانه‌روزی آیت‌الله منتظری بود آوردند که یزیدبن معاویه پس از عاشورای سال ۶۱ بر مردم مدینه نیاورد.^۲

حضرت آیت‌الله منتظری برای بررسی و بازدید از آثار این فاجعه دردناک تاریخی که شهری را یکپارچه به عزا نشاند، شبانه عازم آن شهر شد و قسمتهای مختلف آسیب‌دیده نجف‌آباد را مورد

۱- کیهان، ۱۳۵۷/۷/۱۳، صفحه ۴.

۲- تفصیل حمله اوباشان مزدور آمریکا به نجف‌آباد، خود دفتری جداگانه طلب می‌کند.

بازدید و بررسی قرار داد و از این طریق توانست مصائب منطقه را برای همگان آشکار نماید.

دیدار با امام خمینی در پاریس

اواخر آذرماه ۵۷، آیت‌الله منتظری برای دیدار با امام خمینی و مشورت با معظم‌له در مورد اوضاع ایران و بررسی موقعیت انقلاب، عازم پاریس گردید که به گفته ناظران عینی، مورد استقبال شدید و شورانگیز ایرانیان مقیم فرانسه و سایر آزادیخواهان آن دیار قرار گرفت. در این ملاقات تاریخی، آیت‌الله منتظری از اوضاع ایران برای امام که او را نزدیک به دوازده سال ندیده بود مطالب لازم را بازگو می‌کند و امام هم دستورالعمل‌های لازم را جهت ادامه مبارزه علیه طاغوت زمان و چگونگی تشکیل واحدهای اداره‌کننده مردم به او می‌دهد. از جمله امام تشکیل شورای محلی، شهری، روستایی و... را به آیت‌الله منتظری پیشنهاد و اصرار می‌کند که مردم به کارها و دردهای خودشان برسند.

در این سفر، آیت‌الله منتظری در مصاحبه و گفتگوهای شرکت می‌کند. در دیدار و گفتگویی که با حسنین هیکل، روزنامه‌نگار و نویسنده مشهور مصری داشت، مصائب ملت ایران و ویژگیهای انقلاب اسلامی را تشریح می‌کند.

همچنین به مناسبت سالروز تولد حضرت مسیح‌بن مریم، پیام بسیار مهمی از پاریس و به وسیله وسایل ارتباط جمعی فرانسه - مطبوعات - برای مسیحیان جهان فرستاد که مورد توجه قرار گرفته بود.

آیت‌الله منتظری پس از ملاقات با امام در پاریس، به کشورهای اسلامی مسافرت نموده، اواخر دیماه ۵۷ از مرز خسروی وارد ایران شد.

با اینکه بدون هیچ گونه خبری به ایران وارد شد، در شهرهای مسیر راه، هر جا که او را شناختند، به استقبال باشکوه از وی شتافتند.

در تاریخ اول بهمن ماه، در میان استقبال عظیم و پرشکوه مردم اصفهان و نجف‌آباد و شهرهای اطراف اصفهان، وارد آن منطقه گشت و همراه با علما و روحانیون اصفهان، با تشکیل اجتماعات مناسب، عظمت و فراگیری قیام ملت ایران را برای عموم روشن کرد. این استقبال و اجتماعات به گونه‌ای امیدافزا و جلیل بود که در نجف‌آباد، آنطور که خبرنگاران گزارش کردند، یکصدوپنجاه هزار نفر از مردم نجف‌آباد، اصفهان و شهرهای اطراف در نماز جماعتش شرکت جستند.

تحصن در دانشگاه تهران

آن وقت که رهبر انقلاب اسلامی ایران حضرت آیت‌الله‌العظمی امام خمینی قصد مراجعت به ایران را داشتند و عزم کرده بودند که پس از پانزده سال دوری اجباری از ملت و امت به وطن بازگردند و به پیروان خود ملحق گردند و بختیار ملعون از ترس سقوط خود ورود ایشان را به



نماز جماعت در نجفآباد، اول بهمن ماه ۱۳۵۷

تعویق انداخت، روحانیون مبارز درمسجد دانشگاه تهران به عنوان اعتراض به عمل خلاف قانون و خلاف انسانیت نوکرشناخته شده امپریالیسم آمریکا متحصن شدند.

آیت‌الله منتظری جزء شخصیت‌های ارزنده‌ای بود که در تاریخ هشتم بهمن ماه از قم به تهران مهاجرت نمود و درتحصن روحانیون مبارز شرکت کرد. دراین تحصن مفید که آیت‌الله طالقانی و استاد مطهری نیز جزء شرکت کنندگان درآن بودند، آیت‌الله منتظری ضمن گفتگوهای خود با مخبرین جهان، از جنایات دستگاه نوکرصفت پهلوی و بختیار پرده برداشت.

آیت‌الله منتظری این تحصن را همراه برادران خود روحانیون مبارز و مجاهد ادامه داد تا روزی که رهبر انقلاب اسلامی ایران به سلامت وارد تهران شد و برآورده شدن آرزوی پانزده ساله مردم رنج‌دیده ایران به وقوع پیوست.

امام خمینی درایران رهبری انقلاب را شکل تازه‌ای داد و با تعیین اشخاص مورد اعتماد و موردقبول مردم، کارهای مملکت را مستقیماً زیرنظر خویش درآورد.

همزمان با حضور رهبر انقلاب درتهران و رهبری بی چون او، آیت‌الله منتظری درقم هدایت و سازماندهی مردم را درسرنگونی ته مانده‌های فاسد رژیم منحوس شاهنشاهی برعهده داشت تا اینکه ۲۲ بهمن ۵۷ فرا رسید و پیروزی - خواست مردم، اسلام و شهدای بزرگ و بارزش انقلاب - حاصل گشت.

بعد از پروزی انقلاب

در این روزها

در این روزها

در این روزها

در این روزها

در این روزها

در این روزها

در این روزها

در این روزها

در این روزها

در این روزها

در این روزها

در این روزها

در این روزها

در این روزها

در این روزها

در این روزها

در این روزها

در این روزها

در این روزها

در این روزها

تلخیص آن وجود منور

استاده برفراز تکامل
برقله‌های روشن آگاهی
پایی به روی فخر و تکبر
پایی به بام تیره خودخواهی
زین دو، رها شده بس سالهای پیش...

قامت نبسته، جز به قامت خورشید
سجده نکرده، جز به مهر شهادت
بنشسته روی مرکب اخلاص
پا در رکاب علم نهاده
برتن لباس کرده ز تقوا
مرد خلوص و علم و عمل... آنک
بر بُرجهای فاجعه... می‌تازد.

کوه است او
کوهی ز استقامت و ایمان
معراجی از تکامل انسان
دریاست او
پاک و شکوهمند و مقدس
با موجهای سرکش فریاد
چشمه‌ست او

جوشیده از گویر تشنگی خلق

جاری به سوی هرچه گویری ست

شعر است او

شعر صلابت و شمشیر

شعر شجاعت و تدبیر

شعر قیام قم همه در قامت تناور اوست

قم با قیام قامت او، قائم است و بس

امروز نیز

قم با سجود او، همه در سجده‌ست

قم با سلام او، همه در تکبیر

باری... خلاصه‌ایست ز رهبر

- تلخیص آن وجود منور -

او نیز تندر بیداری ست

باران رحمت است که باریده‌ست

بر شوره‌زار سینۀ این خاک دردمند

نامش هنوز هست

در یاد تخته‌های شکنجه

در ذهن میله‌های آهنی زندان

در برج حافظه شخنه‌های پیر

هر شاعری، صله می‌خواهد

من نیز شاعرم

ای کاش او

با يك دعای كوچك كوچك

این شاعر فقیر را

صله پردازد

باشد دعایش بگیرد

وین سینۀ گویری من را نیز

چندین شکوفه برویاند.

دوم خرداد ۵۹ - قم، نماز جمعه

جواد محقق (م. آتش)

پیروزی انقلاب اسلامی

بیست و دوم بهمن ماه یکپهزار و سیصد و پنجاه و هفت شمسی فرارسید و يك دوره رنج و محنت مردم مسلمان ایران پایان یافت و پیروزی بزرگ حق بر باطل نصیب امت اسلام گردید. این پیروزی کم‌نظیر مستضعفین بر مستکبرین که بر پایه سه اصل اساسی (اسلام، اتحاد مردم و رهبری امام خمینی) حاصل گشت، بیش از پیش مردان و زنان دلسوز ایران را مسئولیت‌دار، و شرکت‌کنندگان در انقلاب را جدی‌تر و کوشاتر نمود. بدیهی است، با این پیروزی کار تمام نشده است و همه واقفند که این پیروزی قدم اول غلبه بر کفر و نفاق است و از این پس راه طولانی مبارزه با آثار برجای مانده از طاغوت ادامه خواهد داشت.

برای بزرگمردان اسلام و ایران، سقوط شاه و دسترسی به پیروزی ۲۲ بهمن يك بُعد مبارزه بود و بُعد مهمتر آن، طاغوت‌زدایی جامعه و ایجاد يك محیط و يك کشور و یا حتی يك منطقه اسلامی بود که بلافاصله پس از درهم کوبی نظام شاهنشاهی، همه تلاشها و نیروهای مؤمنین و مؤمنات را طلب می‌کرد.

مردم ما، این خلق ستمکشیده و رنج‌دیده، علاوه بر تحمل فقر جانکاه حاصل از نظام استثمارگر شاهنشاهی، در سوک از دست دادن فرهنگ انسان‌ساز و اصیل اسلام هم بی‌تابی می‌کردند. گسترش فرهنگ پوچ غربی و ره‌آوردهای حکومت آریامه‌ری که ناآگاهی مردم هم جزء آن بود، آنان را بیش از پیش به استضعاف کشانده بود، طوری که در طی پنجاه سال آخر نظام شاهنشاهی، همه مردم اندک‌اندک بدان آلوده شده بودند و تنها سقوط این نظام نمی‌توانست آن آلاینده را پاک سازد. برنامه‌ای دیگر باید ارائه گردد و نیروهای بسیاری باید به کار رود تا جامعه طاغوت‌زده ایران به طبیعت اصلی خود و به فرهنگ انسانی - الهی اسلام دست یابد. پیروزی در ارائه درست این برنامه و فراگیر کردن دستورات واقعی اسلام، پیروزی نهایی انقلاب اسلامی خواهد بود.

یکی از نیروهای مؤمنی که پس از پیروزی ۲۲ بهمن در سازندگی جامعه و ارائه اسلام عزیز می‌کوشد و همچون قبل از پیروزی انقلاب که برای سقوط نظام منفور مبارزه می‌کرد مبارزه می‌کند، حضرت آیت‌الله منتظری است. کسانی که آیت‌الله منتظری را از سالها قبل می‌شناسند و پس از انقلاب هم به دیدارش می‌روند، متوجه این موضوع بسیار مهم می‌شوند که شور و دلسوزی وی نسبت به اسلام و فعالیتش در راه ایجاد يك جامعه اسلامی ذره‌ای کم نشده است و در زندگی‌اش بجز تغییراتی که از رفع تبعیدها و زندانها پدید آمده دگرگونی محسوسی حاصل نگشته است، و این بدان معناست که ایشان بیش از اینکه به «سقوط شاه» و تشکیل «حکومت اسلامی» بیندیشد، به تشکیل «جامعه اسلامی» و پیاده شدن دستورات خدا و فرامین الهی می‌اندیشد.

طبیعی است که جابجایی حکومت اسلامی با حکومت منحوس پهلوی راه را برای ارائه اسلام و انجام دادن دستورات خدا و ایجاد جامعه اسلامی باز می‌کند و دیگر هدایت مردم به اسلام و

قرآن، تبعید و زندان و شکنجه و محرومیت در پی ندارد. بر همین اساس آیت‌الله منتظری بلافاصله پس از سقوط شاه، همه هم و غم خود را مصروف تبلیغ آزادانه در راه اسلام و آموزش مسائل اسلامی به مردم می‌سازد. از این رو، این فصل از زندگی آیت‌الله منتظری در همین خصوص جمع‌بندی می‌گردد و آنچه که از زندگی ایشان تحت عنوان «بعد از پیروزی انقلاب» بیان خواهد شد، روشن کردن همین مسأله است. امیدوارم به‌درستی وظیفه خویش را ادا نمایم.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی که امام خمینی، با استفاده از حق ولایت شیعه و رهبری مردم ایران، امور مملکت را به اشخاص مورد اعتماد سپرد، آیت‌الله منتظری در کنار رهبر انقلاب هدایت دولتمردان، رسیدگی به بعضی شکایات و از جمله گسیل نمایندگان شایسته به شهرهای مختلف و تعیین عده‌ای از قضات برای شهرها را عهده‌دار بود. اما در عین حال از دخالت در کارهای اجرائی دیگران ابا داشت و بویژه معتقد بود که مسنها باید کارهای اجرائی را به دست جوانان بسپارند و سخت تأکید داشت و هنوز هم دارد که در کارهای اجرائی «پیرپرستی» کنار گذاشته شود.

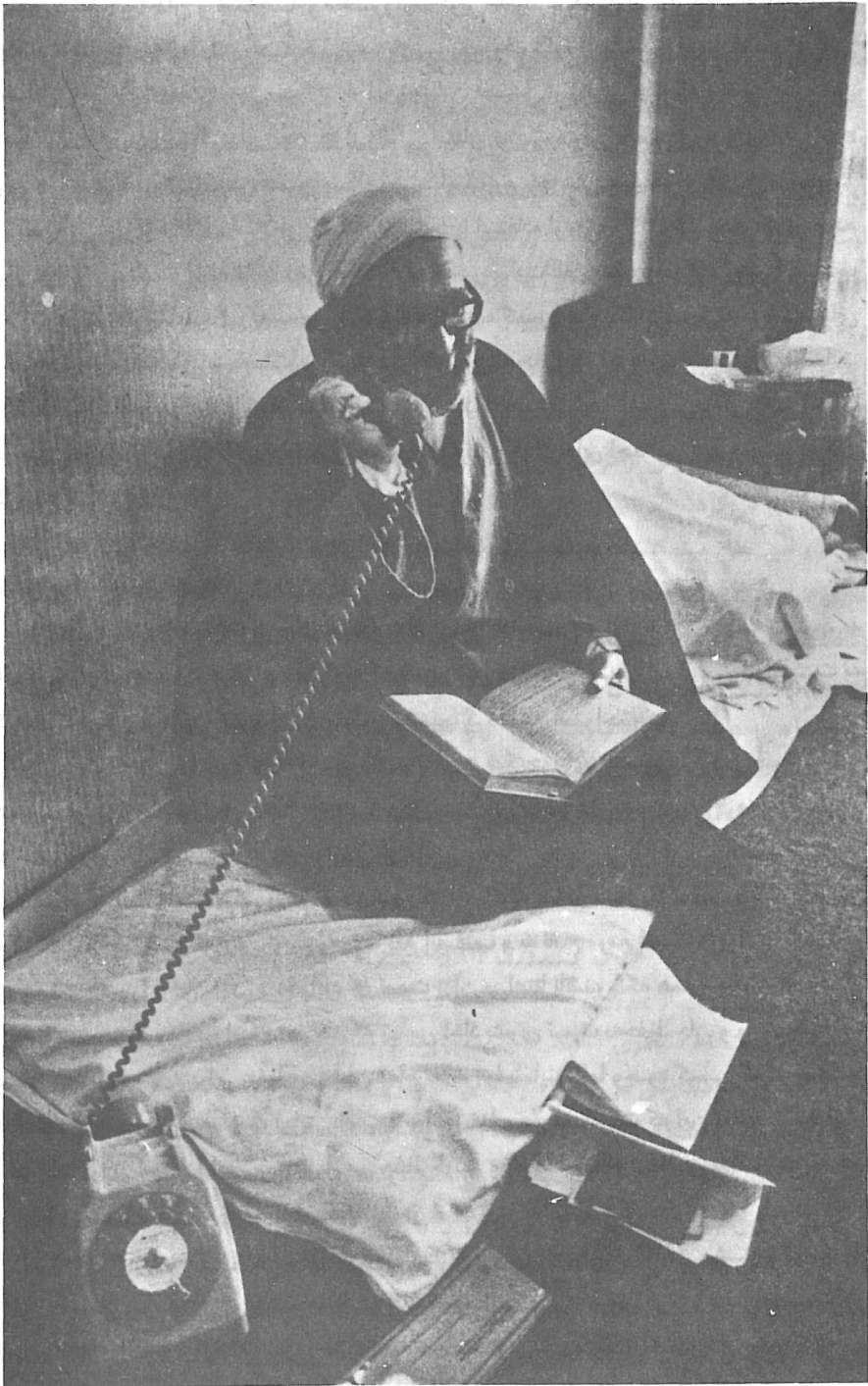
سفر برای استراحت

از آنجا که آیت‌الله منتظری بر اثر شکنجه‌های روحی و جسمی فراوان رژیم منفور پهلوی، به ناسلامتی وضع جسمی مبتلا بود آن‌گونه که شایسته این شخصیت ارزنده است نتوانست به کارهای مردم رسیدگی کند و بدین منظور تصمیم گرفت به استراحت بپردازد.

وقتی يك انسان ۶۰-۵۰ ساله در زیر وحشیانه‌ترین شکنجه‌های جسمی و روحی قرار گیرد و همیشه در زندان از بیماری حاصل از فشارهای رژیم رنج ببرد و فرصت درمان دردهایش را هم نداشته باشد بجز بدنی رنجور چه برایش می‌ماند.

تصمیم به استراحت برای آیت‌الله منتظری که نزدیک به پانزده سال از تعقیب و آزار رژیم در امان نبود کاری است که پس از پیروزی به نفع انقلاب و به نفع مردم است. زیرا يك انسان بزرگ وجودش را برای خود نمی‌خواهد که نسبت به آن بی‌اعتنا باشد، بلکه همه وجودش در اختیار مردم و در خدمت انقلاب است. هر چند که تمامی آحاد بشری نسبت به حفظ جان و وجود خویش مسئولیت دارند و باید برای حفظ جانشان تمام تلاش را بنمایند. اما وجود کسی که در موضع هدایت و راهنمایی مردم است امانتی است از جانب خدا و طبیعی است که این امانت در نهایت سعی باید برای استفاده انقلابی و اسلامی حفظ گردد. و اتفاقاً آیت‌الله منتظری به تقاضای مردم و به پیشنهاد امام خمینی قصد سفر کرد.

این سفر به بنادر جنوبی ایران در آغاز سال ۵۸ عملی گردید. جهت آگاهی بیشتر و توجه به نظرات انسانی - اسلامی آیت‌الله منتظری خیر و مصاحبه‌ای را که وی در بندرعباس با خبرنگار کیهان انجام داده از روزنامه کیهان نقل می‌کنیم، تا خود سرمشقی باشد برای کسانی که در موضع قدرت به توجیه کارهایشان می‌پردازند!



حضرت آیت‌الله منتظری به علت بیماری اعصاب بنا به درخواست روحانیون و توصیه‌ی امام خمینی برای تمدد اعصاب به بندرعباس سفر کرد و قرار است مدتی در این شهر اقامت کند. خبرنگار کیهان دوشب پیش به دیدار آیت‌الله منتظری رفت و با ایشان به گفت‌وگو نشست. حضرت آیت‌الله در مورد سفر خود به استان ساحلی گفت: این استان را به این منظور انتخاب کردم که شاید بتوانم بطور ناشناس چند روزی را استراحت کنم. اما از آنجا که وظیفه‌ی شرعی همواره حکم می‌کند که حل مسائل و مشکلات مردم بر همه چیز حتی سلامت جسم و روح ارجح باشد، در منطقه نتوانستم آرام بگیرم و ضمن مسافرت به جزایر قشم، کیش، هرمز و حضور در مساجد برادران و خواهران اهل تسنن و شیعه که البته به صورت کاملاً ناشناس انجام شد، به مشکلات و مسائل کلی آنها رسیدگی به عمل آمد و مراتب نیز به اولیاء امور اطلاع داده شد. از آن جمله در جزیره کیش که افراد نیروی هوایی و دریایی و مردم فاقد آب آشامیدنی بودند رسیدگی شد و اقدام لازم در جهت لوله‌کشی و آبرسانی به طول ۳/۵ کیلومتر به عمل آمد.

آیت‌الله منتظری در ادامه سخنان خود پیروزی رفراندوم را کاملاً یک امر بی‌سابقه دانست و گفت: من به سهم خودم تا این رفراندوم در هیچ انتخاباتی شرکت نکرده بودم و پیروزی بی‌سابقه مردم را با حداکثر شرکت آنها یک امر کاملاً استثنائی می‌دانم و کلاً مشخص شد که مردم رنج‌دیده و زحمت‌کشیده ایران تشخیص دادند که آزاد شده‌اند و از بند طاغوتیان رها شده و می‌توانند در آینده‌سازی مملکت خود نقش سازنده و ارزنده خویش را ایفا نمایند. آیت‌الله منتظری در دنباله سخنان خود گفت: آینده مملکت ما با دستیابی به بزرگترین پیروزی نهایی که ملت مستضعف ایران به آن رسید، دلیل بارز و چشمگیر رشد فکری و قدرت تشخیص مردم مملکت است که می‌دانند از ظلم و جور زورگویان رها شده و آزادانه قادرند در صحنه سیاسی مملکت حضور پیدا کنند. البته وقتی مردم تا به این حد در مسائل سیاسی مملکت پیشرفته و سهیم شده‌اند، باید گفت که گام‌های سریع پیروزی را برای داشتن مملکتی آباد و مترقی بر مبنای اسلامی بخواهند داشت.

آیت‌الله منتظری در مورد چگونگی جمهوری اسلامی به خبرنگار کیهان گفت: معنی کلی جمهوری اسلامی خلاصه شده درجاری شدن قوانین اسلامی در گردش چرخهای مملکتی و البته این به آن صورت نخواهد بود که گفته شود چون مملکت اسلامی است برای اقلیتهای مذهبی امتیازاتی قائل نشوند. خیر، دین اسلام و حکومت اسلام یکی از بزرگترین پایگاههای ملی و پشتیبانهای مذهبی است و قهرأ اقلیتهای مذهبی نیز تابع قوانین جمهوری اسلامی خواهند بود. آیت‌الله منتظری در پاسخ سؤالی درباره احزاب و تأمین حقوق فردی و اجتماعی اعضای آنها گفت: دیگر احزاب مملکت، در صورتی که طرز عمل و کار آنها مغایر با شئون اسلامی نباشد و اعمال و رفتارشان توطئه‌آمیز نباشد، کاملاً آزاد هستند و در سایه جمهوری اسلامی می‌توانند فعالیت داشته باشند و هیچ مانعی بر سر کارشان نخواهد بود، مشروط به اینکه رعایت کل را از هر جهت بنمایند.

آیت‌الله منتظری در پاسخ خبرنگار ما که آیا توصیه و یا پیامی برای مردم استان ساحلی دارید

گفت: پیام و توصیه ندارم اما از شما (کیهان) تقاضا دارم کمال تشکر و امتنان مرا از کلیه خواهران و برادران مؤمنی که در مسیر حرکت، از آنجمله نائین، یزد، رفسنجان، کرمان و سیرجان اجتماع نموده و مرا مورد تفقد خود قرار دادند اعلام دارید. زیرا متأسفانه به علت کسالت نتوانستم در خدمت خواهران و برادران مسلمان خود باشم. ضمن تشکر مجدد، صمیمانه عذرخواهی می‌کنم و امیدوارم برادران و خواهران مؤمن من این عذرخواهی را مورد توجه خود قرار دهند.^۱

دیدارهای وحدت‌آفرین

آیت‌الله منتظری پس از مراجعت به قم مرتب با رهبر انقلاب اسلامی، امام خمینی، در تماس بود و با ایشان در مورد کارهای مملکتی و امور مردم به مشورت می‌نشست.

به لحاظ اینکه ناراحتیهای ناشی از فشار دستگاه استبداد او را آزاد نمی‌گذاشت در قم روزهای ساکتی را گذراند. البته این مرد بزرگ، سکوت‌پذیر و آرام‌نشین نیست. لذا در همین مدت، مصاحبه‌ها، پیامها و ملاقاتهایی با افراد مختلف و نمایندگان خارجی داشته است. از طرفی ارباب رجوع، برای رسیدگی به کارها و حل مشکلات هم بسیار بود.

دیدار شخصیتها و نمایندگان جنبشهای آزادیخواه و رهایی‌بخش جهان با آیت‌الله منتظری که در قم انجام می‌گرفت، وی را یکی از چهره‌های سرشناس دنیای اسلام نموده است. عموماً اشخاص و گروههایی که برای عرض تبریک به پیشگاه امام خمینی به قم می‌آمدند، با آیت‌الله منتظری هم ملاقات می‌کردند.

یاسر عرفات، عبدالسلام جلود نخست‌وزیر لیبی، هانی‌الحسن نماینده انقلاب فلسطین در ایران، نمایندگان انقلاب مردم صحرا، نمایندگان انقلابیون مسلمان زیمبابوه (رودزیا)، هیئت اریتره‌ای و شخصیتهای الجزایری از جمله اشخاص و گروههایی هستند که با آیت‌الله منتظری ملاقات و گفتگو کرده‌اند.

قبل از اینکه به ذکر نمونه‌هایی از ملاقاتهای آیت‌الله منتظری با شخصیتها و گروههای مبارز کشورهای مختلف بپردازیم، لازم است یادآوری شود که حضرت آیت‌الله منتظری از جمله معدود بزرگمردان انقلاب اسلامی ایران است که در حین مشغولیات زیاد پیرامون مسائل حاد داخل ایران و گرفتاریهای جو انقلابزده خودمان، کمال عنایت و علاقه را نسبت به جریانهای آزادیخواهان مسلمانان خارج از کشور داشته و در هر فرصتی تلاش خود را در راه کمک به نهضتهای رهایی‌بخش دنیا به کار برده است؛ طوری که وی سمبل پشتیبانی از مبارزان جهان گشته و به نظر می‌رسد که همه نیروهای انقلابی جهان که پشتوانه الهی برای مبارزه‌شان دارند، آیت‌الله منتظری را یار باوفای خود در انقلاب اسلامی ایران یافته‌اند.

جلوه کوچکی از حمایت پیگیر آیت‌الله منتظری از جنبشهای آزادیبخش جهان، کمکهای مالی

وی به آنهاست که از طریق افتتاح حسابی به همین نام در بانکهای ایران جمع‌آوری می‌گردد. (حساب شماره ۷۱۰۰ بانک ملی شعبه قم).

مطلب دیگری که در اینجا قابل ذکر است علاقه آیت‌الله منتظری به اتحاد کشورهای ناوابسته به ابرقدرتها با یکدیگر است. خلیهها بدون توجه به «اهم» و «مهم» بودن مسائل، با در نظر گرفتن مسائلی که «مهم» است، از اتحاد محکم دو کشور مسلمان که «اهم» مسائل است جلوگیری می‌نمایند. از جمله اتحاد و همبستگی دو کشور مسلمان ایران و لیبی، که در شرایط خاص مملکتان لازم است، مورد توجه خاص آیت‌الله منتظری می‌باشد و در این زمینه از طرف بعضی جناحهای لیبرال مورد سرزنش قرار گرفته است. نیاز جامعه موجود ایران چنین اتحادی را ایجاب می‌کند.^۱

در خصوص علاقه آیت‌الله منتظری به برقراری رابطه حسنه با کشور لیبی، نامه‌ای را که وی به نخست‌وزیر لیبی نوشته است، نقل می‌کنم:

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

تاریخ: ۲۵ جمادی‌الثانیه ۱۳۹۹

برادر مجاهد سرگرد عبدالسلام جلود نخست‌وزیر لیبی دام توفیقه

با درود گرم و تحیت اسلامی نامه تفقدآمیز شما که حاکی از تفاهم مثبت و فعال نسبت به انقلابهای سراسر جهان بود واصل شد. احساس اخوت اسلامی و همبستگی معنوی که بر تار و پود وجود برادران مسلمانان در جمهوری لیبی سایه افکنده مرا بر آن داشت تا يك بار دیگر از توجه بیدریغ ملت و دولت لیبی نسبت به مسائل جاری انقلاب ما و سعادت و سربلندی ملت مسلمان ایران قدردانی و تشکر نمایم. لازم به تذکر است که مبارزه با استعمار و استبداد در سطح جهانی از فرائض بزرگ در دین مقدس اسلام به شمار آمده و تا سقوط آخرین دژ قدرتهای شیطانی و طاغوتی ابرقدرتها و از بین رفتن کلیه مراکز توطئه بر ضد خلقهای محروم و مستضعف، این جهاد مقدس باید ادامه یابد.

(و قاتلو هم حتی لاتکون فتنه و یکون الدین کله‌الله - انفال ۳۹) با الهام از منطق وحی و قرآن، قیام و اقدام ملتها در راه استیفای حقوق انسانی خود و اعلاء کلمه توحید در صورتی به پیروزی

۱- هنگامی که ایران با آمریکا به مبارزه پرداخته است و بجز دو سه کشور از جمله لیبی بقیه کشورهای دنیا از پشتیبانی کردن ایران خودداری می‌کنند، بعضی مخالفان کشور لیبی در ایران، مسأله ناپدید شدن امام موسی صدر را به صورتی حاد مطرح می‌کنند. بدیهی است مسأله ناپدید شدن امام موسی صدر برای آیت‌الله منتظری از اهمیت خاص برخوردار است و آن را جزء مسائل مهم می‌داند و نسبت به ناپدید شدن وی سخت نگران است، اما راضی نمی‌شود که این مسأله، یکی دیگر از دو سه حمایت‌کننده انقلاب اسلامی را از دست ما بگیرد. لذا با «اهم» قرار دادن حمایت لیبی از ایران، و با اعتقاد به «مهم» بودن مسأله امام موسی صدر، تأکید بر متوقف کردن طرح پیگیری مسأله امام موسی صدر را دارد - طوری که با لیبی خصمانه برخورد نشود. سرزنش لیبرالها از همین جا ناشی می‌شود.

منتهی خواهد شد که برای خدا و در راه او باشد (قل انما اعظکم بواحدہ ان تقوموالله مننی و فردای - سبأ ۶۶).

وحدت کلمه یکی دیگر از ارکان پیروزی بر ضد استعمار بین‌المللی است (و اعتصموا بحبل الله جمیعاً و لاتفرقوا - آل عمران ۱۰۳). با اینکه ملت ما تا پیروزی نهایی مراحل دشوار دیگری در پیش دارد ولی تحقق اولین مرحله آن برای کلیه مردم رنج‌دیده جهان و بخصوص ملل اسلامی شایسته تحلیل و ارزیابی است. چه آنکه ملتی بی‌سلاح با قدرت ایمان به خدا و وحدت کلمه و آرزوی شهادت در راه خدا در برابر یکی از بزرگترین قدرتهای زمان که شرق و غرب آن را تا بن دندان مسلح کرده بودند ایستاد و تکبیرگویان به استقبال تانک و توپ و مسلسل رفت و بالاخره در پناه درایت و قاطعیت رهبر انقلاب امام خمینی و فداکاری ملت شجاع ایران پیروز گشت. ارزیابی این نمونه عینی و عملی که در کشور ستمدیده ایران رخ داد کافی است تا دولتها و ملت‌های اسلامی که هنوز در محاسبات سیاسی - نظامی به کمیتهای می‌اندیشند و چشم امید به ایدئولوژیهای وارداتی غرب و شرق و یا وعد و وعیدهای امپریالیسم چپ و راست دوخته و خود را سرگرم اختلافات قشری و بیهوده ساخته از خواب غفلت بیدار شده و توجه نمایند که در پناه ایدئولوژی اسلام و ایمان به خدا و اعتماد به نفس و وحدت کلمه قادر خواهند بود به فجع‌ترین جنایات استعمار پایان داده و اسرائیل این سرطان مرگ‌بار را از قلب وطن خویش محو نموده و امت واحده توحیدی را در سطح جهانی به وجود آورند.

در پایان ضمن تجدید عهد و میثاق اسلامی امیدوارم زعمای کشورهای اسلامی در آینده نزدیک با اعتصام به حبل‌الله المتین صفوف خویش را متحد ساخته و بر سر میز واحدی به گفتگو و مذاکره درباره رسالت تاریخی خویش بپردازند و و بذلك فلیفرح المؤمنون - والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

امضاء حسینعلی منتظری

در همین رابطه يك نامه تاریخی دیگر از آیت‌الله منتظری را نقل می‌کنم.

برادر مجاهد سرگرد عبدالسلام جلود

از ابراز همدردی و دلجوئی‌تان نسبت به سوء قصد احتمالی به این جانب که بیانگر توجه و عنایت به اوضاع و احوال جاری کشور ایران است، نهایت تشکر را دارم. مطمئن باشید تلاش‌های مذبحخانه دشمن هر چند با مکر، خدعه و فریب همراه باشد به جایی نخواهد رسید و مشعلی که به دست رزمندگان مسلمان صدر اسلام فرا راه بشریت افروخته شد، هرگز خاموش نمی‌گردد. آنچه در این شرایط لازم می‌دانم به کلیه برادران انقلابی خود در جهان اسلام تذکر دهم اینکه آنچه اسلام برای بشریت به ارمغان آورد، انقلابی مکتبی - اخلاقی، خالص و متکی به اصول و معیارهای توحیدی بود که تمام ابعاد وجودی انسان را در صراط مستقیم تربیت و هدایت خواهد نمود، به گونه‌ای که تمایلات نفسانی و کششهای انحرافی هر چند نیرومند و جذاب قادر به تغییر

جهت فکری و عملی او نخواهد بود.

آرمان اسلام که به پای آن خونهای پاک مردان پاکباز صدر اسلام ریخته شد این گونه انقلاب است - انقلابی که انسان و جامعه را در پناه ایمان راستین به خدا از هر گونه خطر و انحراف به چپ و راست حفظ و در گورانه‌های سیاسی - اجتماعی حاد، مبارزه را از در افتادن به چالش‌های سیاستهای شیطانی و قرار گرفتن در مدار ابرقدرتها مصون می‌گرداند. انقلاب از دیدگاه توحیدی، هدف نیست بلکه وسیله‌ایست در جهت دستیابی به ارزشهای انسانی و اخلاقی که ضوابط آن در ایدئولوژی اسلامی بطور دقیق مرزبندی گشته است و هیچ مسلمانی مجاز نیست که در راه رسیدن به هدف از هر وسیله‌ای استفاده نماید. بدیهی است با چنین نگرشی به انقلاب، ملت‌ها و دولتهای اسلامی اسیر دامهای شرق و غرب نشده و خواهند توانست نهضتها را در مسیر حق تا رسیدن به پیروزی نهایی ادامه دهند - همان گونه که امام خمینی از روزهای نخست انقلاب ایران توصیه فرمود و عملاً نیز اجازه نداد در رابطه با نیرنگها، تبلیغات و مانورهای دو ابرقدرت حاکم بر جهان، کوچکترین تغییری در استراتژی انقلاب صورت گیرد.

این حقیقت را می‌توان از اسلوب نبی اکرم حضرت محمدبن عبدالله در رهبری انقلاب توحیدی به خوبی الهام گرفت و نصب‌العین تحولات و دگرگونیهای کنونی جهان اسلام قرار داد. در خاتمه، يك بار دیگر به امید دستیابی به وحدت کلمهٔ مسلمین و قرار گرفتن در مدار الهی گرمترین سلامها را به ملت و دولت اسلامی لیبی ابلاغ و سعادت و سربلندی اسلام و مسلمین را خواهانم.

ضمناً از تأخیر جواب پوزش می‌طلبم. برادر شما: حسین علی منتظری - امضا

پس از بیان مطالب فوق می‌پردازیم به گزارشهای مربوط به دیدارهای وحدت‌آفرین آیت‌الله منتظری با شخصیتها و گروههای کشورهای دیگر.

-۱-

آقای ال‌هندروس مارکوس، دبیر اول حزب سوسیالیست و عضو پارلمان اسپانیا (اندلس) به اتفاق هیئت نمایندگی جنبش «الاختیار الثوری» مراکش برای تبریک جمهوری اسلامی ایران با آیت‌الله منتظری ملاقات کردند. آیت‌الله منتظری ضمن تشکر از ایشان علت پیروزی ایران را سه عامل ذکر کرد: ایمان، اتحاد و همبستگی، رهبری قاطع. و فرمودند امیدوارم که ملت اندلس هرچه زودتر با اعتقاد به این عوامل به پیروزی نهایی برسد و از کمی نیرو هراسی نداشته باشد. زیرا در قرآن هست که اگر خدا را یاری کنید، خدا شما را یاری خواهد کرد.

آنگاه آیت‌الله منتظری به هیئت نمایندگان جنبش «الاختیار الثوری» گفتند که در اسلام مرز و رنگ و زبان مطرح نیست، همه با هم برادرند. نهضتی که در کشور ما به وجود آمده است و هنوز به نتیجه نرسیده است، زمانی به پیروزی نهایی خواهد رسید که همهٔ مسلمانان دنیا از قید اسارت آزاد شوند. تمام ملت ایران عاشق شهادت بودند و اگر ملتی چنین عاشق شهادت بشوند، پیروز خواهند

شد. این است نشانه وحدت و ایمان به شهادت. از شما انتظار دارم سلام مرا به آقای محمدالبصری و تمام برادران مسلمان و مبارز مراکش ابلاغ نمایید.^۱

-۲

يك هیئت لیبیایی که برای شرکت در جشنهای سالگرد انقلاب اسلامی ایران به کشور ما آمده بود در قم با آیت‌الله حسینی منتظری ملاقات کرد. هیئت مذکور در این ملاقات لزوم دفاع و تبلیغ از انقلاب اسلامی ایران را متذکر شد و خواستار اقدام هرچه عملیتر مبارزه علیه استعمار و دولتهای دست‌نشانده آنان شدند.

آیت‌الله منتظری نیز در این ملاقات با تأکید بر اتحاد هرچه بیشتر صف جهانی مسلمین اظهار داشت ما معتقدیم که ملت‌ها خصوصاً امت مسلمان با هم همبستگی کامل دارند ولی آنچه باعث جدایی و تضعیف این اتحاد ملت‌ها است سدّ دولتهای ضد ملی و دست‌نشانده است. ما امیدواریم هرچه زودتر این سدها شکسته شود. آیت‌الله حسینی منتظری در ادامه سخنان خود افزود: اکنون ملت‌ها بیدار شده‌اند و امید است با بیداری ملت‌ها بتوانیم با فتح بیت‌المقدس همدیگر را در آنجا ملاقات کنیم.

وی در پایان گفت: انقلاب پیروزمند اسلامی ایران صرفاً ملی و ناسیونالیستی نبوده و اگر در این خط حرکت می‌کرد حافظ نظام شاهنشاهی می‌بود نه درهم شکننده آن. انقلاب ایران مکتبی و اسلامی است و این انقلاب متعهد به مبارزات مردم مسلمان در افغانستان، تونس، فیلیپین، مصر و غیره است. ما در قبال تجاوزات امپریالیستها و صهیونیستها در هر نقطه جهان متعهد و مسئولیم.^۲

-۳

پیش از ظهر روز سوم اسفندماه ۱۳۵۸ هیئتهای فلسطینی و اریتره‌ای به همراه هانی‌الحسن نماینده دفتر سازمان آزادیبخش فلسطین در تهران، با آیت‌الله منتظری پیرامون مسائل خاورمیانه ملاقات و گفتگو کردند. به گزارش پارس در قم، در این دیدار يك ماکت از مسجدالاقصی که به وسیله فرزندان شهدای فلسطین تهیه شده بود در حضور آیت‌الله منتظری به اعضای انجمن اسلامی انستیتو تکنولوژی همدان اهداء شد.^۳

-۴

کاردینال اجن دو وال اسقف الجزایری و حامی مردم الجزایر در جنگ استقلال طلبانه آنها علیه فرانسه اشغالگر که جهت برگزاری مراسم عید میلاد مسیح در جاسوسخانه آمریکا به تهران آمد، به اتفاق سفیر الجزایر در ایران به ملاقات حضرت آیت‌الله منتظری رفت.

۱- روزنامه پیام شهید. ۱۳۵۸/۵/۸، ص ۶.

۲- جراید ۵۸/۱۱/۲۷.

۳- کیهان. ۱۳۵۸/۱۲/۴.

در این دیدار آیت‌الله منتظری ضمن تبریک میلاد مسیح به آنها اعلام کرد از اینکه شنیدم شما در نبرد ملت الجزایر در صف مستضعفین مبارزه کردید خیلی خوشحال شدم. ما توجه داریم حضرت محمد و حضرت مسیح مدافع حقیقی مستضعفین بودند. آنها جهت ایجاد عدالت اجتماعی مبعوث شدند و در حقیقت آنها در صف واحد بودند. اکنون نیز چنین انتظار داریم. در طول تاریخ صهیونیستها همواره مسلمانها و مسیحیها را آزرده‌اند. من امیدوارم که همچنان مسیحیان واقعی با ما در جبهه واحدی علیه صهیونیسم و امپریالیزم و به دفاع از مستضعفین به مبارزه خود ادامه دهند. آیت‌الله منتظری افزود: اکنون آمریکا در رأس جنایتکاران بین‌المللی است و مسأله شاه و جنایتش یکی از سیئات بی‌شمار آمریکا است. ملت ما و مستضعفین مسیحی به یکسان از ستم سلطه‌گران رنج می‌برند. ان‌شاءالله که با همگامی هرچه بیشتر بتوانیم این بلیه جهانی و این ام‌الفساد قرن را از ریشه براندازیم.

اسقف دووال ضمن اظهار خوشنودی متقابل در پاسخ گفت: من ایده‌های خود را از زبان شما می‌شنوم. ما برای رسیدن به صلح و عدالت اجتماعی در جهان حرکت می‌کنیم و اینکه ایران پیش‌تاز این حرکت شده است برای ما راهگشای بسیار خوبی است و اینکه از نزدیک با چهره‌های انقلاب ایران آشنا می‌شوم امید زیادی را در من برانگیخت که به راه خود با اراده قاطع ادامه دهم. ان‌شاءالله راه وحدت جهانی مستضعفین را به کمک امت اسلامی ایران و تمام مستضعفین جهان بخصوص مسیحیان متعهد هموار کنیم تا سرانجام به وعده خدایی که شما خود بر مفهوم حکومت مستضعفین در جهان به آن اشاره کردید برسیم.^۱

-۵

هنگامی که آیت‌الله منتظری در سفر استراحت بودند، اسقف کاپوچی برای زیارت وی به قم رفته بود که موفق به دیدار آیت‌الله منتظری نشد. لذا آیت‌الله منتظری به عنوان همدردی و همبستگی با مستضعفین جهان، در هر دین و مذهبی که باشند، تلگرافی به اسقف کاپوچی مخابره کرد که برای اهمیت دادن به همبستگی ملل جهان آن را نقل می‌کنیم:

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

حضرت اسقف هیلاریون کاپوچی

پس از عرض خوش آمد و ضمن تشکر از تفقد و تشریف‌فرمایی جناب عالی به منزل این جانب از اینکه در قم نبودم تا پیام رزمندگی و فداکاری شما را بشنوم، متأسفم. امید است اگر نتوانستم فعلاً شما را زیارت کنم در آینده نزدیک در فلسطین، سرزمین جهاد و شهادت، پیروزی خود را جشن بگیریم.

مطمئن باشید ما بر حسب تعالیم عالیّه اسلام تا پیروزی کامل همه مستضعفین به ویژه ملت

فلسطین دست از جهاد برنخواهیم داشت. انتظار می‌رود همه مسلمانان و مسیحیان جهان به خود آیند و به پیروی از حضرت محمد (ص) و حضرت مسیح (ع) برای نابودی ظلم و استعمار و دفاع از حق و عدالت بکوشند. همزمان متعهد را به سلام مصدّم. جهاد تا پیروزی.

رفسنجان - حسینعلی منتظری

-۶

در تاریخ بیست‌وششم اسفندماه ۱۳۵۸، نویسنده و تئورسین بزرگ فلسطین آقای منیرشفیق که جهت بررسی و مذاکرات حساس در مورد یکپارچگی جنبشهای آزادیبخش جهانی با مقامات انقلاب اسلامی به ایران آمده بود با حضرت آیت‌الله منتظری ملاقات و گفتگو کرد.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری پارس حضرت آیت‌الله منتظری در این دیدار ضمن طرح مسائلی در رابطه با جنبشهای آزادیبخش جهانی گفت که باید در يك فرصت مناسب برنامه راهپیمایی بیست میلیون مسلمانان جهت آزادی فلسطین و قدس تدارك دیده شود.

در این دیدار نویسنده و تئورسین معروف فلسطین گفت: اثرات انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی آنچنان در عمق اسرائیل رسوخ کرده که در سرزمینهای اشغالی سال ۱۹۴۸ و در قلب تل‌آویو بیش از بیست هزار نفر دست به تشکیل گروهی به نام پیروان خط امام خمینی زده‌اند و با برپایی راهپیمایی و کارهای تشکیلاتی جهت رهایی کلی سرزمینهای فلسطین دست به تظاهرات وسیعی زده‌اند و حتی در برنامه‌های ورزش و تجمع تماشاگران فوتبال با شعارهای «خمینی خمینی الله‌اکبر، ما پیروز می‌شویم» گردهمایی‌های ورزشی را به مجمع سیاسی تبدیل کرده‌اند و اسرائیل بارها ترس و وحشت خود را از این حرکت انقلابی ابراز داشته است.^۱

۷- آیت‌الله منتظری وقتی برای شرکت در مجلس خبرگان، به تهران آمدند به دلیل اهمیت دادن به انقلابات اسلامی در تمامی جهان، رابطه‌اش با رهبران این انقلابات ادامه یافت. از جمله:

ابوجهاد، مرد شماره ۲ فلسطین، عضو شورای مرکزی سازمان آزادیبخش فلسطین، عضو فرماندهی عمومی نیروهای انقلاب، مسئول نیروهای مسلح و تشکیلات نظامی و سیاسی در داخل سرزمین‌های اشغال شده و نماینده انقلاب فلسطین برای مذاکره با جنبشهای رهایی بخش جهان که در سالهای گذشته مسئول تمرین نظامی مبارزان ایرانی علیه رژیم پهلوی بوده است، چند روز قبل برای دیدار از ایران و رهبر انقلاب اسلامی امام خمینی وارد تهران شد. ابوجهاد به اتفاق هانی‌الحسن نماینده سازمان آزادیبخش فلسطین در ایران، با آیت‌الله منتظری در مجلس خبرگان ملاقات کردند و درباره مسائل مهم جهان اسلام بویژه اوضاع جنوب لبنان و نقش توسعه طلبانه

اسرائیل گفتگو کردند. آیت‌الله منتظری در این گفتگو ضمن اظهار خرسندی از حضور ابو جهاد و هیئت همراهش در مجلس گفت: همبستگی ما با برادر فلسطین تازگی ندارد و در همان زمانی که ملت ایران تحت ظلم حکومت طاغوتی محمد رضا بود هر چند دولت وقت به اسرائیل کمک می‌کرد ولی دلهای ملت ایران برای فلسطینیها می‌تپید. آیت‌الله منتظری ضمن اشاره به اعلام روزه سیاسی از سوی طبقات مختلف مردم ایران گفت: هم اکنون خواهان و برادران فلسطینی در زندانهای اسرائیل تحت شکنجه هستند و طبقات مختلف ایران به همین مناسبت اعلام روزه سیاسی کرده‌اند و این عمل برای اعتراض به اعمال اسرائیل غاصب است که حقوق برادران فلسطینی ما را نادیده می‌گیرد. ما این گناهان را از رده بالاتر می‌دانیم. چون اسرائیل یکی از ایادی و طفل نامشروع امپریالیزم آمریکا است.

وی افزود امیدواریم همان طور که ملت ایران با ایمان و استقامت کامل و در اثر همبستگی و اتحاد کلیه اقشار و همچنین در اثر رهبری صحیح رهبر بزرگ ما حضرت آیت‌الله‌العظمی امام خمینی به پیروزی رسید، ملت فلسطین هم در اثر همبستگی و ایمان و تقوا و پیوستگی با اسلام و رهبری صحیح رهبران بزرگ فلسطین به پیروزی کامل برسد و فلسطین و مسجد اقصی که قبله اول مسلمین است از دست اسرائیل غاصب نجات پیدا کند. وی در پایان سخنان خود ضمن اظهار امیدواری برای پیروزی برادران فلسطینی از همه مردم خواست تا انواع کمکهای خود را به ملت فلسطین انجام دهند.

ارتباط رهبران انقلاب اسلامی ایران با مردم فلسطین و رهبران آنها به حدی صمیمانه و برادرانه است که در مقابل کوچکترین خطری که متوجه یکی از طرفین می‌شود ابراز همدردی کرده و با ارسال پیام آن را بیان می‌کنند.

هنگامی که زندانیان فلسطینی در اسرائیل اعتصاب غذا کرده بودند آیت‌الله منتظری پیام ارزنده‌ای برای آنها فرستاد که قسمتهایی مختصر از آن را در اینجا نقل می‌کنیم:

... امروز نیز که شما زندانیان پاکبخته سخت‌ترین لحظات را زیر شکنجه‌های مأمورین خونخوار رژیم صهیونیستی اسرائیل می‌گذرانید، ملت ایران از اعماق قلب خونین خود به شما درود می‌فرستد و در غم و رنج شما شریک بوده اقدام شجاعانه و قاطعانه شما را تأیید و پا به پای شما تا پیروزی نهایی و آزادی فلسطین گام برمی‌دارد....

.... قلب ما و شما با هم می‌تپد و خون گرم جوانان ایران و فلسطین در کالبد یک امت می‌جوشد. من دست پرتوان هزاران زندانی رنج‌دیده فلسطینی را به گرمی می‌فشارم و آنان را به آینده‌ای نزدیک که سرطان اسرائیل را قلع و قمع و فریاد الله اکبر از قلعه فلسطین به گوش

از طرفی، در شب جمعه دوازدهم خرداد ماه ۱۳۵۸ چند نفر ناشناس با قصد سوء به منزل آیت‌الله منتظری در قم حمله کردند، که الحمدلله توطئه خنثی گردید، ولی در این رابطه پیامهای فراوانی از اطراف برای او فرستادند. از جمله یاسر عرفات پیام زیر را به حضور آیت‌الله منتظری مخابره کرد:

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت آیت‌الله منتظری دام‌ظله. و مکروا و مکروا لله و الله خیر الماکرین. خبر اقدام به سوء قصدی را که دیروز از طرف دار و دستة جنایتکاران و نوکران امپریالیستی و صهیونیستها شما را هدف قرار داده بود شنیدیم و ما با ابراز خوشوقتی از سلامتی شما بار دیگر تأکید می‌کنیم که این دارو دستة جنایتکار در این شرایطی که انقلاب می‌رود تا ریشه‌های ظلم و ستم و طغیان را از بیخ برکند در صدد هستند به پایه‌های انقلاب و رهبران آن آسیب برسانند و با تلاش مذبوحانه خود مسیر حق و تاریخ را که شما به رهبری امام خمینی سازندگان آن هستید منحرف سازند و متوقف کنند ولی ما به عزم راسخ شما و قدرت و توانایی این ملت اصیل در قطع ایادی اشرار و کمال بخشیدن به کاروان پیروزی آشکار و حتمی که خدا به آن وعده داده است اطمینان کامل داریم. خدا شما را حفظ کند و برای پاکسازی مقدساتمان از آلودگی و تجاوز و طاغوت با تکمیل انقلاب ایران با پیروزی فلسطین تأییدتان نماید. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

انقلاب تا پیروزی، برادران یاسر عرفات

در رابطه با دیدارهای وحدت‌آفرین آیت‌الله منتظری دو نمونه از گزارشهای دیگر را نقل می‌کنم:

حضرت آیت‌الله منتظری در جمع خانواده‌های شهدای الجزایر، لیبی، جزیره‌العرب، عربستان سعودی، فلسطین، لبنان، عراق و نمایندگان جنبشهای آزادیبخش پولیساریو، بحرین و فتانی که توسط بنیاد شهید برای شرکت در مراسم دومین سالگرد انقلاب و مراسم تجلیل از خانواده‌های شهدا و جانبازان انقلاب به ایران دعوت شده‌اند با حضور عده کثیری از مردم قم در مسجد اعظم این شهر سخنرانی کرد.

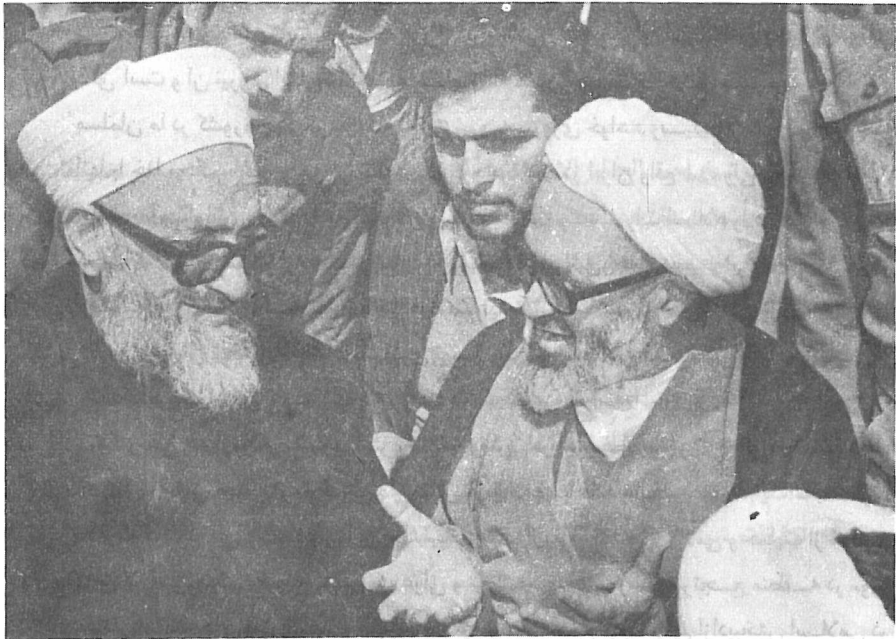
آیت‌الله منتظری ضمن گفتن خیر مقدم به میهمانان کشورهای دوست و برادر از طرف حوزه علمیه قم و مراجع عظام و مردم شهر در قسمتی از سخنان خود در مورد رمز پیروزی انقلاب جمهوری اسلامی ایران گفت سه عامل ایمان، اتکاء به خدا و اتحاد و همبستگی تمام اقشار ملت



دیدار نماینده جبهه آزادیبخش مورو با آیتالله منتظری



بگفتاورد که در این باره با آقایان آیتالله منتظری و آیتالله مکارم شیرازی در قم و تهران گفتگو کرده‌ام و آن‌ها هم با من موافقت کردند و گفتند که ما هم باید در این باره اقدام کنیم.



آیت‌الله منتظری و آیت‌الله خاوری



دیدارهای وحدت‌افزین بین‌المللی امام خمینی (ره) و دیگر بزرگان و علمای اسلام در قم

و رهبری قاطع انقلاب توسط حضرت آیت‌الله‌العظمی امام خمینی باعث پیروزی انقلاب شد و ما با دست خالی به جهانیان ثابت کردیم که غیر از ابزار مادی يك نیروی هست که بر همه این عوامل فائق است و آن نیروی ایمان و اتکاء به خداست به همین جهت مطمئن هستیم که برادران مسلمان ما در کشورهای دیگر با اتکاء به این نیرو به پیروزی خواهند رسید، در صورتی که رابطه آنها با خدا محکم باشد، و من باید بگویم که گرچه انقلاب در ایران واقع شده ولی محدود به ایران نیست. ما مسلمانان وظیفه داریم تا اسلام را توسعه دهیم و دستورات اسلام را در همه جا پیاده کنیم و اماکن مقدسه را از دست دولتهای غاصب مانند اسرائیل نجات دهیم و این تنها وقتی میسر است که ما با هم متحد باشیم و اختلافات مذهبی نداشته باشیم.

پس از پایان سخنرانی آیت‌الله منتظری توسط یکی از نونهالان فلسطینی قصاب‌عکسی از بیت‌المقدس به ایشان هدیه شد.

دکتر علی عبدالسلام مشاور رئیس جمهوری لیبی در امور خارجی در تاریخ نوزده اسفند ماه ۱۳۵۹ به اتفاق هیئتی از طرف جبهه پایداری عرب در قم با فقیه عالیقدر حضرت آیت‌الله منتظری ملاقات کرد. در این دیدار ضمن اعلام پشتیبانی مجدد لیبی از انقلاب اسلامی و حمایت از موضع ایران در قبال جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق و توطئه‌های کشورهای مرتجع منطقه در مورد دسائس و نقشه‌های امپریالیسم و صهیونیسم بر ضد اسلام و جنبشهای آزادیبخش اسلامی در جهان گفتگو شد.

آیت‌الله منتظری با اشاره به اوضاع جبهه‌های جنگ بین ایران و عراق اظهار داشت عراق از طرف همه ابرقدرتها و کشورهای مزدور در منطقه مساعدت مادی و معنوی می‌شود، در حالی که ملت ما تنها با اتکاء به خدا و قدرت ایمان و همبستگی کامل بین نیروهای رزمنده و ملت سرانجام جنگ را به نفع خود پایان خواهد برد.

سپس آیت‌الله منتظری ضمن ابلاغ سلام به اعضای جبهه پایداری عرب اظهار امیدواری نمود که اتحاد بین دو کشور مسلمان لیبی و چاد موجب برچیده شدن سلطه استعمارگرانه ابرقدرتها و توسعه اسلام در قاره آفریقا شود.

همبستگی‌های سازنده

همبستگی معنوی و صادقانه‌ای که بین روحانیت مبارز و ضدستم وجود دارد، باعث می‌گردد که اعتراضات خویش را نسبت به آزار و اذیتی که نوکران امپریالیسم بر این فرزندان پاک اسلام روا می‌دارند، با فریاد بلند به گوش همگان برسانند.

دولتهای دست نشانده منطقه برای اینکه سرنوشتی نظیر شاه مخلوع ایران و دارو دست‌اش برایشان پیدا نشود، همچون شخص شاه به دستگیری و آزار روحانیت روشنگر و فعال می‌پردازند.

آیت‌الله منتظری از جمله کسانی است که فشارهای وارد بر پاسداران اسلام و مبارزین راه

انسانیت را با بی‌صبری و پافشاری زیاد دنبال می‌کند و تا حصول نتیجه مطلوب از پای نمی‌نشیند. به نمونه‌های زیر در این مورد توجه کنید:

۱- بسمه تعالی

حضرت شیخ احمد الجابر الاحمد الصباح امیر دولت کویت. پس از سلام، خبر تزییقات به مسجد و بیت نماینده رهبر انقلاب اسلامی ایران حضرت امام خمینی، مد ظله، حجة الاسلام والمسلمین حاج سید عباس مهری و دستگیری و آزار و شکنجه فرزند مبارز ایشان حاج احمد مهری نه تنها موجب تأسف و تأثر گردید، بلکه در این شرایط حساس کشورهای اسلامی که آگاهی اسلامی بر ضد امپریالیسم شرق و غرب و صهیونیسم غارتگر و وجود افراد مسلمان و آگاه از هر زمان ضروری‌تر است، موجب تعجب گردید؛ امید است سران کشورهای اسلامی با درس گرفتن از تاریخ، بیشتر به اسلام و ملت عزیزشان بیندیشند و قوانین حیاتبخش اسلام راستین را در تصمیم‌گیریها منظور دارند، تا موجبات نگرانی برادران و خواهران مسلمان را فراهم نسازند. توفیقات شما را در سایه تعالیم اسلامی از خدای بزرگ خواهیم.

حسینعلی منتظری ۱۳۵۸/۶/۲۴

۲- بسمه تعالی

حضرت شیخ عیسی بن خلیفه آل سلمان امیر بحرین، با تقدیم احترام این جانب مراتب نگرانی خود را از خبر بازداشت حضرت حجة الاسلام آقای سید محمد هادی مدرسی دامت افاضاته ابراز می‌دارم.

انتظار می‌رود در این شرایط حساس که وجود علمای متعهد برای آگاهی بخشیدن به جامعه اسلامی و روشن نمودن تعالیم اصیل الهی و افشاء نقشه‌های شوم امپریالیسم و صهیونیسم از هر زمان ضروری‌تر است، با دفع حصر از ایشان و سایر علماء و برادران موجبات رضایت برادران و خواهران اسلامی خود را فراهم سازید. موفقیت شما را در آنچه صلاح اسلام و مسلمین است، از خدای بزرگ خواهیم. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

تهران - حسینعلی منتظری ۱۳۵۸/۶/۷

۳- بسمه تعالی

حضرت شیخ‌زایدین سلطان آل نهیان، رئیس دولت امارات عربی متحده - شیخ راشدین سعید آل مکتوم، حاکم دوبی.

خبر دستگیری جناب حجت‌الاسلام آقای سید هادی مدرسی و ثقة‌الاسلام آقای شیخ عبدالرزاق جواهری دامت افاضاتهم در دوبی موجب ناراحتی و تأسف جامعه روحانیت گردید.

بدیهی است این توطئه با توجه به موقعیت انقلاب اسلامی ایران و استقبال ملت‌های مسلمان و محروم از آن جز به دست عناصر وابسته به استعمار و صهیونیسم جهانی نخواهد بود. جامعه روحانیت، مسئولیت این توطئه را متوجه دولت شما میداند.

انتظار می‌رود دستور فرموده تا مأمورین با تمام امکانات، هرچه زودتر وارد عمل شوند و این توطئه استعماری را خنثی سازند.

توفیق همگان را برای خدمت به اسلام و ملل مستضعف از خدای بزرگ خواهانم. والسلام علیکم.

تهران - حسینعلی منتظری ۱۳۵۸/۶/۳۰

سوی احساس همدردی از دستگیر شدن روحانیت مبارز در خارج از ایران، آیت‌الله منتظری در فقدان روحانیون و علمای ایران بویژه بزرگان انقلاب اسلامی، مصیبت‌های سختی را تحمل نمود.

شهادت یار سالهای تحصیل او، معلم اسلام راستین و قربانی انقلاب بزرگ ما شهید مطهری، شهادت هم‌زندانی او مجاهد نستوه و مبارز پیشه جامعه روحانیت در انقلاب اسلامی ایران، آیت‌الله طالقانی و شهادت آشنای سالهای او نماینده امام خمینی در تبریز آیت‌الله قاضی طباطبائی و شهادت روحانی مبارز و استاد دانشگاه دکتر محمد مفتاح، از مواردی بودند که آیت‌الله منتظری را بی‌اندازه سوگوار و غمزه کرد.

در پیامهایی که در رثای این فرزندان جامعه روحانیت و این شهدای فضیلت فرستاد، تأثر فراوان وی محسوس است.

هر چند که این پیامها کاملاً بطور مجزا منتشر شده، اما بیان جمالتی از آنها برای تکمیل موضوع مورد نظر خالی از لطف نیست:

در پیامی که به مناسبت شهادت استاد مرتضی مطهری ارسال داشت، آمده است:

«... ستاره درخشانی از آسمان انقلاب اسلامی ایران غروب کرد، چهره مقاوم و پرشکوهی که از نزدیکترین یاران با وفای رهبر انقلاب، حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی بود، انسان اندیشمند و دانشمندی که شهادت او خسارتی بس بزرگ به دنیای دانش، تقوی و انقلاب وارد کرد. شادروان شهید بزرگ حضرت آیت‌الله استاد حاج شیخ مرتضی مطهری خراسانی نیمه شب گذشته با دست جنایتکاران به قافله شهیدان راه حق پیوست... این جانب این شهادت بزرگ سازنده و خلاق را به حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، حوزه‌های علمیه، علمای اعلام، رهبر انقلاب امام خمینی، بازماندگان محترم آن شهید و همه ملت ایران و مسلمانان جهان، تبریک می‌گویم...»

در پیامی که آیت‌الله منتظری برای درگذشت آیت‌الله طالقانی فرستاد، آمده است:

«... با فاجعه درگذشت دردناک مجاهد مقاوم آیت‌الله طالقانی طاب‌ثراه غم و اندوهی عمیق همه را فرا گرفت.... من خود در زندان طاغوت شاهد مقاومت‌های آن مرد بزرگ بودم. آیت‌الله طالقانی با مبارزه مستمر خویش علیه نظام استبدادی و استعماری پهلوی درس مقاومت و جهاد را به همگان آموخت و عمر با برکت خویش را در راه تحقق حکومت قسط و عدل اسلامی و حمایت از مستضعفین در برابر مستکبرین به پایان رسانید....»

در پیامی که آیت‌الله منتظری برای شهادت آیت‌الله قاضی طباطبائی فرستاد، آمده است:
 «... دشمن اسلام و انقلاب باز حادثه آفرید و این بار گلوله کین‌آلودش را به قلب سیدی بزرگوار و عالمی جلیل و مبارز حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای سید محمد علی قاضی طباطبائی تبریزی نشانید و قطره قطره خون پاکش را جاری ساخت.... این جانب ضمن تسلیت این فاجعه دردناک به حضرت ولی عصر ارواحنا فداه و رهبر انقلاب امام خمینی و مراجع تقلید و علمای محترم و مردم شریف و مبارز تبریز و بازماندگان محترم به عوامل توطئه‌گر نصیحت کرده هشدار می‌دهم که اگر يك يك این ملت نیز در آغوش شهادت قرار گیرند باز شما و اربابانتان باید آرزوی خود را به گور ببرید....»

در ساعت ۷ بعد از ظهر روز پنجشنبه دهم آبان‌ماه ۱۳۵۸ (روز عید قربان)، حضرت آیت‌الله حاج سید محمد علی قاضی طباطبائی تبریزی به هنگام مراجعت از نماز مغرب و عشاء به منزل، در خیابان مقصودیه تبریز به ضرب گلوله ضدانقلاب شهید گشت.

آیت‌الله قاضی طباطبائی از علمای مشهور آذربایجان و نماینده امام خمینی در دوران قبل از پیروزی انقلاب در این استان بود. بعد از پیروزی انقلاب علاوه بر ادامه نمایندگی امام خمینی، به دستور معظم‌له، امام جمعه شهر تبریز نیز بود. وی دارای سابقه‌ای روشن در مبارزه با دستگاه ظلم بود و از این نظر مورد توجه آزادیخواهان قرار داشت.

شهید قاضی طباطبائی به پاس نزدیکی با امام خمینی و تقوای شخصی‌اش مورد توجه مردم آذربایجان بود و نماز جماعت او در مسجد مقبره بازار تبریز، شلوغترین نماز جماعت تبریز بود. در دوران اختناق پهلوی مقلدان و طرفداران آیت‌الله العظمی خمینی حل و فصل کارها و بررسی مسائلشان را با وی در میان می‌گذاشتند.

او اصرار داشت که در مسائل فقهی - و بالطبع اجتماعیات و سیاسات - نظر امام خمینی را گسترش دهد. روزی از روزهای اوج اختناق در تبریز به دیدار او رفتم - برای حل مسأله‌ای شرعی. با صراحت گفت: غیر از نظر آیت‌الله خمینی نمی‌گویم.
 آیت‌الله منتظری با شهید قاضی طباطبائی آشنایی سابقه‌داری داشتند.

در پیامی که آیت‌الله منتظری به مناسبت شهادت استاد دکتر مفتاح فرستاد آمده است:
 ترور شخصیتها از حربه‌های خنثی و بی‌اثری است که دشمنان انقلاب ما از همان اوان پیروزی نهضت برای رهایی خود بدان متوسل گردیدند. و این بار به دست مهره‌های دست‌نشانده خود شهید حجت‌الاسلام دکتر محمد مفتاح از چهره‌های درخشان روحانیت مبارز و دوتن از پاسداران همراهش را ترور کردند غافل از اینکه شهادت در راه خدا برای هر مسلمان افتخاری بزرگ و راهگشای مبارزه است....

استاد حجت‌الاسلام دکتر محمد مفتاح همدانی، یکی از بزرگان روحانیت مبارز ایران، ساعت ۹ روز سه شنبه بیست و هفتم آذرماه یکهزار و سیصد و پنجاه و هشت شمسی، در صحن دانشکده الهیات و معارف اسلامی تهران، به دست عوامل امیریالیسم آمریکا شهید گشت. استاد مفتاح از شاگردان امام خمینی بود. پس از اینکه به تهران آمد در دانشگاه تهران - دانشکده الهیات و معارف اسلامی - عهده‌دار تدریس علوم اسلامی گردید. وی در شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز تهران، کنار رزمندگانی دیگر چون شهید فضیلت، استاد مطهری، در شکل دهی و هدایت مبارزات اسلامی ملت ایران، بویژه مردم تهران، نقش فعالی داشت. چه در دانشکده الهیات، چه در جامعه روحانیت مبارز تهران و چه در صحنه مبارزات علمی و اجتماعی دست در دست شهید مطهری و به همراهی او پیش می‌رفت. شهید دکتر مفتاح از روحانیت تسلیم‌ناپذیر در مقابل دشمن ملت مسلمان ایران، آریامهر، و اربابان آمریکائیش بود. از این رو بارها مورد تعقیب قرار گرفته، به دست جلادان ساواک به بند اسارت درآمد.

او بنیانگذار مجالسی روشنگر در راه اعتلای اسلام و افشاگری آثار دشمن مردم در تهران بود از جمله در مسجد جاوید تهران تا هنگامی که مجالس وی را رژیم تعطیل نکرده بود. پس از آن محراب عبادت و منبر موعظت را به مسجد قبای تهران منتقل کرد. وقتی رژیم سفاک پهلوی حسینیۀ ارشاد را تعطیل کرد، نسل جوان انقلابی راهی مسجد قبا در جهت یادگیری و تشکیل گردید. در زمان شهادت دکتر شریعتی - معلم بزرگ انقلاب - مسجد قبا به همت شهید مفتاح به صورت یکی از بزرگترین پایگاههای ضد رژیم درآمد.

دکتر مفتاح در ترتیب راهپیماییها و هدایت انقلابیون مسلمان نقش چشمگیر و روشنی داشت. پس از پیروزی انقلاب، به پیشنهاد دولت موقت و توصیه استاد شهید مطهری، سرپرستی دانشکده الهیات و معارف اسلامی تهران را عهده‌دار گردید. وی در این مورد می‌گفت: وقتی از پیشنهاد پذیرش سرپرستی دانشکده سرباز زدم استاد مطهری به من گفت «تو را کمک خواهم کرد»، اما افسوس که با از دست دادن او کمرم شکست.

سادگی، گذشت، صداقت، احساس مسئولیت و تسلط بر علوم اسلامی اسلام راستین، دکتر مفتاح را در ردیف ارزشمندترین و مفیدترین چهره‌های انقلاب اسلامی ایران در آورده بود. یادش و راهش گرامی باد.



آیت‌الله منتظری: شهید حجة الاسلام دکتر محمد مفتاح از چهره‌های درخشان روحانیت مبارز را ترور کردند. غافل از اینکه شهادت در راه خدا برای هر مسلمان افتخاری بزرگ و راهگشای مبارزه است.

به مناسبت شهادت حجة الاسلام حاج سيدحسن شیرازی که در نیمه اول اردیبهشت ماه ۱۳۵۹ در بیروت شهید شد، تلگرافی به آیت الله سید محمد شیرازی مخابره شد:

بسمه تعالی - حضرت آیت الله آقای حاج سید محمد شیرازی دامت افاضاته. انالله و انا الیه راجعون.... ابرقدرتهای غارتگر و مزدوران سفاکشان در منطقه خیال می کنند با تخریب، انفجار و به شهادت رساندن افراد و شخصیتها می توانند به سلطه جابرانه خود ادامه داده و نقش خائنانه خود را در نابودی محرومین و به غارت بردن ارزشها و ثروتها ابقاء نمایند غافل از اینکه شهادت میراث انبیاء و اولیاء خداست و ملت اسلام تا رسیدن اَحَدِی الْحُسَیْنِ پیروزی یا شهادت از پای نخواهد نشست و خیانتهای مزدورانی چون حکومت پوشالی عراق به پایمردی فرزندان رزمنده اسلام خواهد افزود و هر قطره خون شهیدانمان گلوله ای است به قلب و مغز امپریالیسم و صهیونیسم و مزدورانی چون طاغوت عراق. این جانب، پس از سلام، شهادت مرحوم حجت الاسلام آقای حاج سیدحسن شیرازی برادر ارجمندتان را به شما و بازماندگان محترم تبریک و تسلیت گفته جوار رحمت حق را برای ایشان و سلامت و موفقیت را در راه خدمت به اسلام و مسلمین برای جناب عالی و بازماندگان از خدای بزرگ مسئلت می نمایم. و سيعلم الذين ظلموا ای منقلب ینقلبون.
حسینعلی منتظری ۵۹/۲/۱۴

آیت الله سیدحسن شیرازی برادر کوچک آیت الله سید محمد شیرازی است که اکنون در قم به سر می برند و فرزند آیت الله العظمی میرزا مهدی شیرازی است که قبل از پانزده خرداد در زمان عبدالکریم قاسم با پدرشان مشغول مبارزه با انحرافات دولتهای عراق بودند. خصوصاً آیت الله سیدحسن شیرازی در مجالس مهم که به مناسبت ولادت امیر المؤمنین در کربلا در حسینیه تهرانیها برپا می شد سخنرانیهای بسیار تندآتشین علیه قدرتهای طاغوتی انجام می داد و حساسیت مخصوصی علیه بعثیها در سخنرانیها و مقاله های خود نشان می داد که به همین دلیل ایشان را شش ماه در شهر بعقوبه در نزدیکی بغداد و مرز ایران زندانی کردند و علما و شخصیتهای مختلف، ایشان را از زندان نجات دادند که بعد از آنجا به لبنان منتقل شد و در آنجا فعالیتهای مختلف مذهبی و سیاسی خود را ادامه می داد. وی بعد از فوت آیت الله محمد باقر صدر فعالیت خود را تشدید کرد.

بعثیون عراق وجود این روحانی مبارز را مضر به حال خود دیدند و بالاخره با انجام يك عمل خیانتبار و جنایت آمیز او را در سن چهل و هفت سالگی به شهادت رساندند. روانش شاد باد. با صحبت کردن از روحانیون مبارز تشیع و رابطه آنها با آیت الله منتظری، از موضوعان دور نخواهیم شد. پیرامون شخصیتهای روحانی و ارزنده دیگر از زبان آیت الله منتظری بشنویم. درباره شهید حاج آقا مصطفی خمینی از آیت الله منتظری پرسیده اند باتوجه به این که جناب عالی یکی از بزرگان و صاحب نظران حوزه علمیه و از یاران نزدیک مرحوم شهید حاج آقا مصطفی خمینی بوده اید، آنچه از مجاهدات و فضائل علمی و اخلاقی این مجاهد بزرگوار



دو شهید عالی‌مقام: آیت‌الله حاج آقا مصطفی خمینی و آیت‌الله حاج سید محمدعلی قاضی طباطبائی تبریزی

به نظر تان می‌رسد بیان فرمایید. آیت‌الله منتظری در جواب چنین گفته‌اند:

مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین آقای حاج آقا مصطفی خمینی طاب‌ثراه مردی بود خوش‌استعداد و خوش ذوق در علوم اسلامی از قبیل اصول، فقه و فلسفه. مجتهد و اهل نظر و در امر تحصیل و تدریس علوم دینی جدی و کوشا بود. در فضائل اخلاقی و اخلاق حسنه، در زمان خود کم‌نظیر و برای رهبر انقلاب پدر بزرگوار خود حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی مدظله در همه شرایط کمک‌کننده بود و از همان اوان شروع مبارزات ایران که از سال ۱۳۴۱ شمسی شروع شد، آن مرحوم با پدر بزرگوارشان همگام بودند. پس از بازداشت دوم رهبر انقلاب و تبعید ایشان به ترکیه، چون افکار متوجه آن مرحوم شد تا منزل و امور مربوط به رهبر را اداره کند لذا از طرف رژیم بازداشت و پس از مدتی که در قزل قلعه زندانی بود به ترکیه نزد پدر خود تبعید شد و به معیت پدر پس از يك سال به عراق تبعید شدند.

مرحوم حاج آقا مصطفی از جمله کسانی بود که می‌توانست در آینده پشتوانه بزرگی برای انقلاب کبیر اسلامی درآید و در گسترش و جهانی شدن آن نقش قابل توجهی ایفاء نماید (همان واقعیتی که پدر بزرگوارش حضرت امام مدظله پس از رحلتش به زبان آوردند)، در مدتی که به اتفاق رهبر انقلاب در عراق به حال تبعید بسر می‌برد حوزه درسش پیوسته مورد علاقه و استفاده طلاب فاضل و متعهد بود. در این مدت او در متن جریان‌ات سیاسی و انقلابی ایران قرار داشت و افراد و جمعیت‌های مذهبی و سیاسی مرتباً با او در تماس بودند. در رابطه با موضع‌گیری‌های قاطع او در برابر رژیم سفاک صدام حسین که آن‌روزها ماهیت کثیفش برای همه روشن نبود يك بار دستگیر و به بغداد فرستاده شد که پس از واکنش سریع محافل مذهبی و علمی فوراً با عنبرخواهی آزاد شد. احتمال شهادت آن مرحوم به دست عمال استعمار قابل توجه است و به احتمال قوی این توطئه با توافق پنهانی ساواک ایران و عراق انجام شده باشد و انگیزه اصلی آن را ضربه زدن به رهبر انقلاب باید دانست.

آنها به خیال خود می‌خواستند یکی از عناصر مؤثر در انقلاب اسلامی را از صحنه بیرون کنند، غافل از اینکه (ومکروا و مکروا الله والله خیر الماکرین) انتشار خبر مرگ مشکوک و مرموز ایشان در ایران موجی از تفرج همراه با تظاهرات وسیع مردم انقلابی و قهرمان ما را به دنبال داشت، به حدی که می‌توان گفت فقدان تأسف‌انگیز او شتابی به انقلاب داد و با تجلی که علماء و مراجع محترم و سایر طبقات از ایشان نمودند سد خفقان و ارباب شکسته و نهضت وارد مرحله جدیدی شد که دیگر کنترل آن برای رژیم ممکن نبود و طبعاً انقلاب راه خود را در مسیر شکوفایی و پیروزی پیمود. جزاه‌الله عن‌الاسلام والمسلمین خیر الجزاء.

آیت‌الله منتظری نظرات و خاطرات خود را از شهید سیدعلی اندرزگو چنین بیان کرده‌اند:
اولین دفعه‌ای که ایشان را دیدم در مدرسه چنبر شمیران بود که با دوستانم به آنجا رفته بودیم و من ایشان را نمی‌شناختم ولی دوستان ایشان را معرفی کردند که آقای شیخ‌عباس تهرانی جزء

قتله منصور هستند. ایشان آنجا مدرس بود. بعد از آشنایی در مدرسه چنبر گهگاهی ایشان را می‌دیدم و يك مرتبه که به منزل ما آمدند کلتی همراه داشت. من گفتم این کلت برای چیست؟ گفت من باید همیشه مهیا باشم. يك مرتبه دیگر قبل از ماه محرم آمد نجف آباد گفت که من نتوانستم جای قبلیم بمانم حالا چه کار کنم؟ گفتم می‌خواهی بروی تبلیغ؟ گفت آری. و من ایشان را به یکی از روستاهای اطراف نجف آباد که مبلغ احتیاج داشت فرستادم و اتفاقاً مردم آنجا خیلی خوششان آمده بود و حتی تا چند سال بعد می‌آمدند و می‌گفتند همان فرد را برای ما بفرست و مردم آن روستا خیلی طرفدارش شده بودند (از نظر اخلاقیات). مدتی بعد که قم آمد و ریختند به منزلش، منزل ما هم که محاصره بود و خود من هم به صورت تبعید بودم و خیلی ملاقات نداشتم. يك وقت دیدم در می‌زنند. رفتم دیدم سیدعلی اندرزگوست. گفتم سید اولاد پیغمبر کجا بودی، در این شرایط خدای نکرده چیزی بشود؟ او گفت: خدا کریم است و من می‌خواهم بروم و پول می‌خواهم و وضع مرا درست کن که می‌خواهم فرار کنم.

بعد وقتی که من سقز بودم (در تبعید) به من پیغام داد که می‌خواهم آنجا بیایم. من هم چون خیلی در فشار بودم پیغام دادم که نیا، چون ممکن است خدای ناکرده برایت پیش آمدی رخ بدهد. قبل از این برای من تعریف می‌کرد که ما از طرف آیت‌الله گلپایگانی به دهات بروجن برای تبلیغ رفته بودیم و ما را آنجا گرفتند. در آنجا (ساواک) عکس خودم و عکس محمد^۱ به دیوار بود ولی آنها متوجه نشدند.

از خصوصیات اخلاقی ایشان این بود که خیلی دست و دل باز بود، ایمان و توکل بسیار زیادی داشت، اهل ذکر و تهجد بود، خیلی خوش‌برخورد و خوش‌اخلاق بود و به مبارزه هم درحد توان معتقد بود و يك دفعه از من پرسید که راجع به مبارزه برایم چیزی بگوئید من گفتم: قاتلوا ائمة الکفر. او گفت من ایمان داشتم ولی ایمانم خیلی بیشتر شد و خیلی تشکر کرد و خوشحال شد.^۲ هنگامی که من در این زندان اخیر بودم و شنیدم ایشان را به شهادت رساندند خیلی متأثر شدم و برایم ناگوار بود و هنوز هم به یادش هستم چرا که درطول مبارزه زنده ماند اما درطول پیروزی به شهادت رسید، درعین اینکه خیلی آرزو داشت روزهای پیروزی را ببیند.

آنچه درباره شهید اندرزگو آمد نقل قول آیت‌الله منتظری است که حجة الاسلام شیخ حسن ابراهیمی برای خبرنگار اطلاعات بیان کرده است (اطلاعات ۵۹/۵/۱۲).

در پیامی که حضرت آیت‌الله منتظری به مناسبت نهمین سالگرد شهادت شهید سیدمحمدرضا سعیدی فرستاد، آمده است:

۱- محمد منتظری فرزند آیت‌الله منتظری.

۲- مبارزه با کفار را به عنوان يك حکم شرعی از يك فقیه گرفت و آیت‌الله منتظری در قالب آیه قرآن به او امر کرد که سران کفر را بکش.

... شهادت برادر مجاهد حجت‌الاسلام والمسلمین مرحوم سعیدی خراسانی طاب‌ثراه... که قربانی سرمایه‌گذاری آمریکاییها در ایران شد و دهها تن از علماء اعلام و طلاب مبارز اسلام که نتیجه تسلط رژیم ضدانسانی پهلوی و ایادی کثیف سیاستهای استعماری غرب و شرق است گویاترین دلیل بر اصالت نهضت شامخ ملت ایران به رهبری روحانیون متعهد و آگاه و بطلان تز استعماری اسلام منهای روحانیت، دیگر اقشار مردم را به صفوف مبارزه کشاند و موجب شد تا خون گرم علمای اعلام با خون پاک دانشجویان عزیز، کارگران، کشاورزان و تجار و کسبه و سایر اقشار عجین شده و نهال پویای انقلاب را بارور گرداند....

شهید آیت‌الله سیدمحمدرضا سعیدی در سال ۱۳۰۸ در مشهد مقدس متولد شد، ادبیات عرب را در مشهد آموخت و سپس به مجلس درس فقه و اصول و معارف استادان بنام حضور یافت. وارد حوزه علمیه قم گردید که ضمن ادامه تحصیل به مسافرت‌های تبلیغی بسیاری رفت که یک بار در آبادان هم به زندان افتاد. در سال ۱۳۴۴ به درخواست گروهی از مردم و حکم امام خمینی، امام جماعت مسجد موسی بن جعفر (ع) شد و فعالیت‌های خود را گسترش داد. در سال ۱۳۴۵ پس از ایراد سخنرانی درباره صهیونیسم و سرمایه‌گذاری آمریکاییها در ایران به زندان افتاد و در سال ۱۳۴۹ شمس‌ی در اثر ضربات مغزی و شکنجه‌های وحشیانه رژیم ضدانسانی پهلوی در زندان قزل قلعه به شهادت رسید.

شهید سعیدی در زندان و در زیر سبانه‌ترین شکنجه‌ها، جمله بزرگ و مشهوری را بیان کرده است که توجه به آن بسیار مفید و آموزنده است: *به خدا سوگند اگر مرا بکشید و خونم بر زمین ریخته شود، در هر قطره خون من نام مقدس خمینی را خواهید دید. یادش و راهش گرامی باد.*

در پیامی که آیت‌الله منتظری به مناسبت شهادت آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر فرستاد آمده است:

... این تنها رژیم سفاک شاه مخلوع نبود که دستش تا مرفق به خون عزیزان اسلام و انسانیت آغشته بود بلکه همه حکام جبار و جانبداران تاریخ و مزدوران سیاستهای شرق و غرب چون صدام تکریتی ملتها را فدای اغراض ضدخدایی و ضدمردمی خود نموده و هر نوع جنایتی را در راه نابودی ملتها و محرومین برای بقاء حکومت پوшالی خود و خوشایند ارباب جنایتکارشان مرتکب می‌شوند. اینجانب شهادت مرحوم علامه شهید و فقیه مجاهد آیت‌الله حاج سیدمحمدباقر صدر طاب‌ثراه که دانشمندی متفکر و اسلامشناس و یکی از فرزندان راستین امام حسین (ع) بود و شهادت خواهر معظمه‌شان و هزاران نفر دیگر را به دست رژیم سفاک و ضداسلامی صدام به حضرت ولی عصر (عج) و رهبر انقلاب اسلامی امام خمینی مدظله و آیات عظام و علماء اعلام و ملت مسلمان عراق و ایران و برادران و خواهران کشورهای اسلامی و خانواده‌های محترم تسلیت می‌گوییم و مطمئنم همان گونه که خون پاک شهیدان، انقلاب اسلامی را در ایران به ثمر رسانید و رژیم سفاک پهلوی را سرنگون ساخت، قطرات پاک خون این شهیدان راه اسلام نیز در عروق تک‌تک ملت

مسلمان عراق و کشورهای اسلامی خواهد جوشید و تا سقوط کامل رژیم صدامی و استقرار جمهوری عدل اسلامی از جوشش باز نخواهد ایستاد...

شهید آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر از علمای بزرگ حوزه علمیه نجف اشرف در سال ۱۳۱۰ هـ در خانواده‌ای از اهل دانش و فضیلت متولد شد. وی در سال ۱۳۲۷ به حوزه علمیه نجف وارد شد و در این دانشگاه بزرگ به تکمیل دانش و آگاهی علمی خود پرداخت. دوماه پس از انقلاب عراق، یعنی در سال ۱۳۳۷، مجمعی از علمای عراق را در «جماعة العلماء» تشکیل داد و بالاخره در سال ۱۳۵۹ شمسی به دست رژیم سفاک بعث به همراه خواهرش بنت‌الهدی به شهادت رسید. آیت‌الله صدر کتابهای متعددی در فلسفه، اقتصاد و مباحث مورد نیاز نسل جوان این عصر که در تمامی آنها مسائل اسلامی منعکس است تألیف کرده به‌گونه‌ای که گنجینه‌ای گرانبها از خود به یادگار گذاشته است.

به امید روزی که خون این شهیدان عالقدر، درخت انقلاب اسلامی در عراق را بارورتر نماید.

توجه به وحدت مذاهب اسلامی

درخصوص وحدت مذاهب تشیع و تسنن در دنیای اسلام به‌وفور گفته و نوشته‌اند و بسیار کسان از شیعه و سنی در این راه گامهای مؤثر برداشته‌اند. اما امپریالیسم غدار از آنجا که هرگونه وحدت سازنده‌ای را مضرّ به‌حال خویش می‌داند، عمده تلاش تبلیغاتی خود را از قدیم تاکنون در مسیر ایجاد تفرقه، بویژه بین مسلمانان جهان به‌کار برده است.

از طرفی در مذاهب تشیع و تسنن، هستند افرادی که فکر می‌کنند مثلاً اگر بین شیعه و سنی اتحاد برقرار شود مضر به حال مذهب مورداحترام خودشان است.

در کشور ایران که اکثر مردم شیعی مذهب هستند اما برادران اهل تسنن هم چندان اقلیت بی‌توجهی نیستند و اختلاف بین شیعه و سنی برای کل مملکت زیانهای جبران‌ناپذیری به‌بار می‌آورد، هستند اشخاصی که نه با امپریالیسم ارتباط دارند و نه دلشان می‌خواهد که مملکت زیان ببیند، اما فکر می‌کنند نزدیک شدن به برادران سنی مذهب توهین به شیعه است.

این فکر، که نوعی از القائات نظام شاهنشاهی است، قبل از پیروزی انقلاب رواج بیشتری داشت و حتی به عیان نسبت به اشخاص دلسوز به حال مسلمین که اختلاف را مفید به حال دشمن می‌دانستند حمله می‌شد اما حضور روحیه انقلابی در جامعه و پیروزی انقلاب اسلامی این نوع افکار منحط و انحرافی را همراه نظام شاهنشاهی به زباله‌دانی فرستاد.

با این وجود دستهای مرموز استعمار کهنه و نو تلاش جدیدی را آغاز کرده‌اند که همان حرفهای و همان افکار دوباره وارد صحنه شود، اما به یقین باید گفت که تا این مردم و این رهبران دلسوز و آگاه در جامعه ایران وجود دارند، اگر نظام شاهنشاهی توان برگشتن پیدا کرد، افکاری از این دست هم میدان خواهد یافت؛ و این آرزویی است که همه مستکبران جهان به‌گور خواهند برد. به‌هرصورت، این باور بهانه نشود که از مسأله‌ای چنان بااهمیت غافل شویم و هرکس

هرتوانی که دارد باید در این راه به کار اندازد.

از جمله شخصیت‌های همیشه آگاهی که صحنهٔ ایجاد وحدت بین تشیع و تسنن را ترك نکرده و از سالها قبل بدان راه یافته، فقیه عالیقدر و عالم بزرگ شیعی حضرت آیت‌الله منتظری است. در همان سالهای سیاه اختناق که ایادی استعمار در ایران فرصت رسیدگی به کارهای شیعیان را هم به آیت‌الله منتظری نمی‌دادند وی از این امر غافل نبود و در مقام اعتراض به افکار انحرافی که در این زمینه وجود داشت برآمده، اتحاد بین شیعه و سنی را به نفع اسلام و مسلمین قلمداد نمود و در رد نظریه‌هایی که اتحاد بین تشیع و تسنن را مضر به حال اندیشهٔ شیعی می‌دانستند، از تبعیدگاه طیس به صاحبان چنین نظریه‌ها و عموم مسلمانان جهان نوشت:

... اگر کسی گفت: «ما شیعهٔ امامیه با اینکه با اهل سنت راجع به مسألهٔ امامت و خلافت اختلاف نظر داریم ولی در شرایط فعلی که مسلمین گرفتار کفار می‌باشند باید متحد شوند» ما حق نداریم گویندهٔ این جمله را به سنیگری متهم کنیم و معنی این جمله هم این نیست که ما شیعه باید از عقاید خود نسبت به ائمه اطهار (ع) و امامت آنان و وظایف شیعه دست برداریم، بلکه منظور همستگی عملی در مبارزه با کفار است. اصولاً اهل سنت که سهل است چه بسا کفار و اهل کتاب نیز اگر فرضاً با مسلمین جنگ نداشته باشند و بلاد اسلامی را تصرف نکرده باشند و به مصالح مسلمین نیز لطمه وارد نکنند برطبق دستور قرآن شریف مسلمین مجازند نسبت به آنان به نیکی رفتار نمایند... (رمضان ۱۳۹۳ - طیس)

آیت‌الله منتظری سخن در این باره فراوان گفته و به مناسبت‌های مختلف در مصاحبه‌ها، پیامها و خطبه‌های نماز جمعه‌اش از اتحاد بین مسلمین صحبت نموده است که در مجموعهٔ «گنری بر اندیشه‌های فقیه عالیقدر آیت‌الله منتظری» می‌توان آنها را یافت، اما در اینجا لازم می‌بینم فرامین و دستوراتی را که در زمینهٔ مسائل اهل سنت صادر نموده نقل کنم:

در تاریخ ۵۹/۲/۲۷ حضرت آیت‌الله منتظری فقیه مجاهد به‌حضور امام خمینی رهبر و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران رسید و با ایشان ملاقات و مذاکره کرد. حضرت آیت‌الله منتظری در پایان این دیدار در پاسخ سؤال خبرنگار خبرگزاری پارس در مورد مسائل مطرح شده در حضور امام گفتند: پیشنهاد تأسیس يك دانشگاه اسلامی در مناطق سیستان و بلوچستان یا کردستان که بیشتر برادران اهل سنت در آنجا زندگی می‌کنند مطرح شد تا در این دانشگاه فقه بر مبنای پنج مذهب که عبارت از مذاهب اربعهٔ اهل سنت و نیز مذهب جعفری اثنی عشری است تدریس شود تا از این راه زمینهٔ بیشتری برای تفاهم و وحدت ایجاد شود، که پیشنهاد مورد تأیید امام امت قرار گرفت و ایشان پذیرفتند.^۱

بعد از این تصمیم و تأیید امام خمینی، حضرت آیت‌الله منتظری حجت‌الاسلام حاج سید موسی موسوی نمایندهٔ امام در غرب کشور را مأمور فراهم آوردن وسیلهٔ تدریس و تبلیغ علوم

دینی اهل سنت و تأسیس حوزه علمیه دینی برای آنها نمود که خوشبختانه مورد توجه روحانیون و برادران اهل تسنن قرار گرفت و با ارسال تلگرافهایی از حسن نظر آیت الله منتظری استقبال نمودند.

دستورالعمل آیت الله منتظری برای تأسیس دانشگاه برای اهل سنت به این شرح است:
جناب مستطاب حجت الاسلام آقای حاج سید موسی موسوی دامت افاضاته، پس از سلام، پیرو مذاکراتی که با رهبر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی مدظله العالی درباره مسائل اسلامی و مشکلات روحانیت منطقه کردستان انجام شد و در همین رابطه از طرف دفتر معظم له به جناب عالی مأموریتی محول گشت، توصیه می شود چون شما به اوضاع آن منطقه آشنایی کامل دارید لازم است به منظور تقویت روحانیت که همواره سنگر قوی و پایدار برای دفاع از اسلام و کشور اسلامی بوده و می باشد و به منظور رسیدگی به وضع تبلیغات اسلامی و آشنایی جوانان عزیز کرد به روح انقلاب عظیم اسلامی و دستورات مترقی قرآن و سنت، مرکزی را جهت تجمع علمای اعلام در آن منطقه تهیه نموده و در آنجا امکانات تدریس مسائل اسلامی را توسط برادران متعهد روحانی فراهم نمایید. به امید اینکه این کار قدمی باشد در راه تأسیس يك دانشگاه اسلامی در آن استان که مورد عنایت و تأکید رهبر انقلاب می باشد.

از اهالی محترم و ارگانهای دولتی و انقلابی انتظار می رود در این رسالت مهم الهی با جناب عالی صمیمانه همفکری و همکاری نمایند. توفیق شما و همگان را در انجام وظایف اسلامی و پیشبرد انقلاب و مقاومت در برابر توطئه ها و عوامل شرک و غرب از خدای بزرگ مسئلت می نمایم.
والسلام علیکم و رحمت الله

۶ شوال ۱۴۰۰ هجری قمری - قم - حسینعلی منتظری

همچنین در دیداری که مدیرکل سیاسی وزارت کشور و حجت الاسلام ضیائی امام جمعه برادران اهل سنت بندرعباس (در تاریخ ۵۹/۱۲/۱۲) با آیت الله منتظری داشتند پیرامون تأسیس مدرسه علمیه جهت فراگیری علوم اسلام برای طلاب اهل سنت در استان هرمزگان به گفتگو پرداختند.

در این دیدار آیت الله منتظری لزوم تأسیس دانشگاهها و مدارس دینی در مناطق سنی نشین کشور جهت پاسخگویی به نیازهای فرهنگی و مذهبی برادران اهل سنت را مورد تأکید قرار دادند.

اشاره کردیم که روحانیون و برادران اهل تسنن با ارسال تلگرافهایی از حسن نظر آیت الله منتظری درخصوص ایجاد دانشگاه و مدارس علوم دینی اهل سنت، استقبال کردند.
از جمله دو تلگراف از سوی استاد شیخ محمد سعید نقشبندی مدیر و مدرس مدرسه علوم دینی مرادآباد و استاد محمد طاهر سیدزاده هاشمی مدیر حوزه علمیه دولت آباد روانسر به محضر آیت الله منتظری مخابره شد. جز اینها، روحانیون سقز تلگرام زیر را به قم مخابره کردند:
بسمه سبحانه و تعالی - قم فقیه عالیقدر و مجاهد نستوه حضرت آیت الله منتظری، نظر به

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

جناب مستطاب جموں والا سلام آقا صاحب سید موسیٰ موسوی دامت افاضتہ

سن از اسلام پیرو مذاکره با رهبران انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی منظره الهی در باره مسأله اسلامی و انقلاب
 روحانیت منطبق گردستان انجام شده در همین رابطه از طرف دفتر معظم له بحثی نامشروعی محمول گشت، توصیف نمود
 چون شما با و صحیح آن منطقه است که کاملاً در این زمینه است منظور تقویت روحانیت که هوای منکر قوی و پایدار برای
 دفاع از اسلام و گداز اسلام بوده و می باشد و منظور رسیدگی بوضع تبلیغاتی اسلامی و آشنایی جوانان غیر مسلم در
 عظیم اسلامی و دستورات قرآنی و سنتی مرکزی را جهت جمع علمای اعلام در آن منطقه است که مورد و در اینجا
 امکانات مدرس مسأله اسلامی را در نظر برادران به معنی و در آن فراهم نمایند تا امید اینکه این کار قدم به قدم
 تأسیس یک دانشگاه اسلامی در آن استان که مورد عنایت و تأکید رهبران انقلاب می باشد - از آگاهی محرم و
 دولتی و انقلابی انتظار می رود در این راستا مهم الهی با جناب شما همکاران به همکاری نمایند
 توفیقاً و همکاران را در انجام وظایف اسلامی و پیشبرد انقلاب و معاد و دست در برابر توطئه کسی توانم سرزنش و
 از خدا می شود که مسأله می نامم و اسلام علیه در همه این مسائل ۱۱ شهری قمری - ۱۳۵۷

اینکه در امر ایجاد دانشگاه اسلامی و مدارس علوم دینی در مناطق مختلف کردستان سعی وافی و جدیت کافی مبنول فرموده‌اید ما روحانیون شهرستان سقز بدین وسیله مراتب امتنان و سپاسگزاری خود را به آن حضرت ابلاغ و توفیقات بیشتر شما را در راه وحدت مسلمین و احیای معارف اسلامی از یزدان توانا خواستاریم.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته^۱

در پاسخ این تلگرام، دفتر آیت‌الله منتظری تلگرافی بدین شرح به سقز مخابره کرد: خدمت حضرات علماء و روحانیون متعهد سقز آقایان شیخ عبدالله محمدی امام جمعه سقز و سایر برادران امضاکننده ایدهم‌الله تعالی. تلگراف آقایان به مناسبت تقدیر از پیشنهاد تشکیل دانشگاه اسلامی و تقویت روحانیت در منطقه کردستان واصل و به نظر حضرت آیت‌الله منتظری رسید. ضمن تشکر یادآوری می‌شود نیل به اهداف بزرگ اسلامی و استقرار حکومت عدل اسلامی جز در سایه اتحاد مسلمین و آگاه ساختن ملت‌های اسلامی ممکن نخواهد بود. توفیق همگان را در انجام این رسالت بزرگ الهی از خدای بزرگ خواهانم.

دفتر آیت‌الله منتظری^۲

از زمان پیشنهاد تشکیل يك دانشگاه اسلامی در کردستان مدتی نگذشته بود که دشمن متوجه شد که باید برنامه‌ای پیاده شود تا اتحاد بین شیعه و سنی برقرار نگردد و چنانچه مثلاً با فعالیت افراد دلسوزی چنین گردید، کوشش در اختلاف شود، لذا به وسیله ایادی خود که همه‌جا هستند، مخصوصاً در بعضی مطبوعات، بنای تحریکات را گذاشتند. در این رابطه، نماینده امام در غرب کشور که از طرف آیت‌الله منتظری هم مأموریت داشت به وضع مدارس علوم دینی اهل سنت رسیدگی کند، طی تلگرافی به آیت‌الله منتظری نسبت به این توطئه‌ها هشدار داد:

بسمه تعالی - قم - محضر مقدس فقیه عالیقدر حضرت آیت‌الله منتظری دامت برکاته. با سلام از جانب خود و مردم مسلمان کرد به عرض می‌رساند نظر به اینکه به لطف باری تعالی و همکاری و همیاری صمیمانه برادران و خواهران مسلمان کرد ما به اجرای هرچه بیشتر اهداف انقلاب اسلامی و حل بنیادی مشکلات منطقه نزدیکتر می‌گردیم متأسفانه گاهی دیده می‌شود بعضی از اشخاص ناآگاه در سخنان و نوشته‌هایشان در مطبوعات و دیگر رسانه‌های گروهی مسائل اختلاف مذاهب را مطرح می‌کنند که باعث سوءاستفاده ضدانقلاب و قدرت‌طلبان به کمین نشسته، که سعی دارند از این مسائل در جهت ایجاد شکاف و اختلاف بین مسلمانان و دور نمودن آنان از دولت جمهوری اسلامی و ایجاد حاکمیت خودشان استفاده کنند می‌گردند و این نقشه دیرینه استعمار را که همانا تفرقه بین صفوف مسلمین می‌باشد به اجرا درآورند. اگرچه تا به حال با پیام‌های پیامبرگونه حضرت امام خمینی دامه‌تظاره‌العالی و رهنمودهای حضرت‌عالی در پیرامون وحدت و

اخوت اسلامی بارها و بارها این گونه توطئه‌ها عقیم مانده است علیهذا امید است که با رهنمودهای قاطع حضرت‌عالی رسانه‌های گروهی توجه لازم را نسبت به این مهم مبذول دارند. در پایان موفقیت روزافزون شما امید امام امت را از پیشگاه خداوند متعال خواستارم.

سنندج - اول آذرماه ۵۹ - سید موسی موسوی

در جواب این تلگرام، آیت‌الله منتظری نکاتی به این شرح یادآور شدند:

۱- سیاستهای خارجی هرروز به‌شکلی تلاش می‌کنند پایه‌های جمهوری اسلامی مستحکم نگردد و نتواند آثار شوم حکومت طاغوت در منطقه را محو سازد و برادران و خواهران کرد به حقوق حقه خود برسند. انتظار می‌رود آنان آگاهانه با این موضوع برخورد نمایند.

۲- تنها عامل خنثی‌کننده توطئه‌های این سیاستها همان گونه که امام کراراً فرموده‌اند حس وحدت کلمه و اخوت اسلامی و پرهیز از طرح مسائل جزئی و اختلافی می‌باشد.

۳- بدون شك افراد ساده‌لوحی در این رابطه اغفال شده و به دامن گروههای منحرف و وابسته پناه برده و پس از چندی به فریب آنها پی برده و در پی فرصتی برای پیوستن به انقلاب اسلامی و صف ملت مسلمان می‌باشند. قطعاً مقامات قضائی کشور از این نکته غافل نیستند و از صداقت چنین افرادی استقبال کرده و آنان را در صف مردم مسلمان خواهند دید. توفیق همگان را در پیشبرد انقلاب اسلامی و مقاومت در برابر توطئه‌های استعمار و خدمت به مردم محروم و مستضعف از خدای بزرگ خواهانیم. والسلام علیکم ورحمة‌الله

سوای رسیدگی به مسائل دینی و فرهنگی برادران اهل سنت که آیت‌الله منتظری علاقه‌ای خاص بدین کار دارند، رسیدگی به وضع مالی و مادی آنها سخت مورد توجه وی می‌باشد به‌گونه‌ای که بارها از دولت خواسته در هر فرصتی به وضعیت مناطق سنی‌نشین رسیدگی بیشتر بنماید و جهاد سازندگی را هم در این راه در حد توان مورد تشویق قرار داده است.

پیگیری امور مالی روحانیت اهل سنت از طرف امام امت خمینی کبیر به آیت‌الله منتظری واگذار گردیده بود و به دلیل اینکه پس از مدتی وضع اداره اوقاف سروسامان یافت و وی را هم مشغله‌های فراوانی احاطه کرده بود، طی نامه‌ای مسئولیت رسیدگی به امور مالی روحانیت اهل سنت به سازمان اوقاف واگذار شد. از آنجا که این نامه دارای نکات قابل توجهی در موضوع مورد بحث می‌باشد آن را در اینجا نقل می‌کنیم:

بسمه تعالی - سرپرست محترم سازمان اوقاف جناب آقای عسگر اولادی دام توفیق. پس از سلام همانگونه که اطلاع دارید موضوع توجه به امور روحانیت برادران اهل سنت در ایران و رسیدگی به وضع مادی آنان از همان روزهای اول پیروزی انقلاب مورد توجه خاص رهبر انقلاب حضرت آیت‌الله‌العظمی امام خمینی مدظله‌العالی قرار گرفت و دستوراتی به‌وسیله این‌جانب و دیگران به مسئولین وقت دادند ولی متأسفانه به‌علت گرفتاریهای زیاد خواسته معظم‌له فوراً عملی نشد تا بالاخره ایشان این مسئولیت را مستقیماً به عهده این‌جانب گذاشتند و تقدراً خود ایشان مبلغ هشت میلیون تومان مرحمت فرمودند و پس از مذاکرات با اوقاف و دولت بنا شد هزینه آن از ناحیه

آنها تأمین گردد و شنیده شد در این رابطه مبلغی از طرف هیئت دولت تصویب شده که هنوز این جانب از مقدار آن بی اطلاع تا این ساعت مبلغ ۱۴ میلیون تومان از ناحیه اوقاف به این جانب تحویل شده که با تلاش و همکاری افراد متعهد و نمایندگان امام در منطقه‌های مختلف کشور به این وضع رسیدگی و ترتیب تقسیم شهریه‌ای با رعایت ضوابط دینی و علمی برادران روحانی اهل سنت داده شد. اینک ضمن تأکید بر لزوم ادامه کار یادآور می‌شود که مسئولیت این جانب تمام شده و با موافقت رهبر انقلاب مقرر گردید سازمان اوقاف مستقیماً با کمک افرادی که در طول این چندماه دارای تجربه و شناختی شده‌اند ادامه کار را برعهده گیرد.

ضمناً در مورد صرف پولهای موجود مجهول‌المصرف اوقاف در کارهای خیریه و جنگ‌زدگان تعمیر مساجد که چندی پیش طبق نظر مبارک امام به تشخیص این جانب موکول شد متذکر می‌شود با توجه به کثرت اشتغالات و مراجعات این جانب مقتضی است مراتب به عرض امام رسیده و شخص دیگری از ناحیه معظم‌له تعیین گردد. توفیق همگان را در خدمت به اسلام و مسلمین از خدای بزرگ خواهانم. والسلام علیکم ورحمةالله و برکاته - ۵۹/۹/۱۶

حسینعلی منتظری

دقتی که آیت‌الله منتظری در کار رسیدگی به امور مالی روحانیون اهل سنت داشت و نمایندگانی که به کردستان، ترکمن صحرا، سیستان و بلوچستان و... فرستاده بود، باعث جلب اعتماد برادران اهل سنت شده بود. اما محول شدن رسیدگی به «امور مالی» روحانیون اهل سنت به اداره اوقاف، برای عده‌ای این سؤال را پیش آورد که آیا رسیدگی به کارهای «دینی و فرهنگی» آنها هم از دست آیت‌الله منتظری خارج شده است؟ و در این رابطه جامعه روحانیت میروان طی تلگرافی که به قم مخابره کردند از آیت‌الله منتظری درخواست کردند که همچنان بر نظارت عالیه خود بر کلیه امور روحانیت و مدارس دینی و تأسیس دانشگاه در کردستان ادامه دهند^۱ که البته واگذاری رسیدگی به امور مالی آنان به سازمان اوقاف هرگز این معنی را نمی‌دهد که آیت‌الله منتظری هدف خویش را که همان شخصیت دادن به برادران اهل سنت در جامعه شیعیان است تعقیب نکند. چرا که چنین کار شجاعانه‌ای علاوه بر اینکه به نفع انقلاب اسلامی ایران است سرمشق قابل توجهی برای همه مسلمانان جهان خواهد بود.

در پی همین هدف مقدس است که آیت‌الله منتظری از هرگونه تزییقات نسبت به اهل سنت جلوگیری نموده حتی دستور می‌دهد در جریان پاکسازی کردستان از عناصر ضدانقلاب و پافشاری بر قلع و قمع جنایتکارانی که به نام خلق کرد و اهل سنت اتحاد بین مسلمین را خدشه‌دار می‌سازند دانش‌آموزانی را که در زندان هستند آزاد کنند و به دنبال این دستور در تاریخ ۵۹/۹/۲۰ تعداد ۱۰۳ نفر از دانش‌آموزان دختر و پسر شهرستان سقز از زندان آزاد می‌گردند.

به هر صورت علاقه و رفتاری که حضرت آیت‌الله منتظری در مورد ایجاد وحدت بین مذاهب اسلامی دارد نمونه‌ای بارز از اخلاق و رفتار اسلامی و کوشش در راه پیروزی حق بر باطل است که البته مورد استقبال و تشویق اندیشمندان و دلسوزان جهان اسلام و آزادیخواهان بشریت می‌باشد.

نگرانی آیت‌الله منتظری از اینکه مبدا دشمن‌گذار به وسیلهٔ اختلاف‌افکنی، مجدداً ما را به بند بکشد، وی را وامی‌دارد که هر زمان موقع را مناسب دید از اتحاد و همبستگی سخن بگوید و برادران شیعه و سنی را نصیحت کند که دست از حمایت یکدیگر برندارند. مثلاً در روز دهم اسفند ماه ۵۹ گروهی از روحانیون و دانش‌آموزان وابسته به مرکز بزرگ اسلامی سنندج و برادران اهل سنت پاوه به سرپرستی حجت‌الاسلام ملاقادر امام جمعهٔ این شهر پس از زیارت حضرت معصومه به حضور آیت‌الله منتظری رسیدند. در این دیدار پس از تقدیم گزارشی از اوضاع سیاسی-مذهبی منطقه توسط امام جمعهٔ پاوه، آیت‌الله منتظری ضمن تشکر از آنان گفت:

در صدر اسلام عوامل یهود تلاش می‌کردند وحدت تاریخی که به دست پیامبر اسلام بین طوایف مختلف مردم به وجود آمده بود برهم زنند و امروز همان عوامل که وابسته به آمریکا و اسرائیل هستند همین مأموریت شیطانی را دارند. رژیم گذشته از همین راه سالها منطقهٔ شما را محروم و عقب‌نگه‌داشته بود و می‌کوشید آتش اختلاف‌های نژادی و مذهبی همیشه فروزان باشد تا بتواند به استثمار خود برسد و اکنون که در سایهٔ رهبری قاطع حضرت امام خمینی و وحدت همهٔ طبقات انقلاب ما پیروز شده باید مراقب باشیم که دستهای مرموز مجدداً اختلاف‌های کهنه شده و مرده را زنده نکند.

آیت‌الله منتظری پس از ذکر داستانی در همین رابطه از نقش سفارت انگلستان در زمان حکومت عثمانی، جوانان کرد را به فراگیری زبان عربی دعوت کرد و گفت: باید همه به زبان اسلام و قرآن آشنا شویم تا بتوانیم دستورات حیات‌بخش آن را فرا گرفته و عمل کنیم (جراید)

نمونهٔ دیگر این نگرانی در هشداری که وی پس از ترور ناجوانمردانهٔ روحانی متعهد اهل سنت «مولوی فیض محمدحسین بر» می‌دهد کاملاً مشهود است. به این تلگرام توجه کنید:

بسمه تعالی - جناب حجت‌الاسلام آقای عبادی امام جمعهٔ زاهدان دامت افاضاته. پس از سلام، توطئهٔ ترور ناجوانمردانهٔ روحانی متعهد آقای مولوی فیض محمدحسین بر و به شهادت رساندن برادران ژاندارمری که در حال تعقیب عوامل مزدور ترور بودند، زنگ خطری است که در رابطه با پیاده نمودن اهداف شوم «کنفرانس استعماری طائف» به گوش می‌رسد. این جناب ضمن ابراز تأسف شدید از این حوادث ناگوار و تقدیم مراتب تسلیت به بازماندگان محترم یادآور می‌شود: بجا است جناب عالی حساسیت شرایط و گروه‌های وابسته و منحرف را گوشزد اهالی شریف منطقه کرده، آنان را به آگاهی کامل سیاسی و وحدت کلمه و حفظ اخوت اسلامی دعوت بفرمایید. رحمت و غفران حق تعالی برای شهدای عزیز و صبر و اجر عظیم برای خانواده‌های

داغدار از خدای بزرگ مسئلت دارم. والسلام علیکم ورحمةالله.

۲۹ اردیبهشت ماه ۶۰ - حسینعلی منتظری

در جواب تلگرام بالا این تلگرام به قم مخابره شد:

قم - فقیه عالیقدر حضرت آیتالله منتظری دامتالفاضاته. با درود به رهبر بزرگ انقلاب و ارواح شهدای راه حق و فضیلت تلگرام آن حضرت واصل و باتوجه به حساسیت منطقه مراتب یادآوری شده توسط آن حضرت در خطبه‌های نماز به سمع مردم مبارز زاهدان رسانده شد.

با سپاس از بیان هملردی آن حضرت با خانواده شهدای راه اسلام و انقلاب، شهید مرلوی فیض محمد حسین‌بر و برادران ژاندارمان، مردم منطقه سیستان و بلوچستان با آگاهی کامل آماده‌اند تا هرگونه توطئه و تفرقه را که موجب جدایی برادران اهل تسنن و تشیع شود و بخواهد ضربه‌ای به انقلاب اسلامی ایران وارد سازد نابود نمایند.

پیروزی اخیر و چشمگیر قوای حق بر باطل را تبریک عرض می‌کنم. والسلام علیکم ورحمةالله و برکاته.

امام جمعه زاهدان - سید مهدی عبادی

مجلسی بررسی قانون اساسی

شش ماه از پیروزی انقلاب اسلامی به دست مردم قهرمان و شجاع ایران بهره‌بری پیامبرگونه امام خمینی گذشت. مملکت ایران برای قوام و استحکام مبنای اجرائیات و دارا بودن سیستم منظم اداری، نیازمند قوانینی همیشگی و اساسی است.

برای تدوین و تصویب چنین قوانینی در شکل عالیترین، مترقیترین و مقبولترین آن، وجود جمعی از:

- ۱- معتمدین مردم
 - ۲- مبارزان و تسلیم‌ناپذیران دوران رژیم فاسد گذشته
 - ۳- مدافعان حقوق توده
 - ۴- اسلام‌شناسان پرمایه
 - ۵- آشنایان به حقوق و قوانین بین‌المللی
 - ۶- کسانی که هیچ‌گونه وابستگی فکری به بلوکهای شرق و غرب نداشته باشند
 - ۷- معتقدان به اصول اساسی و بنیادی اسلام
 - ۸- دارندگان عدالت و تقوی
 - ۹- اشخاصی که عمل و اخلاقشان کاملاً اسلامی باشد
- و بالاخره:



آیت‌الله منتظری در مجلس خبرگان

۱۰- نمایندگان منتخب ملت ایران

اجتناب‌ناپذیر است.

برای جمع نمودن اشخاص دارای صفات فوق‌الذکر در يك مجلس، مردم خود باید به‌پای صندوقهای رأی بروند و انتخاب کنند.

اما جهت نظم دادن و آشنا نمودن مردم به چنین انتخابی، معرفی کاندیداها از طرف احزاب، اشخاص، گروهها و سازمانهای مختلف، لزوم پیدا می‌کند.

رهبری انقلاب، مجمع منتخبین امت را «مجلس خبرگان» نامید و جهت هرچه بیشتر شرکت کردن مردم در این انتخابات و تشکیل هرچه بهتر مجلس خبرگان تأکید فراوان کرد. آیت‌الله منتظری اول‌بار برای نمایندگی مردم استان مرکزی از طرف گروههای مختلف معرفی شد، اما به سفارش امام امت، کاندیداتوری مجلس خبرگان را به نمایندگی مردم شهر تهران پذیرفت. خود در این زمینه می‌گوید:

«باوجود اینکه حالم مساعد نبود، ولی موقعی که با امام خمینی مشورت کردم امام تقریباً مرا الزام فرمودند که شرکت کنم و از طرف دیگر چون موضوع، موضوع مهمی است، از این جهت شرکت می‌کنم»^۱

شاید تاکنون امت اسلام در این مسأله که تشخیص امام‌شان خمینی بزرگ درست است، متفق‌القول شده باشند، اما غیراز الزام امام، مگر نه این است که آیت‌الله منتظری،

۱- مورد اعتماد مردم است

۲- از مبارزین و تسلیم‌ناپذیران بنام دوران پهلوی است

۳- همه‌جا از حق مردم دفاع کرده است

۴- پرباری اندیشه و گرانیگی علوم اسلامی‌اش کم‌نظیر است

۵- به حقوق و قوانین بین‌المللی آشناست

۶- وابستگی فکری به هیچ سیستمی غیر از اسلام ندارد

۷- معتقد به اصول اساسی و بنیادی اسلامی است

۸- عدالت و تقوای او زبانزد همه است

۹- عمل و اخلاق او منطبق بر ضوابط و خواسته‌های اسلام است

و بالاخره

پس از برگزاری انتخابات مجلس خبرگان و رأی‌گیری از مردم تهران با بدست آوردن نزدیک به دومیلیون رأی:

۱۰- نمایندهٔ منتخب مردم پایتخت گردید و به مجلس بررسی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران راه یافت.

در مجلس بررسی قانون اساسی، بودند نمایندگانی که مجموعه صفات مذکور را نداشتند، ولی در شرایط موجود مملکت، تشکیل مجلسی بهتر از این ممکن نبود.

در پایان مردادماه ۱۳۵۸ آیت‌الله منتظری همراه دیگر نمایندگان مردم، اولین جلسه مجلس را تشکیل دادند و در آن، شخص وی با اکثریت آراء به ریاست مجلس خبرگان برگزیده شد. آیت‌الله منتظری، طبق شیوه و اعتقاد همیشگی‌اش، ریاست را مقام ندانسته، فقط به‌عنوان نظم دادن امور و وظیفه‌ای که می‌توانست انجام دهد، این سمت را پذیرفت.

مجلس خبرگان سه ماه بطور منظم تشکیل جلسه داد و مجموعه‌ای از قوانین مختلف به‌عنوان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به تصویب رساند، که البته تقریباً همه صاحب‌نظران پذیرفتند که برای اصلاح بعضی نارساییهای بعداً متممی به آن بیفزایند.

در مورد چگونگی کار این مجلس از زبان آیت‌الله منتظری نقل می‌کنیم:

پیش‌نویس قبلی نواقص زیادی داشت و پیش‌نویسهای دیگری هم رسیده بود. شاید حدود شصت پیش‌نویس برای قانون اساسی ارائه شده بود، حدود ۴۰۰۰ پیشنهاد به مجلس رسیده بود و در این پیشنهادهایی که شده بود نوعاً مردم افکارشان را منعکس کرده بودند. قاعده‌اش این بود که اینها مورد رسیدگی واقع شوند. روی این اصل بنای کار را این گذاشتیم که يك هفته خبرگان تقسیم شدند به هفت کمیسیون و هر کمیسینی مأموریت پیدا کرد يك قسمتهایی از قانون اساسی را با ملاحظه تمام طرحهایی که ارائه شده بررسی نمایند. اینها را روی هم بریزند و طرح پیشنهادی خویش را استخراج کنند و در نهایت يك پیش‌نویس جدیدی با ملاحظه تمام آن طرحهای پیشنهادی تهیه شود که این به منزله زیربنای قانون اساسی و اسکلت قانون اساسی باشد. کمیسیونها با افراد بیرون تماس گرفتند و با نظریات آنها هم آشنا شدند و دقیقاً يك اسکلت تازه‌ای درست شد.

حالا که این طرح تنظیم شده است و تکثیر هم شده است در اختیار همه گروهها گذاشته شده است، آنوقت درآمد کار، يك کمیسیونهایی از امروز شروع شد که از اول این طرح جدید که تقریباً تلفیقی از همه آن طرحهاست. این طرح جدید اصل‌بندی می‌شود. يك گروه هماهنگی هرروز چند اصل از این طرح تهیه شده و تازه را به همه کمیسیونها می‌دهند و همه کمیسیونها روی این چند اصل کار می‌کنند. آنوقت نظریاتشان را عصر به عصر به گروه هماهنگی می‌دهند. این گروه نظریات را تکثیر می‌کند و در اختیار تمام گروهها قرار می‌دهد که همه با نظر همه گروهها آشنا شوند. فردا عصری در جلسه عمومی، همین پنج اصل یا چند اصلی که بررسی شده است، آنجا مطرح می‌شود و اختلافاتی، اگر هست، گروه موافق و مخالف صحبت‌هایشان را می‌کنند و به اکثریت دو سوم تصویب خواهد شد و بعد درعین حال به این قناعت نمی‌شود. بعد از اینکه تمام شد يك بررسی نهایی روز آخر هست که از اول تا آخر يك بررسی می‌شود. امیدواریم طی این يك ماه و نیم الی دو ماه قانون اساسی تصویب شود زیرا ما مقصودمان این است که از لحاظ لفظ کم و از لحاظ محتوی زیاد باشد. در مورد دلیل مخفی بودن بعضی از جلسات گفتند چون کمیسیونها تخصصی بود بنابراین جلسه عمومی نبود ولی خواص که دعوت به کمیسیونها می‌شدند، اطلاع

داشتند.^۱

پیرامون کیفیت و کار «مجلس بررسی و تصویب قانون اساسی» اظهارنظرهای موافق و مخالف زیادی شد. البته مخالفها، آن طور که از بیانیه‌ها و نحوه ارائه نظرهایشان برمی‌آید، بیشتر جنبه تلقیهای حزبی و سازمانی و برخوردهای سیاسی داشتند و کمتر پیشنهادات سازنده و انتقادات اصولی دیده شد. عمده مخالفتها یا از ناحیه غیرمعتقدین به اسلام بود یا از ناحیه روشنفکرانی که هنوز اسلام را درک نکرده‌اند و بار علمیشان حاصل تحصیلات غرب است. خیلی از مسلمانان معتقد و دانشمند هم انتقاداتی به عمل آوردند که نظرشان در قانون اساسی کم و بیش اعمال شد و آنچه که اعمال نشد در آخر به قانون اساسی با داشتن متمم رضا دادند. اما در مجموع، مجلس خبرگان، آن گونه که صاحب نظران و مطلعین گفته‌اند، یکی از آزادترین، مردمیترین و ارزشمندترین مجلسها در جهان بوده است.

جو آزاد و سادگی حاکم بر آن، خیلی از سیاستمداران را به ستایش برانگیخته بود. در برخورد و قیاس با شیوه‌های اسلامی، مغایرت چشمگیری در مجلس خبرگان دیده نشده است، چرا که رئیس آن آیت‌الله منتظری کوشش شایسته و بایسته‌ای را در اسلامی نمودن نحوه اداره آن به خرج داد.

مثلاً در مورد بودجه مجلس طی نامه‌ای به رئیس دولت وقت خواستار اسلامی عمل کردن امور شد:

بسمه تعالی - جناب آقای مهندس بازرگان نخست‌وزیر. یکی از اهداف انقلاب اسلامی ایران جلوگیری از هرگونه اسراف در هزینه‌های عمومی است. متأسفانه در ماده ۷۳ آئین‌نامه‌ای که از طرف وزارت کشور برای مجلس خبرگان تدوین شده بود، مبلغ ده میلیون تومان برای هزینه‌های برگزاری مجلس پیش‌بینی شده که به هیچ وجه با هدف مزبور سازگار نیست. و به همین جهت در همان آغاز با اعتراض شدید نمایندگان مواجه گردید.

تجربه عملی ده روزی که از کار این مجلس گذشته نیز نشان می‌دهد که کلیه هزینه‌ها حداکثر ممکن است به یک میلیون، یک دهم اعتبار پیش‌بینی شده، برسد و چه بسا با صرفه‌جوییهای لازم رعایت شده از این مبلغ نیز کمتر بشود. بنابراین خواهشمند است مقرر فرمایید اعتباریه هزینه‌های مجلس به یک‌دهم مبلغ پیش‌بینی شده تقلیل یابد تا نمونه‌ای برای کارهای آینده کشور باشد.

رئیس مجلس بررسی نهایی قانون اساسی

حسینعلی منتظری - ۱۳۵۸/۶/۷

در پی ارسال این نامه، مطلب کوتاهی در یکی از جراید چاپ شده بود که در بیان مورد نظر قابل

۱- آیت‌الله منتظری در همین مصاحبه از شورایی بودن رئیس جمهوری و به کار گرفتن جوانان متعهد و با تقوی در امور اجرائی مملکت صحبت کرد. کیهان، ۱۳۵۸/۶/۲، صفحه آخر.

نقل است:

نامه آیت‌الله منتظری رئیس مجلس خبرگان به نخست‌وزیر در مورد کاهش اعتبار مربوط به مخارج و هزینه‌های مجلس خبرگان که الحق می‌توان آن را اقدامی انقلابی و اسلامی نامید و از ثمرات انقلاب به حساب آورد، مرا به یاد سفارش امیرالمؤمنین علی(ع) خطاب به استانداران و فرمانداران مناطق تحت حکومت خود انداخت. او می‌فرماید: نوک قلمها را تیز کنید و سطرها را نزدیک بهم و ریز بنویسید، زیرا بیت‌المال مسلمین تاب تحمل و لخرجیها را ندارد... و امروز نیز فرزند راستین انقلاب و شاگرد مکتب علی قدم جای پای علی می‌گذارد و از فرمان امام الهام می‌گیرد و می‌گوید: اعتبار ۱۰ میلیون تومانی برای مخارج و هزینه‌های مجلس خبرگان بسیار زیاد است و فقط یک میلیون تومان یعنی یک‌دهم آن کافی است و تازه با صرفه‌جویی‌هایی که می‌شود ممکن است مخارج از این هم کمتر شود.

خوب است همه ما در هر پست و مقام و شکلی که هستیم اینچنین عمل کنیم و در حفظ و حراست اموال عمومی و بیت‌المال بسیار دقیق و کوشا باشیم تا آنجا که خرده کاغذها و چیزهای بی‌ارزش را هم به حساب آوریم که به فرمایش پیشوای عدالت، علی(ع): بیت‌المال مسلمین تاب تحمل و لخرجیها را ندارد.^۱

باری، تشکیل مجلس خبرگان، علاوه بر به تصویب رساندن قانون اساسی، برای آنها که کوشش فراوان داشتند ایران از یک نظم انقلابی برخوردار نباشد تا در بی‌نظمی اهداف خودشان را به مرحله اجرا درآورند، سخت یأس‌آور و ناامیدکننده بود. خلیفه‌ها از این قماش، شرکت در انتخابات آن را تحریم کردند و قبل از اینکه اصولاً مشخص شود چگونه مجلسی خواهد بود، بنای ستیز با آن را گذاشتند و برای همگان معلوم گردید که با اصل وجود آن خصومت دارند، نه با کم و کیف آن. البته به بهانه‌هایی، از جمله اینکه باید مجلس مؤسسان باشد نه مجلس خبرگان؛ و با افترا و دروغ بستن به رهبران انقلاب و معتمدین ملت وانمود می‌کردند که این‌گونه کارها جهت تحکیم پایه‌های قدرت و... است.

امام خمینی قبل از اینکه به آغوش ملت بازگردند، در مصاحبه‌های خودشان از امور بعد از سقوط رژیم پهلوی یکی تشکیل مجلس مؤسسان را برای تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی بیان کردند، اما انقلاب پیروز گشت و مدتی از آن گذشت، دستهای اجانب برای ایجاد ناآرامی در گوشه و کنار مملکت به کار افتاد و مخالفت‌های غیراصولی بنای به ضعف کشاندن امور اداری و رهبری جامعه را گذاشت. لذا در شرایط چهار پنج ماه بعد از انقلاب به دلایل فراوان که هم از طرف رهبر انقلاب و هم از طرف صاحب‌نظران دیگر عنوان شد، تشکیل مجلس مؤسسان با روال عمومی‌اش میسر نبود و وضع مملکت را بیشتر به انحراف می‌کشاند. لذا پیشنهاد کردند که به‌جای چندصد نفر نماینده که مسلماً تصویب قانون اساسی را به ماهها و شاید هم سالها

می‌کشاند ۷۰-۸۰ نفر کارشناس علوم اسلامی و حقوق بین‌المللی از طرف مردم انتخاب کردند و قانون را در مدت لازم به تصویب برسانند. این عمل هیچ‌گونه تضادی با اصول انسانی و بنیادهای انقلابی و روشهای دموکراسی ندارد؛ چه، اوضاع محل انقلاب، خود تعیین‌کننده چگونگی انجام این امور است و دیده‌ایم در هر کشوری که در آن انقلاب شده، به‌نحوی قانون اساسی خود را بررسی و تصویب کرده‌اند.

خلاصه اینکه نیاز مبرم مملکت به ارگانهای اجرائی منظم و قانونی، سرعت زیاد در تصویب قانون اساسی را الزامی می‌نمود. این کار با آزادی کامل و شرایط مناسب انجام گرفت و در اواخر آبان ۱۳۵۸، قانون اساسی جمهوری اسلامی با یکصد و هفتاد و پنج اصل تصویب شد که در مجموع، اسلامی، مرفعی و مردمی است و در یازدهم و دوازدهم آذرماه ۵۸ به همه‌پرسی گذاشته شد و با اکثریت آراء به تصویب ملت ایران بویژه طبقه محروم اعم از کارگر و کشاورز و دیگر اقشار مستضعف رسید و مملکت دارای قانون اساسی مصوب نمایندگان مردم و تأیید ملت ایران گردید.

آیت‌الله منتظری پس از پایان مجلس بررسی قانون اساسی در مصاحبه‌ای گفت:

این قانون اساسی نتیجه کار نمایندگان مجلس خبرگان که منتخب ملت بودند می‌باشد و این قانون اساسی صدرصد اسلامی و مرفعی است که ان‌شاءالله به تصویب ملت برسد، تا کشور ما وضع ثابتی پیدا کند. در شرایط فعلی که ما گرفتار دشمنان خارجی و ایادی داخلی آنها هستیم، کارشکنی نسبت به قانون اساسی ضربه زدن به اساس جمهوری اسلامی است. برای اینکه قانون اساسی پایه‌ها و اساس جمهوری اسلامی است و اگر بخواهند کشور ما براساس جمهوری اسلامی اداره شود باید با آن قانون تحکیم بشود و تحکیم آن با رأی ملت است.^۱

۱- در این مصاحبه آیت‌الله منتظری مطالب دیگری در مورد اوضاع مملکت بیان داشت که به خاطر اهمیت آن، قسمتی از آن را در اینجا نقل می‌کنیم.

آیت‌الله منتظری در مورد بحران روابط ایران و آمریکا و وضع گروگانهای آمریکایی اظهار داشت: این مسأله‌ای است که خود آمریکا آن را مهم و بزرگ جلوه می‌دهد و این خواست مشروع ملت ایران است که دولت آمریکا شاه مخلوع جانی و عمال خود را به ایران باز گرداند تا در این جا محاکمه شوند.

همچنین بیش از شصت هزار نفر از مردم مستضعف ایران به وسیله این جانی شهید شدند و از گروگانها به عنوان جاسوس نگهداری می‌شود و نوعاً باید آنها محاکمه شوند و امیدواریم آمریکا از سرسختی بیرون بیاید و نگذارد کار بحرانیتز شود و ما از ملت آمریکا می‌خواهیم که به دولت‌شان درباره این موضوع اعتراض کنند، چون آبروی ملت آمریکا را از بین می‌برد و عجب این است که آقای کارتر از يك طرف دم از حقوق بشر می‌زند و از طرفی حدود شصت هزار نفر به دست شاه و عمالشان در ایران شهید شدند و اینهمه خواهران و برادران در لبنان و فلسطین و دیگر نقاط عالم به وسیله آنها شهید می‌شوند مثل اینکه بشر نیستند و از سوی دیگر کارتر اعتراف می‌کند که يك نفر مذهبی و طرفدار حضرت مسیح است. در صورتی که حضرت مسیح با جنایت و جنایتکاران مبارزه می‌کرد.

از امام جمعه تهران سؤال شد که نظر شما درباره حمایت سازمانهای آزادیبخش جهان از موضع ایران چیست؟ امام جمعه تهران گفت: من به عنوان يك فرد مسلمان ایرانی از تمام کشورها و سازمانهایی که در این موقع که ما درگیری

آیت‌الله منتظری پیرامون قانون اساسی مصوب مجلس خبرگان اظهار نظرهای فراوانی نمود که در اینجا قسمتهایی از این اظهار نظرها، که از خطبه‌های نماز جمعه‌ی وی در تهران گرفته شده، نقل می‌شود:

«نمی‌دانم آن پیشنهاد قانون اساسی سابق کجایش انقلابی بود که این قانونی که ما نوشتیم انقلابی نیست؟ ما در این قانون اساسی راه نفوذ دیکتاتوری را گرفتیم. شورای نگهبان باید روی قوانین صحت بگذارد. قضاوت مهم است. ما گفتیم رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل کشور باید مجتهد، عادل و با تقوی باشند و رهبر که مجتهد و عادل و با تقواست آنها را تأیید بکنند، بعد قوه قضائیه را دست مجتهدین بسپارد. حالا می‌گوییم زمام کشوری را که می‌خواهیم دست یک نفر بسپاریم آن یک فرد باید مجتهد، عادل با تقوی، مدیر و مدبر باشد. می‌خواهد معمم باشد یا کلاهی. آیا این دیکتاتوری و استبداد است؟ اما اگر نه، آدمی که فقط به اسم مسلمان است، ایرانی است، تمام این اختیارات کشور را که دست شاه بود به او بسپارند آیا این همان محمدرضای سابق نمی‌شود؟»

آنوقت شما ملت هم به هیچ نحوی حق نداشتید خبری را که بالای بام بردید پایین بیاورید. این درست بود؟»

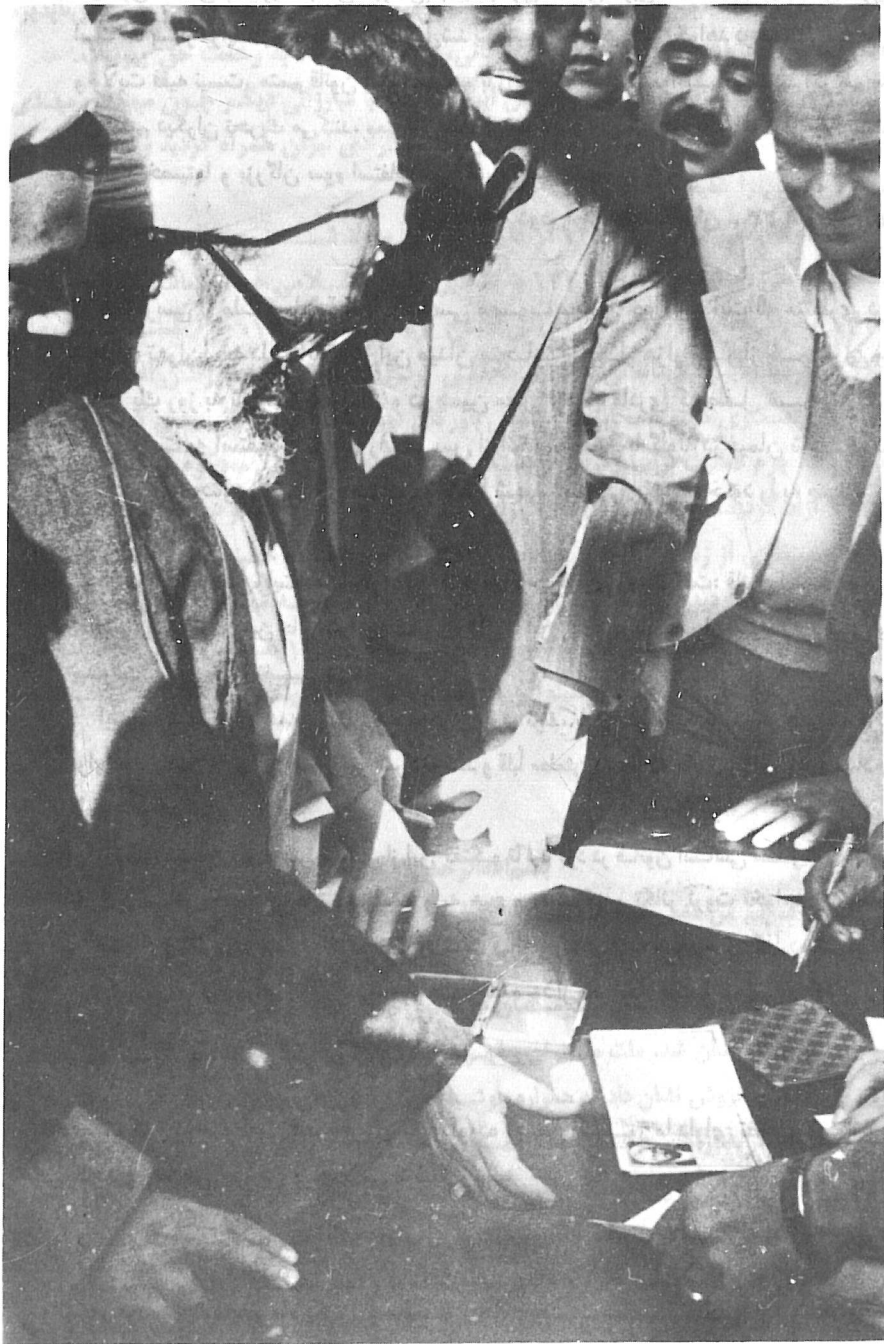
خطبه اول نماز جمعه تهران - ۹ آذرماه ۵۸

اما من حیث المجموع این قانون اساسی، اسلامی و محکم و متقن است و در شرایطی که ما داریم کارشکنی نسبت به همه‌پرسی قانون اساسی کارشکنی نسبت به اصل جمهوری است؛ برای اینکه قانون اساسی زیر بنای حکومت آینده ماست. من از همه برادران و خواهران در هر جا هستند انتظار دارم تقاضا دارم برای حفظ کیان اسلام برای حفظ استقلال کشور به قانون اساسی رأی مثبت بدهید و اگر کسی کارشکنی بکند به اساس جمهوری اسلامی لطمه زده است. حتی از برادران کرد، بلوچ، ترکمن، عرب و سایر اقشار دیگر از همه تقاضا می‌کنم که در این وقت حساس که ما در مقابل یک کشور ابرقدرت دنیا، یک طاغوت دنیا قرار گرفته‌ایم وظیفه خود بدانند و پایه‌های جمهوری اسلامی را با رأی مثبت خودتان در همه پرس‌یکشنبه و دوشنبه تحکیم کنید. پایه‌های حکومت اسلامی را سست نکنید. اگر کسی کارشکنی بکند به استقلال و پایه‌های اسلام ضربه زده است. امام هم فرمودند، رهبران مذهبی بیدار هم نظر دارند.

خطبه دوم نماز جمعه تهران - ۹ آذرماه ۵۸

داریم و از ما حمایت می‌کنند به سهم خود تشکر می‌کنم و خود این امر یک وظیفه اسلامی است که همه مسلمانها از یکدیگر حمایت کنند.

در پایان از امام جمعه سؤال شد که نظرتان درباره سفر گروهی از ایرانیان به لبنان برای حمایت از مردم مسلمان جنوب این کشور در برابر تهاجم اسرائیل چیست؟ ایشان گفتند: کمک کردن به مردم مستضعف چه در جنوب لبنان و چه در نقاط دیگر به هر نحو که باشد لازم است. کیهان ۱۳۵۸/۹/۶، ص ۳.



ایتالله منتظری در حال رای دادن به قانون اساسی جمهوری اسلامی

قانون اساسی (مصوبه مجلس خبرگان) بسیار قانون اساسی خوبی است. نمی‌گویم وحی منزل است اما بسیار مزایا دارد. و بهتر از این نمی‌شد بنویسیم. متمم هم اگر بخواهد در مسائل اسلامی و ولایت فقیه نیست. متمم قانون اساسی هم با رأی ملت است. مواظب باشید اگر هم ما می‌گوئیم دیگران تحریک می‌کنند، معنی‌اش این نیست که خارجی می‌آید. ایادی مرموز زیاد است که از شخصیتها و بزرگان سوء استفاده می‌کنند، با چند واسطه.

خطبه دوم نماز جمعه تهران - ۲۳ آذر ماه ۵۸

هنگام همه‌پرسی از ملت درباره قانون اساسی مصوب مجلس خبرگان، آیت‌الله منتظری در میدان شهدای تهران - به دلیل اینکه در این میدان متجاوز از چهار هزار نفر از خواهران و برادران ما در يك روز به شهادت رسیده‌اند و در همین محل بود که مادری که طفل شیرخوارش را در آغوش داشت به استقبال شهادت رفت و پس از آنکه فرزندش با گلوله دژخیمان شهید شد از پای نشست و همچنان به استقبال شهادت رفت تا شهید شد - رأی مثبت خود را به صندوق انداخت.

در موقع رأی دادن، آیت‌الله منتظری در گفتگویی با خبرگزاری پارس گفت: قانون اساسی چون اسلامی است و در عین حال مترقی و قابل انطباق با این زمان می‌باشد، ان‌شاءالله ترقی و پیشرفت کشور ما را تضمین می‌کند.

آیت‌الله منتظری از همه برادران و خواهران کرد، ترك، بلوچ، ترکمن، عرب و لر تقاضا کرد برای حفظ اسلام در این همه‌پرسی شرکت کنند و قلباً مطمئن باشند که حقوق آنها در سایه اسلام تأمین خواهد شد.

آیت‌الله منتظری در بخش دیگری از این گفتگو تأکید کرد در قانون اساسی مصوب مجلس خبرگان مسائل اقتصادی حل شده است و به هیچ وجه تمرکز و تکاثر ثروت نخواهد شد. آیت‌الله منتظری در همین گفتگو اظهار داشت قانونی که اینک به همه‌پرسی گذارده شده با پیش‌نویسی که قبلاً برای اظهار نظر عموم منتشر شده بود از نظر اصلاحات و ترمیمهایی که در آن صورت گرفته بسیار متفاوت و مترقی است.^۱

امید است که آرزوها و آمال قهرمان ایران برآورده شود و کشور ما دارای نظام و قوانین انسانی گردد و حکامی مردمی و اسلامی داشته باشد.

امامت نماز جمعه تهران

در تاریخ هجدهم شهریور ماه یکهزار و سیصد و پنجاه و هشت شمسی، یکی از ارزنده‌ترین،

شجاعترین و رنج‌دیده‌ترین رهبران انقلاب اسلامی ایران، مجاهد نستوه و مبارز خستگی‌ناپذیر، مفسر قرآن، آیت‌الله حاج سید محمود طالقانی، رحمة‌الله علیه، به رحمت حق پیوست.

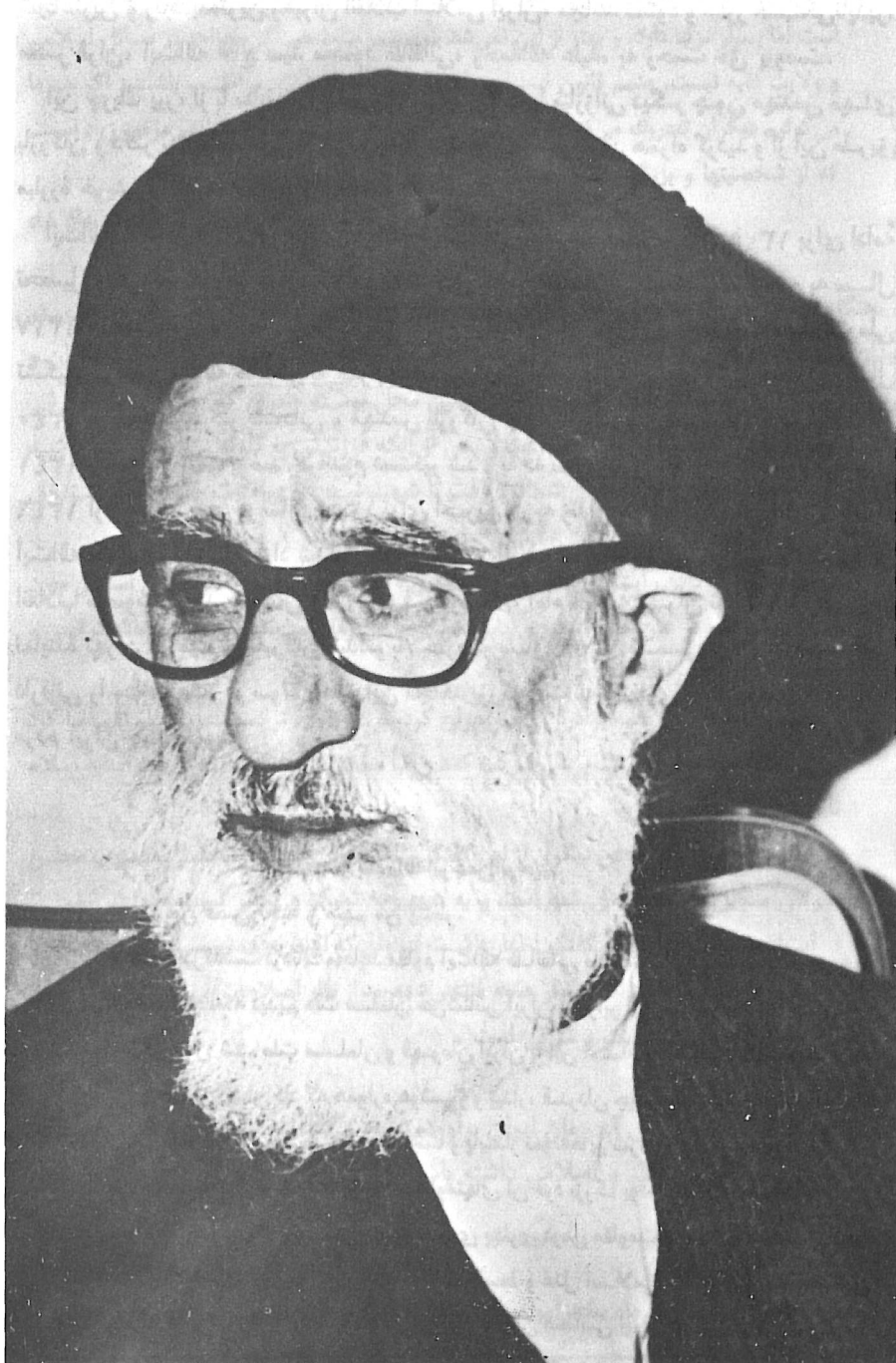
این چریک پیر، از با سابقه‌ترین مبارزان ایران بود که با مبارزانی دیگر چون مهندس مهدی بازرگان و دکتر یدالله سحابی از بنیانگذاران نهضت آزادی ایران همراه گردید و از این طریق مبارزهٔ خویش را علیه جهانخواران ادامه داد.

آیت‌الله طالقانی در سال ۱۲۹۰ در گلپرد طالقان متولد شد. در سال ۱۳۰۵ برای ادامهٔ تحصیل راهی قم شد. در سال ۱۳۲۰ به تشکیل کانون اسلامی همت گماشت و به سال ۱۳۲۷ مسجد هدایت را به امامت خویش افتتاح کرد. در سال ۱۳۳۲، که نهضت مقاومت ملی تشکیل گردید، آیت‌الله طالقانی به جرم مخفی کردن نواب صفوی به زندان افتاد. در سال ۱۳۴۰ با همکاری دکتر سحابی و مهندس بازرگان نهضت آزادی را تأسیس کرد. در سال ۱۳۴۱ به جرم فعالیت برضد فرزندوم دستگیر شد و به ده سال زندان محکوم گشت و در سال ۱۳۴۶ آزاد گردید. وی در سال ۱۳۵۴ برای آخرین بار به زندان افتاد و در سال ۱۳۵۷ همراه آیت‌الله منتظری از زندان آزاد شد. در سال ۱۳۵۷ از طرف امام خمینی به ریاست شورای انقلاب منصوب گردید. در سال ۱۳۵۸ به فرمان امام، امام جمعهٔ تهران شد و به رأی مردم نمایندهٔ تهران در مجلس خبرگان شد. و بالاخره در سال ۱۳۵۸ شمسی بر اثر عارضهٔ قلبی دارفانی را وداع گفت. در سوگ رحلت این مجاهد بزرگ آیت‌الله منتظری تسلیتنامه‌ای خطاب به مردم ایران صادر نمود:

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

فمنهم من قضی نجه و منهم من ینتظر.

با فاجعهٔ درگذشت دردناک مجاهد مقاوم آیت‌الله طالقانی طاب‌نراه غم و اندوهی عمیق همه را فرا گرفت و چنانکه دیدیم ملت مسلمان حق‌شناس ایران در برابر این ضایعهٔ بزرگ، چون دریای موج، خروشان شد. ملت مسلمان و قهرمان ایران با این اجتماع و تشییع شکوه‌مند و با این جوش و خروش نشان داد که همواره هوشیار و بیدار، قدردان چهره‌های ارزندهٔ عالم اسلام و ستایشگر ستاره‌های درخشان علم و فضیلت و پاسدار نمونه‌های شرف و تقوی و مقاومت است. من خود در زندان طاغوت، شاهد مقاومت‌های آن مرد بزرگ بودم. آیت‌الله طالقانی با مبارزهٔ مستمر خویش علیه نظام استبدادی و استعماری پهلوی درس مقاومت و جهاد را به همگان آموخت و عمر با برکت خویش را در راه تحقق حکومت قسط و عدل اسلامی و حمایت از مستضعفین در برابر مستکبرین به پایان رساند. مجلس بررسی قانون اساسی ایران مصیبت فقدان آن عالم بزرگ را به حضرت ولی عصر (عج) و رهبر انقلاب ایران امام خمینی و آیات عظام و بازماندگان محترم و همهٔ مسلمانان و مبارزان راه حق تسلیت گفته و از ملت قدردان ایران انتظار دارد در



مجاهد نستوه، فقید، آیت‌الله طالقانی

مجلس یادبود آن مرحوم شرکت فرمایند.

از طرف مجلس خبرگان - حسینعلی منتظری - ۱۳۵۸/۶/۲۰

در عزای از دست دادن آیت‌الله طالقانی، ملت ایران روزهای متوالی غمدار و گریان بود. از آنجا که آیت‌الله مجاهد طالقانی به فرمان امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی امام جمعه تهران گردیده بود در فقدان وی، امام خمینی طبق یک فرمان، آیت‌الله منتظری را مأمور برپایی نماز جمعه در تهران کردند. طبق این فرمان آیت‌الله منتظری در تاریخ بیست و یکم شهریور ماه پنجاه و هشت شمسی به امامت جمعه شهر بزرگ تهران برگزیده شد. متن این فرمان تاریخی بدین شرح است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خدمت جناب مستطاب حجت‌الاسلام والمسلمین، آقای منتظری دامت‌افاضاته. مرحوم مجاهد بزرگوار آقای طالقانی پس از عمری مجاهدت و پاسداری از اسلام به رحمت خداوند پیوست و ما را سوگوار کرد. تکلیف پاسداری از اسلام به عهده همه ما است و من شما را که مجاهدی بزرگوار و فقیهی عالیقدر می‌دانم برای دژ محکمی که آن فقید سعید پاسدار آن بود انتخاب و منصوب نمودم. نماز جمعه که نمایی از قدرت سیاسی و اجتماعی اسلام است باید هر چه شکوهمندتر و پرمحتواتر اقامه شود. ملت، گمان نکند که نماز جمعه یک نماز عادی است. نماز جمعه با شکوهمندی که دارد برای نهضت کوتاه عمر ما یک پشتوانه محکم و در پیشبرد انقلاب اسلامی، عامل مؤثر و بزرگی است. ملت عظیم و عزیز با شرکت خود باید این سنگر اسلامی را هر چه عظیمتر و بلندپایه‌تر حفظ نماید تا به برکت آن توطئه‌های خائنه و دسیسه‌های مفسدان خنثی شود. از خداوند تعالی دوام نهضت و عظمت اسلام را خواستارم.

روح‌الله الموسوی الخمینی - ۲۱ شهریور ماه ۱۳۵۸

با دریافت این پیام، آیت‌الله منتظری علاوه بر ریاست مجلس خبرگان مسئولیت سنگین امامت جمعه تهران را نیز عهده‌دار شد و طبق اعلامیه زیر اولین نماز جمعه تهران به امامت فقیه عالیقدر و مجاهد بزرگوار، بر گور شهدای انقلاب در آرامگاه بهشت‌زهرا برگزار گردید:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بدین وسیله به اطلاع عموم برادران و خواهران مسلمان می‌رساند که به دنبال صدور پیام رهبر انقلاب حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی مبنی بر اقامه نماز جمعه تهران به امامت حضرت آیت‌الله منتظری، به پاس احترام به شهیدان انقلاب اسلامی ایران و به منظور تجلیل از مقام شامخ مجاهد کبیر و مجاهد نستوه حضرت آیت‌الله طالقانی طاب‌ثراه و تجدید پیمان با آن فقید



ایمان بان این تصویر عظیم و عالی شاکستریں چهره امامت جمعه در ایران انقلابی و پیدای نهاده و جدت

سعید و شهدای پاک‌باخته انقلاب به اطلاع عموم برادران و خواهران مسلمان می‌رساند که روز جمعه بیست و سوم شهریور ماه جاری نماز جمعه در بهشت‌زها برگزار می‌گردد و در هفته‌های آینده طبق معمول در دانشگاه تهران اقامه خواهد شد. والسلام علیکم ورحمة‌الله وبرکاته.

دفتر آیت‌الله منتظری

در رابطه با آن پیام و این دعوت، تفسیر مختصری در یادداشت روز یکی از جراید عصر چاپ شد که نقل آن در اینجا مفید است:

نماز فردا را به شهیدان اقتدا می‌کنیم.

فردا در بهشت‌زها آیت‌الله منتظری خاطره زندان را تجدید خواهد کرد - آنجا که تا رژیم ممنوع نکرده بود، آیت‌الله منتظری هر جمعه «نماز جمعه» می‌خواند و آیت‌الله طالقانی نیز به همراه دیگر همبندان به ایشان اقتدا می‌کرد.

و اینک بار دیگر با شنیدن پیام ذیل خدا را سپاس می‌گوییم که آن خاطره تجدید می‌شود: «... مرحوم مجاهد بزرگوار آقای طالقانی پس از عمری مجاهدت و پاسداری از اسلام به رحمت خداوند پیوست و ما را سوگوار کرد. تکلیف پاسداری از اسلام بر عهده همه ما است و من شما را که مجاهدی بزرگوار و فقیهی عالیقدر می‌دانم برای دژ محکمی که آن فقید سعید پاسدار آن بود انتخاب و منصوب نمودم...»

این پیامی است از امام، که به موجب آن حضرت آیت‌الله منتظری به امامت نماز جمعه دانشگاه برگزیده شد. این اولین بار نیست که نام طالقانی و منتظری را با هم می‌شنویم. منتظری و طالقانی دو نام آشنا است که در تمام دوره انقلاب، از فراز منبرها، از حلقوم فریادگر سخنرانها، در شعارها و تظاهرات و اعلامیه‌ها و قطننامه‌ها و بالاخره از دهان خونین کوچه و بازار به گوش می‌رسید. همه آزادی این دو مجاهد را می‌خواستند و شاه گفته بود «اگر آزادشان کنیم آتش زیر خاکستر را شعله‌ور می‌کنند» و خدا را شکر که چنین هم شد!

طالقانی و منتظری سالهای پیش آشنا و صمیمی و این اواخر سه تا چهار سال همبند و همزنجیر بودند. کسانی که از نزدیک روابط این دو بزرگوار را دیده‌اند می‌دانند که تا کجا به یکدیگر علاقمند بوده و چگونه هر یک دیگری را به مقاومت و پاسداری از حریم اسلام تأیید و تشویق می‌کرد. این دو بزرگوار در روابط نزدیک، مثل دو یار همراه بودند - مثل دو همبازی دوران کودکی یکدیگر، و در صف مقدم جبهه جهاد و فضیلت مثل دو همسنگر، دو آموزگار و بالاخره دو شاگرد اسلام.

میان آیت‌الله منتظری و آیت‌الله طالقانی وجه تشابه بسیار است. سابقه طولانی مبارزاتی‌شان، زندان، تبعید و شکنجه‌شان، همبند و همزنجیر بودن‌شان، سرسختیشان در کمک به محرومین و مستضعفین و حتی تکیه‌شان (هر کدام به نحوی) روی مسأله شورا.

پیشنهاد شورایی بودن ریاست جمهوری از سوی آیت‌الله منتظری، یا این سخن ایشان که:

«مرحوم طالقانی خود از مستضعفین بود و درد آنها را خوب می‌فهمید و مسئولان امر نیز باید چنین باشند»، شش ماه تمام در سلول انفرادی زندان اوین بودن و پرده گوش زیر شکنجه ضربه دیدن و... نمونه‌ها و شواهدی است که آنچه را گفتیم تأیید می‌کند. و این همه، علاوه بر امتیازات و تفاوت‌هایی است که هر يك از این دو بزرگوار از نظر تجربیات سازمانی و حزبی یا ادراکات فقهی و فنی دارند که هر يك به جای خود افتخاری برای اسلام و ستاره درخشانی پیشاپیش امت و بازویی برای امام بوده‌اند. و هم دیدیم که پس از آزادی آیت‌الله منتظری و آیت‌الله طالقانی از زندان شاه (ابانامه ۵۷) امام خمینی خطاب به هر کدام از این دو مجاهد تازه از بند رسته پیام داد و نیروشان بخشید.

این حسن انتخاب را در مورد امامت نماز و «مکان نماز» باید تبریک گفت.

آیت‌الله منتظری را اگر چه از نزدیک دیدم که داغ طالقانی سخت تکانش داده بود و به این پیشنهاد (امامت نماز) افسرده می‌نگریست و پیدا بود که بسیار بسیار بر او گران است که در نماز جمعه جای دوست و هم‌مرز آشنایش را خالی ببیند، اما پس از اینکه دیروز «امر امام خمینی» ابلاغ شد، بطور مسلم، ایشان با عزمی جزم برخواهد خاست و اگر چه با قلبی پر خون، اما همچنان پرامید، ادامه پاسداری از دژ محکمی را که آن فقید سعید پاسدار و دژبانش بوده است بر عهده خواهد گرفت.

بهشت‌زهرها هفته پیش شاهد نماز طالقانی و ملت قهرمانان بود که به شهیدان جمعه خونین اقتدا کردند و انگار برای طالقانی نماز وداع بود؛ و فردا شاهد نماز منتظری و امت اسلام، که راستی هم «به پاس تجلیل و تجدید پیمان با شهدا و این شهید آخر، ابوذر زمان و مالک اشتر و بازوی توانای در خاک خفته» به جمع شهیدان و طالقانی بزرگ اقتدا می‌کنند، اما راستی مردم ما چرا از طالقانیها چنان استقبالی پرشکوه می‌کنند؟ چرا در مرگش چنین خون گریستند؟ چرا؟

از یاد نبریم که طالقانی علاوه بر شرایط عام، یعنی سوابق مبارزاتی در راه خدا، تأیید قاطع مقام رهبری از ایشان، تقدیمی که در صف روحانیت مبارز داشت و فضیلت و علم و معلم قرآن بودنش، بطور خاص، صفاتی دیگر نیز داشت که آنها را نیز از پیامبرش محمد (ص) و امامش علی (ع) آموخته بود: حمایت سرسختانه‌اش از مستضعفین، آنهم نه فقط در شعار که در عمل؛ تا آنجا که برای محرومین و مستضعفین، حاضر بود همه چیزش را فدا کند. نزدیکی او به توده‌ها و رنج و درد آنان و تکیه او به آنها، تعصبش روی مسأله شورا و سپردن مسؤلیتها به توده مردم، دید انتقادی طالقانی که حتی از مرز رفاقتها، رودرباستی‌ها، ملاحظات و تعارفات و از همه مرزها می‌گذشت و هر نقیصه و نارسایی را انگشت می‌گذاشت، سعه صدر و نظر بلند و قدرت تحمل عجیبش نسبت به آراء مختلف و مخالف و بالاخره خطبه نهج‌البلاغه و برنامه انقلابی علی (ع) و تعدیل و توزیع ثروت و بازپس گرفتن اموال غارتگران و مترفین، اینها صفاتی بود که وقتی در او متجلی می‌شد همه مستضعفین او را آئینه آرزوهای اسلامی و خدایی خویش می‌دیدند.

و خدا را شکر و امام را تبریک که منتظری را انتخاب کرد، مردی که منتظرش بودیم و او نیز

چنین است. فردا در بهشت زهرا و بر مزار شهیدان، طالقانی هم در انتظار کسی خواهد بود که اینک می‌آید. فردا همه امت، همه شهیدان و شهید طالقانی، همه با هم، مستمع خواهند بود سخنان آیت‌الله منتظری را، سخنان فقیه مجاهدی را که از خدا و اسلام و انقلاب و مستضعفین سخن می‌گوید....^۱

به دنبال دعوت آیت‌الله منتظری، روز جمعه بیست و سوم شهریور ماه ۵۸ مردم تهران و شهرهای اطراف در بهشت‌زهرا و خیابانهای اطراف آماده برگزاری بزرگترین نماز جمعه تاریخ اسلام (اتفاق قول خبرگزاران این است که جمعیت حاضر در این نماز سه میلیون نفر بوده‌اند) به امامت آیت‌الله منتظری گردید.

این اولین نماز جمعه‌ای بود که بعد از انقلاب به امامت آیت‌الله منتظری، این پیشروترین امام نماز جمعه‌های اصیل اسلامی در ایران، تشکیل گردید.

آیت‌الله منتظری ۱۸ هفته در تهران امام جمعه بود و پس از پایان یافتن دوره مجلس خبرگان به لحاظ کار حوزه از سمت خود استعفا داد و تهران را ترک کرد (در این باره سخن خواهیم گفت).

پس از پایان یافتن امامت نماز جمعه آیت‌الله منتظری در تهران، از طرف دفتر تبلیغات امام پیامی به عنوان تقدیر از آیت‌الله منتظری منتشر شد. متن این تقدیر نامه چنین است:^۲

بسمه تعالی

این تاریخ است که جز تداوم تکامل و جز حرکت به سوی الله چیز دیگری نیست. مجموعه این گل، گلشن است، گرچه خس و خاشاک موقتاً بتواند چند صباحی سرک برکشد و خارهای خوار خود را در ساقه‌ها و گلبرگهای لطیف گل فروبخلد.

این جامعه است که تکامل یافته‌ترین و پیچیده‌ترین حرکت‌های حاکم بر جهان طبیعت را به خود اختصاص داده و گل سرسبد جهان طبیعت را - انسان را - این خلیفه خدا در زمین را - یگانه عامل تعیین کننده و جهت‌دهنده این حرکت به اثبات رسانده است.

این انسان است که مخلوق مطلق الله است و خالق نسبی همه حرکت‌ها، همه ارزش‌ها، همه ابزارها، جامعه‌ها و تاریخها. و باز این انسان است که انسانهای مسخ شده را، انسانهایی که تکامل یافته‌ترین و غامضترین عنصر طبیعت را مخلوق یکی از ساده‌ترین ساخته‌های خود می‌داند، به خویش‌اش باز می‌خواند و هشدارش می‌دهد: ای والاگهر که ذهنیتها و قالبهای تحمیلی از پیش ساخته گوهر انسانیت را از جوهرش جدا ساخته، لحظه‌ای به خود آی و بر پیش‌داوریهایت

۱- نوشته م. فرید در کیهان ۱۳۵۸/۶/۲۲.

۲- این بیان در اولین نماز جمعه به امامت حجت‌الاسلام خامنه‌ای در چمن دانشگاه تهران توسط حجت‌الاسلام حاج‌شیخ محمود رستگاری قرائت شد.

محک تحقیق را به حکاکی بکشان و این شامخ مقام را که به شغلی کشیده‌ای باردیگر براریکه خداگونه شدنش بنشان. و از میان چنین انسانی و از متن و درون چنان جامعه‌ای و در روند چنان تکامل و حرکتی است که گهگاه نمونه‌ها و حجت‌های خداگونه، مشعل راه می‌شوند و کوران کوردل متحجر را به راه مستقیم الله می‌خوانند و در خطبه‌های نماز جمعه فریادهای آسمانی‌شان در فضا طنین می‌افکند که: الا ای غربزدگان! و ای مسحوران دمکراسی غیرمتعهد، مبدا غرب و معیارهای غربی در نظرتان بتی شود و الگویی برای مردم مستضعف انقلابی و شوریده بر همه ملاکهای غیرخدایی عرضه دارید، که روح انقلاب از آن بیزار است و سخت با آن در تضاد! و در عین حال از درون پاکشان فریادها: که ای مارکسیسم‌زدگان و ای کاسه از آتش داغتران که ساحت مقدس علم را با برداشتهای غیرعلمی‌تان به آلودگی کشیده‌اید، به هوش آید و تجاوزات ضدانسانی پیش کسوتان این مکتب را بدون تعصب مورد مطالعه قرار دهید و ببینید که چگونه برپاره تن اسلام - افغانستان عزیز و افغانی قهرمان - بی‌شرمانه یورش می‌برند! و این تهران است! آری و این تهران است که حق دارد به خود بیالذ که انسان نمونه‌ای را به‌عنوان امام جمعه از طرف امامش در آغوش داشت. انسانی که در اوج مقام علمی‌اش، متواضع‌ترین و خاضع‌ترین فرد است. انسانی که در راه بهفکری و بهزیستی جامعه‌اش اهانتها و مشقات فراوانی را آگاهانه پذیرا بود. انسانی که با سعه صدر اختصاصی‌اش حملات ناجوانمردانه متعصبین متحجر را همزمان با شکنجه‌های قرون وسطایی رژیم گذشته چونان معجون حیات‌بخشی پذیرا بود و کوچکترین تردیدی در عزم راسخش در ادامه راهش به‌وجود نمی‌آورد. انسانی که جاه و مقام در نظرش پلیدترین و پذیراشدن بار مسئولیت هر قدر سنگین در پیشگاهش سهلترین بود.

و این تهران است که رهنمودهای این بزرگمرد تاریخ را هرگز فراموش نخواهد کرد و افتخار درک حضورش را - که متأسفانه برای مدت کوتاهی نصیبش شده بود - به‌عنوان یکی از بی‌مانندترین سندهای افتخارآمیزش برای همیشه در تاریخ به ثبت خواهد رساند، گرچه تهران از فیض وجود آیت‌الله منتظری محروم می‌شود ولی بحمدالله رادمرد آزاده‌ای را درون خود دارد که گامهای استوارش درست برجای قدمهای فقیه و فیلسوف زمانمان منتظری بر زمین می‌نشیند و خطی در تاریخ می‌پیماید که امامش پیموده.

لذا ما به‌عنوان تأیید و پشتیبانی از خامنه‌ای عزیز و ادامه راه امام، پس از نماز بطور دسته جمعی راهی لانه جاسوسی می‌شویم تا کج راه امپریالیسم آمریکا و غرب را یکسره و کوره راه مارکسیسم و مقلدان دگمش را همزمان محکوم کنیم و همان راه امام و منتظری را که نه شرقی نه غربی است، بپیماییم.

دفتر تبلیغات امام - ستاد برگزاری نماز جمعه تهران - ۵۸/۱۰/۲۸

وحدت حوزه علمیه و دانشگاه

آیت‌الله منتظری در خطبه‌های اولین نماز جمعه‌ای که در تهران - بهشت‌زهره - اقامه کرد

پیشنهاد انقلابی و اندیشمندانه «تشکیل سمینار وحدت بین حوزه علمیه و دانشگاه» را ارائه نمود. وحدتی که به قول یکی از بزرگان ایران بیست سال تمام امام خمینی بران تأکید داشت و یکی از معجزه‌های عصر به‌شمار می‌رود. آیت‌الله منتظری خود ماهها قبل از این دعوت عام، روی این موضوع تأکید زیاد داشته است. خبر زیر حاکی از این تأکید است:

حدود هزار نفر از نمایندگان سازمانهای دانشجویان مسلمان و انجمنهای اسلامی دانشگاهها در قم خدمت حضرت آیت‌الله منتظری رسیدند. ایشان ضمن تجلیل از شهدای پانزده خرداد یادآور شدند: من وقتی در زندان بودم و می‌شنیدم در این مبارزات اخیر و زلزله طبع دانشجویان و روحانیون مسئول با هم همکاری می‌نمایند بسیار خوشحال می‌شدم.

حضرت آیت‌الله منتظری در قسمت دیگری از سخنانش از دانشجویان خواستند تا اختلافات جزئی را کنار گذاشته یکپارچگی خود را با روحانیون مسئول و سایر اقشار در راه اسلام به رهبری امام خمینی حفظ کنند. آیت‌الله منتظری توصیه کردند که دانشجویان مسلمان جهت کارهای عمرانی و تبلیغ مسائل اسلامی به روستاها بروند. ایشان افزودند ما فقط برای کشور خودمان انقلاب نکردیم و باید به فکر کلیه مسلمین صدمه دیده و مستضعفین جهان باشیم و آنان را کمک مادی و معنوی کنیم و بکوشیم دستورات حیات‌بخش اسلام را در جهان اجرا کنیم.^۱

ایجاد وحدت بین روحانیت و دانشگاهیان، یکی از مهمترین و بارزترین اموری است که در تداوم انقلاب اسلامی ایران تأثیر دارد.

در باره این امر مهم سخن به‌وفور می‌توان گفت و خود نوشته‌ای جداگانه می‌طلبید. آنچه مشخص است در فضای فرهنگی ایران و یا سایر کشورهای اسلامی دو سیستم آموزش وجود دارد که یکی نظام آموزش به سبک غرب است که از کودکستان و دبستان شروع می‌شود و نوعاً با دانشگاه پایان می‌پذیرد. دیگر نظام آموزش طلبگی است که در حیطه آموزشها و علوم اسلامی است و از سنین پایین نوجوانی شروع می‌شود و پایان مشخصی ندارد.

در جامعه تحت سلطه، نظام آموزش به سبک غرب که نظام دانشگاهی نام دارد، هدف غالب، رسیدن به آینده‌ای به اصطلاح روشن از نظر وضع مادی و شخصیت اجتماعی است.

از آنجا که رژیم منفر پهلوی بنا بر ماهیت وابسته‌اش نمی‌توانست یک رژیم اسلامی باشد و اجازه رشد دادن کشور از نظر صنعت و تکنیک را هم نداشت تمام هم خود را مصروف ایجاد دانشگاههایی کرد که اولاً خالی از روح اسلام باشد، ثانیاً بر تخصصهای سطح بالا تکیه نداشته باشد، ثالثاً معیار برای انتخاب رشته و ادامه تحصیل در آنها پول باشد، و...
براین اساس دانش‌آموزان ایران پس از اخذ دیپلم متوسطه که گرفتن آن هم در شرایط کاملاً نابرابر انجام می‌گرفت، تمام سعی و کوشش خودشان را صرف راه یافتن به رشته‌هایی می‌کردند که «پولسازتر» باشد، و البته پس از چهارپنج سال که به شوق پست و پرستیژ

می‌کوشیدند و به‌میز و حقوقی می‌رسیدند، یکبار ه‌درس و مطالعه و تحقیق از مجموعه زندگی ایشان فرار می‌کرد، مگر استثنائاً علاقمندانی که کشور را ترك می‌کردند تا تحصیل را ادامه دهند و آنها هم غالباً در خارج از کشور به خدمت جامعه‌های امپریالیستی درمی‌آمدند.

نزدیک به نیم قرن بود که در ایران دانشگاه داشتیم، دانشگاه‌های متعدد، اما پیشرفت اساسی از نظر علم و تکنیک و تخصص نداشتیم؛ در عوض، چه جنایتکارانی از این دانشگاه‌ها فارغ‌التحصیل شدند خدا می‌داند.

رهبر کبیر انقلاب اسلامی و مقتدای مسلمانان جهان حضرت امام خمینی در یکی از سخنرانیهای خودشان فرمودند:

... دانشگاهی که عده کثیری جمعیت در آن باید باشد و در عرض این پنجاه سال باید بیشتر از میلیونها جمعیت از آن بیرون آمده و رفته باشد اگر بنا بود که این دانشگاه يك محصول دلخواهی داده بود، حالا مملکت ما گلستان بود. محتاج به جنگ نبودیم، محتاج به نهضت نبودیم، محتاج به انقلاب نبودیم. محصول آنجا يك محصول نامطلوبی بود که در هر پستی وارد شدند برای اجانب کار کردند...

با وجود وضع اسفباری که در دانشگاهها بود و علی‌رغم هدف رژیم از شکل‌دهی دانشگاهها به نفع خودش، پس از حوزه علمیه، دانشگاهها از مراکز حساس مبارزه با رژیم ستم‌پیشه پهلوی بود. دانشجویان به لحاظ آگاهیهای مذهبی و به‌واسطه اینکه اهل کتاب بودند، در ایجاد گروههای چریکی و هسته‌های مبارزه با ایادی استعمار نقش فعال داشتند و به همین جهت روحانیون بیدار و آگاه و دانشمند که در رهبری مردم برای انقلاب پیش‌تاز بودند نسبت به دانشجویان دانشگاهها علاقه وافری داشتند و در نتیجه برای اتحاد این دو گروه بزرگ اجتماعی امیدها در دل می‌پروریدند.

آیت‌الله منتظری، برخلاف خیلی از روحانیون قشری، در منزلش را به روی دانشجویان گشوده بود و با آنها همدردی و همدلی نزدیک داشت.

از آنچه که پس از پیروزی انقلاب بین وی و دانشجویان دانشگاهها دیده شد و ارتباطی که بیش از هر کس او با دانشگاهیان داشته، همچنین علاقه‌ای که دانشجویان نسبت به وی ابراز می‌داشته‌اند درجه اهمیت دادن آیت‌الله منتظری به مسئله دانشگاهیان بیش از پیش روشن می‌شود. متأسفانه پیرامون ارتباط آیت‌الله منتظری با دانشجویان قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، نوشته‌ای در اختیار ندارم، اما آنچه که از بعد از پیروزی موجود است می‌رساند که چه پیوندی در این میان وجود دارد.

در اینجا با نقل تعدادی از پیامها و گزارشات، درجه ارتباط آیت‌الله منتظری با دانشجویان دانشگاهها، چه در داخل و چه در خارج از کشور، بازگو می‌شود:

اواخر فروردین ۵۹ سمینار رسالت دانشجو و دانشگاه در دانشکده الهیات تشکیل گردید. در پایان این سمینار قطعنامه‌ای قرائت شد که در قسمتی از آن آمده است: «از آیت‌الله منتظری

الگوی علم و تقوا می‌خواهیم که نظارت بر این رسالت انقلابی را در تمام دانشگاهها به‌دوش بکشند...»

اعضای انجمن اسلامی دانشجویان آمریکا و کانادا طی تلگرامی از محضر آیت‌الله منتظری جهت مراجعت به ایران برای جنگ با کفار بعث عراق کسب تکلیف کردند. متن تلگرام ارسالی چنین است:

بسمه تعالی. حضرت آیت‌الله منتظری ادام‌الله ظلّه علی رؤوس المسلمین. نظر به اوضاع جاری ایران عده‌ای از برادران و خواهران این انجمن بعد از پیام حضرت امام مبنی بر آمادگی برای دفاع از حدود و ثغور جمهوری اسلامی قصد مراجعت به ایران دارند. باتوجه به این که کلیه افراد انجمن آماده بازگشت هستند و با در نظر گرفتن مضار و منافع این عمل تشخیص ادامه فعالیت‌های خارج از کشور یا بازگشت به جبهه‌های جنگ از عهده این انجمن خارج است. توفیق کسب اجازه از حضرت امام به هیچ‌وجه ممکن نشد لذا این مهم را از شخص جناب‌عالی استفسار می‌نماییم و امیدواریم که در اسرع وقت از دستورات آن فقیه معظم مطلع گردیم. صحت و تندرستی وجود مبارک را از درگاه احدیت تحت توجهات حضرت مهدی مسئلت داریم. والسلام علیکم و رحمة‌الله و بركاته.

انجمن اسلامی دانشجویان آمریکا و کانادا
جوایبه حضرت آیت‌الله منتظری به استفتائیه دانشجویان آمریکا و کانادا:

بسمه تعالی. اعضاء محترم انجمن اسلامی دانشجویان آمریکا و کانادا ایدهم‌الله تعالی. تلگرام شما مبنی بر کسب تکلیف در مورد مراجعت از خارج به جبهه‌های جنگ رسید. ضمن تشکر یادآوری می‌شود قبل از فرمان امام مدظله شما باید مظلومیت ملت قهرمان ایران را در سطح جهانی منعکس ساخته و ابعاد انقلاب اسلامی آنان را در حد توان برای ملت‌هایی که افکارشان تحت تأثیر تبلیغات صهیونیسم جهانی مسموم شده تشریح کنید. بکوشید دنیا را از مظالم رژیم مزدور عراق نسبت به ملت خود و جمهوری اسلامی ایران آگاه ساخته و مجامع بین‌المللی را از بی‌تفاوتی در مورد این همه جنایات درآورید. توفیق همگان را در انجام وظایف دینی در جمیع شرایط از خدای بزرگ خواهیم.

حسینعلی منتظری - ۱۳۵۹/۸/۵
 اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان ایران در هند در پیامی (به تاریخ ۵۹/۹/۱۲) خطاب به فقیه عالیقدر آیت‌الله منتظری پشتیبانی خود را از روحانیت متعهد و مبارز اعلام کردند. در قسمتی از این پیام با اشاره به رهبری قاطع امام خمینی آمده است:

اینک بار دیگر پیوند و همبستگی خویش را با زعامت و قیادت تو ای یار مهدی موعود اعلام می‌داریم و ضمن پشتیبانی از تمامی ارگانها همگام با انقلاب اسلامی بخصوص برادران عزیز و جان برکف پاسدار و دلیران ارتش جمهوری اسلامی ایران، هرگونه عملی را که در موقعیت حساس کنونی کشور عزیزمان ایران نهایتاً به تضعیف رهبر انقلاب و خط ولایت فقیه که تنها

ضامن استمرار و وحدت نیروهای مسلمان و این انقلاب حسینی است بینجامد قویاً محکوم می‌کنیم. در پایان این پیام، اتحادیه مصرانه خواستار مداخله حضرت آیت‌الله منتظری در پایان دادن اختلافات مسئولین امر می‌باشد. امید که ان شاء الله وحدت‌مان مستحکم گردد.

پیام انجمنهای اسلامی دانشجویان فیلیپین به فقیه عالیقدر آیت‌الله منتظری:

بسمه تعالی.

«هو الذی بعث فی الامیین رسولاً منهم یتلوا علیهم آیاته و یرکبهم و یعلمهم الکتاب و الحکمه» (و خدا در میان اینها رسولی برانگیخت تا بر آنان آیات خدا را تلاوت کند، از مفاسد، پاکشان گرداند و آنان را کتاب و حکمت بیاموزد) قرآن مجید.

پدر بزرگوار و امید امام و امت اسلامی ایران حضرت آیت‌الله منتظری، انقلاب شکوهمند اسلامی ایران در سایه رهبری پیامبرگونه امام خمینی و تلاش همه‌جانبه امت دلیر و مسلمان ایران روز به روز شکوفاتر می‌شود و علی‌رغم تمام توطئه‌های مستکبران زمان و عده گسترده شدن حکومت الله در سراسر جهان در حال عملی شدن است. ابرقدرتهای شرق و غرب و نوکران خارجی و داخلی‌شان که طلوع پیروزی مستضعفین را غروب سلطه‌گریهای خود می‌بینند باتمام قوا بر علیه این انقلاب شده‌اند و با حمایت از ضد انقلاب در خارج از کشور و همچنین اشاعه تبلیغات گسترده و لوٹ نمودن چهره انقلاب اسلامی ایران مجدانه سعی در تضعیف و توقف حرکت اسلامی انقلاب را دارند. در این موقعیت حساس به حکم وظیفه قرآنی و فرمان امام امت بر تمام نهادهای انقلابی لازم است که با تمام قوا در مقابل تبلیغات و حملات مغرضانه دشمنان انقلاب ایستاده و از جمهوری اسلامی که حاصل خون شهیدان ماست حمایت نمایند. اما متأسفانه می‌بینیم که در سفارت جمهوری اسلامی ایران در مانیل که در اصل یک نهاد انقلابی است نه تنها حرکتی در حد انتظار نهادهای انقلابی برای دفاع از انقلاب صورت نمی‌گیرد که اقدامات غیراصولی و موضعگیریهای اشتباه مسئولین سفارت نیز روز به روز بر تعداد مخالفین جمهوری اسلامی اضافه می‌کند. ما در مورد نارساییهای موجود در سفارت جمهوری اسلامی ایران در مانیل گزارشات زیادی به ایران فرستاده‌ایم و تمام نمایندگانی که اخیراً به فیلیپین عزیمت نموده بودند در جریان مسائل موجود قرار گرفته‌اند (نظیر آیت‌الله حسین نوری نماینده امام، حجت‌الاسلام تقوی نماینده آیت‌الله منتظری، برادر میرصادقی وزیر کار، هیئت تبلیغات به سرپرستی برادر بانکی). آنها به‌خوبی می‌دانند که دانشجویان مسلمان فیلیپین هنوز مانند زمان رژیم سابق از حمایت سفارت محروم می‌باشند، بخصوص اخیراً که در رابطه با گرفتن امتحان سنجش آموزش کشور از دانشجویان ایرانی مقیم فیلیپین مسئولین سفارت که دیگر پایگاهی در بین دانشجویان مسلمان ندارند با ارسال گزارشات مغرضانه به ایران و انتقاد از وضع تحصیل دانشجویان ایرانی در فیلیپین عقده‌گشایی می‌نمایند. آنها جنبه‌های منفی تحصیل در فیلیپین و پایین بودن سطح تحصیل در این کشور را عنوان کرده و بدون متمایز کردن دانشجویان مؤمن و متعهد از دیگران، خشک و تر را باهم

سوزانده و همان گونه که عاشقانه به فرمان امام در تظاهرات روز قدس شرکت می‌کنند به همان درجه نیز فعالانه در فراگرفتن انواع تخصصها چه در دانشگاه و چه در مراکز دیگر آموزشی مشغول می‌شوند، از آینده خود دلسرد شده و نسبت به جمهوری اسلامی بدبین گردند و به جرأت می‌توان گفت یکی از علت‌های وحدت ضدانقلاب در فیلیپین عدم کارایی و موضعگیری غیراصولی مسئولین سفارت جمهوری اسلامی ایران در مانیل بوده و تنها هشیاری و وحدت دانشجویان مسلمان [می‌تواند] توطئه‌های گروههای مخالف جمهوری اسلامی را تا حد زیادی خنثی نماید. ما به‌خوبی می‌دانیم که رسیدگی به وضع سفارتخانه بستگی به تعیین وزیر امور خارجه دارد. لذا انجمنهای دانشجویان فیلیپینی از آن پدر بزرگوار خواستار است که با رهنمودهای پدران خود از آقای رئیس جمهوری و نخست وزیر بخواهید که اختلافهای خود را کنار گذارده وزیر امور خارجه را تعیین نمایند. چرا که با تعیین وزیر امور خارجه است که مسأله سفارتخانه‌های خارج از کشور که همچون يك عقده سرطانی گریبانگیر انقلاب اسلامی شده حل خواهد گردید.

دربایان سلام گرم و صمیمانه ما را به امام خمینی رهبر عظیم‌الشان مسلمانان جهان و ملت مسلمان و مبارز ایران رسانده، به آنها اطمینان دهید که ما نیز با تمام امکانات و تا آخرین قطره خون بر علیه تمام قوانین ضداسلامی و انسانی خواهیم جنگید. باشد که همه باهم فجر پیروزی مستضعفین جهان را با فریادهای الله اکبر جشن بگیریم. نصر من الله و فتح قریب و بشر المؤمنین. مرکز انجمنهای اسلامی دانشجویان فیلیپین - مانیل - فروردین ماه ۶۰

پیام اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان در اروپا به مناسبت پانزدهمین نشست سالانه خود (نشست طالقانی) به آیت‌الله منتظری:

بسم الله الرحمن الرحيم

یریدون لیطفوا نورا لله بافواهم والله متم نوره ولو کره الکافرون. هوالذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله ولو کره المشرکون - سوره صف، آیات ۸ و ۹. (می‌خواهند تانور خدا را با گفتار باطل و طعن و مسخره خاموش کنند. البته خدا نور خود را هر چند کافران خوش ندارند تمام و کمال نگاه خواهد داشت. اوست خدایی که رسولش را برای هدایت خلق و ابلاغ دین حق فرستاد تا آن را هر چند مشرکین خوش ندارند بر همه ادیان عالم غالب گرداند.)

پیشگاه فقیه مجاهد حضرت آیت‌الله حسینعلی منتظری. گرمترین سلامها و صمیمانه‌ترین درودهای پانزدهمین نشست سالانه ما (نشست طالقانی) را بپذیرید. پیام الهامبخش و جهت دهنده شما که از نهاد انسانی علی‌گونه و از حلقوم حقه‌گوی فقیه مجاهد برمی‌خاست و فریاد سرخ و شب شکن شهیدان به خون خفته انقلاب را همراه داشت، جمع اسلامی ما را در راه تحقق اهداف الهی مضمم‌تر، متعهدتر و بیدارتر گردانید. پیام پرارزشتان که استمرار بخش پیامهای پربرکت و پررحمت رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران امام خمینی به نشست‌های گذشته ما بود، پرخاش خداگونه و انقلابی و شیوه‌های قاطعانه مبارزه را به همه ما آموخت. هشدارها و یادآوریهای اساسی

و دلسوزانه شما بی‌شک مورد توجه همه برادران و خواهران مسلمان ما بوده و به یاری خدای قهار و توانا آنها را به مرحله عمل خواهیم آورد.

توصیه‌های مکرر شما در پیامها، تلگرامها و گفته‌ها و خطبه‌هایتان در زمینه جهانی کردن نهضت عظیم اسلامی ایران که خود حاکی از درک عمیق و فقیهانه و همه‌جانبه آن مجاهد نستوه از مکتب جهانی قرآن است بعنوان یک وظیفه شرعی مورد استقبال ما بوده و جای بسی خوشحالی است که جمع اسلامی ما علی‌رغم همه مشکلات و دشواریهایش سالهاست که در این راه گام برمی‌دارد. نخستین دست‌آورد تلاشهای ما در این زمینه تشکیل فدراسیون سازمانهای اسلامی در اروپا در دومین ماه پیروزی انقلاب اسلامی بود که این فدراسیون دربرگیرنده بالغ بر یازده سازمان اسلامی از ملیتهای گوناگون جهان است. امیدواریم که بتوانیم در این راه به یاری خدا تحت نظر آن مجاهد عزیز گامهای مؤثرتر و اساسی‌تر برداریم. طبیعی است که جهت‌گیریهای دولت جمهوری اسلامی ایران در آینده بخصوص در زمینه پشتیبانی از جنبشهای اسلامی و آزادیبخش جهانی نقش تعیین‌کننده‌ای در تحقق این هدف الهی انقلاب اسلامی ایران خواهد داشت.

اقدام انقلابی شما در زمینه وحدت طلبه و دانشجو که ادامه تلاشهای مستمر و طولانی رهبر بیدار و توانای انقلاب است، نه تنها مورد رضای خدا و در جهت منافع مردم است که اصلیتین رمز تداوم انقلاب اسلامی و پیروزی اسلام عزیز بردشمنان بشریت و مستکبرین عالم است. ما با تمام وجودمان این اقدام فقیهانه را می‌ستاییم و در راه تحققش تا پای جان خواهیم ایستاد. و باز جای بسی سعادت است به اطلاعاتن برسانیم که با شکوهترین و پرمهرترین دست‌آورد ما در اعتصاب غذای بزرگ کلیسای «سنت موریس» شهر پاریس که در دوران حاکمیت طاغوت به خاطر آزادی آن مجاهد عزیز و مجاهد نستوه مرحوم آیت‌الله طالقانی و برادران مبارز عزت‌الله سبحانی و هاشمی و... و دیگر زندانیان سیاسی ایران توسط روحانیون مبارز و اتحادیه برگزار شد، وحدت طلبه و دانشجو بود. بدیهی است تحقق راستین این وحدت اصولی که پشت دشمنان اسلام را به لرزه می‌آورد در گرو ایجاد جوی مناسب است، تا این دوجناح قبل از هر چیز برآستی یکدیگر را بشناسند و به رسالت عظیم الهی و تاریخی خویش پی ببرند و با آگاهی عمیق به لزوم چنین وحدتی گام در این راه نهند و ما مطمئن هستیم که تلاشها و مجاهدتهای شما در راه تحقق این وحدت اصولی نقش تعیین‌کننده‌ای دارد.

فقیه مجاهد، امید امام و امت. دشمنان اسلام و انقلاب اسلامی از غرب و شرق با همه امکاناتشان دست انحرار کار توطئه و تخریب هستند. ما که خود را بخش کوچکی از نهضت عظیم اسلامی ملت مبارز زمان می‌دانیم بی‌شک مصون از این توطئه‌ها و تخریبهای نبوده و باید جداً خود را برای مقابله با آنها بسان گذشته آماده سازیم و این آمادگی را در گرو تحقق رهنمودهای هشیارانه و اساسی آن فقیه مجاهد مبنی بر توکل به خدا و تحکیم مبانی اسلامی و اخلاقی و تهذیب تشکیلات خود و فشرده‌تر ساختن صفوف خویش... و کادرسازی و منظم ساختن کادریهای پراکنده و انسجام بخشیدن به بی‌نظمیها در همه سطوح و شناساندن چهره‌های ناشناخته انقلاب و

رسوا ساختن فرصت‌طلبان و منافقین و متظاهرين... دانسته و حتی ضرورت توجه به این رهنمودهای قرآنی را در همه سطوح از نهادهای نوپای انقلابی جامعه تا همه سازمانها و گروهها و دستجات اسلامی وفادار به انقلاب و رهبری امام امت خمینی بزرگ بطور جدی می‌بینیم، زیرا ایجاد بی‌نظمی و هرج و مرج در مجموعه‌های سازنده پیکره انقلاب و تهی نمودن آنها از نظم تشکیلاتی و در نتیجه رسوخ و تخریب در آنها از اهداف مرحله‌ای دشمنان انقلاب اسلامی ایران و منافقین نابکار در داخل و خارج کشور است. چه بسا که نمودهای کوچکی از اجرای این طرح دشمنان انقلاب اسلام در داخل و خارج کشور مشاهده می‌شود. ولی همه این کسانی که خیال شکست انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی و اسلام عزیز را در مغزهای تهی از شعور انسانی خود می‌پروراندند، از آمریکای جهان‌خوار و صهیونیسم بین‌المللی تا شوروی غاصب و همه نوکران داخلی و خارجی‌شان، باید بدانند که این حرکت عظیم بشری همان گونه که با خون آغاز گشته و با خون به پیروزی رسیده است، با خون هم تا آخرین لحظه از آن پاسداری خواهد شد. ما بار دیگر مخلصانه‌ترین سلامهای خود را به حضورتان تقدیم می‌داریم و با اعلام وفاداری از آن مجاهد نستوه از درگاه بیکران الهی برایتان سلامت و سعادت و طول عمر آرزو داشته امیدواریم به همان گونه که دست علی (ع) در دست پرتوان محمد (ص) تداوم اسلام راستین را تضمین نمود، دست شما در دست سازش‌ناپذیر امام امت خمینی بزرگ ضامن تداوم راستین انقلاب اسلامی ایران باشد.

سلام گرم و وحدت طلب خود را به حضور همه فضلا و مدرسین محترم حوزه علمیه و بخصوص برادران مبارز و طلاب تقدیم می‌داریم و از پایگاه انقلاب و شهر قیام و از جوار پاك و پررحمت حضرت معصومه (ع) عاجزانه التماس دعا و رهنمون داریم. والسلام علیکم و رحمة الله و بركاته.

پانزدهمین نشست (نشست طالقانی) اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان اروپا

فروردین ماه ۵۹

به مناسبت شانزدهمین نشست سالانه اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان در اروپا پیامی خطاب به آیت‌الله منتظری ارسال شد که به علت طولانی بودن آن قسمتهای کوتاهی از آن را نقل می‌کنیم:

... فقیه مجاهد و امید امام امت.

ما می‌دانیم که صحنه‌های جنایت و جباریت جلادان بعضی از خدایی‌خبر و درعین حال کربلای خونین حماسه‌آفرینان شهادت طلب اسلام خاطر شما را مشغول کرده و صحبت از ظلم و ستم و بیعدالتیهای رفته بر ماجای مطلوبی ندارد. اما علیرغم آن از این فرصت کوتاه یاری جسته به نزد پدر به سخن می‌نشینیم. خصومت و دشمنی ابرقدرتهای شرق و غرب نسبت به اسلام تازگی ندارد، تاریخ بشریت صفحه صفحه‌اش گواه این حقیقت است...

... اما به درست و به جرات باید گفت که رهبری پیامبرگونه امام سازش‌ناپذیرمان بود که

انقلاب اسلامی را از افتادن در این منجلاب و در این مسیر ذلت بار نجات داد و به صف اول جبهه مبارزه علیه امپریالیزم آمریکا، صهیونیسم و شوروی غاصب و دیگر مستکبرین جهان هدایت کرد. بنابراین طبیعی است که تضعیف امام خمینی بمثابه بیانگرزنده و شاهد خط سرخ شهادت و سازش ناپذیر اسلام راستین، در دستور کار دشمنان اسلام و انقلاب اسلامی ایران در سراسر جهان غرب و شرق قرار گیرد....

... کسانی و گروههایی که دیروز برای باصطلاح مبارزه علیه رژیم شاه هیچ زمینه وحدتی برایشان وجود نداشت امروز برای درهم شکستن انقلاب اسلامی و بخصوص تضعیف رهبری سازش ناپذیرش با هم متفق شده و همگام با اربابان جهان خوارشان هر روز توطئه تازه‌ای را بر علیه اسلام تدارک می‌بینند. تشکیل کمیته‌های نامقدس باصطلاح مبارزه علیه آمریکا و ارتجاع داخلی ایران متشکل از فدایی و مجاهد و پیکاری و... نمونه کوچکی از آن است. این از خدا بی‌خبران که به نقش اساسی و تعیین کننده انجمنهای اسلامی دانشجویان در خارج از کشور در زمینه افشای چهره ضدانقلاب و دفاع همه جانبه از انقلاب اسلامی و رهبری عظیم‌الشان آن بی‌برده‌اند، می‌کوشند تا از خارج با تهمت و فحاشی و افترا و در بعضی موارد از داخل با اتخاذ روشهای منافقانه انجمنهای اسلامی را به تلاشی بکشانند....

... ما تنها رمز رهایی انقلاب اسلامی از محاصره همه جانبه ابرقدرتها و در نتیجه پیروزی نهایی آن را در گرو وحدت اصولی همه نیروهای مسلمان مؤمن به انقلاب (حوزه و دانشگاه) برحول محور اسلام عزیز و براساس ضوابط و معیارهای انقلابی اسلام تحت رهبری امام خمینی بزرگ دانسته و هرگونه حرکتی در جهت تضعیف چنین وحدتی را شدیداً محکوم می‌کنیم. ما باردیگر پشتیبانی و وفاداری خود را نسبت به آن فقیه مجاهد تجدید نموده از درگاه پر رحمت الهی طول عمر و صحت و سلامتی برای آن وجود ارزشمند و امیدامام و امت آرزو داشته بسان همیشه در انتظار رهنمودهای گرانبدر شما هستیم و از قم شهر خون و شهادت و از جوار مرقد مطهر حضرت معصومه (ع) عاجزانه التماس دعا داریم. والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته.

دیماه ۵۹

در مقابل اینهمه علاقه دانشجویان مسلمان در داخل و خارج از کشور به آیت‌الله منتظری، به خاطر توجه خاص وی به آنها، آیت‌الله منتظری هم در پیامها و خطبه‌های نماز جمعه و جاهای دیگر از آنان پشتیبانی نموده است؛ که به علت کثرت از نقل آنها در اینجا خودداری کرده و علاقمندان عزیز را به مطالعه آنها در مجموعه «گذری بر اندیشه‌های فقیه آیت‌الله منتظری» جزوات «پیامها»، «مصاحبه‌ها» و «خطبه‌های نماز جمعه» توصیه می‌کنیم - بویژه مطالعه خطبه‌های نماز جمعه که در آنها آیت‌الله منتظری از اعتصاب غذا و مبارزه دانشجویان علیه آمریکا پشتیبانی نموده است.

سوای حمایت آیت‌الله منتظری از دانشجویان دانشگاهها، دانش‌آموزان هم همیشه مورد

خطاب و هدایت آیت‌الله منتظری بوده‌اند. کثرت دانش‌آموزانی که هر جمعه برای دیدار با آیت‌الله منتظری به قم سرازیر می‌شوند، همچنین توجه آیت‌الله منتظری به آنها دلیل بر این رابطهٔ حسنه است.

آیت‌الله منتظری برای اول مهرماه ۵۹ جهت ایجاد یکپارچگی و وحدت بین دانش‌آموزان و به حمایت از آنها، دعوت به یک راهپیمایی نمود. به دنبال این دعوت میلیون‌ها نفر از دانش‌آموزان ایرانی، همراه معلمان و اولیاء خود، در یک راهپیمایی پرشکوه و وحدت‌بخش شرکت کردند. برپایی این راهپیمایی به دعوت آیت‌الله منتظری، تمام گروهک‌های ضدانقلاب را که قصد داشتند مدرسه را پایگاه فعالیت‌های ضدانقلابی خود نمایند به وحشت انداخت و یکباره بی‌ارزشی آنها را برملا ساخت.

این روز و این راهپیمایی کم‌نظیر محصلین، بیش از پیش وحدت روحانیت و دانش‌آموزان را برای جهانیان مطرح ساخت و بویژه توجه دانش‌آموزان را به رهبرهای مذهبی‌شان برای قدرتهای کافر جهان و ایادی داخلی‌شان روشن نمود.

اما نظام آموزش طلبگی یا سیستم حوزه‌های، روشی است که در آن علوم اسلامی و آگاهی‌های مذهبی کسب می‌شود. تفاوت نظام آموزش طلبگی با نظام آموزش دانشگاهی زیاد است و می‌توان گفت که این دونظام اصولاً دو روش کاملاً مجزا و متفاوت دارند. شهید شریعتی گفته: «طلبه عمر مسئولیت اجتماعی‌اش با عمر حیاتش یکی است و تا مرگ مسئول افکار مردم و سرنوشت مردم می‌ماند.»

در حوزه‌های علمیه، روح صفا، صمیمیت و اخلاص و معنویت حاکم است و برادری عجیبی بین استاد و دانشجو وجود دارد. تکرار و تمرین و یادگیری درس توسط مباحثه انجام می‌گیرد نه از طریق حفظ کردن بی‌روح. ارتقاء از کلاسی به کلاس بالاتر به تشخیص و تصمیم آزاد دانشجو بستگی دارد. تزکیه بر تعلیم و ایمان بر علم مقدم است. التزام به خودسازی و توجه به ایثار و سادگی وجود دارد. تعلیم و تعلم به خاطر خدا است. درحوزه‌های علمیه برای یک نفر که علاقه به تحصیل دارد محدودیت سنی نیست، هر کس از هر وقت که خواست می‌تواند شروع کند. مدت تحصیل محدود نیست. طلاب می‌توانند آزادانه هر درسی را انتخاب کنند و برای یک درس هراستادی را که مایل باشند برگزینند. ضمناً هر محصل برای خود یک هم‌مباحثه پیدا می‌کند تا بتواند درسها را با او به مباحثه بگذارد.

از خصوصیات مهم مدارس علمیه وجود مساوات، سکونت دانشجو در مدرسه، وجود کتابخانه در کنار یا در خود مدرسه، یکرنگی با استاد و... می‌باشد. در مدرسه و درچنین محیط آزادی، طلاب از نظر فکری و سیاسی می‌توانند رشد لازم را بنمایند و به همین جهت حوزهٔ علمیهٔ قم یکی از پیشرفته‌ترین مراکز مبارزه با ستم در رژیم سابق بود و مرکز اصلی مبارزه با آمریکا در این زمان است. کوتاه سخن، این طلبهٔ حوزه و آن دانشجوی دانشگاه باید با هم متحد شوند تا جامعه

با اتحاد و یکپارچگی آنها از برکت آگاهیهای اسلامی و دانشهای مدرن استفاده برد. رژیم سابق بسیار کوشید که بین روحانی و دانشگاهی، حوزه علمیه و دانشگاه، فاصله اندازد، اما با کمال خوشبختی چنین آرزویی را به گور برد. امام خمینی در رابطه با وحدت دانشگاه و حوزه علمیه فرموده‌اند:

اگر بخواهند این ملت را بشکافند و تحت سلطه بیاورند باید مردم را از این روحانیت جدا و آنها را از هم جدا کرد. خوب بین دانشگاه و روحانی چرا اینطور اختلاف ایجاد کردند که در دانشگاه نشود اسم روحانی را برد، و دانشگاهی که بخواهد نماز بخواند بطور قاطع نماز بخواند و در مدرسه‌های ما هم اگر اسمی از دانشگاه بیاید او را بخوبی دریافت نکنند. این هم روی همان مطالعاتی که آنها دارند و این دیگر واجبتر است که این دوقشر مغز متفکر جامعه‌اند. این دوقشر را اگر از هم جدا کنند می‌توانند کارهایی را که می‌خواهند انجام بدهند و این دوقشر اگر با هم اتصال پیدا کنند اینها نمی‌توانند مقاصد خودشان را انجام بدهند و لهذا قلمها و نطقها و رسانه‌ها و اینها که در خدمت اجانب بود به کار افتادند. اینها را از هم جدا کردند و دشمن کردند و در هر قشری هم ایجاد اختلافات کردند. حالا که اینها دیدند آن قدرت اسلام را دیدند و قدرت روحانیون را دیدند و قدرت دانشگاه را دیدند که یک چنین قدرت شیطانی را اینها با هم وقتی که شدند سرنگون کردند که در دنیا کسی احتمال این را نمی‌داد...

(سخنرانی امام در پایان سمینار حوزه دانشگاه انقلاب فرهنگی)

شاگرد مخلص و یار باوفای امام خمینی، آیت‌الله منتظری بر اساس همین اندیشه وحدت‌زا است که پیشنهاد وحدت حوزه و دانشگاه را مطرح کرده و در این باره تلاش فراوانی هم نموده است.

فعالیت برای تأسیس «جامعه‌الامام الصادق» در تهران به وسیله آیت‌الله منتظری دلیل زنده‌ای است بر علاقه وی به ایجاد وحدت بین طلبه و دانشجو. لازم می‌بینم گزارشی را در این زمینه نقل کنم:

به مناسبت میلاد مسعود حضرت بقیة‌الله اعظم امام زمان (ع) حضرت آیت‌الله منتظری پس از ایراد سخنانی نخستین کلنگ جامعه‌الامام الصادق را به زمین زدند. حضرت آیت‌الله منتظری در آغاز این مراسم گفتند: «همیشه به فکر بودم به نحوی بین حوزه علمیه و دانشگاه ارتباطی برقرار شود - یک یک بتوانند تبادل علمی و فکری نموده همیشه در کنار هم نقش پیشبرد فرهنگ اسلام و رهبری جامعه را به عهده گیرند. پس از پیشنهاد وحدت حوزه علمیه و دانشگاه و استقبال دانشجویان و روحانیون محترم از آن و عنایتی که حضرت امام خمینی فرمودند به این فکر بودم که مرکزی نیز به این منظور تأسیس شود تا دانشجویان و روحانیون جهان اسلام بتوانند زیر نظر اساتید مؤمن و متعهد دانشگاهی و اساتید حوزه‌های علمیه به کسب علوم و معارف بپردازند. به همین منظور این زمین ایجاد شد و از این پس متعلق به امام صادق علیه‌السلام گردید و نام آن را

جامعه‌الامام الصادق گذاشته و از مردم می‌خواهیم تا همت کرده در بنای آن شرکت نمایند.»
 آیت‌الله منتظری افزودند: «همان گونه که انگلیس در هندوستان تلاش می‌کرد تا بین سنی و شیعه و حتی گروه‌های شیعه به عناوین گوناگون اختلاف انداخته بتواند به حیات استعماریش ادامه دهد، در ایران نیز ابرقدرتها توسط همین عمالشان این شیوه را به کار گرفتند غافل از آنکه ملت مسلمان ایران آگاهتر از این است که فریب این دغلبازیه‌ها را بخورند. ما از دانشجویان می‌خواهیم که این مرکز صرفاً متعلق به همهٔ مسلمین و آموزش معارف اسلام باشد و متعلق به گروه خاصی نباشد.»

پیشنهاد وحدت روحانی و دانشگاهی مورد استقبال شایان روحانیت مبارز و دانشگاهیان متعهد و انقلابی قرار گرفت. در این جا نمونه‌هایی از خبرها و تلگراف‌های مبادله شده در این باره را نقل می‌کنیم:

۱-

حضرت آیت‌الله منتظری

از تشکیل سمینار مشترك روحانیت مبارز و دانشگاهیان متعهد و مسئول به منظور استحکام جبههٔ اسلامی ضد استبداد، ضد استعمار و ضد استثمار به رهبری امام خمینی کبیر استقبال و منتظر دستورات جناب عالی هستیم.

جامعهٔ اسلامی دانشگاه رازی - کرمانشاه

این تلگراف در پاسخ تلگراف جامعهٔ اسلامی دانشگاه رازی از سوی حضرت آیت‌الله منتظری به کرمانشاه مخابره شد:

بسمه تعالی

توسط آقای محمد عباس‌زادگان، جامعهٔ اسلامی دانشگاه رازی، تلگرام شما به مناسبت تأیید سمینار روحانی و دانشجوی رسید. ضمن تشکر فراوان توفیق شما را در تحکیم وحدت کلمه و پیشبرد انقلاب عظیم اسلامی و خنثی کردن توطئه‌های عوامل استثمار از خدای بزرگ خواهانم. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

حسینعلی منتظری

۲-

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر رهبر عظیم‌الشان انقلاب اسلامی، امام خمینی. ضمن درود فراوان مستحضر می‌داریم، پیشنهاد انقلابی فقیه عالیقدر و مجاهد بزرگ امام جمعهٔ تهران حضرت آیت‌الله آقای منتظری در مورد سمینار روحانی و دانشجویان که ملهم از جوهر اسلام و تعالیم عالیهٔ قرآن و تذکرات مکرر آن رهبر بزرگ می‌باشد و واجد ابعاد و ثمراتی فراوان برای وحدت اسلامی است از نظر

دانشگاهیان اقدامی بسیار حیاتی در این برهه حساس زمان می‌باشد. باشد تا با تأیید خداوند متعال و راهنمایی امام و همت مسلمین این امر جامه عمل پوشیده و کلیه دسایس بیگانه و بیگانه‌پرست طهاران در نطفه خفه شود.

استادان مسلمان دانشگاه صنعتی اصفهان

۳-

محضر مبارك فقيه عالمقام حضرت آيتالله العظمی منتظری دامت برکاته. با تقدیم سلام و تهیت طول عمر و دوام توفیق بیشتر آن جناب را از خداوند خواهانیم. پیرو توصیه رهبر عالیقدر انقلاب حضرت امام خمینی ارواحنا فداه و پیشنهاد آن جناب مبنی بر ارتباط بیشتر و تشکیل سمینارهای مشترک میان دانشگاهیان و حوزه‌های علمیه، جامعه روحانیت مبارز اصفهان آمادگی خود را برای تشکیل این سمینارها و شرکت در آنها اعلام داشته و پشتیبانی قاطع خود را از این طرح سودمند ابراز می‌داریم. والسلام علیکم و رحمۃ الله و برکاته.

جامعه روحانیت مبارز اصفهان

۴-

روز دوشنبه سوم مهرماه پنجاه و هشت، اولین سمینار مشترک دانشگاه مشهد و حوزه علمیه خراسان که از طرف آیت‌الله منتظری پیشنهاد شده بود در مشهد برگزار شد. در این سمینار که به وسیله روحانیون و دانشگاهیان در مدرسه نواب مشهد برگزار شد، عده‌ای از دانشگاهیان زن و مرد و روحانیون مشهد شرکت داشتند.

۵-

دفتر آیت‌الله منتظری اطلاع داد: پیرو پیام حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی و پیشنهاد آیت‌الله منتظری، مبنی بر همکاری بیشتر بین حوزه‌های علمیه و دانشگاهها، بعد از ظهر دیروز عده‌ای از اعضای هیئت علمی دانشگاهها و جامعه اسلامی دانشگاهیان ایران با آیت‌الله منتظری ملاقات کردند. در این جلسه مسأله همکاری و تشکیل سمینارهای مشترک بین حوزه‌های علمیه و دانشگاهها مطرح و تصمیم گرفته شد کمیته‌ای مرکب از پنج نفر از اساتید دانشگاه و پنج نفر دانشجوی تشکیل شود تا مقدمات این همکاری و مراحل اجرائی آن را فراهم آورند.

علاوه بر موارد فوق، اظهار نظرهایی هم در این مورد شده است که یکی از آنها را تحت عنوان «پیوند دانشگاه و روحانیت» در اینجا نقل می‌کنیم تا خوانندگان عزیز استقبال از پیشنهاد انقلابی وحدت دانشگاه و حوزه علمیه را ارزیابی کنند:

اولین پیام آیت‌الله منتظری در مقام امامت جمعه تهران پیوند دانشگاه مرکز روشنفکری با مراکز علوم اسلامی و روحانیت مبارز بود.

مشکل اصلی روشنفکران جامعه ما که اکثریتشان را دانشگاه دیدگان تشکیل می‌دهند، در

مبارزه و رهبری توده‌ها، نداشتن يك رابطه ارگانیک و ساده با آنها بوده است. محیط‌های دانشگاهی ما، اگر چه صداقت بسیاری در آنها نهفته است و اکثریت آمار شهدای دورهٔ خفقان و مبارزات مخفی را روشنفکران و دانشگاهیان تشکیل می‌دهند، معذراً به علل شرایط نامساعد دورهٔ اختناق و تبلیغات شدید رژیم و عدم آشنایی مبارزان با زبان توده‌ها، این کانونهای پرشور انقلاب نتوانسته‌اند آنچنان که شایستهٔ آنهاست در میان توده‌های شهری و روستایی مردم جای گیرند و ارتباط نزدیک و ارگانیک با آنها برقرار نمایند.

از طرف دیگر روحانیت ایران و بخصوص روحانیت مبارز، به خاطر ارتباط نزدیک و ساده‌ای که می‌توانسته با توده‌های مردم برقرار نماید و به خاطر ایمان عمیق مردم به مذهب و انگیزهٔ مبارز بودن خود مذهب، در قلوب مردم شهری و روستایی جا باز کرده است. البته حساب روحانی‌نماهای وابستهٔ درباری را از «طلبه‌های کوشا و مبارز» حوزه‌های علمیه و روحانیت مبارز جدا باید کرد. هر قدر روحانیت مبارز به خاطر حمایت از مستضعفین محبوب توده‌ها می‌باشد، روحانی‌نماهای درباری منفور مردم بودند.

دانشگاه مرکز برخورد آرا و عقاید علما و دانشمندان سراسر جهان است. امروز به خاطر رشد بی‌حد و حصر وسایل ارتباطی، افکار و عقاید قابل نفوذ، به سرعت اشاعه می‌یابد. هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند بدون بهره‌گیری از ثمرات فکری جوامع دیگر به پیش رود. مفاهیم استعمار فرهنگی، غریب‌زدگی، شرق‌گرایی را نباید با برداشتهای صحیح و منطقی از مفاهیم فرهنگ غرب یا شرق اشتباه کرد. مبارزه با غریب‌زدگی به معنای بستن درهای کشور به روی اندیشه‌های صحیح و علمی غرب نیست. اصولاً در لاک خود فرورفتن با فرهنگ اسلامی نیز مخالفت دارد. يك مسلمان حرفها را می‌شنود و از بهترین آنها پیروی می‌کند. از این رو دانشگاههای ما می‌تواند محل انتخاب بهترین اندیشه‌ها از سراسر گیتی باشد و پیام‌آور بهترینها برای توده‌ها. مراکز روحانیت نیز به خاطر مطالعات عمیقی که در اصول اسلامی دارند و به خاطر پایگاه محکمی که در میان توده‌ها دارند می‌توانند این بهترینها را بر اساس موازین اسلامی و در چارچوب اصول عقیدتی اسلام به زبان ساده به توده‌ها انتقال دهند. البته ناگفته نماند که این به معنی آن نیست که خدای ناکرده دانشگاهیان نمی‌توانند در اصول فقهی اجتهاد کنند یا روحانیت از اجتهاد در اصول علمی محض عاجزند. چه بسیار دانشگاهیان بودند و هستند که در عین آشنابودن با علوم طبیعی، تجربی و غیره با اسلام نیز چون يك روحانی آشنایند و چه بسیارند روحانیونی که هم در فقه عالمند و هم در علوم غیر مذهبی.

پیوند بین دانشگاه و مراکز روحانیت می‌تواند نویدی باشد برای ادامهٔ حرکت انقلاب اسلامی در يك خط صحیح و صراط مستقیم، به دور از انحرافات راست روانهٔ سنتی و چپ‌گرایانهٔ افراطی. همان طور که در این انقلاب مشخص شد، پیوند روحانیت مبارز و دانشگاهیان، در پیروزی مرحلهٔ نخست انقلاب تأثیر بسزایی داشت. آنچه مسلم است روحانیت در شکل سنتی خود به هیچ وجه نمی‌تواند انقلاب را در مسیر اصلی اسلام هدایت نماید و دانشگاه نیز به علت نداشتن ارتباط

نزدیک از بیان حقایق برای توده‌ها محروم است.

پیوند دانشگاه و روحانیت می‌تواند اولاً گرایش‌های انحرافی در روحانیت را مانع گردد و سبب رشد اسلام انقلابی شود و در ثانی با ارائه يك ایدئولوژی اصیل، که پاسخگوی تمام نیازهای جوانان و توده‌های مردم باشد، از انحراف و وازدگی جوانان به سوی مکتب‌های دیگر مانع شود. جوان پرشور و انقلابی دانشگاه دیدهٔ امروزی که با مکاتب فکری مختلف آشنا شده است، جوان پرشور و انقلابی روشنفکر که هر لحظه در فکر ارتقاء دانش و پیش خودمی‌باشد، دیگر نمی‌تواند اسلام را در شکل سنتی و متحجر و تحریف شدهٔ آن بپذیرد.

پالایش اسلام از تحریفات چند صدساله وظیفهٔ اصلی روحانیون و دانشگاهیان مسلمان و متعهد است.

پیشنهاد آیت‌الله منتظری برای برقراری سمینارهای مشترک دانشگاهیان و طلاب علوم دینی می‌تواند رهنمودی برای انجام این مهم باشد. در مباحثات آزاد بین گروه‌های فقها و دانشگاهیان است که شکها و شبهات از بین می‌رود و وحدت فکر و عمل به منصف ظهور می‌رسد. تازمانی که فاصله‌ای میان دانشگاه و مراکز روحانیت وجود دارد، امکان بروز انحراف در هر دو مسیر وجود دارد؛ کما اینکه در طول چندین دههٔ گذشته، از مشروطیت تا به حال، در دو مسیر زمینهٔ انحرافات را به چشم دیده‌ایم.

برای آنکه هم دانشگاهیان پایگاه توده‌ای مستحکمی بیابند و هم روحانیت با مفاهیم علمی جدید آشنا شود و هم آموزه‌های اصیل اسلام را به دانشگاه جریان دهد، وحدت دانشگاه و حوزه‌های علمیه ضروری است.^۱

اولین ثمرهٔ همبستگی روحانی و دانشگاهی، با شرکت آیت‌الله منتظری در مراسم افتتاح دانشگاه تهران - اول مهر ماه ۱۳۵۸ - تجلی کرد. بدین صورت که وقتی دانشجویان و دانشگاهیان تهران تصمیم به رفتن به کلاس و شروع کردن درس گرفتند، برای افتتاح دانشگاه آیت‌الله منتظری را از جامعهٔ روحانیت مبارز دعوت کردند و او هم طبق روش همیشگی‌اش از این دعوت با اغوش باز استقبال نمود و در مراسم فوق سخنان سازنده‌ای ایراد کرد. در این مراسم آیت‌الله منتظری به عنوان اولین سخنران، ضمن اشاره به از دست دادن آیت‌الله طالقانی گفت:

دانشجویان عزیز با فداکاری و با خون دادن و شهیدان نقش فعالی در واژگون کردن رژیم طاغوتی پهلوی داشتند. امیدوارم که در سازندگی آیندهٔ کشور هم متوجه وظیفهٔ حساس و موقعیت خودتان باشید و پیشرفت به فعالیت و کوشش شما دانشجویان احتیاج دارد. شما نیروی انسانی کشور ما هستید. کشور ما از جهت معادن، آب و خاک غنی است. متأسفانه وابستگی انسانی به

کشورهای استعمارگر کشور ما را عقب نگاه داشته است. امیدوارم در اثر کوشش شما در درس خواندن و اینکه نیازهای آینده کشور را در همه رشته‌هایی که کشور احتیاج دارد در اثر درس خواندن خود کفا کنید. این وظیفه خیلی مهمی است به دوش شما. از همه وظایف مهمتر است. رژیم طاغوتی را شما خراب کردید و امیدوارم شما کشور را بسازید و نگویید دولت بایستی کشور را بسازد. کشور خود شماست. کشور شما جوانان است. ما پیرمردها دیگر جزیره‌رفته‌ها هستیم. کشور مال شماست و امیدواریم در اثر درس خواندن و فعالیت کردن نیازهای کشور را جبران نمایید. بیشتر ببینید کشور چه جور نیازهایی دارد، از جهت علم و دانش و تکنیک که در اثر زحمت و کوشش شما نیازهای کشور برطرف می‌شود.

طرح پیشنهادی آیت‌الله منتظری در سالگرد شهادت علامه مجاهد مرحوم سید مصطفی خمینی فرزند ارشد امام خمینی در دانشکده الهیات دانشگاه تهران در حضور عده کثیری از شخصیت‌های روحانی و دانشگاهی و طبقات مختلف مردم به اجرا درآمد.

در اولین سمینار وحدت دانشگاهیان و روحانیون، علاوه بر شخصیت‌های برجسته، آیت‌الله منتظری که خود طراح این سمینار بود سخنانی ایراد کرد.

وی ضمن تسلیت به امام برای سالگرد وفات فرزندشان، به بیان خصایل ذاتی، تقوی، انسانیت و کمالات مرحوم حجت‌الاسلام علامه مصطفی خمینی پرداخت. آنگاه به بررسی عوامل پیروزی اشاره کرد و فرمود:

سه عامل ایمان، همبستگی تمام اقشار و رهبری صحیح باعث پیروزی ملت ایران در برابر رژیم طاغوت شد و حال این نکته را دشمن دریافته و قصد دارد با از بین بردن اتحاد و تضعیف رهبری به مقصود خود یعنی نابودی انقلاب برسد. لذا توصیه من به شما حفظ وحدت است. شما دختران و پسران که در اینجا هستید و مانند فرزندانم شما را دوست دارم و نورچشم ملت هستید، کشور ما از لحاظ خاک، آب، معدن غنی است و بیش از هر چیزی، فقط، به نیروی انسانی متخصص و مبتکر احتیاج دارد و درحالی که مبارزه خود را ادامه می‌دهید درس و بحث و تحقیق را رها نکنید. به نظر من جوانان ایرانی در هوش و ذکاوت از جوانان غربی بالاترند. منتها دشمن با تبلیغات سوء اتکاء به نفس را در میان جوانان از بین برده است. پس شما دانشجویان کوشش کنید و دولت هم باید در این راه کمک کند زیرا يك دولت اسلامی است نه يك دولت طاغوتی.

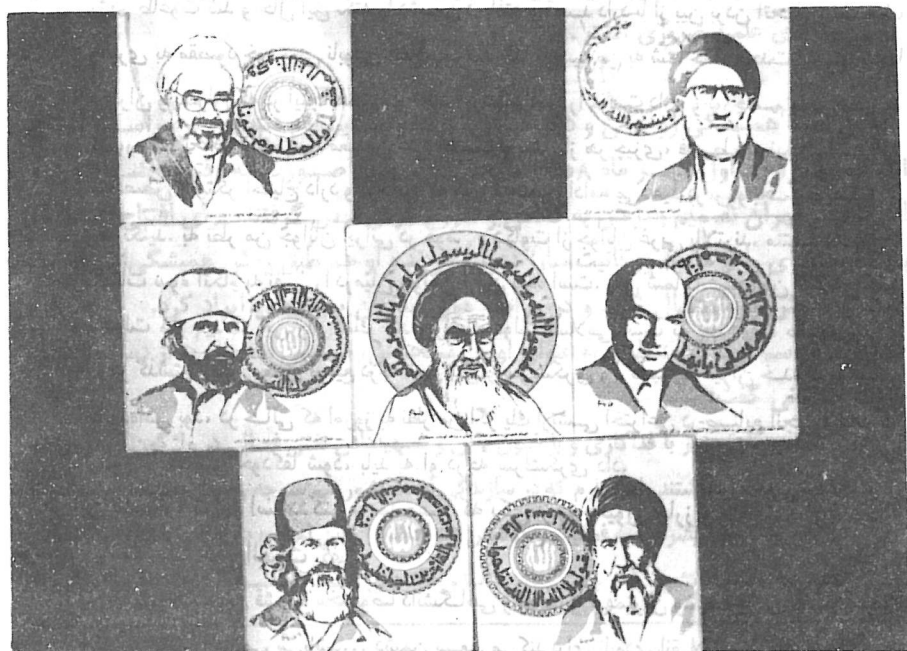
در گذشته ارتش معنای ترفیع درجه، سرتیپی و سرلشکری و ارتشبدی، میزان خدمت به شاه و خانواده‌اش بود، در حالی که امروز به نظر من اگر يك ارتشی اختراعی در صنایع انجام دهد که ارتش در قسمتی خود کفا شود، باید به او درجه سرلشکری داد.

در این سمینار، شهید استاد دکتر محمد مفتاح که یکی از روحانیون مبارز و برجسته ایران بود، در مقام ریاست دانشکده الهیات گفت:

حفظ وحدت بین قشرها مخصوصاً دانشگاهی و روحانی مهمترین وظیفه ما در پاسداری از انقلاب عظیم اسلامی می‌باشد... دشمن سعی می‌کند برای نابودی انقلاب میان اقشار فاصله



افتتاح دانشگاه تهران - اول مهرماه ۱۳۵۸



بیندازد و لذا ما با تشکیل این مجالس و بررسی نقطه‌نظرهای خود نقشه دشمن را نقش بر آب می‌کنیم و لذا در این مجلس از فرصت بدست آمده استفاده کرده مسائل زنده روز را تکرار و بررسی می‌کنیم... این مطلب را بدون تردید عرض کنم که هیچ کدام معصوم نیستیم. هیچ روحانی، هیچ دانشگاهی و هیچ يك از اقشار دیگر نمی‌تواند ادعا کند که در طول زندگی اشتباه نکرده است.

در انتخابات مجلس خبرگان و در مجلس خبرگان ممکن است اشتباهاتی به وجود آمده باشد و ما نمی‌توانیم ادعا کنیم تمام کارها و فعالیتهای ما صددرصد صحیح انجام شده است. بنابراین اگر دلسوزی به حال مملکت و انقلاب داریم، در جلسات و سمینارهایی که تشکیل می‌شود بنشینیم و نقطه نظرهای خود را دوستانه بگوییم و راه‌چاره را پیدا کنیم... در این شرایط صنف و لباس در کل قضیه تأثیری ندارد و ما باید مانند قبل از انقلاب مجدداً دست در دست هم مبارزه را ادامه دهیم و برای رضای خدا امامان را تنها نگذاریم. در پایان امیدوارم هر چه زودتر دفتر مشترکی بین این دو طبقه تأسیس شود.

در همان حال که روحانیون دلسوز و مبارز، این گونه برای انقلاب و اسلام و امت دلسوزی می‌کنند، روشنفکرانی که از وحدت روحانی و دانشگاهی می‌ترسند، طرح پیشنهادی آیت‌الله منتظری را به دیده مسخره آمیز نگریسته در لباس مذهب به دلسوزی می‌پردازند و هیاهو می‌کنند که مگر می‌توان بین سرمایه‌دار و کارگر، بین فتودال و کشاورز، بین مستکبر و مستضعف وحدت ایجاد کرد!

من هنوز این سؤال برایم روشن نشده که در دو قشر روحانیت مبارز و دانشگاهی متعهد، کدامیک دارای اوصاف فوق هستند که اتحاد آنها در نظریه «آشتی ناپذیری طبقات متضاد» خلل ایجاد می‌کند؟

علی‌رغم آیه‌های یأس اشخاص و گروههایی که خود را «گم کرده» یافته‌اند، سمینارها و مجالس با شکوهی از قشرهای مختلف دانشگاهی و روحانی تشکیل شده و می‌شود. یکی از ارزنده‌ترین سمینارها از این نوع، سمینار بررسی قانون اساسی مصوب مجلس خبرگان بود که در آخر ماه ۵۸ در دانشگاه تهران با شرکت روحانیون و دانشگاهیان تشکیل گردید.

پس از گذشت يك سال و سه ماه از پیشنهاد ایجاد وحدت بین روحانی و دانشگاهی، باز به پیشنهاد آیت‌الله منتظری در آخر ماه ۵۹، سالگرد شهادت روحانی مبارز و استاد دانشگاه، حجت‌الاسلام دکتر محمد مفتاح، «۲۷ آذر» به عنوان «روز وحدت روحانی و دانشگاهی» نامگذاری گردید که مورد موافقت و قبول دانشجویان و استادان مسلمان دانشگاهها و جوامع روحانی قرار گرفت و بدین مناسبت مراسمی در دانشگاهها و حوزه‌های علمیه برپا گشت.

امید است که وحدت همه اقشار ملت و همه نیروهای همجهت، که از اصول اولیه غلبه بر خصم بود، روز به روز تحکیم گردد تا بدین وسیله پیروزی نهایی را به دست آوریم.

مراجعت به شهر قیام

حضرت آیت‌الله منتظری پس از نزدیک به پنج ماه حضور در تهران به عنوان نماینده مردم در مجلس خبرگان و ریاست این مجلس و امامت جمعه تهران، به قم، شهر قیام و آزادگان، بازگشت (دیماه ۱۳۵۸ شمسی).

وی در استعفایش از نماز جمعه تهران خطاب به امام خمینی، علت ترك تهران و سکونت در قم را بیان کرده است و آن علاقه مفراط او به حضور در حوزه علمیه و شرکت در مباحثات و مذاکرات علمی است.

متن استعفانامه آیت‌الله منتظری از نماز جمعه تهران که به پیشگاه حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی رهبر و بنیان‌گذار انقلاب اسلامی ایران فرستاد چنین است:

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر مقدس آیت‌الله العظمی حضرت امام خمینی مدظله‌العالی پس از سلام به عرض می‌رساند ضمن تجدید تشکر از اینکه حضرت عالی این جانب را به عنوان امام جمعه تهران نصب فرمودید، چون من علاقه مفراط دارم که در حوزه علمیه قم باشم و به مباحثات و مذاکرات علمی ادامه دهم لذا از محضر حضرت عالی تقاضا می‌کنم يك نفر از آقایان واجد شرایط را به عنوان امام جمعه تهران برای ادامه نماز جمعه در دانشگاه تعیین فرمایید. ادام‌الله ظلکم. حسینعلی منتظری

۲۳ دیماه ۵۸ برابر با ۲۴ صفر ۱۴۰۰ هـ ق

امام امت خمینی بزرگ با قبول این استعفا و نصب حجت‌الاسلام سیدعلی خامنه‌ای به سمت امامت جمعه تهران، حوزه علمیه قم را با وجود آیت‌الله منتظری نوری دیگر بخشیدند. آیت‌الله منتظری در قم به فعالیت پرداخت و در این مدت علاوه بر رسیدگی به امور حوزه علمیه، کار هماهنگی قضات دادگاههای انقلاب را نیز برعهده داشت.

آنچه مشخص است، آیت‌الله منتظری در تعیین قضات و نظارت بر دادگاههای انقلاب، مطمئنترین و نزدیکترین شخص برای رهبر انقلاب امام خمینی می‌باشد به طوری که می‌توان گفت مشاور قضایی امام خمینی، آیت‌الله منتظری است و همان گونه که خواهد آمد، حتی قسمتی از اختیارات قانونی خودشان را در این زمینه به آیت‌الله منتظری سپرده‌اند.

گزارش زیر حاکی از آن است که آیت‌الله منتظری برای امام خمینی در زمینه قضا مشاور مطمئنی است:

«عصر روز ۵۹/۱/۱۶ حضرت آیت‌الله منتظری در تهران با امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران ملاقات و مذاکراتی انجام دادند، در پایان این ملاقات حضرت آیت‌الله منتظری به خبرنگار روزنامه جمهوری اسلامی گفت: پیرامون دادگاههای انقلاب با امام مذاکره شد و امام فرمودند با وضع دادگستری کشورمان تا مادامی که دادگستری‌مان بازسازی نشده و مطابق میلان نیست باید دادگاههای انقلاب وجود داشته باشند.»

از طرفی آیت‌الله منتظری به اتفاق آیت‌الله مشکینی مأمور نصب قضات شرع می‌شوند و آنان

با ارسال بخشنامه‌ای به دادسراهای انقلاب، نظارت خودشان را بر امور قضایی دادگاههای انقلاب نشان دادند. متن بخشنامه مذکور از این قرار است:

بسم الله الرحمن الرحيم

حضور محترم دادستانها و قضات دادگاههای انقلاب سراسر کشور جمهوری اسلامی ایران دامت توفیقاتهم. پس از سلام از آنجا که انقلاب ایران براساس اصول و قوانین حیاتبخش اسلام استوار است لذا هیچیک از مؤسسات و ارگانهای انقلاب نمی‌توانند بدون رعایت ضوابط دقیق اسلامی نقشی ایفاء نمایند بویژه دادسراهای انقلاب که مسئول شناسایی و دستگیری و محاکمه عناصر ضد انقلاب می‌باشند.

اینجانبان که از طرف رهبر انقلاب حضرت آیت‌الله‌العظمی امام خمینی مسئول نصب قضات شرع شده‌ایم از عموم دادستانها و قضات شرع تقاضا می‌کنیم نکات زیر را نصب‌العین خود قرار دهند.

۱- احراز جرم باید به وسیله طرق شرعی و موازین اسلامی انجام شود و به شایعه‌ها و یا شهادت افراد فاسد یا مغرض و یا مشکوک ترتیب اثر داده نشود.

۲- ملاک و معیار قضاوت باید حق و عدالت و قوانین و دستورات اسلامی باشد و قضات دادستانها کمال احتیاط را رعایت کنند و تحت تاثیر احساسات و یا تبلیغات و جنجالها و انگیزه‌های غیرالهی و روحیه انتقامجویی و احياناً جوهایی ساختگی و اوضاع و احوال محلی قرار نگیرند و به نفع و ضررهای شخصی ترتیب اثر ندهند و حتی‌المقدور در قضاوت نسبت به امور مهم با علماء معتمد و متعهد و مسئول محل نیز مشورت کنند.

۳- با متهمین و محکومین باید با آداب و اخلاق انسانی رفتار شود و بدون جهت با حیثیت و عرض بندگان خدا بازی نشود و از هر نحو اهانت و تحقیر و شکنجه پرهیز گردد.

۴- پس از ثبوت جرم در مقام اجراء صراحت و قاطعیت به کار برده شود و از هر نحو اغماض و محافظه کاری و واسطه‌بازی و سفارش و شفاعت جداً باید پرهیز شود که در حدیث است خداوند قهار به پیغمبر اکرم (ص) خطاب کرده و فرمود: یا محمد من عطل حداً من حدودی فقد عانتی و طلب بذلك مضافتی (هرکس حدی از حدود مرا تعطیل کند با من عناد و ضدیت کرده است). اجراء کنندگان حدود حق ندارند از مقدار تعیین شده تجاوز کنند که در صورت تجاوز به مقدار زائد، از آنان قصاص می‌شود.

۵- اگر مجرم از روی جهل یا شبهه‌کاری را انجام داده یا نحوه عمل مشکوک باشد حد شرعی اجرا نمی‌شود. چنانچه در حدیث است (الحدود) باید توجه شود اگر گناهکاری فرضاً از روی شبهه‌ها گردد بهتر است از اینکه بیگناهی مؤاخذه شود.

۶- خط مشی قضائی باید به گونه‌ای تنظیم گردد که مسئولیتها مشخص شود. قضات باید فقط در مسائل مربوط به انقلاب دخالت و اظهار نظر کنند و از دخالت در امور جزئی

و عادی که از محدوده کار آنها بیرون است بپرهیزند و قوای انتظامی و پلیس و سپاه پاسداران نباید در کار دادستانی و قضات دخالت کنند و بدون دستور دادستانی و حکم حاکم شرع حق بازداشت و یا تعزیر و یا مصادره و توقیف اموال را ندارند هرچند افراد انقلابی باشند زیرا انقلابی بودن ارگانها مجوز هرج و مرج و بی انضباطی و بی نظمی نمی شود. پاسداران و پلیس باید فقط مجری دستورات دادستانها و قضات شرع باشند و در اجراء هیچ تخلف و یا کم و زیاد نکنند.

۷- سعی شود دادرسی انقلاب اسلامی با دیگر بنیادهای انقلابی و دولتی هماهنگ باشد. این هماهنگی با تشکیل جلسات مشورتی منظم با مسئولین ارگانهای مختلف دولتی عملی خواهد شد.

۸- در کار قضائی يك سازمان دهی منظم و منسجم لازم است. کوشش شود در این سیستم از عناصر متدین و مبارز و دور از ساده اندیشی و با افکار انحرافی و التقاطی که ضمناً پایگاه مردمی نیز داشته باشند استفاده شود.

۹- مصادره اموال باید بر اساس موازین اسلام باشد. ممکن است کسی مجرم باشد ولی همه اموال و یا بعضی اموال او از راه مشروع به دست آمده باشد در این صورت مصادره جایز نیست. زیرا اموال مسلمانان محترم است. فقط مصادره اموالی جایز است که از راه غیر مشروع به دست آمده باشد و در صورت مصادره مال مصادره شده را بایستی به افراد متدین و امین تحویل داد که بر طبق موازین اسلامی نسبت به آنها عمل کنند نه اینکه اموال مصادره شود و به حال خود رها گردد.

۱۰- هرچند وقت يك بار خلاصه پروندهها و کارها به دفتر اعزام قضات در قم گزارش شود و در کار باشد که با دفتر اعزام قضات تماس گرفته شود.

۱۱- لازم است دادرسیها و قضات شرع رابطه خود را با ملت قطع نکنند و به مراجعات و مشکلات مردم توجه کنند و حتی المقدور گزارش کارهای انجام شده را در اختیار مردم ستمدیده و محروم قرار دهند. و السلام علیکم و علی جمیع اخواننا المسلمین و رحمت الله و برکاته.

۵۸/۱۲/۴ قم - حسینعلی منتظری - علی مشکینی

مفاد این بخشنامه بطور روشن احساس مسئولیت این دو بزرگمرد حوزه علمیه قم را که در حساسترین مقطع زمانی برای حفاظت از کیان اسلام و فقه شیعی دست به دست هم داده اند برای مردم مسلمان ایران و تاریخ انقلاب اسلامی بیان می کند.

از آنجا که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قوه قضائیه نظام جمهوری اسلامی ایران توسط شورای عالی قضایی اداره می شود، آیت الله منتظری به عنوان کسی که در نصب قضات شرع دادگاههای انقلاب دخالت داشته، طی اطلاعیه ای از قضات شرع دادگاههای انقلاب و دادگستری درخواست نمود که در انتخابات تعیین سه نفر قاضی برای شورای عالی قضائی فعالانه شرکت نمایند:

بسم الله الرحمن الرحیم. خدمت آقایان قضات شرع دادگاههای انقلاب و قضات محترم دادگستری جمهوری اسلامی ایران دامه توفیقاتهم. پس از سلام چون بر حسب نص صریح اصل ۱۵۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، شورای عالی قضائی از پنج عضو تشکیل می شود

که سه نفر از اعضای آن باید مجتهد عادل منتخب از طرف قضات کشور باشند لذا لازم است قضات محترم و متعهد سراسر کشور به پاس احترام مقام قضائی و خون پاک شهیدان انقلاب و اهمیت وظایف شورای عالی قضائی نسبت به انتخاب سه نفر قضات واجد شرایط با توجه به آئین‌نامهٔ مربوط بی تفاوت نباشند و با شرکت فعال در انتخاب آنان وظیفهٔ اسلامی و انقلابی خود را بخوبی ایفا نمایند.

۵۹/۳/۳ - حسینعلی منتظری

ناگفته نماند که قبل از انتخاب سه نفر مجتهد عادل برای تشکیل شورای عالی قضائی - علاوه بر رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل انقلاب - از طرف عده‌ای از مدرسین حوزهٔ علمیهٔ قم پیشنهاد شد که برای رسیدگی به وضع امور قضائی کشور شورایی به نام شورای عالی قضات تشکیل شود. این پیشنهاد مورد موافقت آیت‌الله منتظری و آیت‌الله مشکینی قرار گرفت. همچنین به لحاظ کسالت جسمی آیت‌الله منتظری که متأسفانه فرصت کافی برای رسیدگی به امور محوله به ایشان نمی‌دهد، رسیدگی، نصب و عزل قضات شرع دادگاهها به عهدهٔ شورای عالی قضات که مجموعه‌ای از چند نفر استاد و مدرس حوزهٔ علمیه بود سپرده شد و این شورا برای هماهنگی کار خود سمیناری ترتیب داد که بالاخره این دویزگوار حوزهٔ علمیه با صدور اطلاعیه‌ای مشترک از همهٔ قضات دعوت کردند که در این سمینار شرکت نمایند. متن کامل این دعوت‌نامه چنین است:

بسمه‌تعالی. خدمت عموم آقایان قضات شرع دادگاههای انقلاب اسلامی ایدهم‌الله تعالی. همان گونه که اطلاع دارید بمنظور رسیدگی بهتر به اوضاع دادرها و دادگاههای انقلاب سراسر کشور اخیراً شورای عالی قضات که تشکیل آن از طرف اساتید و مدرسین محترم حوزهٔ علمیهٔ قم پیشنهاد شد مسئولیت این شناسایی و اعزام قضات شرع و رسیدگی به اوضاع دادگاههای انقلاب را بر عهده گرفت و در همین رابطه این شورا جهت تبادل نظر و ارائهٔ راه حل نواقص موجود سمیناری ترتیب داده که در محل مدرسهٔ فیضیه از تاریخ هفده تا نوزده خرداد ماه جاری برگزار می‌شود. مقتضی است آقایان قضات شرع اعم از شاغل یا غیر شاغل در این سمینار شرکت کرده با ایجاد جؤ تفاهم و همکاری بیشتر بتوانند کمبودها و نواقص دادگاهها را مرتفع سازند. امید است این سمینار قدمی باشد در راه تحقق آرمانهای الهی انقلاب و هماهنگ نمودن ارگانهایی که تداوم و گسترش انقلاب اسلامی در پرتو تقویت آنها می‌باشد. از شورای عالی قضات انتظار می‌رود به نحو قاطعانه عمل کند و با تشکیل کلاسهای توجیهی برای آقایان قضات و انتخاب طلاب آگاه و متدین و مؤمن به انقلاب اسلامی بتوانند خدمتی به انقلاب کرده دادگاههای انقلاب را فعالتر و متحرکتر سازند. توفیق همگان را در انجام وظایف الهی در این شرایط حساس از خدای بزرگ خواهیم خواست. و السلام علی من اتبع الهدی.

حسینعلی منتظری - علی مشکینی - ۶۰/۳/۱۵

بعد از تشکیل این سمینار و برپایی انتخابات مربوط به تعیین سه نفر قاضی مجتهد عادل،

حضرت امام خمینی مسئولیت صحنه گذاردن بر شایستگی انتخاب شدگان را برعهده فقیه و مجاهد، آیت‌الله منتظری گذاردند. وی هم که به همان دلیل کسالت جسمی از حضور در جلسات ممنوع بودند به وسیله اطلاعیه‌ای این مسئولیت را به سه نفر از افراد مورد اعتماد خود محول کرد. نامه‌ای که امام خمینی برای آیت‌الله منتظری فرستادند به این شرح است:

بسمه تعالی.

جناب مستطاب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ حسینعلی منتظری دامت برکاته. جناب عالی برای احراز مقام اجتهاد قضائی که خود داوطلب شده و یا دیگران آنها را برای عضویت در شورای عالی قضائی معرفی کرده‌اند به هر نحو صلاح می‌دانید اقدام نمائید. از خدای تعالی ادامه توفیقات آن جناب را خواستارم.

روح‌الله الموسوی الخمینی ۲۶ رجب ۱۴۰۰ - ۲۰ خرداد ۵۹

به دنبال فرمان امام این اطلاعیه از طرف آیت‌الله منتظری صادر شد:

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرات حجج اسلام والمسلمین آقایان حاج میرزا علی مشکینی، حاج شیخ حسین راستی کاشانی و حاج شیخ مسلم ملکوتی دامت برکاتهم. پس از سلام چون به مقتضای اصل ۱۵۸ قانون اساسی باید سه نفر قاضی مجتهد عادل برای شورای عالی قضائی به انتخاب قضات محترم کشور تعیین شود و بر حسب آئین‌نامه مصوبه شورای انقلاب تشخیص واجدین شرایط ذکر شده به رهبر انقلاب حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی مدظله محول شده و معظم له اجرای آن را به عهده این جانب گذاشته‌اند و من در اثر کسالت ممنوع از حضور در جلسات می‌باشم، لذا از آقایان محترم تقاضا می‌کنم اجرای این مهم را بپذیرید. موجب تشکر است. والسلام علیکم ورحمت‌الله و برکاته

حسینعلی منتظری - ۲۷ رجب ۱۴۰۰ - ۵۹/۳/۲۹

در نتیجه رأی قضات کشور و تأیید سه شخصیتی که آیت‌الله منتظری اجرای این امور را به آنها محول کرده بود، آقایان علی قدوسی، ربانی املشی و جوادی آملی به شورای عالی قضائی راه یافتند و به جمع دکتر بهشتی و آیت‌الله موسوی اردبیلی پیوستند. با جمع این پنج نفر که همه از شخصیت‌های ارزنده اسلامی هستند، شورای عالی قضائی مورد نظر قانون اساسی شکل گرفت و برای اولین بار در تاریخ ایران، کارهای قضائی به کاردانها سپرده شد.

با ایجاد و شروع فعالیت شورای عالی قضائی، حضرت آیت‌الله منتظری از کلیه امور مربوط به قضات کناره گرفت و هر مسأله‌ای را در این زمینه به شورای قانونی فوق حواله می‌داد و بدین ترتیب مسئولیت نظارت بر دادگاهها هم به حوزه اصلی خودش یعنی شورای عالی قضائی منتقل گردید.

از جمله فعالیت‌های دیگر آیت‌الله منتظری در قم رسیدگی به امور حوزه علمیه و سروسامان دادن به وضع نامنظم آن بوده و هست.

حوزه علمیه قم به لحاظ شرکت فعالش در شکل‌دهی و پیروزی انقلاب اسلامی ایران،

همچنین به خاطر اینکه مدتها بزرگان آن را به زندان و تبعید فرستاده بودند و به تبع اینکه مراجع هر کدام برای خود شاگردان و مریدانی داشتند و این شاگردان و مریدان از يك پینش سیاسی واحد و قرینی برخوردار نبودند، دارای انسجام و سیستم اداری منظم و درخوری نبود.

خیلیها فکر می کنند بی نظمی همیشه در حوزه وجود داشته و خواهد داشت مسلماً چنین وصف و وضعی با اصول مسلم اسلام نمی خواند. چرا که اسلام هر نوع بی نظمی را نفی می کند. در این رابطه شخص آیت الله منتظری بیش از هر کس دیگر نسبت به بی نظمی در حوزه ها هشدار داده و البته با کوشش زیاد توانسته است مقداری به آن رسیدگی کند - هر چند که تا رسیدن به يك نظم اسلامی و انقلابی راه زیادی در پیش است.

آیت الله منتظری در خطبه های نماز جمعه قم ضمن اینکه گفته است «حوزه های علمیه هر چند بی نظمی درشان هست و نواقصی دارند، ولی يك مسأله در آن خیلی اهمیت دارد که کمال حوزه محسوب می شود و آن این است که نظام آموزشی حوزه ها از نظام آموزشی دانشگاهها بهتر است» نسبت به بی نظمی حوزه شدیداً در رنج است. در یکی از خطبه های نماز جمعه (۱۳۵۹/۳/۹) می فرماید: ... در وصیت حضرت علی (ع) به امام حسن و امام حسین آمده

است: به شما و جمیع اولادم و جمیع اهللم سفارش می کنم و از هر کس که این نامه به دست او می رسد دعوت می کنم به تقوی و نظم امرتان. امورتان را منظم کنید.

سالها می گفتید حوزه نظمش در بی نظمی است. کی این حرف چرند را گفته است! حوزه نظمش در بی نظمی است و ابرو هم قشنگی اش به کجی آن است! این حرف چرند است. حضرت علی (ع) که می گوید نظم داشته باشید، اگر بازش کنیم خیلی معنی می دهد. یعنی ترفیک باید منظم باشد، حوزه ها باید منظم باشند، دانشگاهها باید منظم باشند. باید. دستور است دیگر.

البته در این مدت انقلاب ما آیات عظام، علماء، بزرگان گرفتار بودند، گرفتار جنگ بودند، نمی توانستند به حوزه برسند، اما امیدواریم که انشاء الله آیات، علماء، رهبرانی که متصدی اداره حوزه علمیه قم هستند يك نظم و ترتیبی در حوزه درست کنند. هر کس که می آید در حوزه، اقلأ دو نفر معرف داشته باشد. معلوم باشد پسر کیست، حدود درسش چیست، سالی يك مرتبه امتحان بکنند، درست است که نمی شود طلبه را مجبور کرد که پیش فلان کس درس بخوان (من بارها عرض کردم که یکی از مزایای حوزه برداشگاه این است که شاگرد در انتخاب استاد محدود نیست) اما این را باید فهمید که این طلبه که يك سال است پیش استاد رفته، چیزی یاد گرفته یا نه...

آیت الله منتظری همچنین در خطبه نماز جمعه ۱۳۵۹/۳/۱۶ گفت:

یکی از چیزهایی که من در آن هفته عنوان کردم راجع به نظم حوزه علمیه بود. باز هم تأکید می کنم. شنیدم که در این هفته فعالیتهایی انجام شده. خدا ان شاء الله همه طلاب و مدرسین و آنها را که حمایت می کنند از این مسائل اسلامی، تأییدشان کند.

من يك داستانی را برایتان بگویم. یکی از دوستان ما وقتی برای من نقل کرد و گفت: من رفتم

واتیکان، مرکز پاپ. بعد يك جایی را دیدم خیلی بزرگ و پرونده‌هایی آنجا بود خیلی زیاد. پانصد هزار، يك میلیون پرونده. گفتم اینها چیست؟ گفتند: هرچه روحانی، کشیش، کاردینال و اسقف در عالم مسیحیت هست اینجا پرونده دارند و مشخصات و خصوصیاتشان در آنها ثبت است. گفتم مثلاً در فریدن اصفهان اگر يك کشیشی باشد، يك خلیفه‌ای باشد، اسمش هست؟ گفتند: بلی، همانجا پرسیدم معلوم شد دونفر در فریدن اصفهان هست. سن آنها چقدر است، حدود معلوماتشان چقدر است، چقدر حقوق دارند، خوش‌بین هستند یا بدبین، نحوه فعالیتشان برای مسیحیان چطوری است، تمام اینها آنجا ثبت شده بود.

ما باید درس بگیریم. البته لازم است در درجه اول يك اداره‌ای مستقل باشد. آنجا يك اداره‌ای مستقل بود که اگر يك پاپ از دنیا رفت و يك پاپ دیگر آمد بیاید سر همان تشکیلات. پس باید اداره‌ای مستقل برای حوزه‌ها، برای روحانیت و برای امور مذهبی مردم باشد، يك تشکیلات منظمی باشد که هر مرجعی آمد سرکار آنجا را زیر نظر بگیرد. نه اینکه این مرجع تقلید بعد از صدسال که از دنیا رفت تمام تشکیلات به هم بخورد و از نو «خر بیار و معرکه بار کن» که چیه، بی‌خواهیم از نو تشکیلات درست کنیم!

پس باید يك اداره مستقلی مربوط به روحانیت و اسلام و دین مردم باشد، البته باید زیر نظر

مراجعه باشد و...

از رهنمودهای این فقیه مجاهد و این استاد عالیقدر حوزه علمیه قم مستفاد می‌شود که وی در اندیشه رسیدگی به وضع نابسامان حوزه علمیه می‌باشد و آرزو دارد که این سنگر بزرگ اسلام هر چه زودتر از نظم و سازمان شایسته برخوردار شود.

بدیهی است همزمان با نجات حوزه از بی‌نظمی، تصفیه افراد ناباب که در لباس مقدس روحانیت ظاهر شده‌اند و کسی هم نمی‌تواند منکر وجود آنها در حوزه‌های علمیه شود و به تعبیرهای مکرر امام خمینی از ساواکی هم بدتر هستند، از ضروریات حتمی و فوری می‌باشد. چه‌بسا در میان روحانیت اشخاصی هستند که نه تحمل اجرای دستورات اسلام را دارند و نه برای وطن شوری در دل، بلکه به بهانه‌های مختلف، با ایجاد اختلاف و اشاعه تهمت و دروغ و فریب، دست‌اندرکار لکه‌دار کردن روحانیت‌اند.

بدون شك اشارات امام خمینی در مورد نفاق و ضرر روحانی‌نماهای فاسد و توطئه در حوزه علمیه باید در سازماندهی و نظام جدید حوزه، با هشاری مورد توجه قرار گیرد. بدیهی است امام خمینی حتی اگر در وجود چنین اشخاص مضرى شك داشت چنان قاطعانه آنان را مورد حمله قرار نمی‌داد. همه قبول دارند که نظر امام از بیان چنان مسائلی تطهیر جامعه روحانیت از وجود افراد ناپاک می‌باشد و سخن ما هم در اینجا به پاس تعهدی است که در قبال تقویت روحانیت اصیل داریم. امید می‌رود مسئولان ارجمند حوزه‌های علمیه، چنین امر مهمی را جزء رئوس فعالیت‌های خود قرار دهند.

آیت‌الله منتظری در پی هشدارها و رهنمودهای مکرر، بالاخره در اطلاعیه‌ای نتیجه فعالیت‌های

خود را در این زمینه به اطلاع دیگران رسانید:

بسمه تعالی

در آستانه سال تحصیلی جدید به اطلاع آقایان محترم طلاب و فضایی گرام حوزه علمیه قم ایدهم الله تعالی می‌رساند جریان رسیدگی به اوضاع عمومی حوزه علمیه و تنظیم برنامه‌های مفید و لازم برای آن که پیوسته مورد نظر و عنایت رهبر انقلاب حضرت امام خمینی مدظله و سایر مراجع محترم بوده اخیراً با معظم‌له مطرح شد و پس از ابراز علاقه ایشان نسبت به اقدام این مهم مراتب به نظر حضرت آیت‌الله العظمی گلپایگانی دامت برکاته که نسبت به اصلاح و رسیدگی به حوزه همیشه علاقمند بوده‌اند و حضرت آیت‌الله العظمی نجفی دامت برکاته رسید و پس از تعیین نمایندگانی از طرف حضرت آیت‌الله گلپایگانی شورایی مرکب از نمایندگان ایشان و چند نفر از اساتید محترم حوزه که پس از انتصاب به نظر مبارک حضرت امام مدظله نیز رسید، مسئولیت اداره و تنظیم برنامه‌ها را به عهده گرفتند.

نام اعضای محترم شورا به شرح زیر است: حجج اسلام والمسلمین آقایان حسین راستی کاشانی، محمد مؤمن، جلال‌الدین گلپایگانی، محسن دوزدوزانی، احمد صابری و علی افتخاری دامت افاضاتهم.

امید است آقایان طلاب و فضایی محترم حوزه در این مسئولیت بزرگ الهی با شورای عالی مدیریت همه‌گونه تشریک مساعی و همکاری را بفرمایند تا به خواست خداوند متعال حوزه به‌شکلی در آید که از هر نظر مورد رضایت و عنایت حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء واقع گردد و بتواند همچون گذشته در خدمت اسلام بوده و در رفع نیازهای مراحل آینده انقلاب نقش اساسی داشته باشد. توفیق همگان را در خدمت به اسلام و مسلمین از خدای بزرگ خواهانم. والسلام علی من اتبع الهدی.

حسینعلی منتظری ۱۳۵۹/۶/۳۱

این تصمیم انقلابی یعنی اداره حوزه علمیه قم توسط شورای نمایندگان مراجع تقلید، مانند بسیاری از کارهای دیگر انجام گرفته در دوران انقلاب، قابل ستایش و تقدیر است. چرا به‌هرصورت پس از مدتها بلا تکلیفی، مشخص گردید که حوزه علمیه هم مانند هر ارگان و سازمان اجتماعی نیازمند مدیریت است.

آنچه از متن اطلاعیه فوق به‌دست می‌آید این است که روحانیون مذکور جهت رسیدگی به اوضاع عمومی حوزه علمیه، مسئولیت اداره و تنظیم برنامه‌ها را به‌عهده گرفتند و لازم است جمعی دیگر به جریانات داخلی رسیدگی نمایند. لذا باز هم آیت‌الله منتظری با معرفی شش نفر دیگر به امام خمینی، خواستار رهنمودهای جدیدی از معظم‌له شد. نامه آیت‌الله منتظری در ارتباط با معرفی این افراد به رهبر کبیر انقلاب چنین است:

بسمه تعالی. محضر مقدس آیت‌الله العظمی امام خمینی مدظله العالی. پس از سلام همان‌گونه که خاطر شریف مستحضر است مدتی پیش حضوراً امور مربوط به حوزه علمیه قم و

لزوم ایجاد نظم و رسیدگی به اوضاع درسی و اخلاقی و جریانات داخلی آن بمرض حضرت عالی رسید و رهنمودهایی فرمودید و بنا شد برای انجام این مسئولیت شورایی از فضایی مدرسین حوزه علمیه قم تشکیل شود. برحسب نظر حضرت عالی و مشورت و نظرخواهی از حضرت آیت الله العظمی آقای گلپایگانی دامه‌برکاته شورایی مرکب از آقایان حجج اسلام راستی، کریمی، طاهرشمس، دوزدوزانی، صابری و افتخاری دامه‌افزاتهم تشکیل گردید و قدمهای مؤثری تا حال برداشته‌اند. چنانچه رهنمودهای جدیدی دارید مرقوم بفرمایید. ادام‌الله ظلکم الشریف.

۵ اسفند ۵۹ - حسینعلی منتظری

در جواب این نامه، امام خمینی رهبر انقلاب مرقوم فرمودند:

بسمه تعالی. شورای مزبور کارهایی را که می‌خواهد انجام دهد پس از نظرخواهی در امور مهمه از حضرت آیت‌الله گلپایگانی دامه‌برکاته مانعی ندارد. انشاءالله موفق باشند.

۲۱ ربیع‌الثانی ۱۴۰۱ - روح‌الله الموسوی الخمینی

و بدین ترتیب با کوشش زیاد، حوزه علمیه قم و پیرو آن بقیه حوزه‌های علمیه، به سمت يك دانشگاه منظم و ارگانیک، به‌اضافه محتوای غنی‌تر از گذشته پیش می‌رود. انشاءالله.

سکونت آیت‌الله منتظری در قم، باوجود فعالیت‌های زیاد و کسالت جسمی و مراجعات فراوان، باعث گردید که این پیر «نماز جمعه» برای چندمین بار برسکوی خطابه و در محراب نماز جمعه قرار گیرد.

مثل اینکه امامت نماز جمعه در دست آیت‌الله منتظری چراغی ملکوتی است تا بدین‌وسیله بر عقلها و اذهان و روحها نور و روشنایی بیفکند و این مردم نیازمند آگاهی و عرفان را به مصلاهای پی‌درپی بکشاند. از مسجد جامع نجف‌آباد گرفته تا طبرستان و زندان اوین و تا بهشت‌زهره‌ها و دانشگاه تهران و تا صحن بزرگ حضرت معصومه، که اکنون میعادگاه عاشقان خداجویی است که در پیشاپیش خویش اسوه‌ای از تقوی و عدالت و خضوع و شجاعت و علم و آگاهی دارند. چگونه است که انسانی تا این اندازه بر يك «ارزش» تأکید می‌کند و هر جا رفت، وسیله‌ای ارائه می‌دهد که در آن قرب به خدا و هدایت خلق یکجا جمع شده‌اند.

راستی این چه پافشاری مقدسی است که تکفیرهای متعصبین، برق سرنیزه‌های جلالان، آفتاب سوزان کویر، قلت نفرات در سقز، تنگی سلول‌های اوین، و شراره‌های خورشید درقم، کوچکترین اثری بر کم کردن عظمت و تقدس آن ندارد؟ و نماز جمعه برای آیت‌الله منتظری تا چه اندازه ارزش دارد که تا این حد در برگزاری آن مصمم و قاطع است؟

بالاخره او شایسته چنین مقامی است و امام خمینی، پیشوا و استاد وی، دوباره حکم امامت جمعه شهر ایثار و استقامت - قم - را برای او صادر می‌کند.

درپی صدور این حکم، ستاد برگزاری نماز جمعه در قم با صدور اطلاعیه‌ای مردم را به



آیت‌الله منتظری به اتفاق برادر رجائی نخست‌وزیر و آیت‌الله صدوقی



دیدار برادر رجائی با آیت‌الله منتظری در قم

برپاداشتن نماز جمعه به امامت امام جمعه جدید، که نامش همیشه برای امت این سرزمین افتخارآمیز بوده، فراخواند:

بسمه تعالی

نماز جمعه سنگر استقرار و پایگاه حساس تبلیغی اسلام است که در سایه آن امت مسلمان در جریان اوضاع سیاسی و اجتماعی کشور قرار می‌گیرند و وحدت و همبستگی خویش را تحکیم می‌بخشند. از آنجا که حضرت آیت‌الله آقای شیخ اراکی مدظله امام جمعه قم به علت کهولت سن از شرکت در نماز جمعه عذرخواهی نمودند، از این پس به امر امام نماز پرشکوه جمعه در صحن مطهر به امامت حضرت آیت‌الله العظمی منتظری (امید امام و امت) برگزار خواهد شد. - نمازی که در شان و شایستگی شهر قیام و جهاد و شهادت و پایگاه امام صادق (ع) باشد و...
جمعه دوم خرداد ۵۹، آیت‌الله منتظری نماز جمعه در قم را شروع کرد. پس از هشت هفته، ماه مبارک رمضان فرارسید که وی عزم یک سفر یکماهه نمود و به جای او حضرت آیت‌الله مشکینی دام عزه، نماز جمعه قم را اقامه نمودند.
پس از پایان ماه مبارک رمضان مجدداً آیت‌الله منتظری نماز جمعه قم را امامت نموده و تاکنون - خرداد ۶۰ - ادامه دارد و هر هفته با تفسیر سوره‌های کوچک از قرآن و تذکرات مفید، مردم را به سوی خدا و به سمت عدالت و جامعه اسلامی هدایت می‌کند، خدایش به سلامت دارد.

منزل او در قم، میعادگاه مردم آزاده

بعد از عظمت‌های رهبر کبیر انقلاب در ابعاد گوناگون، از ویژگی‌های خاص فقیه عالیقدر حضرت آیت‌الله منتظری که بیش از هر چیز او را محبوب مردم مسلمان نموده، همانا اصرار او بر اجرای قوانین و اموری است که به نفع طبقات پایین جامعه، بویژه کارگران و کشاورزان محروم ایران است. این ویژگی به اضافه روش اسلامی و اخلاق اسلامی و برخورد اسلامی و آگاهی‌های اسلامی و سابقه پر بار او باعث گردیده که پس از رهبری انقلاب بیش از هر کس مردم به دور شمع وجود او بگردند و به او علاقه نشان دهند.

بعد از حسینیه جماران و اقامتگاه امام خمینی، منزل آیت‌الله منتظری در قم میعادگاه مردم آزاده و مسلمانی شده است که قداست رهبران مذهبی خودشان را ارج می‌نهند و برای درس‌گیری از رهنمودها و دیدن چهره‌های نورانشان راهی اقامتگاه آنان می‌شوند.
هر جمعه و گاه روزهای دیگر هفته، کوچه‌های اطراف منزل آیت‌الله منتظری در قم آکنده از جمعیت پر شور و فریادگری است که برای دیدار «امید امام و انقلاب» آمده‌اند و هر لحظه تکبیر و تمجید از رهبری انقلاب و آیت‌الله منتظری را سرمی‌دهند.

کثرت ملاقات‌کنندگان با آیت‌الله منتظری به قدری است که وی بارها از مردم رسماً درخواست نموده که به قم نیایند، اما این مردم انقلابی و مشتاق دیدار بزرگان دست از تجمع برای دیدار او بر نمی‌دارند.

خلوص، تقوی و تواضع آیت‌الله منتظری، بیش از آنچه خود بخواهد برای مردم جذبه و کشش دارد و این توده‌های رنج‌دیده قبل از اینکه به وضع جسمی وی توجه داشته باشند و گرفتاریهای روزمره او را از نظر بگذرانند سیل‌آسا به دیدارش می‌شتابند. چه می‌شود کرد که در این کهنه‌بازار سیاست و قدرت و خودنمایی، امت آگاه ما می‌خواهد به دنیا بفهماند و در تاریخ ثبت کند که چه کسانی را دوست دارد و به چه شخصیت‌هایی علاقمند است.

چه بسیار کسان که جزء «بزرگان» قوم‌اند اما برای مردم جذبه‌ای ندارند، و به دلایل سیاسی یا مذهبی یا تاریخی آنان را تنها گذاشته‌اند. ولی قم، شهر بزرگان، شاهد است که وقتی آیت‌الله منتظری قدری کمتر اصرار کند که بیدار من نیایید، خیابانها و کوچه‌هایش تا چه اندازه زیرپای مشتاقان دیدار «امید امام و امت» به هیجان درمی‌آید.

از جمله مسائلی که آیت‌الله منتظری در این دیدارها زیاد بر آن تکیه کرده این است که «برای من شعار ندهید» و شعارها را فقط و فقط برای رهبری انقلاب حضرت امام خمینی بدهید. و این مرد محبوب با تأکید و اصرار می‌خواهد به همه قدرتمندان زمان، بویژه آنان که همه چیزشان «من» آنها شده، بیاموزد و متوجه‌شان سازد که «من»‌ها رفتنی‌اند و باید آنچه را که به درد مردم و به درد انقلاب می‌خورد مورد توجه قرار داد.

عظمت این سخنان مکرر آیت‌الله منتظری وقتی مشخص می‌شود که بیندیشیم اگر خدای ناکرده دست استعمار توانست رهبری انقلاب را تجزیه کند چه خواهد شد. کاری که گروهک‌های وابسته به ابرقدرتها خواستند در صبحدم انقلاب انجام دهند و مرجوم آیت‌الله طالقانی را در برابر امام خمینی، به‌عنوان رهبری دیگر مطرح کنند.

لذا این هشیاری اسلامی و انقلابی آیت‌الله منتظری است که در هر مقطعی از مردم بخواهد فقط به نفع رهبر انقلاب شعار بدهند.

تنها فکر تجزیه رهبری نیست که دشمنان انقلاب را به تلاش مذبحخانه وامی‌دارد. کسانی به بهانه جلودگیری از تجزیه شدن رهبری، سخت در این تلاشند که آیت‌الله منتظری را منزوی سازند و این هم از دشمنی با انقلاب نشأت می‌گیرد. چرا که منزوی کردن آیت‌الله منتظری اولاً تنها گذاشتن امام خمینی است، ثانیاً در انزوای وی، چهره نمودن کسان دیگری میسر است که شایستگی قرار گرفتن در کنار رهبر انقلاب امام خمینی را ندارند، ثالثاً جامعه انقلابی را از یک شخص بزرگ نقاد، نکته‌گیر، آینده‌نگر، وحدت‌گرا، طراح مسائل اصیل اسلامی محروم می‌کند و این موضوع بخصوص در وضع سیاسی مملکت خسران بس بزرگی است. کافی است به فریادهای این مرد دلسوز در مسند امامت جمعه دقت شود تا عمق فاجعه انزوای او بیش از پیش روشن گردد.

او در عین حال که پیرو و شاگرد امام خمینی است^۱، پس از معظم‌له ارزنده‌ترین چهره‌های است

۱- برای من شعار ندهید که من طلبه‌ای هستم از شاگردان حضرت آیت‌الله‌العظمی امام خمینی (آیت‌الله منتظری).

که می‌تواند نسل امروز و قدرتهای سیاسی را راهنمایی و هدایت کند. با این باور، همه کسانى که در انقلاب نقش داشته‌اند - بقول امام این مردم محروم کوجه و بازار- باید تلاش کنند که مبادا دشمن به بهانه جلوگیری از تجزیه رهبرى و یا بدتر از آن با تهمتهای وقیح، او را منزوی سازد.

تصمیم نداشتیم که گزارشهای مربوط به دیدار مردم با آیت‌الله منتظری را در این نوشته ثبت کنم، چرا که آنقدر فراوان و عیان است که نه در حوصله این دفتر است و نه امر پوشیده‌ای است که بگشاییم. اما حقیقت این است که در این دیدارها نکات بکر با ارزش و پیامهای تاریخی فراوانی هست که حتماً باید ثبت گردد.

لزوم ثبت این سخنان مرا واداشت که گزارشهایی از دیدارهای مردم با آیت‌الله منتظری را در اینجا بیاورم. نقل پیام آیت‌الله منتظری به مردم ایران در رابطه با دیدارهای وی می‌تواند آغازگر مفید و آموزنده این گزارشها باشد.

بسم الله الرحمن الرحيم

با اینکه کراراً یادآور شده‌ام که کارهای مربوط به ادارات و ارگانهای انقلابی باید از طریق مسئولین مربوطه حل شود و نظر به مشغولیات علمی و کارهای مربوط به حوزه علمیه قم و ممانعتی که اطباء نموده‌اند از ملاقات با افراد و جمعیتها که به قم تشریف می‌آورند معذورم.

باز هرروز صدها نامه و تلگرام و شکایت رسیده و صدها نفر از خواهران و برادران عزیز از شهرها و استانهای دور و نزدیک به دفتر مراجعه می‌نمایند. این‌جانب ضمن این که سفارش می‌کنم دفاتر دولتی و نهادهای انقلابی، با احساس رسالت انسانی-اسلامی اضافه بر رعایت دقیق اخلاقی و ضوابط اسلامی به کارها، به گرفتاریها و شکایات مردم محروم و شهیدپرور رسیدگی نموده و از ایجاد ناراضیتی و لکهدار نمودن پرستیژ انقلاب احتراز نمایند.

تقاضایمندم برادران و خواهران مسلمان از ارسال هر نوع نامه و تلگراف، شکایت مربوط به ادارات و ارگانهای انقلابی و مراجعه و تقاضای ملاقات و پیام خودداری نمایند، که در صورت عدم جواب و عدم امکان رسیدگی موجبات نگرانی عزیزان فراهم نگردد. پیروزی اسلام و مسلمین را از خدای بزرگ مسألت دارم. به امید موفقیت و رفع نگرانیهای فردی و جمعی از جامعه مسلمین. والسلام علی عبدالله الصالحین.

۵۹/۶/۱۸ - قم - حسینعلی منتظری

در اینجا تعدادی از گزارشهای مربوط به دیدارهای مردم مسلمان ایران با آیت‌الله منتظری در قم آورده می‌شود.

۱- حدود ۳۰۰ نفر از برادران دانش‌آموز شیعه و سنی گنبد که در تاریخ ۵۹/۱/۸ همراه عده‌ای از برادران پاسدار برای زیارت حضرت معصومه به قم مشرف شده بودند به منظور ملاقات با فقیه عالیقدر حضرت آیت‌الله منتظری به منزل ایشان رفتند و آیت‌الله منتظری با وجود کسالتی که داشتند آنان را پذیرفتند و ضمن دعا برای آنان فرمودند: «شما نوجوانان عزیز امید آینده انقلاب



فقیه عالیقدر حضرت آیت‌الله منتظری در بازدید از جبهه‌های جنگ همراه نخست‌وزیر



هیئت رئیسه سمینار سراسری ائمه جمعه در قم

اسلامی ایران می‌باشید و دشمن از هرسو می‌کوشد تا شما را از انقلاب دلسرد کند. او همواره سعی می‌کند با ایجاد اختلافات مذهبی و فرقه‌ای نیروهای گرانبهای شما را در کانالهای انحرافی به هدر دهد ولی آگاهی سیاسی و مذهبی شما است که تمام این نقشه‌ها را خنثی و نابود می‌سازد و شما باید با کمال هوشیاری در برابر گروه‌گرایها و تفرقه‌اندازیهای دشمن بایستید و او را برای همیشه مایوس و از صحنه خارج سازید» (جراید ۵۹/۱/۹).

۲- در ساعت دوازده جمعه ۱۵ فروردین ۵۹ عده‌ای از خانواده‌های شهدا و مجروحین انقلاب اسلامی با فقیه عالیقدر حضرت آیت‌الله‌العظمی منتظری دیدار کردند. در این دیدار آیت‌الله منتظری ضمن تفقد و دلجویی از خانواده‌های شهدا طی سخنانی در تجلیل از مقام شهادت تأکید کرد: شهدا و معلولین در پیروزی انقلاب سهم شایسته خود را ایفا کردند و افزودند: آنهایی که از خلق سخن می‌گویند و می‌خواهند فدایی خلق بشوند و ایران را به شرق گرای و غرب‌زدگی سوق دهند باید بدانند که مردم ایران مسلمانند و خود حاضرند جهت رسیدن به اهداف عالی و مترقیانه انقلاب اسلامی شهدای زیادی را فدا و مجروحین بی‌شماری را به‌جای گذارند.

آیت‌الله منتظری در قسمت دیگری از سخنان خود ضمن اشاره به اینکه بعضیها از این مسأله که ایران یکی از اقمار کوچک شوروی باشد هواداری می‌کنند گفت: مگر این شوروی نیست که در افغانستان برادران محروم و مسلمان ما را قتل عام می‌کند. آیت‌الله منتظری در پایان با طلب توفیق و سلامتی برای همگان از حاضرین خواست که دست‌آوردهای انقلاب عظیم اسلامی را حفظ نمایند و اجازه ندهند با اختلاف جزئی که معلول توطئه‌های بیگانگان چپ و راست است به اتحاد و همبستگی معجزه‌آمیزی که انقلاب را به پیروزی رساند خدشه و آسیبی وارد شود (جراید ۵۹/۱/۱۶).

۳- فضایی حوزه علمی قم در رابطه با اوضاع حساس کشور و جنگ تحمیلی مزدوران بعث عراق به‌عنوان اعتراض به جنایات غیرانسانی و خونریزیهای سفاکان و جهت قاطعیت و هماهنگی هرچه بیشتر مسئولین جمهوری اسلامی ایران در قبال آن، تکبیرگویان به‌سوی منزل حضرت آیت‌الله منتظری دست به راهپیمایی زدند و در ملاقات با ایشان از معظمله خواسته شد که به مسئولین و به‌ویژه شورای عالی دفاع توصیه شود که در این مورد قاطعیت و سرسختی بیشتری اعمال کنند و مسائل اساسی و حیاتی را مدنظر قرار داده با استفاده از این همه شور و ایمان ملت قهرمان و آماده‌جانبازی، انقلاب اسلامی ایران را در مسیر خلاقیت و تحرك روزافزون قرار دهند تا دیگر شاهد اخبار اسفبار از جبهه‌های جنگ نباشیم.

حضرت آیت‌الله منتظری پس از تقدیر و تشکر از عواطف انقلابی و احساس مسئولیت و تعهد حاضرین اظهار نمودند که من هم مانند شما از همه حوادث جاری کشور مطلع و در حد قدرت و توانایی انجام وظیفه می‌نمایم.

چندی پیش پس از بازدید از مناطق جنگ‌زده مسائل ضروری و نقطه‌ضعفهای مربوط به جنگ را در شرفیابی به حضور امام به عرض رساندم که امر فرمودند به مسئولین تذکر دهم و آنان را در جریان گذاشتم. حضرت آیت‌الله منتظری ضمن اشاره به اینکه شورای عالی دفاع در هفته دو جلسه دارد از شورای دفاع خواستند اعضای آن حتی‌المقدور همیشه با هم و در يك محل و هرروز و هر ساعت تشکیل جلسه داده و اوضاع و رویدادهای جنگ را در حال بررسی و نظارت نموده تصمیمات تازه و زنده‌ای در جهت مبارزه با متجاوزین درنده‌خوی صدام اتخاذ نمایند و در خاتمه با اشاره به ایمان و فداکاری نیروهای مسلح ارتش، سپاه و دیگر رزمندگان برای همگان سلامتی و برای کشور عزیز و انقلاب اسلامی ایران پیروزی و سربلندی را آرزو نمودند (جراید ۱۳۵۹/۸/۷).

۴- آقای محمدعلی رجائی نخست‌وزیر جمهوری اسلامی ایران و دیگر اعضای هیئت دولت بعد از ظهر روز ۵۹/۸/۳۰ در ادامه بازدیدشان از شهر مقدس قم، پس از زیارت مرقد مطهر حضرت معصومه سلام‌الله علیها با فقیه عالیقدر حضرت آیت‌الله منتظری دیدار و گفتگو کردند. در این دیدار آیت‌الله منتظری توصیه کردند از مخترعین و مبتکرین حمایت شود تا آنها بیشتر و بهتر بتوانند نوع خود را در اختراعات و ابتکارات به کار گیرند. آیت‌الله منتظری همچنین در مورد تهیه سوخت برای کشاورزان به نخست‌وزیر رهنمودهایی دادند و خطاب به هیئت دولت تأکید کردند در انتصاب رؤسای دانشگاهها علاوه بر مدرک و معیار مکتبی در صورت امکان سعی شود افراد باتجربه و کارآزموده به کار گرفته شوند.

۵- در تاریخ ۵۹/۹/۲ گروهی از دانشجویان ایرانی عضو انجمنهای اسلامی در آمریکا، در قم با آیت‌الله منتظری دیدار کردند.

آیت‌الله منتظری در این ملاقات ضمن تأکید بر لزوم همبستگی هر چه بیشتر ایرانیان بخصوص دانشجویان مبارز عضو انجمنهای اسلامی در خارج از کشور، تلاشهای پیگیر آنان را در مبارزه با ابرقدرتها ستود و برای آنان دعای خیر کرد و اظهار امیدواری نمود که همچنان در برخورد با مشکلات مقاوم باشند و روحیه اسلامی را از خود دور ندارند.

در همین روز آیت‌الله حکیم به اتفاق عده‌ای از روحانیون مبارز عراق در قم با آیت‌الله منتظری دیدار کرده و گزارشهایی در رابطه با جنگ تحمیلی عراق و جنایات و قتل عامهای رژیم صدام در ایام عاشورای حسینی به حضور ایشان تقدیم کردند.

در این دیدار آیت‌الله منتظری گفت: تلاش برای نجات مت‌مظلوم عراق وظیفه اسلامی - انسانی همه ما است و من هم به عنوان يك طلبه در خدمت اسلام و مسلمین آنچه در توان دارم خواهم کوشید. ولی آنچه بسیار مهم است اینکه نیروهای مبارز عراقی در سایه قوانین الهی اتحاد و یگانگی خود را حفظ نموده و در عمل بکوشند تا خون شهیدان را به ثمر رسانده و همگام با ملت

ستمیدنهٔ عراق به جنایات رژیم کافر عراق خاتمه دهند. همان گونه که خدا وعده داده است پیروزی اسلام حتمی است و امیدواریم هر چه زودتر انقلاب اسلامی عراق به رهبری حضرت امام خمینی مد ظله به پیروزی نهایی نایل گردد.

۶- حدود یکصد تن از افراد شهربانی و رؤسای کلانتریهای تهران روز جمعه ۵۹/۹/۲ در قم با آیت‌الله منتظری دیدار کردند.

آیت‌الله منتظری در این دیدار در پاسخ نمایندهٔ ادارهٔ سیاسی ای‌دی‌لولوژیک شهربانی جمهوری اسلامی ایران ضمن سپاسگزاری و ستایش از اقدامات آنان و دعوت کلیهٔ افسران ارتش، ژاندارمری، شهربانی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و دیگر ارگانهای انقلابی به وحدت و همبستگی بیشتر، در مورد توطئه‌های ابرقدرتها که منافعشان در منطقه به خطر افتاده است هشدار داد و گفت: مردم باید هوشیار باشند و فریب نخورند زیرا که دشمن گاهی در لباس دوست جلوه می‌کند و از سادگی افراد سوء استفاده کرده و نقشه‌های مرموز خود را با نام اسلام و دین پیاده می‌کنند....

همهٔ ما می‌دانیم که در پیروزی انقلاب همهٔ اقشار فداکاری کردند و شهیدان زیادی در این راه داده‌اند که افراد شهربانی و کلانتریها در این مورد سهم بسزایی داشته‌اند. لذا ملت از قوای انتظامی و قوای انتظامی از مردم نباید جدا باشند و پلیس و ژاندارمری باید خود را متعلق به ملت اسلام بدانند و سعی کنند که وظایف محوله را به خوبی انجام دهند....

من طلبه‌ای هستم مخلص شما و همدوش شما و دیگر برادرانی که به مسئولیتهای خود در خدمت به اسلام و مسلمین و حمایت از مستضعفین جهانی اشتغال دارند طوری نباشد که رفتار و اعمالشان موجب تضعیف روحانیت شود. آنان هم در مسئولیتهای الهی با دیگران مساوی و چمگلی از دشمن مشترك برخورداریم. آمریکا و شوروی هر دو دشمنان ما هستند لذا باید سعی شود و خط مستقیم را طی کرد و به گفتهٔ حضرت علی (ع) هرگز به چپ و راست گرایش پیدا نکرد.

۷- حدود ۷۰۰ تن از اهالی خرم‌آباد همراه با علما و روحانیون متعهد و مبارز این شهر عصر روز ۵۹/۹/۳۰ در قم به حضور آیت‌الله منتظری رسیدند. ابتدا نمایندهٔ روحانیون ضمن مطرح نمودن مسائل مربوط به منطقه حمایت مردم غیور استان لرستان را از روحانیت اصیل و ولایت فقیه و نفرت و انزجار آنان را از منافقین و دشمنان اسلام اعلام داشت. آنگاه در حالی که حاضرین برای آیت‌الله منتظری شعار می‌دادند آیت‌الله منتظری طی بیاناتی پس از تشکر گفت: برای من شعار ندهید و همانطور که در جریان انقلاب و پیروزی آن يك شعار داشتیم همواره آن را تعقیب و تنها به نفع اسلام و مقام رهبری که عامل پیروزی انقلاب اسلامی، ضامن تداوم آن و مانع بهره‌برداریهای فرصت‌طلبانه می‌باشد، شعار دهید. وحدت و هماهنگی و پیروی از رهبری قاطع

امام خمینی را حفظ کنید که رمز تحکیم پایه‌های اسلام و پیروزی مداوم ما است. در صدر اسلام اختلافات ریشه‌دار و چندین ساله طوایف «اوس» و «خزرج» در سایه اسلام و رهبری پیامبر عظیم‌الشأن به اتحاد و برادری گرایید و همان طور که در آن زمان این اتحاد برای بهبود گران بود و سعی در گسستن آن داشتند پیوند معجزه‌آمیز و کوبنده ملت ما نیز برای دشمن سنگین و غیر قابل جبران تمام شد....

دشمن در صدد است از همان راهی که انقلاب ایران به پیروزی انجامید وارد و کوشش در تضعیف مقام رهبری داشته و سعی می‌کند با شایعه‌پراکنی اتحاد و همبستگی ملت اسلام را به نفاق و اختلاف مبدل سازد و در این رابطه در حالی که کشور ما مواجه با جنگ تحمیلی صدام خائن و تحریم اقتصادی است، به دست‌آیادی مزدور و ستون پنجم خود در منطقه هر روز توطئه جدیدی را می‌آفریند و چون در هر توطئه‌ای با شکست روبروست و شرایط حاکم بر جبهه‌های جنگ حکایت از پیروزی ایران دارد مایوسانه به فکر ایجاد کینه و دشمنی در صف متحد و یکپارچه ملت‌ها افتاده که با هوشیاری و بیداری ملت ایران نقشه‌هایش خنثی و انقلاب اسلامی ایران سیر تکاملی خود را پیموده و جهان شمول خواهد شد.

در پایان این دیدار آیت‌الله منتظری ضمن دعا جهت خنثی شدن توطئه‌های بیگانگان و عوامل مزدورشان و پیروزی مستضعفین بر مستکبرین برای همگان سعادت و پیروزی آرزو کرد.

در همان روز عده‌ای از اعضای انجمن‌های اسلامی، کسبه، کارکنان بانک سپه و گروهی از مردم مشهد، گروهی از برادران دژبان تهران، دانش‌آموزان مدرسه مصطفی خمینی تهران، دانش‌آموزان دختر و پسر اسدآباد و کنگاور، دختران دانش‌آموز درود، و تعدادی از افراد گروه ابانر سمنان، در قم با آیت‌الله منتظری دیدار کردند.

در این دیدار آیت‌الله منتظری طی بیاناتی ضمن تشکر یادآور شدند: انقلاب اسلامی ما برای پیروزی بیش از هفتاد هزار شهید و دهها هزار معلول داد و به رایگان به دست نیامد. ملت ما باید در حفظ این امانت الهی، با گذشت و فداکاری کوشش نموده و از شایعه‌پراکنی و اختلاف، که آب به آسیاب دشمن ریختن است، اجتناب کرده و رمز پیروزی را که همانا ایمان، وحدت و همبستگی و پیروی از رهبری قاطع امام خمینی است برای همیشه تقییب نماید. چرا که دشمن پس از اینکه به هر توطئه‌ای دست زد و موفق نشد، بلکه مفتضح و رسوا گردید، سعی دارد از آن راهی که ما پیروز شدیم، وارد شود و با ایجاد اختلاف و پراکندگی در جمع ما، به کمک‌آیادی داخلی و ستون پنجم خود، انقلاب اسلامی ایران را که می‌رود با جهانی شدن خود برای همیشه ظلم و ستم بیدادگران و ریشه‌های استبداد و استعمار را بسوزاند، با شکست مواجه سازد....

برای من شعار ندهید که من طلبه‌ای هستم از شاگردان حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی مدظله و اگر شعار می‌دهید به نفع اسلام و مقام رهبری باشد که این ضامن وحدت و مانع از سوءاستفاده کسانی است که می‌کوشند مردم ما را از خط امام دور و به راه‌های انحرافی و غیر

مکتبی بکشانند.

در خاتمه آیت‌الله منتظری ضمن اینکه از همگان خواستند با توجه به حفظ روابط خود با خدا و به جای آوردن فرایض و عبادات الهی سعی کنند با مطالعه و تحقیقات علمی رشته‌های گوناگون با به دست آوردن تخصص کشور را از بیگانگان بی‌نیاز سازند و در همین رابطه با اشاره به توطئه اخیر دشمن که تخصص را در مقابل مکتب قرار داده و سعی در ایجاد کانالهای انحرافی برای کوبیدن انقلاب ما دارد، تخصص منهای مکتب را زیان‌بخش خواندند. چرا که جنایات آمریکا و دیگر ابرقدرتها در ویتنام، هیروشیما و دیگر مناطق جهان و استفاده از هواپیماهای آواکس آمریکایی که اخیراً علیه انقلاب ایران به کار گرفته شده است، اینها همه ناشی از تخصص‌گرایی به دور از مکتب و متباین با معنویات و الهیات است.

۸- همزمان با اربعین سرور شهیدان حضرت حسین بن علی علیه‌السلام و یاران وفادارش گروههای مختلف مردم عزادار از شهرهای گوناگون به دیدار آیت‌الله منتظری شتافتند. ابتدا نماینده شورای انجمن‌های نهضت سوادآموزی گرگان از مدرسین و معلمین آن نهضت گزارشی را قرائت کرد. آنگاه آیت‌الله منتظری ضمن تشکر از همه عزاداران گفت همان‌طور که بارها از برادران و خواهران خواسته‌ام برای من شعار ندهید. چون من طلبه‌ای هستم از شاگردان حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی مدظله. همیشه تنها به نفع اسلام و مقام رهبری شعار دهید که آن رمز وحدت و پیروزی انقلاب ما بود.

آیت‌الله منتظری به مناسبت ایام سوگواری سیدالشهدا با اشاره به صدر اسلام گفت مسلمانان در زمان پیامبر (ص) در دو خط مختلف بودند. گروه اول مسلمانان راستین که در خط واقعی اسلام و رسول‌الله حرکت می‌کردند و دومین گروه مسلمانان دروغین که به ظاهر خود را مسلمان دانسته ولی در باطن منافق و پیرو طاغوتیان بودند. یزید و یزیدیان از گروه دوم بودند. به دروغ خود را خلیفه‌الله و مسلمان دانسته، مردم ساده لوح و ناآگاه را فریب می‌دادند و اساس اسلام را در معرض خطر قرار داده بودند. قیام و شهادت حضرت امام حسین و اسارت اهل بیت او جهت آگاهی بخشیدن به این توده‌های فریب‌خورده و بر ملا ساختن واقعیت کفر و نفاق یزیدیان و مشخص نمودن خط راستین اسلام بود....

تضادها، مشکلات و سختیهایی که در اثر جنگ تحمیلی عراق و تحریم اقتصادی کشور برای مردم ما به وجود آمده، آزمایش و امتحانی از طرف خداوند برای جدایی انسانهای راستین از فرومایگان بی‌شخصیت و محافظه‌کار می‌باشد.

امیدوارم که ملت به خوبی از این امتحان به درآمده و سعی کند ضمن حفظ آرامش و متانت خود در مورد کمبودها و سختیهای ناشی از جنگ نق نزند. چرا که هزاران کشته و معلول که ما برای پیروزی انقلاب داده‌ایم نه به خاطر رفاه در زندگی و توجه به امور مادی و دنیوی است بلکه جهت تحقق اهداف عالی اسلام و اجرای قوانین الهی بوده است، همان‌طور که در جنگ تبوک

مسلمانان چنان در مضیقه قرار گرفتند که به هر دو نفر از آنان فقط يك دانه خرما می‌رسید. آیت‌الله منتظری از مردم ایران خواست عوامل پیروزی را که همانا ایمان، اتحاد و پیروی از رهبری قاطع امام خمینی است حفظ و با هشیاری خود توطئه‌های نفاق افکنانه دشمن را که می‌کوشد با تهمت و شایعه‌پراکنی ایجاد اختلاف نموده و شخصیتها را لکه‌دار و به یکدیگر بدبین کند خنثی نمایند.

آیت‌الله منتظری از مسئولین نهضت سوادآموزی خواست که ضمن آموزش و تعلیم و تربیت نوباوگان و سالخوردگان سعی کنند آنان را از نظر عقاید اسلامی و توجه به خدا و انجام فرایض دینی تقویت و تمهد خود را در قبال راهنمایی صحیح آنها حفظ نمایند (جراید ۵۹/۱۰/۸).

۹- عصر روز ۱۳/۱۰/۵۹ عده‌ای از اعضاء بسیج مستضعفین شهرستان قم که عازم جبهه‌های جنگ هستند، در این شهر به حضور فقیه عالیقدر حضرت آیت‌الله منتظری رسیدند. در این ملاقات ابتدا نماینده بسیج مستضعفین اطلاعیه‌ای را قرائت کرد که در بخشی از آن آمده است: حضرت آیت‌الله منتظری، پیام تسلیت شما به روحانیت خوزستان بارقه‌امیدی در قلب ما ایجاد کرد. با پیام حیاتبخش آن حضرت و اقدام قاطع از جانب مقامات مسئول، [امیدواریم] این سد راه که مانع تهاجم ارتش جمهوری اسلامی، سپاه پاسداران و کلیه نیروهای مردمی در جبهه علیه ارتش بعث است شناخته گردند و به ملت شهید داده ایران معرفی شوند.

پس از آن آیت‌الله منتظری طی بیاناتی ضمن تقویت روحیه آنان به آنها توصیه نمودند که همیشه و در همه حال خدا را فراموش ننموده و در هر شرایطی فرایض و عبادات الهی را انجام دهند که ضامن تداوم انقلاب و پیروزی حتمی توجه به خدا و کوشش در راه تحقق آرمانهای حیاتبخش اسلام است.

۱۰- گروههای مختلف مردم از جمله افراد پرسنل شهربانی و سیصدتن از اعضای بسیج مستضعفین نجف‌آباد، همچنین عده‌ای از اهالی شهرهای تنکابن و بابل و آمل به طور جداگانه در قم به حضور آیت‌الله منتظری رسیدند (در تاریخ ۱۳/۱۰/۵۹).

ابتدا سرودی توسط نوجوانان نجف‌آباد در تجلیل از انقلاب و مقام رهبری خوانده شد. آنگاه آیت‌الله منتظری طی بیاناتی ضمن یادآوری اینکه انقلاب اسلامی ایران به رایگان به دست نیامده و ما در قبال پیروزی آن هفتاد هزار شهید و دهها هزار معلول داده‌ایم آن را امانتی از طرف خداوند قلمداد کنیم که به ما واگذار شده و ما باید با جدیت، هشیاری و وحدت و اتفاق آن را حفظ نماییم و توطئه‌های شایعه‌سازان و نفاق افکنان را خنثی کنیم. و ادامه دادند که گرچه شعارهای سازنده لازم و ضروری است و با همین شعارها بود که انقلاب ما پیروز و حکومت طاغوتی سرنگون شد ولی بیایید به شعار تنها قناعت نکرده و بیش از پیش به عمل بپردازیم.

آیت‌الله منتظری ضمن اینکه از تمام طبقات خواستند که وظایف خود را به خوبی انجام دهند،

کم‌کاری و کارشکنی در ادارات و نهادهای گوناگون دیگر را تقبیح و آن را نمونه بارز ضدانقلابی بودن توصیف نمودند. به نوجوانان که سازنده نسل آینده جامعه‌اند سفارش نمودند که همراه با انجام فرایض و عباداتی که از جانب خداوند به آنان محول شده درس خود را خوب خوانده و کشور را از کارشناسان و متخصصین شرقی و غربی بی‌نیاز سازند و در این رابطه به معلمین و اولیاء مدارس توصیه نمودند که ضمن توجه به تربیت نوباوگان در مورد تحصیل و سوادآموزی، آنان را به عقاید اسلامی خویش آشنا سازند و همواره علم را توأم با دین آموزش دهند چرا که بالاترین عمل آن است که انسان فردی را از گمراهی و ضلالت به هدایت و نیک‌بختی رهنمود باشد که آن به منزله احیای يك ملت است و به جا است که معلمین و دبیران همان گونه که برای درس‌های گوناگون نمره می‌دهند سعی کنند که با در نظر گرفتن میزان عقاید اسلامی دانش‌آموزان برای آن نمره‌ای تعیین که موجب تشویق آنان گردد.

آیت‌الله منتظری در بخشی دیگر از سخنان خود به اهمیت نقش زنان در ایجاد جامعه‌ای سالم و مترقی اشاره نمود و از دامن مادران به عنوان اولین کلاس آموزش و پرورش برای نوباوگان نام برد و اضافه کرد در خانواده آن اندازه که مادران نقش دارند پدران مؤثر نیستند. مادر می‌تواند فرزند خود را از ابتدا با دستورات اسلام آشنا و عقاید محکم و استواری را برای او پایه‌ریزی نماید. در پایان آیت‌الله منتظری کمبودهای ناشی از جنگ و تحریم اقتصادی را امری طبیعی خواندند و ضمن اینکه از مردم خواستند آرامش خود را حفظ و از توقعات کاسته و کاری نکنند که با طرح شکایات بی‌مورد برای رادیوهای بیگانه خوراک تبلیغاتی سازند به مسئولان دولتی توصیه نمودند که در رفع نواقص و جبران کمبودها کوشش و با تأمین مایحتاج عمومی رضایت ملت را جلب کنند.

۹۱- سمینار دو روزه مسئولان استانداری، فرمانداری، شهرداری و جهاد سازندگی استان مرکزی روز جمعه ۵۹/۱۱/۱۷ در محل سالن شهرداری قم با صدور قطعنامه‌ای به کار خود پایان داد. این سمینار به منظور طرح مسائل و مشکلات شهری در رابطه با اثرات ناشی از جنگ تشکیل شده بود، که با دیدار شرکت‌کنندگان در این سمینار با آیت‌الله منتظری و استفاده از رهنمودهای ایشان به کار خود خاتمه داد.

آیت‌الله منتظری در قسمتی از سخنان خود با پذیرفتن مشکلاتی که مسئولان با آن مواجه‌اند گفتند که عدم امکانات نباید موجب برخورد تند با مردم شود بلکه می‌توان با اخلاق خوش و با کمک خود آنان به رفع مسائل موجود همت گماشت. ایشان همچنین اظهار داشتند که جلو سوءاستفاده‌های کلان بعضی از اشخاص که جنگ را برای خود بهانه‌ای قرار داده‌اند به شدت گرفته شود.

آیت‌الله منتظری در اشاره به نابسامانی حاصل از تراکم جمعیتی که در شهرها به چشم می‌خورد گفتند: بیشتر باید به فکر اکثریت جامعه بود که اکنون در روستاها با تمام کمبودها می‌سازند و تنها

عاملی که می‌تواند جلو مهاجرت آنها را بگیرد عمران و آبادی آن مناطق است.

۱۲- همزمان با سالگرد شهادت حضرت ثامن الائمه علی بن موسی الرضا (ع) گروه‌های مردم عزادار از جمله عده‌ای از اهالی و بازاریان متعهد قم، همچنین دختران دانشجوی علوم اسلامی مکتب نرجس مشهد در قم به حضور فقیه عالیقدر آیت‌الله منتظری رسیدند.

در این دیدار آیت‌الله منتظری طی بیاناتی ضمن یادآوری اتحاد کلمه، فداکاریها و اعتصابات ممتد و دشمن‌شکن مردم قم و دیگر شهرهای ایران در روزهای قبل از پیروزی انقلاب، لزوم حفظ چنین مواضع انقلابی و همبستگی همه جانبه را بعد از انقلاب ضروری و لازم دانسته و متذکر شدند همانطور که در روزهای اولیه انقلاب همه سختیها را به خوبی تحمل کردید و صبر و شکیبایی شما موجب شکست دشمن و نتیجتاً پیروزی انقلاب گردید، هم اکنون نیز پیروزی نهایی و تکمیل اهداف مقدس انقلاب اسلامی که همانا درهم کوبیدن رژیمهای شیطانی و ضد اسلامی و حکومت‌های طاغوتی در سرتاسر جهان و جهانی نمودن انقلاب اسلامی بوده، وظایف سنگین و مواضع سخت‌تری را ایجاب می‌نماید. شکی نیست کمبودهایی در کشور هست که از جنگ تحمیلی، تحریم اقتصادی و تحولات عمیق ناشی از انقلاب و تغییر رژیم فاسد گذشته سرچشمه می‌گیرد و همان‌طور مسئولین موظفند با کوشش زیاد سعی کنند رضایت مردم را بیش از پیش جلب نمایند. بر ملت ایران هم لازم است سطح توقعات خود را پایین آورده و از طرح شکایات بيمورد و دشمن‌شادکن خودداری کنند تا مطبوعات و رسانه‌های گروهی دشمنان اسلام نتوانند از آن سوء استفاده کنند و برای خود تبلیغات مخرب بسازند.

آیت‌الله منتظری در بخش دیگری از سخنان خود افزود: همیشه مقاصد اسلامی و مصالح عمومی و اجتماعی را بر منافع شخصی ترجیح داده و هر گز به فکر تحمیل فکر و عقیده شخصی خود بر دیگران نباشید.

وقتی انسان هدفی عالی و جهانی دارد برای تحقق بخشیدن به آن از مقاصد فردی و دنیایی صرف نظر می‌نماید. همان گونه که یکی از امتیازات ارزنده پیامبر عظیم‌الشان اسلام صلی‌الله علیه و آله که سرمشق و الگو برای همه مسلمانان و انسانهای آزاده جهان است، حفظ چنین خصیصه والا و اسلام‌گونه بوده است. سپس در حالی که حاضرین برای آیت‌الله منتظری شعار می‌دادند ایشان برای چندمین بار گفت که برای من شعار ندهید و با حفظ شعار واحد به نفع اسلام و مقام رهبری سعی کنید به شعار تنها قناعت نکرده و بیشتر به عمل پردازید و به همه طبقات از کشاورز، کارگر و غیره توصیه کرد با انجام وظایف خود کشور را از جهت اقتصادی از بیگانگان بی‌نیاز سازند که این خود عبادت خداوند یکتاست.

آیت‌الله منتظری در پایان خطاب به دختران دانشجو آنان را مادران نسل آینده جامعه ایران خواند و نقش آنان را در تربیت صحیح فرزندان آتیه کشور بسیار بیشتر از مردان قلمداد کرد چرا که اولین کلاس برای تربیت عقیدتی و فکری کودک خانواده و دامن مادر است و زنان به خلاف

مردان در تماس مستقیم و دائم با فرزندان خود می‌باشند و در این رابطه اضافه کرد: فرض کنید وزیر صالح و لایقی قصد اداره کشور و خدمت به مردم را داشته باشد. در صورتی که رؤسا و مدیران ادارت و دوایری که با او همکاری دارند لایق و ساخته شده نباشند زحمات او بی‌نتیجه و خنثی می‌گردد. پس این مادران هستند که سازنده واقعی نسلی نو و پویا در جهت ایجاد جامعه‌ای مترقی و اسلامی‌اند (جراید ۱۸/۱۰/۵۹).

۱۳- در تاریخ سوم بهمن ماه ۵۹ اتحادیه انجمنهای اسلامی دانش‌آموزان ناحیه ۲ تهران به حضور آیت‌الله منتظری رسیدند. اعضاء انجمنهای اسلامی دانش‌آموزان نوشته‌ای خطاب به آیت‌الله منتظری قرائت کردند که لازم است در اینجا نقل شود.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

یا ایها الذین آمنوا اصبروا و صابروا و رابطوا و اتقوا الله لعلکم تفلحون (سوره آل عمران، آیه ۲۰۰) سلام بر تمامی شهدای گلگون کفن خط خونین تشیع. درود بر رهبر کبیر همیشه بیدارمان امام خمینی. سلام بر همه رهروان و مریدان خط امامت بویژه فقیه عالیقدر حضرت آیت‌الله منتظری.

ما به عنوان نمایندگان انجمنهای اسلامی دانش‌آموزان آموزش و پرورش ناحیه ۲ تهران به همراه تنی چند از مسئولان که جمع کوچکی از عاشقان ایثارگر مکتبیم و بر اساس آیه مبارکه بالا ایمان به الله و پایداری بر خط اصیل کمال او و تشکیلی خونبار برگرد این خط با تقوایی که از او به امانت گرفته‌ایم تا مگر از رستگاران راه او باشیم، در حالی به دیدار آن حضرت شتافته‌ایم که مشت محکم مردم مسلمان ایران در دوسال پیش در چنین روزی شیطان کوچک را از سرزمین اسلامی ایران به زباله‌دان تاریخ انداخت و روزی را پشت سر داشته‌ایم که مصادف با شهادت یازدهمین ستاره امامت بود؛ امامی که به تنهایی عسگری بود و خط تشیع را با خون خویش پاس داشت؛ خطی که همیشه با خون سرخ آبیاری شده است؛ خطی که در این زمان در غیبت ولی عصر (عج) توسط یگانه نایب بر حقش امام خمینی همچنان حراست و پاسداری می‌شود. ما به حضور شما آمده‌ایم تا از دردهایمان بگوییم. ما پیش شما آمده‌ایم که تنهایی خویش را احساس نکرده باشیم. ما در حضور شما دیگر تنها نیستیم. ما با حضور شما حضور امام را احساس می‌کنیم. ما پیش حضور شما حضور امام را احساس می‌کنیم. ما در منطقه‌ای مرکزی و تجاری در تهران به تحصیل اشتغال داریم. در منطقه‌ای که پر اسم و رسم‌ترین و مشهورترین مدارس تهران در این ناحیه متمرکز بوده‌اند - آنچنان که در گذشته دربار آموزش و پرورش لقب گرفته بود. در منطقه‌ای که در آخرین روزهای به ثمر رسیدن مرحله اول انقلاب یا بکلی نسبت به جریانات مبارزه مردم بی‌تفاوت مانده و یا در نهایت در ردیف آخرین گروهها، همصدای توده‌های مردم شده است و در مقابل از بعد از انقلاب در صف مقدم معترضین و ناراضیها و اعتصابها و تحصننها قرار داشته‌اند. منطقه‌ای که همیشه در توطئه‌های مختلف بر علیه جمهوری اسلامی چه در خارج از

مدارس و چه در داخل مدارس آن بیشترین همکاریهای ممکن را داشته است. منطقه‌ای که بعضی مدارس آن خصوصاً در توطئهٔ اخیر شیطان بزرگ علیه جمهوری اسلامی یعنی حملهٔ دولت مزدور عراق در جبههٔ داخلی و اغتشاش در مدارس نقش ستون پنجم را ایفا کرده است.

خدا می‌داند روزی نیست که در مدارس خود بی‌حرمتی به اسلام و شرع و قانون را نبینیم، روزی نیست که به امام و یاران صدیق امام و روحانیت و نهادهای انقلابی در داخل مدارسمان یعنی در مکانی که باید محل اشاعهٔ فرهنگ اسلامی انقلابی باشد بدترین تهمتها و ناسزاهای نسبت دهند. چگونه می‌توان تحمل کرد که هر روز اینان به بهانهٔ فعالیت سیاسی ولی با مأموریت‌های سیاسی که بر عهده گرفته‌اند دانش‌آموزان ناآگاه را تحریک نموده و کلاسهای درس را به تعطیلی بکشاند؟ چگونه می‌توان تحمل کرد که اینان که رهبران و رشکستگان سیاسی در جامعه‌اند دک‌های خود را در مدارس باز کنند و این دانش‌آموزان ساده لوح را از فطرت انسانی خود به دور نگاه دارند؟ ولی ما آینده‌سازان تاریخ قصاص گیرندهٔ این ترورکنندگان انسانیت خواهیم بود و در سنگر قلم و مکتب سلاحشان را که رو به امام و امت گرفته‌اند به سوی سینه‌هایشان بر خواهیم گرداند.

از شما انتظار داریم ما را در این سنگر ارائهٔ طریق فرمایید و در این راه آمده‌ایم تا از محضرتان رهنمودهایی در رابطه با استمرار مبارزه‌مان و کلیدی برای بازگشودن مشکلاتمان به گوش گیریم. باشد که در این راه همچنان با راهنمایی‌تان پایداری ما را در راه امام مستمر کرده و ما را در پاسداری از سنگر مروج ارزشهای اسلامی که در رأس آن ولایت فقیه متجلی است یاری نمایید. والسلام.

پس از قرائت بیانیۀ فوق حضرت آیت‌الله منتظری رهنمودهایی به دانش‌آموزان دادند که متن آن به شرح زیر است:

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. اولاً من از برادران و خواهران که اینجاست شریف آورده‌اند تشکر می‌کنم و از دو جهت از آنها عذر می‌خواهم؛ یکی وضع منزل ما مناسب نیست و آقایان صدمه می‌خورند، دیگر آنکه وقت تنگ است و باید جهت نماز جمعه آماده شویم. خیلی مختصر تذکر می‌دهم به برادران و خواهران که این اتحادیهٔ انجمنهای اسلامی خیلی تعبیر خوشی است. شما توجه دارید که اگر نهرهای کوچک کوچک داشته باشید بعد از اینکه جریان پیدا می‌کند خرده خرده کم می‌شود و به زمین می‌رود و در آخر چیزی از آن باقی نمی‌ماند. دیده‌اید آب‌هایی کوچولو کوچولو که به زمین می‌رود ولی اگر این آب‌های کوچک کوچک با هم متحد شدند و روی هم افتادند و به صورت یک نهر بزرگی درآمد و بعد به صورت رودخانه‌ای شد دیگر کسی نمی‌تواند در جلو آن مقاومت کند و از بین می‌رود.

این انجمنهای کوچک هم ممکن است که زود تحلیل بروند و در مقابل، دشمن قد علم کند و کار انجام دهد؛ اما چنانچه این انجمنهای کوچک به صورت اتحادیه در آمدند و با هم متحد شدند

نیروی عظیمی می‌شود که دشمن در جلوش تاب مقاومت ندارد - مثل يك رودخانه‌ای که کسی نمی‌تواند جلوش درآید و به مسیرش ادامه می‌دهد.

بنابراین يك فكر اساسی است در اسلام: در مورد کلمه وحدت و اتحاد کلمه خیلی سفارش شده است. امروز صبح يك گروهی آمدند اینجا - گروه کوچکی - و مضمون شعارشان این بود که ما طرفدار وحدت کلمه هستیم؛ بعد شروع کردند برای من شعار دادند.

گفتم نه، برای من شعار ندهید، همان شعار که می‌دادید که ما طرفدار وحدت کلمه هستیم و می‌خواهیم وحدت کلمه باقی باشد آن شعار را حفظ کنید. برای اینکه ما اگر در این انقلاب پیروزی پیدا کردیم در اثر همین وحدت کلمه بود. شما یادتان هست در مقابل تانک و توپ و مسلسل، برادران و خواهران هیچ نیروی ظاهری نداشتند اما زن و مرد توی خیابانها می‌ریختند و از همه اقشار می‌گفتند: آزادی، استقلال، جمهوری اسلامی؛ يك شعار می‌دادند و اسم هم از يك رهبر می‌بردند. لذا من نمی‌خواهم که برای من شعار بدهید، عکس من را هم نمی‌خواهم بیاورید. برای يك رهبر شعار بدهید و برای وحدت کلمه، برای اسلام. اسلام است که همه را جمع کرده است و از برادران و خواهران می‌خواهم، از گروههای کوچکی که گوشه و کنار ایستاده‌اید، شما اگر گروه‌گروه شدید، دشمن در شما طمع می‌کند. نامه برژینسکی که يك وقت هم در نماز جمعه خواندم خیلی مهم است. برژینسکی که وزیر مشاور کراتر است به وزارت خارجه آمریکا دستور می‌دهد: راجع به ایران سعی کنید با گروهها تماس بگیرید، چه گروههای مذهبی و چه غیر مذهبی. من نمی‌خواهم بگویم که خدای ناکرده گروهها به آنها وابسته‌اند و نمی‌خواهم گناه آنها را پاك کنم. اما جوری است که سیاست ابرقدرت آمریکا در گروههای کوچک طمع می‌کند و طمع که کرد از راههای مختلف ممکن است تحريك کند. بنابراین پیام من به گروههای کوچک که به وسیله شما می‌دهم این است که شما به آنها بگویید در وقتی که ما گرفتار ابرقدرتهای شرق و غرب هستیم و خواسته ما این است که کشور ما روی پای خود بایستد اختلاف ایجاد نکنید. همه يك شعار بدهید، طرفدار يك رهبر باشید، اختلاف کلمه نداشته باشید که شکست می‌خورید. عامل پیروزی ما وحدت کلمه بود. این را تا آخر حفظ کنیم. این وظیفه همه ما است. از برادران و خواهران می‌خواهم که هرکجا هستید اگر دانشجوی هستید و یا در دبیرستان هستید درستان را بخوانید. اگر در کارخانه هستید خوب کار کنید. نگو که کار کنم برای کی. کار کن برای کشور خودت تا یکی از ناحیه تو استفاده کند، برای همین کشور است، برای آمریکا که کار نمی‌کنی، برای کشور خودت کار می‌کنی. کارگر کارخانه به کارت اهمیت بده. کشاورز عزیز به کارت اهمیت بده. نگو من گندم بکارم گران تمام می‌شود. بابا جان ما تا به حال هم خوردیم و هم نق زدیم. روزی را خدا می‌رساند. خدا از ما کار خواسته، در مزرعه کار کن، گندم بکار برای رضای خدا، عبادت کن برای اینکه بندگان خدا در کشور خودت بخورند و گندم از رومانی و آمریکا وارد نکنی. عبادت تو کشاورز در مزرعه است، عبادت دانش‌آموز و دانشجو در دانشگاه است، عبادت کارگر در کارخانه و عبادت بازاری در بازار. در بازار، روزی حلال گیر بیاورید و احتکار و گرانفروشی نکنید.

کار مردم را راه بیندازد و در وقتی که می‌بینید که پیرزنها و پیرمردهای دهات با وضع فلاکت‌بارشان دارند به جنگ‌زده‌ها کمک می‌کنند بازاری خدای نکرده نخواهد که از این بازار آشفته سوء استفاده کند. از باب اینکه وقت نداریم از همه شما عنر می‌خواهم. خدایا در این روز به حق محمد و آل محمد، به حق ولی عصر عجل‌الله تعالی فرجه که در چنین روزی به امامت رسیدند، تعجیل در ظهور حضرتش بفرما. انقلاب ما را به انقلاب جهانی و لی عصر متصل بفرما. خدایا نام برادران و خواهران را در طومار شیعیان ائمه اطهار ثبت و ضبط بفرما. خدایا رهبر انقلاب را برای ما حفظ بفرما. خدایا شر حکومت صدام را از سر ملت ایران کوتاه بفرما. بالنبی و آله. خدا حافظ شما.

آنچه گذشت مختصری از انبوه گزارشات موجود از دیدارهای مردم و طبقات مختلف اجتماعی با آیت‌الله منتظری بود. قابل توجه برای تاریخ و انقلاب این است که جمله «برای من شعار ندهید به نفع رهبر انقلاب شعار بدهید» را مکرر بیان کرده است، و این باید در تاریخ ثبت گردد، هم برای یادآوری عظمت رهبران انقلاب اسلامی و هم به عنوان الگوی کسانی که در مقام بالا قرار می‌گیرند.

جز دسته‌های مذکور، مسئولان مملکتی و شخصیتهای سیاسی - اجتماعی نیز به طور مرتب و به وفور به دیدار آیت‌الله منتظری می‌روند.

در مدتی کوتاه، شخصیتهای مختلف و مسئولان، از جمله مهندس تندگویان وزیر نفت به اتفاق معاونین این وزارتخانه، ملاقادر قادری امام جمعه پاره، اصغر نیا استاندار سمنان، نوبری رئیس کل بانک مرکزی، میرسلیم معاون وزیر کشور، سیداحمد حسینی سرپرست اداره سیاسی ایدئولوژیک شهربانی و سرهنگ اکبر داور معاون اداری شهربانی با آیت‌الله منتظری ملاقات کرده از وی راهنمایی و پیشنهاد گرفته‌اند.

با وجود علاقه زیادی که مردم برای دیدن رهبران مذهبی‌شان دارند و راههای زیادی را که می‌پیمایند تا به حضور شخصیتهای مورد علاقه‌شان برسند، دوباره آیت‌الله منتظری رسماً از مردم خواست که به قم نیایند تا بتواند با فراغت بیشتر به امور جاری مملکت توجه کند و به درس و مطالعه خود بپردازد. اما چه باید کرد که مردم مشتاقند و علاقمند...

جنگ اسلام و کفر

از هنگامی که آمریکای جنایت‌پیشه و زشتخو متوجه شد که انقلاب ایران به دلیل ماهیت اسلامی‌اش تا زمانی که جوهر اسلامیت را در خود دارد دیگر به او و همپیمانهایش روی خوش نشان نخواهد داد و حتی با کشتادن انقلاب به دیگر کشورهای مسلمان منافع و مطامع امپریالیسم خونخوار را قطع خواهد کرد، فعالیت ضدانسانی و ضداسلامی خود را علیه این انقلاب و در واقع علیه اسلام شدت بخشید.

سویای تمامی کوششهای مذبحخانه‌اش قبل از پیروزی انقلاب جهت تلاشی نیروهای انقلابی مردم و سرکوب قیام شکوهمند مسلمانان ایران، از روز پیروزی انقلاب با روش نیرنگ و دسیسه کوشید از پیشرفت ایران انقلابی جلوگیری به عمل آورد.

از گلوی عناصر سرسپرده و خود فروخته‌ای که به لباس گروهکهای سیاسی درآمد بودند، ماهیت تجاوزکارانه خود را در پیشگاه مردم میهن اسلامی عیان ساخت. اما حربه او در کردستان و خوزستان و گنبد، با همه دزدسرهایی که برای حکومت اسلامی داشت، به آسانی از کار افتاد. ایجاد درگیریهای خیابانی و انداختن گروهکهای کافر و منافق و قاتل به جان مردم نیز برایش ثمری به بار نیاورد.

دخالتهای مستقیم و بی‌پرده‌اش از طریق حمله نظامی و گسیل نیروهای جنگی هم بی‌ثمر ماند و در بیابانهای طبرستان بی‌آب و هوا، با تلفاتی و خاطره‌ای تلخ و دردناک به خانه‌اش بازگشت.

کودتای نافرجام از طریق فریب عناصر ضعیف در رده‌های بالای ارتش هم نتوانست قلب پر کینه این شیطان بزرگ نسبت به جمهوری اسلامی ایران را خوشحال سازد و با اینهمه مخارج و وعده و وعید، به لطف خدا کاری از پیش نبرد. بالاخره نیروهای نظامی عراق را که می‌بایست علیه صهیونیسم بین‌المللی و اسرائیل تجاوزگر به کار گرفته شود رو در روی مردم ایران قرار داد و با این کار آتش يك جنگ واقعی بین اسلام و کفر را برافروخت و شعله‌های هستی سوزش را به میان مردم جنوب و غرب کشور ایران افکند.

این جنگ را که آمریکا و دیگر یارانش از طریق حزب کافر بعث عراق بر ما مردمی که عزم نجات از زیر یوغ استعمار کرده‌ایم تحمیل کرد، از روز ۳۱ شهریور ماه ۵۹ با حمله هواپیماهای نظامی به چند فرودگاه و بمباران نقاط مختلفی از آنها آغاز گشت.

قبل از اینکه سخن را در مسائل مربوط به جنگ ایران و عراق ادامه دهیم، لازم است در رابطه با توطئه‌های قبل از جنگ، که به وسیله آمریکا چیده شده بود، توضیحاتی بدهیم.

حضرت آیت‌الله منتظری از همان آغاز پیروزی انقلاب، همچون حضرت امام خمینی، خطر جدی آمریکا و عوامل داخلی‌اش را به طرق مختلف و در اکثر پیامها، مصاحبه‌ها و خطبه‌هایشان بیان کرده‌اند.

قبل از همه آن مراحل گوناگون واکنش آمریکا که بر شمردم، ایشان حرفهای لازم و راهنماییهای مفید خودشان را ارائه می‌داد، ولی متأسفانه چه بسا دولتمردان راهنماییهای دلسوزانه وی را دخالت غیر مسئولانه می‌خواندند و نسبت به آن بی‌اعتنایی می‌کردند.

از جمله، در آغاز پیروزی انقلاب که گروهکهای آمریکایی در کردستان حادثه‌آفرینی کردند و با داد و فریاد همه را متوجه خود ساختند، عده‌ای برای حل مسئله به کردستان رفته، در آنجا به جای ریشه‌یابی حادثه‌سازها و افشای ماهیت گروههای وابسته، بازی دموکراسی درآوردند و يك کمونیست نالایق را در مقام استانداری کردستان یعنی در رأس اداره يك استان ناآرام قرار

دادند. آیت‌الله منتظری عواقب وخیم این کار را - که مرور زمان نشان داد چه خیانت بزرگی بود - به دولت موقت گوشزد کرد، اما توجهی به آن نشد. آن استاندار هم به راحتی فرمانداری شهرها، پادگانها، مراکز نظامی و بودجه دولت را در اختیار دشمنان انقلاب اسلامی قرار داد و اندک اندک، کردستان مسئله‌ای حاد برای جمهوری اسلامی گردید.

در مورد درگیریهای خیابانی و جنجال آفرینی گروهکهای ضدانقلاب، آیت‌الله منتظری به کرات در خطبه‌های نماز جمعه فریاد برآورد که اینکارها جزء دسیسه‌های آمریکاست، از این کارها دست بردارید و به آغوش اسلام برگردید و حتی به برادران و خواهران مسلمان خویش توصیه می‌کرد که هواداران این گروهکها را به آغوش اسلام فراخوانده با آنان با محبت رفتار کنند.

افشای جنایات و دسایس شوم شیطان بزرگ، که در جهت ایجاد ناآرامی و ناامنی در شهرهای ایران سیر می‌کرد، از جمله اقدامات دلسوزانه‌ای بود که این مجاهد نستوه، بارها به آن دست زد؛ اما نوکران آمریکا در ایران به حدی بودند که اندرزه‌های ایشان را خنثی سازند.

همچنین در مورد آمادگی مسئولان مملکتی و مقامهای نظامی در مقابله با حمله نظامی آمریکا تذکرات لازم را داده است. بالاخص از بازنشسته کردن و بازخرید کردن رده‌های بالای ارتش و تصفیه عناصر ناباب در پستهای نظامی بسیار گفته بود و توصیه‌های ایشان را در مورد به کارگیری نسل جوان و سلب مسئولیت از پیران و کارکردها همه به یاد دارند و صد افسوس که «پیرپرستی» و ایضاً اهمیت دادن به «تخصص» بی‌ملاک، در ذهن بزرگان آن روزگار و گاه این روزگار حضور همیشگی دارد و نهایتاً به ماست‌مالی کردن جریان حمله نظامی طیس و شکل‌گیری طرح کودتا در ارتش می‌انجامد.

بعد از همه آن جریانات، می‌رسیم به جنگ ایران و عراق، که عموماً آن را جنگ اسلام و کفر می‌دانیم؛ و اینکه حضرت آیت‌الله منتظری فعالانه در آن حضور دارند. از آغاز جنگ تحمیلی آمریکا به وسیله صدام حسین ملعون، دستهایی به کار آمد که تا دخالت روحانیت را در هدایت و شکل‌دهی يك جنگ با معیارهای اسلامی، دخالت قدرت‌طلبانه و انحصارگرانه معرفی کنند. در متن همین تبلیغ غلط، مسئله دخالت اشخاص ناوارد و غیر متخصص در صحنه‌های جنگ مطرح گشت و ادعای اخیر زمینه را برای ایجاد بدبینی بین ارتش و روحانیت آماده می‌کرد، و دشمن هم علاقمند بود که چنین فاجعه‌ای رخ دهد، اما دشمن به غلط این گونه می‌پنداشت و دیدیم که باز لطف خدای بزرگ این آفت انقلاب را هم زایل کرد.

در این میان آیت‌الله منتظری پیش از خیلیها نسبت به این خطر احساس مسئولیت کرد، لذا در دفعات مکرر به عنوان بزرگ روحانیت مبارز، اعتماد نظامیان به طرفداری روحانیت از ارتش را جلب کرد و در دیدارهایی که با ارتشیان داشت و بالاخص در خطبه‌های نماز جمعه علاقه خود و دیگر روحانیون را به ارتش ایران که ارتش اسلام است اعلام نمود. لازم می‌دانم در اثبات این ادعا، دو نمونه از نامه‌های این فقیه مبارز را که موضع ایشان نسبت

به ارتشیان در آنها منعکس است در اینجا نقل کنم تا تاریخ، حرف یاهوگویان را حقیقت نپندارد.

۱- بسمه تعالی. جناب ثقة الاسلام والمسلمین آقای رضوانی دامت افاضاته. نامه شما را که مشتمل بر خدمات و شرح مسئولیتهای خطیر جناب عالی به عنوان نماینده رهبر انقلاب، حضرت امام خمینی مدظله در پایگاه نوژه بود، ملاحظه کردم. تمام اعضای پرسنل مسلمان و فداکار پایگاه به شرایط حساس و وظایف دینی و الهی خود به خوبی واقفند. از توطئه‌های عمال آمریکا که اخیراً تلاش می‌کنند بین ارتش جمهوری اسلامی و روحانیت آگاه و مبارز که همیشه پیشتاز و آغازگر مبارزه با استعمار بوده فاصله بیندازند، اطلاع کافی دارید.

اکنون که توسط رادیوهای بیگانه و عمال داخلی دشمنان اسلام نغمه شیطانی جدایی دین از سیاست و کوبیدن روحانیون که رژیم شاه معدوم آنان را می‌کوبید شروع شده و با مکر و فریب تلاش در جدا کردن مردم از ارتش و ارتش از سپاه پاسداران و روحانیت متعهد و ایجاد روحیه بدبینی و عناد در هر کدام می‌شود، بر جناب عالی و دیگر روحانیون لازم است پیوند خود را با برادران غیور و فداکار ارتش و سایر نیروهای انتظامی، بیش از پیش تقویت کرده و آنان را متوجه منزلت اجتماعی و شخصیت اسلامی که در پناه انقلاب اسلامی به دست آورده‌اند ساخته و یادآور شوید در روزهای اول پیروزی که همین عمال فعلی استعمار از طریق بعضی گروههای منحرف و وابسته خواستار انحلال ارتش بودند، مقام رهبری و روحانیت بیدار بود که متذکر توطئه شد و از اضمحلال و انحلال ارتش و تحریک مردم بر علیه آن جلوگیری کرد. جناب عالی از طرف من به اعضای پرسنل پایگاه سلام برسانید و بگویید مبادا گول تبلیغات شیطان بزرگ آمریکا را بخورند و از صراط مستقیم اسلام که همان راه امت مسلمان و امام باشد جدا شوند. شما اکنون به فرموده رهبر انقلاب ارتش امام زمان (ع) هستید و تمام حرکات، تلاش و فداکاری شما مورد نظر و عنایت امام و ملت مسلمان ایران خواهد بود.

امید است بزودی بر تمام مشکلات جنگ غالب شده و فتح و نصرت خداوند شامل نیروهای رزمنده اسلام و ملت ما بشود و همگی از این امتحان بزرگ الهی سر بلند شویم. توفیق همگان را در خدمت به اسلام، حمایت مستضعفین و خنثی نمودن توطئه‌های عمال استعمار را از خدای بزرگ خواهانم.

حسینعلی منتظری ۵۹/۹/۱۷

۲- بسمه تعالی. جناب ثقة الاسلام والمسلمین آقای حمیدزاده مدیر اداره سیاسی ایدئولوژی ژاندارمری جمهوری اسلامی ایران دامت افاضاته. نامه‌ای از طرف اداره فوق‌الذکر که مشتمل بر خدمات گوناگون و تلاش جناب عالی در بالابردن سطح آگاهی مذهبی - سیاسی پرسنل خدمتگزار و فداکار ژاندارمری بود، رسید. ضمن تشکر یادآوری می‌شود که ژاندارمری همچون سایر ارگانهای نظامی کشور در رژیم فاسد گذشته طبق یک برنامه استعماری همواره سعی می‌شد

به دور از مردم و روحانیت متعهد و مبارز و بدون توجه به فرهنگ مذهبی و رشد سیاسی تربیت شود تا ابزاری در دست عمال استعمار باشد و به هر شکلی که بخواهند در مسیر اهداف شیطانی و ضد مردمی از آنها استفاده نمایند. ولی پس از انقلاب شکوهمند اسلامی ایران به رهبری حضرت امام خمینی مدظله این ضوابط ارتجاعی و استعماری از بین رفت و فاصله بین نیروهای انتظامی و ملت مسلمان و روحانیت متعهد برای همیشه فراموش شد تا آنجا که همگی در یک سنگر با اعتماد متقابل مشغول پاسداری از دستاوردهای انقلاب و دفاع از سرزمین مقدس اسلامی می‌باشند.

لازم است نیروهای مسلح را به این توطئه استعماری آگاه ساخته و از تبلیغات و القاءات ضد روحانیت و اسلام که به تازگی در پرسنل محترم و فداکار این نیروها توسط عناصر مرموز و احياناً واسطه شروع شده جلوگیری به عمل آید و ارتباط نیروهای انتظامی با ملت مسلمان و روحانیت آگاه بیش از پیش تقویت گردد. این جانب ضمن تقدیر از خدمات ارزنده جناب عالی و سایر همکاران محترم شما توفیق همگان را برای ادامه انجام این مسئولیت بزرگ الهی و مقاومت در برابر توطئه‌های نفاق افکنانه عمال استعمار از خدای بزرگ خواستارم. والسلام علی من اتبع الهدی.

قم - حسینعلی منتظری ۱۳۵۹/۹/۳۰

جدای از آنچه ذکر شد، حضرت آیت‌الله منتظری به دفعات زیاد حوزه فعالیت و مسئولیت قوای انتظامی را بیان کرده‌اند. در این مورد هم به یک نمونه از نقطه نظرهای معظم له اشاره می‌کنم:

حضرت آیت‌الله منتظری در مجلس خبرگان در مقام دفاع از موجودیت سپاه پاسداران گفتند: دومنا برای ما مسلم است ۱- دفاع از مکتب برای همه مردم لازم است - اعم از برادران ارتش و سپاه پاسداران و مردم - و دفاع از مملکت بر همه واجب است. ۲- ارتش و سپاه با هم تضادی ندارند، ولی بایستی سپاه پاسداران باشد.

در صدر اسلام طوری بود که وضع نظامی ساده بود و وسایل نظامی شامل شتر و اسب و شمشیر و اینها بود، اما امروز تجهیزات نظامی خیلی پیچیده است. وظیفه ارتش دفاع از کشور در مقابل نیروهای خارجی است که احياناً ممکن است روزی به کشور حمله کنند. این است که می‌گویند ارتش باید به مدرنترین تجهیزات و وسایل روز تجهیز شود - فرضاً مانند هواپیماهای اف ۱۵ و اف ۱۶. حتی این معنا که در دهانها انداخته‌اند و می‌گویند ما نباید تجهیزات اتمی داشته باشیم، خیر، مسلمانها همه باید داشته باشند. البته اگر دنیا توافق کرد، خوب ما هم کنار می‌گذاریم. وقتی که آمریکا و شوروی مثل دو غول خود را به اتم مجهز کرده‌اند مسلمانها هم باید نیروی اتمی داشته باشند. اینهمه دارند پاکستان را هو می‌کنند که چرا بمب اتمی می‌سازد! بمب اتم برای آمریکا و شوروی حلال است اما برای مسلمانها که شده حرام است! غلط است. دشمن خارجی را شما کوچک نشمارید. نگویید امروز کسی به کشور اسلامی حمله نمی‌کند. جهان سوم همیشه در معرض خطر است. دوامپریالیزم شرق و غرب هست، پس ارتش باید مجهز شود. از

دولت می‌خواهیم که برادران ارتشی را تشویق کند که ذوق خود را به کار ببرند تا روحیه ابتکار در آنها پیدا شود. به هر صورت ارتش بایستی دفاع از مرزهای کشور بکند ولی پاسداران انقلاب بالاترین وظیفه‌شان دفاع از مکتب است. اگر چنانچه روزگاری وزارت امر به معروف و نهی از منکر تشکیل شد پاسداران انقلاب اسلامی ضابطین نظامی آن خواهند بود و اگر پیدا نکردیم پاسداران چون از متن انقلاب جوشیده‌اند اینها بیش از همه دفاع از مکتب اسلامی را به عهده خواهند داشت. بنابراین به اینها احتیاج داریم برای دفاع از مکتب اسلام. و دولت هم باید آنها را مجهز کند.^۱

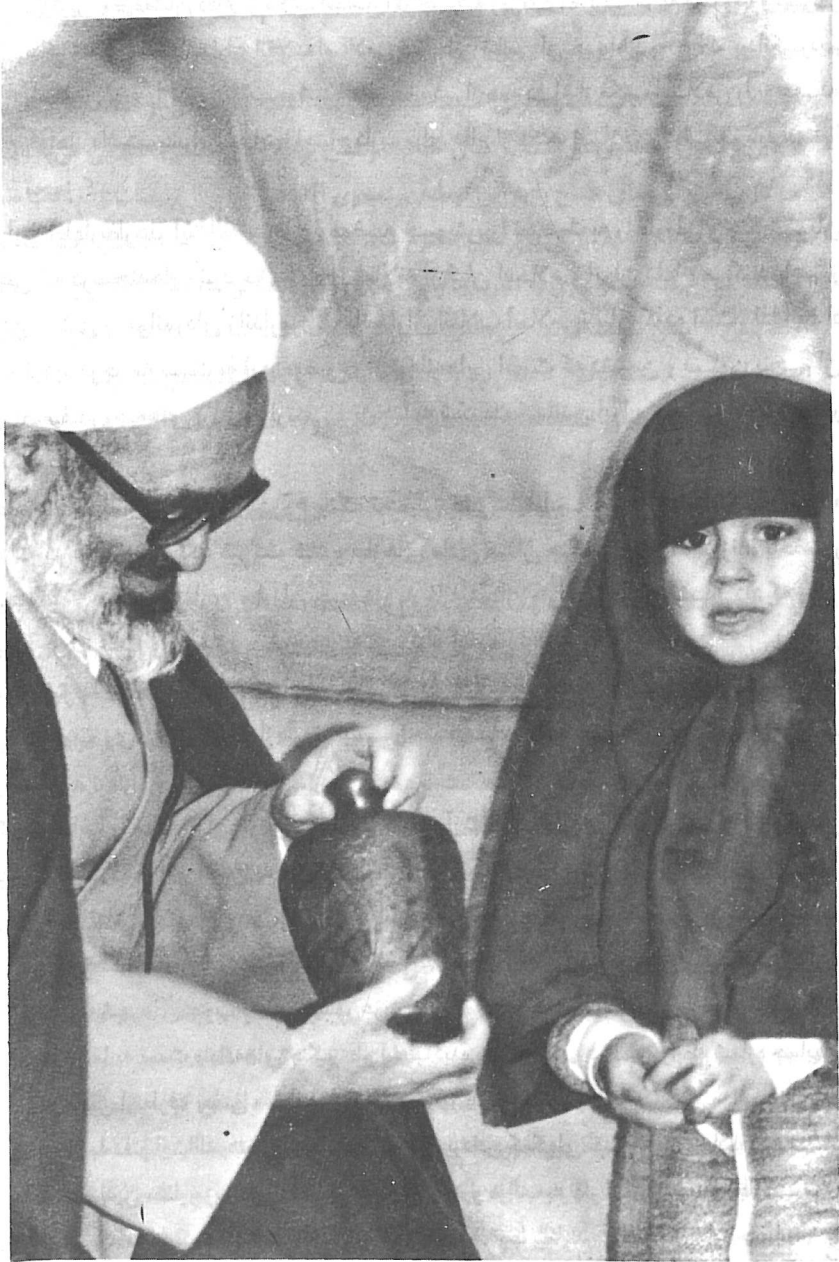
در این اظهارنظرها، آیت‌الله منتظری موضع خویش را نسبت به رزم‌آوران و جنگجویان شجاعی که در صحنه‌های نبرد حق و باطل فعالانه از کیان اسلام و ایران دفاع می‌کنند، اعم از برادران ارتشی و جوانمردان ژاندارمری و پاسداران انقلاب اسلامی، بیان کرده است. لذا ایجاد شك و تردید در جامعه نسبت به این موضوع، از توطئه‌هایی است که دشمن و ستون پنجم آن برای تضعیف روحیه‌های برادران ارتشی و نتیجتاً به شکست کشاندن ایران در جنگ اسلام و کفر انجام می‌دهد.

حضرت آیت‌الله منتظری از شروع جنگ تحمیلی کفر علیه اسلام، علاوه بر اینکه از مردم خواست که فعالانه در جنگ شرکت کنند و نیازهای مادی میدان جنگ را برآورده سازند، با حضور در صحنه‌های جنگ و دلداری مبارزان جبهه‌ها، به خانه‌نشینان و راحت‌طلبان نشان داد که وقتی مصیبتی بريك ملت وارد شد، بی‌توجهی به آن گناه است.

مردم نیز به لحاظ علاقه‌ای که به این مبارز نامدار و فقیه مجاهد دارند، و چون او را امین خود می‌دانند دعوت وی را پذیرفته و از طریق ایشان کمک‌های مالی خود را به جبهه‌های جنگ می‌رسانند.

کثرت تقاضای مردم برای ارسال کمک از طریق آیت‌الله منتظری باعث گردید که دفتر ایشان در جهت تنظیم کمک‌ها و پاسخ به تقاضای مردم اطلاعیه‌ی زیر را منتشر سازد:

بسمه تعالی. هموطنان مسلمان و متعهد ایدهم الله تعالی. همان طور که می‌دانید پس از شروع جنگ تحمیلی آمریکا و هجوم وحشیانه رژیم صدام کافر به سرزمین جمهوری اسلامی ایران و تخریب شهرهای جنوب و غرب کشور عزیز سیل کمک‌های نقدی و جنسی از طرف ملت قهرمان و فداکار ما به سمت منطقه‌های جنگ‌زده و آسیب دیده سرازیر شد و در همین رابطه شماره حسابهای گوناگونی از طرف بعضی مقامات و ارگانهای کشور افتتاح گردید ولی باین حال مراجعات زیادی هر روز به دفتر آیت‌الله منتظری دامت برکاته مبنی بردادن کمک‌های نقدی و پیشنهاد افتتاح شماره حسابی بدین منظور زیر نظر معظم‌له می‌شد. از این رو مراتب به نظر ایشان رسید و اجازه فرمودند کسانی که مایلند کمک نقدی به جنگ زدگان جنوب و غرب بنمایند بتوانند از شماره حساب ۲۱۹



کمک به جنگ‌زدگان از طریق آیت‌الله منتظری

بانک صادرات قم شعبه باغ ملی که قبلاً افتتاح و مخصوص ایشان بوده استفاده نمایند و یادآوری می‌شود که خواهران و برادران محترم از شماره حساب ذکر شده فقط برای کمک به جنگ زدگان استفاده کنند. توفیق همگان را در دفاع از اسلام و حفظ دستاوردهای انقلاب عظیم اسلامی و شرکت در این جهاد مقدس از خدای بزرگ خواهیم. والسلام علی عبدالله الصالحین.

قم - دفتر آیت‌الله منتظری

در پی انتشار این اطلاعیه میلیونها تومان پول و مقادیر زیادی کالا جهت کمک به جنگ‌زده‌ها، بعضی به دفتر ایشان و بعضی هم به حساب فوق‌الذکر تحویل داده شد - که مطبوعات روز جزئیات آن را منعکس کرده‌اند.

از طرفی مسافرت آیت‌الله منتظری به جبهه‌های جنگ غرب و جنوب کشور، باعث دلگرمی و تقویت روحیه سربازان و رزمندگان اسلام گردید.

چنانچه بخواهیم گزارش مفصل این مسافرت را ارائه دهیم سخن به درازا می‌کشد، اما آنچه لازم است این است که آیندگان باید بدانند که شخصی در این مقام چگونه به منطقه‌های خطرناک جنگی می‌رود و بویژه در صحنه‌های جنگ برای سربازان و پاسداران چگونه صحبت می‌کند، از چه مقوله‌ای نصیحت می‌کند و آنان را به چه مسائلی آشنا می‌سازد.

در اینجا برای اختصار مناطق و محلهایی را که ایشان در این مسافرت مورد بازدید قرار داده‌اند ذکر می‌کنیم و تا آنجا که در اختیار است پندواندزهای این مبارز ستم ستیز را در آوردگاه اسلام و کفر می‌آوریم.

لازم به تذکر است که آیت‌الله منتظری خود پیرامون این مسافرتها گفته‌اند: «با شرایط فعلی دفاع از کشور بر همه واجب است. من آموزش نظامی ندارم، اما همین اندازه که به میان برادران رزمنده می‌آیم آن را تقویتی برای روحیه متعالی مبارزان راه حق و اسلام می‌دانم.»

آیت‌الله منتظری در تاریخ ۵۹/۷/۱۹ به همراه آیت‌الله طاهری امام جمعه اصفهان برای شرکت در مراسم سوم شهدای دزفول که بر اثر بمباران موشکی دزفول توسط دولت بعث عراق به درجه شهادت رسیده بودند، به شهر دزفول مسافرت کردند. در دزفول ابتدا به زیارت قبور شهدا و عیادت از مجروحین جنگ رفتند. بعد از عیادت مجروحین در بیمارستان دزفول از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و پایگاه وحدتی دزفول و سپاه پاسداران اندیمشک دیدن کردند.

مسافرت آیت‌الله منتظری به دزفول دو روز طول کشید و در پایان هدف خودشان را از این سفر برای خبرنگار خبرگزاری پارس تشریح کردند.

ایشان گفتند: هدف من از این سفر بازدید مناطق جنگی بود. اگرچه من به علت کسالت قادر به جنگیدن در جبهه نیستم ولی سعی کردم در میان آنها بروم تا بیشتر از احوال آنها با خبر شوم.

آیت‌الله منتظری از روحیه قوی مردم مبارز شهر دزفول و اندیمشک و دیگر شهرهای غرب کشور تمجید کرد و اظهار امیدواری نمود که باز هم بتواند از این مناطق دیدن کند.

مردم شهرهای غرب با شعارهای «درود بر خمینی، سلام بر منتظری» از ایشان استقبال نمودند.

در پایگاه وحدتی خبرنگاران داخلی و خارجی با ایشان مصاحبه‌ای انجام دادند که وی گزارش کوتاهی از بازدید خود را برای خبرنگاران بازگونمود.

آیت‌الله منتظری در این مصاحبه، خطاب به خبرنگاران گفت: شما خوب می‌دانید که جنگ را صدام حسین شروع کرد - آن هم به گونه‌ای که مردم را مورد حمله قرار داد و شما در همین چندروز پیش شاهد بودید که به دزفول حمله کردند و تعداد زیادی از مردم غیرنظامی کشته و زخمی شدند. من با اینکه مریض هستم وقتی دیدم برادران ما درخوزستان و بخصوص در دزفول دچار این مصیبت شدند خودم را موظف دیدم تا به بازدید آنها بیایم. به همین منظور دیروز وارد دزفول شدم و پس از زیارت قبر شهدا به بیمارستان رفتم و از مجروحین بازدید نمودم.... مردم ایران به دنبال انقلاب اسلامی خود این حق را دارند تا سرنوشت خود را خود تعیین کنند. وی ضمن انتقاد شدید از [پیشنهاد] آتش بس صدام حسین گفت: آتش بس یکطرفه صدام حسین صرفاً یک تاکتیک نظامی برای به دست آوردن فرصت جهت تقویت قوای خود در مرزهای ایران بود.^۱

آیت‌الله منتظری در پایان این مصاحبه از کشورهایی که از جمهوری اسلامی ایران حمایت کرده و جنگ تحمیلی عراق علیه ایران را محکوم کردند تشکر نمود. مسافرت آیت‌الله منتظری به دزفول دو روز طول کشید. وی همراه برادر رجائی نخست‌وزیر ایران به تهران آمدند و با امام خمینی، رهبر انقلاب اسلامی ایران و مقتدای بزرگ مسلمانان جهان، دیدار کردند. در این دیدار، آیت‌الله منتظری نتیجه سفر خود به دزفول را برای استاد خویش بازگو نمودند.

یک هفته پس از بازگشت از دزفول مجدداً به صحنه‌های نبرد حق و باطل مسافرت کردند و این بار برای بازدید از وضع اسف بار کرمانشاه بود که بر اثر بمباران رژیم سفاک بعث قسمتهایی از آن به ویرانه تبدیل شده بود.

در این دیدار آیت‌الله منتظری از مراکز فرهنگی، مناطق مسکونی و غیرنظامی و از جمله مسجد جامع، مدارس، دبیرستانها، دبیرخانه دانشگاه رازی و منازل مسکونی که توسط خلبانان مزدور رژیم تجاوزکار بعث عراق بمباران شده بود و بر اثر آن عده‌ای از هموطنانمان در شهر کرمانشاه به درجه شهادت نایل و عده‌ای مجروح شده‌اند، بازدید کرد.^۲ آیت‌الله منتظری همچنین در بیمارستان طالقانی کرمانشاه با مجروحان بستری شده گفتگو نمود.

۱- تذکر این نکته لازم است که چندروزی از جنگ نگذشته بود که صدام حسین تجاوزگر متوجه شد تمام آرزوهایش بر باد رفته و به هیچ وجه نمی‌تواند با قوای نظامی و مردم ایران رو در رو بایستد و انقلاب را به شکست بکشاند، لذا فوراً دست به کار واسطه‌تراشی شد و خواستار آتش بس و ایجاد صلح گردید، که از طرف ملت و مقامهای ایران پیشنهاد وی رد شد.

۲- بمباران کرمانشاه توسط مزدوران عراقی در روز ۲۴ مهرماه ۵۹ صورت گرفت.

پس از این بازدید ایشان در گفتگویی با خبرگزاری پارس، ضمن محکوم کردن عمل ضداسلامی و غیرانسانی حکومت مزدوربعث عراق در پاسخ به این سؤال که روحیه مردم شهر کرمانشاه و بیمارانی که در بیمارستان بستری هستند در چه سطحی است، اظهار داشتند: «مجروحین حادثه اخیر شهر کرمانشاه ثمره انقلاب خونین و پربارمان است و فرد فرد آنان به من گفتند که پس از بهبودی آماده‌اند با تمام توان و نیروی خویش به جبهه‌های جنگ حق علیه باطل رفته و مزدوران بعث عراق را سرکوب نمایند.»

آیت‌الله منتظری در دیدار از شهر کرمانشاه پیامی خطاب به مردم این شهر فرستادند:

«خواهران و برادران کرمانشاهی و سایر مناطق مرزی غرب کشور. سلام و درود فراوان من به شما فرزندان راستین انقلاب شکوهمند اسلامیمان. فرزندان من، کماکان سنگرهای مبارزه خود را علیه کفر و الحاد حفظ نمایید و مطمئن باشید که ما در نهایت پیروز خواهیم شد. همچنانکه در ابتداء انقلاب خونینمان مردم کرمانشاه ثابت کردند که یکی از پایه‌های اصلی انقلابمان بوده‌اند و بایستی با شعار الله اکبر خودچون روزهای نخستین که موجب برانداختن رژیم طاغوتی کشورمان شدند موجب سرنوینی رژیم صدام حسین تکریتی گردند. من از مردم مسلمان و معتقد به انقلاب اسلامی ایران درخواست می‌کنم که همواره از کشور و دین خود دفاع کنند و دفاع از کشور و میهن اسلامی وظیفه شرعی هر فرد مسلمان است و فراموش نمی‌کنم و یقین دارم که حکومت طاغوتی صدام خائن واژگون خواهد شد؛ چون صدام از محمدرضا قویتر نیست و شعارهای شما همان الله اکبر و ملت عراق هم با رژیم بعث مخالف است و ارتش عراق هم فاقد روحیه می‌باشد. پس شما پیروز خواهید شد و من به مسلمانان عراق پیام می‌دهم و از سربازان و افسران عراق می‌خواهم که برای حکومت طاغوتی و مخالف اسلام صدام خود و فرزندان عزیزشان را به کشتن ندهند.»

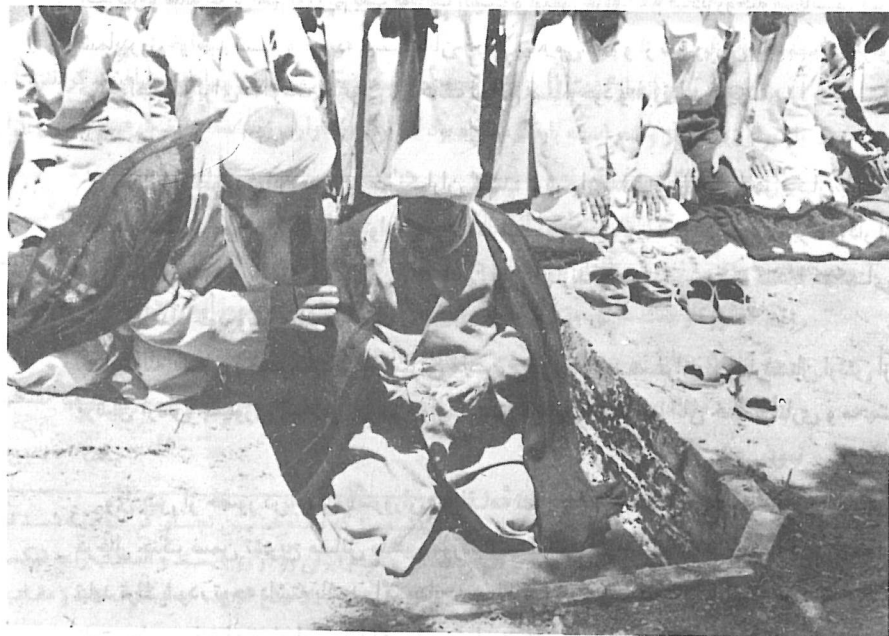
آیت‌الله منتظری در این سفر به خبرنگاران گفتند: در شرایط فعلی هر کس با هرامکان باید در دفاع از مملکت بکوشد و آنان که توان رزمی را دارند بسیج شده و با آموزش کامل و برخوردار از فنون نظامی به جبهه‌ها بروند و آنهایی که توانایی آن را ندارند که در جنگ شرکت کنند با کمکهای مالی و امداد خود وظیفه شرعی خود را ایفا کنند.

آیت‌الله منتظری ضمن بازدید از اسرای مجروح نیروهای بعث عراق در بیمارستان ارتش از پرسنل ارتش جمهوری اسلامی ایران خواست طبق موازین اسلام با آنان خوشرفتاری و محبت کنند.

وی پس از حضور در پادگان «سروران» و اقامه نماز جماعت، خطاب به سربازان و افسران در حال جنگ ضمن تشریح مسائل مذهبی مورد نیاز مسلمانان فرمودند: بالاخره نماز در هیچ حال نباید ترک شود، توجه داشته باشید. اگر چنانچه در یک جا ثابت هستید، آنهایی که مأمورند اینجا ثابت بمانند نمازشان تمام است اما اگر مأموری است که پستهایش عوض می‌شود و همیشه سیار است، نمازش شکسته است. یعنی نماز ظهر و عصر و عشاء دو رکعت است. خدا از نماز شکسته



امام جمعه قم، پیشاپیش جمعیت



نماز جمعه در قم

ناراحت نمی‌شود. يك سال یا دوسال هم اگر همه‌اش سیار هستید، می‌روید و برمی‌گردید، یكوقت توی این پادگان هستید يك وقت توی آن پادگان هستید، يك وقت این گردانید يك وقت آن گردانید، نمازهایتان شکسته می‌شود. ولی يك وقت يك جا ثابت هستید. ده روز آنجا می‌مانید، نمازتان تمام است. بالاخره رابطه‌تان را با خدا حفظ کنید.

شما با تکیه بر ایمان و هماهنگی و وحدت کلمه، مسلماً بر حکومت طاغی عراق پیروز خواهید شد. انشاءالله.

خدا همه‌تان را تأیید بکند، خدا به ما توفیق بدهد از اسلام دفاع بکنیم، خدا رهبر انقلاب را برای ما حفظ بکند، اعتمادتان به خدا باشد. من شما را به خدا می‌سپارم. کمبود نیرو سبب شکست نخواهد شد، وقتی شما ایمان و هماهنگی دارید. همه‌تان را به خدا می‌سپارم.^۱

آیت‌الله منتظری در مدت اقامتشان در کرمانشاه مبلغ دومیلیون و پانصدهزارریال از محل کمکهای مردم برای هموطنان جنگ زده که در اختیار ایشان گذاشته شده بود به مجروحان بستری در بیمارستانهای کرمانشاه اهدا کرد.

حضرت آیت‌الله منتظری پس از پایان یافتن سفرشان به کرمانشاه و در ادامه دیدارشان از غرب کشور، برای بازدید از جبهه‌های جنگ و سخنرانی در جمع نیروهای جمهوری اسلامی ایران رهسپار گیلان غرب شد.

ایشان در اسلام آباد از بیمارستان امام خمینی دیدن کرد و به عیادت مجروحان جنگ که در این بیمارستان بستری هستند پرداخت و سپس در پادگانهای اسلام آباد و سرپل زهاب برای افسران، درجه‌داران، سربازان و پاسداران انقلاب اسلامی سخنرانی کرد و به بازدید از جبهه‌های جنگ پرداخت.

سخنرانی آیت‌الله منتظری در جمع نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در پادگان اسلام آباد چنین است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. روز عیدسعید قربان است و من در حضور برادران ارتشی در پادگان اسلام آباد هستم. امروز صبح هم از پادگان ابوذر و بعضی از جبهه‌ها بازدید شد. بحمدالله روحیه تمام برادران ارتشی و پاسدار ما بسیار عالی است. همه از من تقاضا می‌کردند که دعا کن که ما شهید شویم. البته شهادت برای همه افتخار است، ولی من چرا دعا کنم شما شهید شوید، دعا می‌کنم شما انشاءالله با نیروی خودتان پیروز بشوید و با نیروی ایمان و هماهنگی بردشمن طاغوتی خودتان صدام یزید پیروز گردید - انشاءالله. حضرت مولاعلی (ع) راجع به ارتش می‌فرماید «والجنود باذن الله حصون الرعيه و زين البلاد و...» ارتشها و به طور کلی قوای مسلح از همه قسمتها، زمینی، هوایی، دریایی، هواییروز، پاسداران عزیز، شهربانی، ژاندارمری، همه جنود حساب می‌شوند. جنود، دژهای امنیت کشورند، موجب زینت والیها و حکومتها هستند. افتخار

هر حکومتی این است که نیروی مسلح منضبطی داشته باشد. از شما برادران که در این انجمن اجتماع کرده‌اید دو تقاضا از فرماندهان دارم و یک تقاضا از سربازان. اما تقاضایی که از فرماندهان دارم این است که سربازان عزیز را به منزلهٔ فرزندان خودشان حساب بکنند. فرماندهان محترم، این سربازان را شما نخریده‌اید. اینها همه در شهر خودشان جوانان محترم و آبرومند هستند، با کمال عطوفت و مهربانی با سربازان عزیز رفتار کنید، خواسته‌هایشان را تأمین کنید، احتیاجات و نیازهایشان را تأمین کنید. از آن طرف، از شما سربازان عزیز و پاسدارانی که زیر دست فرماندهان هستید تقاضا می‌کنم به موازین و ضوابط نظامی احترام بگذارید. باید که فرماندهان در امور مشورت بکنند، تصمیم تنهایی نگیرند ولی وقتی که مشورت کردند و یک تصمیمی گرفتند و پخته شد، دیگر تخلف به هیچ وجه جایز نیست. آن تصمیمی که فرمانده گرفت، اگر بنا باشد که افراد زیر دست تخلف کنند، این هرج و مرج اجتماعی لازم می‌آید؛ لازم می‌آید کارپیش نرود. بنابراین ضوابط نظامی را کاملاً رعایت کنید و مواظب باشید که فرماندهان دستور می‌دهند، لابد پخته و فکر کرده دستور می‌دهند، و به کسانی که در لباس پاسداری و سربازی هستند تذکر می‌دهم: اگر می‌خواهند در این قسمت که دفاع از کشور است خدمت کرده باشند و کمک بکنند قطعاً باید زیرپوشش ارتش یا سپاه درآیند. برای اینکه هرج و مرج پیش می‌آید. بسیج البته مهیا هستند. اینها می‌توانند پس از اینکه آموزش نظامی دیدند زیرپوشش سپاه درآیند و از سپاه و ارتش تقاضا می‌کنم، با اینکه می‌دانم هماهنگ هستند، هماهنگتر شوند. برای اینکه آنچه نیروی ماست در مقابل دشمن، ایمان ما به خدا و دوم هماهنگی و وحدت کلمهٔ ماست. در هماهنگی و وحدت کلمه بکوشید. نگذارید در صفوف شما رخنه شود. شما ملت ایران، شما جوانان عزیز، بدون اینکه نیروی ظاهری داشته باشید، با همان وحدت کلمه و با ایمان به خدا، با شعار الله اکبر و لا اله الا الله رژیم طاغوتی محمدرضا را سرنگون کردید، حکومت صدام یزید از حکومت محمدرضا مهمتر نیست. وانگهی شما الآن مسلح هم هستید، نیرو در اختیار شماست، آن نیرویی هم که شما دارید، سربازان دشمن ندارند، و آن ایمان شماست. شما مؤمن به انقلابتان هستید، شما مؤمن به جنگتان هستید، شما هماهنگ هستید، و وحدت کلمه دارید. من در این مسافرتی که کردم، دیروز در کرمانشاه و امروز در پادگان ابوذر و اسلام‌آباد و جبهه‌های دیگر که بودم آنچه مشاهده کردم روحیهٔ عالی است. مرحبا به این روحیهٔ شما. که شما با این ایمان و با این هماهنگی و با این روحیهٔ عالی به طور تحقیق حکومت صدام را سرنگون خواهید کرد. انشاء الله.

خدایهٔ شما را تأیید کند. خدا به ایمان ما و اخلاص ما بیفزاید. خدا به وحدت کلمهٔ ما بیفزاید. خدایا رهبر انقلاب را برای ما حفظ بفرما. شرط‌اغوتیان را از حکومت‌های اسلامی و دولتهای اسلامی برطرف فرما. خدایا کشورهای اسلامی را از شر ابرقدرتها نجات بده.

لازم است برگردیم و بر این دو سخنرانی که آیت‌الله منتظری برای سربازان و افسران و پاسداران ایراد کرده مروری داشته باشیم تا عمق احساس مسئولیت این شخص بزرگ را

نسبت به اسلام و مسلمین درك كنيم.

از عبادت و نماز و ارتباط با خدا در جبهه جنگ و در میدان رزم گرفته تا دستورالعملهای سازنده برای سربازان و فرماندهان. و اینکه کارهایتان را با مشورت انجام دهید و وحدت داشته باشید و بر خدا تکیه کنید و نظم را رعایت نمایید و از دستورات تخلف نکنید و... همه اینها نشانه خلوص، تقوی و دلسوزی فقیه مجاهد ما است.

آیت‌الله منتظری پس از چهار روز بازدید از مناطق جنگ زده کرمانشاه و سرپل ذهاب و گیلان غرب و اسلام آباد و همچنین جبهه‌های ایلام و مهران و صالح‌آباد و زیارت شهدا و عبادت مجروحین و گفتگو با رزمندگان اسلام، در تاریخ ۵۹/۷/۳۰ به قم مراجعت کردند.

حضور در جبهه‌های جنگ و صحنه‌های نبرد حق و باطل بیش از هر چیز این فایده را داشت که بتواند به آسانی نسبت به وضعیت جنگ ایران و عراق اظهار نظر کند. چرا که خلیجها می‌خواهند به هنگام راهنماییها و ارشادات ایشان چنین وانمود کنند که وی، یعنی آیت‌الله منتظری، آشنایی به مسائل جنگ و آنچه که در جبهه‌ها می‌گذرد ندارد. اما در سطور آینده خواهیم دید که رزمندگان جبهه‌ها و ارتشیان غیور بیشتر از بعضی مسئولان مملکتی به آشنایی آیت‌الله منتظری با موقعیت و وضعیت جبهه واقفند. سوای اینها، رهنمودها و پیشنهادات ایشان چه در مصاحبه‌ها و چه در تلگرامها و چه در خطبه‌های نماز جمعه بیانگر این موضوع است که همه آنچه در جنوب و غرب کشور می‌گذرد به نظر ایشان می‌رسد و اظهار نظرهای معظم‌له به دور از واقعیت و بدون مدرک نیست. در مصاحبه‌ای که حضرت آیت‌الله منتظری با خبرنگار روزنامه لبنانی *السفیر* مورخ ۱۳ آبان ماه ۱۳۵۹ داشتند، اجمالاً تصویری از وضعیت جنگ را ترسیم می‌کنند.

در آغاز این مصاحبه، ایشان بیان می‌کنند که «تکیه ما بر ملت‌هاست، ملت‌ها با ما هستند، ملت عراق هم با ماست، اما آمریکا و صدام سعی کردند که ایران را در انزوا نگه دارند، ولی این جنگ هر چه بیشتر طول بکشد، به نفع ماست و دیگران را به انزوا فرو خواهد برد.»

وی در مورد شروع جنگ ایران و عراق گفته است: «این جنگ به ما تحمیل شده و ما تا بیرون رفتن نیروهای صدام از ایران دست از جنگ نخواهیم کشید. ما آماده جنگ نبودیم و چشم تجاوز هم به خاک هیچ دولتی ندوخته بودیم. این صدام بود که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران از طریق مداخله در کردستان و خوزستان و حمله نظامی به مرز، خود را آماده جنگ کرد، در حالی که ما در این مناطق ارتشی نداشتیم و در مرحله اول به دفاع اکتفا نمودیم.

وضع ارتش ایران روز به روز بهتر می‌شود و به زودی عراقیها را در صورتی که عقب‌نشینی نکنند از ایران بیرون خواهیم راند.»

ایشان همچنین در مورد رفتار ایرانیان با اسرای عراقی گفتند که «من شخصاً با مجروحین عراقی ملاقات کردم و همگی از نوع سلوکی که با ایشان می‌شود بسیار خوشحال و راضی بودند.»

نزدیک به چهار ماه از شروع جنگ ایران و عراق که در واقع جنگ کفر علیه اسلام است می‌گذرد و امت مسلمان ایران ززمه‌هایی می‌شنود مبنی بر این که نتیجه جنگ آن گونه که باید و شاید مطلوب نیست.

همه انتظار دارند که با اینهمه پشتیبانی‌های بی‌دریغ و یکپارچه مردم قهرمان و شهیدپرور ایران، رزم‌آوران جبهه جنگ کار دشمن ضعیف و ارتش رو به احتضار عراق را یکسره کنند و با یک هجوم تعیین کننده و سرنوشت‌ساز پوزۀ متجاوز را به خاک بمالند، اما افسوس که انتظار مردم به پایان نرسید و خبرهایی به گوش می‌رسید که در کار حمله تعلل ورزیده می‌شود.

حضرت آیت‌الله منتظری، همان طور که ذکر آن رفت، با اطلاع دقیق از وضعیت جبهه و کوتاهی‌هایی که در زمینه حمله به دشمن می‌شود سکوت را جایز نشمرد و در یکی از خطبه‌های نماز جمعه در قم در حضور نمازگزاران از شورای عالی دفاع خواست که تصمیم به حمله را جدی بگیرند و بیش از این کم‌کاری و سستی را در جبهه‌های جنگ روا ندارند.

این تعلل‌ها دشمن را برای کشتار بی‌رحمانه ملت قهرمان ایران بی‌باکتر می‌کرد، و همین امر مردم و مسئولان و رهبران دلسوز جامعه را نگران می‌ساخت. حضرت آیت‌الله منتظری به نشانه اعلام تسلیت به مردم اهواز، تلگرامی تاریخی و حرکت آفرین خطاب به امام جمعه اهواز مخابره کرد که باعث شد تحرك جدیدی در لشکر اسلام پدید آید. متن این تلگرام پر اهمیت چنین است:

اهواز - بسمه تعالی

آقای طاهری امام جمعه، حضرات حجج اسلام، آقایان علماء اعلام خوزستان ایدهم الله تعالی. کشتار مردم بی‌دفاع اهواز توسط ارتش رژیم صدام کافر، موجب تأسف شدید شد. البته فداکاری و از خود گذشتگی ملت، ارتش و سپاه اسلام، در تاریخ کم‌نظیر است؛ ولی همزمان با چنین روحیه و قدرتی در ارتش غیور و سپاه عزیز ما خودداری از هجوم و حمله به دشمن غدار که کشور ما را اشغال کرده برای ملت ما سؤال برانگیز شده. من نمی‌دانم جریانات موجود در جبهه را که از مجموعه آن نمی‌توان به سادگی گذشت، شورای عالی دفاع صریحاً به عرض رهبر انقلاب رسانده یا نه.

شورای عالی دفاع توجه دارد که سیاست وقت کشی و مهلت تدارک نیرو به رژیم سفاک عراق دادن به قیمت ریخته شدن خون صدها جوان مسلمان و به وجود آمدن امید ادامه توطئه‌های شیطانی برای آمریکا تمام خواهد شد. این جانب ضمن تسلیت به خانواده‌های داغ‌دیده و شهیدپرور خوزستانی، از حضرات علماء اعلام می‌خواهم مراتب را صریحاً به عرض رهبر انقلاب حضرت امام خمینی مد ظله و به نظر مجلس شورای اسلامی رسانده و تا وقت نگذشته فکری اساسی جهت دفع قوای کفر و تجاوزگر بعث عراق بشود. به امید پیروزی قوای اسلام بر کفر. والسلام علیکم و رحمت‌الله و برکاته.

انتشار این تلگرام موجی از اعتراض را در سراسر ایران علیه سستی در جبهه‌ها ایجاد کرد و مردم با ارسال پیامها و تلگرامهای متعدد خواستند که مسئولان نظامی سؤال فقیه عالیقدر را پی‌گیری کنند.

از طرفی سربازان و درجه‌داران و افسران متعهد دریافتند که بالاخره فریاد اعتراضشان را کسی شنیده است. خبرگزاریها گزارش دادند: «به دنبال پیام حضرت آیت‌الله العظمی منتظری مبنی بر اینکه بر پاره‌ای از جبهه‌ها سیاست وقت کشی حاکم گردیده است، جنب‌وجوش تازه‌ای در جبهه‌های جنگ ظهور کرده است. به عقیده ناظران آگاه باید در آینده نزدیک منتظر تهاجم نیروی نظامی ایران باشیم و تحرك بیشتری در فرماندهی به وجود آید. بدین امید که این تحركات جدید عقیم نماند و تا پیروزی نهائی ادامه یابد.»

شایسته است نمونه‌هایی از تلگرامهای گروههای مختلف اجتماعی و نظامی را که به پشتیبانی از اظهار نظر آیت‌الله منتظری منتشر شده در اینجا نقل کنیم. اما قبل از نقل این نمونه‌ها، جواب تلگرام آیت‌الله منتظری به امام جمعه اهواز و علمای خوزستان را که از طرف جامعه روحانیت به حضور معظم‌له مخابره شده در اینجا می‌آوریم:

بسم‌الله الرحمن الرحیم. محضر مبارک فقیه عالیقدر و مجاهد، حضرت آیت‌الله العظمی منتظری مد ظله العالی. پیام تسلی بخش حضرت عالی که متضمن همدردی آن حضرت با مردم شهیدپرور اهواز و گله‌مندی از کم‌تحرکی و یا رکود جبهه‌های اسلام بود، از آنجا که بیانگر خواستها و دردهای محرومان این استان و منعکس‌کننده فریاد رزمندگان این جبهه بود، موجب امتنان جامعه روحانیت گردید و روزنه‌امیدی برای ما و پرسنل ارتش و سپاه پاسداران گشود. مردم این خطه به ویژه رزمندگان دلیر که مبارزات قهرمانانه و فداکاریهای آنان در تاریخ کم نظیر است، با مراجعات مکرر، از حالت رکود و عدم صدور فرمان تهاجم ابراز نارضایتی کرده‌اند. بسیار بجا است که آن مجاهد نستوه که همواره در متن قضایا و در جریان دقیق اوضاع جبهه‌ها و مشکلات آن بوده و ضمن تماس با اقشار مختلف اعم از افسران و درجه‌داران و سربازان و سپاه پاسداران از نزدیک با درد دلها و خواسته‌های آنها آشنا شده‌اید اطلاعات خود را به عرض امام امت و رهبر کبیر انقلاب برسانید. بدیهی است که حمایت معنوی آن حضرت و روحانیت متعهد و پشتیبانی مادی و معنوی مردم مسلمان ایران از رزمندگان اسلام و نیز بیانات عالی‌جناب عالی که همواره شهدای این نبرد را در زمره شهدای کربلا قلمداد فرموده‌اید خود عامل پشت گرمی بیشتر این نیروها در جهاد علیه کفار بعث عراق بوده است. اکنون نهایت آرزوی ملت شریف و شهیدپرور ایران این است که هر چه زودتر در مورد این مهم که سرنوشت امت اسلامی در گرو آن است تصمیمی قاطع و شایسته انقلاب اصیل اسلامی در خط رهبری امام اتخاذ گردد. والسلام علیکم ورحمة‌الله - از طرف جامعه روحانیت خوزستان، سید صالح طاهری امام جمعه اهواز - ۱۱/۱۰/۵۹

مخابره دو تلگرام، یکی از آیت‌الله منتظری به امام جمعه اهواز و دیگری جواب آن، همان گونه که ذکر شد، باعث گردید مردم در جریان خیلی از امور قرار گیرند؛ و به همین لحاظ بود که بعضی مسئولان نظامی، به ویژه فرمانده کل قوا، بنای انتشار این گونه تلگرامها را بر عدم تحقیق و نتیجه آن را تضعیف روحیه ارتشیه قلمداد کردند؛ در صورتی که واقعیت امر، خلاف این پندارهاست: اولاً محققانه اظهار نظر شده و ثانیاً روحیه رزمندگان قوت گرفت.

به هر صورت در پاسخ تلگرام آیت‌الله منتظری به امام جمعه و علمای اهواز تلگرامی از سوی آقای ابوالحسن بنی‌صدر رئیس جمهوری و فرمانده کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران به حضور آیت‌الله منتظری مخابره شد:

بسمه تعالی. حضرت آیت‌الله منتظری. تلگراف شما به امام جمعه و علمای اهواز را در روزنامه خواندم. درد زیاد است. خواهشم این است امروز یا فردا به خوزستان تشریف بیاورید و خود وضع را از نزدیک و از راه تحقیق ببینید و هر قضاوتی پیدا کردید با مردم در میان بگذارید. گمانم این است که دیدار شما با فرماندهانی که جبهه‌ها را اداره می‌کنند، از هر جهت بسیار مفید باشد. همین قدر بگویم که مسافرت شما بلکه رسم تحقیق در امور را بنیان گذارد. این روزها، روزهای تعیین کننده‌ای هستند و حمایت از نیروهای مسلح و تقویت روحیه آنها، به خواست خدا پیروزی را از آن ما خواهد کرد.

رئیس جمهوری - ابوالحسن بنی‌صدر - ۱۲ دی ماه ۱۳۵۹

طبیعی است که برای حضرت آیت‌الله منتظری سکوت در برابر اشاعه سخنان غیر واقعی جایز نیست؛ چرا که پراکندن چنین حرفهایی در جامعه بر همان خواسته معروف جناح روشنفکر صحنه می‌گذارد که: بله، اشخاص غیر متخصص، حرف تخصصی نزنند و واضحتر: آنها که غیر نظامی‌اند در امور نظامی و در امور مربوط به جنگ دخالت نکنند.

بدون پاسخ گذاشتن رئیس جمهوری، صحنه گذاشتن بر استنباط غلطی است که از تلگرام آیت‌الله منتظری می‌نمایند و می‌خواهند آن را در جامعه القا کنند. بر این اساس آیت‌الله منتظری جواب زیر را در پاسخ به تلگراف آقای بنی‌صدر مخابره می‌کند:

بسمه تعالی. جناب مستطاب آقای بنی‌صدر رئیس جمهور ایران دام توفیق. بعد از سلام تلگرام شما را از تلویزیون شنیدم، چه خوب بود پیش از چنین قضاوتی حداقل با تلفن از این جانب تحقیقی نسبت به علت نگرانی من از جریانات جبهه‌ها و نقض وعده‌های مکرر در مورد حمله به دشمن که قهراً موجب بی‌اعتنایی به روحیه قوی نیروهای مسلح می‌شود می‌کردید. فکر می‌کنم اگر جناب عالی به جای من بودید و هر روز طبقات مختلف مردم و جوانان رزمنده و فداکار از سربازان و درجه‌داران و افسران ارتش و سپاه و بسیج و مسئولان ارگانها که معمولاً ماهها در جبهه بوده و با دلی پر درد از مسامحه‌کاریها برای گزارش جبهه‌ها و گلابه و کسب تکلیف شرعی

به منزل من می‌آیند تماس داشتید (و هم اینان، که طبیعی است ادعای عدم آشنایی به مسائل جنگی و تحقیق در مورد همه آنها نارواست، می‌توانستند برای شما کانال صحیح اطلاعات و اخبار باشند) قضاوت شما غیر از این بود و بازدید مجدد از جبهه و ملاقات با فرماندهان را ضروری نمی‌دانستید.

به نظر من آنچه فعلاً به صلاح اسلام و مسلمین می‌باشد حفظ اتحاد و اطاعت از رهنمودهای قاطع رهبری و احترام به ملت و مجلس و ارزشهای الهی و طرد کامل و سریع دشمن از حریم میهن اسلامی است.

ما در مقابل خون جوانان عزیز و رشید اسلام و بیش از يك میلیون آواره مسئولیتی بزرگ داریم.

این جانب ارتش و سپاه و بسیج را برادران خود دانسته و تقویت و تأیید مادی و معنوی آنان را در هر مناسبتی وظیفه شرعی می‌دانم و در خطبه‌های نماز جمعه به آنان دعا می‌کنم. توفیق شما را در خدمت به اسلام و جمهوری اسلامی از خدای بزرگ خواهیم. به امید هجوم نیروهای مسلح ایران و پیروزی قوای اسلام بر کفر. والسلام علیکم.

قم - حسینعلی منتظری - ۵۹/۱۰/۱۴

بلافاصله پس از مخابره این تلگرام و آگاه شدن مردم از محتوای آن، اظهار نظر نهادها، سازمانها و نیروهای مردمی به صورت اطلاعیه و تلگرام و بیانیه در جامعه انعکاس یافت.

۱- درپی نامه فقیه عالیقدر حضرت آیت‌الله منتظری به ابوالحسن بنی‌صدر رئیس جمهوری، شورای فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اطلاعیه‌ای به این شرح در اختیار خبرگزاری پارس قرار داد:

بسم‌الله الرحمن الرحیم.

«با يك دست قرآن را و با دست دیگر سلاح را برگیرید و چنان از حیثیت و شرافت خود دفاع کنید که قدرت تفکر علیه خود را از آنان سلب نمایید.» امام خمینی.

هر روز که از عمر پربرکت انقلاب اسلامی ما می‌گذرد، امت قهرمان ما به رهبری امام خمینی با پیروزی بر مشکلات و شکستن سدهای کفر و نفاق بر تجربیات انقلابی خویش می‌افزاید و نتیجه صداقت و پایداری خویش را در نصرت‌های پیاپی الهی باز می‌یابد. به گونه‌ای که امام می‌فرماید تاریخ اسلام جز يك برهه از صدر اسلام جوانانی مثل جوانهای ایران ما سراغ ندارد. به هنگامی که رهبر و فرمانده ما جنگ با مزدوران بعثی عراق را خیر برای ما توصیف نمود ما به خوبی دانستیم که امام بشارت يك امتحان الهی را می‌دهد و به هنگامی که امید امام و امت حضرت آیت‌الله منتظری دردهایی را که با آن مواجه بودیم بر زبان راند اطمینان یافتیم که این رهنمودها سرآغاز تحرك و جوشش بیشتر برای تمام ارتشیان و پاسدارانی خواهد بود که در اشتیاق یکی از دو نیکی: پیروزی یا شهادت، لحظه‌های رکود را به سختی می‌گذرانند. هشدار و رهنمودهای پاره تن امام و وجدان بیدار امت اسلامی ما نور امیدی است در دل همه مستضعفان

جنگ‌زده که در زیر بمبارانهای ناجوانمردانه رژیم جنایتکار بعثی عراق برای دفاع از حریم اسلام جان می‌دهند ولی خانه و شهر خود را ترك نمی‌کنند. برادران غیور ارتشی ما در صحنه‌های جنگ شاهد بوده‌اند که چگونه از خون فرزندان اسلام سربازان و پاسداران شط خون جاری می‌شود و یقین داریم که به هم پیوستگی و یکرنگی این خونها تمام توطئه‌های داخلی و خارجی ابرقدرتها و منافقین و کفار را که می‌کوشند در صفوف یکپارچه مسلمان با تبلیغات مسموم تفرقه ایجاد کنند رسوا خواهد نمود. ما همواره امید داریم که با رهنمودهای روحانیت مبارز همان گونه که امام امت در سخنانشان با ائمه جمعه فرمودند کمبودها و نواقص رفع گردد. برادران غیور ارتشی و سپاه جان برکف اسلام به همراه بسیج مردمی و دیگر دلاوران رزمنده آماده‌اند تا با اتکال بر نیروی لایزال الهی با همه قدرت ضربات تهاجمی و پی در پی را بر دشمن خونخوار وارد ساخته و او را در صحنه‌های نبرد دفن سازند و ملت مظلوم عراق را از شر این جرثومه فساد آزاد کنند.

به امید پیروزی هرچه بیشتر اسلام بر کفر و نفاق.

شورای فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

۲- بسم الله الرحمن الرحيم. محضر مقدس فقیه عالیقدر مجاهد نستوه حضرت آیت الله العظمی منتظری مد ظله.

تلگرام امیدبخش آن حضرت به جامعه روحانیت اهواز که تبلور خواست درونی مردم غیور شهیدپرور این استان و مجاهدان در سنگر بود روحی تازه در کالبدمان دمید. کفار بعثی عراق وقتی در جبهه نظامی با مقاومت قهرمانانه مردم دلیر و رزمندگان جان برکف اسلام روبرو شدند و احساس کردند که نمی‌توانند از این طریق به هدفهای شوم خود نایل آیند درصدد توطئه جهت ایجاد نفاق بین روحانیت و سپاه از يك طرف و رزمندگان دلاور نیروهای سه‌گانه از طرف دیگر، نیز برای درهم کوبیدن نیرومندترین قدرت محرکه جامعه یعنی روحانیت اصیل و مبارز در رأس آن ولایت فقیه برآمدند.

ما صریحاً اعلام می‌داریم که این تنها ولایت فقیه بود که حماسه پیروز ۱۷ شهریور را آفرید و در ۲۲ بهمن انقلاب را به پیروزی رسانید. همین روحانیت مبارز بود که به دنبال تهاجم دشمن به سرزمین اسلام عاشقانه به جبهه جنگ شتافت و بیش از ۴۰ روز در خونین شهر مقاومت نمود. اکنون نیز حضور بیش از ۶۰۰ روحانی مجاهد در کنار دیگر هم‌زمان در جبهه‌های نبرد رویاروی با دشمن نشانگر عمق آگاهی و پیکارجویی آنان می‌باشد. ما به عنوان پیش‌مرگان ولایت فقیه و جامعه روحانیت که از آغاز تهاجم دشمن آماج حملات ناجوانمردانه بود، سلاح برکف به مصاف دشمن رفته‌ایم. از آن حضرت که همواره از نزدیک در متن جریانات و تحولات جبهه‌های جنگ بوده است می‌خواهیم که نظریات عادلانه خود را در اختیار امام امت رهبر کبیر انقلاب قرار دهید. آمادگی داریم که اطلاعات نظامی و پیشنهادهای خود را نیز در اختیار همه مدعیان تخصص قرار دهیم. باشد که در سایه رهنمودهای پیامبرانه امام، فداکاریهای ملت پاکبخته مسلمان ایران و

دلاوریهای همه نیروهای رزمنده اسلام دشمن شکست خورده را برای همیشه به گورستان تاریخ بفرستیم. ان تصوروا الله ی نصرکم و ینتھ اقدامکم.

سپاه پاسداران و جهاد سازندگی استان خوزستان - استانداری خوزستان - انجمن اسلامی لشکر ۹۳ زرهی - انجمن اسلامی پادگان حمیدیه - کمیته انقلاب اسلامی خوزستان - ستاد بسیج - بنیاد شهید - صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، مرکز اهواز - ستاد امنیت شهر اهواز - ستاد تدارکات جبهه - دادگاه انقلاب اسلامی خوزستان (۱۴/۱۰/۵۹).

۳- حضور مقدس فقیه عالیقدر و مجاهد نستوه حضرت آیت الله منتظری، مدظله العالی. از ما و همه رزمندگان غرب کشور به شما درود و به رهبر کبیرمان سلام. پیام دردمندانه و فریاد گونه آن حضرت را شنیدیم - فریادی که از دل دردمند ملت آگاه و قهرمان و شهیدپرور معتقد به ولایت فقیه، بویژه رزمندگان جان برکف در جبهه های اسلام برمی خاست، فریادی که پیوسته از مدتها پیش از برادران رزمنده ارتش و سپاه و بسیج و غیره شنیدیم. با پیام آرام بخش و شورآفرین شما امید در دلهایمان جان گرفت و شور و هیجانی تازه در جبهه ها پدیدار گشت و یک بار دیگر نقش نظارت رهبر و رهبری را در دیدگان مردم متجلی کرد. خط امام و ولایت فقیه تجسم یافت. ما مصرانه و عاجزانه تقاضا نمودیم این فریاد از دل برخاسته ما را با رهبر کبیر انقلاب امام خمینی ارواحنا فداه در میان گذاشته بدین امید که امام، این تبلور همه آرمانهای خدایی امت، فرمان تهاجم را صادر فرمایند تا همه نیروهای مسلح آماده و جان برکف تحت رهبری و فرماندهی امام به پا خیزند... و ملت فداکار و رنج کشیده مان آنرا شنیده و سرزمین پاک اسلامی مان را از لوث کافران صدامی پاک سازند. والسلام علیکم و علی من اتبع الهدی و رحمت الله و برکاته.

ستاد سپاه پاسداران غرب کشور - سپاه پاسداران غرب کشور - ستاد مشترک عملیات سپاه و ارتش کردستان - استانداری کرمانشاهان - ستاد هماهنگی روحانیت غرب کشور - انجمنهای اسلامی پادگانهای ارتش - جهاد سازندگی کرمانشاه - جامعه روحانیت کرمانشاه - امام جمعه کرمانشاه - دایره سیاسی ایدئولوژیک پادگانهای کرمانشاه (۱۴/۱۰/۵۹).

۴- بسمه تعالی. حضور مبارک فقیه عالیقدر حضرت آیت الله منتظری مد ظله. پیام امیدبخش آن شخصیت آگاه و امید امام و امت تجلی خواسته های درونی و عمیق پرسنل قهرمان نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران بوده و ما و رزمندگان در جبهه و مردم قهرمان منطقه دزفول از شما که از نزدیک با شور و هیجانمان آشنایی دارید و در تماس دائم با نیروهای مسلح جمهوری اسلامی و دیگر دلوران جبهه های نبرد با کفار بعثی عراق بوده ایم خواست معنوی ما را به حضور امام کبیرمان رسانده تا حل معمای عدم پیشروی نیروهای شجاع و با ایمان ایران را در برابر ارتش متجاوز و فاقد روحیه عراق از مسئولین امر خواستار شوند. بدیهی است حمایت همیشه شما از ارتش و نیروهای مسلح اسلام و مبارزان قهرمان بهترین پشتوانه معنوی بوده و منتظریم که در

صورت نیاز آخرین گزارشهای جبهه را به حضورتان تقدیم داریم. والسلام علیکم ورحمتالله و برکاته.

دایره سیاسی ایدئولوژیک، انجمنهای اسلامی و دادگاههای انقلاب اسلامی ارتش مستقر در جبهه دزفول، شوش و پایگاه چهارم هوایی، سپاه پاسداران، جهاد سازندگی، فرمانداری، ستاد هماهنگی، بسیج مردم، بسیج عشایر و بنیاد شهید شهرستان دزفول (۱۳۵۹/۱۰/۱۴).

۵- بسمه تعالی. قم، محضر مبارک فقیه عالیقدر، امید امام و امت، حضرت آیت الله منتظری. تلگراف امیدبخش شما به جامعه روحانیت خوزستان گویی از اعماق قلب فرد فرد ما برخاسته است. مدتی است که مردم شهیدپرور دزفول همچون مردم اهواز و خونین شهر و آبادان و سوسنگرد هرروز شاهد شهادت بهترین فرزندان خود و منهدم شدن خانه و کاشانه خود هستند. در حالی که امت به پا خاسته ما با تمام نیرو از برادران رزمنده ارتش و پاسداران عزیز پشتیبانی می کنند، در حالی که نیروهای مردمی و بسیج این شهر دوشادوش ارتشیان غیور و پاسداران جان برکف علیه لشکریان کفر مردانه می جنگند جای تأسف است که ارتش پوشالی بعث که نه پایگاه مردمی دارد و نه ایمان به خدای لایزال، بیش از سه ماه است مردم بی دفاع شهرمان را زیر ضربات خود بگیرد و زن و فرزند و بزرگ و کوچک ما را مظلومانه به خاک و خون بکشد. ما اطمینان داریم که با تکیه به خدای لایزال، برادران رزمنده ما می توانند آنچنان ضربه ای بر پیکر کثیف صدام خائن بزنند که عبرت دیگر مزدوران و دیگر دست نشاندهگان امپریالیسم گردد و عقیده داریم که هرگونه تعلل و وقت کشی در این مورد فقط به نفع دشمنهای اسلام و ایران است.

از طرف جامعه روحانیت دزفول: سیدمجدالدین قاضی - حزب جمهوری اسلامی - ستاد تدارکات فرمانداری - روابط عمومی بسیج مستضعفین دزفول - کمیته انقلاب اسلامی شهرستان دزفول - ستاد بسیج خواهران شهرستان دزفول (۱۳۵۹/۱۰/۱۴).

۶- بسم الله الرحمن الرحیم. قم، فقیه عالیقدر و مجاهد نستوه حضرت آیت الله منتظری دامت افاضاته. تلگراف تسلیت شما به علمای اعلام اهواز و امام جمعه این شهر که حاوی پشتیبانی قاطع شما از سربازان ارتش و سپاه غیور اسلام و احساس مسئولیت بر حق حضرت عالی بر خون شهیدان و بی گیری علل تأخیر در دستور حمله تهاجمی بود خود دلیل آشکار بر نظارت دقیق آن حضرت بر مسائل مسلمین و خصوصاً جنگ تحمیلی ایران و عراق و حضور فعال شما در صحنه است و یک بار دیگر به امت قهرمان ایران نشان دادید که چگونه روحانیت متعهد و مبارز همیشه در صحنه پیکار آماده است و هر حرکت را چه در حوزه های علمیه و چه در جبهه های جنگ آگاهانه زیر نظر دارد. تذکرات و بازخواستهای شما مبنی بر علل تأخیر دستور حمله تهاجمی برخاسته از اعماق جان مادران و پدران داغ دیده و همه امت شهیدپرورمان بوده و قاطعانه از اولیای امور می خواهیم بدون فوت وقت علت این تعلل را برای امت ما روشن کنند.

انجمنهای اسلامی و سازمانهای دانشجویان مسلمان مرکز مشهد - سپاه پاسداران - جهاد سازندگی خراسان - دفتر فعالیتهای انقلاب اسلامی - دفتر تبلیغات اسلامی - انجمن اسلامی دانش‌آموزان خراسان (۱۳۵۹/۱۰/۱۴).

۷- بسمه تعالی. «بجنگید با دشمنان، قبل از اینکه وارد پیکار با شما شوند.» امام علی (ع). سلام بر فقیه عالیقدر، امید امام و امت، حضرت آیت‌الله العظمی منتظری، تجسم راستین روحانیت متعهد، انتشار تلگرام آن حضرت به امام جمعه محترم اهواز که حکایت از دقت نظر و اطلاع کامل از اوضاع جبهه‌های نبرد حق و باطل می‌کرد و جواب جامعه روحانیت مبارز اهواز، در دل‌های همه رزمندگان انقلاب اسلامی امید تازه‌ای آفرید.

نهادهای انقلابی قم، شهر خون و قیام، همراه با تقدیر فراوان از فداکاریها، رشادتها و پایمردیهای کلیه رزمندگان اسلام، اعم از سپاه پاسداران، ارتش جمهوری اسلامی، بسیج عشایر و دیگر قوای نظامی و انتظامی که برای اسلام عزیز حماسه‌ها آفریدند و جناب عالی که با سفرتان به جبهه کاملاً از آن واقفید، از شورای عالی دفاع بی‌صبرانه می‌خواهیم تا به استناد فرموده امام علی (ع) که فرمود «تاکنون هیچ قومی در سرزمین خویش نبرد نکردند مگر اینکه به خواری و خفت دچار گشتند» به ندای هزاران رزمنده جان بر کف اسلام پاسخ مثبت داده، تا هر چه زودتر کفار متجاوز را از خانه مسلمین تا مرز نابودی کامل این مزدوران به عقب رانند.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی - حزب جمهوری اسلامی دفتر قم - طرفداران مجاهدین انقلاب اسلامی - انجمن اسلامی جوانان بازار قم - انجمن اسلامی ولی عصر (انجمنهای اسلامی دانش‌آموزان) بسیج مستضعفین - انجمن اسلامی معلمان - انجمن اسلامی کارگران کارخانه نخ استرج (۱۳۵۹/۱۰/۱۴).

اینهمه پشتیبانی مردم سراسر ایران از رهنمودهای دلسوزانه حضرت آیت‌الله منتظری، کافی است که رئیس جمهوری را متقاعد سازد تا آنچنان که می‌پنداشته‌اند، آیت‌الله منتظری از اوضاع بی‌اطلاع نیستند و وجودشان در قم یا در جبهه‌ها، چندان تفاوتی ندارد. چرا که خانه ایشان، در قم، خود جبهه‌ای است که همه حرکات غرب و جنوب کشور در آن منعکس می‌شود. بگذریم.

سالگرد وفات پیامبر بزرگوار اسلام حضرت محمد بن عبدالله (ص) فرا رسید. ارسال تلگرام به پشتیبانی از هشدار آیت‌الله العظمی منتظری ادامه داشت و این سؤال دهان به دهان می‌گشت که چرا در جبهه‌ها سستی حاکم است؟ ناگهان خبر مسرت‌بخشی مبنی بر پیروزی حاصل از يك تهاجم گسترده نیروهای اسلام علیه نیروهای کفر، به اطلاع همگان رسید.

جریان از این قرار بود که قوای ایران با يك حمله ناگهانی مقدار قابل توجهی پیشروی کرده توانسته بود يك پیروزی نسبی در جبهه‌های جنگ به دست آورد. این پیروزی برای مردمی که

مدتی بود از تحرك نیروهای در مرز خبری نشنیده بودند، خوشایند و فرح‌انگیز بود. همین امر باعث گردید که سیل تبریکها از سراسر ایران به سوی رهبر انقلاب امام خمینی، رئیس جمهوری، آیت‌الله منتظری، نیروهای مسلح و مسئولان مملکتی سرازیر شد. از آنجا که دو سه روز از اظهار نگرانی آیت‌الله منتظری و گروهها و سازمانهای متعهد - که اطلاعیه‌هایشان را نقل کردیم - نمی‌گذشت، و این پیروزی تحسین‌انگیز نصیب ملت ایران و قوای انتظامی گردید، عموماً علت تهاجم را همین هشدارها و برخوروشیدنهای مسئولان دلسوزان جامعه می‌دانند.

حضرت آیت‌الله منتظری به مناسبت پیروزی لشکر اسلام بر قوای کفر در جبهه جنوب کشور تلگرامی به این شرح برای آقای بنی‌صدر مخابره کرد:

خوزستان. بسمه تعالی. ان تنصروا الله ینصرکم و ینتہب الاممکم. جناب مستطاب آقای بنی‌صدر رئیس جمهوری محترم ایران دام تأیید. پس از سلام هجوم گسترده رزمندگان اسلام بر قوای بعث کافر عراق و پیروزی چشمگیر آنان انتظار امت و امام را تحقق بخشید. این هجوم دلاورانه نشانه بودن روحیه قوی و آمادگی لازم جهت پیشروی نیروهای مسلح می‌باشد. از این رو لازم می‌دانم مراتب تقدیر و تأیید مجدد را نسبت به نیروهای مسلح اسلام، ارتش، سپاه، بسیج و مرزداران غیور وطن اسلامی تقدیم داشته امید است همان گونه که امام مدظله فرمودند این حرکت ادامه یافته و پیروزی نهایی را به دنبال داشته باشد و به زودی سرزمین مقدس اسلام، ایران و عراق، از لوٹ کفار متجاوز پاک گردد. سلامت و توفیق شما و نصرت و عظمت قوای اسلام و خدایان و نابودی قوای کفر را از خدای بزرگ مسئلت دارم.

۵۹/۱۰/۱۶ - حسینعلی منتظری

در پی تلگراف فوق، از سوی آقای ابوالحسن بنی‌صدر، این تلگرام به حضور حضرت آیت‌الله منتظری مخابره شد:

بسمه تعالی. حضرت آیت‌الله منتظری. تلگرام حضرت عالی عز و صول بخشید. اطمینان داشته باشید نیروهای مسلح جمهوری اسلامی با همه امکانات و فداکاری بیشتر از حد امکانات در دفاع از میهن اسلامی خود مصمم و استوارند. فرماندهانی که در این جنگ آزمایش وفاداری به جمهوری را داده‌اند باید با خاطری آسوده از حمایت عمومی، امکانات لازم را برای پیروزی فراهم آورند. اگر این منظور برآورده شود پیروزی نیروهای ما به خواست خداوند قطعی است. ایام عمر و عزت مستدام.

ابوالحسن بنی‌صدر - ۵۹/۱۰/۳۰

همان گونه که ذکر شد این پیروزی را عموم مردم جامعه مدیون تذکرات و هشدارهای آیت‌الله منتظری می‌دانستند. از این رو پیامهای شادباش فراوانی خطاب به حضرت آیت‌الله

منتظری ارسال گردید که در اینجا چند نمونه از آنها را می‌آوریم، سپس نام سازمانها، گروهها، اشخاص و ارگانهایی را که بدین مناسبت تبریک گفته‌اند و متن تلگرامهای آنان نزد نویسنده موجود است ذکر می‌کنیم.

۱- پیام تبریک انجمنهای اسلامی نیروی هوایی (۱۳۵۹/۱۰/۱۶):

بسم قاصم الجبارین. قم، حضرت آیت‌الله منتظری. شکست آن طلسمی که باید می‌شکست و چه به جا و به موقع فریاد مستضعفان که می‌رفت به انفجار بینجامد از لبان مبارکتان بیرون آمد و به این فریاد مقدمه پیروزی نهایی نمایان شد. باز تاریخ عالم بشریت برای چندمین بار پیروزی ایمان بر کفر را تجربه کرد و تا جاویدان با خط سرخ نظارت و رهنمود و فرمان آن فقیه عالیقدر را که ضامن سعادت اخروی و دنیوی امتهاست در دل صفحات خونین خود ثبت و ضبط نمود.

لشکریان اسلام پیام شما را به کار گرفتند و برای جلب رضایت حضرت ولی عصر (عج) هجوم خود را آغاز نمودند و این قهرمانان عاشق شهادت همچون رعدی غریزند و بر تارک کفار از زمین و آسمان فرو کوبیدند و لشکریان کافر و بعثی صدام مزدور را درهم شکستند.

این پیروزی رزمندگان اسلام را در جبهه‌های جنگ علیه کفر و استکبار به حضور شما فقیه عالیقدر و امید امام و امت تبریک می‌گوییم و امیدواریم که هرچه زودتر شاهد پیروزی نهایی اسلام بر کفر باشیم. والسلام علیکم ورحمت‌الله.

انجمنهای اسلامی نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران

۲- پیام تبریک سازمان طلاب مسلمان عراق (۱۳۵۹/۱۰/۱۷):

قم. حضرت آیت‌الله‌العظمی منتظری دام‌ظله. خبر پیروزی ارتش سلحشور اسلام بر کفار حزب بعث قلب مسلمانان و مستضعفان جهان را شاد کرد. به امید شنیدن خبر پیروزی نهایی تبریكات صمیمانه خود را به حضرت عالی عرض می‌کنیم و دیگر بار پشتیبانی خود را از قوای اسلام اعلام می‌داریم.

۳۰ صفر ۱۴۰۱ منظمه الطلبة المسلمین العراقيين (سازمان طلاب مسلمان عراق)

۳- پیام تبریک و تشکر انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران:

بسمه تعالی. فقیه بزرگوار، ای امید امام و امت. در سنگر مقاومت اسلام - روحانیت - کید ضعیف شیاطین را هیچگاه نفوذی نبوده است و به حق، روحانیتی چون شما که امروز هم بر چهره پلید استعمار سیلی ناامیدی و خذلان نواخته است حتی والا بر مردم مسلمان و جامعه اسلامی دارند. ای مجاهد همیشه در سنگر، ما چگونه زبان به شکر گشاییم که قلوب توده‌های مسلمان این آب و خاک با یاد رهبرشان و به تشکر از «امید رهبرشان» می‌سپد.

ای روحانی والا، از حوادثی که امروز بر جامعه می‌گذرد و موجهای به ظاهر خطیری که از هرسو بر کشتی این امت فرود می‌آید ما را هیچ گونه هرآسی نیست زیرا که نگهدار این کشتی

«خدا»، راهنمای آن «قرآن» و سکندارش «خمینی» است و چرا که دیده‌وران و پاسداران همیشه بیدار این کشتی، «روحانیت» است و در طول تاریخ چهارده صده اسلام هرگاه دشمنانی از خارج و خائنان و منحرفینی از داخل خواستند مسیر آن را به انحراف کشانند صغیر خشماگین فریادتان امت اسلام را از جا بر کند و بر سرشان شوراند و رسوایشان ساخت «چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیان».

و حال ای امید امام و امت، ای تو بودی که شعله فریاد امام را فروزان نگاه داشتی و بر پاسداران و ارتشیان ما «صلای امیدواری» و بر فرماندهان «نهییب بیداری» زدی که: «هان در جبهه اسلام چه می‌گذرد که دشمن زبون را جرأت مقاومت مانده و چرا بر دشمنان یورش نمی‌برید» و دیدیم که چگونه موج خروشان سپاه اسلام به حرکت درآمد و فرمانده و فرماندهان را از خواب غفلت چند ماهه بیدار کرد و غریو پیروزی الله‌اکبر را بار دیگر از فراسوی کرخه و کارون خونریز و آنسوتر در کنار دجله و فرات غم‌آلود و جنوب آتش گرفته لبنان و جای‌جای سرزمین ملتهب اسلام به گوش جان شنیدیم و این همان امید غمگرفته‌ای بود که روحانی بیدار، امام جمعه تهران، از سردرد گفته بودند که «اگر پیشنهاد روحانیون در آن روز عمل می‌شد خونین‌شهر از دست ما نمی‌رفت».

ما دانشجویان مسلمان با پاسداری از این پیروزی و ضمن تشکر از آن فقیه عالیقدر و عزیز دردمدانه تقاضا می‌کنیم که امت اسلامی ما را از این رهنمودهای سرنوشت‌ساز محروم نگذارد، چرا که ما معلم قرآن و راهبران جامعه را شما روحانیت متعهد می‌دانیم و به دیگرانمان امیدی نیست. باشد در سایه تعلیمات اسلام و زعمای اسلام و تعلیمات و پیروزیهای مسلمانان ما، بنای جامعه اسلام ایجاد، و راه ظهور ولی عصر (عج) هموار گردد. انشاءالله. درود بر بیدارگر زمان رهبر عزیز امام خمینی و همه روحانیون بیدار. پرخروشتر باد موج توفنده ارتش اسلام بر علیه کفر جهانی به سرکردگی آمریکا.

انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران

۴- پیام تبریک جهاد دانشگاهی استان کرمانشاه (۱۳۷/۱۰/۵۹):

بسمه تعالی. ان تنصروا الله ينصرکم و ینتھدکم. محضر مبارک حضرت آیت‌الله‌العظمی امید امام و امت. این پیام روح‌بخش و توان‌افزای شما بود که باعث تقویت روحیه نیروهای مسلح سپاهیان انقلاب گردید که با اولین مرحله حمله تهاجمی هماهنگ و موفقیت‌آمیز خود بر سپاه کافر بعثی عراق به سرکردگی آمریکا باعث خوشحالی امام امت رهبر کبیر انقلاب اسلامی و جناب عالی و ملت مسلمان ایران و مستضعفین جهان گردید.

جهاد دانشگاهی استان کرمانشاه ضمن پشتیبانی قاطع از این پیام و این حرکت خواستار ادامه

قاطع آن تا پیروزی کامل اسلام بر کفر می‌باشد.

امید است در آینده‌ای نزدیک شاهد گسترش همه‌جانبه اسلام در سراسر گیتی باشیم. انشاءالله.

جهاد دانشگاهی استان کرمانشاه

۵- پیام تبریک جنبش رانده‌شدگان عراقی (۵۹/۱۰/۱۸):

محضر مبارك فقيه عاليقدر حضرت آيت‌الله‌العظمى شيخ‌حسينعلی منتظری دامت عزه العالی. پس از تقدیم بهترین سلامهای خالصانه، پیروزی سربازان و پاسداران اسلام و نیروهای مردمی را به شما تهنیت و تبریک می‌گوییم. پیروزیی که قلب امام حسین (ع) را شاد و خوشنود کرد و این پیروزی و پیروزیهای دیگر چنان وحشت و رعبی در دل مستکبرین و طاغوتها به وجود آورد که وحشتزده نظاره‌گر شکستهای بعدی هستند.

آرزو مندیم پیروزیهای چشمگیرتری نصیب قوای اسلامی شود و ملت رنج‌دیده عراق انشاءالله بزودی از زیر یوغ استعمار صدام رهایی یابد. موفقیت شما را از درگاه حضرت احدیت مسالت می‌نماییم.

جنبش رانده‌شدگان عراقی

۶- پیام تبریک محمدتقی مدرسی از تهران (۵۹/۱۰/۱۸):

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. محضر مبارك آيت‌الله‌العظمى امید امام و امت شیخ حسینعلی منتظری دام‌ظله. رهبریهای خمینی گونه آن جناب که مظهر مدادالعلماء خیرمن دماء‌الشهداء بود مبعث امید ملت مستضعف عراق گردید و با حمله مجدد ارتش اسلام بر مزدوران صدام روح امید و ایمان را در همگان تجدید نمود. به امید تداوم مبارزه تا محو آثار استعمار و توحید جهان اسلام به رهبری امام امت آیت‌الله‌العظمی امام خمینی دام‌ظله‌العالی. والسلام علیکم ورحمة‌الله و برکاته.
تهران - محمد تقی مدرسی

۷- پیام تبریک جامعه روحانیت مریوان (۵۹/۱۰/۳۰):

بسمه تعالی. محضر مبارك حضرت آيت‌الله‌العظمى منتظری دام عمره‌العالی. ما جامعه روحانیت شهرستان مریوان از صمیم قلب اولین تهاجم تاریخی سپاهیان اسلام بر لشکر کفر صدامی را به آن حضرت تبریک و از خداوند متعال می‌خواهیم که عنقریب حکومت کفر بعثی صدام به دست فولادین لشکر اسلام نابود گردد.

جامعه روحانیت شهرستان مریوان، ابراهیمی امام جمعه

۸- ترجمه پیام تبریک حرکت مردم مسلمان عراق (۱۳۵۹/۱۰/۳۰):

بسمه تعالی. حضرت آیت‌الله منتظری دامت‌افاضاته. السلام علیکم ورحمة‌الله و برکاته.

پیروزی سریع اسلام بر کفر تحقق یافت و عوامل بعثی تو خالی شکست خوردند. با این امید که بزودی حکومت اسلامی در عراق مستقر گشته و دست استعمار را کوتاه نماییم، ضمن تبریک پیروزی به ملت قهرمان ایران موفقیت شما را از خدای بزرگ مسألت داریم.

حركة الجماهير المسلمه فی العراق. المكتب الاعلامی

۹- پیام تبریک مدرسه علوم دینی مریوان (۵۹/۱۰/۲۱):

«كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي. هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» قرآن کریم. باش تا صبحدم دولتش بدمد / کین هنوز از نتایج سحر است. محضر مبارک فقیه عالیقدر امید امام امت حضرت آیت الله منتظری مدظله العالی. با عرض ادب و احترام به مناسبت فتح و پیروزی عظیم سپاه اسلام و اولین حمله تهاجمی بر مزدوران رسوای بعثی بالاترین تهنیت و تبریک و والاترین شادی و سرور خویش را به حضور امام امت معروض، رجاء واثق داریم حالت تهاجمی سپاه خدا بر مزدوران شیطان ادامه یابد. مجدداً آمادگی کامل خود را برای فداکاری عاشقانه در راه اجرای اوامر امام خمینی عزیز و امید او و هر نوع خدمت به جمهوری اسلامی ایران اعلام می‌داریم.

مسئول مدرسه علوم دینی مریوان - امین منبری

بجز این پیامها و پیامهای تبریک دیگری که نام فرستادگان آنها را خواهیم آورد، خبرگزاریها گزارش دادند هنگامی که خبر حمله تهاجمی ارتش و پاسداران اسلام در شهر اهواز پخش شد مردم حالت عجیبی داشتند. بعضیها باور نمی‌کردند، ولی اکثریت مردم از زن و مرد از حرکاتشان شادی و نشاط هویدا بود. هر کس از راه می‌رسید، با صدای شبیه فریاد شروع می‌کرد: «پیروز شدیم، خدا را شکر پیروز شدیم. دیدید عاقبت حرف امامان درست درآمد. حالا روی منافقان سیاه. جانم به قربان آیت الله منتظری. این پیروزی عظیم هم عاقبت با فرمان یک فقیه شروع شد. این فرمان خدایی بود که روح تهاجم را در کالبد سربازان و پاسداران ما دمید». و حرفهایی از این قبیل: «این منتظری امید امام است. خداوند حفظش کند». مردم به هم تبریک می‌گفتند و بعضیها می‌گفتند: «حیف که روز وفات است و نمی‌شود شادی کرد و تبریک گفت». ولی همه از ته دل شاد بودند، همه می‌گفتند: «خدا کند همین طور ادامه بدهند. خدا با ما است و ما به فرمان امام امت همه برای رفتن به جبهه آماده‌ایم».

در بازار اهواز شور عجیبی بود و مردم با امید و شادی به خرید مایحتاج خود مشغول بودند. از شهرهای اطراف مردم به اهواز ریختند. جوری بود که انگار جنگ تمام شده است و اصلاً مردم غیر از این فکر نمی‌کنند. کار را تمام می‌دانند. امیدواریم با تأییدات و تقدیر و تشویق امام و آیات عظام و حضرت آیت الله العظمی منتظری ارتش و پاسداران به تهاجم ادامه داده و به جنگ پایان دهند.

لازم می‌دانم اسامی سازمانها، نهادها و اشخاصی را که در رابطه با پیروزی حاصل از تهاجم نیروهای اسلام بر کفر، پیامهای تبریک برای آیت‌الله منتظری فرستاده‌اند - و عین تلگرافهای آنان نزد این جانب می‌باشد - ذکر کنم و در پایان پیام تشکرآمیز حضرت آیت‌الله منتظری از این سازمانها و اشخاص را بیاورم:

سازمانها، نهادها و اشخاص مذکور عبارتند از: اداره کل آموزش و پرورش استان فارس - بنیاد مسکن و کمیته مرکزی انتظامات کرمان - اهالی شهرستان خرمدره - علی محمد اژیه اصفهان - سپاه پاسداران انقلاب اسلامی میبد - نماینده مردم ارومیه و امام جمعه و مسئول کمیته‌ها و بسیج مسلح استان آذربایجان غربی، غلامرضا حسنی - انجمن اسلامی کارکنان هتلهای رامسر - کارکنان گروه صنایع کاغذ پارس - انجمن اولیاء و مربیان دبیرستان بزرگ تهران - میرزا حسن انصاری، اهواز - کارکنان بنیاد مستضعفان خراسان - انجمن اسلامی شورای محلی مسجد خاتم الانبیاء، تهران - امام جمعه ملایر - انجمن اسلامی کارکنان بهپاک، بهشهر - انجمن اسلامی آزادان ماربین اصفهان - کمیته انقلاب اسلامی سپیدشت - پاسداران، کارکنان راه‌آهن، کسبه، ژاندارمری، بخش‌داری و کارکنان دفتر پست سپیدشت - امام جمعه فلاورجان - سازمان عمران اراضی استان اصفهان - سردخانه‌های ملی شده ایران - اتحادیه انجمنهای دانش‌آموزان تفت - انجمن اسلامی آب منطقه‌ای فارس - کارکنان بهداری استان گیلان - کارکنان آموزش و پرورش گرگان - امام جمعه ریگاباد زرند - امام جمعه آبادان - انجمن اسلامی معلمان طرقله، مشهد - جهاد سازندگی فریمان - کمیته بررسی مسائل پرورشی اداره کل آموزش و پرورش خراسان - اداره آموزش و پرورش سنقر - انجمن اسلامی کارکنان بانک سپه منطقه خراسان - انجمن اسلامی معلمان، جهاد سازندگی، خانه جوانان هلال احمر، بنیاد مسکن، انجمن اسلامی بازاریان، انجمنهای مؤتلفه اسلامی شهرستان لنگرود - امام جمعه گراش فارس - سید محمد یثربی، کاشان - سید رضا فاضلیان، همدان - امام جمعه فیروز آباد - امام جمعه رفسنجان - امام جمعه خونین شهر - اتحادیه انجمنهای اسلامی دانش‌آموزان استان کرمان - انجمن اسلامی شریعتی کرمان - جامعه اسلامی دانشگاه کرمان - استاندار کردستان - ستاد سپاه پاسداران غرب کشور - ستاد مشترک عملیات سپاه و ارتش کردستان - استانداری کرمانشاهان - ستاد هماهنگی روحانیت غرب کشور - انجمنهای اسلامی پادگانهای ارتش - جهاد سازندگی کرمانشاه - جامعه روحانیت کرمانشاه - امام جمعه کرمانشاه - دایره سیاسی ایدئولوژی پادگانهای کرمانشاه - هیئت واگذاری زمین استان کرمان - انجمن اسلامی بانک تجارت منطقه مازندران - فرماندار خرم آباد - محمد الموسوی العراقی - حزب جمهوری اسلامی لنگرود - انجمن اسلامی جوانان پلدشت آذربایجان غربی - انجمن اسلامی کارکنان بانکهای چالوس - انجمن اسلامی بهداری دامغان - جامعه روحانیت تربت حیدریه - سپاه پاسداران اردبیل - شهرداری و شورای شهر رودسر - سپاه پاسداران و جهاد سازندگی استان خوزستان - استانداری خوزستان - انجمن اسلامی ۹۳ زرهی - انجمن اسلامی پادگان حمیدیه - کمیته انقلاب اسلامی خوزستان - ستاد بسیج، بنیاد شهید، صدا و

سیمای جمهوری اسلامی ایران، مرکز اهواز - ستاد امنیت شهر اهواز - ستاد تدارکات جبهه، دادگاه انقلاب خوزستان - جامعه روحانیت، حزب جمهوری اسلامی، ستاد تدارکات فرمانداری، بسیج مستضعفین، کمیته انقلاب اسلامی و ستاد بسیج خواجهان دزفول - انجمن اسلامی و سازمانهای دانشجویان مسلمان مشهد - سپاه پاسداران مشهد - جهاد سازندگی خراسان - دفتر فعالیتهای انقلاب اسلامی - دفتر تبلیغات اسلامی - انجمن اسلامی دانش آموزان خراسان - سپاه پاسداران تبریز - انجمن اسلامی پیام ربذه و دانشجویان مؤسسه علوم بانکی - انجمن اسلامی مددکاران اجتماعی - هیئت اجرائی قانون اسلامی کارکنان بانک مرکزی ایران - انجمن اسلامی کارکنان کارخانجات ایران ناسیونال - اداره سیاسی ایدئولوژیک شهرداری جمهوری اسلامی ایران - انجمن اسلامی برق - انجمن اسلامی معلمان ایران - انجمن اسلامی بانک تجارت - سپاه پاسداران همدان.

متن پیام تشکرآمیز حضرت آیت الله منتظری از سازمانها، نهادها و اشخاص مذکور چنین است:

بسمه تعالی. هجوم گسترده نیروهای رزمنده اسلام به قوای بعث متجاوز عراق موج جدیدی از احساسات و حمایت همه جانبه مردم قهرمان و شهیدپرور ما را به دنبال داشت. این هجوم از آنجا که پاسخی به ندای امت و امام بود موجب رضای خدای بزرگ و اولیای دین گشت. در همین رابطه قبل از هجوم و بعد از آن تلگرامهای بسیار خطاب به این جانب از حجج اسلام، ائمه جمعه آبادان و اهواز، استانداری و ارگانهای خوزستان و خراسان، شهرستان قم، طرهبه، فریمان، ستاد مشترک عملیاتی غرب، انجمنهای اسلامی نیروهای هوایی، جامعه اسلامی دانشگاه کرمان، انجمنهای اسلامی بانک تجارت، معلمان، برق، جهاد دانشگاهی کرمان و اهالی زرند و بعضی ارگانها و شخصیتهای دیگر ایدهم الله تعالی در جراید رؤیت شد. این جانب ضمن تشکر و عرض معذرت از این که نمی توانم به یکایک آنها مستقلاً جواب بدهم یادآور می شوم اکنون که تمام توطئه های تفرقه افکنانه ستون پنجم دشمنان اسلام با آگاهی و رشد سیاسی امت، ارتش غیور، سپاه عزیز و دیگر نیروهای مسلح و ارگانهای انقلابی ما در پرتو رهبری قاطع و صحیح حضرت امام خمینی مدظله خشی شده و بار دیگر وحدت، انسجام و هماهنگی کامل امت، دولت و نیروهای مسلح اسلام در صحنه جنگ بین حق و باطل تجلی کرد، بر همگی لازم است که این پیوستگی را حفظ و تقویت نموده با عمل به رهنمودها و دستورات رهبر انقلاب راه تداوم و گسترش انقلاب اسلامی را ادامه داده و همچون گذشته از نیروهای رزمنده حمایت و پشتیبانی کنیم و حال که روحیه دشمن سخت شکست خورده این فرصت را برای دفع شر قوای متجاوز و کافر عراق غنیمت شمرده مجال تدارک نیرو و نفس کشیدن به او ندهیم و از این آزمایش بزرگ الهی سرفراز بیرون آییم. و ما النصر الامن عندالله.

هجدهم دیماه ۵۹ - حسینعلی منتظری

حملهٔ ظفرمند نیروهای اسلام به قوای متجاوز کفر به تمام محافظه کاران و عناصر ضعیف النفس نشان داد که اگر دستور تهاجم و نابودی دشمن به ارگانهای نظامی و مردم مسلح جنوب داده شود، عراق و بزرگتر از او، کوچکتر از آنند که بتوانند ذره‌ای از خاک ایران اسلامی را در چنگ خود داشته باشند. اما متأسفانه خیلیها می‌خواهند مسألهٔ به این مهمی را کوچک جلوه دهند و از موضع ضعف به حل مسألهٔ جنگ پردازند که بار دیگر حضرت آیت‌الله مجاهد منتظری، این فریادگر بزرگ که هر لحظه از ضربه خوردن اسلام و تضعیف نیروهای مسلح ایران احساس نگرانی می‌کنند، راهنمایی لازم را می‌نماید.

هنگامی که آمریکا متوجه شد که از طریق جنگ هم نمی‌توان انقلاب اسلامی ایران را به زانو درآورد، به فکر افتاد که با يك صلح تحمیلی آبروی انقلاب را در دنیا برده و آن را به شکست بکشاند. در پی این تصمیم با ارسال گروهها و هیئت‌هایی به عنوان هیئت بررسی جنگ ایران و عراق و رسیدگی به شرایط موجود برای صلح، می‌خواهد مارا مجبور کند که با دشمن که در خانه مان منزل کرده صلح کنیم. اما انقلاب و رهبری آن غیر قابل نفوذتر از آن است که آمریکا و دست‌نشاندهانش فکر می‌کنند.

کوتاه سخن، وقتی این هیئت به ایران آمد، آیت‌الله منتظری همچون گذشته که با هوشیاری کم نظیر خود دسیسه‌ها را زود درک می‌کند، خطاب به شورای عالی دفاع نامه‌ای پر اهمیت و تاریخی نوشت که آن را در اینجا نقل می‌کنیم:

بسمه تعالی. شورای عالی دفاع ایدهم‌الله تعالی. پس از سلام همان گونه که مستحضرید هیئت بررسی جنگ مأموریت دارد به هر نحو ممکن جنگ تحمیلی عراق را خاتمه داده و رژیم رو به سقوط صدام متجاوز را از سقوط حتمی نجات دهد.

خوب می‌دانید انتظارات دو ملت شهیدپرور ایران و عراق که تاکنون متحمل تلفات و خسارات مادی و معنوی سنگینی شده‌اند، از شما زیاد است. در این رابطه این جانب برحسب وظیفهٔ شرعی و وجدانی که احساس می‌کنم به شورای عالی دفاع هشدار می‌دهم که به پاس خون پاک هزاران شهید و مجروح، مبدا در مذاکرات خود با هیئت به چیزی کمتر از خواست امت و امام که همان مجازات صدام متجاوز در يك دادگاه بین‌المللی و نجات ملت برادر و مسلمان عراق از شر این حکومت غاصب باشد راضی شود و در نتیجه امید همهٔ محرومین و مستضعفین جهان را به یأس تبدیل نماید.

من یقین دارم ارتش غیور و سپاه پاسداران عزیز و سایر نیروهای رزمنده و شریف ایران که تا کنون شهدای زیادی داده‌اند، صدام را نمایندهٔ مردم مسلمان عراق نمی‌دانند تا با او مذاکره شود. در هر شرایطی ذلت را نپذیرفته با دست خالی هم حاضرند همچون قبل از پیروزی به جهاد ادامه دهند و نقشه‌های شیطان بزرگ آمریکا را خنثی نمایند. شورای عالی دفاع باید توجه نماید که سرنوشت هزاران آوارهٔ عراقی و خانواده‌های زندانیان و قربانیان ملت مسلمان عراق را به دست چه کسی می‌دهد و در تصمیمات خود که در این لحظات حساس نقش بسزایی در تاریخ مبارزات

ملل محروم و زیرستم منطقه دارد، به جمیع ابعاد و شرایط کاملاً توجه نماید. از خدای بزرگ استقامت و پایداری جمیع رزمندگان راه حق و عدالت را در برابر توطئه‌های ابرقدرتها خواستارم و از نیروهای مسلح در جبهه انتظار می‌رود بیش از پیش در دفاع از اسلام و انقلاب و کشور تلاش نمایند.

حسینعلی منتظری - ۵۹/۱۲/۱۴

امت شریف و شهیدپرور ایران به مقتضای مقام و ارزشی که برای آیت‌الله منتظری قائلند از این نامه و مفاد آن پشتیبانی کردند و به لطف خدا هیئت مذکور بدون کوچکترین بهره‌ای دست از پادرازی ایران را ترک نگفت. آیت‌الله حکیم دبیرکل علمای مبارز عراق، از ناحیه مردم عراق نیز این عمل شجاعانه را تأیید کرد و مورد ستایش قرار داد.

بدیهی است مخالفت آیت‌الله منتظری با مذاکره صلح پس از مخالفت شدید امام خمینی رهبر انقلاب با هر نوع سازش با کافران اعلام شده و در اینجا نیز همچون گذشته، آیت‌الله منتظری وفاداری خود را به رهبر خویش امام خمینی تجدید نموده است.

سمینار ائمه جمعه

یکی از ثمرات بزرگ انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، روح گرفتن نماز جمعه و برپایی مراسم آن به صورت کاملاً اسلامی و درخور شأن انقلاب اسلامی است.

هنگامی که امام بزرگوار، خمینی بت‌شکن، فرمان برپایی نماز جمعه در تهران را به ابودر زمان، مجاهد نستوه، حضرت آیت‌الله طالقانی صادر کردند و این پیر عالیقدر در دانشگاه تهران به امامت جمعه نزدیک به دویلمیون جمعیت تهران ایستاد، مردم احساس کردند که نماز جمعه چقدر با ارزش و سازنده است.

از آنجا که امامان از قبل عظمت تأثیر این مراسم بزرگ را می‌دانستند، تعیین ائمه جماعت شهرهای ایران را دنبال کردند و پس از تهران، حکم امامت جمعه برای آیت‌الله سیدجلال‌الدین طاهری در شهر اصفهان، حجت‌الاسلام سیدکاظم نورمفیدی در گرگان و ... صادر فرمودند و اندک‌اندک شهرهای سراسر ایران دارای امام جمعه شدند.

به لحاظ شخصیتی که امامان جمعه برای مردم ایران دارند و اهمیت وجود آنها در شهرها، لازم است که بین ائمه جمعه هماهنگی و نزدیکی مفیدی ایجاد شود، تا ضمن اینکه با وضعیت یکدیگر و مسائل شهرها آشنا می‌شوند، نوع تبلیغات و حدود و ثغور خود را همگون و مشخص سازند.

در تاریخ بیست و سوم آذرماه ۱۳۵۹ شمسی شاخصترین چهره امامت جمعه در شاخصترین شهر مذهبی و انقلابی ایران، حضرت آیت‌الله منتظری امام جمعه قم، طی یک دعوت عام، از کلیه ائمه جمعه شهرهای سراسر ایران درخواست نمود که هر چند ماه یک بار با تشکیل سمینار ائمه جمعه هماهنگی و وحدت مورد نیاز جامعه انقلابی را بین خودشان ایجاد کنند و به بررسی

مسائل جاری داخل و خارج از کشور بپردازند.

متن دعوت حضرت آیت‌الله منتظری از ائمه جمعه سراسر ایران برای تشکیل سمینار مذکور چنین است:

بسمه تعالی. من يعظم شعائرالله فانها من تقوى القلوب. خدمت حضرات آیات و حجج اسلام، آقایان ائمه جمعه سراسر کشور دامت افاضاتهم. همان گونه که می‌دانید یکی از ثمرات بارز انقلاب پیروزمند ملت مسلمان ایران احیاء سنت فراموش شده نماز جمعه می‌باشد. از آنجایی که رژیم‌های ضدخدایی ضد مردمی طاغوت از دیر زمان متوجه فواید و ارزشهای معنوی و سیاسی این فریضه بزرگ الهی بودند، آن را قبضه کرده و به صورت امری استعماری و بی‌خاصیت درآورده بودند و از اقامه نماز جمعه‌های با روح و با خاصیت جلوگیری می‌نمودند. آنها اصولاً از تجمع مردم و تشکیل مراسم با شکوه مذهبی و سیاسی وحشت داشتند و از این رو اساس سیاست شیطانی خود را برای بقاء رژیم فاسدشان بر ایجاد تفرقه و تشتت اقشار جامعه و دامن زدن به اختلافات قرار می‌دادند. رمز پیروزی انقلاب ما ایمان و اتکاء به خداوند و وحدت همه اقشار و طبقات و رهبری صحیح و قاطع حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی مدظله بوده و اکنون دشمن به آن واقف شده و در صدد تضعیف این عوامل سه‌گانه است و تلاش وسیعی را شروع کرده تا به جای روحیه وحدت و هماهنگی، جو فساد و سوءظن، و القاءات تفرقه‌انداز را جایگزین نماید. لذا در چنین شرایطی عنایت و توجه بیشتر به این سنت وحدت‌آفرین الهی وظیفه همه مسلمانان و مؤمنین به انقلاب اسلامی می‌باشد.

در همین رابطه بسیار مناسب است ائمه جمعه سراسر کشور هر چند ماه يك بار مجمعی تشکیل دهند و از نزدیک اوضاع عمومی جهان اسلام و شرایطی را که انقلاب اسلامی با آن مواجه است بررسی کرده و در مقابل تحریکات دشمنان غربی و شرقی، تصمیمات مقتضی گرفته شود. این جانب ضمن تقدیر از فعالیت‌های اجتماعی و مفید برادرانی که در جامعه بزرگ اسلامی با قبول و تصدی امامت جمعه از طرف رهبر انقلاب مسئولیتی بزرگ را قبول کرده‌اند، دعوت می‌نمایم تا در سمینار و مجمع بزرگی که به زودی توسط ستاد مربوطه در حوزه علمیه قم تشکیل و اعلام می‌شود شرکت فرمایند و با همفکری و ارائه پیشنهاد و طرح‌های تازه راهگشای آینده حساس انقلاب اسلامی و خطراتی که از ناحیه دشمنان اسلام آن را تهدید می‌کند، باشند. توفیق همگان را در خدمت به اسلام و مسلمین و انجام وظایف دینی از خدای بزرگ خواهانم. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

حسینعلی منتظری - ۵۹/۹/۲۳

پس از این دعوت که گامی بیسابقه و ابتکاری وحدت‌آفرین در تاریخ اسلام برای تحقق جامعه اسلامی بود، در قم ستادی برای این منظور تشکیل گردید، همان موقع که پیام فقیه‌عالیقدر منتشر شد، اولین اطلاعیه ستاد برگزاری سمینار ائمه جمعه سراسر کشور بدین شرح انتشار یافت: بسمه تعالی. «ما باید با توجه به خدای تبارک و تعالی قشرهای خودمان را با هم فشرده کنیم.»

امام خمینی.

پیرو پیام وحدت‌آفرین فقیه عالیقدر حضرت آیت‌الله منتظری مبنی بر لزوم تشکیل سمیناری از حضرات آقایان ائمه جمعه سراسر کشور ایدهم‌الله تعالی و دعوت معظم‌له، مجمعی در روزهای چهاردهم و پانزدهم صفر برابر با اول و دوم دیماه برگزار می‌گردد. جزئیات برنامه در اطلاعیه‌های بعدی، همچنین ضمن دعوت‌نامه‌هایی که به حضور آقایان محترم ارسال می‌شود به اطلاع خواهد رسید.

روز مقرر فرا رسید و صبح روز اول دیماه ۵۹ در مدرسه فیضیه قم، این سمینار با شرکت ائمه جمعه سراسر کشور و حضور آقای محمدعلی رجائی نخست‌وزیر ایران و عده‌ای از مدرسین حوزه علمیه قم آغاز به کار کرد. اداره این سمینار بر عهده یک هیئت رئیسه که از طرف حاضرین انتخاب شدند قرار گرفت. هیئت رئیسه عبارت بودند از آقایان مشکینی اردبیلی، منتظری، طاهری اصفهانی و مولوی شهداد امام جمعه سراوان زاهدان. حجة الاسلام خامنه‌ای با اکثریت آراء به سخنگویی سمینار برگزیده شد.

در این سمینار دو روزه علاوه بر آیت‌الله مشکینی و آقای رجائی چند نفر از ائمه جمعه شهرستانها سخنانی ایراد کردند که به لحاظ اهمیت آن جملاتی از سخنان سخنرانان این سمینار را در اینجا نقل می‌کنیم.

آیت‌الله مشکینی مدرس حوزه علمیه قم:

تابه حال چشم ایران چنین جلسه و وحدتی را ندیده است. شما اخلاق فاضله انسانی را در مردم زنده می‌کنید و مردم را مقید به اخلاق حسنه می‌کنید...

هدف از تشکیل این سمینار دو چیز است: اول ایجاد برداشت یکسان و هماهنگ در تلقی اهمیت نماز جمعه از نظر بُعد ارتباطی و عملی و مذهبی و هدف دیگر بررسی مشکلات ائمه جماعت. در نمازهای جمعه شما ناظم و حاکمید، تهدید و تشویق می‌کنید و به جامعه خط می‌دهید. پس نماز جمعه ضمن عبادی بودن، سیاسی نیز می‌باشد. یکی دیگر از اهداف این سمینار هدایت جامعه به درست اندیشیدن و فضایل اخلاقی است و نیز افکار این ملت را باید با هماهنگی کاملی رشد داد. لذا باید مشی واحد و متناسب جهت هدایت جامعه اتخاذ کنیم که این رسالت بزرگ بردوش ماست...

این جهان هر ساعت آستان حوادث خطرناک بوده و ما باید در مقابل حوادثی که از طریق ابرقدرتها در داخل و خارج خلق می‌شود موضعگیری کنیم. چرا که عدم تشخیص موضعگیری صحیح نفاق می‌آورد و جامعه روحانیت و ائمه جمعه باید در این سمینار موضعگیریهای خود را مناسب و هماهنگ سازند.

آقای محمدعلی رجائی نخست‌وزیر:

خدا می‌داند که يك چنین سمیناری برای ما مردمی که از خدا می‌خواستیم به یاری روحانیت متعهد و

مبارز اسلام را در سرزمین ما و در جهان حاکم کند این لحظه‌ها و ساعات چقدر شورانگیز است. من معتقدم که منافقین و مشرکین و دشمنان، خودشان را بیهوده به زحمت می‌اندازند و خسته می‌کنند؛ چرا که خدا این مردم را لایق دیده و چنین رهبری و چنین دین و مردمی که افکار آن رهبر را با توجه به آن دین و مکتب به مردم منتقل می‌کند به آنها این نعمت را بدهد... هر کجا که ضدانقلاب را قوی می‌بینیم، مشاهده می‌کنیم که روحانیت در آنجا ضعیف است. یا روحانی وجود ندارد و یا اگر روحانی هست مقدار کافی نیست و افرادی که از شهرستانها به من مراجعه می‌کنند اولین حرفشان این است که اگر يك روحانی عالم و متعهد به آن منطقه بفرستیم بیشتر از نصف کارها حل خواهد شد. و دیدیم که دشمن از این راه وارد شد و خواست که حرکتی ضد روحانی انجام بدهد که شکست خورد ولی ناپود نشده و همچنان در آینده به این حرکت خود ادامه خواهد داد و برعکس هر جا که انقلاب قوی بوده يك روحانی قوی داشته و زندگی و رفتار و سخن روحانی انقلاب را بارور کرده است.

آیت‌الله طاهری امام جمعه اصفهان:

دشمن همیشه درصدد تعطیل کردن نماز جمعه بوده است؛ چون به‌خوبی درک کرده که نماز جمعه می‌تواند برای انقلاب امت مسلمان ایران چه تأثیری داشته باشد. تعدادی از تبعیدها و زندانها در رابطه با نماز جمعه بوده است و شاید اصفهان که اولین شهری است که حکومت نظامی را به خود دید بخاطر همین نماز جمعه و مسأله نماز جمعه نجف‌آباد بود. اکنون نیز دشمن شدیداً مواظب نماز جمعه است. چون نماز جمعه خطبه دارد ولی نماز جماعت خطبه ندارد. قبلاً هم شنیدید که امام امت فرمودند باید به مردم آگاهی داد و مسائل روز را گفت. مسائل را باید تشریح کرد. نماز جمعه، نماز مؤثری است. البته دشواریهایی هم دارد. من هرگز نمی‌توانم ادعا کنم که تمام دشواریها را خلال دیروز و امروز به‌دست آورده باشیم اما به‌رحال این مقدار مسلم است که نماز جمعه دشواری دارد، اتهامها دارد. قبل از انقلاب هم داشت. امامت نماز جمعه را مثل قضاوت يك منصب می‌دانیم. آن کس که این منصب را دارا می‌باشد اگر متخلق به اخلاق اسلامی نباشد نمی‌تواند کارایی داشته باشد. باید مذهب شد و خود را ساخت. امام جمعه انسان وارسته‌ای است که از نظر اخلاق، رفتار، معاشرت و انس با نسل جوان در حد کمال می‌باشد، لذا در اسلام این منصبها مصادف با يك سری محرومیتهاست. امام جمعه اگر لیاقت ندارد باید کنار برود و اگر نرود روز قیامت خداوند از او سؤال خواهد کرد. خطیب (نماز جمعه) باید از رویدادهایی که در دنیا و کشورش می‌گذرد باخبر باشد و بعد هم بتواند آنها را تجزیه و تحلیل سیاسی کند و هنگامی که موضعگیری می‌کند، موضع او صحیح باشد.

آیت‌الله مدنی امام جمعه تبریز:

کمی به‌خود بیاییم و نظری در اعمال خود بیفکنیم و ببینیم نماز جمعه ما را به خدا نزدیک می‌کند و یا اینکه خدای ناکرده فقط در ظاهر به انجام فریضه نماز جمعه پرداخته‌ایم.

مولوی شهید امام جمعه سرآوان زاهدان:

شیعه و سنی تابع يك قرآن و يك رسول هستند و وحدت سبب پیروزی اسلام می‌باشد و اولین ثمره این انقلاب وحدت بین تمام فرق اسلامی است و به‌نظر من صدور انقلاب اسلامی صدور وحدت بین مسلمین است. دشمنان ما تلاش می‌کنند وحدت ما شکل نگیرد و سود خود را نیز در این می‌بینند که ما متفرق باشیم اما ما باید هشیار باشیم و از مکتب اسلام پیروی کنیم.

حجت‌الاسلام خامنه‌ای امام جمعه تهران:

از وظایف ائمه جمعه در نماز جمعه این است که جریانهایی را که به‌نحوی با جامعه اسلامی مرتبط است در خطبه‌ها مطرح کنند. در جامعه اسلامی بار اصلی بردوش مردم است و این خود مردم هستند که باید حرکت کرده و انتخاب و اختیار کنند. برای اینکه مردم آگاه شوند و بخواهند حرکت کنند لازم است که فردی آنان را آگاه ساخته و سپس آنها را وادار به حرکت کند. عالیترین و پرشکوهترین و گرمترین مراسمی که روحانیت دارد نماز جمعه است. نماز جمعه اگر نباشد سه ستون دیگر یعنی قوای مجریه و قضایی و مقننه نمی‌توانند بنای جمهوری اسلامی را نگاهدارند. در نماز جمعه سه مطلب اساسی وجود دارد و این سه مطلب عبارت است از: ذکر، تقوی، اجتماع.

ملاقادر قادری امام جمعه اهل تسنن پاوه:

من از شهری می‌آیم که مردم مسلمانش هرگز زیر بار عناصر دموکرات و دیگر گروهها نرفته‌اند و خون داده‌اند و عزت و شرف اسلامی خود را پاسداری کرده‌اند و مردم مسلمان همواره در انتظار وحدت تشیع و تسنن هستند.

در این سمینار دو روزه کسان دیگری از ائمه جمعه سخنرانی کرده‌اند ولی به‌لحاظ اینکه فقط قصد اشاره داریم از تکرار حرفهای دیگران خودداری کرده فقط گوشه‌هایی از سخنان حضرت آیت‌الله‌العظمی منتظری را نقل می‌کنیم:

اسلام با نماز شروع شد، برای اینکه اسلام می‌خواهد بشر را با خدا مرتبط سازد و بهترین وسیله برای این کار نماز است، و نماز هم با جماعت شروع شد. نماز جمعه يك امر عبادی سیاسی و نظامی است و خطبه‌های نماز جمعه هم باید براساس روایات موجود در آن امور سیاسی ذکر شود. عمل شما ائمه جمعه مهمتر از زبان شماست. بنابراین برادران و همچنین خودم اول باید خود را بسازیم و روش‌مان اسلامی باشد بطوری که مردم واقعاً ما را در راه خدا بدانند. اگر ما عملاً در راه خدا باشیم دل مردم با ما خواهد بود...

در هر شهرستان ائمه جمعه چهار الی پنج نفر از افراد متعهد و باهوش و با فکر دور از افکار انحرافی را به‌عنوان ستاد نماز جمعه انتخاب کنند و این ستاد موظف باشد در طول هفته مطالعه

بکند و مطالب اجتماعی، سیاسی و اطلاعات راجع به اوضاع دنیا را جمع‌آوری کند و قبل از روز جمعه در اختیار امام جمعه قرار بدهد. همچنین دو نفر از این اعضاء به مطالعه مطالب روزنامه‌ها و رادیوتلوویزیون بپردازند، چرا که در جراید و مطبوعات مسائلی است که امام جمعه بایستی درباره آنها در نماز جمعه حرف بزند؛ و این ستادها نیز باهم در تماس باشند.

در هر شهرستانی امام جمعه جنبه رهبری نسبت به مردم آن منطقه را دارد. با ارگانهای انقلابی و قوای اجرائی آن منطقه جلساتی داشته باشد تا مشکلات بررسی و سوءتفاهمها برطرف شوند و کارهای آن منطقه هماهنگ بشوند...

ائمه جماعت هراستانی لاقلاً در هر ماه باهم جلسه داشته باشند و مسائل آن استان را مطرح بکنند و از افکار یکدیگر استفاده کنند و هر شش ماه يك مرتبه سمینار سراسری ائمه جماعت تشکیل شود. انشاءالله کنگره‌ای از ائمه جماعت کشورهای اسلامی در آینده تشکیل شود و به برادران تذکر بدهیم که نماز جمعه يك امر تشریفاتی نیست بلکه اداره ملت و رهبری ملت به دست امام جمعه‌هاست.

بهتر است زیر نظر امام خمینی، مراکزی برای رسیدگی به شکایاتی که از ائمه جمعه می‌رسد تشکیل شود.

از ائمه جماعت خواهش می‌کنیم که برخوردشان با جوانها برخورد پدرانه باشد.

ائمه جمعه لازم نیست که کارهای اجرائی را هم خود انجام بدهند و به نظر می‌آید که اگر بتوانند بهتر است ائمه جمعه آن جنبه روحانی و هدایتی و رهبریشان را حفظ کنند و حتی المقدور امور اجرائی را به سایر ارگانها محول کنند.

سعی کنید حوزه علمیه منطقه خودتان را فعال کنید و از مطالب تفرقه‌انگیز بین شیعه و سنی در خطبه‌های نماز بپرهیزید و درباره مسائلی که اشتراك دارید صحبت کنید.

از ائمه جمعه در خارج از کشور می‌خواهیم که نظیر این سمینار را در کشورهای خود تشکیل دهند و انشاءالله این سمینارهای کوچک مبدل به يك کنگره جهانی شود و با تشکیل جلسات، تمام سوءتفاهمات نیز برطرف شود. ضمناً از ائمه جمعه کشورهای اسلامی که از انقلاب اسلامی حمایت کرده‌اند و حمله صدام به ایران را محکوم کرده‌اند تشکر می‌کنیم و چنانچه شنیده‌ایم عده‌ای از آنان در زندانها به سر می‌برند. بنا به خبر رسیده سه نفر از علمای عراق به اسامی شیخ محمد داود، ملا محمد و ملا شیخ صالح به‌خاطر حمایت از انقلاب اسلامی ایران در زندان یا تبعید رژیم بعث عراق هستند.

همچنین از همه شما ائمه جمعه می‌خواهیم به‌مناسبت فرارسیدن سالگرد صدور فرمان امام درمورد نهضت سوادآموزی خطابه‌های خود را در این هفته به این امر مهم اختصاص دهید.

در رابطه با فعالیت ائمه جمعه جهت کمک به امر سوادآموزی از سوی آقای فضل‌الله صلواتی سرپرست نهضت سوادآموزی پیامی تشکرآمیز برای سمینار ائمه جمعه سراسر کشور فرستاده

شد. این پیام را سرپرست نهضت سوادآموزی خطاب به آیت‌الله العظمی منتظری صادر کرده است. از این نظر شایسته است در این قسمت از کتاب آورده شود:

بسمه تعالی. محضر مبارک حضرت آیت‌الله العظمی منتظری زید عزه‌العالی. به طوری که خاطر آن جناب مستحضر است در روز هفتم دیماه سال قبل رهبر انقلاب اسلامی ایران حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی فرمائی صادر فرمودند و ضمن آن مردم را برای نهضت سوادآموزی دعوت کردند و اجازه فرمودند که همه باسوادها برای ریشه‌کن کردن بیسوادی قیام نمایند. مخصوصاً از ائمه جماعات شهرستانها و روستاها خواستند تا مردم را در مساجد و تکایا دعوت کنند، نوشتن و خواندن را به همه یاد دهند و منتظر اقدام دولت نباشند و در منازل شخصی اعضای باسواد خانواده، اعضای بیسواد را تعلیم کنند، و خوشبختانه در پیگیری این فرمان همه روحانیون عزیز مخصوصاً ائمه جمعه همکاری فرمودند و نهضت سوادآموزی را به نحو احسن یاری کردند. لذا از پیشگاه آن جناب تقاضا نمودیم که در سمینار ائمه جمعه سلام و تشکر ما را خدمت آن سروران ابلاغ فرموده و به مناسبت فرارسیدن سالروز صدور فرمان امام بخواهند تا در مناطق خویش ارشادهای لازم را جهت تشویق سوادآموزی براساس فرمان امام به عمل آورند و بخصوص از بیسوادان بخواهند که به عنوان يك وظیفه در کلاسهای نهضت سوادآموزی شرکت نمایند.

فضل الله صلواتی، سرپرست نهضت سوادآموزی

همچنین در پی تشکیل سمینار ائمه جمعه سراسر کشور در قم تلگرافی از سوی انجمن اسلامی دانشجویان و جامعه اسلامی دانشگاه اهواز و جهاد دانشگاهی استانهای خوزستان و لرستان به محضر فقیه عالیقدر حضرت آیت‌الله العظمی منتظری دامت برکاته مخابره شد که در آن گفته شده:

با اشاره به همبستگی و تشکل روحانیت که همواره سد نفوذناپذیری در برابر هجوم ابرقدرتهای شرق و غرب و فرهنگ استعماری و افکار انحرافی بوده و با یادآوری شرکت هرچه باشکوهتر برادران اهل تسنن در این تشکل که آن را سرآغاز وحدت اسلامی امت اسلام می‌دانیم، استمرار و گسترش این روند باعث تقویت جبهه اسلامی و گامی بزرگ در تحقق اهداف انقلاب اسلامی می‌باشد که امیدواریم به یاری خدا با وحدت و تشکل اسلامی تحت زعامت خمینی کبیر تحقق بخش آرمان و احکام الهی شود.

بالاخره پس از دو روز تبادل نظر و سخنرانی، قطعنامه عظیمترین و پرشکوهترین سمینار سراسری ائمه جمعه که در تاریخ اسلام کم‌نظیر بود توسط یکی از امامان جمعه قرائت شد که مواد این قطعنامه با تکبیر حاضرین مورد تأیید قرار گرفت. متن کامل قطعنامه سمینار دوروزه ائمه جمعه سراسر کشور چنین است:

بسم الله الرحمن الرحيم. ذالك و من يعظم شعائر الله فانها من تقوى القلوب... پیروزی انقلاب

اسلامی ایران به رهبری آیت‌الله‌العظمی امام خمینی مدظله‌العالی نوید صادقی بر احیاء سنتهای اصیل اسلامی بود و چادبُهِ گسترش شکوهمند نماز جمعه، این نماز عبادی-سیاسی-نظامی و بازآمدن محتوای غنی و مترقی آن در اجتماعات میلیونی روزهای جمعه از شکوفه‌های ثمربخش انقلاب اسلامی ملت ایران است. تشکیل سمینار دوروزه امامان جمعه در پایگاه قیام، شهر قم، نشان‌های از عمق تاثیر و کارایی پرتوان این نماز در متن توده‌های به‌پاخاسته ایران است. این سمینار که با شرکت صمیمانه ائمه جمعه (شیعی و سنی) و بنابه‌دعوت فقیه عالیقدر حضرت آیت‌الله منتظری دامه‌برکاته در روزهای دوشنبه و سه‌شنبه اول و دوم دیماه ۱۳۵۹ (مطابق با چهاردهم و پانزدهم صفرالمظفر ۱۴۰۱) در مدرسه فیضیه قم برگزار گردید، نخستین قدم برای تفاهم و هماهنگی هرچه بیشتر ائمه جمعه در سراسر کشور و مقدمه‌ای برای برپایی کنگره جهانی ائمه جمعه در آینده‌ای نه‌چندان دور بود. مواد زیر که نتیجه بحثهای دو روز این سمینار است به شرح زیر اعلام می‌گردد:

- ۱- نمازهای جمعه در قدم اول سنگرهای هفتگی هدایت افکار و ارشاد جامعه اسلامی برای تحقق آرمانهای توحیدی است و امامان جمعه از این سنت الهی برای تحکیم بنیادهای اعتقادی و اتمام مکارم اخلاقی و اعتلای مبانی فرهنگی و ارشاد سیاسی جامعه استفاده خواهند کرد.
- ۲- از آنجا که نماز جمعه رسالتی بزرگ و مسئولیتی الهی است و امام جمعه در هر منطقه باید الگویی از صلاحیتهای اخلاقی و نمودی از خط رهبری باشد امامان جمعه به‌عنوان وظیفه اصلی و تکلیف شرعی تهذیب و اصلاح خود و اطرافیان را برای اصلاحی گسترده‌تر سرلوحه همه برنامه‌ها قرار خواهند داد.
- ۳- ائمه جمعه در مراسم پرشکوه روزهای جمعه بازگوکننده ویژگیهای خط مکتب و رهبری ولایت فقیه و نگهبان دستاوردهای انقلاب اسلامی بوده و با همه جریانهای انحرافی کفر و شرک و نفاق بدون اغماض از اصول اسلام برخوردار قاطع و اسلامی خواهند کرد.
- ۴- امامان جمعه در منطقه نفوذ و فعالیت خود محورهایی برای سرعت بخشیدن و جهت دادن به همه حرکت‌های فرهنگی اسلامی بوده و در جهت بسیج و هماهنگی همه نیروهای فعال در این زمینه نقش مؤثری خواهند داشت.
- ۵- پایگاه اسلامی نماز جمعه با تکیه بر ضوابط اسلامی و طرد اصولی همه خطوط انحرافی و التقاطی، خاستگاه وحدت و تجلیگاه یکپارچگی همه نیروهای مؤمن به اصول اسلام و مبانی جمهوری اسلامی است و ائمه جمعه پاسداران و مروجان این وحدت اصولی بوده و آغوش مهربان آنها برای پذیرش همه معتقدان به اسلام و تمامی رهروان خط رهبری همیشه باز خواهد بود.
- ۶- ائمه جمعه با تأکید بر اهمیت فوق‌العاده نماز جمعه که در قرآن و سنت بازتاب چشمگیری دارد و با یادآوری توصیه‌های مکرر امام امت در مورد نماز جمعه همه توطئه‌ها و نقشه‌های خائثانه برای کوبیدن این سنگر دشمن شکن را محکوم نموده و از ملت رشید و آگاه ایران که در سرمای سخت زمستان و گرمای توانفرسای تابستان عظمت این نماز را حفظ کرده‌اند انتظار دارند

همچنان با شرکت یکپارچه خود همه آن توطئه‌ها را خنثی نمایند.

۷- ائمه جمعه باید با کوشش موعظه‌گراانه خود در حل مشکلات تلاش نموده و خواسته‌ها و مشکلات عمومی را به مسئولین امور یادآور شوند و از مسئولین نیز انتظار دارند که در حد امکانات برای رفع مشکلات اقدام کرده و در زمینه کمبود امکانات مردم را در جریان قرار دهند.

۸- ائمه جمعه که در این سمینار شرکت کرده‌اند سیاست عمیق خود را از امامان جمعه سایر کشورهای اسلامی که علیرغم همه مخاطرات و ناراحتیها موضع قاطع و اسلامی خود را در حمایت از انقلاب اسلامی ایران در جنگ تحمیلی کشور ایران و حزب مزدور و کافر بعثی عراق بیان داشتند ابراز می‌دارند.

۹- امامان جمعه با شرکت خود در این سمینار دو روزه مقدمات برپایی کنگره جهانی ائمه جمعه متعهد، از همه کشورهای اسلامی را طرح‌ریزی نموده و امیدوارند برای بررسی مشکلات همه مسلمانهای جهان و فراهم کردن زمینه‌های بسیج فکری و فرهنگی همه مستضعفین به منظور مقابله با کفر و استعمار جهانی و برای راهگشایی به سوی آزادی قدس عزیز و همه سرزمینهای اشغالی و حمایت از همه جنبشهای آزادیبخش اسلامی هرچه زودتر آن کنگره بزرگ و سراسری تشکیل گردد.

۱۰- ائمه جمعه با استقبال گرم و مثبت خود از برپایی این سمینار خواستار تشکیل سمینارهای مشابه و گسترده‌تر در هر چهار ماه یکبار با شرکت ائمه جمعه همه شهرها و روستاهای کشور در شهر قم می‌باشند.

۱۱- شرکت‌کنندگان با تأسیس دفتر مرکزی نماز جمعه در شهر قم برای ایجاد ارتباطهای لازم و ضروری بین ائمه جمعه و بررسی نقطه نظرها و پیشنهادات مردم ایران در زمینه نماز جمعه موافقت نمودند.

بعد از پایان دو روز سمینار، ائمه جمعه سراسر کشور به دیدار امام خمینی، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، هیئت دولت و شورای عالی قضائی رفتند. ضمناً در این دو روز با آیت‌الله العظمی گلپایگانی هم ملاقات کردند که آیت‌الله گلپایگانی ضمن ابراز مسرت از تشکیل این سمینار توصیه کرد که وحدت بین شیعه و سنی بیش از پیش بهتر و گسترده‌تر گردد.

نویسنده بر آن بود تا به اختصار ثمره پر بار این سمینار را برشمرد، اما در مجله پیام انقلاب، ارگان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، به گزارش گونه‌ای برخورد کردم که روادیدم به جای آن، این گزارش گونه را که ضمناً تصویری از زیبایی و صفای سمینار را نیز ترسیم کرده است، عیناً نقل کنم:

انقلاب اسلامی، علیرغم حملات بی‌امان دشمنان خود، هرروز شاهد تقاطع عطف و انقلاب در انقلابهایی است که بر استحکام، شدت و استمرار آن می‌افزاید.

معمولاً روحانیت را از نظر اجتماعی، طیف گسترده و کثیری از افراد روحانی می‌دانیم که در

اقصى نقاط مملکت پراکنده‌اند و هريك بنا به درك خود از «مکتب» و دين به رهبری و راهنمایی فکری و اجتماعی خلق مشغولند. روحانیت با این وصف، اگر چه دارای نظم و تشکیلات خاصی است که عمیقاً ویژه خود روحانیت است، اما در عین حال دارای انسجام کافی و ارتباط لازم بین آحاد کثیر روحانیت نبود. البته این واقعیت از يك سو مبتنی بر همان «نظم ویژه» دستگاه روحانیت اسلام و شیعه است که بر پایه اجتهاد و تقلید و بر محور حوزه‌های علمیه و مدرسین و مجتهدین آن قوام یافته است، و از سوی دیگر ناشی از جو خفقان رژیمهای استکباری ضد تشیع علوی و تسنن محمدی بود که مانعی برای ارتباط و همبستگی مطلوب به‌شمار می‌رفت. نمونه بارز این اختناق را در سالهای نه چندان دور و در رژیم ساقط شده پهلوی مشاهده کردیم که در مبارزه با روحانیت واقعی اسلام، از تهمت و افترا گرفته تا حبس و تبعید و شکنجه و قتل بهره می‌جست و ما روحانیون بسیاری را داریم که در این مسیر جان خود را از دست داده و به شهادت رسیدند. به‌رحال، امروز در همین رابطه با ابتکاری بس بزرگ مواجهیم که اگر دامنه و وسعت شمول، و شدت تأثیر چنین اقدامی را در زمینه‌های گوناگون به‌نظر بیاوریم، متوجه اهمیت فراوان آن خواهیم شد.

جریان امر به این صورت بود که در حدود يك هفته قبل فقیه گرامی آیت‌الله منتظری پیشنهاد کرد که سمیناری با شرکت امامهای نماز جمعه تمامی شهرستانهای ایران در قم تشکیل شود. این پیشنهاد بلافاصله از سوی ائمه نمازهای جمعه اجابت گردید و بدین طریق فصلی نو در تاریخ انقلاب اسلامی و تاریخ مبارزه روحانیت گشوده شد.

البته در سالهای پیشین نیز شاهد گرایشهایی از سوی روحانیت مبارز به سوی وحدت و انسجام بوده‌ایم که پیشنهاداتی از قبیل «مرجعیت شورایی» توسط افرادی چون شهید آیت‌الله مطهری از آن گونه است؛ اما هیچکدام از آنها شاید به درجه اهمیت چنین ابتکاری که اولین سمینارش را در روزهای اول و دوم دیماه دیدیم نباشد. بصورت خلاصه می‌توان به تأثیرات مهم چنین عملی اشاره کرد:

- ۱- پیشوایان نمازهای جمعه در نقطه‌های مختلف مملکت از مرجعیت و مقبولیت ویژه در بین سایر روحانیون آن مناطق برخوردارند. با گردهم‌آیی و ارتباط اینها که با آمال به تصمیم‌گیریهای مشترك و ظهور نظریه‌های واحد و همسو خواهد انجامید، روحانیت سراسر ایران خواهد توانست با هماهنگی و همگامی هر چه بیشتر، امت اسلامی را رهبری کند.
- ۲- پیشوایان نماز جمعه از مقبولیت بسیار در میان مردم برخوردار بوده و هر هفته خیل بی‌شماری از توده‌های مردم را به پای وعظ و سخنرانی خود می‌کشند، پس از این ائمه جمعه خواهند توانست با بیانی واحد، وحدت فکری مطلوب و مؤثر را در کشور ایجاد کنند.
- ۳- وحدت فکری همگانی که از این طریق به‌وجود می‌آید، در سمینارهای بعدی ائمه جمعه جمع‌بندی و بررسی شده و در راه حرکت‌های عظیم خلقی و بسیج‌های گسترده برای مبارزات اسلامی به‌کار خواهد رفت.

- ۴- از اهمیت ویژه این ابتکار، شرکت امامان جمعه از میان برادران اهل تسنن است. اگرچه سابقه چنین اقدامهایی را در تشکیل «دارالتقریب» داریم، ولی باتوجه به وقوع انقلاب ایران و توطئه‌های فراوان امپریالیسم که یکی از آنها نیز تبلیغ بی‌امان بر محور جدا ساختن برادران سنی و شیعه بود، می‌توانیم بگوییم که این سمینار مشتی محکم بردهان تفرقه‌افکنان بوده است.
- ۵- این ابتکار تأثیری عظیم در کشورهای اسلامی خواهد داشت. مسلماً دستگاههای خبرپرانی امپریالیستی و صهیونیستی، چنین خبر بزرگی را سانسور کرده و از درز آن به میان توده‌های مسلمان سایر کشورها جلوگیری خواهند کرد، ولی خبر چنین اتحادی و اینکه برادران ائمه جمعه شیعه و سنی علیرغم همه شایعه‌سازیه‌ها و نفاق‌افکنیه‌ها به‌صورت بسیار صمیمانه کنار هم نشسته و تبادل افکار کرده‌اند، زبان به زبان خواهد گشت و تأثیر خود را خواهد گذاشت.
- ۶- این اقدام، قدمی بسیار ضروری در راه به‌وجود آوردن هسته رهبری برای استمرار انقلاب است. امروز رهبریت انقلاب بزرگ اسلامی در ید باکفایت امام خمینی دام‌ظله است و تشکل «امام»‌های جمعه که نزدیکترین افراد به «مردم» اند راه رهبری مکتبی در آینده را هموار می‌کند.
- ۷- تشکیل چنین سمینارهایی از کسانی که در هر هفته لااقل طی دو خطبه خود با مردم حرف می‌زنند باعث خواهد شد که افکار انحرافی و جریان‌های ضدانقلابی و حرکتهای ضدانسانی بررسی و جمع‌بندی شده و به‌وسیله ائمه جمعه سریعاً در میان مردم افشاء شده و نابود شوند. در چنین صورتی مردم با آگاهی و هشیاری هرچه تمامتر با ضدانقلاب مبارزه خواهند کرد.
- ۸- با ارتباط ائمه جمعه از نقاط مختلف کشور، آشناییهای هر نقطه با نقطه دیگر افزایش پیدا کرده و مردم يك استان از احوالات برادران خود در استان دیگری بی‌خبر نخواهند ماند و این امر موجب کمکها و همیاریهای هرچه بیشتر و در نتیجه پیشرفت امور خواهد شد.

برای چنین اقدام بزرگی، موارد تأثیر دیگری می‌توان تصور کرد و همچنین می‌توان به ظهور تأثیرات دیگر آن در آینده مطمئن بود... اما بهتر است اندکی نیز به جریان تشکیل خود سمینار پردازیم.

سمینار چگونه بود؟...

تفاوتهای اساسی بین آنچه که دیدیم و بین چیزی که بنام «سمینار» در عرف جامعه وجود دارد به آسانی احساس می‌شود. محل سمینار «مدرسه فیضیه» بود که هر حضری را به یاد سابقه خونین و پرافتخار آن می‌انداخت و محل نشست، «کتابخانه» مدرسه بود که از صمیمیت و صفای ویژه‌ای برخوردار بود. از میز و صندلی اصولاً خبری نبود و دو تالار کوچک و بزرگ تودرتو که کتابخانه را هم دربر می‌گرفت به صورت مفروش برای برگزاری سمینار اختصاص داده بودند. آدمی با ورود به محل کتابخانه که در عین حال، هم مسجد بود و هم عبادتگاه و هم قرائتخانه و هم محل انس، خود را در محیطی بسیار صمیمی احساس می‌کرد که انگار در خانه خویش است. هرچه بود صفا بود و انس و آنچه نبود تربیون‌زدگی و میزگرفتگی و فشار کراوات. ساعت ۳ به

عنوان وقت شروع جلسه اعلام شده بود و ما ساعت ۲/۳۰ آنجا بودیم. به راحتی می‌توانستیم قیافه‌های برادران خود را که از نقاط مختلف کشور آمده بودند تشخیص دهیم. فارس و کرد و شمالی و بلوچ و مشهدی و ترک و جنوبی، همه بودند. در عین حال آدمی احساس می‌کرد که در میان دریایی از علم قدم برمی‌دارد و هر یک از قیافه‌های مختلف که بسیار صمیمانه کنار دیگری نشسته است، خود قطبی علمی به شمار می‌رود و هدایت و رهبری جمع بزرگی بر عهده اوست. حضور برادران اهل تسنن با قیافه و عمامه‌های خاص کاملاً مشخص بود و بسیار مایه خوشحالی و سرور می‌گردید.

کسان دیگری که احتمالاً همراهانی بودند که با ائمه جمعه از شهرستانها آمده بودند در گوشه و کنار دور هم جمع شده و مشغول مباحثه و گفتگو بودند و مطالبی سنت موجود خستگی خود را با خوردن يك استکان چای برطرف می‌کردند.

تنها قیافه‌های ناآشنا وجود پروژکتور (نورافکن)‌های قوی بود که برای فیلمبرداری از جلسه در چند گوشه کتابخانه تعبیه شده بود. آنطرفتر، يك دوربین فیلمبرداری «ویدئو» روبروی عکس بزرگی از امام خمینی که محل سخنرانی بود قرار داشت.

سرانجام ساعت شروع جلسه فرارسید و ائمه جمعه همگی در يك هیئت ساده و بی‌پیرایش و بدور از تبختر داخل شدند. و بودند پیشوایان جمعه‌ای که کرباسی از نوع زمخت و خشن را عبا کرده و بر دوش افکنده و خلقتیزین قیافه و مردمیترین شکل را داشتند. هر امامی که وارد می‌شد به دور از تشریفات و تعارفات، با سلامی، در اولین جای خالی که می‌جست، می‌نشست. جلسه به شیوه معمولی مساجد با نشستن دوش‌به‌دوش و تنگاتنگ حضار بود.

تلاوت قرآن، برای افتتاح جلسه، به‌وسیله یکی از ائمه جمعه شروع شد و در همین هنگام آیت‌الله منتظری با عجله از راهرو باریکی که در میان جمعیت بود خود را به محل استقرار هیئت رئیسه رسانید. با هر قدم فقیه بزرگ ائمه جمعه به‌پا می‌خاستند، اما آیت‌الله منتظری آهسته می‌گفت: به احترام قرآن بنشینید.

هیئت رئیسه تشکیل شده بود از آیت‌الله منتظری و آیت‌الله طاهری و آیت‌الله مشکینی و يك برادر از اهل تسنن که بسیار متین و صمیمی کنار هم نشسته بودند. سخنرانها از میان افرادی که اسم‌نویسی کرده بودند به قید قرعه انتخاب شده بودند. اولین سخنران از اهل سنت بود. آن برادر از اتحاد و اتفاق بین مسلمین و اینکه قرآن کریم قومیت را بعنوان ملاک ارزش نفی کرده سخن می‌گفت و این آیه را می‌خواند که «ان اکرمکم عندالله اتقیکم». سخنران بعدی آیت‌الله طاهری امام جمعه اصفهان بود که در موضوع «مشکلات موجود در برگزاری نمازهای جمعه» صحبت می‌کرد. او نیز بر همبستگی بیشتر ائمه جمعه تأکید می‌کرد و علاوه بر آن پیشنهادات ارزنده‌ای از قبیل تشکیل «لجنه» ائمه جماعت و نیز چاپ و پخش «ویژه‌نامه» نماز جمعه به سمینار داد. آیت‌الله طاهری به تأکید تمام از حضار می‌خواست که در مقابل جریانات انحرافی در جامعه «موضعگیری» کنند و آنها را افشا نمایند؛ اما در عین حال اضافه می‌نمود که این امر منافاتی با

دلجویی و ارشاد افراد فریب‌خورده از چنین جریاناتی ندارد.

پس از سخنرانی آقای طاهری، آیت‌الله منتظری، یکی از اعضای انجمن اسلامی دانشگاهیان^۱ را که به جلسه آمده بود دعوت کرد و او پشت میکروفون رفت و پیام انجمن را برای حضار قرائت کرد.

پس از آن، آیت‌الله منتظری از آیت‌الله مدنی امام جمعه تبریز درخواست کرد که پشت میکروفون بیایند و کمی صحبت کنند. آیت‌الله مدنی که همیشه از تواضع و افتادگی خاصی برخوردارند ابتدا عذرخواهی کردند، اما آقای منتظری درخواست خود را تکرار کرد و گفت: از آیت‌الله مدنی تقاضا داریم که خواهش آقایان را اجابت کنند. آیت‌الله مدنی به‌پا خاست و در میان احترام همگان پشت میکروفون رفت و با متانت ویژه خود شروع به سخن کرد. لحن خاص و گیرای او حضار را تحت‌تأثیر قرار داده بود و همگی سراپا گوش بودند.

پس از پایان سخنرانی آیت‌الله مدنی، از طرف هیئت‌رئیس قطننامه سمینار به یکی از آقایان داده شد و او پشت میکروفون رفت و آن را قرائت کرد.

پس از قرائت قطننامه، نماز جماعت به امامت آیت‌الله مشکینی برگزار شد و در پایان اعلام شد که ائمه جمعه فردا (سوم دی) به حضور امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی خواهند رسید و از بیانات و راهنمایی‌های ایشان استفاده خواهند کرد و سپس به مجلس شورای اسلامی رفته و با نمایندگان مجلس و اعضای دولت و ارگانهای انقلابی دیدار خواهند کرد.^۲

و بدین طریق سمینار پایان یافت.

نزدیک به هشتاد روز از برگزاری سمینار سراسری ائمه جمعه ایران گذشته بود که اولین سمینار ائمه جمعه استان مرکزی و تهران تشکیل گردید. در این سمینار هم که از اهمیت خاصی برخوردار بود آیت‌الله منتظری امام جمعه قم و آیت‌الله مشکینی حضور داشتند. مدت سمینار ائمه جمعه استان مرکزی و تهران دو روز بود: بیست‌ودوم و بیست‌وسوم اسفند ماه. حضرت آیت‌الله منتظری در این سمینار پس از خیر مقدم سخنانی ایراد کرد که خلاصه‌ای از آن را در این‌جا نقل می‌کنیم.

به عنوان سمینار، ما آیه و حدیثی نداریم و بهتر است سمینار را جلسه مشورت بنامیم. همچنان که خداوند می‌فرماید «وامرهم شوری‌بینهم» یکی از صفات مؤمنین این است که در امور مشورت دارند؛ همچنان که خداوند به پیامبر اکرم (ص) که خود عقل کل بود دستور می‌دهد مشورت کن. شاید پیغمبر اکرم (ص) احتیاج به مشورت نداشته باشد، ولی این برای آن بوده است که مشورت را به مسلمانان پیام‌ور و هر کس مستقلاً و مستبدانه صحبت نکند و از عقول دیگران هم استفاده کند، همانطور که از بیانات حضرت علی (ع) در نهج‌البلاغه [بر می‌آید] که می‌فرماید «اگر انسان با

۱- دکتر اسرافیلیان رئیس دانشکده علم و صنعت ایران.

۲- پیام انقلاب شماره ۲۳. از: ع. فتح‌آبادی.

دیگران مشورت کند، از عقل دیگران استفاده کرده است و مشورت کردن به بزرگ و کوچکی نیست»، باید از نظرات همراستفاده کرد. ما اسم این جلسه را جلسه مشورت ائمه جمعه دو استان می‌گذاریم و راجع به گرفتاریهایی که داریم، مشورت می‌کنیم. توجه دارند آقایان، نماز جمعه از اول تشکل مسلمانان وجود داشته و پیغمبر اکرم (ص) در مکه در اثر اینکه مشرکین مبارزه با اسلام می‌کردند، مسلمانان مجبور به مهاجرت به حبشه شدند و اجازه اجتماع به پیغمبر و مسلمانان نمی‌دادند؛ ولی جوّ مدینه مساعد برای تشکل و اجتماع بود. لذا هفتاد نفری که با پیغمبر (ص) بیعت کرده بودند، در مدینه نماز جمعه تشکیل دادند و اولین نماز جمعه با چهل نفر شروع شد و بعد پیغمبر اکرم (ص) که به مدینه هجرت کرد در مسجد جمعه با شرکت صد نفر به نماز جمعه ایستادند و این اول نماز جمعه با شرکت پیغمبر اکرم (ص) بود. پس تشکل مسلمانان با نماز جمعه شروع شد و مسلمانان برای تشکل بایستی به اجتماع نماز جمعه خیلی اهمیت بدهند. حال که انقلاب اسلامی شده، شیاطین داخلی و خارجی دست از سر ما بر نمی‌دارند و مشغول توطئه هستند و تنها سنگر مبارزه با توطئه‌ها همین نماز جمعه است و شیاطین وابسته به آمریکا و شوروی توطئه‌هایی که ظرف هفته می‌کنند، ائمه جمعه می‌توانند در مورد توطئه‌ها مردم را ارشاد و هدایت کنند و با يك خطبه غرا آن توطئه‌ها را خنثی نمایند. نماز جمعه برکتش خیلی زیاد است و شما مؤمنین نکاتی را باید توجه داشته باشید که توطئه‌های ایام هفته به واسطه اقامه نماز جمعه خنثی شود. همچنین شما بایستی توجه خاص به قشر جوان داشته باشید، چون گروهها تبلیغات سوء می‌کنند و آنها دارای روحیه سرسخت و عصیان می‌باشند و لازم است قشر جوان را جذب کنیم و آنها را از خودمان طرد نکنیم، و ما در مقابل بد آنها بد نکنیم و امام جمعه به منزله پدر مهربان باید دوستانه با آنها حرف زده و مسائلی را که فکر جوانان را باز می‌کند در نماز جمعه مطرح کنیم و ایرادهای سپاه پاسداران و دادگاهها و جهاد سازندگی و سایر ارگانها را با زبان خوش مطرح کنیم. من به شما پاسداران می‌گویم نباید نظم را به هم بزنید و بزور زمین را مصادره کنید و یا به خانه کسی بریزند. بدانید که شما فقط يك قوة اجرائیه هستید. و ما می‌دانیم که شما همه کارهای مثبت هم انجام می‌دهید و ائمه جمعه بایستی از کار پاسداران تجلیل به عمل آورند و ما باید در مورد این جوانها قوة جاذبه‌مان بیشتر باشد. ایراد ما این است که کارهای مثبت و خوب اشخاص را نادیده می‌گیریم و فقط نقطه ضعفها را در نظر می‌گیریم. چرا نقطه‌های مثبت اشخاص را در نظر نمی‌گیریم! همانطور که سپاه پاسداران و جهاد سازندگی و دیگر علما در خیلی از مناطق کارهای مفید بسیار انجام داده‌اند و ما همه بالاخره لباسمان لباس روحانیت است و باید سعی کنیم کارهایمان به نفع اسلام و ارشاد مردم باشد و سعی نکنیم با در نظر گرفتن نقطه‌های منفی همدیگر را خرد کنیم؛ و این سپاه پاسداران است که اینهمه در جبهه‌ها شهید می‌شوند و می‌جنگند. پس نباید با آنها با بی‌مهری رفتار کنیم. البته اشکالاتی هم دارند که باید مخلصانه با آنها در میان بگذاریم، همانطور که با بچه‌هایمان با زبان خوش و دوستانه رفتار می‌کنیم و بعد با مهربانی اشکالات و نقطه ضعفها را از بین ببریم. شما ائمه جمعه با عصیانیت با ملت روبرو نشوید و جوری

باشد که مردم از صحبت‌های شما ارشاد شوند و با زبان خود مردم با آنها سخن بگویند و سعی کنید قشر جوان را داشته باشید، نه به چهار تا پیرزن و پیرمرد قناعت کنید. همانطور که در عصرهای پنجشنبه ما در قم با رؤسای ارگانها و فرماندار و شهردار و دادگاههای انقلاب جلسه داریم و بسیاری از مشکلات را مطرح و در آن جلسه حل می‌کنیم، لازم است که چنین جلساتی هم شما در شهرهایتان داشته باشید.

موضوعی پیشنهاد شده که شنیده‌ایم در کشورهای اسلامی علیه ما تبلیغات بسیار می‌شود و بهتر است هر دولتی نماینده‌ای بفرستد تا ما در اینجا جنایات صدام را به آنها نشان دهیم. و من پیشنهاد کردم به جای این کار از علماء و ائمه جماعت کشورها دعوت کنیم تا بتوانیم به عنوان کنگره‌ای از ائمه جماعت دیگر کشورها دعوت کنیم تا به این افراد، جنایات صدام را در شهرهای خودمان نشان دهیم. زیرا اینها بهتر می‌توانند این جنایات را برای مردمشان تشریح کنند. همچنانکه من شنیده‌ام صحبت‌های آقای خامنه‌ای را در نماز جمعه که به زبان عربی است در عربستان سعودی مردم از ترس در ماشینهایشان به سخنان او گوش داده‌اند.

این سمینار که به تعبیر آیت‌الله منتظری جلسه مشورت ائمه جمعه بود، عصر روز ۲۳ اسفند ماه ۵۹ با نتایج مثبت و به ویژه «طرح دعوت از ائمه جماعت کشورهای اسلامی جهت تشکیل کنگره ارائه جنایات صدام» پایان یافت.

سخن گفتن از زندگی يك مرد بزرگ، کاری است که از هر کجا شروع کنی به پایان نمی‌رسد و چه بسا پیرامون ابعاد مختلف شخصیت يك انسان، به ویژه اگر وی، هم مرد سیاست باشد هم مرد مذهب و علم، کتابها نوشته شود باز جای سخن گفتن باقی است.

می‌خواستم در این کتاب، بعد علمی آیت‌الله منتظری را از زبان يك استاد، يك هم‌تراز و يك شاگردش بیان کنم، که تاکنون بجز اظهار نظر یکی از شاگردانش^۱ موفق به دریافت نظرات دیگران نشده‌ام.

اگر در اینجا این زندگینامه را پایان می‌دهم، امیدم این است که بتوانم با جمع‌آوری نظرات شخصیتهای ذیصلاح، آنچه پیرامون ابعاد دیگری از وجود آیت‌الله منتظری گرد آمد، برای استفاده مسلمانان و دوستداران وی منتشر سازم.

۱- حجت‌الاسلام قربانعلی ذری نجف‌آبادی، نماینده مردم اردل چهار محال و بختیاری در اولین دوره مجلس شورای اسلامی.

۳

نظرها

وقتی سخن از زندگی مردی بزرگ همچون آیت‌الله منتظری به میان می‌آید، بدون شك بررسی دیدگاه‌های اجتماعی-سیاسی وی جای ویژه‌ای را در زندگیمانم او خواهد داشت. با مروری کوتاه بر آثار تدوین یافته از خطبه‌های نماز جمعه، مصاحبه‌ها و پیامهای آیت‌الله منتظری، مطالبی را یافته‌ایم که به عنوان نقطه نظرهای وی در این بخش از کتاب نقل می‌کنیم. این نقطه نظرها شامل همه نظرات آیت‌الله منتظری در زمینه‌های مختلف نیست، بلکه فقط گوشه‌ای از حرفهای فراوان این مجاهد بزرگوار است.

بدیهی است هیچ يك از بخشهای این کتاب (و جزوات دیگری که تاکنون از سخنان ایشان و درباره ایشان منتشر شده است) خالی از دیدگاههای آیت‌الله منتظری نیست، اما برای تسهیل در استفاده ارباب رجوع، در این بخش به دسته‌بندی نقطه نظرهای این مجاهد بزرگ به حسب موضوعات مطروحه در جامعه انقلابی و اسلامی امروز پرداخته‌ایم - موضوعاتی به شرح زیر: اقتصاد اسلامی، جهاد، کشاورزی، کار و کارگر، رهبری امام خمینی، وحدت، جنبشهای آزادیبخش، امپریالیسم، گروهها، رادیو تلویزیون و مطبوعات، نیروهای نظامی و انتظامی. باشد که به انتشار همه آنچه از آیت‌الله منتظری شنیده و خوانده‌ایم توفیق یابیم.

اقتصاد اسلامی

«نظام اقتصاد اسلامی، نظامی کامل و جامع است که در هر عصر و زمان قابل پیاده شدن است؛ خصوصاً در زمان ما. این نظام باید به کمک نیروی ایمان توده‌های مسلمان و استمرار انقلاب اسلامی و همت دولت و ملت جمهوری اسلامی پیاده شود.

نظام اقتصاد اسلامی نه سیستم کاپیتالیسم (سرمایه داری خصوصی) است و نه سیستم سوسیالیسم (سرمایه‌داری دولتی) و نه مخلوطی از این دو تا است. اقتصاد اسلامی نظامی مستقل است بر اساس مالکیت مطلقه خدا بر همه چیز. این نظام بر موازین قسط و رعایت

حقوق همه افراد استوار شده است. بدین منظور ما باید خود تولید کننده‌ی مایحتاج خویش باشیم و بر اساس موازین زیر تولید کنیم:

۱- اول آن چیزهایی باید تولید شود که برای حفظ حیات و سلامت و فعالیت‌های مادی و معنوی انسان واجب و ضروری است و سپس نیازهایی را باید برآورده سازیم که صالح و سالم باشد و موجب کمال و تعالی مادی و معنوی انسان شود. باید به تولید کالا و خدمات حلال و طیب و مفید پردازیم و از تولید کالا و خدمات حرام و مفسد و مضر و لهدو و بیهوده جلوگیری کنیم. کالا و خدماتی باید تولید و عرضه شود که همگان، خصوصاً مستضعفان، بدان نیازمندند و از تولید و عرضه کالا و خدماتی که تنها مخصوص طبقه مترفین است باید جلوگیری کرد.

۲- میزان تولید باید به اندازه کفاف عامه مردم باشد به طوری که نه کمیابی ایجاد گردد و نه پربایی و نه اسراف: از هر چیز باید آنقدر تولید و عرضه شود که نیازهای راستین مردم را کاملاً اشباع کند به طوری که همه مردم بدون استثناء از داشتن معیشت در حد کفایت برخوردار باشند و کسی دچار مضیقه و فقر نباشد و بدین منظور باید کالا و خدمات با قیمت عادلانه به دست همه برسد و همه بتوانند با داشتن درآمد مشروع و مکفی نیازهای خویش را برآورند و باید از وجوه توزیع ظالمانه جلوگیری شود.

۳- اقتصاد اسلامی هرگونه استثمار را به هر شکل از بین می‌برد. اسلام می‌گوید هر کس به اندازه قدرتش باید کار کند و دسترنج هر فرد از آن او باشد و حاصل کار هر کس باید به خودش باز گردد؛ نه اینکه طبقه‌ای دیگر دسترنج آنان را غصب نمایند. بدین منظور باید شرایط مساوی برای کار کردن همه افراد فراهم گردد و حق هر کس را به طور کامل به خودش داد.

۴- اساس مالکیت در اسلام اصل خدا مالکی است. مالکیت مطلق از آن خداست و مالکیت‌های دیگر امانتی است که خداوند به امام و امت سپرده است تا در مسیر قسط و تأمین نیازهای همگان به کار برند. موارد ذیل در مالکیت عمومی بوده و پایه اصلی مالکیت را در اقتصاد اسلامی بنا می‌کند.

منابع طبیعی بر اساس اصل انفال در مالکیت عمومی است که عبارت است از زمینهای موات و یا زمینهایی که به حال خود رها شده‌اند و زمینهای خراب شده و هر زمین بی‌صاحب. بر اساس اقتصاد اسلامی زمین در اختیار کسانی قرار می‌گیرد که بر روی آن کار می‌کنند و هر کس زمینی را به کار نگیرد از او گرفته خواهد شد. معادن روی زمینی و زیر زمینی، جنگل‌ها و بیشه‌ها، نیزارها، قلعه کوهها، صحراها و اندرون آنها، رودخانه‌ها و دریاها، همچنین اموال زیر جزو انفال محسوب می‌گردد: آنچه از شاهان باقی مانده است، هر مال بی‌صاحب و یا مجهول‌المالک، ارث بی‌وارث، غنائم جنگی، اموال نفیس گران بهای بازمانده از دشمن، اراضی‌ای که به دولت اسلامی واگذار شده است. اموال مذکور باید زیر نظر دولت حقه اسلامی در مصالح عمومی صرف شود و هیچ کس حق ندارد قسمتی را به خود اختصاص دهد. همچنین زمینهای مفتوحه و موقوفات عامه از اموال عمومی است.

۵- مالکیت فردی در اسلام به صورت مطلق نیست. بلکه همواره جامعه در منافع ناشی از مالکیت افراد شریک است و دولت بدین منظور مالیاتهایی به نام خمس و زکوة و غیره به نفع عموم از اموال و درآمدها مطالبه می‌کند. بنابراین شکل مالکیت فردی در اسلام به صورت مالکیت خصوصی - عمومی است. از آن گذشته مالکیت فردی از نظر کیفی محدود است. زیرا انفال و سایر موارد فوق‌الذکر در مالکیت فردی در نمی‌آیند و همچنین اسلام وظیفه دارد که از اختلاف فاحش درآمدها جلوگیری نماید و بدین منظور ولی امر می‌تواند در هر زمان حداکثری اصولی تعیین نماید. مالکیت بنابر اصل «لاضرر و لااضرار» محدود شده است به مواردی که مستقیم یا غیر مستقیم زبانی به جامعه نرساند و یا موجب استثمار افراد دیگر نگردد.

مالکیت از نظر کمی هم محدود است؛ زیرا تکاثر و تجمع اموال و کنز و انحصار ثروت در طبقه‌ای خاص حرام است و دولت برای ثروت افراد حدودی تعیین می‌کند. از نظر حق تصمیم‌گیری در مالکیت فردی نیز افراد محدودند و خداوند حدودی را تعیین نموده است که در محدوده آن حدود افراد می‌توانند در اموالشان تصرف کنند و این حدود، حدودی است که مایه تکامل فرد و تأمین مصالح همگان است. همچنین بنابر اصل «ولایت»، امام می‌تواند در موارد لازم در جهت تأمین نیازهای جامعه در مورد اموال افراد تصمیم بگیرد. ولایت امام در اموال ضامن حفظ اسلامیت نظام اقتصادی و حافظ مصالح امت است و بدین ترتیب همواره مالکیت فردی نیز در جهت منافع عموم به کار می‌رود.

۶- با در نظر گرفتن نظام اقتصاد اسلامی و ضرورت پیاده کردن آن در شرایط کنونی، جامعه ما نیازمند یک انقلاب اقتصادی است. تمامی نهادها و ضوابط و روابط فاسد سرمایه‌داری و شبه سرمایه‌داری و استثماراری باید از بین برود و کلیه ضوابط و روابط اسلامی بر تولید و مبادله و بازار و توزیع و مصرف حاکم گردد. رباخواری باید از بانکهای کشور جمهوری اسلامی برداشته شود. رباخواری موجب می‌شود که به جای اینکه سرمایه‌ها به جریان تولید افتاده همه مردم کار و فعالیت نمایند، عده‌ای به رباخواری پرداخته بدون فعالیت تولیدی دیگران را استثمار کنند و به تن‌پروری و فساد و تباهی اشتغال ورزند. سیستم مبادله و نظام بازار غیر اسلامی است.

باید سیستم توزیع کالا و نظام بازار تغییر یابد و بازار اسلامی گردد.

کشاورزی باید احیاء شود و به دنبال جهاد سازندگی باید کشاورزی آغاز گردد.

ملت باید بداند که برای حفظ دست‌آوردهای انقلاب باید استقلال اقتصادی داشته باشد. همه نیروهای انسانی را باید آموزش دهیم و به کار اندازیم تا کشور از هر جهت خود کفا شود و نیاز اقتصادی و انسانی به کشورهای دیگر نداشته باشیم، همچنین بیکاری را در هر شکل و صورت از بین ببریم. اقتصاد کشور باید بر اساس اسلام رشد کند و هماهنگ با انقلاب و رشد اقتصادی، انقلاب فرهنگی و اخلاقی نیز باید به گونه‌ای صورت گیرد و تعالی یابد که در آینده جامعه‌ای بر اساس برادری و مساوات ایجاد کنیم - جامعه‌ای که همه در کنار هم برادروار اقتصاد خویش را بر

جهاد در اسلام

«اقسام جهاد در اسلام: يك وقتی است که دشمن حمله می‌کند و بر هستی ملت مسلمان می‌تازد - یا از جهت کشور گشایی، یا بردن ذخایر و از بین بردن استقلال کشور و از این قبیل. در اینجا همه باید دفاع کنند و فرقی در این جا بین زن و مرد نیست. همه باید دفاع کنند. این را می‌گویند دفاع و این مشروط به شرطی نیست. دو قسم جهاد دیگر داریم. يك قسم جهاد است که بخواهند کفار را مسلمان سازند؛ نه کشور گشایی بلکه می‌خواهند دعوت به اسلام بکنند. باید اول دعوت به اسلام بکنند؛ اگر پذیرفتند با آنها کاری ندارند؛ اگر نپذیرفتند آنوقت مسأله جهاد و جزیه مطرح می‌شود. البته آن مشروط به اذن امام است. در زمان غیبت امام، آیا فقیه عادل می‌تواند این دستور را بدهد یا نه، بحث جداگانه‌ایست که در ققه بایستی وارد آن شد که آیا فقیه عادل، مجتهد عادل می‌تواند جهاد ابتدائی بکند یا نه؟ فعلاً نمی‌خواهیم وارد آن شویم. بعضی از علماء گفته‌اند که فقط امام می‌تواند انجام دهد، بعضی گفته‌اند فقیه عادل نیز، همانطور که در اخذ حقوق شرعیه در حکومت، نایب امام است، در اینجا هم نایب امام است و می‌تواند با نیابت امام انجام دهد. مثلاً در فلان کشوری که مردمش نامسلمانند بنا به مصالح اسلامی و اینکه در آنجا اعتقادات توحیدی عمل نمی‌شود، می‌توانیم برای اجراء توحید اول دعوت کنیم و اگر نپذیرفتند دعوت را، آنوقت جهاد کنیم. این بحثی است که جهاد ابتدایی آیا باید به اذن امام باشد یا نه؟ این بحث فقهی است و ما متعرض آن نمی‌شویم. يك جهاد دیگر آنجایی است که ملتی یا گروهی علیه حکومت حق طغیان بکنند. اگر چنانچه ملتی علیه استقلال کشور اسلام یا علیه اسلام و مسلمانان قیام کردند ولو مسلمان باشند باید با آنها جنگ کرد، چه رسد اگر کافر باشند و ضد خدا. اگر ضد خدا باشند به طریق اولی. اگر مسلمانان طغیان کردند علیه حکومت حق با اینکه مسلمانند بایستی از کشور دفاع کرد و با آنها جنگ کرد مگر اینکه توبه کنند و برگردند که اگر توبه کردند و برگشتند، آنها را رها می‌کنیم و کارشان نداریم. در سوره حجرات آیه ۹ «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا - اگر دو دسته و گروه از مؤمنین با هم جنگ داشتند، بینشان را اصلاح کنید - فَإِنْ بَغَتْ أَحَدِيَهُمَا عَلَى الْأُخْرَى - اگر یکی بر دیگری طغیان کرد و ستم نمود - فَاقْتُلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ - بجنگید با آن گروهی که ستم کرده و بکشید آنها را تا اینکه برگردد به طرف راست و دستور خدا.»

در روایات یکی از مصادیق این آیه را جنگ بصره ذکر کرده‌اند. در جنگ بصره (جنگ جمل) عایشه ام المؤمنین بود و طلحه و زبیر هم بودند که از شخصیت‌های اسلام بودند؛ اما علیه حکومت علی که حق بود طغیان کرده بودند. حضرت علی با اینها جنگ کرد و عجیب است که در خطبه

۱۷۱ حضرت علی جمله مهم و جالبی دارد... می‌فرماید: «فوالله لولم یصیبوا من المسلمین الارجالاً واحداً معتمدین لقتله بلا جرم جره لحل لی قتل ذالک الجیش کله اذحضره فلم ینکروا ولم یدفعوا عنه بلسان ولایید - به خدا قسم اگر چنانچه این لشکر (که به رهبری عایشه و طلحه و زبیر که مسلمان هم بودند) فقط یک نفر از مردم مسلمان بی‌گناه بصره را کشته بودند برای من حلال بود که همه این ارتشیان را بکشم چونکه آن کس که کشته، دیگران هم ایستاده‌اند و با این قصد آمده‌اند که مسلمانان را بکشند. چون آمده‌اند برای کشتن مسلمانان ولو یک نفر بیشتر هم کشته نشده ولی حضرت می‌فرماید حلال بود که همه افراد دیگر لشکر را بکشم. برای اینکه حاضر بودند و دفاع نکرده‌اند و مانع نشده‌اند.» حالا چه رسد به اینکه اینها در کردستان برادران مسلمان ما را در کردستان تند تند بکشند. بایستی دفاع کرد. در موقع دفاع اگر همه افراد دشمن هم کشته شوند بشوند.» (نشریه بسیج. تیرماه ۵۹).

کشاورزی

«این را اجمالاً من می‌دانم که من کشاورز زاده‌ام و خودم در کشاورزی با پدرم شرکت می‌کردم. می‌فهمم که چقدر این کشاورزان صدمه می‌خورند، چقدر تحت فشار زندگی می‌کنند. این کشاورزان، کارگران نیاز کشور را باید برطرف کنند، این کشاورزان، این کارگران، باید گندم تولید کنند، برنج تولید کنند، پنبه تولید کنند. بجای اینکه وزارت کشاورزی برود پول به آنها قرض بدهد، گندمش را گرانتر بخرد. چرا، وقتی که پول به آنها قرض دادید، آدمهای خوب با این پول می‌روند مشهد و آدمهای بد هم می‌روند برای عروسی پسر یا دخترشان مطرب می‌آورند. این گندمی که تولید کرده اگر کیلویی هجده ریال از او بخری برایش صرف ندارد. وقتی برایش صرف نداشت دیگر نمی‌کارد. وقتی نکاشت می‌آید به شهر برای عملگی، آنوقت بدبخت می‌شود، شهرها هم بزرگ می‌شوند و دهات خالی.

باید گندم تولیدی کشاورز را به قیمتی که برایش صرف بکند از او خرید و مایحتاج او را مطابق آنچه که به شهری داده می‌شود، به تهرانی داده می‌شود، به او داد.

بدین صورت که آقای کشاورز گندم تو را کیلویی بیست و پنج ریال می‌خریم و چون به تهرانی کیلویی پانزده ریال می‌فروشیم، تو هم شناسنامه زن و بچه‌ات را بیاور و مطابق مصرف خانواده‌ات گندم کیلویی پانزده ریال بخر. تا وقتی چنین نکنیم دامداری و کشاورزی مملکت فلج است. من توی کشاورزی هستم، وقتی صرف ندارد نمی‌کارد. اگر می‌خواهید کشاورز روی پای خود بایستد و خودکفا باشد باید محصول کشاورزان را به قیمت خوب خرید و به آنها کمک کرد. ابزار تولید برایشان فراهم کنیم، چاه برایشان بزنیم، کمباین برایشان تهیه کنیم. پول به آنها دادن فایده ندارد، محصولش را خوب بخرید. خرج سالش را هم کمکش کنید. نه اینکه تهران نان کیلویی پانزده ریال باشد و توی ده کیلویی چهل پنجاه ریال؛ تهران گوشت کیلویی پانزده تومان، توی روستا کیلویی هفتاد تومان. خوب، معلوم است که هر دهاتی ده را ترک می‌کند و

می‌آید توی شهر و کشور هم آباد نمی‌شود، این را برای چندمین بار گفتم. امیدوارم انشاءالله عمل کنند. این يك واقعیتی است که آن را درك می‌کنم.» (۱۶ خرداد ۵۹. خطبه نماز جمعه).

«بر وزارت کشاورزی است که به جای کمکهای نقدی به کشاورزان که معمولاً کمتر به مصرف توسعه کشاورزی می‌رسد و یا بی رویه مصرف می‌نمایند، امکانات کشاورزی از قبیل آب، تراکتور و وسایل برای آنها تهیه کند و برای توسعه دامداری دام زنده وارد کند و بین کشاورزان و روستائیان به عنوان وام توزیع نماید و این امر از بزرگترین وظایف دولت انقلابی است و در درجه اول اهمیت قرار دارد و بویژه مناطق زلزله‌زده و یا سیل‌زده از این جهت بیشتر باید مورد توجه واقع شود.» (پیام بمناسبت روز جمهوری اسلامی. ۵۹/۱/۱۰).

«ملت همه به فکر کار اداری نباشند، به فکر کشاورزی، به فکر دامداری باشند. تا مادامی که از نظر مواد احتیاجی، مواد اولیه، محتاج و نیازمند باشیم دست‌گدایی‌مان پیش ابرقدرتها دراز است. اگر می‌خواهید وابستگی اقتصادی نباشد، دردرجه اول مواد غذایی مورد احتیاج را باید تولید کرد. یعنی چه، ایران با این وسعت گندم از رومانی بیاورد؟ ایران چند برابر فرانسه است. فرانسه گندم تولید می‌کند، صادر می‌کند، مواد غذایی را صادر می‌کند. ما مواد غذایی را وارد می‌کنیم؛ گوشت از استرالیا و زلاندنو، گندم هم از آمریکا و رومانی! این خجالت دارد... هرچه ما گفتیم گوسفند زنده بیاورید و به کشاورزان وام بدهید تا کم‌کم وضع دامداریمان توسعه پیدا کند گوش ندادند. حرفی که می‌زنند استدلالشان این است: می‌گویند اگر از کشاورز جنس را گران بخریم، آنوقت تورم ایجاد می‌شود. تورم ایجاد می‌شود یعنی چه؟ می‌گویند کشاورز پول پیدا می‌کند، می‌آید توی بازار می‌خواهد یخچال بخرد، آنوقت یخچال کم می‌شود، خوب، به درك! اگر یخچال کم بشود! چرا آدمی که توی بازار و یا توی اداره است، دو تا سه تا یخچال داشته باشد و کشاورزها يك یخچال کوچک نداشته باشند؟ آخر این را کی گفته؟ یخچال نیست، تو هم نخر. این کشاورز، این روستایی، حال یخچال نه، پارچه ارزان برای زن و بچه‌اش می‌خواهد بخرد پول می‌خواهد، بره دوماهه را از ناچاری می‌فروشد، برای اینکه آبرویش را پیش زن و بچه‌اش حفظ کند؛ برای اینکه بچه‌اش مریض است. اینهم حرف شد که اگر بخواهیم به کشاورزان کمک کنیم تورم پیدا می‌شود؟ آنوقت پولشان توی بازار می‌آید، خوب بیاید تو بازار، کاری کنی خودش نیاید به تهران، برود سراغ کشت و زرع تا کشور آباد بشود. این امر ضروری است.» (۵۹/۳/۲۳. خطبه نماز جمعه).

«وظیفه کشاورزان کشت گندم بوده است، اما نمی‌توانند همه‌اش را جمع کنند. عده‌ای از دشمنان هستند که می‌خواهند خرمنهای آنها را آتش بزنند، می‌خواهند نگذارند این گندمها برسد به دست ملت. لذا بر همه مردم لازم است در هر شهرستانی ملت بسیج شوند و با فعالیت

پشتکار کمک کنند. برآستی باید به کشاورزان کمک کرد. باید چنان به کشاورزان کمک کرد تا بتوانند محصولاتشان را به خوبی جمع‌آوری کنند. کشاورزان هم خرمشان را رها نکنند و بروند. ممکن است دشمن خرمشان را آتش بزند. یک سال زحمت کشیده‌ای، ده روز از آن حفاظت کن. چند نفر را پیدا کنید به آنها حقوق بدهید تا از گندمهایتان محافظت کنند. این یک امر ضروری و لازم است.» (۵۹/۴/۶. خطبه نماز جمعه).

«از کشاورزان محترم تقاضا می‌شود ضمن اینکه در توسعه کشاورزی و دامداری کوشش می‌نمایند و بدین وسیله دین خودشان را به اسلام و کشور ادا می‌کنند از دستبرد و تصرف در اموال عمومی و سرمایه‌های ملی کشور از قبیل مراتع و جنگلها پرهیز نمایند.»

کار و کارگر

«سلام من به همه کارگران و مستضعفین جهان که بار زندگی بر دوش آنهاست و چرخ زندگی به وسیله کوشش و فعالیتهای پیگیر و بی‌دریغ آنها می‌چرخد. سلام من به همه کارگران مبارز و مجاهدی که در تمام اعصار رژیمهای طاغوتی و ظلم و فساد به وسیله آنها سرنگون می‌شده است و نقش مؤثری در واژگون کردن رژیمهای فاسد داشتند. سلام من به کارگران مبارز و مجاهد کشور عزیزمان ایران که در این انقلاب اخیر نقش مؤثر و بسزائی داشتند در واژگون کردن رژیم طاغوت پهلوی.»

کارگران اند که مورد نیاز دیگران هستند. دیگران به کارگران احتیاج دارند و در اسلام این اندازه که از کار تشویق و ترویج شده است از هیچ موضوع دیگری این اندازه ترویج نشده است. اول توجه داشته باشید که کار اساس و پایه اقتصاد در اسلام است. یعنی به این معنا چون کار محصول و بازده نیروها و فعالیتهای جسمی و فکری من است کار من به من وابسته است. چون به من وابسته است بازده کار و محصول کار متعلق به من است. اگر در اسلام مالکیت خصوصی قائلیم بدین معناست که مالکیت خصوصی برای این که آن محصول و بازده کار من، این به من وابسته است. اساس اقتصاد اسلام این است. اقتصاد اسلام اقتصادی است بین سرمایه‌داری به مفهوم غربی که مطلق است و آزاد، و بین کمونیسم. یک امری است بینابین.

به قدری کار در نظر اسلام اهمیت دارد که در حدیثی از امام موسی بن جعفر است که کارگر را در ردیف مجاهد فی سبیل الله حساب می‌کند. می‌فرماید کسی که رزق بکند از راه حلال برای اینکه خود و عیالش را اداره کند مانند کسی است که در راه خدا جهاد کرده است. کارگران خیلی مورد احترام ما هستند و مورد احترام اسلام هستند. قرآن می‌فرماید برای انسان آنچه سعی و کوشش می‌کند آن مال انسان است. یعنی رقبه زمین مال تو نیست؛ آنچه کار کردی، کار تو، مال توست. پیغمبر اکرم فرمود ملعون است کسی که بار زندگی‌اش را به دوش دیگران می‌اندازد. حضرت علی (ع) در خطبه ۲۳۲ نهج البلاغه می‌فرماید آنچه دسترنج اشخاص است

برای دهان خودشان است؛ مربوط به دیگران نیست. اگر شما بخواهید دسترنج دیگران را به زور به دست بیاورید این استثمار است و از نظر اسلام يك چنین چیزی مطرود است. پس بنابراین کارگران محترمند.

توصیه‌ای که من به کارگران، دهقانان، صنعتگران دارم این است که توجه داشته باشند اسلام حامی آنهاست. پیش از همه اسلام از آنها حمایت کرده است و... گول نخورند، کسانی که دارند به اسم کارگران حرفهایی می‌زنند و تبلیغاتی می‌کنند. کارگران و دهقانان عزیز و کشاورزان عزیز ما احتیاجی به قیم ندارند. قیمشان خدا است. قیمشان پیغمبر اکرم و حضرت علی (ع) است و حامی آنها اسلام است. زیر پرچم اسلام پیش بردند و زیر پرچم اسلام، در این نهضت کارگران و کشاورزان و همه طبقات نقش مؤثری داشتند....

کارگران و دهقانان عزیز، به شما توصیه می‌کنم که گول تبلیغات سوء را نخورید. کسانی که به اسم شما می‌خواهند سنگی به سینه بزنند و می‌گویند ما حامی کارگران هستیم، از ایادی شرق و غرب، آنها حامی شما نیستند. بیش از همه، ۱۴۰۰ سال پیش، اسلام از کارگران و مستضعفین حمایت کرده است و به نقش کارگران اهمیت داده است.» (پیام به مناسبت روز کارگر. ۵۸/۲/۱۲).

«اقتصاد اسلامی هرگونه استثمار را به هر شکل از بین می‌برد. اسلام می‌گوید هرکس به اندازه قدرتش باید کار کند و دسترنج هر فرد از آن او بوده است. و حاصل کار هرکس باید به خودش باز گردد. نه اینکه طبقه‌ای کار کنند و زحمت بکشند و طبقه دیگر دسترنج آنان را غصب نمایند. بدین منظور باید شرایط مساوی برای کارگران با همه افراد فراهم گردد و حق هرکس را به طور کامل به خودش داد.» (پیام به سمینار بررسی مسائل اقتصادی. ۵۸/۵/۲۸).

«کارگران مسلمان، شما که همیشه با الهام از اسلام اصیل هوشیارانه در مقابل توطئه‌های ضد انقلاب ایستاده و با دست توانای پینه بسته خود به این کشور و ملت خدمت کرده‌اید، بدانید که مورد توجه پیغمبر اکرم و ائمه معصومین سلام الله علیهم اجمعین بوده و هستید. چنانچه از پیغمبر اکرم نقل شده: من این دستهای پینه بسته را دوست دارم. و فرمود: کسی که از جهت خستگی کار بخواهد مورد بخشش خداست. و امیرالمؤمنین علی (ع) فرمود: خدا کارگر امین را دوست دارد. و از حضرت موسی بن جعفر (ع) نقل شده: هر کس روزی حلال طلب کند تا خود و عیال خود را تأمین کند همچون کسی است که در راه خدا جهاد کند.

کارگران عزیز، هرچند در رژیم سابق به کارگران و کشاورزان و زحمتکشان کشور بیش از همه اقشار ملت ظلم شده است و پس از انقلاب نیز متأسفانه در اثر خرابیها و نابسامانیهای زیاد، مسئولین امر نتوانسته‌اند آنها را جبران کنند ولی امیدواریم به خواست خدا و با یاری خود شما آثار این ظلم و ستمها در کوتاهترین مدت برطرف گردد و بیش از همه حقوق کارگران و کشاورزان

مورد توجه دولت اسلامی واقع شود. امید است با کار و کوشش پی‌گیر شما و تشکیل ارتش بیست‌میلیونی کشور ایران از هر جهت خودکفا شود و نه تنها توطئه‌های شرق و غرب در ایران خنثی شود بلکه بتوانیم به کمک و یاری سایر برادران و خواهران مسلمان و مستضعف خود در سایر کشورها بشتابیم.» (پیام به کنگره سراسری شورای اسلامی کارخانجات ایران. ۵۸/۱۱/۲۵).

«صاحبان کارخانه‌ها و مؤسسات به فکر کارگران و خانواده‌های فقیر و گرفتار آنها باشند و تنها منافع مادی خویش را در نظر نگیرند و توجه داشته باشند که اسلام با استثمار کارگران و تزییع حقوق آنان مخالف است و کارگران نیز با فعالیت و کوشش بیشتر اقتصاد کشور را شکوفاتر نمایند و از سستی و تنبلی و کارشکنی پرهیز نمایند.» (پیام به ملت مسلمان ایران. ۵۷/۱۲/۲۷).

رهبری امام خمینی

«برادران عزیز، در طول پنجاه سال گذشته استبداد سیاه که روحانیت و همه آزادیخواهان در ایران مورد هجوم و وحشیانه عوامل خاندان ننگین پهلوی بودند، کشته می‌دادند و اسارت و شکنجه را تحمل می‌کردند، آیا جز برای آن بود که منابع کشور و عقاید ملت مسلمان در حال غارت شدن بود؟ و مگر نه این است که رهبر ملت ایران برای دفاع از حیثیت و شرافت و استقلال این کشور و به جرم اعتراض به تصویب قانون ننگین کاپیتولاسیون از کشور خود به خارج تبعید شد؟ ...»

امید است با یکپارچگی و تشکل همه جانبه ملت و ارتش به زودی پرچم جمهوری عدل اسلامی به رهبری آیت‌الله العظمی خمینی در ایران به اهتزاز درآید تا همگی با فراست کامل و برخوردار از امکانات موجود برای اجرای قوانین عادلانه اسلامی در کشور خود بکوشیم. از خداوند متعال سربلندی و شرافت و استقلال ارتش ایران را خواستارم.» (پیام به ارتش. ۵۷/۱۱/۱۰).

«ملت مسلمان براساس پیروی از آیات عظام و علماء اعلام بویژه مرجع عظیم الشان حضرت آیت‌الله آقای خمینی مدظله‌العالی، در راه گسستن زنجیرهای استبداد و استعمار و نیل به آزادی و استقلال در پرتو حکومت اسلامی مصمم و قاطع است و در این مسیر که مسیر انبیاء عظام و ائمه اطهار علیهم‌السلام است، از دادن قربانیها و تحمل خسارات مالی و جانی هر قدر لازم باشد دریغ ندارد.» (پیام به روحانیون نجف‌آباد. ۵۷/۸/۲۴).

«ملت شریف و آگاه ایران، برادران و خواهران مسلمان، ایدهم‌الله تعالی. انقلاب اسلامی شکوهمند شما که با فداکاریهای مادی و معنوی و خون پاک عزیزانتان به رهبری حضرت آیت‌الله

العظمی امام خمینی مدظله علیرغم کارشکنیهای غرب و شرق به پیروزی رسید اکنون در مرحلهٔ حساس قرار گرفته. ولی آگاهی و رشد سیاسی شما ملت بود که تمام توطئه‌ها و نیرنگها و تلاشهای عمال استعمار شرق و غرب را خنثی کرد. و...» (پیام در آستانهٔ انتخابات مجلس شورای اسلامی. ۵۸/۱۲/۲۱).

«من به رهبر انقلاب که شاگرد ایشان هستم چند جمله‌ای جسورانه و صریح به صورت خطاب عرض می‌کنم: رهبر کبیر انقلاب، حضرت عالی در این دو سه سخنرانی اخیرتان به انقلاب ما جان تازه‌ای دادید.^۱ در حقیقت انقلابی در انقلاب بود و ملت مسلمان و مبارز و رشید ایران در هر فرصتی حمایت خودشان را از خطوط رهبر انقلاب اعلام کرده‌اند. امروز هم ملت مسلمان ایران در میتینگهایی که در شهرستانها همه جا برپا شد حمایت و پشتیبانی خود را از رهبر انقلاب اعلام کردند. من که شاگرد رهبر انقلاب هستم از طرف ایشان از همهٔ شما ملت مبارز و قهرمان تشکر می‌کنم....»

این ملتی که در هر فرصت با راهپیماییها پشتیبانی خودش را از رهبر انقلاب اعلام کرده، خواسته‌اش از رهبر انقلاب این است (در هر وزارتخانه و در هر استانداری يك نمایندهٔ مورد اعتماد قرار داده شود). خداوندا، وجود رهبر انقلاب را از همهٔ خطرهای سماوی و ارضی محفوظ فرما. خدایا وجودش را برای ما حفظ فرما. خدایا به ایشان نیرو و قدرت عنایت فرما تا بتواند ما را هدایت کند.» (۵۹/۴/۶. خطبه‌های نماز جمعه).

«ملت رشید ایران به رهبری زعیم بزرگ حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی مدظله، این امانت بزرگ خدا در زمین، این حلقوم همیشه رزمنده و فریادگر اسلام، رسالت تداوم پیروزی انقلاب را با تمام وجود خویش دنبال می‌کند و بر عموم مسلمین واجب است راه پر افتخار این زعیم عالیقدر اسلام را تعقیب نماید.» (پیام در آستانهٔ تشکیل مجلس شورای اسلامی. ۵۸/۱۲/۲۰).

۱- امام خمینی اواخر خرداد و اوایل تیرماه ۵۹ دو سخنرانی تاریخی در ارتباط با وضع اسفناک ادارات دولتی و شاهنشاهی بودن آنها و همچنین در افشای چهرهٔ منافقانهٔ اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران ایراد نمودند.

وحدت

«ملت مسلمان ایران باید صفوف خود را بیش از پیش فشرده و متحد نمایند و به عناصر حیثاً فریب‌خورده و مزدور اجازه ندهد تا به بهانه‌های واهی و پوچ درجهه متحد آنان رخنه نمایند.» (پیام به مناسبت کشتار مردم در شهرهای ایران قبل از پیروزی انقلاب).

«حفظ و ابقای دستاوردهای انقلاب و نوسازی کشور براساس اسلام و عدالت، با بیداری و هوشیاری و اتحاد و هماهنگی و همبستگی شما ملت آگاه تأمین می‌شود. زیرا کوچکترین اشتباه و غفلت و یا اعمال نظرهای شخصی و دامن زدن به اختلاف‌های صنفی و محلی و عشیره‌ای قدمی است به طرف شکست انقلاب و پیروزی دشمن شکست خورده. بیایید همه با هم برای خدا و وجدان و آبروی اسلام و ملت از هواهای نفسانی و اغراض شخصی صرف‌نظر کنیم و به آنچه صلاح ملت و کشور است بیندیشیم.» (پیام به ملت مسلمان در تاریخ ۵۷/۱۲/۲۷).

«پیوندتان را محکم کنید که دشمنان شما برای از میان بردن شما و انقلابتان سخت با هم متحد گردیده‌اند. شما که همه در خط اسلامید و محور همه تلاشتان خدا و اسلام است و رهبری انقلاب را از جان و دل پذیرا شده‌اید اگر دست به دست هم ندهید و اگر برآستی و جدیت برنخیزید طولی نخواهد کشید که دشمن بر شما و هستی شما چیره خواهد شد. شما عزیزان بدانید که با اتحاد و هشیاری و پیروی از خط اسلام و رهبری قاطعانه انقلاب، هیچگاه چیزی را از دست نخواهید داد. شما با هم باشید و با هم تصمیم بگیرید و با تلاش همگانی مشکلات را فیصله دهید که دست خدا با جماعت است.» (پیام به سمینار وحدت دانشجویان مسلمان. ۵۸/۶/۲۵).

«آنچه در پیروزی ما نقش حساس داشت عامل وحدت و یکپارچگی بود، چیزی که دشمن هرگز فکر آن را نمی‌کرد، که در واقع سنگ‌بنای انقلاب بود؛ و دیگری رهبری صحیح و قاطع امام خمینی که در طول رهبری مستمر انقلاب به صورت یک جریان فکری و عملی هدایت‌کننده و خط مشی تداوم انقلاب درآمد است. در این رابطه به تمام گروه‌های مذهبی که خود را مسئول ادامه انقلاب دانسته‌اند پیشنهاد می‌شود که کلیه اختلافات گروهی را کنار گذاشته و همگی در یک خط واحد که دارای ویژگیهای مکتب رهبر انقلاب باشد، رسالت انقلاب خود را انجام دهند. چه آنکه شکی نیست با تشکل همه نیروها در یک مسیر زودتر به اهداف فرهنگی و اجتماعی سمینارها می‌رسیم.» (پیام به سمینار دانشسراهای اصفهان. ۵۸/۷/۴).

«آنچه رمز پیروزی شما ملت بود که بر طاغوت زمان با آنهمه عده و غده پیروز شدید، رمز موفقیت شما، اتحاد و همبستگی شما بود. این اتحاد و همبستگی را حفظ کنید. این اختلافات

گروهی که گروهی برای خود راهی را می‌پیماید و شعار جدایی دارد، این سبب می‌شود که ما شکست بخوریم و دشمن استفاده کند. اتحاد و همبستگی را حفظ کنید. راهی که مرحوم طالقانی و رهبر ما طی می‌کنند شما ادامه دهید. پیروزی ما وقتی است که اسلام در همه کشورهای اسلامی پیاده شود.» (اولین نماز جمعه تهران. ۵۸/۶/۲۳).

«شما ملت قهرمان ایران بودید که دست در دست هم یکپارچه و متحد با دست خالی به جنگ با طاغوت رفتید و سرانجام حکومت طاغوتی ۲۵۰۰ ساله را سرنگون ساختید. این اتحاد و اتفاق شما که سرانجام رژیم دست‌نشانده و وابسته را ساقط کرد، آنچنان مهم و خارق‌العاده بود که چشم همه جهانیان، خاصه دشمنان ما را خیره کرد. تجمع يك‌يك شما چونان قطرات آب که پس از جمع شدن بر روی هم به نهر تبدیل می‌شود و نهرها پس از پیوستن به هم چون شطی خروشان و توفنده می‌گردند، به رود و دریایی عظیم بدل گردید که سرانجام تاروپود دشمن از هم گسست و طاغوت بزرگ را ساقط کرد.... وحدت و همبستگی شما ملت است که می‌تواند خنثی‌کننده توطئه‌ها و دسایس دشمنان انقلاب باشد و سبب شود که سیر انقلاب همچنان ادامه یابد.» (خطبه نماز جمعه. ۵۸/۸/۴).

«آنچه در مراحل حساس قبل و بعد از انقلاب در شکوفایی و آهنگ سریع آن عامل چشمگیری بود همانا ایمان به خدا و وحدت نیروهای اصیل و پیروزی از رهبری قاطع روحانیت متعهد و آگاه، خصوصاً حضرت آیت‌الله‌العظمی امام خمینی بود. آری این عوامل بود که تمام توطئه‌های نفاق‌افکن دشمن را که از پیش سازمان داده شده بود خنثی کرد. اکنون هم ما برای به‌ثمر رساندن کامل انقلاب و عدم سقوط در دام دشمنان امت اسلامی، به همین عوامل نیاز داریم. پس باید همه نیروهای اصیل به یکدیگر پیوندند و دور يك محور جمع شوند و از نقاط ضعف یکدیگر که خواهی نخواهی افراد بشر بدان گرفتارند چشم‌پوشی کنند و به‌جای خنثی کردن نیروهای یکدیگر و جنگ داخلی مکمل و متمم یکدیگر باشند، زیرا تشست و اختلاف ما رمز شکست ما و پیروزی دشمن خواهد بود. و اعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا.» (پیام به کنگره انقلاب اسلامی. ۵۸/۱۱/۲۶).

«علی(ع) در وصیت آخرشان می‌فرماید که پیغمبر اکرم نظرش این بود که: صلاح ذات‌البین افضل من عامة الصيام والصلوة - یعنی باهم رفیق بودن، متحد بودن، وحدت و هماهنگی داشتن، افضل است از همه نماز و روزه‌ها. عامه دو معنی دارد. یکی معنای «همه» است، یکی معنای «عمومی» دارد، درمقابل خصوصی. پس وحدت، یا از همه نماز و روزه‌ها بهتر است، یا اینکه از نماز و روزه‌های عمومی که به‌جای می‌آورد. باهم رفیق باشید، برادر باشید، کدورتها را کنار بگذارید.» (خطبه نماز جمعه. ۵۹/۳/۹).

جنبشهای آزادیبخش

«دولت و ملت ایران باید تا آنجا که می‌توانند به چنین جنبشهای آزادیخواهانه کمکهای مادی و معنوی بکنند. لازم است وظایف انقلابی خود را انجام دهند و بویژه در برابر انقلاب فلسطین بیش از پیش باید احساس مسئولیت و همدردی بکنند. بردولت اسلامی ایران است که تمام پیمانهای سیاسی و نظامی استعماری را خود ملغی کرده و ارسال نفت را هرچه زودتر از کشوری که در حال جنگ با مسلمین داخل آن است قطع نماید و به‌جای آن به ملت‌های به‌پاخاسته بویژه ملت قهرمان فلسطین که هم‌اکنون در جنوب لبنان و جاهای دیگر زیر بمبهای نابالم و خوشه‌ای اسرائیل به جهاد خود ادامه می‌دهد کمک کنند و راضی نشوند انقلاب اسلامی ما با آن بهاء‌گران که ملت داده است در دنیا بی‌آبرو گردد.» (پیام به‌مناسبت روز قدس. ۵۸/۵/۲۲).

«هنگامی که می‌بینیم امپریالیسم جهانی و دست‌پرورده‌اش صهیونیسم در فلسطین، فیلیپین، اریتره، افغانستان و... مرتکب فجیعترین جنایات در حق میلیون‌ها زن و مرد و کودک مسلمان می‌گردد، هنگامی که می‌بینیم ابرقدرتها علی‌رغم تضادهای مکتبی و سیاسی در یک پیمان دسته‌جمعی بر ضد خلقهای زیر ستم موضع گرفته و حصار نظامی، سیاسی و فرهنگی را به دور محرومین تنگتر می‌سازند، هنگامی که می‌بینیم سازمانهای جاسوسی سیا، موساد، کا. گ. ب. و تفاله‌های طاغوتی برای لوٹ کردن و خنثی کردن جنبشهای آزادیبخش ملل مستضعف دست به رسواترین بازیهای سیاسی و نیرنگهای ابلیسی زده و هنگامی که... چگونه می‌توان در مقابل این فجایع سکوت نمود و یک جامعه انقلابی چگونه می‌تواند آوای دردآور مستضعفین و محرومین و منکوبین را که قربانی زور و زر و تزویر حکومت‌های ضدانسانی گشته‌اند نشنود و نشورد و به ندای آسمانی قرآن (قاتلوا المشرکین کافه کما یقاتلونکم کافه) لبیک نگوید. از این رو وظیفه شرعی هر مسلمانی است که حتی‌المقدور در تقویت بنیه مادی و معنوی دیگر برادران مبارز انقلابی خود در گوشه و کنار جهان بکوشد و اجازه ندهد بنیان انقلاب اسلامی در برابر ارتشهای مزدور و سازمانهای جاسوسی و پیمانهای منطقه‌ای متلاشی گردد. مقام رهبری بارها این مسئولیت خطیر را به دولتها و ملت‌های اسلام گوشزد نموده و آنان را از عواقب وخیم مسامحه‌کاری و غفلت و بی‌تفاوتی در امداد مسلمین برحذر داشته و خصوصاً در اعلام روز قدس، مبانی و مواضع انقلاب اسلامی خویش را به‌وسعت کل تاریخ و جهان وسعت بخشند و مطمئن باشند که سرانجام حق بر باطل پیروز است.

دولت موقت اسلامی نیز موظف خواهد بود تسهیلات لازم را جهت امداد و کمک‌رسانی به ملل مستضعف در اختیار برادران و خواهران اسلامی خود قرار دهد. بدین منظور اینجانب به‌دنبال مراجعات و خواست عده‌ای از برادران و خواهران مبارز مؤکداً پیشنهاد می‌کنم شماره حساب ۷۱۰۰ در بانک ملی ایران به مبارزان مسلمان و مستضعف جهان اسلام اختصاص یابد و از عموم برادران و خواهرانی که قلبشان به عشق و آزادی مسلمانان از یوغ ظلم و استبداد و طغیان

می‌تپد دعوت می‌نمایم رسالت خون شهدا را تکمیل و در این جهاد مقدس مالی به‌منظور امداد و کمک‌رسانی به نهضت‌های رهایی‌بخش ملل محروم مسلمان شرکت فعال نموده و هر کس به اندازهٔ تمکن مالی و استطاعت خویش پول به این حساب واریز نمایند. توفیق همگان را در راه پیروزی اسلام در سطح جهانی از خداوند بزرگ خواستاریم.» (پیام به ملت ایران در حمایت از جنبش‌های آزادیبخش جهان. ۵۸/۶/۵).

«روزی که ملت ستمدیدهٔ ما با فریاد الله‌اکبر برای ویران کردن کاخهای ظلم و استبداد و نابودی استعمار و استثمار به‌استقبال مرگ و شهادت و محرومیت می‌رفت تا با پیروزی بر امپریالیسم آمریکا زمینهٔ پیروزی انقلاب فلسطین و کلیهٔ مبارزات ملل محروم را فراهم سازد، به صلابت و استواری و پایداری شما رزمندگان سلحشور که ادامه‌دهندگان بحق نهضت مستضعفین هستید ایمان داشت و به‌همین دلیل امروز نیز که شما زندانیان پاک‌باخته سخت‌ترین لحظات را زیر شکنجه‌های مأمورین خونخوار رژیم صهیونیستی اسرائیل می‌گذرانید، ملت ایران از اعماق قلب خونین خود به شما درود می‌فرستد و در غم و رنج شما شریک بوده اقدام شجاعانه و قاطعانهٔ شما را تأیید و پایه‌پای شما تا پیروزی نهایی و آزادی فلسطین گام برمی‌دارد... اکنون که به‌پاخاسته‌اید مقاومت کنید و از تهدید و ارباب و مانورهای ریاکارانهٔ امپریالیسم جهانی و صهیونیسم بین‌المللی نهراسید و جز به قدرت خدای قهار و ارادهٔ خلل‌ناپذیر ملت مسلمان فلسطین و خلق‌های مستضعف و محروم جهان امید نبندید که افسانهٔ حقوق بشر دامی است بر سر راه آزادیخواهان دریند و توجیهی بر جنایات آدمکشان قرن بیستم. خدا با شماست و دست میلیون‌ها مسلمان انقلابی ایران به همراهتان.» (پیام به زندانیان فلسطین. ۵۸/۷/۲۲).

«هان ای سران نهضت‌های آزادیبخش جهان، این انقلاب پرتوان و خروشندهٔ ما با تمام دستاوردها و تجربیاتش در کنار شماست. از شیوه‌های اصیل امامت و رهبری قاطع و سازش‌ناپذیر پیشوای انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی آموزش یابید. از موضعگیری انقلاب بزرگ ما در طول سالهایی که بر آن گذشت تا به پیروزی رسید بهره‌گیرید. ای نهضت‌های رهایی‌بخش معاصر، الله را همچون پشتوانه‌ای مطمئن و نیروبخش در مبارزات خویش از یاد نبرید و ملت‌های محروم و دربند را بسان يك نیروگاه لایزال قدرت حقیقی محترم بدارید و خون و شهادت را همچون سلاحی برنده‌تر از هر سلاحی در مکتب انقلابی خویش ارج نهید و با شرح صدر نسبت به آنچه در این جهان مادی می‌گذرد افق‌های جنبش مردمی خود را هرچه بیشتر توسعه دهید و هرگز به معادلات سیاسی امپریالیسم و هدف‌های زودگذر سازش و تسلیم تن درندهید. با وحدت و یکپارچگی از تهدیدهای پوچ ابرقدرتها نهراسید و راهی را که در پیش گرفته‌اید تا مقصد نهایی و پیروزی کامل انسان بر استعمار در تمام اشکالش و حاکمیت مستضعفین بر زمین خدا در همهٔ پهنه‌ها و صحنه‌ها ادامه دهید.» (پیام به سمینار جنبش‌های آزادیبخش جهان در ایران. ۵۸/۱۰/۲۰).

«متأسفانه مشکلات داخلی کشور پس از انقلاب به ما اجازه نداد تا بطور همه‌جانبه نهضت‌های آزادیبخش مستضعفین را تقویت و پشتیبانی نماییم. حمایت سیاسی و فکری تنها مثمرثمر نیست و لازم است قاطعانه در همهٔ صحنه‌ها خط انقلاب فکری اسلامی و قیام همهٔ مستضعفین را علیه مستکبرین در جهان کنونی تقویت کنیم. آری این است مسئولیتی که خدا و وجدان بر عهدهٔ ما گذاشته است.» (پیام در آستانهٔ تشکیل مجلس شورای اسلامی به‌مناسبت هفتهٔ پزشکی. ۵۸/۱۲/۳۰).

«پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران چشم امید همهٔ جنبش‌های رهایی‌بخش اسلامی و مستضعفین جهان به ایران دوخته شده و از ملت قهرمان ایران انتظار حمایت‌های مادی و معنوی دارند و نوعاً به ایران می‌آیند و با سردی دولت و ملت مواجه می‌شوند لذا بر دولت و ملت ایران است که روزهای گرفتاری و بدبختی خود را به یاد آورند و به‌شکرانهٔ نعمت آزادی با آغوش باز آنان را پذیرا شوند و در رفع کمبودهای آنان به مقدار امکان کوشش نمایند.» (پیام به‌مناسبت روز جمهوری اسلامی. ۵۹/۱/۱۰).

«همان‌طور که رهبر انقلاب بارها فرموده‌اند، اسلام حامی مستضعفین است و جمهوری اسلامی ایران وظیفه دارد از همهٔ نهضت‌های آزادیبخش حمایت کند و ما مردم ایران از نهضت انقلابی مردم ایرلند علیه پیراستعمارگر انگلیس حمایت می‌کنیم و جا دارد در مردن بانی‌سازندز بیش از همه پاپ و مجامع کاتولیک جهان اظهار تنفر از انگلستان بکنند ولی نمی‌دانم چرا آن‌چو که بایستی عمل کنند، نکرده‌اند.» (خطبهٔ نماز جمعه. ۶۰/۲/۱۸).

مقابله با امپریالیسم

«به‌خدای بزرگ سوگند یاد می‌کنیم تا آخرین قطرهٔ خون خود در راه خنثی کردن توطئه‌های استعمارگران شرق و غرب بالخصوص آمریکا و ازپای درآوردن غول نظامی-اقتصادی-سیاسی حاکم بر جهان از پای ننشینیم.» (پیام به‌مناسبت آغاز پانزدهمین قرن هجرت. ۵۸/۸/۲۸).

«قدرت‌های استعمارگر جهانی بخصوص آمریکا پس از سقوط رژیم شاه، منافع سیاسی، اقتصادی، نظامی و سوق‌الجیشی خود را در منطقه از دست داده‌اند و از این‌رو توسط پیمان‌های نظامی (ناتو - ورشو) و عوامل جاسوسی و مزدوران راست‌گرا و چپ‌گرا می‌کوشند تا انقلاب پیروزمند اسلامی ما را محاصره کرده و دولت‌های مزدور خود را در منطقه تقویت و فریاد مستضعفین را در گلو خفه سازند. براین اساس تلاش می‌کنند وحدت کلمهٔ ملت مسلمان ایران را که یکی از عمده‌ترین عوامل پیروزی بر طاغوت بود با ترویج فرقه‌گرایی و ایجاد درگیری‌های

موضوعی متلاشی ساخته و از انعکاس حرکت انقلابی اسلام در عمق جهان جلوگیری به عمل آورند.» (پیام به مناسبت روز همبستگی مسلمانان. ۵۸/۴/۲۵).

«این زمان که فضل و مشیت الهی و قاطعیت و تدبیر مقام رهبری و فداکاری ملت قهرمان و مسلمان ایران فراهم گشته، باید تمام امکانات و قدرتها و زمینها و نیروهای گوناگون را در برابر این قدرتها و استعمار جنایتکار آمریکا و صهیونیسم غارتگر بسیج نمود.» (پیام به ملت ایران در حمایت از جنبشهای آزادیبخش. ۵۸/۶/۵).

«امروز تباری چپ و ارتجاع در منطقه نمایانگر نقش شیطانی مثلث شوم کاپیتالیسم، صهیونیسم و کمونیسم است و این بافت خطرناک تداومی است از نقشه‌های ابلیسی ساواک که سالهای متمادی پنجه‌های خولینش را به گلوئی مردم مستضعف و مبارز آن دیار (خوزستان) فرو برده بود. نخستین پدیده استعمار در کنار فقر و بی‌فرهنگی که در آن استان به دست به‌خون آغشته رژیم پهلوی پدید آمد تضاد ناسیونالیستی عرب و عجم است - همان واقعیت تلخی که در بسیاری از کشورهای اسلامی زیر پوششهای دیگر دست‌آویز جهانخواران و استعمارگران اروپایی بود.» (پیام به مردم خوزستان. ۵۸/۴/۲۶).

«امیرالیسم درمانده و ناکام به‌دست گروههای مزدور داخلی و دولتهای وابسته منطقه و با کمک عوامل امنیتی و اطلاعاتی خود می‌خواهد کمربندی از توطئه و وحشت و اضطراب پیرامون ایران به‌وجود آورد تا شما در آن سوی خط و ما در این سوی مرز تماشاگر ناتوان رویدادهای غم‌انگیز و یأس‌آور باشیم.»

دانشجویان عزیز. باید این نهال خطرناک را از بیخ و بن برکنیم و حلقه به‌اصطلاح محاصره را نه از راههای دیپلماتیک و سیاست‌بازی بلکه با پرخاشهای خداگونه و انقلابی و افشاگریهای قاطعانه بشکنیم و به طراحان و تئوریسینهای امنیتی و خرابکاری نشان دهیم که هنوز دلها به‌یاد خدا می‌تپد و خروش ایمان از حلقوم محرومین نیفتاده و قدرت توانبخش الله بر هر قدرتی پیروز است.» (پیام به اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان در اروپا. ۵۸/۷/۲۸).

«ما ضمن اینکه آمریکا و صهیونیسم را دشمن شماره یک بشریت و اسلام دانسته و خود را برای مبارزه با آن آماده می‌سازیم، محال است نسبت به اهانتی که به استقلال سیاسی ملت برادر افغانستان شده، سکوت نماییم...» (پیام به مناسبت کودتای شوروی در افغانستان. ۵۸/۱۰/۱۰).

سؤال: پرچم آمریکا را در برابر سفارت آمریکا پاره کردند. آیا این دلیل قطع رابطه نخواهد

شد؟

«قهری است. وقتی که آمریکا ملت ایران را عصبانی کردند نباید توقع داشته باشیم که ملت جواب آنها را بدهد؟ دولت آمریکا حق ندارد در امور يك كشوری دخالت كند و عصبانی شدن ملت ایران هم منشاء آن آمریکا بوده است.» (مصاحبه با مجله شهید. ۵۸/۳/۴).

«من تعجب می‌کنم از کشورهای عربی با اینهمه ثروت و مکتبی که دارند، اینها تا امروز حریف اسرائیل نشده‌اند و همچنان زیر سلطه آمریکا هستند. آمریکا نفت آنها را می‌برد و همچنان بر آنان آقایی می‌کند. کشورهای اسلامی مال و ثروت فراوان دارند؛ نفت و مخازن و سایر منابع درآمد در اختیارشان است؛ ولی همچنان توسری خور و زیردست هستند. اگر يك روز نفت ممالک عربی به اروپا یا آمریکا بسته شود آمریکا و اروپا متزلزل می‌شوند. آمریکا به مسلمانان احتیاج دارد؛ به نفت و مخازن و دیگر منابع مسلمانان نیازمند است. يك میلیارد مسلمان در ممالک عربی هستند و با اینهمه مال و منالی که دارند هرگز از پس آمریکا برنیامده‌اند و در مقابل سه میلیون اسرائیلی، پست و زیبون شده‌اند. ملت ما هرگز با ملت آمریکا جنگ ندارد؛ ما با دولت آمریکا مخالفیم.» (نماز جمعه. ۵۸/۸/۱۸).

«با آنکه انقلابمان پیروز شد و مردم ما... نبرد تازه‌ای علیه این جهانخوار بزرگ را شروع کرده‌اند، هنوز عده‌ای هستند که آیه یأس می‌خوانند و با شنیدن خبرهایی مبنی بر انجام پاره‌ای اقدامات توسط آمریکا به وحشت افتاده‌اند و می‌گویند که ما قادر نیستیم روی پایمان بایستیم و مستقل باشیم. هنوز اینها باور نکرده‌اند که می‌توانیم بدون احتیاج به شرق و غرب زندگی کنیم و به آنها کاری نداشته باشیم و... اگر کمی صبر داشته باشی و اگر بدانی، در صورت داشتن تحمل و صرف نظر کردن از خیلی چیزها که کمبودش ضرری ندارد می‌توانی به پیروزی برسی و برای همیشه از زیر وابستگی آمریکا و شوروی و جاهای دیگر بیرون آیی.

همان طوری که گفتم ما الآن در حال جنگیم و موضعی که مادرقبال آمریکا گرفته‌ایم موضعی خصمانه و درحال جنگ است. جنگ تنها این نیست که توپ و تفنگ وسط باشد و بمب روی سربازان بریزند. اینهم نوعی جنگیدن است - جنگیدن برای اینکه مستقل باشیم و دیگر اجازه ندهیم که آمریکا یا قدرت دیگر تصمیم بگیرد.» (نماز جمعه تهران. ۵۸/۹/۲).

«قومی که وبال دنیا شده است حزب صهیونیست است؛ يك دسته خاصی که امتیاز طلب و انحصارطلبند و الآن هم دنیا را آنها دارند به فساد می‌کشاند؛ آنها از هر راهی که شده؛ چه از راه فحشاء، چه از راه جنایت، چه از راه جنگ، چه از راه اختلاف درست کردن؛ همیشه سعی می‌کنند منافع مادی خودشان را تأمین کنند و ثروت دنیا و سیاست دنیا در قبضه آنها باشد. ملت آمریکا مثل ملت‌های دیگر مستضعف است؛ يك عده مردم مسیحی معتقد به خدا و حضرت عیسی؛ اما

اسیر يك عده صهیونیست هستند. روزنامه‌ها، رادیو و تلویزیون همه در اختیار صهیونیست آمریکایی است که يك عده کمی هم هستند و تعجب است که چرا ملت آمریکا ساکت می‌نشیند و اجازه می‌دهند در هر دوره‌ای صهیونیستها و کارتل‌های یهودی، سیاست مملکت آنها را اداره کنند و قبضه نمایند. انتظار می‌رود ملت مسیح به پیروی از حضرت مسیح که طرفدار ضعفا و دشمن مستکبرین بود، آنها هم از مستضعفین جهان سوم و از مسلمانها حمایت کنند.» (نماز جمعه تهران. ۵۸/۹/۲۰).

«ابرقدرتها، امپریالیسم شرق و غرب، دائم به فکر توطئه‌اند - که می‌دانند به‌خاطر جهان سوم و به‌خاطر اینکه به سلطه‌گری‌شان ادامه دهند و خلق‌های محروم و مستضعف را به استعمار و استثمار بکشانند، باهم تبانی می‌کنند. همانطور که خروشچف و آیزنهاور تبانی کردند اکنون هم برنامه «سالت ۲» مطرح است و این هم نوعی تبانی است برای ما که مبارزه علیه امپریالیسم این دشمن حقیقی خلقها را آغاز کرده‌ایم. نوع شرقی و غربی‌اش فرق نمی‌کند. آمریکا بود که با گم‌کردن نوکرش محمدرضای خائن اینهمه جنایت کرد و اینهمه مجروح و مصلوم و شهید برایمان به جا گذاشت. می‌بینید که امپریالیسم شرق هم اکنون به دست و پا افتاده و به حمله علیه مسلمانان کشور دوست و برادرمان افغانستان پرداخته و هم اکنون مسلمانان مبارز و مؤمن این سرزمین را به خاک و خون کشانده است. همه هشیار باشید.» (نماز جمعه تهران. ۵۸/۱۰/۱۴).

«برادران و خواهران، الآن ملت ما هم با ابرقدرتها درجنگ است - با آمریکا و با شوروی. با شوروی هم ما درجنگیم؛ برای اینکه شوروی درافغانستان مشغول بمباران کردن ملت مسلمان است. ما می‌توانیم نسبت به این مسأله بی‌تفاوت باشیم؟ نمی‌توانیم؛ برای اینکه ما دم از اسلام می‌زنیم؛ اسلام هم که ایران و افغانستان ندارد؛ اسلام همه جا باید باشد.» (نماز جمعه قم. ۵۹/۴/۲۰).

«شما می‌دانید درچنین شرایطی که شیطان بزرگ آمریکا و تمامی ایادی و عمال و سرسپردگانش در کل جهان و بخصوص در منطقه خاورمیانه که بیشترین منافعی را تأمین می‌کرده است سخت به وحشت افتاده و با تکیه برحماقت و بی‌شعوری حکومت‌های مرتجع همچون سادات و صدام حسین و ملك خالد، لبه تیز حملاتش را علیه اسلام راستین و بخصوص انقلاب اسلامی ایران متوجه ساخته و سرزمین قدس این حریم شریف اسلام را بازیچه لهو و لعب و سیاست استعماری خویش درآورده است، ملت ما براساس همان میثاق بزرگی که با خدای تبارک و تعالی بسته است هیچگاه از پای نمی‌نشیند و برمنای رهبری امام خمینی روزقدس را سرمنشاء حرکت و حیاتی نوین برای آزادی قدس و سرزمین اسلام و آزادی انسانها و نابودی دشمن و قطع دست تبهکاران درمنطقه و بلکه درجهان قرار داده است و باتوانایی و خودآگاهی و ایمان و ایثارش همچنان براین حقیقت پافشاری خواهدکرد.» (پیام به دانشجویان

مقیم خارج از کشور. ۰۵۹/۵/۱۹.

پانزده خرداد چهل و دو

«... انقلاب [تا پیروزی]... از چهار مرحله تاریخی گذشت:

- ۱- شروع نهضت روحانیت اسلام در اعتراض به تصویبنامه‌های ضداسلامی دولت وقت که اکثریت ملت مسلمان در پرتو هدایت و ارشاد آیات عظام و علمای اعلام بنابر يك وظیفه مذهبی بطور مسالمت‌آمیز قیام نمودند. در این مرحله که سرآغاز انقلاب محسوب می‌شد نظام طاغوتی با يك عقب‌نشینی تاکتیکی خود را آماده تهاجم در پوشش لوایح ششگانه ساخت که مجدداً قیام عمومی آغاز و حادثه خونین فیضیه گذشت و به پانزده خرداد منتهی گشت.
- ۲- دوران اوج‌گیری مبارزات فکری داخلی و اعتراض به مناسبت کشتار وحشیانه پانزده خرداد و زندانی شدن امام و عده بسیاری از علما و سایر اقشار متعهد و مسئول. در این مرحله روح پاک انقلابی بیش از پیش به درون حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها رسوخ یافت و طلاب علوم دینی به دوش دانشجویان رزمنده به پا خاستند و همه اقشار مختلف ملت در يك بسیج همگانی و همبستگی اسلامی آنچنان عرصه را بر رژیم تنگ نمودند که ناچار شد معظم له و برخی دیگر را موقتاً آزاد نماید و شکوفه انقلاب را در پیکره‌های جامعه اسلامی شکفته سازد.
- ۳- به دنبال آزادی امام آنچنان انقلاب نفوذ و گسترش یافت و حمایت و همبستگی مردم با مقام زعما بالا گرفت که رژیم یکی پس از دیگری از سنگرهای قبلی عقب‌نشینی نمود. موضع‌گیری قاطعانه و همه‌جانبه ملت به رهبری امام در برابر لایحه استعماری کاپیتولاسیون به تبعید معظم له به خارج انجامید و مبارزات زیرزمینی فشرده‌تر و منظم‌تر شکل گرفت. به موازات توسعه انقلاب، رژیم بر میزان خشونت و خفقان و سانسور و وحشیگری و طغیان دژخیمان‌اش می‌افزود و در این رابطه بسیاری از گروه‌های اسلامی و مبارز به دام افتادند و تعداد بیشماری از عزیزان اسلام شهید و یا زندانی شدند و بدین ترتیب نهال يك انفجار همگانی دردلها غرس شد و در همین رابطه بود شهادت مرحوم آیت‌الله سعیدی و آیت‌الله غفاری.
- ۴- در این مرحله که استبداد سیاسی، فکری و نظامی با پشتیبانی ایالات متحده آمریکا به اوج می‌رسید و شکنجه و محرومیت از يك سو و فقر و فلاکت و تبعیض از سوی دیگر ملت مستضعف ما را محاصره کرده بود و می‌رفت تا آخرین رمق حیاتی او سلب گردد اراده خدا تعلق گرفت تا جرقه‌ای بر خرمن احساسات به بندکشیده مردم مسلمان زده شود و تحت فشار رژیم، یکی از روزنامه‌ها با اهانت به ساحت مقدس امام عواطف مذهبی میلیون‌ها مسلمان را مشتعل سازد. این حرکت، مردم را به قیام عمومی واداشت و فریادهای به خون نشسته پانزده خرداد که همواره در تمام مراحل نهضت در فضا طنین افکن بود دیگر بار به گلوله نشست و مردم به خیابانها ریختند و پرخاشگرانه هر پدیدۀ مربوط به رژیم و استعمار را طعمه حریق و شورش و انقلاب کردند و جنبشی که بر ارزشهای متعالی توحید و معیارهای راستین مذهب متکی بود از نو متبلور

گشت. نقش بنیادی پانزده خرداد دو مرتبه احیا شد و رزمندگان راه خدا تکبیرگویان به استقبال تانک و توپ رفتند و سلطنت ۲۵۰۰ ساله را واژگون ساختند و بالاخره مبارزه‌ای را که از هجده سال پیش بر مبنای ایدئولوژی توحیدی آغاز گشته بود تحت هدایت و رهبریهای قاطع و مستمر رهبر خود از تبعیدگاه به ثمر رساندند - و خون شهدا، این گرامیترین سرمایه اسلام در طول تاریخ، واژه پیروزی را برجبین شرق رقم زد.» (جنگ هفته جمهوری اسلامی. ۶۰/۳/۱۶)

«پانزده خرداد در حقیقت تبلور اراده ملتی است که در برابر توطئه‌های صهیونیسم بین‌المللی و امپریالیسم شرق و غرب سر تسلیم فرود نیاورد و با دادن حدود پانزده هزار شهید و خشکی رژیم پهلوی را با صبر و ایمان و استقامت خود متلاشی ساخت. یادشان و نامشان گرامی باد و فریاد به خون نشسته اعتراضشان همیشه پایدار.»

گروههای منحرف

«ملت شریف و آگاه ما می‌داند برخی از این گروهکها که از سالها پیش شکل گرفته‌اند و احياناً سنگ خلق به سینه می‌زنند و برای حقانیت خود به خون شهدا تمسک می‌جویند، با طرح و نقشه امپریالیسم و عمال آن در ایران به وجود آمده‌اند و سر نخ بیشتر آنان در وا شنگتن و مسکو به دست تئوریسینهای اسارت ملتهاست. اکنون این گروههای هرج و مرج طلب بدون آنکه نسبت به انقلاب اسلامی و خون شهداء پاك و حفظ دست‌آوردهای انقلاب تعهدی داشته باشند در کارخانه‌ها و روستاها و دبیرستانها و دانشگاهها و کشور، بذر نارضایتی را می‌پاشند و طرح يك آشوب بزرگ سیاسی را پایه‌گذاری می‌نمایند.... ولی باید به آمریکا و دولتهای مرتجع و دست‌نشانده منطقه و گروهکهای وابسته داخلی هشدار داد که آرزوی شیلی و لبنان دوم را برای همیشه به گور خواهند برد.» (پیام حضرت آیت‌الله منتظری در آستانه تشکیل مجلس اسلامی و به مناسبت هفته پزشکی. ۵۸/۱۲/۲۰).

«برادران و خواهران، به دامن اسلام عزیز برگردید و از گرایشهای چپ و راست بپرهیزید و همچنان که گروههای چپ‌گرا و یا چپ‌نما از عمال سیاستهای استعماری امپریالیسم غرب و یا سوسیال امپریالیسم می‌باشند گروههایی هم که زیربنای تعلیماتشان افکار التقاطی است و در موضع‌گیریهای سیاسی به جای اینکه از اسلام و مسلمین حمایت کنند و به ملت پیوندند جانب طرفداران مکتب ماتریالیسم و بی‌خدایی را می‌گیرند و چه بسا با ضدانقلاب و عناصر مفسد رژیم سابق نیز برای مسائل گروهی خود همکاری می‌کنند، همچنین مردود می‌باشند. چرا که هر کس غیرت و حمیت اسلامی داشته باشد از جامعه اسلامی حمایت خواهد کرد و با مکتبهای ضدخدا و یا با افراد ضدانقلاب سازش نمی‌کند.» (پیام به مناسبت روز جمهوری اسلامی. ۵۹/۱/۱۰).

«دشمنان اسلام می‌کوشند به اسم خلق و دفاع از حقوق مردم با ایجاد هرج و مرج و آشوب، تحصن، کم کاری، عدم رسیدگی به وضع مردم در ادارات و مؤسسات و شایعه پراکنیهای خائنانه و نشر افکار انحرافی و التقاطی چرخهای فکری، اقتصادی، صنعتی و اداری کشور را از حرکت بازدارند و وانمود کنند که اسلام قدرت اداره کشورها را ندارد. غافل از اینکه با همت جوانان مسلمان و متعهد و غیور نقشه‌های خائنانه آنان فاش و با شکست و رسوایی مواجه خواهند شد.... توجه دارید این گروهکها به اسم اسلام و یا خلق فعالیت می‌کنند. موضع‌گیریهای سیاسی آنان همیشه در جهت منافع بیگانگان و علیه انقلاب اسلامی ملت ما بوده و هست. آنها برای تضعیف مبانی جمهوری اسلامی و بازگشت به دوران گذشته با دشمنان خدا و مردم پیمان دوستی و مودت بسته‌اند. شما جوانان عزیز اسلام به عملکرد و موضع‌گیریهای ارتجاعی آنان نگاه کنید، نه به شعارهای فریبنده و به ظاهر مظلومی و اسلامی آنها؛ چرا که هر چند وقت يك بار در آشوبها و تخریبهها و جنگ‌افروزیهای گوشه و کنار کشور نقش مستقیم و یا غیرمستقیم آنها فاش می‌شود.» (پیام به سمینار فرهنگی سازمان دانش‌آموزان مسلمان تبریز. ۵۹/۳/۲۵)

«من کتابهای آقایان (مجاهدین خلق) را مثل کتاب شناخت و تکامل و راه انبیاء و.... نگاه کردم - اقتصاد به زبان ساده - و هم با افراد آنها زیاد برخورد داشتیم و درزندان، نه برخورد یعنی جنگ، یعنی تماس داشتیم با هم؛ و من خلاصه این کتابها را وقتی خواندم - شاید تا اندازه‌ای درحوزه قم معروف باشم چون من درمسائل فلسفی آشنا هستم و من درقم مدرس فلسفه بودم - خلاصه دیدم که این کتابهای آقایان زیربنایش کمونیستی محض است و به قول بعضی رفقا، همان مسائلی که مارکسیستها دارند اینها را طرح کردند و قبول کردند و پذیرفته‌اند؛ منتهی چیزی که هست لفظ خدا را مثلاً دربالایش گذاشته‌اند و همان طور که غربردگی می‌گویند، اینها تقریباً خیلی کمونیست زده بودند و آن اساس تعلیماتشان، آن تعلیمات غلطی بود و - می‌توان گفت - پلی بود که جوانها از این مسیر به طرف مارکسیسم بروند. این تنها راجع به تعلیمات بود. علاوه براینکه تعلیمات درستی نبود يك روشی هم داشتند که آن روششان به نظر من روش صحیح نبود، همان اخلاقی که مارکسیستها دارند که به اصطلاح می‌گویند هدف، وسیله را توجیه می‌کند و برای رسیدن به هدف به هر وسیله حاضرند متوسل بشوند. عملاً نوعی آقایان این معنی را داشتند و توی مغزشان کرده بودند. مثلاً فرض بگیرید اگر چنانچه درزندانها مصلحت می‌دیدند که فرض کنید جناب عالی را بکوبند، اینها حاضر بودند. فقط برای اینکه شما با روش آنان مخالف بودید، با فلسفه آنان مخالف بودید، حاضر بودند انواع تهمتها را به شما بزنند، با اینکه می‌دانستند دروغ است.... بنابراین من خون شهدای شما را نمی‌خواهم پایمال کنم و من چون علاقه دارم به شما و می‌دانم شما بچه‌های مسلمان خودمان هستید و منتهی چیزی که هست گول يك افرادی را خورده‌اید، یا گول افکاری را خورده‌اید، بیایید اینها را بگذارید کنار و با تمام مسلمانانها جبهه واحد داشته باشید. ما الآن يك رهبر داریم و ایشان هم مکتبش مکتب اسلام است. همه

مسلمانها می‌گویند اسلام. جوانهای ما به خاطر الله اکبر ولا اله الا الله، با این شعار شهید شده‌اند. بیایید همه متمسک به اسلام بشویم و پیروی بکنید از رهبر و به آنها گفتیم، بی رودربایستی باید بگویم، هم مکتب شما مکتب ناصحیحی است و هم اخلاق و رفتار شما. این را بگویم مبارزه اصل نیست، هدف نیست، مبارزه وسیله‌ای است برای اینکه انسان دفاع از مکتب صحیح بکند. بنابراین شما که مبارزه را هدف قرار می‌دهید می‌گویید مبارزه باشد - در هر راهی، هر هدفی باشد - که مبارزه بکند و خلاصه به هر نحوی شما می‌آیید مبارزه را اصل قرار می‌دهید. این روش غلطی است و شما برگردید به اسلام و کتابهای شما بی رودربایستی کتابهای صحیحی نیست. مثلاً اقتصاد به زبان ساده، این همان کتاب کاپیتال مارکس است و آמיד مختصرش کردید، اقتصاد به زبان ساده شد. مسأله تجرد روح را به طور کلی منکر است. در همین کتابهایی که من خواندم مسأله تجرد روح را مستخره هم می‌کنند...

من نصیحت می‌کنم به خواهران و برادرانی که گول این گروهها را خورده‌اند و خیال می‌کنند که راه، راه حقی است. توجه بکنید که نه! راه، راه صحیحی نیست، مکتب، مکتب باطلی است، بالاخره مسائل فلسفی را ما بیشتر از این بچه‌ها مطالعه کرده‌ایم. من سی سال قبل کتابهای مارکسیستها و کمونیستها را مطالعه کرده‌ام - خیلی زیاد - و اطلاع دارم از مکتب اینها و وقتی که من این کتابها را در زندان خواندم دیدم افکار، افکار التقاطی و انحرافی است. بنابراین از همه انتظار داریم کسانی که در این گروهها رفتند و ثبت‌نام کردند، اینها برگردند به دامن اسلام و وحدت کلمه را حفظ بکنند و رهاکنند این گروهها را...

به هر حال اینها روششان حتی استدلال آنها به قرآن و نهج‌البلاغه صحیح نیست؛ برای اینکه من بعضی اوقات دیده‌ام که خوب نمی‌توانند این آیه را بشکافند. تجزیه و تحلیل نمی‌توانند بکنند. جهات ترکیبی آن را درست نمی‌توانند بکنند. طوطی‌وار يك چیزی می‌گویند. بنابراین، این راه، راه خطرناکی است و درست نیست و می‌دانیم که تمام مذهبهای باطلی که پیدا شده آنها هم به همین قرآن تمسک می‌کنند. پس همه تمسکها به قرآن صحیح نخواهد بود.» (مصاحبه با خبرنگار صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، ۵۹/۴/۷۰)

رادیو تلویزیون و مطبوعات

«رادیو تلویزیون باید کاملاً از عناصر ناجور و فاسد تصفیه گردد و به‌دست افراد باتقوا و آگاه سپرده شود. برنامه‌های ضد دین و اخلاق و یاسرگرم‌کننده بی‌محتوی که میراث سیاستهای استعماری غرب است باید حذف شود و به‌جای آنها برنامه‌های آموزنده و سازنده تولید و اجرا گردد. واقعاً جای تأسف است که پس از گذشت چهارده ماه از انقلاب اسلامی ایران در ایام نوروز صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران که مورد توجه همه کشورهای اسلامی و زبان گویای انقلاب اسلامی است، برنامه‌های مبتذل و تباه‌کننده اخلاق عمومی مردم را به‌خورد ملت بدهد و سپس با مصاحبه با چند نفر بخواهد آنها را تأیید و امضا نماید. مسئولین رادیو تلویزیون

باید مصلحت کشور و ملت و اسلام را در نظر بگیرند، نه خواست و میل آنهایی که حیثاً توجهی به مبانی اصیل مکتبی ندارند.» (پیام به مناسبت روز جمهوری اسلامی. ۵۹/۱/۱۰).

«از رادیو تلویزیون تقاضا می‌کنم قیافه‌درستی به خودش بگیرد و مثل زمان طاغوت نباشد. در رادیو تلویزیون باید انقلابی دیگر صورت بگیرد. رادیو تلویزیون نباید برنامه‌ها و کارهایش طوری باشد که خدای ناکرده مردم را دچار فساد کند و افکار آنان را خراب نماید.» (نماز جمعه. ۵۸/۸/۱۸).

«انتظار می‌رود که رادیو تلویزیون برنامه‌ها و آموزش درسی در این سه چهار ماه تابستان برای این جوانها بگذارد. برای اینکه بالاخره جوانهایمان باید باسواد شوند، مبتکر شوند؛ حالا چه بروند دانشگاه و چه نروند باید باسواد شوند، معلومات داشته باشند و در چیزهایی که مورد احتیاج ملت است روحیه ابتکار پیدا کنند - اختراع بکنند. چه خوب است مدرسین و اساتید علاقمند در رادیو تلویزیون برنامه‌هایی داشته باشند، چه برنامه‌های اسلامی دینی و چه آموزش علوم که اجتماع به آن احتیاج دارد.» (نماز جمعه قم. ۵۹/۳/۱۶).

«ما از رادیو تلویزیون ایران هم در همه شهرها انتظار داریم که این وظیفه ضروری را اهمیت بدهند. به‌جای بعضی از این فیلمهای مضحکه و پینوکیو و کارتن و غیره، از اساتید قابل که می‌توانند درس بدهند و علاقمند هم هستند به درس دادن، بخواهند پشت تلویزیون بیایند و شبها جوانان را درس بدهند. برق‌چطور باید تولید کرد؟ راه‌چطور باید ساخت؟ و همین چیزها که مورد احتیاج است. جوانها هم فکر و هوششان را به‌کار بیندازند، مطالعه کنند، درسهای اساتید را گوش بدهند، به‌شرط اینکه رادیو تلویزیون این کار را بکند و یک برنامه آموزشی برای جوانها در این تابستان سه چهار ماهه قرار دهد.» (نماز جمعه قم. ۵۹/۳/۳۰).

«نقش مطبوعات بسیار مهم است و اصولاً فکر ملت، دین ملت، در دست روزنامه‌نگاران و خبرنگاران است و اگر چنانچه خوب به وظایف خود عمل کنید و روزنامه‌ها به‌وظایفشان عمل کنند، اینها سازنده ملت و سبب رشد ملت هستند و خلاصه امید ما همین است که به‌وسیله روزنامه‌ها و رسانه‌های گروهی، ملت ایران به رشد کامل برسند. این مطلب را به‌عنوان نصیحت برادرانه به همه کسانی که صدای مرا می‌شنوند و مطلب مرا می‌خوانند می‌گویم که وظیفه آنها بسیار سنگین است و مسئولیت سنگینی برعهده دارند. البته اگر هم به وظایف خود خوب عمل کنند اجر و مزد زیاد هم دارد؛ برای اینکه خدمت به اسلام است، خدمت به مردم است و بالاخره خدمت به مسلمین است. هدفشان خدا و دین و رشد ملت باشد. روزی را هم خدا می‌رساند و به‌اصطلاح روزنامه‌تان روزی‌نامه نباشد.» (مصاحبه با روزنامه کیهان. ۵۸/۷/۲۴).

«جای تعجب است که مطبوعات و روزنامه‌نگاران خارجی و چه‌بسا داخلی چرا این دروغ‌پردازیها را به خورد مردم می‌دهند! نقش مطبوعات باید نقش سازنده باشد؛ دروغ نگویند، بدگویی نکنند. خدا حفظ کند رهبر انقلاب ما را. فرمود: نسبت به خودم هرچه بنویسید ناراحت نمی‌شوم اما ناراحت می‌شوم که چرا معنویات و اخلاق اینقدر تنزل کرده است که برای پول بی‌ارزش یا برای مقام موهوم، این اندازه اخلاق و معنویات زیر پا گذاشته شود!» (نماز جمعه تهران، ۵۸/۷/۱۳).

نیروهای نظامی و انتظامی

«از برخورد خصمانه با برادران ارتشی که دستشان به جنایت و خونریزی آلوده نشده جداً بپرهیزند و بلکه دست برادری به آنها بدهند و با کمک آنان در تقویت استقلال کشور و حفظ آن از حملات استعمارگران و تجزیه‌طلبان شرق و غرب کوشش نمایند.» (پیام به مناسبت کشتار مردم در شهرهای ایران به‌دست مزدوران شاه).

«از افراد پلیس و ارتش می‌خواهم که بیش از این راضی نشوند که خود را فدای رژیمی نمایند که ثروت و منافع مملکت را در انحصار خود و هزار فامیل خود قرار دادند و مملکت را به خاک سیاه نشانندند - رژیمی که منفور ملت است و ملت با فرارندومهای پیاپی به‌خصوص در تاسوعا و عاشورا و اربعین حسینی بی‌اعتباری و بی‌پایگی آن را اثبات نمود.» (ماخذ بالا).

«ارتش با الهام از مکتب الهی دژ محکم ملت و مایه سربلندی زمامداران و عظمت و مجد دین و برقراری آرامش کشور است. برادران ارتشی، افسران، همافران، درجه‌داران و سربازان شریف، در این لحظات حساس که نسیم حیات و آزادی از قطرات خون هزاران شهید در راه تحقق ارزشهای الهی و آزاد ساختن کشور از یوغ اجانب به پیکره این سرزمین می‌وزد، در این فرصت که با فداکاریهای هم‌جانبه‌تمامی افسران، ارتزوی دیرینه ملت مسلمان مبنی بر بدست گرفتن سرنوشت خویش به رهبری قائد بزرگ حضرت آیت‌الله‌العظمی امام خمینی مدظله‌العالی در آستانه تحقق قرار گرفته، در این هنگام که امید است ارتش غیور و مسلمان شخصیت اسلامی خود را بازیابد و از شکل استعماری و عامل اجراء مقاصد ضد مردمی دشمنان اسلام بودن به‌درآید و در راه حفظ منافع اسلامی و ملی مردم، کوشا باشد و از آثار ننگ کاپیتولاسیون تحمیلی و مصونیت قضائی مستشاران نظامی آمریکا برای همیشه خود را پاک گرداند و...»

ارتشیان آزاده، آیا شما تا چند سال پیش و حتی هم‌اکنون مورد اهانت و آزار چنین فرماندهانی نبودید؟ آیا مستشاران نظامی آمریکا که اکنون در اثر مبارزات جرات خروج از منازل خود را ندارند تا دیروز بر شما ارتشیان محترم حکومت مطلقه نداشتند؟ آیا نمی‌دانید که این مستشاران با گرفتن حقوق گزاف صدهزار تومانی به بهترین وجه زندگی می‌کنند و در مقابل، شما که از ملتید و

صاحب این ثروتها می‌باشید باید از جهت مخارج مادی و مسکن در تنگنا قرار گرفته و به بدترین نحو زندگی نمایید؟ آیا در طی سالهای متمادی برای شما برادران مسلمان که باید نمونه‌عالی يك سرباز رشید اسلام باشید امکان کسب معنویات و فضایل انسانی گذاشته‌اند؟ و آیا کوشش نکرده‌اند تا شما را با فرهنگ ضداسلامی شاهنشاهی تربیت نمایند و کور کورانه در خدمت مشتی فرمانده فاسد و از خدا بی‌خبر قرار دهند؟ آیا در سالهای گذشته که بودجه کشور به جیب مستشاران نظامی می‌رفت به شما کوچکترین اعتنایی می‌نمودند؟ اگر می‌بینید که به‌ظاهر به فکر شما افتاده و رعایت حال شما را می‌کنند، این نیز از ثمرات مبارزات مردم بوده و به‌منظور اغفال و دورنگهداشتن شما از امواج انقلاب اسلامی ملت صورت می‌گیرد... و بالاخره آیا اسلحه‌ای که در دست شماست و از پول این ملت ستمدیده مسلمان تهیه شده و باید در راه حفظ استقلال کشور و دفاع از ملت از آنها استفاده شود سزاوار است که در راه حفظ منافع و اجرای توطئه‌های ابرقزرتهای شرق و غرب و حفظ شخص خائنی که کشور را در آستانه سقوط مادی و معنوی قرار داد به کار رود؟ - شخصی که ثروت‌های ملت و منابع طبیعی را در انحصار خود و خانواده و اطرافیانش قرار داد و آنها را به بانکهای خارج سرازیر نمود.» (پیام به ارتش. ۵۷/۱۱/۱۰).

«من به ارتش ایران توصیه می‌کنم که خودشان را مجهز کنند برای اینکه مسلمانان در معرض دشمنان بزرگی هستند. و مسلمانان دارند بیدار می‌شوند. آنها که استعمارگر بودند تازه متوجه می‌شوند که بیداری در مسلمانان پیدا شده است و ما خلاصه خطر تهاجم داریم و این بر ارتش ایران است مخصوصاً جوانهاشان و دولت بایستی تشویق کند، آنهايي که اهل تشویق و ابتکار هستند، که تا اینجا خودشان کم‌کم با ابزار جنگی سروکار پیدا کنند و خودشان بتوانند اختراع کنند ابزار جنگی را. بمب اتمی خیلی بد چیزی است اما وقتی که آمریکا و شوروی داشته باشند، در درجه اول آن را باید مسلمانان داشته باشند.» (مصاحبه با روزنامه کیهان. ۵۸/۸/۲).

«همه توجه دارید که در این انقلاب پاسداران فداکاری کردند، شهید شدند، ارتش هم خدمت کرد. من به ارتش و پاسداران توصیه می‌کنم، سفارش می‌کنم، که موقعیت خطیر خودشان را بشناسند. ما از پاسداران انقلاب و از ارتش ایران می‌خواهیم که خود را برای پاسداری از کشور مهیا کنند. نیروهای نظامی می‌بایستی همیشه مهیا باشند تا از کشور دفاع کنند. هوش و زکاوت و ابتکار ایرانی از غریبها بیشتر است. بیایید همت کنید شما ارتشیها، شما پاسداران، به فنون نظامی آشنا شوید. در خودتان روحیه ابتکار پیدا شود و از دولت هم می‌خواهیم که اگر در جوانها روحیه ابتکار جدید دیدند آنها را تشویق کنند و در اختیار آنان امکان بگذارند - يك ارتش مجهزی داشته باشیم. دستور قرآن است؛ نکته اینجاست. ستون پنجم و مناقین که در خود کشور ممکن است پیدا شوند، آنها هم باید به‌وسیله پاسداران انقلاب و به‌وسیله ارتش دفع شود. مسلمانها باید مجهزترین وسایل و ابزار جنگی را داشته باشند.» (نماز جمعه تهران. ۵۸/۷/۲۰).

«به ارتش‌ها و پاسداران تذکر می‌دهم که شما حافظ استقلال مملکت و حافظ نظم کشورید و همین‌طور به پلیس؛ کم‌کاری نکنید. ارتش باید بفهمد که حالا دیگر ارتش اسلام است. پنجاه سال ارتش طاغوت بود، برای حفظ یک رژیم پوسیده شاهنشاهی بود، اما حالا بحمدالله ارتش ما برای اسلام است. از افسران محترم و درجه‌داران، از سربازان، از پاسداران تقاضا می‌کنم کم‌کاری نکنند. از وقتشان ندرزدند و خودشان را مجهز کنند برای دفاع از کشور. آیا شما توجه دارید که بعضی از کشورهای هم‌جوار ما درصدد توطئه هستند و جای پای توطئه آنها در کردستان و خوزستان مشاهده شده است؟ اینها درصدد توطئه نسبت به ایران هستند. آنها رسماً علیه انقلاب اسلامی توطئه نمودند. وانمود می‌کنند که ایران در فکر استعمار کشور است. من گفتم ایران انقلابش انقلاب آب و خاک نبود. انقلاب ما انقلاب اسلامی بود. ارتش ما، پاسداران ما نمی‌گذارند یک وجب از خاک ایران از دست برود. اما قصد تجاوز و تعدی به هیچ کشور نداریم.» (نماز جمعه. ۵۸/۷/۲۷).

«از برادران ارتشی و نیروهای انتظامی می‌خواهم بیش از پیش به وظایف‌شان عمل کنند و حافظ کبان کشور باشند. کبان کشور را به‌خوبی حفظ کنند و اشتباه کاری نکنند.» (نماز جمعه. ۵۸/۸/۸).

«برپاسداران انقلاب و قوای انتظامی است که از کم‌کاری پرهیزند و در حفظ امنیت کشور و دستاوردهای انقلاب کوشش نمایند. خودسرانه دست به کاری نزنند که بدترین آفت کشور هرج و مرج است و از دستورات فرماندهان تخلف نکنند و در انجام دستورات قضائیه کمال جدیت را بنمایند و قضات را در اجرای حدود الهی یاری کنند.

ارتش باید بازسازی شود و افراد متعهد و انقلابی عهده‌دار آن گردند. ارتشیان باید به‌جای تشریفات آریامهری و طاغوتی و سانه‌ها و نمایش‌های بی‌محتوا و پوچ، خودشان را برای دفاع از کشور و اسلام عزیز آماده نمایند. باید روحیه ابتکار در آنها زنده شود و دستشان با اسلحه مدرن روز کاملاً آشنا گردد.

ارتش ما تا حالا ارتش بزم بوده نه رزم و اینکه ما در مقابل ابرقدرت‌های طغیانگر و عمل آنها قرار گرفته‌ایم باید خود را برای رزم و دفاع از میراث انقلاب آماده سازیم.» (پیام به‌مناسبت روز جمهوری اسلامی. ۵۹/۱/۱۰).

«ای پاسداران عزیز، ای ارتش ایران، شما وظیفه‌تان پاکسازی کردن تمام منطقه‌های ایران از افراد ضد انقلاب است.» (نماز جمعه. ۵۹/۶/۶).

در پایان این فصل از کتاب، تذکر نکاتی چند لازم آمد:

۱- آیت‌الله منتظری در این دو سال و نیم که از پیروزی انقلاب اسلامی ایران می‌گذرد (بهمن ۵۷ تا تیرماه ۶۰)، در خلال پیامها، مصاحبه‌ها، سخنرانیها و خطبه‌های نماز جمعه (چه در تهران و چه در قم) به همه مسائل موجود در ایران و در ارتباط با انقلاب سخن گفته و اظهار نظر کرده است، که به لحاظ اختصار، در چند مورد وبطور خلاصه، نقل شد.

۲- به جز یکی دو مورد استثنائی، بقیه نقطه نظرها مربوط است به قبل از مرداد ۵۹ - حدود یک سال قبل- و چه بسا در لابلای آنها از اظهار نظرهای قبل از پیروزی هم استفاده شد. لذا هر مطلبی که در این فصل آورده شد، باید با توجه به تاریخ آن مورد عنایت خواننده قرار گیرد.

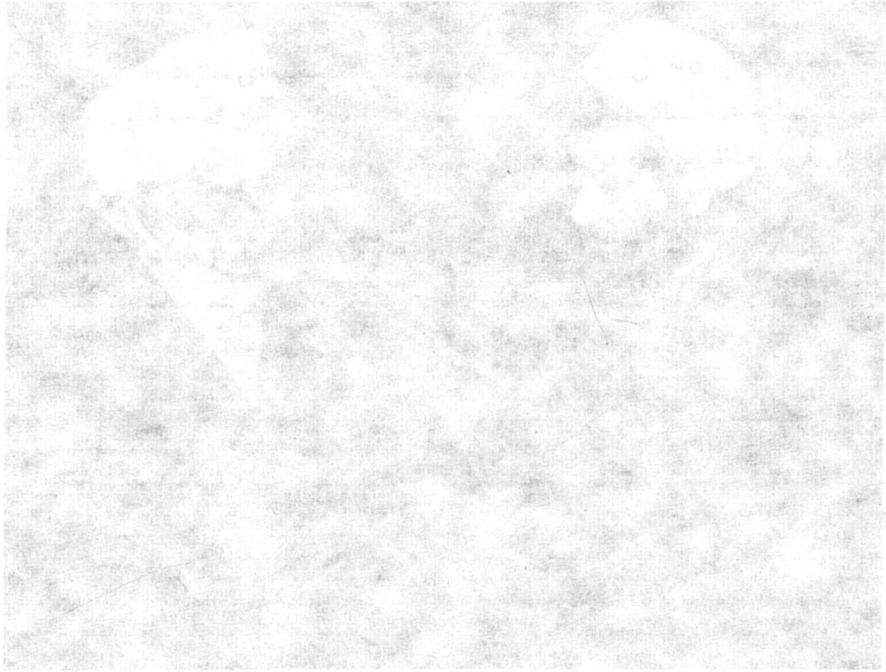
۳- توصیه می‌شود برای شناخت بهتر و دستیابی به آگاهی بیشتر از شخصیت فکری آیت‌الله منتظری، جزواتی را که حاوی اندیشه‌های وی می‌باشد مورد مطالعه قرار دهید و تنها به این نقطه نظرهای اندک اکتفا نکنید. بویژه، استفاده از درسهای نهج البلاغه که گفتار رادیویی ایشان است بسیار مفید خواهد بود.



ضمیمه چاپ دوم کتاب این مباحثات تقدیم می‌شود.



استاد محترم و دانشوران هم چند نفر به اسفهان و یک سینه کتب و اسناد را با اینک



بسمه تعالی

ملحقات چاپ دوم

(سال ۱۳۶۲)

پس از اینکه کتاب فقیه عالیقدر چاپ و منتشر گردید مطالبی به دستم رسید که بعضاً مربوط به بخش اول بود و لازم به نظر می‌رسید به هر طریقی شده، همراه چند تذکر مفید دیگر، بر کتاب افزوده گردد.

سهل‌ترین طریقی، اضافه کردن این مطالب به صورت ملحقاتی در پایان آن بود. اکنون به ضمیمه چاپ دوم کتاب، این ملحقات تقدیم می‌شود.

۱- در صفحه ۳۴ کتاب، مذکور است که یکی از مشوقین حضرت آیت‌الله العظمی منتظری برای شروع تحصیلات قدیمه و عزیمت کردن به قم، مرحوم حاج‌شیخ احمد حججی - رحمه‌الله علیه - بود.

از آنجا که این عالم جلیل‌القدر خدمات شایانی در جهت ایجاد فضای اسلامی نجف‌آباد داشته، نیز بر اثر تشویق و ترغیب وی اکنون جهان اسلام از برکت شخصیتی عظیم چون حضرت آیت‌الله منتظری برخوردار است، دستخط آیت‌الله منتظری را در خصوص خدمات اسلامی آن فقیه سعید نقل می‌کنم:

« ۱۵ ج ۱۳۹۵/۱

بسم‌الله الرحمن الرحیم. در سنین کودکی به معیت پدرم که خدایش محافظت فرماید در نجف‌آباد اصفهان به مسجدی می‌رفتم. امام جماعت مسجد نیز بسیار به منزل و باغ ما رفت‌وآمد داشت. مردی بود بی‌الایش و رفتارش با کوچک و بزرگ بسیار عادی و بدون تشریفات بود. کم‌کم بزرگتر شدم و با خواندن و نوشتن آشنا شدم و با ترغیب آن مرد بزرگ پدرم مرا به منظور آموزش علوم اسلامی به اصفهان و قم فرستاد. در ایام تعطیلات در نجف‌آباد از جماعت و تدریس آن مرد بزرگ استفاده می‌کردم و در خدمت ایشان هم چند سفر به اصفهان و یک سفر به قم رفتم. با اینکه از

جهت فضل و کمال ممتاز بود و بیشتر مردم آن منطقه به ایشان ارادت می‌ورزیدند و مرجع و جوه شرعیه بود زندگی ایشان بسیار ساده و متوسط بود و با رفتار و عمل مردم را به دین و مذهب سوق می‌داد.

همش ترغیب مردم مخصوصاً جوانان به تعلّم و فراگرفتن علوم اسلامی بود و با يك فرد محصل و طالب علم همچون پدر مهربان رفتار می‌کرد و طلاب را بسیار مورد تشویق قرار می‌داد و روی این اصل در منطقه نجف‌آباد و اطراف و حومه آن عده بسیاری به سراغ تحصیلات علوم دینیہ رفتند و بین آنان اساتید و فضلاء کثیری پیدا شد. بسیاری از مردم نجف‌آباد از تاجر و کاسب و زارع با علوم عربی و کتب دینی آشنا شدند و در اثر اخلاق عمومی ایشان و برخورد خوبی که با اشخاص داشت در اکثریت قاطع مردم محل گرایش مذهبی عجیبی پیدا شد.

با يك برداشت و درك صحیحی از دین و مذهب که هنوز پس از حدود سی سال که از وفات آن مرد بزرگ می‌گذرد به دنباله تحولی که ایشان پایه‌ریزی کردند شهرستان نجف‌آباد را می‌توان کانون علم و دانش و مذهب شمرد و گذشته از علما و فضلاء آن شهر حدود نیمی از مردم عادی نجف‌آباد تا اندازه‌ای با علوم عربی و اسلامی آشنا می‌باشند و در درك مسائل مذهبی امتیاز خاصی دارند.

خداوند به ما توفیق دهد که بتوانیم به پیروی از آن مرد بزرگ خدمت به اسلام و مسلمین را وجهه همت خود قرار دهیم و در انجام وظایف دینی و وجدانی کوتاهی نکنیم و تجملات و علائق دنیای فانی ما را نفریبد - آمین یا رب العالمین.

آن مرد بزرگ که خدا درجاتش را عالی کند و با محمد و آل محمد محشورش فرموده و حقوق او را بر ما جبران فرماید مرحوم مقرر حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ احمد حججی نجف‌آبادی بود. نورالله مرقده الشریف بحق محمد و آله الطاهرین والسلام علی جمیع اخواننا المؤمنین ورحمة الله وبرکاته. حسینعلی منتظری. نجف‌آباد. امضا»

۲- در صفحه ۵۹ کتاب بعضی از تعبیرهای شایسته حضرت امام خمینی درباره شاگرد باوفای خود آیت‌الله منتظری ذکر شده که لازم می‌بینم جمله دیگری را نیز از رهبر کبیر انقلاب اسلامی در معرفی وی نقل کنم:

خبرنگار روزنامه تمپو از اندونزی در تاریخ ۲۳/۱۰/۱۳۵۷ ضمن مصاحبه‌ای با حضرت امام خمینی از معظلمه می‌پرسد «رابطه شما با آیت‌الله منتظری چگونه است؟» حضرت امام پاسخ می‌دهند:

«من ایشان را سالیان درازی است که می‌شناسم. ایشان امروز از علمای بزرگ ایران و مورد احترام مردم مسلمان است.»^۱

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۳۹۵/۱۸۱۵

دوستان عزیز که بحضرت پدرم در خداوند محافظت فرماید در حفظ ایام و اهل بیت بحسب سیرت مجرب
 بسیار بمنزل و باغ ما رفتند و کمال است مردی بود به آرایش و رفتارش مانوس بود و بزرگ بسیار و باطن و بدنه را از آن
 علم بود که مردم و باقران و نورانی آنستند مردم و باقران این مرد بزرگ پدرم خرامان بود و آنرا علم اسلام
 باطنش باطن فرستاد - در ایام مطیله در کف ابراز اهل بیت و تدبیر آن مرد بزرگ است که میگویم در وقت آن ایام هم
 چند نفر با همفکران و دیگران جمع فرمید - با اینکه از جهت فضل و کمال ممتاز بود ولی مردم آن منطقه با آن اوقات میسر بود
 و جمع و جمود که عیب بود زیرا که آن بسیار است و تصور می شود و با رفتار و علم مردم را بدین و در عیب سبب می داد
 هوش بر عیب مردم مخصوصاً همانان تعلیم و فرا گرفتن علوم اسلامی بود و باید که در تحصیل و طلب علم همچون پدرم با رفتار
 و طلب را بسیار مورد توجه قرار داد و در این اهل منطقه کمال و اطراف و در همه آن عیب بسیار را بر سر تحصیل
 علوم دینی رفتند و این آنان است و در خلافت کبری می آید - بسیاری از مردم گفتند که از آنجا که در این علوم عیب و کسب
 آنستند در راه اخلاق عمومی آنان و در خود و خانواده که با آنجا که در آن در آن وقت تا طبع مردم هم که در این عیب می آید
 باید بداند و در عیب عمومی از این عیب که هنوز هم از خود می آید اما از وقت آن مرد بزرگ گذرد بدینا که آن
 باید در این که در آن زمان که آن علم و دانش و عیب که در آن است از طرف او و در آن هر چه در علم
 عادی که آنرا با آن علم عیب و اسلامی آنستند و در کمال عیبی است از جانب او و در آن هر چه در علم
 خدا و ظاهر آنوقت دید که می توانیم به پدری از آن مرد بزرگ خدمت با سلام و کلمی را و جهت خدمت قرار دهیم
 در اینجا هم و طاعت دینی و در آن توابعی کنیم و جملات و علقه دینی فایده ما را فرستید آیین ما را با ما
 آن مرد بزرگ که خدا را عیب را اعلام کند و ما جزو آن که در خود می آورده و حقوق او را بر ما جبران فرماید
 مردم سعادت علم اسلام و اهل بیت حاج شیخ احمد حجتی که از اهل بیت نورانی است که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت
 و اسلام عیب جمع آنرا است که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت

۳- در صفحه ۱۲۷ کتاب اشاره شده به سیدی از وابستگان اوقاف که ساواک آریامهر در سال ۱۳۵۱ وی را به عنوان امام جمعه نجف آباد، در مقابل آیت الله منتظری قرار داد تا از این طریق نماز جمعه‌های سرنوشت‌ساز و شکوهمند آن زمان را که به امامت معظم له برپا می‌شد تضعیف و تعطیل کند.

همچنین در صفحه ۱۳۱ کتاب اشاره شده به انتشار اعلامیه مضرری در نجف آباد که در آن حضرت آیت الله العظمی منتظری را حامی و معرف بی‌دینان و زندقان و وهابیان معرفی کرده است. این اعلامیه کذایی با امضا و زیر نظر مستقیم همان سید وابسته اوقافی - که توسط عده‌ای از جوانان نجف آباد مضروب شد، اما پس از يك سال در بیمارستان به علت بیماری مرد - در دسترس مردم قرار گرفت (فتوکی آن اعلامیه نزد نویسنده موجود است).
نمی‌خواستم از این شخص نامی ببرم، اما به دلیلی که خواهم گفت در این جا وی را معرفی می‌کنم.

او سید اسماعیل حسنی، روحانی‌نمای وابسته‌ای بود که مدتی چند همه توان خود را در نجف آباد و مناطق اطراف آن علیه حرکت انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی به کار برد. وی رژیم منفور پهلوی را در مبارزه با فعالیت‌های حضرت آیت الله منتظری یاری می‌کرد - به گونه‌ای که حاضر گردید در میان خشم و غضب اسلامی مردم نجف آباد، نماز جمعه‌ای در مقابل نماز جمعه آیت الله منتظری، آن هم به دستور اوقاف ساواک آلوده، برپا کند. هر چند که کوچکترین موفقیتی در این زمینه برای رژیم ضداسلام پهلوی حاصل نیاورد، اما خود بیش از پیش منفور مردم حزب الله نجف آباد گردید.

او یکی از معدود روحانیونی بود که جرات داشت در نجف آباد رسماً برای سلامت شاه و حفظ رژیم شاهنشاهی دعا کند. اما دلیل اینکه بیان مطالب فوق را ضرورت داد چیست؟
در سال ۱۳۶۰ کتابی به نام شهدای روحانیت شیعه در یکصدسال اخیر نوشته علی ربانی خلخالی منتشر شد که در آن، از این فرد به عنوان «مجاهد شهید حجت الاسلام والمسلمین آقای حاج سید اسماعیل حسنی نجف آبادی، از علما و فضلاء روشن فکر و باتدبیر نجف آباد» نام برده شده و مطالبی در يك صفحه پیرامون وی بیان گردیده است.

لازم به تذکر است که آقای ربانی خلخالی بیوگرافی سید اسماعیل حسنی را از کتاب گنجینه دانشمندان برگرفته است که کتاب مذکور در زمان اختناق شدید پهلوی تدوین گشته و به گونه‌ای سرگذشت روحانیون و دانشمندان را رقم زده است که نه تنها در آن هیچ رابطه‌ای بین روحانیون و مبارزه علیه شاه پیدا نمی‌شود، بلکه عده زیادی از روحانی‌نماهای بیسواد و وابسته را به عنوان شخصیت‌های علمی و دانشمندان اسلامی در کنار روحانیون بیدار و دانشمند قرار داده است.
به هر صورت قابل ذکر است که سید اسماعیل حسنی، اولاً جزء روحانیت روشنفکر شیعه نبود. ثانیاً اینکه نوشته‌اند «نزد حضرت امام خمینی درس خوانده»، صحت ندارد. بنده لیست شاگردان امام خمینی را در کتاب تحلیلی از نهضت امام خمینی نگاه کردم و نامی از وی ندیدم. ثالثاً در راه

دفاع از حریم ولایت شهید نشده است، بلکه در راه دفاع از نظام منحوس پهلوی مضروب گشت، اما يك سال پس از آن به علت بیماری - نه به علت ضرب و شتم - در بیمارستان مرد. (در پاورقی صفحه ۱۳۱ فقیه عالیقدر (چاپ اول)، این يك سال اشتهاً يك ماه ذکر شده است.)
 نویسندگان تاریخ انقلاب اسلامی باید برای پاسداری از خون شهدا و ارج گذاری زحمتهای طاقت فرسای مجاهدان راه خدا، در ثبت تاریخ این انقلاب اسلامی عظیم دقت لازم را به کار برند. آیا کتاب گنجینه دانشمندان که در اوج اختناق آریامهری با اجازه وزارت اطلاعات رژیم منحوس، در زمانی که انتشار يك اثر اسلامی اصیل زندانها و شکنجه‌ها به همراه داشت آزادانه منتشر شد، می‌تواند سند کتابهای مربوط به انقلاب اسلامی باشد؟

۴- در صفحات ۱۲۹ و ۱۳۰ کتاب به سوءاستفاده‌های رژیم پهلوی از انتشار کتاب شهید جاوید برای ایجاد اختلاف در صفوف مسلمین و بخصوص روحانیت، اشاره شده است. اثبات این ادعا با ارائه اسناد و مدارك باقی مانده از ساواک شاه صورت گرفته است، اما بهتر از هر سند و مدرکی، فرمایشات رهبر انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی، این حقیقت را بیان می‌کند که نقل آن در این کتاب ضرورت دارد. حضرت امام خمینی در سال ۱۳۵۷ در پاریس در یکی از سخنرانیهایشان فرمودند:

«يك مملکتی که باید همه آنها با هم مجتمع بشوند، هر کدام را به يك راهی می‌برند. یعنی نقشه‌ها، آنها را به این راههای مختلف می‌برد. و به واسطه همین اختلافاتی که در بطن جامعه درست می‌کنند نمی‌گذارند که جامعه به سوی ترقی خودش برود. اینها می‌زنند توی سر هم و آنها نفتشان را می‌برند، گازشان را می‌برند و هرچه دارند غارت می‌کنند و کسی هم نیست تا حرفی بزند.... نقشه‌ای است که این اختلافات را درست می‌کنند.»

ما دیدیم که دو سال، سه سال گذشته - هنوز هم دنباله آن هست - مسائلی برای کتاب شهید جاوید درست کردند. اهل منبر و اهل محراب با هم در اختلافات. اهل بازار و اهل کذا (با هم در اختلاف). یکی از این طرف کشید و یکی از آن طرف کشید و يك ماه محرم و يك ماه مبارک و سایر ایام خودشان را صرف کردند و قوا را هدر بردند و اعلیحضرت در کمال آرامش اموال این ملت را خورد و سلطه خودش را بر ایشان تحمیل کرد. آقایان هم معتقدند که کجای کتاب شهید جاوید چه چیز نوشته است و کجایش چه چیز. مقصودش این است و یا مقصودش آن است. دعوا سر این مطلب (شد) و اختلافات (درست) کردند و منبرهایی که باید صرف این می‌شد تا این سدی که سد پیشرفت اسلام، سد پیشرفت مملکت است بشکنند این سد محمدرضاشاهی را بشکنند، همه قوا صرف کتاب شهید جاوید شد و با اختلافات سر کتاب شهید جاوید قوای خودشان را چندسال هدر دادند و....»

۵- در صفحه ۱۶۹ کتاب، پیام حضرت امام خمینی که پس از رهایی آیت‌الله منتظری از زندان برای ایشان فرستاده بودند چاپ شده است.
 متن زیر پاسخ آیت‌الله منتظری به آن پیام است که از جلد هشتم کتاب نهضت روحانیون ایران، تألیف علی دوانی، نقل می‌شود:

« ۱۱ ذی‌الحجه ۹۸ برابر ۲۱ آبان ۵۷. بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. محضر مقدس زعیم عالی‌قدر اسلام حضرت آیت‌الله العظمی آقای خمینی دامت برکاته. سلام علیکم بماصبرتم. پس از سلام، پیام روشنگر حضرت عالی بیش از هر چیز بیانگر عنایت خاص شما به نهضت مقدس اسلامی ایران است. نهضتی که شانزده سال قبل در يك مقطع حساس از تاریخ مبارزات ملت مسلمان ایران که همه سرمایه‌ها و میراث‌های مادی و معنوی جامعه ما با سلطه شوم استبداد و استعمار به نابودی تهدید می‌شد به رهبری مراجع محترم و علمای اعلام خاصه آن زعیم بزرگ آغاز گردید و با وحدت کلمه و همبستگی کامل و حمایت بی‌دریغ و فداکاریهای همه‌جانبه ملت مسلمان ایران ادامه یافت و بحمدالله اینک در پرتو رهبریهای صحیح و قاطعانه حضرت عالی به اوجی شکوهمند رسیده است. نهضت مقدسی که رژیم شیطانی حاکم با همدستی ابرقدرتهای راست و چپ از هرگونه دسیسه و توطئه‌های علیه آن دریغ نکرده، ولی خوشبختانه دست قدرت الهی که فوق همه دست‌هاست آن را از انواع سستیها و انحرافها حفظ نموده؛ نهضت بی‌نظیری که در مدتی کوتاه همه ابعاد زندگی امت و ملت ما را تحت تأثیر قرار داده و آثار حیات طیبه اسلامی و انقلاب بنیادی توحیدی را در تمام سطوح اجتماع از منبر و مسجد و حوزه‌های علمیه تا دبستان و دبیرستان و دانشگاه، از کوچه و بازار و خیابان تا کارخانجات صنعتی و مجتمعات تولیدی، از بخشهای عمومی تا خصوصی و ملی، از دورافتاده‌ترین روستاها تا بزرگترین شهرها نمایان ساخت؛ جنبش عظیمی که با قدرتی اعجاز‌آمیز نومیدیه را به امید، تزلزلها را به قاطعیت، جنبه را به شجاعت، نفاقها را به وحدت، بدبینیه را به تفاهم و بالاخره بی‌تفاوتیه را به احساس مسئولیت بدل نموده، و پیروزی آن مبشر نجات سایر ملت‌های مسلمان و گسترش انقلاب حیاتبخش اسلام در سطح جهانی خواهد بود؛ نهضت مقدسی که ضمن بی‌اثر ساختن نقشه‌های دیرینه استعمارگران غرب و شرق برای لکهدار ساختن اسلام عزیز قدرت مذهب حق را با ایجاد شکافهای عمیق در کاخهای ظلم و فساد نشان داد و با جاذبه نیرومند اسلام عدالت‌پرور نسل جوان را از سقوط به دامن مکتبهای بی‌پایه نجات داد.

رژیم استبدادی ایران که با حمایت قدرتهای خارجی در مقابله با این نهضت اسلامی و مردمی از آغاز مرتکب فجایع بی‌شماری گردید سرانجام خود را شکست‌خورده احساس نمود و دم از «فضای باز سیاسی» و «آشتی ملی» زد ولی با هشیاری و رشد مذهبی - سیاسی ملت مسلمان ایران در بن‌بست کامل قرار گرفت و ناگزیر برای ادامه سلطه و حیاتش با خشونت‌ت‌ن چون‌آمیز، ایران را به خاک و خون کشید - به طوری که هیچ يك از شهرهای ایران از این تعرض وحشیانه مصون نماند.

فاجعه فراموش‌نشده هفده شهریور تهران (جمعه سیاه) که به دنبال راهپیمایی عظیم عیدفطر و پنجشنبه شانزده شهریور «روز تجلیل از شهدای رمضان» صورت گرفت و در حقیقت رفتارندمی علیه رژیم حاکم بود مردم ما را چنان خشمگین ساخت که کوچکترین اعتنایی به حکومت نظامی غیرقانونی نمودند و بار دیگر همهجا صحنه تظاهرات و راهپیمایی عظیم و بی‌سابقه‌ای گردید و متعاقباً در سرکوبی آنها جنایات شرم‌آور دیگری صورت گرفت که امکان حتی اشاره به همه آنها نیست. به آتش کشیدن مسجد جامع کرمان به نام کولی و زاعه‌نشین و سوزاندن قرآن و هتک مقدسات و نوامیس و همچنین حوادث اسفبار شهرستانهای منطقه کردستان و لرستان و هتک نوامیس در همدان و حمله و کشتار بی‌رحمانه در اکثر شهرستانهای کشور و اخیراً در دانشگاه تهران نمونه‌هایی از این جنایات است که خاطره‌اش هرگز فراموش نخواهد شد.

طبیعی است که پس از فراهم شدن زمینه خشم و طغیان همه اقشار ملت رژیم با ایادی خود در مقام سوءاستفاده و زمینه‌سازیهایی برآمده که آن را به خیال خود توجیهی برای برقراری دولت نظامی و سرکوبی مجدد بدانند و به‌طور رسمی سانسور و اختناق را با شدیدترین وجه بر همه جای کشور حاکم سازند و ضمن ممنوع نمودن هرگونه اجتماعی همه خیابانها و معابر را به صحنه جنگ و لشکرکشی مبدل کرده با سلاحهای سنگین که از بودجه همین مردم تهیه شده به قتل و جرحشان بپردازد.

مردم مسلمان ما به تبعیت از مراجع دینی و بخصوص آن مرجع عظیم‌الشان برای این دولت نظامی به هیچ‌وجه ارزشی قائل نشده به اعتصابات منطقی و برپا ساختن تظاهرات خود ادامه می‌دهند و هم‌اکنون ساعتی نیست که از شهرهای مختلف ایران اخبار مؤلمه‌ای که حاکی از شهادت عزیزان بسیاری است به گوش نرسد و ما را در سوگ‌های تازه‌ای نشاناند. این جانب ضمن ابراز تأسف عمیق خود از این حوادث و مصیبت‌های دردناک و همدردی با تمام داغدیدگان فجایع اخیر، همصدا با ملت مسلمان و مستضعف ایران دعوت حق حضرت‌عالی و سایر علمای اعلام اعلی‌الله کلمتهم را مجدداً لبیک گفته در ادامه انقلاب اسلامی ایران تا پیروزی نهایی و برقراری يك نظام صدرصد اسلامی متکی به آراء عمومی از هیچ کوششی دریغ نخواهم نمود. در خاتمه بقا و دوام رهبری آن زعیم عالیقدر را همواره از خداوند بزرگ مسئلت دارم. والسلام علیکم و رحمة‌الله وبرکاته. حسینعلی منتظری.^۱

۶- در صفحه ۱۵ کتاب جمله‌ای بدین مضمون نوشته شده است: «امام خمینی نعمتی است که ماندش جز در صدراسلام، در طی چهارده قرن بر هیچ امت مسلمانی ارزانی نشد.» این جمله سرگذشتی دارد که لازم است در پایان این کتاب بیان شود. جمله، قسمتی از آغاز مقدمه‌ای است که مؤلف بر کتاب گنری بر زندگی و اندیشه‌های فقیه

عالم‌قدر آیت‌الله منتظری نوشته است. به هنگام چاپ کتاب مذکور، این جمله اشتباهاً از قول حضرت آیت‌الله العظمی منتظری در صدر تصویری از معظم‌له چاپ شد. پس از عرضه آن کتاب به بازار، برادران واحد فرهنگی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پوستری از تصویر آیت‌الله منتظری منتشر کردند که با چاپ این جمله از قول حضرت آیت‌الله منتظری در ذیل آن، همان اشتباه را تکرار کردند. با وجود کوششی که برای جلوگیری از تکثیر جمله مذکور صورت گرفت، اما مدتی بعد از سوی وزارت ارشاد باز پوستری از تصویر حضرت آیت‌الله منتظری در سطح وسیع منتشر گردید که این جمله به زبانهای مختلف ذیل آن چاپ شده بود!

ان‌شاءالله دیگر چنین اشتباهاتی رخ ندهد. والسلام.

مصطفی ایزدی. فروردین ۱۳۶۲.

فهرست اعلام

- آشتیانی، محمدرضا ۶۸
 آل طاهری، محمدصادق ۶۸
 آیت، مجتبی ۱۸۷
 آیت، مرتضی ۲۳
 آیتی، احمد ۶۸
 آیزنهاور ۳۶۵
 ابراهیمی (امام جمعه مریوان) ۳۲۷
 ابراهیمی، حسن ۲۳۱
 ابراهیمی، مصطفی ۶۸
 ابو جهاد ۲۱۷، ۲۱۸
 اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان ایران در
 هند ۳۶۱
 اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان در اروپا
 ۲۶۶-۲۶۳
 احدی، علی اصغر ۶۸
 احمدی، احمد ۶۸
 احمدی، صادق ۱۷۹
 احمدی، علی ۶۷
 احمدی، علی اصغر ۶۸
 احمدی، محمدرضا ۶۸
 اراکی ۲۸۷
 ارتش ۳۵۶، ۳۷۱، ۳۷۲
 اسرافیلیان ۳۴۴
 اسلام‌زدایی ۱۰۰
 اسلامی تربتی ۸۴
 اسماعیلی، حسن ۶۸
 اسماعیلی، محمد ۶۸
 اشراقی ۶۷
 اشکوری، جواد ۶۸
 اصفرنیا ۳۰۲
 اصول فلسفه و روش رئالیسم، کتاب ۳۷، ۴۰
 اعتمادی، محمد ۶۸
 اعلم، جمشید ۱۹۵
 افتخاری، علی ۲۸۴، ۲۸۵
 افتخاری، محمدحسین ۶۸
 اکبری، محمدتقی ۶۸
 الهی‌تهرانی، ابوالفتح ۶۸
 امیری، اکبر ۶۸
 امینی، مجتبی ۶۸
 انجمن اسلامی دانشجویان امریکا و کانادا ۲۶۱
 انجمنهای اسلامی دانشجویان فیلیپین ۲۶۲،
 ۲۶۳
 اندرزگو، علی (شیخ عباس تهرانی) ۲۳۰، ۲۳۱
 انصاری، شیخ مرتضی ۵۱
 انصاری‌آبادی، مصطفی ۶۸
 انصاری‌شیرازی، یحیی ۶۷
 انقلاب اسلامی عراق ۲۹۲، ۲۹۳

ایزدی، عباس ۲۶-۲۳، ۳۱، ۱۵۰، ۱۵۲
ایزدی، غلامحسین ۲۸

تهرانی، محمدصالح ۶۸
تیرانی، عباس ۱۴۴

جامعه‌الامام الصادق ۲۶۸، ۲۶۹

جباری تهرانی، مهدی ۶۸

جبهه پایداری عرب ۲۲۲

جعفرزاده، اسماعیل ۶۸

جلود، عبدالسلام ۲۱۳-۲۱۰

جماعة العلماء (عراق) ۲۳۳

جنبش‌های آزادیبخش ۲۲۲-۲۱۰، ۲۴۷

۳۶۲-۳۶۰: در مراسم دومین سالگرد

انقلاب اسلامی ۲۱۹؛ سمینار در ایران

۳۶۱

جنتی ۶۷

جنگ تحمیلی ۳۳۲-۳۰۲؛ تجهیزات اتمی

۳۰۶؛ توطئه‌های نفاق افکنی ۳۰۶-۳۰۳؛

حوزه فعالیت قوای مسلح ۳۰۶، ۳۰۷؛ کمک

به جنگ‌زدگان ۳۰۹-۳۰۷؛ حضور آقای

منتظری در جبهه‌ها ۳۱۵-۳۰۹؛ سیاست

وقت‌کشی بنی‌صدر ۳۱۶؛ تلگرام

حرکت‌آفرین ۳۱۶؛ عکس‌العمل بنی‌صدر

و... ۳۱۸؛ پیروزی نسبی و سیل پیامها

۳۳۰-۳۲۴؛ تلگرامهای پشتیبانی

۳۳۳-۳۱۹؛ توطئه صلح تحمیلی ۳۳۱،

۳۳۲

جنگ چهارم اعراب و اسرائیل ۱۵۷

جوادی، محمدباقر ۶۸

جوادی، محمدتقی ۶۸

جوادی املی ۶۷، ۲۸۱

جوهری، عبدالرزاق ۲۲۳

جهاد دانشگاهی ۳۳۸

حجازی، عبدالرسول ۶۷

حجت، محمد ۳۷

حجت تبریزی ۳۹، ۴۲

حججی، احمد ۳۴، ۳۷۷

بابی سانز ۳۶۲

بازرگان، مهدی ۲۴۵، ۲۵۱

باقرزاده، علی‌اصغر ۶۸

باقری، علی ۶۸

بانکی ۲۶۲

بحرینی، اسماعیل ۶۸

بحرینی، منیرالدین ۶۸

بختیار، شاپور ۲۰۰

البدرا الزاهر فی صلوة الجمعة والمسافر، کتاب ۴۸

برزینسکی ۳۰۱

بروجردی، (آیت‌الله حاج‌آقا) حسین طباطبایی

۳۰، ۳۷، ۳۹، ۴۰، ۴۲، ۴۳، ۴۷، ۴۸،

۱۱۵، ۵۵

بطحای گلپایگانی، هاشم ۶۸

بنت‌الهدی ۲۳۳

بنی‌صدر، ابوالحسن ۳۱۸، ۳۲۴

بنی‌فاطمی، زین‌العابدین ۶۷

بهائیت ۲۲، ۱۴۰، ۱۴۴

بهائیه‌ها ۴۳

بهبهانی، علی ۹۲

بهشتی، محمدحسینی ۲۸۱

پورنمازی، علی‌محمد ۲۳

«پیروان خط امام خمینی» در فلسطین اشغالی

۲۱۷

تقوایی، قربان ۶۸

تقوی (نماینده آقای منتظری در مانیل) ۲۶۲

تندگویان ۳۰۲

توکلی، احمد ۶۸

تهرانی، حسین ۶۸

تهرانی، داود ۶۷

تهرانی، عباس اندرزگو، علی

مشترك آقايان منتظري و مشكيني ۲۷۷.

۲۷۸

دارالتقريب في مذاهب الاسلاميه ۳۴۲

داور، اكبر ۳۰۲

دری، حسين علی ۲۸

دری نجفآبادی، قربان علی ۶۸، ۳۴۶

دعایی، محمود ۶۸

دوزدوزانی، محسن ۲۸۴، ۲۸۵

دووال، اجن ۲۱۵

ذوالقدرزنجانی، قربان علی ۶۸

راستی کاشانی، حسين ۲۸۱، ۲۸۴، ۲۸۵

ربانی، خدیجه ۴۸

ربانی املشی ۲۸۱

ربانی شیرازی، عبدالرحيم ۵۱، ۵۳، ۶۵

۷۵-۷۰، ۱۹۳، ۱۹۴

رجایی، محمدعلی ۲۹۲، ۳۳۴

رحیمی، اكبر ۶۸

رحیمی، علی اصغر ۶۸

رحیمی، غلامرضا ۶۸

رحیمی، محمدرضا ۶۸

رستمی، حیدر ۶۸

رضوانی (نماینده امام در نوزه) ۳۰۵

رفسنجانی، محمدکاظم ۶۸

روحانی، حسن ۶۸

رودسری، محمدجعفر ۶۸

ریاضی ۳۱، ۳۴، ۴۳، ۴۷

زندى، علی اصغر ۶۸

زندى تهرانی، غلامرضا ۶۸

زیارتی، محمدصادق ۶۷

ساکي خرمآبادی، حجت‌الله ۶۸

سالاری، عباس ۶۸

سبحانی، احمد ۱۷۵، ۱۷۶

حسن‌زاده، عباس ۶۸

حسن‌زاده املی، حسن ۶۷

حسنى، محمدباقر ۲۶

حسنى، محمدصادق ۶۸

حسینی، احمد ۳۰۲

حسینی، محمد ۶۸

حسینی، محمدناصر ۶۸

حسینی اشكوری، ضیاءالدین ۶۷

حسینی روحانی، مهدی ۶۷

حقانی، غلامحسین ۶۸

حکومت اسلامي، کتاب ۵۸

حکیم (مرحوم آیت‌الله) ۵۳، ۱۴۰، ۱۴۴

حکیم، محمدباقر ۲۹۲، ۳۳۲

حمیلزاده ۳۰۵

حوزه علمیه، رسیدگی به نظام ۲۸۵-۲۸۱:

شورای عالی مدیریت ۲۸۴، ۲۸۵

حیدری نهایندی، علی ۶۷

خامنه‌ای، علی ۱۰۳، ۱۶۰، ۱۶۲، ۲۵۸

۲۷۶، ۳۳۴، ۳۳۶، ۳۴۶

خراسانی، محسن ۶۷

خرم‌آبادی، احمد ۶۸

خروشچف ۳۶۵

خزعلی، ابوالقاسم ۶۷

خلیلی، فتح‌الله ۶۸

خمینی، احمد موسوی ۷۸

خمینی (امام)، روح‌الله موسوی ۳۰، ۳۷، ۳۹

۴۰، ۱۰۵، ۱۴۰، ۱۴۴، ۱۵۲، ۳۵۶

۳۵۷؛ احراز مرجعیت ۵۸-۴۹؛ حکم وکالت

آقای منتظری از سوی امام ۵۹، ۶۰؛ دوران

زندان ۶۱؛ نمونه‌ای از اقوال امام درباره

آقای منتظری ۵۹

خمینی، مصطفی موسوی ۲۳۰-۲۲۸

خندق‌آبادی، محمد ۶۷

دادگاه‌های انقلاب ۲۸۱-۲۷۶؛ بخشنامه

- شیرازی، (میرزا) مهدی ۲۲۸
- صابری، احمد ۲۸۴، ۲۸۵
- صاحب‌الزمانی، فتح‌علی ۶۸
- صادقی اشکوری، عبدالله ۶۸
- صالحی، اسماعیل ۶۷
- صالحی، سرفراخ ۶۸
- صالحی، محمدمهدی ۶۸
- صالحی، مصطفی ۶۸
- صالحی نجف‌آبادی، نعمت‌الله ۶۷، ۶۸، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۴۹
- صدر (مرحوم آیت‌الله) ۳۷
- صدر، محمدباقر ۲۳۲، ۲۳۳
- صدر، موسی ۲۱۱
- صفوی، نواب ۲۵۱
- صلواتی، فضل‌الله ۳۳۷
- ضیایی (امام جمعه بندرعباس) ۲۳۵
- طالبی گیلانی، سیدحسین ۶۸
- طالقانی، محمود ۱۰۳، ۱۸۴، ۱۸۷، ۱۹۱، ۱۹۴، ۲۰۲، ۲۵۶-۲۵۱، ۲۸۱، ۳۵۹
- طاهری، حسین ۶۸
- طاهری، صالح ۳۱۶، ۳۱۷
- طاهری، علی‌اصغر ۶۸
- طاهری، محمدصالح ۶۷
- طاهری اصفهانی، جلال‌الدین ۳۰۹، ۳۳۲، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۴۳
- طاهری شیرازی، صدرالدین ۶۸
- طباطبایی، حسین ۶۸
- طباطبایی، محمد ۶۸
- طباطبایی، (علامه) محمدحسین ۳۷، ۴۰
- طباطبایی مهریزی، محمد صدرالدین ۶۸
- عالم نجف‌آبادی، محمد ۳۴
- عبادی، جعفر ۶۸
- سبحانی، شاه‌بیگم ۳۴
- سجادی، حسن ۶۸
- سحابی، عزت‌الله ۱۹۱
- سحابی، یدالله ۲۵۱
- سعادت‌ی خوانساری، عبدالکریم ۶۸
- سعیدی، محمدرضا ۵۴، ۲۳۱، ۲۳۲، ۳۶۶
- سلومون، میشل ۱۰۰
- سمینار بررسی قانون اساسی ۲۷۵
- سمینار حوزه - دانشگاه انقلاب فرهنگی ۲۷۰-۲۶۸، ۲۷۳
- سیدزاده هاشمی، محمدطاهر ۲۳
- سیدلطفی ۶۸
- سیفی یزدی، محمد ۶۸
- شاه‌آبادی، محمد ۶۷
- شیرینی، ابراهیم ۶۷
- شجاعی کیاسری، حسن ۶۸
- شرفی، محمدکاظم ۶۸
- شریعتی، علی ۱۲۹، ۱۳۱، ۱۵۷
- شریعتی، محمدباقر ۶۷
- شریف، جعفر ۶۸
- شریف‌روحانی، محمدحسین ۷۹
- شریفی، محمدحسین ۶۸
- شفایی، ابوالفضل ۶۸
- شفیعی، محمدباقر ۶۸
- شفیق، منیر ۲۱۷
- شمس، طاهر ۲۸۵
- شمس‌آبادی اصفهانی، ابوالحسن ۱۳۱
- شورای عالی قضات شرع ۲۷۹: سمینار ۲۷۹
- شورای عالی قضایی ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۱
- شهاب، فتح‌الله ۶۷
- شهید جاوید، کتاب ۱۳۸-۱۳۸، ۱۴۵، ۱۴۹
- شیبانی، عباس ۱۹۹
- شیرازی، حسن ۲۲۸
- شیرازی، محمد ۲۲۸
- شیرازی، عباس ۶۸

- عبادی، مهدی ۲۴۰، ۲۴۱
 عباسزادگان، محمد ۲۶۹
 عبایی خراسانی، محمد ۶۸
 عبدالسلام، علی ۲۲۲
 عربی تویسرکانی، عبدالعلی ۶۸
 عرفات، یاسر ۲۱۰، ۲۱۹
 عسکراولادی ۲۳۸
 المصر، تفسیر سورة ۱۲۷-۱۲۴
 عظیمی، علی ۶۷
 علوی، حسین ۶۸
 غالی‌یزدی، محمد ۶۸
 غروی، جواد ۶۷
 غضنفری، محمد ۶۸
 غفاری (شهید) ۳۶۶
 فتح‌آبادی، ع. ۳۴۴
 فدراسیون سازمانهای اسلامی در اروپا ۲۶۴
 فرایی زنجانی، علی‌نقی ۶۸
 فرید، م. ۲۵۷
 فیض، محمدعلی ۶۷
 قادری، ملاقادر ۲۴۰، ۳۰۲، ۳۳۶
 قاسمی، حجت‌الله ۶۸
 قاسمی، علی‌نقی ۶۸
 قاضی، مجدالدین ۳۲۲
 قاضی، محمدحسن ۶۷
 قاضی طباطبایی، محمدعلی ۲۲۵، ۲۲۹
 قانون اساسی جمهوری اسلامی ۲۵۰-۲۴۱؛
 سمینار بررسی ۲۷۵؛ همه‌پرسی ۲۴۸،
 ۲۵۰
 قبا، مسجد ۲۲۶
 قدسی، محمدحسین ۶۸
 قدوسی، علی ۲۸۱
 قرشی، حسن ۶۸
 قمی، عباس ۶۷
 کاپوچی، هیلاریون ۲۱۶
 کارتر ۱۹۸، ۲۴۷
 کاشانی‌نژاد، علی‌اکبر ۲۴۶
 کاظم‌زاده، اصغر ۶۸
 کاظمی، علی ۶۸
 کروی، مهدی ۶۸
 کریمی، علی ۶۸، ۲۸۵ (?)
 کنفرانس طائف ۲۴۰
 کیانی، حجت‌الله ۶۷
 کیانی، غلامرضا ۶۸
 گرامی، محمدعلی ۶۷
 گروگانهای امریکایی ۲۴۷
 گلپایگانی، جلال‌الدین ۲۸۴
 گلپایگانی، (آیت‌الله) محمدرضا ۱۳۵، ۲۸۴،
 ۲۸۵، ۳۴۰
 گلی اشکوری، رحمت‌الله ۶۸
 لیبی، ۲۱۱-۲۱۴
 مارکوس، الیندروس ۲۱۴
 مجاهدین خلق ۳۶۸، ۳۶۹
 مجلس خبرگان ۲۵۰-۲۴۱
 محتشمی، علی‌اکبر ۶۸
 محدثی، جواد ۱۰۴
 محزون‌زاده، علی‌اصغر ۶۸
 محصل، محمدنقی ۶۸
 محصلی، عبدالعظیم ۶۷
 محفوظی، عباس ۶۷
 محقق، جواد (م. آتش) ۲۰۵
 محقق، علی ۶۸
 محقق‌یزدی (داماد)، محمد ۳۷، ۳۹
 محمدداود ۳۳۷
 محمدی، عبدالله ۲۳۷
 محمدی، علی ۶۸
 محمدی، غیاث‌الدین ۶۸

- محمدی، مرتضی ۲۷۲
 محمدی گیلانی، محمد ۶۷
 مدرسی، محمدتقی ۳۲۷
 مدرسی، محمدهادی ۲۲۳
 مدنی، اسدالله ۳۳۵، ۳۴۴
 مدنی، یوسف ۶۷.
 مرعشی نجفی، (آیت‌الله) شهاب‌الدین ۶۵،
 ۲۸۴
 مروارید، علی اصغر ۶۷، ۱۰۰، ۱۷۵، ۱۷۶
 مسافری، ابوالقاسم ۳۱
 مسجدی (مدیر)، ملاحسین علی ۳۴
 مسعودی، علی اکبر ۶۷
 مشکینی اردبیلی، علی ۱۲۹، ۲۷۶،
 ۲۸۱-۲۷۸، ۳۳۴، ۳۴۳، ۳۴۴
 مصباح یزدی، محمدتقی ۶۷
 مصطفوی، محمد ۶۸
 مطلبی، رضا ۶۸
 مطهری، مرتضی ۳۰، ۴۲-۳۵، ۱۰۵، ۲۰۲،
 ۲۲۴، ۳۴۱
 مظاهری، حسین ۶۷
 معادینخواه، عبدالمجید ۶۸
 مفتح، محمد ۲۲۶، ۲۷۳، ۲۷۵
 مفیدی دلچانی، حسین ۶۷
 مقدسی، محمدعلی ۶۸
 ملاشیخ صالح ۳۳۷
 ملامحمد ۳۳۷
 مایوسفی، غلامرضا ۶۸
 ملکنزاده، محمد ۶۸
 ملکوتی، مسلم ۲۸۱
 ملکی، عباس ۶۸
 منبری، امین ۳۲۸
 منتظری، احمد ۱۸۲
 منتظری، علی ۲۷-۲۴، ۴۲، ۴۷؛ مصاحبه
 ۲۸-۳۳
 منتظری، محمدتقی ۶۸
 منتظری، محمدعلی ۲۳، ۲۴، ۲۹، ۳۰، ۶۳،
 ۳۱، ۷۸، ۷۵، ۶۹، ۲۳۱
 منصور، غلامحسین ۳۴
 منوچهر طاهری، حبیب ۶۸
 موحدی لنگرانی، محمد ۶۷
 موسوی، اعظم ۶۸
 موسوی، مرتضی ۶۸
 موسوی، موسی ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۸
 موسوی اردبیلی ۲۸۱
 موسوی خوئینی، محمد ۶۸
 موسوی زنجانی، میرآقا ۶۷
 موسوی یزدی، احمد ۶۸
 مولوی شهادت ۳۳۴، ۳۳۶
 مولوی فیض محمدحسین بُر ۲۴۰، ۲۴۱
 مؤمن، محمد ۶۷، ۲۸۴
 مؤیدی، مهدی ۶۸
 مهدوی، مهدی ۶۸
 مهری، احمد ۲۲۳
 مهری، عباس ۲۲۳
 میثمی، لطف‌الله ۱۹۱
 میرزای شیرازی ۵۱، ۵۳
 میرسلیم ۳۰۲
 میرصادقی ۲۶۲
 میرلوحی، حسین ۶۸
 نادری، محمدرضا ۶۸
 نادری، غلامحسین ۲۳
 ناصرزنجانی، حسین ۶۸
 ناصری ۱۰۰
 ناصریان، محمد ۶۸
 ناطق تهرانی، علی اکبر ۶۷
 نائینی، حسین ۶۸
 نجف‌آباد ۲۶-۲۱، ۲۹، ۳۱، ۴۳، ۴۷؛ بهاییها
 ۴۳؛ حجاب زنان ۲۲؛ در قیام پانزدهم خرداد
 ۶۱، ۶۲؛ حضیره‌القدس ۲۲؛ نماز جمعه ۲۵،
 ۲۶، ۲۸؛ نمایش «تارتوف» ۲۲
 نظام آموزشی طلبگی (سیستم حوزه‌ای) ۲۶۷

واتیکان ۲۸۳
 وحدت ۳۵۸، ۳۵۹
 وحدت حوزه علمی و دانشگاه ۲۷۵-۲۵۸؛
 سمینار وحدت ۲۵۹؛ روز وحدت ۲۷۵
 ولایت ۱۲۳-۱۱۴، ۱۶۰-۱۵۷
 ولایت فقیه ۵۸، ۲۵۰
 وهابیت ۱۵۹
 هآرتس، روزنامه ۱۰۰
 هاشمی، مهدی ۱۹۱
 هاشمی (موسوی)، هادی ۱۵۰
 هاشمیان، حسین ۶۸
 هاشمی قهدریجانی، محمد ۳۴، ۳۵
 هانی‌الحسن ۳۱، ۲۱۰، ۲۱۵، ۲۱۷
 هدفها ۱۳۱
 یکتایی، هیبت‌الله ۱۷۵
 یوسفیان ایروانی، عباس ۶۸

نظری خادم‌الشریعه، عبدالله ۶۷
 نقشبندی، محمدسعید ۲۳۵
 نمازجمعه، در دوران اختناق ۱۲۷-۱۰۰؛ دفتر
 مرکزی ۳۴۰؛ سمینار سراسری ائمه جمعه
 و قطعنامه آن ۳۳۲-۳۴۴؛ سمینار ائمه
 جمعه استان مرکزی و تهران ۳۴۴-۳۴۶؛
 طرح کنگره جهانی ائمه جمعه ۳۷۷، ۳۴۰
 نوبری، علیرضا ۳۰۲
 نوراللهی، محمد ۶۸
 نورانی، سیف‌الله ۶۸
 نورانی، علی ۶۸
 نورمفیدی، کاظم ۳۳۲
 نوروزی، یوسف ۶۸
 نوری، حسین ۶۷، ۲۶۲
 نوژه، پایگاه ۳۰۵
 نهایت‌الاصول، کتاب ۴۸
 نیروهای مسلح ۳۷۳-۳۷۱